

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عصر ولایت فقیہ

تألیف

یونس یوسفی

محمد جواد سعدی



چاپ ۱۴۰۲

سرشناسه	:	یوسفی؛ یونس / ۱۳۷۶ م.
عنوان و نام پدیدآور	:	عصر ولایت فقیه / تألیف: یونس یوسفی؛ محمدجواد سعدی
مشخصات نشر	:	تهران / تفکر آینده ساز ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	:	۳۷۰ ص. وزیری ۱۷*۲۴
شابک	:	978-622-5236-72-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه
موضوع	:	ایران -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴ خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹ - ۱۳۶۸. -- تأثیر ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷
شناسه افزوده	:	سعدی؛ محمدجواد / ۱۳۷۱ م.
رده بندی کنگره	:	DSR۱۵۷۰
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۴۱۶۶۶۸

حقوق مادی و معنوی برای انتشارات و مؤلف محفوظ است و هر گونه کپی برداری پیگرد قانونی دارد



تألیف یونس یوسفی؛ محمدجواد سعدی
 ناشر تفکر آینده ساز
 مدیر تولید مؤسسه زند
 شمارگان ۱۰۰۰ جلد
 نوبت چاپ اول، ۱۴۰۲
 قیمت ۳۸۵ هزار تومان

ISBN: 978-622-5236-72-1

فهرست

فصل اول اندیشه برتر و روشنفکر نما

- ۱۰..... قرارداد ترکمانچای
- ۱۰..... قرارداد گلستان
- ۱۱..... قرارداد ۱۹۱۹
- ۱۱..... قرارداد رویتر
- ۱۲..... قرارداد رژی
- ۱۳..... نقش مردم و روحانیت در تحریم تنباکو
- ۱۵..... قرارداد لوزان
- ۱۷..... قرارداد الجزایر
- ۱۸..... امتیاز لاتاری سال ۱۲۶۷ شمسی (۱۸۸۹ میلادی)
- ۱۹..... امتیاز دارسی سال ۱۲۸۰ شمسی (۱۹۰۱ میلادی)
- ۲۰..... معاهده پاریس
- ۲۱..... مفاد قرارداد
- ۲۲..... امتیاز هوتز
- ۲۲..... قرار داد آرمیتاژ اسمیت (S. A. Armitage-Smith)
- ۲۳..... قرارداد ۱۹۳۳
- ۲۳..... قرارداد گس-گلشائیان
- ۲۴..... قرارداد کنسرسیوم
- ۲۵..... خیانت‌های پهلوی اول و دوم
- ۲۵..... بی‌سواد فحاش!
- ۲۶..... دیکتاتوری که مجلس را تحمل نمی‌کرد!
- ۲۸..... از دین شعاری تا دین‌ستیزی!
- ۲۹..... اقتصاد ویران در دوره رضاشاه!
- ۳۰..... پرونده سراسر سیاهی!
- ۳۱..... خدمات یا خیانت محمدرضا شاه
- ۳۴..... انتشار سربسته تصویب لایحه
- ۳۵..... واکنش امام خمینی ره
- ۳۹..... واکنش علما، مردم و جریان‌های سیاسی
- ۴۰..... واکنش رژیم به مخالفت امام خمینی
- ۴۱..... پیامدها
- ۴۲..... لغو رسمی کاپیتولاسیون
- ۴۵..... نقطه آغاز مبارزه با آمریکا

۴۶ نقش روحانیت در شکل‌گیری مبارزات ضد آمریکایی
۴۷ خط‌دهی مبارزات ضد آمریکایی توسط امام خمینی ^(ه)
۴۹ مبارزه مستقیم با آمریکا
۵۰ دستور شکنجه مردم توسط آمریکا
۵۰ ارتباط سیا و موساد با ساواک را چگونه تحلیل می‌کنید؟
۵۳ ریشه‌های شعار مرگ بر آمریکا
۵۳ تبیین مبارزه با آمریکا توسط امام خمینی
۵۴ شعار "مرگ بر آمریکا" در تاریخ نهضت اسلامی
۶۱ نتیجه‌گیری
۶۳ منابع و مأخذ

فصل دوم خبائت‌های دشمنان اسلام

۶۶ مقدمه
۶۶ تامین منافع انگلیس با روی کار آمدن رضاخان
۶۸ عقب‌ماندگی ایران
۶۹ سرکوب عشایر
۷۱ چپاول نفت
۷۲ انعقاد پیمان سعدآباد
۷۳ مروری بر جنایت‌های آمریکا، انگلیس
۷۳ مروری بر جنایت‌های آمریکا
۷۴ نسل‌کشی بومیان آمریکا
۸۲ سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و طرح تجزیه طلبی ایران
۸۶ انسجام‌بخشی به گروه‌های قومی
۸۸ حمایت‌های رسانه‌ای آمریکا از تجزیه‌طلبان
۹۱ نقش آمریکا در تثبیت دیکتاتوری جهانی
۹۱ اضمحلال نهضت مردمی ایران با راه‌اندازی کودتا
۹۲ حمایت آمریکا از دیکتاتوری رژیم بحرین و سرکوب خواسته‌های عمومی
۹۳ حمایت آمریکا از دیکتاتوری اتیوپی و سرکوب حرکت‌های مردمی
۹۴ آمریکا و تلاش برای انحراف انقلاب مردمی نیکاراگوئه در مسیر استقرار دموکراسی
۹۵ تلاش برای سرکوب مخالفان رئیس‌جمهوری گینه استوایی و بی‌توجهی به دموکراسی
۹۵ خیزش‌های مردمی مصر و ممانعت آمریکا از تحقق آرمان‌های ملی
۹۶ تلاش آمریکا برای دگردیسی در اهداف انقلابی مردم یمن
۹۷ جنایات آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر
۹۸ لشکرکشی آمریکا به منطقه خاورمیانه و تلاش برای گسترش جنگ خاورمیانه
۱۰۰ ادامه بهره‌برداری از سیاست تروریست پروری

۱۰۱	قتل عام «نوگان ری» در جولای ۱۹۵۰
۱۰۲	عملیات اسپیدی اکسپرس، دسامبر ۱۹۶۸ تا می ۱۹۶۹
۱۰۲	بزرگراه مرگ، فوریه ۱۹۹۱
۱۰۳	بمباران پناهندگان آلبانیایی در کوریشا، می ۱۹۹۹
۱۰۳	نبرد دوم فلوجه، نوامبر ۲۰۰۴
۱۰۳	بمباران بیمارستان قندوز، اکتبر ۲۰۱۵
۱۰۴	بمباران القوات الجدیده، مارس ۲۰۱۷
۱۰۴	محاصره رقه، ژوئن تا اکتبر ۲۰۱۷
۱۰۵	چامسکی: اروپا در نظام تحت سلطه آمریکا افول را تجربه خواهد کرد
۱۰۶	افول غیر قابل انکار آمریکا
۱۰۷	بمب اتمی و کودتای جنگ سرد
۱۰۸	جنگ ویتنام
۱۰۹	عمق کینه آمریکا از امام خمینی ره به روایت ادورادو آنیلی
۱۱۰	جنایت‌های انگلستان در طول تاریخ
۱۱۰	۱- جنایت انگلیس در افغانستان
۱۱۰	۲- اشغال هند و قحطی‌های کشنده
۱۱۱	۳- جنگ بوئر در آفریقای جنوبی
۱۱۱	۴- نسل کشی ایرانیان در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹
۱۱۲	۵- بمباران شیمایی عراق توسط انگلیس
۱۱۳	۶- قتل عام مردم آلمان توسط انگلیس در جنگ دوم جهانی
۱۱۳	۷- کشتار مردم ایرلند شمالی
۱۱۴	۸- کشتار مردم یمن
۱۱۴	نتیجه‌گیری
۱۱۵	منابع و مآخذ

فصل سوم

نظر اندیشمندان جهان در خصوص رهبران انقلاب اسلامی در عصر ولایت فقیه

۱۱۸	مقدمه
۱۱۸	کوفی عنان
۱۱۹	خاویز پرز دکوئیار
۱۱۹	ولادیمیر پوتین
۱۲۰	دیلیپ داروا وزیر صنایع بنگلادش:
۱۹۹	متفکران غربی
۲۰۶	دکتر آندری گیریر اسلام‌شناس و عرب‌شناس؛
۲۱۰	دکتر پیتر شول روزنامه‌نگار؛

توضیح	۲۱۶
توضیح	۲۲۶
توضیح	۲۲۸
توضیح	۲۲۸
مطالعه بی‌طرفانه‌ای در مورد انقلاب ایران	۲۵۰
امام خمینی و انقلاب اسلامی در بیان جهان معاصر	۲۵۰
نتیجه	۲۵۸
منابع و مآخذ	۲۶۱

فصل چهارم نفوذ فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای دیگر

مقدمه	۲۶۶
الف. عناصر فرهنگی تأثیرگذار انقلاب اسلامی	۲۶۷
ب. مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگ عمومی	۲۷۱
ج. مؤلفه‌ها و عناصر ادبی و هنری	۲۷۲
الف. مؤلفه‌ها و عناصر دینی	۲۷۴
ب. مؤلفه‌ها و عناصر علمی و معرفتی	۲۷۵
مؤلفه‌ها و عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در یک نگاه	۲۷۷
عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای آسیایی	۲۸۸
عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای آمریکایی	۲۹۳
عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای اروپا	۲۹۸
مصادیق عناصر تأثیرگذار	۲۹۸
عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای آفریقایی	۳۰۴
عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای آسیایی	۳۱۱
تأثیر انقلاب اسلامی در رفتار اسلامی و پوشش اسلامی زنان مسلمان	۳۱۲
نفوذ انقلاب اسلامی در قاره کهن	۳۲۹
۱- جنوب شرق آسیا	۳۳۰
۲ شبه‌قاره هند	۳۳۳
۳. آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه	۳۴۰
عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای اروپا	۳۴۶
منابع	۳۴۷

فصل پنجم طرح مباحثی پیرامون انقلاب اسلامی

در بیانات استاد گرامی میر احمد رضا حاجتی نویسنده کتاب عصر امام خمینی ره

تدافع، تهاجم، جنگ تمدنی	۳۵۶
نفوذ گفتمان امام	۳۶۱
شخصیت امام در دهه‌ی بیست با امام دهه‌ی چهل	۳۶۳
موضوع؛ انقلاب اسلامی (نماز جمعه تهران)	۳۶۵

فصل اول

اندیشه برتر و روشنفکر نما

(طرح مباحثی پیرامون خیانت‌های پادشاهان و کشورهای بیگانه به ایران و مبارزه تمام‌عیار روحانیت در راستای منافع دینی و ملی)

قرارداد ترکمانچای

درواقع قرارداد ترکمانچای پیمان یا قراردادی است که در اول اسفند ۱۲۰۶ (۲۱ فوریه ۱۸۲۸) در پی جنگ‌های ایران و روسیه در دوران قاجار بین این دو کشور به امضاء رسید. برای امضای این پیمان از سوی فتحعلی شاه پادشاه ایران میرزا ابوالحسن خان و الله‌یار خان آصف‌الدوله و از سوی امپراتوری کشور روسیه ایوان پاسکویچ حضور داشتند. این معاهده بعد از عهدنامه گلستان و به دنبال شکست ایران در جنگ در قفقاز جنوبی و آذربایجان امضاء شد و طی آن برخی قلمروهای دولت قاجار در قفقاز شامل خانات ایروان و نخجوان از حکومت ایران سلب یا گرفته‌شده به روسیه واگذار شد. ایران حق کشتی‌رانی در دریای خزر را از دست داد و ملزم به پرداخت ۱۰ کرور تومان به‌عنوان غرامت یا خسارت به روسیه شد. این معاهده به جنگ‌های ایران و روسیه در دوران قاجار پایان داد و دولت روسیه متعهد شد که از پادشاهی ولیعهد وقت عباس میرزا حمایت کند و آن را به رسمیت بشناسد.^۱

قرارداد گلستان

قرارداد گلستان پیمان یا قراردادی است که در تاریخ ۳ آبان ۱۱۹۲ در پی جنگ‌های ایران و روسیه در دوران قاجار بین این دو کشور به امضاء رسید. به دنبال این قرارداد حکومت قاجار بخش‌هایی از شمال دولت شاهنشاهی ایران شامل قفقاز، ارمنستان و ایالت‌های شرقی گرجستان یعنی کاختی و کارتلی از ایران سلب یا گرفته‌شده و به روسیه تزاری واگذار گردید.^۲

۱. گرانوفسکی، ادوین آرویدوویچ، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، صفحه: ۱۳، پویش، تهران - ایران، ۱۳۵۹ ه.ش.
 ۲. محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، جلد: ۱، صفحه: ۱۷۴، اقبال، تهران - ایران، ۱۳۷۸ ه.ش.

قرارداد ۱۹۱۹

در سال ۱۹۱۹ میلادی انگلیس قرارداد یا معاهده‌ای به اسم معاهده یا قرارداد ۱۹۱۹ را به دولت و ثوق‌الدوله تحمیل کرد. در جنگ جهانی همه قدرت‌های ذی‌نفوذ در ایران ضعیف شدند. روسیه با انقلاب داخلی در اکتبر ۱۹۱۷ پای خود را از ایران بیرون کشید و عثمانی هم به دلیل شکست آلمان و متلاشی شدن امپراتوری چندین ساله خلافتی چندتکه شد. انگلیس در این جنگ خود را فاتح یا برنده می‌دانست و به‌تنهایی خود را قدرت بی‌دلیل در ایران احساس می‌کرد. به همین سبب این قرارداد را بر ایران تحمیل کرد. قرارداد ۱۹۱۹ در واقع یک قرارداد قومیتی محترمانه بود که طی آن انگلیس حکومت ایران را اداره و بازسازی و تکمیل می‌کرد و و ثوق‌الدوله که یکی از مهره‌های انگلیس در ایران بود این قرارداد را با سرپرسی کاکس در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۲۹۸ شمسی به امضاء و توافق رساند و چون در این زمان ایران فاقد هر مجلسی بود به‌عنوان مصوبات دولت قانونی پذیرفته شد.

این قرارداد پس از رفتار تجاوزگرانه انگلیس در جنوب و غرب ایران و کشتار رزمندگان جنوب اثر بسیار نامطلوب و بدی را در بین مردم داشت و به گفته کالدول، سفیر وقت آمریکا: «تنها حامیان موافقت‌نامه که شامل دربار، رئیس‌الوزرا و وزیر امور خارجه می‌شوند کسانی بودند که از انگلیسی‌ها رشوه دریافت کرده بودند».

اما مراجع شیعه به‌محض اطلاع از این قرارداد با همه شکست‌های پی‌درپی از انگلیسی‌ها، در کاظمین اجتماع کردند و شاه را از پذیرفتن این قرارداد بر حذر می‌داشتند.^۱

قرارداد رویتر

به‌موجب این قرارداد که همان قرارداد رویتر است ساختن هرگونه راه و راه‌آهن و سد از دریای مازندران تا خلیج‌فارس و بهره‌برداری از همه معادن ایران (به‌جز طلا و نقره) ایجاد مجاری آبی و قنات و کانال‌ها برای کشتی‌رانی یا کشاورزی، ایجاد بانک و هرگونه کمپانی صنعتی در سراسر ایران، حق انحصار کارهای عام‌المنفعه، خریدوفروش توتون و تنباکو، استفاده و بهره‌برداری از جنگل‌ها برای مدت ۷۰ سال و استفاده از گمرکات ایران

۱. سایت <https://vakil24.net/> اکتبر ۱۳، ۲۰۲۲

به مدت ۲۵ سال درازای پرداخت ۲۰۰ هزار لیره انگلیسی و سود پنج درصد، در اختیار رویتر قرار می‌گرفت.

پیش از اجرا به دلیل اعتراض روحانیون و فشار روس‌ها توسط ناصرالدین‌شاه باطل شد. حتی دولت انگلستان حاضر به طرفداری از جاه‌طلبی بیش‌ازحد رویتر نشد. رویتر از بابت فسخ قرارداد به مدت ۱۷ سال پیگیر خسارات خود بود و سرانجام با کمک سرهنری دراموند ولف، سفیر یهودی انگلستان در ایران موفق به عقد امتیازنامه رویتر دوم شد که بابت آن امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی ایران در ۱۱ بهمن ۱۲۶۷ شمسی (۱۸۸۹ میلادی) را گرفت

دلیل اعطای امتیاز رویتر: میرزا حسین‌خان سپه‌سالار (صدراعظم) ۵۰ هزار لیره، میرزا ملکم‌خان (وزیر امور خارجه) ۲۰ هزار لیره، معین‌الملک (وزیر تجارت) ۲۰ هزار لیره و مبالغی نیز برخی دیگر از دولت‌مردان قجری به‌عنوان رشوه برای عقد این قرارداد از انگلیسی‌ها دریافت کرده بودند. این عهدنامه در روستای گلستان در شهر قفقاز به امضاء رسید و به این خاطر به این نام مشهور یافت. متن عهدنامه توسط سفیر وقت بریتانیا در ایران سرگور اوزلی تنظیم و توسط نمایندگان روسیه و ایران امضاء شد.

نتیجه: پیش از اجرا به دلیل اعتراض روحانیون و فشار روس‌ها توسط ناصرالدین‌شاه باطل شد. حتی دولت انگلستان حاضر به طرفداری از جاه‌طلبی بیش‌ازحد رویتر نشد. رویتر از بابت فسخ قرارداد به مدت ۱۷ سال پیگیر خسارات خود بود و سرانجام با کمک سرهنری دراموند ولف، سفیر یهودی انگلستان در ایران موفق به عقد امتیازنامه رویتر دوم شد که بابت آن امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی ایران در ۱۱ بهمن ۱۲۶۷ شمسی (۱۸۸۹ میلادی) را گرفت.^۱

قرارداد رژی

پس از سفر سوم ناصرالدین‌شاه به فرهنگ، خزانه خالی شد. تالبوت در جریان پذیرایی از شاه و هیئت همراه او اطلاعات خودش را درباره محصول تنباکوی ایران تکمیل و سپس رایزنی در این زمینه را آغاز کرد. او برای اخذ امتیاز شرکتی به نام رژی را با کمک دولت

۱. نصری، قدیر، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، ص ۷۸ و ۷۹. مجد، محمدقلی، انگلیس و اشغال ایران در جنگ جهانی اول، صفحه: ۳۱، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران - ایران، ۱۳۹۰، ه.ش.

انگلیس و سرمایه‌داران انگلیسی تأسیس کرد. وی پس از آن وارد ایران شد و مقدمات کار را به‌طور محرمانه آغاز کرد. تالبوت هر جا به مانعی برخورد می‌کرد با دادن رشوه کارش را از پیش می‌برد. تا جایی که در مقطعی حتی به خود شاه نیز ۲۵ هزار لیبره رشوه داد و قرار گذاشت هر سال ۱۵ هزار لیبره نیز به شخص شاه هدیه (رشوه) بدهد.

در این قرارداد شرکت رژی متعهد می‌شد درازای انحصار خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران به مدت ۵۰ سال، سالانه مبلغ ۱۵ هزار پوند استرلینگ به همراه یک چهارم سود خالص خود را به شاه بپردازد. به‌موجب این امتیاز کمپانی رژی صاحب حق انحصاری تجارت تنباکوی ایران و حتی نظارت بر زراعت آن شناخته می‌شد.

در نتیجه میرزای شیرزای حکم تاریخی خود را از سامرا صادر کرد: متن حکم میرزا چنین بود: «بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال تنباکو و توتون بأی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. الاحقر محمد حسن الحسینی» با تحریم توتون و تنباکو حتی داخل کاخ شاه، قلیان‌ها شکسته شد و با فشار مردم تهران به رهبری میرزای آشتیانی، سرانجام ناصرالدین شاه حکم به لغو امتیاز رژی داد.

نظام السلطنه مافی، حسین قلی، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، جلد: ۱، صفحه: ۲۶۶، نشر تاریخ ایران، تهران - ایران، ۱۳۶۲ ه.ش.

نقش مردم و روحانیت در تحریم تنباکو

قرارداد انحصار تنباکوی ایران در ۲۷ رجب ۱۳۰۸ ق به امضای سرهانی و لوف سفیر انگلیس در ایران رسید و سپس ناصرالدین شاه آن را امضاء کرد. در این قرارداد پنجاه‌ساله نه منافع دولت و نه منافع ملت و نه استقلال ایران، هیچ‌کدام در نظر گرفته نشد. مردم شیراز به رهبری سید علی‌اکبر فال‌اسیری به حضور اتباع انگلیسی واکنش نشان دادند. پس از آن مردم تبریز قیام دیگری را علیه قرارداد تنباکو رقم زدند. علمای اصفهان نیز با فتوای تحریم تنباکو به حمایت مردم برخاستند. تهرانی‌ها هم با زعامت میرزا حسن آشتیانی و خطابه‌های آتشین فاضل دربندی به این قرارداد واکنش نشان دادند. در قزوین، یزد و کاشان نیز تظاهراتی برضد شرکت رژی به وقوع پیوست و در خراسان به رهبری حاج شیخ محمدتقی بجنوردی و حاج میرزا حبیب مجتهد شهیدی، مردم دکان‌ها و بازار را بستند و تظاهراتی نیز به پا داشتند.

ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ ق برای سومین بار به اروپا رفت و مورد احترام زیاد قرار گرفت. با برنامه‌ریزی همراهان ایرانی و میزبانان اروپایی، ژرژ جرال د تالبوت، از نزدیکان

سالیسبوری، نخست‌وزیر انگلستان ضیافتی به افتخار شاه ترتیب داد و به کمک اعتمادالسلطنه و امین‌السلطان موضوع قرارداد انحصار تنباکوی ایران را با شاه مطرح کرد و شاه نیز پذیرفت. تالبوت پس از بازگشت ناصرالدین شاه، به ایران آمد و قرارداد انحصار تنباکو را با پادرمیانی امین‌السلطان تهیه کرد. قرارداد در ۲۷ رجب ۱۳۰۸ ق به امضای سرهانری ولف، سفیر انگلیس در ایران، رسید و سپس شاه آن را امضاء کرد.

این قرارداد شامل یک مقدمه و پانزده فصل بود که در مقدمه‌ی آن با امضای ناصرالدین شاه چنین آمده است: «صورت فرمان تنباکو و توتون مینوپل (انحصار) خرید و فروش و ساختن در داخل و خارج، کل توتون و تنباکویی که در ممالک محروسه به عمل آورده می‌شود تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این انحصارنامه به ماژور تالبوت و شرکاء خودشان، مشروط به شرایط ذیل مرحمت واگذار فرمودیم».

در مقابل این انحصار، شرکت رژی موظف شد سالیانه مبلغ پانزده هزار لیر انگلیسی به خزانه واریز کند و پس از کسر مخارج، به اضافه ۵٪ از باقی مانده، ۲۵٪ از سود خالص را به دولت بپردازد. دکتر فوریه، طبیب مخصوص ناصرالدین شاه که در سفر سوم از طرف دکتر طلوزان معرفی شد تا به جای وی به ایران بیاید، از اول در جریان قرارداد رژی قرار گرفت. او به دلیل حضور در دربار، اطلاعاتی جالب را ارائه می‌دهد و چنین می‌گوید: «شرکت انگلیسی این امتیاز را با دادن رشوه‌هایی گزاف که به دو میلیون لیره بالغ می‌شود گرفت و حق این است که تحصیل آن به این خرج می‌ارزیده است».

آنچه مسلم است اینکه در این قرارداد پنجاه ساله نه منافع دولت و نه منافع ملت و نه استقلال ایران، هیچ‌کدام در نظر گرفته نشد. انحصار تجارت و صادرات تنباکو و مشتقات آن لطمه‌ی شدیدی را به تجار بزرگ و کسبه‌ی خرده‌پا می‌زد و از طرف دیگر تولیدکنندگان که موظف به فروش محصول خود به یک خریدار خارجی می‌شدند، هیچ آزادی عمل برای خود احساس نمی‌کردند. آن‌ها موظف بودند محصولات خود را با نرخ تعیینی از طرف شرکت، تحویل دهند یا نگهدارند. نگهداری تنباکو نیز موجب سیاه شدن یا کرم افتادن آن می‌شد که نتیجه دسترنج سه فصله‌ی مردم بود. مصرف‌کنندگان که در آن زمان تقریباً شامل همه‌ی خانواده‌های ایرانی می‌شدند، بدون رعایت شیوه‌ی خرید و فروش آن زمان که بیشتر به شکل تبادل کالا یا خدمت در مقابل کالا بود، فقط از طریق پرداخت نقدی می‌توانستند جنس مورد نیاز خود را تأمین کنند. مجموعه‌ی این مسائل، بیشتر مردم را از لحاظ اقتصادی نگران کرد. مسئله‌ای دیگر که منجر به

نگرانی روزافزون مردم متدین و علما شد، ورود سرسام‌آور بیگانگان انگلیسی بود که همراه شرکت به ایران می‌آمدند. به روایت دکتر فوریه «یک اردو از رعایای انگلیس و کارگران شرکت، چه شرقی، چه انگلیسی، از هر طرف به ایران ریختند... طولی نکشید که ورود این همه انگلیسی به ایران، تولید سرو صدا کرد... حتی گفته می‌شد در بعضی نقاط مثل یزد، کار به شورش نیز کشیده شد». این نگرانی در منابع غیر دولتی کاملاً ثبت شده است.

مسئله‌ی مهم دیگر که موجب تشویش مردم ایران شده بود، تسلط بیگانه‌ی غیر مسلمان بر آن‌ها بود. مردم مسلمان آموخته بودند که نباید کفار بر آن‌ها سلطه پیدا کنند و همین آموزه در جنگ‌های روس و ایران موجب تهییج و بسیج آن‌ها شده بود؛ اما امروز سلطه را در شکل اقتصادی سیاسی می‌دیدند. از این رو مردم خواسته‌های خود را در تلگراف به شاه به صورت واضح بیان می‌کردند که «از واگذاشتن منابع مسلمین به عیسویان که مخالف قرآن است خودداری نماید و اگر این تقاضا مورد قبول نیاید، خود با اسلحه از حقوق حقه‌ی خویش دفاع خواهند کرد.» در این میان مردم تهران، فارس، آذربایجان و اصفهان، بیشتر از سایر نقاط ایران، واکنش نشان دادند.^۱

قرارداد لوزان

توافق‌نامه یا همان **قرارداد لوزان** که در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ یعنی ۹۵ سال پیش در شهر لوزان سوئیس به توافق و امضاء رسیده به عنوان سند تاسیس جمهوری ترکیه پذیرفته شد و این توافق‌نامه به رسمیت شناختن ترکیه به عنوان یک کشور مستقل و دارای حاکمیت است که اثرات آن تا به امروز نیز ادامه دارد.

توافق‌نامه لوزان نام پیمان صلحی بود که در سال ۱۹۲۳ میان نمایندگان مجلس ملت کبیر ترکیه از یک سو و انگلستان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، یونان، رومانی، بلغارستان، پرتغال، بلژیک و یوگسلاوی در شهر لوزان به امضاء و توافق رسید و مرزهای ترکیه در لوزان مشخص شد.

هیأتی به ریاست عصمت اینونو و با حضور دکتر رضا نوری و حسن ساکا به نمایندگی از ترکیه در این مذاکرات حضور داشتند. قاضی مصطفی کمال آتاترک در کتاب نطق

۱. سایت اسناد انقلاب اسلامی / <https://irdc.ir/fa/news> / کد خبر ۸۲۲۵ / تاریخ انتشار: ۱۴:۵۱ - ۲۵

درباره توافق نامه صلح لوزان گفته بود: این توافق نامه به مثابه دفع سوء قصد علیه ملت ترک است که از قرن ها پیش برای نابودی این ملت تدارک دیده شده و با عهدنامه سور کامل شده بود.

روند مذاکرات پیمان لوزان در ۲۰ نوامبر ۱۹۲۲ آغاز و از ترکیه خواسته شد تا در زمینه "کاپیتولاسیون" و "حکومت ارمنستان" مصالحه کند.

این مذاکرات در ۴ فوریه سال ۱۹۲۳ به علت مسائل مربوط به تنگه ها، کاپیتولاسیون، بدهی های دولت عثمانی، وضعیت شهرهای موصل و کرکوک متوقف شد. مذاکرات در ۲۳ آوریل ۱۹۲۳ مجدداً آغاز شد. مرز سوریه نیز براساس توافق نامه آنکارا که در ۲۰ اکتبر ۱۹۲۱ به تصویب رسیده بود پذیرفته و مشخص شد.

بر این اساس تعیین مرز عراق نیز به نتیجه گفت و گویی بین مجلس ترکیه و انگلستان در آینده موکول شد. مرز یونان نیز همانند توافق نامه مولداوی پذیرفته شد ولی یونان منطقه کاراآغاج را به عنوان غرامت جنگی به ترکیه واگذار کرد. با این پیمان مرزهای شوروی، مسکو و قارص همانند آنچه که در پیمان های قبل مشخص شده بود باقی ماند. تاسیس یک کشور ارمنی در آناتولی شرقی متوقف شد.

کاپیتولاسیون ها در معاهده لوزان لغو شد. جزایر بوزجداغ و گوکچه داغی به ترکیه و دوازده جزیره به ایتالیا واگذار شده و بقیه جزایر نیز برای یونان باقی ماند. با این حال پس از جنگ جهانی دوم و با خروج ایتالیا از این جزایر، دوازده جزیره مذکور نیز به یونان واگذار شد. مسئله تنگه ها یکی از موضوعات مورد بحث در لوزان بود که با کنوانسیون تنگه مونتره که در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۶ به امضاء رسید حل شد.

طبق توافق نامه لوزان مدارس خارجی در مرزهای دولت ترکیه مطابق قوانین ترکیه تاسیس شده و مفاد درسی مدارس فوق توسط دولت ترکیه تنظیم می شد. پاتریارک خانه فنر روم به شرط برقراری تماس با کلیساهای خارجی در ترکیه باقی مانده و امتیازات اعطا شده به اقلیت ها لغو شد و همه اقلیت ها به عنوان اتباع ترکیه محسوب شدند.

به غیر از یونانی های مقیم استانبول سایر یونانی ها از ترکیه به یونان فرستاده شده و به غیر از ترک های تراکیای غربی همه ترک ها نیز به ترکیه آمده و بدین ترتیب تبادل جمعیت بین دو کشور صورت می گرفت. توافق نامه لوزان یکی از طولانی ترین پیمان های

صلح بوده است. بر این اساس ترکیه از پرداخت غرامت جنگ رهایی یافت. مرزهای کشور به جز مرز با عراق مشخص شد و از نظر ترکیه جنگ جهانی اول به پایان رسید.^۱

قرارداد الجزایر

اگر خواهیم در رابطه با **قرارداد الجزایر** بگوییم بهتر است که از ابتدا داستان را تعریف کنیم به این صورت که مناقشات مرزی ایران و عراق سابقه‌ای طولانی داشته و از زمان تاسیس کشور عراق پس از فروپاشی حکومت عثمانی این مناقشات آغاز شد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۸ روابط ایران و عراق به شدت تیره و جنگ تبلیغاتی طرفین شروع شد. حتی به ارتش ایران آماده‌باش هم داده شد. دولت عراق در آن سال اعلام کرد که شط العرب جزو قلمرو عراق است و از ایران خواست کشتی‌هایش وارد این رودخانه نشوند.

شرایط به گونه‌ای شد که نیروهای نظامی در نزدیکی اروندرود مستقر شدند. نیروی دریایی ایران برای حفظ حاکمیت خود بر شط العرب، کشتی بازرگانی ابن سینا را که پرچم ایران بر بالای سکان خود برافراشته بود را اسکورت کرد. عراق نیز در پاسخ، اقدام به اخراج ایرانیان از عراق کرد و بیش از ۲۰ هزار ایرانی را از آن کشور اخراج کرد. درگیری‌های مرزی ایران و عراق چند سال ادامه یافت. ایران در این درگیری‌ها دست برتر را داشت.

درگیری‌های متعدد مرزی که تلفات بسیاری از دو کشور گرفت موجب شد تا ایران و عراق با درخواست شورای امنیت و با میانجی‌گری الجزایر وارد فاز مذاکره و گفتگو بشوند. اسفند ماه سال ۵۳ با گفتگوهای مسئولان ایران و عراق در الجزایر پیش‌زمینه امضای پیمان‌نامه‌ای به وجود آمد. صدام حسین نایب رئیس‌جمهوری عراق هم در نهم اردیبهشت ماه سال ۵۴ همراه با هیئتی به تهران آمد.

در نهایت در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ (۲۳ خرداد ۱۳۵۴) قراردادی مرزی بین ایران و عراق در بغداد و در حضور عبدالعزیز بوتفلیقه عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه الجزایر به امضای عباسعلی خلعتبری و سعدون حمادی وزیران خارجه ایران و عراق رسید. هرچند این قرارداد و تمام پیوست‌ها و موافقت‌نامه‌های آن در بغداد به امضاء و

تصویب رسید اما چون هواری بومدین (رئیس جمهور الجزایر) و مقامات الجزایر در تمام مراحل میانجی‌گر بودند به پیمان و یا قرارداد الجزایر معروف شد.^۱

امتیاز لاتاری سال ۱۲۶۷ شمسی (۱۸۸۹ میلادی)

طرفین قرارداد در واقع قراردادی میان ایران و انگلستان اما در ظاهر، یک تبعه فرانسه به نام یوری دوکار دونل (عامل میرزا ملکم‌خان و منشی سفارت ایران در لندن) با دولت ایران بود و این اتفاق هم در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه به وقوع پیوست. دلیل اعطای امتیاز: طی سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا که منجر به دیدار وی با ملکه ویکتوریا شد، ضیافت‌هایی به افتخار شاه ایران ترتیب دادند که در آن‌ها نطق‌های مفصلی درباره دوستی ایران و انگلیس ایراد می‌شد و به وسیله میرزا ملکم‌خان، سفیر ایران به فارسی ترجمه می‌شد. در روزهایی که شاه در اسکاتلند در شهر «اگوشا» به سر می‌برد، ملکم‌خان درباره تأسیس سازمان لاتاری (بخت‌آزمایی و قرعه‌کشی) در ایران و درآمدی که ممکن بود از این راه عاید خزانه دولت شود، با شاه به تفصیل سخن گفت و به شاه چنین فهماند که لاتاری قمار نیست بلکه یک نوع بازی است که در تمام اروپا معمول است و امتیاز لاتاری را در ایران درخواست کرد. شاه که به مناسبت پذیرایی‌های گرم دولت و مقامات انگلیس از وزیر مختار خود رضایت داشت، خواهش ملکم را پذیرفت.

متن قرارداد: قرعه و فروش بلیط‌های لاتاری و بازی‌های عمومی با لاتاری از قبیل رولت در کل ممالک ایران به مدت ۷۵ سال درازای ۲۰ درصد سود واگذار شود. نتیجه: ملکم پس از اخذ قرارداد با زد و بندهایی که در بازار لندن داشت، توانست امتیاز لاتاری را به سندیکای انگلیس و آسیا با اخذ پیش‌قسطی به مبلغ ۲۰ هزار لیره بفروشد. این قرارداد با مخالفت روحانیان و روشنفکران و مخالفان در ایران روبه‌رو شد و ناصرالدین‌شاه هم به‌دلیل این فشارها آن را لغو کرد. میرزا ملکم‌خان این حکم لغو را پنهان و به کمک عوامل خود امتیاز لغوشده را با دست‌به‌دست کردن در بازار لندن به کمپانی دیگری فروخت و ۲۰ هزار لیره دیگر هم به دست آورد. زمانی که لغو امتیاز به طور رسمی در مطبوعات درج شد و به اطلاع شرکت‌ها رسید و کار به شکایت و دادگاه

۱ نوایی، عبدالحسین، شاه عباس، جلد: ۳، صفحه: ۲۴۸، بنیاد فرهنگ ایران، تهران - ایران، ۱۳۵۷ ه.ش.

کشید، به دروغ مدعی شد که آن چهل هزار لیره را به خزانه ایران و به شاه داده است و رسماً خود را ورشکسته اعلام کرد. میرزا ملکم خان پس از آن، با انتشار روزنامه قانون و با مطرح کردن مباحثی چون حکومت قانون و فساد حکومت بی‌قانونی قاجار در تحولات سیاسی نقش بسزایی از خود به جا گذاشت.^۱

امتیاز داری سال ۱۲۸۰ شمسی (۱۹۰۱ میلادی)

طرفین قرارداد ویلیام ناکس داری، تبعه انگلستان با دولت ایران بود که در دوره پادشاهی مظفردالدین شاه این توافق شکل گرفت.

دلیل اعطای امتیاز اکتشاف و استخراج نفت بود

متن قرارداد: امتیاز استخراج و بهره‌برداری از نفت در سراسر ایران به استثنای ایالات شمالی شامل گیلان، مازندران، گرگان، خراسان و آذربایجان برای مدت ۶۰ سال به داری واگذار شد. همچنین براساس این قرارداد، داری متعهد شد طی دو سال، شرکت یا شرکت‌هایی برای بهره‌برداری از این امتیازات تأسیس کند و سالانه مبلغ ۲۰ هزار لیره وجه نقد و معادل همین مبلغ از سهام شرکت و نیز ۱۶ درصد از منافع خالص خود را به دولت ایران بپردازد.

نتیجه: دولت انگلستان یک سال پس از فوران چاه نفت داری در مسجدسلیمان، شرکت نفت ایران و انگلیس را با هدف به دست گرفتن استخراج، پالایش و صدور نفت تأسیس کرد و با ترفندهایی امتیاز داری را عملاً به دولت انگلستان منتقل کرد. شرکت نفت انگلیس و ایران در ازای میلیون‌ها پوند که از کشور می‌برد، مبلغ ناچیزی به دولت می‌داد و با چنان استقلالی رفتار می‌کرد که دولت ایران مشابه این رفتار را از هیچ رئیس ایل و قبیله‌ای، هر قدر هم مقتدر بود تحمل نمی‌کرد. در سال ۱۳۱۰ و در زمان رضاشاه، طرف انگلیسی به تعهدات خود کامل عمل نکرد و تنها سه‌چهارم مبلغ تعهدشده را به ایران پرداخت کرد. پهلوی اول هم در واکنش به این موضوع قرارداد را یک‌سویه لغو کرد و آن را آتش زد. دعوا به جامعه ملل کشیده شد تا مقدمات قرارداد ۱۹۳۳ فراهم شود.

روز هفتم خرداد ۱۳۱۲ (۲۸ می ۱۹۳۳)، یکی از مهم‌ترین قراردادهای استعماری میان دولت رضاخان و کمپانی‌های نفتی انگلیسی به امضاء رسید. به موجب این قرارداد که

۱ براون، ادوارد گرانویل، انقلاب مشروطیت ایران، صفحه: ۴۶، کویر، تهران - ایران، ۱۳۸۰ ه.ش.

«متمم قرارداد ویلیام داریسی» لقب گرفته بود، انگلستان اجازه می‌یافت تا سال ۱۳۷۲ شمسی، از منابع نفتی ایران بهره‌برداری کند. این امتیاز در شرایطی به انگلیسی‌ها واگذار شد که فقط هفت سال از سلطنت رضاخان می‌گذشت. قرارداد ۱۳۱۲ در ۲۶ ماده در دوره نهم مجلس شورای ملی به تصویب رسید. پس از آن رضاخان دستور داد دیگر نه از نفت و نه از قرارداد هیچ بحثی در محافل دولتی و غیردولتی به میان نیاید، در مطبوعات منعکس نشود و در دوره‌های بعدی مجلس نیز مورد بحث نمایندگان قرار نگیرد. به موجب این قرارداد، انگلیسی‌ها برای هر تن نفت، چهار شیلینگ به ایران پرداخت می‌کردند و مبلغی هم از منافع خالص صاحبان سهام به ایران می‌دادند. کمپانی انگلیسی طرف قرارداد نه تنها از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض معاف بود بلکه هیچ‌گاه دفاتر محاسبات خود را به دولت ارائه نمی‌داد و آن را سری می‌دانست. این قرارداد که از خیانت‌های سرسلسله دودمان پهلوی به شمار می‌رود تا ۲۰ سال پس از انعقاد دوام داشت و فقط در کشاکش رویدادهای نهضت ملی شدن صنعت نفت از اعتبار ساقط شد.^۱

معاهده پاریس

معاهده پاریس در ۴ مارس ۱۸۵۷ میلادی برابر با ۱۳ اسفند ۱۲۳۵ خورشیدی پس از دومین نبرد انگلیس با ایران بر سر مسئله هرات جهت صلح بین دو کشور در پاریس منعقد گردید. طرف مذاکره‌کننده ایرانی فرخ خان غفاری بود.^۲ براساس این معاهده ایرانیان توافق کردند که سپاه خود را از هرات خارج کنند، در هنگام بازگشت سفیر انگلیس به ایران از او عذرخواهی کنند و یک قرارداد تجاری استعماری را نیز بپذیرند؛ و یک سری امتیازات سرزمینی به سلطان مسقط که در آن زمان متحده انگلیس بشمار می‌آمد بدهند. انگلستان نیز متعهد شد که دیگر مخالفان شاه را در سفارت خود پناه ندهد.^۳

انگلیس با تصرف بخش‌هایی از جنوب ایران (بنادر خرمشهر و بوشهر و جزایر جنوب در خلیج فارس) ناصرالدین‌شاه قاجار را مجبور به قبول قرارداد پاریس (۱۸۵۶) کرد. بر

۱. منبع: سایت مشرق / کد خبر 958901 / تاریخ انتشار: ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ - ۱۵: ۵۸

۲. نصری، قدیر، نفت و امنیتی ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۸۱. (<https://www.mashreghnews.ir/news>)

2 Immortal: A Military History of Iran and Its Armed Forces Steven R. Ward, p.80

۳. «آشنایی با عهدنامه پاریس». همشهری آنلاین. ۲۰۱۲-۰۴-۰۶. دریافت شده در ۲۰۲۱-۰۹-۱۲

طبق این پیمان، ایران از ادعای خود بر هرات چشم‌پوشی کرد و هرات در ۱۸۶۳ به افغانستان ملحق گشت و ایران موجودیت کشوری به نام افغانستان را به رسمیت شناخت. همچنین ایران پذیرفت که در صورت هرگونه مناقشه با افغانستان فقط انگلستان را به عنوان میانجی‌گر بپذیرد.^۱

مفاد قرارداد

انگلیس در ابتدا شرایطی را برای صلح اعلام کرد که با مخالفت ایران روبرو شد. براساس شرایط اعلان شده از سوی انگلستان، باید شهر هرات از قوای ایران تخلیه شود و خسارات وارده به مردم این شهر جبران می‌شد. سایر شروط نیز شامل تعهد دولت ایران به دخالت نکردن در امور هرات، عزل میرزا آقاخان نوری از صدارت، مجاز بودن انگلیس به ایجاد کنسولگری در شهرهای ایران، انعقاد پیمان تجاری ایران و انگلیس و واگذاری بندرعباس به امیر مسقط و عمان بود. ناصرالدین‌شاه زیر بار این شروط نرفت و از فرانسه درخواست وساطت نمود تا انگلیس را مجبور به صلح کند که در نهایت با میانجی‌گری فرانسه، مذاکرات صلح میان انگلیس و ایران در پاریس آغاز شد و به معاهده پاریس در پانزده فصل منجر شد.

نماینده ایران در این مذاکرات فرخ خان غفاری و نماینده انگلیس لرد کاولی بود و میرزا آقاخان نوری نیز در جریان این معاهده قرار گرفت و خدمات زیادی را در راستای تحقق اهداف انگلیس به آن ارائه کرد.

با نهایی شدن معاهده پاریس و امضای آن، ایران ملزم به رعایت شروطی شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

تخلیه خاک ایران و افغانستان از طرف قوای انگلیس و ایران
 عفو کسانی که تا آن تاریخ با انگلیسی‌ها همکاری داشته‌اند
 ترک دعاوی ایران نسبت به افغانستان و شناختن استقلال آن کشور
 در اختلافات آتی ایران و افغانستان دولت انگلیس حکم باشد
 حل موضوعات کنسولی و حقوق دول کامله‌الوداد
 کنترل تجارت غلام و کنیز در خلیج فارس توسط انگلیسی‌ها

۱ قدیانی، عباس، فرهنگ جامع تاریخ ایران، جلد: ۲، صفحه: ۷۸۵، آرون، تهران - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.

استرداد اسیران جنگی و مداخله نکردن ایران در امور افغانستان با امضای این معاهده هرات رسماً از خاک ایران جدا شد تا لطمه‌ای بزرگ را بر پیکره حاکمیت سیاسی ایران وارد کند؛ اگرچه لطمه اصلی و نهایی توسط استعمارگران زده شد، اما نمی‌توان منکر ضعف سیاسی سیاستمداران قاجار شد.^۱

امتیاز هوتز

این امتیاز، نخستین امتیازی است که صرفاً برای استخراج نفت از سوی دولت ایران به یک شرکت انگلیسی به نام هوتز اعطا گردید. این شرکت در سال ۱۸۸۴ م امتیاز استخراج نفت را در دالکی و جزیره قشم کسب کرد و برای استخراج نفت به حفر چاه در آن مناطق اقدام نماید اما به نتیجه‌ای دست نیافت و نهایتاً در سال ۱۸۸۹ م دولت ایران الغای امتیازات معادن را اعلام کرد و نتیجه امتیاز هوتز ملغی گردید.^۲

قرار داد آرمیتاژ اسمیت (S. A. Armitage-Smith.)

با بروز اختلاف میان ایران و شرکت نفت انگلستان که به دنبال حمله ماموران آلمانی و ترک با تحریک اعراب منطقه خوزستان به لوله‌ها و تاسیسات نفتی صورت گرفت. ایران در سال ۱۹۱۹ برای حل اختلاف مذکور از «سیدنی آرمیتاژ اسمیت» که مستشار مالی دولت موقت و ثوق الدوله بود بهره گرفت و قرار داد مرسوم به «آرمیتاژ اسمیت» به امضاء رسید براساس این توافق، شرکت نفت ایران - انگلیس ادعای خود مبنی بر دریافت خسارت قطع لوله‌های نفتی را پس از گرفت و در جریان قرارداد ۱۹۱۹ به استیصال دستگاه سیاستگذاری در ایران مطمئن شده بود حقوق قابل توجهی را از ایران به غارت برد. این قرارداد به امتیاز داری اعتبار فراوانی بخشید و آن را از اهمیت بیشتری برخوردار کرد اما این قرارداد به‌طور کلی به زیان مالی دولت ایران تمام شد. به خاطر دریافت ۱۶ درصد از منافع خالص همه شرکت‌های تابعه در خارج از ایران به منافی سرشار و درخور توجه دست‌یافت و یکی از بزرگ‌ترین دست‌آوردهای سیاسی-اقتصادی دیپلماسی بریتانیا در قرن بیستم بود.^۳

۱ سایت ویکی فقه <https://fa.wikipedia.org/> / ۱۳ فوریه / ۲۰۲۳

۲ ذوقی، ایرج، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، تهران، پازنگ، ۱۳۷۶، ص ۴۳ و ۴۴

۳ ذوقی، ایرج، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، ص ۸۴ و ۸۵. مجد، محمدقلی، رضاشاه و بریتانیا، بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، صفحه: ۲۳۰، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران - ایران، ۱۳۸۹ ه.ش

قرارداد ۱۹۳۳

باگذشت حدود دو دهه از زمان عقد قرارداد داریسی نقش نفت در تحریک دفاعی و حیات اقتصادی بیشتر آشکار شد به همین خاطر انگلیسی‌ها حاضر نبودند چاه‌های روان و به ثمر رسیده را هنگام انقضای مدت قرارداد داریسی به ایران عودت دهند و خواهان تمدید این قرارداد بودند و انگلیسی‌ها در قبال این تهدید حاضر نبودند حوزه عملیات نفتی شرکت را به ۲۵ درصد تقلیل دهند و سود خالص سالیانه ایران را از ۱۶ درصد به ۲۰ درصد افزایش دهند. مذاکرات بین شرکت انگلیسی و ایران حدود یک ماه ادامه یافت و در سال ۱۹۳۳ به عقد قراردادی جدیدی منتهی شد و یک ماه پس از آن در ماه مه ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) به تصویب مجلس شورای ملی رسید. بزرگ‌ترین عیب قرارداد ۱۹۳۳ تمدید مدت امتیاز ننگین داریسی برای مدت ۳۰ سال دیگر بود که موجب می‌شد منافع و ثروت کشور به بیگانگان سپرده می‌شدند، کمپانی ملزم نبود، چیزی از درآمد حاصله از فروش نفت را به پول ایران تبدیل کند و حق لغو امتیاز برای ایران به‌طور کلی از بین رفت و اگر نهضت ملی شدن صنعت نفت انجام نمی‌گرفت تا دهه آخر قرن بیستم یعنی به مدت ۹۲ سال دیگر نفت ایران در اختیار بیگانگان بود.^۱

قرارداد گس - گلشائیان

دولت ایران با توجه به تحولات جهانی در زمینه کنترل منابع طبیعی ارزشمند خود خواستار تجدیدنظر در قرارداد ۱۹۳۳ شد و مواردی مانند تجدیدنظر در مدت قرارداد ۱۹۳۳، بهبود سهم ایران از عواید نفتی، ارتقای نقش ایرانیان در ساماندهی امور شرکت و رفع محرومیت ایران از دریافت سود خالص از عملیات شرکت در خارج را انگلستان خواستار شد و پس از انجام مذاکرات طولانی بین نوئل گس و گلشائیان وزیر دارایی کابینه ساعد قرارداد موسوم به گس - گلشائیان امضاء شد و برای تصویب تقدیم مجلس دوره پانزدهم گردید. در نهایت به تصویب مجلس نرسید این قرارداد نیز در جای خود دارای معایب و مزایای زیادی بود از جمله این که در ضمن آن قرارداد ۱۹۳۳ مورد تأیید قرار گرفته و اعتبار تازه‌ای به آن بخشیده شده بود؛ اما چون این قرارداد مورد تصویب مجلس شورای ملی قرار نگرفت و به مرحله عمل و اجرا درنیامد از بحث در

۱ نصری، قدیر، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۸۷ و ۸۸. مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد: ۱، صفحه: ۱۰۴، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.

معایب و مزایای آن صرف نظر می‌شود.^۱

قرارداد کنسرسیوم

پس از سقوط مصدق و پیش از تجدید روابط سیاسی ایران و انگلستان، آمریکایی‌ها برای بهره‌برداری از وضعیت پیش‌آمده هربرت هوور مشاور عالی‌رتبه نفتی جان فاسترداس وزیر امور خارجه آمریکا را روانه ایران ساختند. هوور بامهارت مذاکرات مربوط به موضوع نفت با کمک لویی هندرسن سفیر آمریکا در ایران با دولت زاهدی به‌سوی تشکیل یک کنسرسیوم بین‌المللی که کمپانی‌های نفتی آمریکا در آن نقش عمده‌ای داشتند راهبری کرد که منجر به قرارداد کنسرسیوم در ۱۹۵۴ شد با انعقاد این قرارداد هدف اساسی ملت ایران که حاکمیت بر منافع ملی خود بود، حاصل نگردید و طبیعتاً دیگر اهداف نیز به تحقق نپیوستند.^۲

قرارداد کنسرسیوم کوششی بود در راه تلفیق اصولی که کمپانی‌ها از آن دفاع می‌کردند با اصولی که ایران در نتیجه ملی شدن نفت خود را ملزم به رعایت آن‌ها می‌دانست منتها آن روز ایران در موقعیتی بسیار ضعیف قرار گرفته بود و برعکس، کمپانی‌ها در اوج قدرت خود بودند این بود که در مقام سازش بین اصول موردنظر دو طرف کند ترازو طبعاً به نفع طرف قوی‌تر چربید و شرکت ملی نفت ایران در برابر کنسرسیوم به‌صورت مالک و صاحب‌کاری درآمد که حقوق و اختیارات خود را به‌مباشر و کارگزار خود تفویض کرده و از مالکیت به اسمی قناعت نموده باشد.^۳

قرارداد کنسرسیوم وابستگی بیشتر اقتصادی و سیاسی ایران را به غرب و به‌خصوص به آمریکا در پی داشت اما درعین‌حال تجربه ایران در ملی کردن صنعت نفت درس‌های ارزنده‌ای به کشورهای تولیدکننده نفت بخصوص در منطقه خاورمیانه آموخت. دولت ایران نیز بعد از انعقاد قرارداد با کنسرسیوم موفق شد قراردادهای دیگری در حوزه خارج از امتیاز کنسرسیوم با شرکت‌های نفتی منعقد کند که مبتنی بر مشارکت و یا انجام

۱ ذوقی، ایرج، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، ص ۲۴۸ و ۲۵۶. / قدیانی، عباس، فرهنگ جامع تاریخ ایران، جلد: ۱، صفحه: ۵۹، آرون، تهران - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش

۲ ذوقی، ایرج، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، ص ۲۹۳ و ۲۹۷

۳ موحد، محمدعلی، نفت ما و مسائل حقوقی آن، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۳، ص ۲۰۹ - ۲۱۰. لوح فشرده پرسیمان، اداره مشاوره نهاد رهبری

خدمت بود؛ بنابراین قرارداد کنسرسیوم علی‌رغم مشکلات و کاستی‌های زیاد در مقایسه با سایر قراردادهای دیگر به دلیل نهضت ملی صنعت نفت و پیامدهای ناشی از آن تا حدودی منافع کشور را در نظر گرفته بود^۱.

خیانت‌های پهلوی اول و دوم

بی‌شک عده‌ای درصدد هستند که از هر چیزی برای برهم‌ریختن امنیت روانی و اجتماعی جامعه استفاده کنند و شعارهایی در حمایت از **رضاشاه** سردادند و برای دیکتاتور مقبور نوحه‌سرایی می‌کنند.

حافظه تاریخی ملت ایران از سوی این عده اندک بسیار ضعیف پنداشته می‌شود، آن‌ها گمان می‌کنند که مردم مسلمان ایران یا مطالعه نکرده‌اند و یا آنان که سنشان به دوره پهلوی می‌رسد آن دوران را از یاد برده‌اند!

عملکرد رضاشاه را می‌توان ملغمه‌ای از استبداد و دیکتاتوری عریان و دین‌ستیزی آشکار دانست، افرادی که در فضای مجازی برای دیکتاتور پهلوی نوحه‌سرایی می‌کنند و او را پدر ایران نوین می‌خوانند نیازی به مطالعه کارنامه پهلوی اول نمی‌بینند. در ادامه به بازخوانی گوشه‌ای از این پرونده سراسر سیاهی و نکبت می‌پردازیم.^۲

بی‌سواد فحاش!

رضاشاه را می‌توان در دو حوزه به بررسی و تحلیل نشست، استبداد و دیکتاتوری در دوره سلطنت وی و همچنین دین‌ستیزی آشکار به امر اربابان خارجی! سوءظن و بدبینی نسبت به اطرافیان و بی‌حرمتی، فحاشی و بی‌سوادی از ویژگی‌های شخصیتی رضاخان بود و این ویژگی‌ها در دوره سلطنت نامبرده خود را به عیان نشان داد. نقل است که در یکی از گفت‌وگوهای تیمورتاش با دولت انگلیس بر سر موضوع نفت، شاه به علت طولانی شدن مذاکرات، کنترل اعصاب خود را از دست داده و یک روز غرش کنان وارد جلسه هیئت دولت شده و پرونده نفت را داخل بخاری پرتاب می‌کند. رضاشاه با تکیه‌بر این تندخویی‌ها به‌راحتی به فحاشی و رفتارهای لات منشانه می‌پرداخت که البته بخشی از آن ناشی از بی‌سوادی و یا کم‌سوادی او بود. چنانچه فرزندش محمدرضا پهلوی نیز به موضوع بی‌سوادی پدرش اشاره کرده و به‌نوعی آن را

۱ والی‌زاده معجزی، محمدرضا، تاریخ لرستان: روزگار پهلوی، صفحه: ۳۱۴، حروفیه، تهران - ایران، ۱۳۸۲ ه.ش.
 ۲ زین‌العابدین مراغه‌بی، سیاحتنامه ابراهیم بیگ / آگه، جلد: ۲، صفحه: ۴۲۱، آگه، تهران - ایران، ۱۳۸۵ ه.ش.

تأیید می‌کند و می‌گوید: «...سختی و مشقت زندگی، از دست دادن پدر در دوران کودکی و نبودن وسیله باعث شد که رضاشاه در ابتدای عمر به مدرسه نرود و خواندن و نوشتن را نیاموزد».

در نظام اقتدارگرایی عصر پهلوی، رضاشاه به‌عنوان عنصر اصلی در ساختار سیاسی کشور و قدرت، به دلیل سوءظن، بدبینی و فحاشی با اطرافیان، بخش مهمی از توان جذب نخبگان را از دست داد؛ بنابراین تنها پشتیبان حکومت وی محدود به قدرت‌های بیگانه به‌خصوص انگلیس بود که در نهایت پایان کار وی نیز توسط اراده این کشور رقم خورد. این نوع رویکرد و رفتار سیاسی علاوه بر آنکه بر فضای سیاسی جامعه تأثیرگذار بود در فرهنگ عمومی نیز رواج یافت.

برای بی‌سوادی شاه همین بس که می‌توان با یک سرچ ساده، غلط‌املایی زیاد شاه در یک نامه، ۱۹ غلط‌املایی یافت.^۱

دیکتاتوری که مجلس را تحمل نمی‌کرد!

در دوره رضاشاه به‌واسطه تندخویی وی یک دیکتاتوری تمام‌عیار در کشور حاکم بود، نه خبری از مجلس و نمایندگان ملت بود و نه اعتراضی از سوی حکومت تحمل می‌شد. از دوره مجلس ششم به بعد، انتخابات بدین شکل صورت می‌گرفت که در ابتدا لیستی شامل افراد مورد اعتماد رضاشاه در اختیار رؤسای شهربانی و فرماندهان لشکر و حکمرانان مناطق مختلف کشور قرار می‌گرفت، این افراد نیز لیست مورد وثوق شاه را به مراکز ارسال می‌کردند. این رویه آن‌چنان بانظم و دقتی انجام می‌شد که به‌صورت یک‌رویه قانونی درآمده بود و عملاً پیش از آنکه رأیی در صندوق انتخابات انداخته شود، نمایندگان شهرهای مختلف تعیین شده بودند. حداقل نتیجه انتصابی بودن این نمایندگان در مجالس دوران رضاشاه این بود که تمامی قوانینی که به مجلس ارسال می‌شد، بدون هیچ‌گونه اختلاف و مخالفتی از سوی نمایندگان تصویب می‌شد. در واقع دوران رضاشاه را باید دوران سلطنت به شیوه‌ای خاص نامید زیرا فرامین شاه در مجلس، بدون هیچ‌گونه مخالفتی به تصویب می‌رسید. به معنایی دیگر، شاه هم نقش تصویب قوانین را بر عهده داشت و هم به اجرای آن مشغول بود.

شرایط مجالس در دوران رضاشاه پس از مجلس هفتم به‌شدت اسفبار تر جلوه کرد زیرا

۱ مستوفی، عبد الله، شرح زندگانی من، جلد: ۳، صفحه: ۳۲۳، زوار، تهران - ایران، ۱۳۸۴ ه.ش.

تا پیش از این و به خصوص در مجالس پنجم تا هفتم، نمایندگان راستین ملت همچون آیت‌الله مدرس به دفعات، مخالفت خود را با شیوه حکمرانی، استبداد و تقلب‌های گسترده رضاشاه ابراز می‌کردند ولی از دوره هشتم به بعد جای خالی این افراد بیش از پیش در مجلس حس می‌شد و عملاً هیچ‌گونه مخالفتی از سوی نمایندگان نسبت به اقدامات و لوایح رضاشاه مطرح نمی‌شد. تمامی این مجالس در فضایی بسیار آرام برگزار می‌شد و به‌دوراز کوچک‌ترین تنش، رسالت خود را بر تصویب کلیه لوایح تحت امر دولت رضاشاهی گذارده بودند..

یکی از مباحثی که در مجالس اول تا سوم بسیار مورد چالش قرار می‌گرفت، اعتبارنامه نمایندگان بود. این امر در مجالس هفتم به بعد بدون کوچک‌ترین اختلاف‌نظر و مخالفتی و با برگزاری حداکثر دو جلسه تأیید می‌شد و نمایندگان منتخب رضاشاه بدون هیچ‌گونه محدودیتی در راستای اهداف و برنامه‌های وی عمل می‌کردند. نکته قابل‌تأمل اینجاست که پروسه رأی اعتماد دادن به نخست‌وزیر و وزرای انتخابی وی، بدون هیچ تنشی برگزار می‌شد و همواره تمامی وزرای پیشنهادی از سوی نخست‌وزیر که عملاً پیشنهاد رضاشاه بود، بارأی بالا از مجلس رأی اعتماد می‌گرفتند و مشغول به کار می‌شدند. در واقع این نمایندگان مجلس بودند که از سوی نخست‌وزیر منتخب رضاشاه انتخاب و تأیید می‌شدند نه بالعکس.^۱

نکته دیگری که به قبل از به سلطنت رسیدن رضاخان مربوط می‌شود نوع رفتار وی با مجالس دوره قاجار بود، رضاخان که نتوانسته بود در مدت‌زمان مجلس چهارم فرمان رئیس‌الوزرای را از احمدشاه قاجار بگیرد، به‌واسطه ضعف شاه جوان و ترسی که در وجود این شاه نسبت به رضاخان وجود داشت، در دوران فترت میان مجلس چهارم و پنجم شورای ملی با امضای این پادشاه ضعیف، به سمت رئیس‌الوزرای برگزیده و به‌موجب خروج احمدشاه از کشور رسماً حاکم ایران شد. این مسئله موجب این امر شد که در آستانه انتخابات مجلس پنجم، بسیاری از دست‌نشانده‌های نخست‌وزیر جدید در کشور، به‌واسطه اینکه کنترل انتخابات در اختیار نیروهای نظامی تحت امر رضاشاه بود به‌سادگی به مجلس راه یافتند تا در مقابل تعداد اندک اپوزیسیون مجلس، شرایط انتقال

۱ فراهانی، حسن، روز شمار تاریخ معاصر ایران، جلد: ۴، صفحه: ۵۴۶، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران - ایران، ۱۳۸۵ ه.ش

حکومت از قاجار به پهلوی را ایجاد کنند. در یک کلام می‌توان گفت مجلس شورای ملی در دوره رضاشاه ملعبه‌ای بیش نبوده و نمایندگان از سوی وی و از روی لیستی که نوشته شده بود انتخاب می‌شدند. نکته اساسی در جریان مجلس شورای ملی که در کتاب تاریخ ۲۰ ساله ایران به نویسندگی حسین مکی اشاره شده است که؛ آیت‌الله مدرس را شاه برنتابید و ایشان را به شهادت رساند و نباید از این واقعه به‌سادگی گذاشت چراکه آوردن حکومت پهلوی برنامه انگلیس بود و علتش هم این بود، پادشاهان قاجار در مقابل روحانیت انقلابی آن‌طور که باید محکم قد علم کنند، توانش را نداشتند، ناگزیر به رضا میرپنج قزاق رسیدند که فردی کم‌سواد و قلدر بشمار می‌رفت.^۱

از دین شعاری تا دین‌ستیزی!

رضاشاه در ابتدا برای کسب وجهه در راستای دستیابی به سلطنت، تظاهر به اسلام‌گرایی و پایبندی به اسلام را در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های خود تکرار می‌کرده است، اما در مرحله عمل و دستیابی به سه‌گانه سکولاریسم، ناسیونالیسم و اتانسیسم (دولت سالاری) مجبور به پیوند با نخبگانی چون علی‌اکبر داور می‌شود تا بتواند پروژه تضعیف مذهب و سکولاریسم را به‌پیش ببرد و خودش را از بند روحانیون و طبقه مذهبی رها سازد. از این‌روی بود که وی پس از به قدرت رسیدن یک دین‌ستیزی عریان و آشکار را به نمایش گذاشت و در یکی از گام‌های برنامه دین‌ستیزانه خود به کشف حجاب پرداخت رضاشاه از دو اصل اساسی پیروی می‌کرد؛ نخست مبارزه با روحانیت و نیروهای مذهبی و دوم تقلید و کپی‌برداری از غرب. این تقلید به حدی بود که در حوزه پوشاک نیز روی داد. در محورهای اساسی اصلاحات رضاشاهی، تغییر جایگاه زنان، آن‌هم با استفاده از زور و نمادهای غربی، مسئله‌ای بود که بیشترین مخالفت‌ها را به همراه داشت. نخستین کسانی که طرح کشف حجاب را اجرا کردند: مدارس، دانشگاه‌ها، کارکنان دولت و زنان، صاحب‌منصبان سیاسی و نظامی بودند. حکومت شرایط را برای حقوق‌بگیران خود سخت کرده بود. در آن زمان مراسم و میهمانی‌های مختلفی برگزار می‌شد و رسم بر این بود که حاضرین با همسران خود در این مراسم شرکت کنند. مقامات کشوری و لشکری، روسای ادارات، کارمندان دولتی، مستخدمین شهر، نظامیان و سایر شخصیت‌های

۱ مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳، چاپ ۳، ص ۳۵۵، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۸۰ هـ ش

سیاسی، ملزم به شرکت در مهمانی‌هایی بودند که برای آنان تدارک دیده‌شده بود و آن‌ها در صورت عدم شرکت در این مهمانی‌ها مجازات و از شغل خویش برکنار می‌شدند و طبیعی بود که حاضران در این مراسمات و میهمانی‌ها باید به صورت بی‌حجاب ظاهر می‌شدند!

اقتصاد ویران در دوره رضاشاه!

پس از روی کارآمدن رضاشاه انتظار می‌رفت که وضعیت اقتصادی که به دنبال جنگ جهانی اول و همچنین بی‌کفایتی سلاطین قبلی به شدت متزلزل شده بود بهبود یابد ولی این وضعیت تا پایان حکومت پهلوی، پیروزی انقلاب اسلامی بر همان مدار پیش از سلطنت پهلوی می‌چرخید و در بسیاری از موارد وضعیت بدتر از پیش نیز شده بود. پس از روی کار آمدن سلطنت پهلوی نه فقر فراگیر نسبت به گذشته کاهش یافت و نه کارگزاری کارکشته و دلسوز استخدام شدند تا برنامه و بودجه‌ای برای اصلاح ساختار بفرنج اجتماعی و اقتصادی کشور تنظیم کنند. به علاوه اینک بیش از هر زمان دیگر جایگاه ایران در روابط بین‌المللی متزلزل گشت

جمعیت ایران که به دلیل شیوع بیماری‌های همه‌گیر، سوءتغذیه، فقدان امکانات بهداشتی و... به‌کندی افزایش می‌یافت، در این سال‌ها به ۱۱ میلیون نفر رسیده بود، بی‌آنکه توزیع آن بر مبنای ۲۵ درصد در شهرها و ۲۵ درصد عشایری و ۵۰ درصد روستایی تغییر کند.

در سراسر این دوره پرداخت‌ها دچار کسری مزمن بود و پیوسته بر میزان بدهی‌های خارجی افزوده می‌شد. در ساختار اقتصادی یا فنی صنعتی کشور تحول بارزی رخ نداده بود. نزدیک به ۹۰ درصد نیروی کار در کشاورزی و صنایع دستی روستایی اشتغال داشتند و ۱۰ درصد باقی‌مانده به تجارت، خدمات دولتی و صنایع شهری مشغول بودند. عمده‌ترین کالاهای وارداتی ایران مصنوعات صنعتی و عمده‌ترین صادراتش مواد خام، محصولات کشاورزی، نفت و صنایع دستی نظیر فرش بود

نزدیک به ۸۰ تا ۹۰ درصد مبادلات بازرگانی ایران با روس و انگلیس صورت می‌گرفت. باین حال دوره پهلوی اول به جنگ خلاصه نمی‌شود اگرچه در این دوره شاهد احداث صنایع زیر بنایی و ایجاد راه‌های مواصلاتی و برخی اصلاحات اقتصادی بودیم اما فقر ناشی از سوء مدیریت، استبداد و فساد طبقه حاکم، بی‌سوادی و جهل توده مردم، دوران

سختی را برای ایران رقم زد.

پرونده سراسر سیاهی!

البته عملکرد پهلوی اول را به موارد پیش گفته نمی توان خلاصه کرد، به موارد زیر دقت کنید؛

- جدایی رشته کوه‌های آرات و بخشیدن آن به ترکیه
- کشتار و تبعید بیش از ۲۴ هزار نفر از مردم ایران
- جدایی دهکده توریستی فیروزه در خراسان شمالی و اعطای آن به روسیه که امروز جزو قلمرو ترکمنستان محسوب می‌شود.
- امضای قرارداد ننگین سعدآباد با کشورهای همسایه عراق، ترکیه و افغانستان و جدایی بخش‌های زیادی از ایران.
- بخشیدن اروندرود به عراق که سال‌ها بعد در جنگ تحمیلی تاوان‌ها دادیم.
- جدایی مناطق «بولاغ‌باشی»، «جوزر»، «قوری‌گل» ایران توسط ترکیه در زمان رضاشاه.
- جدایی روستاهای «سیرو» و «سرتیک» و برخی مراتع متعلق به کردهای «جیکانلو» ایران توسط رضاشاه.
- جدایی دشت ناامید در سیستان به مساحت ۳ هزار کیلومتر در سال ۱۳۱۷ که امروزه یکی از معطلات جدی مردم سیستان به خاطر فروش این دشت است.
- اعطای امکانات به باستان شناسان آمریکایی برای کاوش در تخت جمشید و تاراج آثار تخت جمشید توسط این باستان شناسان.
- غاصب ۲۱۶۷ از روستاهای کشور و صدور سند این روستاها به نام خود.
- قتل عام کسانی که از دادن زمین‌هایشان به رضاشاه سر باز زدند و نیز کشتن مخالفان خود با آمپول هوا (توسط پزشک احمدی معروف).
- ممنوعیت عزاداری امام حسین (ع) در ماه محرم و صفر.
- شهادت روحانیون به نام ایرانی به‌مانند شهید مدرس به جرم مخالفت با فعالیت‌های ضد انسانی رضاشاه.
- کشتن شعرا، روشنفکران و ادیبانی همچون فرخی یزدی، میرزاده عشقی، واعظ قزوینی و بسیاری از نویسندگان ایرانی توسط رضاشاه.

-تبعید نقاش نامی ایرانی کمال‌الملک به بیابان‌های نیشابور.
 -به شهادت رساندن و مجروح کردن بیش از ۱۵۰۰ تن از مردم عادی مشهد در مسجد گوهرشاد و در جوار حرم مطهر امام رضا (ع).
 -تأسیس ارتشی که حتی نتوانست ساعاتی در برابر اشغالگران مقاومت کرده و در نتیجه رضاشاه با خفت و خواری هرچه تمام تن به تبعید داد.
 -قلع‌وقمع کردن عشایر ایران و تبعید بسیاری از آنان.
 و ده‌ها مورد دیگر که نشان می‌دهد رضاشاه نه پدر ایران نوین که بانی تخریب کشور و سپردن آن به بیگانگان شدیدتر از آنی که پیش از او توسط سلاطین بی‌کفایت در جریان بوده می‌باشد^۱.

خدمات یا خیانت محمدرضا شاه

گسترش مخاطبان شبکه‌های مجازی موبایلی، سبب نشر گسترده و انبوه پیامک‌های سازماندهی‌شده و هدفمندی به‌ویژه بارنگ و بوی سیاسی و فرهنگی شده است. در این میان، برخی پیام‌ها مربوط به تظہیر چهره حکومت پهلوی، چه رضاخان و چه محمدرضا شاه پهلوی است که به نظر می‌رسد توسط گروه‌های سلطنت‌طلب و ضدانقلاب در این شبکه‌ها پردازش می‌شود و با کپی پیست (به‌عنوان یکی از اعتیادهای مبتلابه کاربران شبکه‌های اجتماعی) دانسته یا نادانسته توزیع و نشر می‌شود؛ و به‌رحال تأثیر نامطلوب خود را برجای می‌گذارد. در این مطلب به برخی از این پیام‌ها و پاسخ‌های بسیار آن‌ها اشاره شده است. به‌عنوان نمونه، پیام زیر یکی از پیام‌هایی است که مکرراً در این شبکه‌ها توزیع شده است:

- سی‌وچند سال پیش بود که شاه گریه کرد و رفت!...
 -مردم ریختن تو خیابون و شادمانه شیرینی و شکلات پخش میکردن ...
 -چند تا بچه داد می‌زدند شاه فراری شده سوار گاری شده!...
 -عکس شاه را از روی اسکناس‌ها درآورده بودن و با خوشحالی به‌هم نشان می‌دادن و نمی‌دونستن عکس شاه اعتبار اون کاغذها بود!...
 -هر دلار هفت تومان بود!...

-و هر تومان کلی ریال با ارزش!...
 -و سالها گذشت از اون روز...
 -دیگه مردم از شاه بعنوان ممد دماغ یاد نمیکنن
 -بلکه آه می کشن و میگن خدا بیامرز دش!...
 -نور به قبرش بباره ایشالله!...
 -دیگه رقصیدن جرم شد!...
 -پولها بی ارزش شد!...
 -دلار افسار برید
 -برکت هم رفت!...
 -آب و برقی مجانی نشد
 -معنویاتمان هم بر بادرفت!...
 -سر در گریبونیم ما خودکرده های بی تدبیر...
 -۳۵ سال دستاورد انقلاب اسلامی:
 -۸۰۰۰ پزشک بیکار، ۷ میلیون جوان بیکار،
 -از هر ۱۰ ازدواج ۶ طلاق، ۶ میلیون معتاد. ۶۸٪ افسردگی، رسیدن سن فحشا به ۱۴
 سالگی،
 -فروش سالانه ۱۳ هزار کلیه، ۴۲٪ زیر خط فقر،
 -۲۶ دی روز فرار شاه از ایران
 و اما پاسخ ها:

- برخی خدمات (خیانت ها و جنایت های) محمدرضا شاه در ایران:
۱. حضور ۶۰ هزار مستشار نظامی و اداری آمریکا در ایران که بر همه ارگان های کشورمان سلطه داشتند و کسی بدون اجازه آن ها آب نمی خورد.
 ۲. اعطای حق مصونیت قضائی (کاپیتولاسیون) به مستشاران آمریکایی در سال ۱۳۴۳ و تبعید امام ^(ع) به علت مخالفت با فروش استقلال کشور
 ۳. اعطای جزیره بحرین (استان چهاردهم ایران) و جزایر زیبای اطراف آن به اربابان انگلیسی و عرب های وهابی توسط شاه آریایی! (۱۳۴۹) به عربهایی که هنوز که هنوز است خون شیعیان بحرین را در شیشه می کنند.
 ۴. غرق بودن شاه، خواهرانش، همسرش فرح و بقیه اعضای خانواده اش در انواع

فسادهای اخلاقی به نحوی که در خاطرات هر کدامشان، به روابط افسارگسیخته دیگری اذعان کرده اند. حتی نحوه آشنایی شاه با فرح، زمانی است که فرح به علت مشکل مالی برای خودفروشی به نزد اردشیر زاهدی (کارچاق کن شاه در این مسائل) می رود و سپس ملکه و شهبانوی ایران می شود.^۱

۵. هفتاد درصد جمعیت کشور بی سواد در سال ۵۷ دستاورد فرهنگی شاهنشاه در ایران بود!

۶. تنها ۱۵۷ هزار دانشجو از جمعیت ۳۵ میلیونی ایران در سال ۵۷ وضعیت سواد دانشگاهیان زمان شاهنشاه! ۲۸٪ وزرا فراماسون، ۲۴٪ عضو سیا و ۲۱٪ عضو ساواک!^۲

۷. تبدیل ایران به بازار کالاهای بنجل وارداتی غرب و فقدان کارخانه ها و زیرساخت های اقتصادی خودکفا در کشور.

۸. تورم شدید با نرخ سالانه ۴۰ تا ۵۰ درصد به همراه فساد و ارتشای سراسری و دزدی بلندپایگان و نابرابری در توزیع درآمدها^۳

۹. سن امید به زندگی ۵۰ سال در دوره شاهنشاه و بیش از ۷۳ سال در ایران کنونی.

۱۰. ۷۵٪ نخبگان سیاسی کشور تنها از ۴۰ خانواده نیرومند و کوتاهی دست توده های مردم و نخبگان غیر وابسته از مناصب سیاسی و اقتصادی کشور.

۱۱. وجود ترسناک ترین و خطرناک ترین سازمان جاسوسی دنیا در دوره شاه (ساواک) و شکنجه و کشتار هزاران بی گناه و یا با کوچک ترین مخالفت و یکی از پلیسی ترین حکومت های جهان علیه حقوق بشر

۱۲. حضور بیش از ۲۰۰ بهایی در بین مقامات ارشد کشور (به طوری که از کابینه ۱۲ نفری هویدا ۹ نفر بهایی بودند: از جمله: خود هویدا، صنیعی وزیر جنگ، خسروانی وزیر کار، شاهقلی وزیر بهداشتی، روحانی وزیر کشاورزی، پارسای وزیر آموزش و پرورش)، عبدالکریم ایادی پزشک مخصوص شاه، ثابتی معاون ساواک...

۱۳. تبدیل ۸۰۰ هزار کشاورز ایران به خرده مالکان بی زمین و واردکننده کالاهای غربی

۱ فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات ارتشید سابق حسین فردوست، انتشارات اطلاعات، چ ۲۹، ص ۲۱۱، تهران، ۱۳۸۹ ه ش

۲ (پرهام، انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی، ص ۲۶)

به ایران با اصلاحات ارضی و سایر سیاست های اقتصادی غربی در کشور و تبدیل ایران از کشور صادرکننده گندم به یکی از بزرگترین واردکننده های گندم در جهان.^۱

۱۴. شکل گیری اولین حلبی نشین های ایران در شهرهای بزرگ بخصوص تهران از دهه ۱۳۴۰ به بعد و ایجاد اولین کارتن خواب ها در تاریخ ایران.

۱۵. ایجاد ۳۰۰۰ فاحشه خانه و کاباره در ایران و ده ها محله فاحشه نشین.

۱۶. کشتار بیش از ۳۰۰۰ شهید از مردم بی گناه ایران در جریان انقلاب.

۱۷. حمایت بی چون و چرا از رژیم غاصب اسرائیل (و همچنین رژیم منفور آپارتاید افریقای جنوبی). تأمین ۶۵٪ نفت مورد نیاز اسرائیل و حمایت مالی، نظامی و تسلیحاتی از این رژیم در جنگ های مختلف علیه فلسطینیان.

بله، هیچ گاه دهن کجی شاه و فرحش به ارزش های اسلامی مردم ایران از جمله شراب خواری و رقص علنی آن دو با کارتر رئیس جمهور آمریکا و همسرش در محرم سال ۵۶ را فراموش نخواهیم کرد.

بله هیچ گاه فراموش نخواهیم کرد که آن قدر عقب مانده بودیم که از هندوستان و بنگلادش برایمان پزشک می آوردند!

بله هیچ گاه فراموش نخواهیم کرد برخی مردم ما چقدر زود فراموش می کنند جنایت ها و خیانت ها را و چه ساده از جهل و فراموش کاری و کم حافظه بودن آن ها سو استفاده می شود.^۲

انتشار سر بسته تصویب لایحه

ماجرای تصویب لایحه، مصونیت قضایی آمریکایی ها در مجلس سنا و شورای ملی پنهان نگه داشته شد. مطبوعات کشور و حتی روزنامه رسمی مجلس شورای ملی که عین مذاکرات را نشر می داد، به بهانه نقص فنی و خرابی چاپخانه، آن را منتشر نکردند.^۳

تنها دولت، خلاصه خبر و گزارش مبهمی را در روزنامه ها منتشر کرد. امام خمینی که در آغاز نخست وزیری حسنعلی منصور از حصر آزاد شده بود، در جریان تصویب لایحه

1) faghihi, foroozandeh, land reform and it's effects on rural-urban migration in iran since 1962, pp.79-82)

۲ سایت پرتابل حضرت امام ره/ ویکی امام/ http://www.imam-khomeini.ir/fa/c504_2694

۳ محتشمی پور، خاطرات سیاسی، ۳۸۲؛ دوانی، نهضت روحانیون ایران، ۴-۳/۵۷۷-۵۷۸

کاپیتولاسیون نبود و پس از اطلاع، مبارزه با آن را آغاز کرد.^۱ در چگونگی اطلاع امام خمینی از لایحه اختلاف نظر وجود دارد. سیدمرتضی پسندیده برادر امام خمینی گفته است از طریق علی سهرابی ریحانی، امام خمینی و یکی از مراجع را در جریان گذاشته است. همچنین از سیدنورالدین هندی برادر کوچک امام خمینی، یکی از نمایندگان مجلس به نام طباطبایی، یا یکی از کارمندان مجلس به نام جواد عراقی و سیدمحمد حسینی بهشتی و مرتضی مطهری به عنوان منابع اطلاع امام خمینی از این لایحه یاد شده است. مهدی عراقی نیز یادآور شده این قضیه را به امام خمینی اطلاع داده است؛ ولی ایشان خواستار مدرک و سند قطعی در این باره شده است که عراقی کپی مذاکرات دو مجلس سنا و شورا را تهیه و زمان اقامت امام خمینی در روستای لنگرود در اطراف قم در اختیار ایشان قرار داده است. اکبر هاشمی رفسنجانی نیز از جمله کسانی است که خبر تصویب لایحه، متن مذاکرات مجلس و جزوه کنوانسیون وین را تهیه کرده و اخباری را نیز از ابوالفضل تولیت گرفته و امام خمینی را در جریان قرار داده است.^۲

واکنش امام خمینی ره

امام خمینی پس از اطلاع کامل از متن لایحه از منابع گوناگون، مراجع و علمای قم را مجدداً به جلسه هفتگی فرا خواند. بنا به گزارش سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) این جلسه در روز دوم آبان با حضور امام خمینی، سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی، میرزاهاشم آملی، مرتضی حائری یزدی و سیدمحمدحسین طباطبایی تشکیل شد. در این جلسه ضمن گفتگو درباره چگونگی واکنش در برابر قانون کاپیتولاسیون، امام خمینی اعلام کرد در روز بیستم جمادی‌الثانی سالروز تولد حضرت زهرا^(ع) برابر با چهارم آبان در خانه خود سخنرانی خواهد کرد. بنا به گزارش ساواک با اینکه از سیدکاظم شریعتمداری نیز دعوت شده بود، وی از شرکت در این جلسه خودداری کرد؛ اما براساس گزارشی دیگر، او در آغاز جلسه حضور داشته است؛ ولی پس از مشاجره با امام خمینی جلسه را ترک کرده است. در گزارش ساواک به حضور سیدمحمدرضا گلپایگانی در جلسه یادشده اشاره‌ای نشده است.

۱ مؤسسه تنظیم، سیر مبارزات، ۴۹/۴

۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر، دوران مبارزه، ج ۱/ص ۱۹۷

افزون بر این، امام خمینی با فرستادن افرادی همراه نامه، عالمان دیگر شهرها را از ماجرا آگاه کرد تا با متحد کردن عالمان سراسر کشور، مخالفت ایشان با این لایحه دارای تأثیر بیشتری باشد. برابر گزارش ساواک نامه‌هایی به علمای شهرستان‌ها از جمله عبدالرسول قائمی در آبادان، سیدعلی بهبهانی در اهواز و محمدطاهر شبیره (شبیری) در خرمشهر فرستاده و از آنان دعوت شد علیه کاپیتولاسیون موضع‌گیری کنند. پس از آگاهی مردم، جمعیت زیادی از شهرستان‌ها برای شنیدن سخنان امام خمینی راهی قم شدند. ساواک جمعیت حاضر در این جلسه را شش تا ده هزار نفر گزارش کرده است از آنجاکه سخنرانی ایشان در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا بود و محمدرضا پهلوی حساسیت ویژه‌ای به سخنان ایشان درباره آمریکا داشت، برای بازداشتن ایشان از سخنرانی یا دست‌کم از حمله به آمریکا، وی نماینده‌ای به قم فرستاد؛ اما امام خمینی او را نپذیرفت و او با سیدمصطفی فرزند امام خمینی دیدار کرد و خطرناک بودن حمله به آمریکا را یادآور شد.

امام خمینی بی‌توجه به پیام و توصیه پهلوی طبق زمان اعلان‌شده، ساعت هشت و سی دقیقه چهارم آبان ۱۳۴۳، در بیت خود، واقع در یخچال قاضی، به سخنرانی پرداخت که بسیار مهم بود و در تاریخ ثبت شد. ایشان پس از نام خدا سخنان خود را با آیه استرجاع «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» که قرائت آن نشان مصیبتی بزرگ بر اسلام و مسلمانان بود، آغاز کرد و تأثرات قلبی و ناراحتی شدید خود را ابراز و اعلام عزای عمومی کرد و با اشاره به مفهوم الحاق ایران به پیمان وین و کاپیتولاسیون که نشانگر مصونیت قضایی نظامیان و غیر نظامیان آمریکایی است، نتایج سیاسی و اجتماعی مصوبه را با ذکر مثال‌هایی برای مردم بازگو کرد و یادآور شد اگر یک آمریکایی یکی از مراجع تقلید یا شاه ایران را ترور کند یا زیر بگیرد، دولت و قوه قضاییه ایران حق بازخواست و محاکمه او را ندارد و اگر کسی یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست خواهد شد. رژیم پهلوی با تصویب چنین لایحه‌ای به انگیزه گرفتن وام دویست میلیون دلاری از آمریکا آن‌هم با بهره‌ای سنگین خودش و استقلال کشور را فروخت. ایشان عامل این ننگ و فضاخت را دولت و مجلس سر نیزه و آمریکایی دانست، نه نمایندگان مردم؛ زیرا آنان هیچ‌گونه ارتباطی با مردم ندارند. ایشان عمل نمایندگان مجلس سنا و مجلس شورا را خیانت به کشور و اسلام و مصوبات آن را غیرقانونی و همچنین وکالتشان را غیرشرعی و غیرقانونی خواند و آنان را از وکالت عزل کرد.

امام خمینی در این سخنرانی به شدت به آمریکا، اسرائیل، انگلیس و شوروی حمله کرد و همه گرفتاری‌های ایران را از آمریکا و اسرائیل و عوامل داخلی آن دو از جمله نمایندگان و وزرای آمریکایی دانست و رئیس‌جمهور آمریکا را منفورترین افراد دنیا نزد مردم ایران و دشمن قرآن و ملت خواند و به علما و مراجع تقلید ایران و نجف، ارتش و رؤسای کشورهای اسلامی درباره ازدست‌رفتن حیثیت و استقلال ایران اعلام خطر کرد و بازگوکردن عمق فاجعه را تکلیف شرعی دانست و ضمن اعلام مجاز نبودن سکوت در برابر چنین قانونی از علمای نجف، قم، ملت‌های مسلمان، رهبران اسلامی و رؤسای جمهور کشورهای اسلامی برای کمک به مردم ایران طلب کمک کرد و سکوت در برابر این مصوبه را گناه کبیره شمرد. یک پژوهشگر آمریکایی این سخنرانی تاریخی و پرشور را از مهم‌ترین و محرک‌ترین بیانات سیاسی در ایران دانست و یادآور شد امام خمینی در این سخنرانی با کمال قدرت و به‌طور مستقیم به پهلوی و آمریکا به دلیل تلاش آنان برای نابود کردن شأن، یکپارچگی و استقلال ایران حمله کرد.^۱

همچنین امام خمینی همان روز در اعلامیه‌ای که با آیه کریمه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» آغاز می‌شد،^۲

ضمن تشریح محتوای قرارداد کاپیتولاسیون امضای این قرارداد را به منزله سند بردگی ملت ایران، پایمال کردن حیثیت ارتش و دادگاه‌های ایران خواند و یادآور شد ایران با این کار خود را از همه ملت‌های جهان پست‌تر کرد و قرارداد ننگینی را که دولت پاکستان، اندونزی، ترکیه و آلمان غربی زیر بار آن نرفتند امضاء کرد و مجلس با رأی مثبت خود به این قرارداد، ایران را در اسارت آمریکایی‌ها درآورد. ایشان در ادامه آمریکا، انگلیس و اسرائیل را دشمنان ملت ایران خواند و کاپیتولاسیون را مخالف با اسلام و قرآن دانست و مردم و علما را به قیام علیه آن فرا خواند و از احزاب سیاسی، همه طبقات مردم، رجال سیاسی، مراجع و طلاب جوان خواست که از مناقشات جزئی دست بردارند و در برابر دشمن اصلی اتحاد و همبستگی خود را حفظ کنند. این اعلامیه پس از نگارش برای چاپ و توزیع تحویل مهدی عراقی شد. اعلامیه در بیش از ۲۵۰ هزار نسخه چاپ و در تهران و سراسر ایران پخش شد ساواک تعداد اعلامیه‌های پخش شده در تهران را

۱. اسداللهی، احیای کاپیتولاسیون و پیامدهای آن، ۹۹-۱۰۰، چ ۱/ص، ۴۷، ۱۳۷۷ هـ ش

۲. خراسان، روزنامه؛ اطلاعات، روزنامه؛ اسداللهی، احیای کاپیتولاسیون و پیامدهای آن، ۹۶-۹۸

شصت هزار نسخه گزارش کرده‌است.

برابر گزارشی از شهربانی در ۱۳/۸/۱۳۴۳ چاپ و پخش این اعلامیه‌ها با برنامه منظمی صورت گرفت و براساس رهنمود امام خمینی در ساعتی معین در تهران و شهرستان‌ها منتشر گردید. شیوه منظم و گسترده توزیع و پخش اعلامیه موجب خشم دستگاه‌های امنیتی رژیم شد و رئیس شهربانی کل کشور از عدم مراقبت مأموران شهربانی و اطلاعاتی اصفهان انتقاد کرد و تأکید کرد با جدیت تمام باید چاپخانه‌هایی که مبادرت به چاپ اعلامیه‌ها کرده‌اند کشف و طبق مقررات تحت پیگرد قانونی قرار گیرند؛ اما با وجود سخت‌گیری‌های ساواک و شهربانی گزارشی از توزیع اعلامیه امام خمینی در طول آبان‌ماه وجود دارد.

همچنین برابر گزارش ساواک امام خمینی با فرستادن پیام‌هایی به مراجع نجف از آنان خواست به تصویب این قانون واکنش نشان دهند. همزمان با سخنرانی امام خمینی، حائری یزدی، مرعشی نجفی، شریعتمداری، سیدصادق روحانی، سیدابوالقاسم روحانی و ابوالفضل زاهدی نیز در اعتراض به لایحه یادشده سخنرانی کردند. امام خمینی افزون بر پیام و سخنان یادشده از شاگردان خود خواست که درباره ریشه‌های کاپیتولاسیون به تحقیق بپردازند که برخی از آنان به این کار اقدام کردند و مورد تأیید ایشان قرار گرفتند.

امام خمینی پس از این سخنرانی تاریخی بازداشت و به ترکیه تبعید شد. ایشان پس از تبعید نیز همواره موضوع کاپیتولاسیون را در سخنرانی و نامه‌های خود پیگیری می‌کرد؛ از جمله در نامه‌ای سرگشاده به نخست‌وزیر وقت، امیرعباس هویدا در ۲۶ فروردین ۱۳۴۶، ضمن برشمردن مفسد و خیانت‌های شاه و دولت هویدا، تبعید طولانی‌مدت خود را تنها به جرم مخالفت با مصونیت آمریکایی‌ها، بر خلاف قانون شرع و قانون اساسی دانست و دادن مصونیت به بیگانگان را سند بزرگ عقب‌افتادگی و بی‌حیثیتی و تسلیم بی‌قید و شرط و خیانت به کشور و به اسلام و خلاف استقلال کشور شمرد. از نگاه ایشان مصونیت دادن به نظامیان آمریکایی یعنی خردکردن حیثیت کشور، بربادرفتن استقلال قضایی و مسلط کردن غارتگران آمریکایی - صهیونیستی در همه شئون نظامی، سیاسی، تجاری، صنعتی، زراعی و بازارها بود؛ چنان‌که این مصونیت دادن مایه ذلت و ننگ ایران و سقوط حیثیت کشور و به شکل مستعمره و عقب‌افتاده درآمدن کشور و مخالفت با مشروطه و قانون اساسی بود. امام خمینی بعدها نیز که سیدحمید روحانی در

دهمین سالگرد تصویب کاپیتولاسیون پیشنهاد انتشار نطق نمایندگان مخالف و نیز سخنرانی چهارم آبان ۱۳۴۳ امام خمینی را به ایشان داد، ایشان با انتشار مذاکرات مخالفان به صورت جدی مخالفت کرد؛ به این دلیل که همه آن مذاکرات ظاهراً صحنه‌سازی و به دستور مقامات امنیتی بوده‌است و اگر جز این بود، جرئت آن را نداشتند و بعداً نیز سالم نمی‌ماندند؛ چنان‌که نشر آن به معنای وجود آزادی نطق و مخالفت آنان است و آن نمایندگان شایسته ستایش نیستند.^۱

واکنش علما، مردم و جریان‌های سیاسی

با سخنان و اطلاعیه امام خمینی علیه کاپیتولاسیون موج جدیدی از خشم و نفرت و اعتراض علیه رژیم پهلوی پدید آمد. علما و روحانیان شهرستان‌ها با همراهی مردم طی نامه‌ها و طومارها، خواستار الغای فوری کاپیتولاسیون شدند. سخنرانان نیز به دولت و مصونیت مستشاران آمریکایی به شدت اعتراض کردند. برخی از شاعران نیز علیه آن اشعاری سرودند. روحانیان و سخنرانان تهران با تشکیل جلسه‌ای تصمیم گرفتند به قانون کاپیتولاسیون و پیامدهای منفی آن اعتراض کنند. پس از تصویب قانون کاپیتولاسیون در نهم آبان ۱۳۴۳ اجازه گرفتن وام دویست میلیون دلاری ایران از آمریکا تصویب شد و مردم آن را پاداش تصویب لایحه یادشده دانستند و اعتراض و خشم آنان علیه رژیم گسترش یافت.

ساواک در گزارشی از نارضایتی و مخالفت روحانیان با تصویب لایحه و اقدام به تحریک افکار عمومی سخن گفته‌است. شماری از روحانیان و سخنرانان به همین جرم زندانی شدند. ساواک در ۱۳۴۳/۸/۹ گزارش کرده‌است طلاب طرفدار امام خمینی نامه‌هایی با حدود پنجاه امضاء و خطاب به نخست‌وزیر در اعتراض به قانون مصونیت مستشاران آمریکایی تهیه کردند. بنا به گزارشی سیدمحمد‌هادی میلانی از مراجع مشهد ضمن تلگرامی به قم، آمادگی اهالی مشهد را برای هرگونه اقدام و فداکاری اعلام کرد. مردم انقلابی ایران با تلفن و نامه و راه‌های دیگر از مقامات دولتی و نمایندگان مجلس در این باره توضیح خواستند. به گزارش ساواک پس از تصویب قانون مصونیت مستشاران آمریکایی برخی از افراد با تلفن کردن به خانه‌های برخی از شخصیت‌های

۱. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۳

سیاسی کشور از آنان انتقاد کردند و متذکر شدند با تصویب این قانون، حیثیت ایرانی بر باد رفته و کشور ایران به آمریکایی‌ها فروخته شده‌است.

احزاب و گروه‌های سیاسی آن روز ایران واکنشی در برابر احیای کاپیتولاسیون نشان ندادند. پس از گذشت یک ماه، در جریان اعتصاب و اعتراض رانندگان تاکسی به گرانی بنزین، نهضت آزادی اطلاعیه‌ای در قدردانی از اعتصاب رانندگان صادر کرد و در آن بدون محکوم کردن کاپیتولاسیون و لزوم مبارزه با آن، به تبعید امام خمینی و زندانی کردن محمد مصدق و مصونیت مستشاران خارجی اشاره کرد. جبهه ملی و افراد وابسته به آن نیز به موضع‌گیری امام خمینی واکنش منفی نشان دادند؛ اما در مهر ۱۳۵۸ حزب زحمتکشان اعلام کرد در سال ۱۳۴۳ جزوه‌ای را در اعتراض به کاپیتولاسیون با عنوان «هست یا نیست» منتشر کرده‌است. در این جزوه احیای کاپیتولاسیون محکوم نشده‌است، بلکه محور بحث آن است که مصوبه سنا و مجلس شورا کاپیتولاسیون بود یا نبود و در پایان نیز با توجیه رأی نمایندگان یادآور شده‌است مسئولان کشور و نمایندگان دو مجلس بدون آگاهی از ماهیت لایحه به آن رأی مثبت دادند.^۱

واکنش رژیم به مخالفت امام خمینی

حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت، در واکنش به سخنرانی و اعلامیه امام خمینی در نهم آبان ۱۳۴۳ ضمن تأیید و توجیه تصویب لایحه و سابقه‌داربودن این عمل در کشورهای همسایه، از مخالفت با آن اظهار تأسف کرد و مخالفت با آن را پایین‌آوردن شأن مملکت دانست و مخالفان را جزو ستون پنجم دشمن معرفی کرد. برخی از مجله‌های وابسته به رژیم نیز به توجیه لایحه پرداختند. رژیم پهلوی از ترس بازتاب افشاگری‌های امام خمینی، مصمم شد ایشان را بازداشت و از ایران تبعید کند و به دنبال آن در شب سیزدهم آبان ۱۳۴۳ با تعداد زیادی کماندو به خانه امام خمینی حمله و ایشان را بازداشت و سپس به ترکیه تبعید کرد. امام خمینی بعدها در ۱۴ آذر ۱۳۵۷ به شرح این واقعه و تبعید خود به ترکیه اشاره کرده‌است. ساواک صبح روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳، طی اطلاعیه‌ای اقدامات امام خمینی را علیه امنیت، استقلال و تمامیت ارضی کشور دانست و آن را دلیل تبعید ایشان خواند. شماری از روحانیان و سخنرانان از جمله سیدکاظم

۱. روحانی، حمید، نهضت امام خمینی، ج ۱/ص ۱۰۵۰

قرشی نیز به جرم اعتراض به احیای کاپیتولاسیون و آگاه کردن مردم از پیامدهای آن بازداشت و شکنجه شدند. قرشی پس از آزادی از زندان به سبب شکنجه‌های سخت عمل جراحی شد و سرانجام به شهادت رسید.^۱

پیامدها

کاپیتولاسیون خدشه بر استقلال و ضربه بر حاکمیت قضایی ایران و ناقض اصل ۷۱ متمم قانون اساسی مشروطه بود که «دیوان عدالت و محاکم عدلیه را مرجع تظلمات عمومی» دانسته است. با گذشت چند ماه از تصویب لایحه کاپیتولاسیون در ایران سوء استفاده از آن آغاز شد. در ۱۲ اسفند ۱۳۴۳، یک درجه‌دار آمریکایی به نام چارلز. ال. گری در هنگام رانندگی با یک دختر جوان ایرانی به نام ایران سلیمی تصادف کرد و این دختر بر اثر جراحات فوت کرد. سفارت آمریکا از وزارت امور خارجه ایران خواست به مقامات صاحب صلاحیت ایران اطلاع دهد که گری مصونیت سیاسی و قضایی دارد. هتک حیثیت نوامیس مردم، توهین و بدزبانی مستشاران نظامی آمریکا به امیران ارتش شاهنشاهی و حتی کتک خوردن افسر شهربانی از مستشار نظامی مست آمریکایی به علت جلب وی به کلانتری به جرم تصادف با کارگر ساختمانی، از پیامدهای تصویب این لایحه بود. جرم و جنایت آمریکایی‌ها به اندازه‌ای زیاد بود که در سال ۱۳۴۸ فرمانده وقت مستشاران نظامی آمریکا، ژنرال تویچل، از مقامات سفارت آمریکا خواست تا برای رسیدگی به تخلفات فزاینده نظامیان آمریکایی در ایران، شعبه‌ای از دادگاه نظامی آمریکا در ایران تأسیس شود. پس از تصویب لایحه، حضور آمریکایی‌ها در ایران افزایش یافت و به دنبال آن نفوذ فرهنگ غربی آثار خود را در همه شئون اجتماعی ظاهر کرد و گزارش‌هایی مربوط به شرارت، میخواری و خشونت آمریکایی‌ها در مطبوعات درج شد.

از سوی دیگر، احیای کاپیتولاسیون سبب افزایش خشم و نفرت مردم از رژیم پهلوی به‌ویژه احیاگران آن در آن مقطع و در درازمدت شد. منصور در اول بهمن ۱۳۴۳ به جرم تصویب رساندن لایحه کاپیتولاسیون روبه‌روی در ورودی مجلس شورای ملی (محل احیای کاپیتولاسیون) با گلوله محمد بخارایی از اعضای هیئت‌های مؤتلفه اسلامی کشته شد. پس از قتل او با وجود کوشش‌هایی که برای حفظ امنیت مقامات کشور انجام شده

۱. مؤسسه تنظیم، سیر مبارزات، ۱۳۹۵/۱۱-۱۳۹۶

بود، در روز ۲۱ فروردین ۱۳۴۴/۱۰ آوریل ۱۹۶۵ م سرباز وظیفه رضا شمس‌آبادی از افراد گارد سلطنتی و مأمور نگهبانی از کاخ مرمر، محمدرضا پهلوی را روبه روی سرسرای کاخ به گلوله بست که وی جان سالم به در برد. آمریکایی‌ها نیز به‌طور فزاینده‌ای هدف عملیات شناسایی و حمله قرار گرفتند. تنها میان سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۷۵ م/۱۳۴۹-۱۳۵۳ ش ۳۱ مورد بمب‌گذاری و تهدید به انفجار بمب، علیه تأسیسات و سازمان‌های آمریکایی در ایران انجام شد. رئیس کلانتری ۳ قلهک در تماسی با پلیس تهران آرزو می‌کرد هر چه زودتر مستشاران آمریکایی از این مملکت بروند.

یکی از اعضای هیئت مستشاری آمریکایی به نام مارتین گزارش می‌کند ارتشی‌های ایران درباره هیئت مستشاری آمریکایی احساس بدی داشتند و نگاهشان به آنان همچون نگاه به میهمانان ناخوانده و مزاحم بود. برخی از دانش‌آموزان نیز با نگارش نامه و انداختن آن در خودروی مستشاران نظامی آمریکا، آنان را «دشمن خودخواه ایرانیان» می‌خواندند و از کشور، سیاست، رئیس‌جمهور آمریکا و از اقدامات و کارهای آنان در این مملکت اظهار تنفر می‌کردند و یادآور می‌شدند که مردم ایران آمریکایی‌ها را از کشور خود بیرون خواهند کرد و از آنان انتقام خواهند گرفت. «یانکی به خانه‌ات برو، نه سگ می‌خواهیم، نه آمریکایی» شعاری بود که بر روی خودروی مستشاری نظامی آمریکا نوشته شده بود.^۱

لغو رسمی کاپیتولاسیون

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی، خروج مستشاران آمریکایی از ایران آغاز شد و با آتش‌زدن چند مؤسسه آمریکایی در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ به دست مردم، خروج آنان شدت گرفت و مدرسه‌های آمریکائیان در ایران برای اینکه خانواده‌های آنان بتوانند به مسافرت بروند، پس از کریسمس تعطیل شد.^۲

در آغازین روزهای دی ۱۳۵۷ مری سولیوان، همسر سفیر آمریکا نیز ایران را ترک کرد.^۳ میان روزهای ۱۱ تا ۲۲ بهمن حدود دوازده هزار آمریکایی از تهران خارج شدند.^۱

۱. مرکز اسناد، شماره بازبایی، ۲۶۳، سند ۶۸

۱. سولیوان، خاطرات دو سفیر، ۱۹

۲. احیانی، زینب، مستشاران آمریکایی در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۱۴،

۴. تهران، ۱۳۸۲ هـ.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنا به پیشنهاد دولت موقت جمهوری اسلامی ایران به ریاست مهدی بازرگان و تصویب شورای انقلاب اسلامی^۲ به طور رسمی لغو شد. شش ماه بعد در سالروز تبعید امام خمینی به ترکیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام سفارتخانه آمریکا را تصرف کردند. این رویداد که با پشتیبانی امام خمینی از آن، انقلاب دوم و انقلاب بزرگ‌تر از انقلاب اول نام گرفت، ابهت آمریکا را در جهان در هم شکست.

سیدمحمد مهدی توسلی و محمد جعفر بگلو: یکی از اصول مبارزات مردم علیه رژیم پهلوی مبارزه با استکبار خارجی به ویژه آمریکا بود که این اصل همچنان به عنوان اصول مبارزه مردم در متن جامعه جریان دارد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت مردم و مبارزان نهضت اسلامی هدف اصلی خود را از مبارزه با شاه، مبارزه با آمریکا می‌دانستند. برای بررسی و واکاری این موضوع مصاحبه‌ای با جواد منصوری پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی و از فعالان نهضت اسلامی برگزار شد تا شرایط ایران را از این دریچه بررسی کنیم. متن زیر مشروح گفتگوی "پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی" با جواد منصوری است:

یکی از اصول اصلی حضرت امام خمینی^(ع) برای مبارزه با سلطه خارجی، آمریکا بوده است؛ که گروهی از جریان های سیاسی، مغرضانه یا غیرمغرضانه سعی دارند که این مبارزات انقلابی مردم در برابر استکبار و آمریکا را تحت الشعاع قرار داده و تحریف کنند. مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی هم در خطبه‌های نماز جمعه ۲۸ آبان ماه ۶۱ می‌گوید: «شاه در حقیقت خاکریز اول میدان نبرد ما بود. ما وقتی با آمریکا مواجه بودیم اولین خاکریز دشمن شاه بود. ما این خاکریز را به اصطلاح فتح کردیم اما خاکریزهای متعدد و سنگرهای فراوانی پشت آن بود که باید فتح می‌شد.» یعنی ما محمدرضا پهلوی را می‌زنیم چرا که می‌خواهیم آن شیطان بزرگ را از صحنه فضای سیاسی ایران حذف کنیم. از همین رو خدمت شما رسیدیم تا درباره روزهای انقلاب بفرمایید که روحیه ضد آمریکایی و ضد استکباری چه نقشی در بسیج توده‌ها و در نهایت پیروزی انقلاب داشت؟ جواد منصوری: مهم‌ترین و رایج‌ترین موضوعی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در داخل و خارج از ایران مطرح بوده درگیری شدید آمریکا با ایران در همه سطوح بوده

است به گونه‌ای که در قالب محافل سیاسی و بین‌المللی به عنوان یک سؤال اساسی مطرح است که چرا ایران و آمریکا چنین رابطه خصمانه‌ای با هم دارند؟ این رابطه خصمانه تا کی ادامه خواهد داشت؟ و نهایتاً پیروز این میدانچه کسی خواهد بود؟ این سوالی است که در مراکز مطالعات استراتژیک دنیا مطرح است. در مورد بخش سوم این سؤال الان نمی‌توانیم اظهار نظر کنیم. البته از لحاظ اعتقادی ما اعتقاد داریم که بالاخره ما پیروز خواهیم شد اما به لحاظ عرفی و عادی طبیعتاً به عنوان یک احتمال و یک نظر همچنان که ممکن است گفته شود که آمریکا پیروز می‌شود این پاسخ سؤال سوم است. ولی در هر حال برای دنیا خیلی این قضیه مهم است. حتی برای سی سال دیگر پیش‌بینی می‌کنند که اگر نتیجه این مبارزه چه باشد آن وقت دنیا چگونه خواهد شد؟ لذا این پاسخ بسیار اهمیت دارد. در سفرهایی که در گوشه و کنار دنیا و کشورهای مختلف داشته‌ام دیده‌ام. افراد زیادی به عنوان یک سؤال مهم از من می‌پرسیدند که فکر می‌کنید سرانجام این مبارزه چه خواهد شد؟

سؤال دوم این است که این مبارزه ایران و آمریکا چرا شروع شد و نقطه آغازش کجا بوده است و آیا می‌شد که شروع نشود؟ این سؤال بسیار جالبی است و خیلی باید با دقت به آن جواب داد؛ برخلاف سؤال اول که ما تنها می‌توانیم به عنوان یک نظر به آن پاسخ بدهیم؛ اما به سؤال دوم می‌بایست با دقت جواب داد. اینکه این مبارزه از کجا شروع شد؟ چرا شروع شد؟ و چرا ادامه پیدا کرد؟

پاسخ این سؤال بحث خیلی گسترده‌ای را می‌طلبد که من خیلی به اختصار جوابش را می‌دهم. واقعیت قضیه این است که ماهیت دولت آمریکا از زمان شکل‌گیری تاکنون و بعد از این، یک نظام استکباری است. ویژگی نظام استکباری سلطه جویی، استثمار، به حد اکثر رساندن منافع یک‌جانبه خودش و حاکمیت مطلق برای خودش قائل شدن است. این ویژگی‌هایی است که در نظام استکباری آمریکا وجود دارد و اگر کسی این‌ها را منکر باشد به نظر من معنایش این است که نظام حاکم بر آمریکا را نمی‌شناسد و اگر چنانچه به این ویژگی‌ها اعتراف دارد پس به این ترتیب ما به جواب می‌رسیم؛ و آن اینکه نقطه آغاز خصومت و درگیری ملت ایران با آمریکا نقطه آغاز حضور و نفوذ و سلطه آمریکا بر ایران است؛ یعنی وقتی ملت ایران این نظام استکباری را شناخت طبیعتاً با توجه به مبانی اعتقادی و فکری‌اش به هیچ عنوان زیر بار تحمل سلطه چنین نظامی نمی‌رود. البته سوال بسیار اساسی و جالب این است که چطور ملت ایران با سلطه

انگلیس یا آرام گرفت یا به خشونت کشیده نشد، اما با سلطه آمریکایی این چنین برخورد کرد؟ این یک سؤال بسیار اساسی است که باید در جای دیگری به آن جواب داد.

نقطه آغاز مبارزه با آمریکا

جواد منصوری: آمریکا در پوشش سه شعار اساسی وارد ایران شد: ۱- آزادی؛ ۲- توسعه؛ ۳- دموکراسی.

به عبارت دیگر آمریکایی‌ها برای اینکه استعمار انگلیس را از ایران بیرون کنند و برای اینکه مردم ایران را درباره حضور خودشان قانع کنند گفتند ما قصد استثمار شما را نداریم، قصد استعمار کردن شما را هم نداریم و می‌خواهیم به شما آزادی بدهیم و شما هر دینی که می‌خواهید داشته باشید و ما برای توسعه آمده‌ایم.

طبعاً این شعارها برای ملت ایران به ویژه در شرایط بسیار بحرانی دوران جنگ جهانی دوم و پس‌از آن اهمیت داشت و به این دلیل بسیاری از روشنفکرها و غرب‌گراها و افرادی که با ماهیت آمریکا آشنایی نداشتند و یا نمی‌خواستند بفهمند، از جایگزینی آمریکا به جای انگلیس استقبال کردند. به این ترتیب در دهه بیست عوامل آمریکایی در ایران به تدریج جایگاه خودشان را محکم کردند و در ابتدای دهه سی با تحولاتی که هم در ایران و هم در انگلیس و آمریکا به وجود آمد سرانجام طرح سقوط دولت ملی را آمریکا و انگلیس مشترکاً اجرا کردند و سرانجام به سقوط دولت مصدق و شکست جریان ضد استعماری ملی شدن صنعت نفت منتهی شد و به این ترتیب آغاز سلطه آمریکا در ایران شروع شد. این شروع چون با نفی حق حاکمیت ملت ایران و با فشار عوامل فاسد در داخل، همچنین دخالت مستقیم آمریکا و انگلیس انجام گرفت از همان ابتدا واکنش شدید مردم ایران را نسبت به این جریان به همراه داشت و لذا در دهه سی ما شاهد هستیم که موج ضد آمریکایی در ایران شکل می‌گیرد و در دهه ۴۰ تشدید شد و بیشتر خودش را نشان می‌دهد و در دهه ۵۰ این خصومت و درگیری با سلطه آمریکا اگرچه به ظاهر با نظام پهلوی است تشدید می‌شود و به این ترتیب به انقلاب اسلامی می‌رسد.

به عبارت دیگر با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دیدگاه مردم نسبت به آمریکا تغییر می‌کند و به تدریج با اتفاقاتی که در دهه ۳۰ رخ می‌دهد خصومت مردم با دولت آمریکا و متقابلاً خصومت آمریکا با مردم افزایش پیدا کرده و رفته رفته اوج گرفت و به انقلاب

اسلامی رسید.^۱

نقش روحانیت در شکل‌گیری مبارزات ضد آمریکایی

گفتید که نقطه آغاز ضدیت با آمریکا کودتای ۲۸ مرداد است. در آن برهه در فضای سیاسی ایران دو طیف وجود داشت؛ در یک طرف نیروهای ملی قرار داشتند که از همان ابتدا بنای همراهی و همسویی با آمریکا را گذاشتند، در جریان نهضت ملی کردن نفت بارها به آمریکا متوسل شده و حتی به ملاقات سران آمریکایی رفتند. آنچنان که تاریخ‌گویای آن است اعتماد مصدق به آمریکا تا حدی پیش رفت که وی یک روز پیش از کودتا با "لوی هندرسون" دیدار کرد تا هماهنگی‌های لازم را با سفیر آمریکا انجام دهد. از سوی دیگر، نیروهای مذهبی به رهبری آیت‌الله کاشانی حضور داشتند که از همان آغاز مخالف اعتماد به آمریکا بودند تا جایی که سفیر آمریکا در ایران آیت‌الله کاشانی را "عنصر مزاحمی" خواند که برای "منافع آمریکا و دول غرب عنصر خطرناکی است." به نظر شما روحانیت چه نقشی در شکل‌گیری مبارزات ضد آمریکایی داشت؟

جواد منصوری: روحانیون در طول تاریخ تشیع در ایران یک پیوستگی عمیق و ناگسستنی با مردم داشتند، همچنان که مردم هم با روحانیون داشتند. مردم به ویژه با مرجعیت شیعه یک تبعیت و یک ارادت خاصی داشتند و لذا اگر مراجع شیعه و روحانیون اراده‌ای بر انجام کاری داشتند مردم اطاعت کرده و با روحانیت همراهی می‌کردند و اتفاقاً یکی از دلایل خصومت شدید غرب با شیعه همین موضوع است؛ بنابراین بحث مربوط به خصومت با آمریکا به شخص خاصی بر نمی‌گردد بلکه به عملکرد آمریکا برمی‌گردد؛ اما طبیعتاً علما به عنوان کسانی که در جایگاهی قرار دارند که خودشان را مسئول و رهبر واقعی مردم می‌دانند و مردم هم از آن‌ها چنین انتظاری را داشتند طبیعتاً پیش‌گام بودند و لذا بعد از کودتای ۲۸ مرداد می‌بینیم که بعضی از علما علناً و به طور صریح مخالفت خودشان را با سیاست و سلطه آمریکا انجام می‌دهند و به تدریج این موج مخالفت افزایش پیدا می‌کند؛ همچنان که رژیم هم موج سرکوبی‌اش تشدید می‌شود به گونه‌ای که در سال ۱۳۳۶ رسماً ساواک برای سرکوب مبارزات ضد استعماری و در راس آن مبارزات ضد آمریکایی تاسیس می‌شود. تاسیس ساواک

۱. واعظی، حسن، ایران و آمریکا، ج ۳، ص ۵۷.

مستقیماً توسط سازمان سیا است و گویای خیلی از مسائل است. جالب است بدانید که از زمان تاسیس ساواک تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، بیشترین پرونده‌ها، دستگیری‌ها، شکنجه‌ها و محکومیت‌های ساواک از مردم متدین و مذهبی، روحانیون و نیروهای ضد آمریکایی بود.

با توجه به تاریخچه‌ای که از نقطه آغازین حرکت ضد آمریکایی در ایران داشتیم، به نظر شما در نهایت این روحیه که از سال ۱۳۴۲ و با روشنگری‌های امام خمینی^(۵) پرنرنگ‌تر شد چگونه به بسیج توده‌ها علیه رژیم پهلوی ختم شد؟ خصوصاً اینکه "حافظه تاریخی مردم ایران حکایت از نقش منفی آمریکا در ایران داشت. امام خمینی^(۵) از این ظرفیتی که خود روحانیون در شکل‌گیری آن نقش داشتند با چه تاکتیک و روشی استفاده کردند؟^۱

خط دمی مبارزات ضد آمریکایی توسط امام خمینی^(۵)

با انتخاب کِنِدی به ریاست جمهوری آمریکا سیاست‌های این دولت در کشورهای دیگر تغییر کرد و محمدرضا پهلوی بعد از جریاناتی در نهایت متعهد شد که سیاست‌های آمریکا را شخصاً اجرا کند که این سیاست‌ها در نهایت به نفی اسلام از حاکمیت ایران، سلطه فرهنگی کامل آمریکا بر ایران، سلطه کامل اسرائیل و بهائیت بر ایران و گسترش فساد تحت پوشش آزادی به ویژه آزادی زنان منتهی می‌شد. به این دلیل حرکت جدیدی از مهر ۱۳۴۱ شروع می‌شود که در آغاز به عنوان یک حرکت اعتراضی علیه دولت در اجرای این سیاست‌ها بود. تا اینکه به سال ۴۲ می‌رسیم که درگیری‌ها با حکومت به سمت آمریکا هم نشانه می‌رود؛ اما در جریان کاپیتولاسیون این قضیه کاملاً آشکار می‌شود و به اوج خودش می‌رسد و لذا امام در ۴ آبان ۱۳۴۳ در سخنرانی تاریخی خودشان این جمله را می‌فرمایند که «رئیس جمهور آمریکا بداند که منفورترین افراد در نزد ملت ماست.» به این ترتیب آمریکا هم مستقیماً وارد جنگ با مردم ایران و روحانیت شد و به شاه دستور داد حتماً باید امام خمینی^(۵) از ایران تبعید شود و گروه‌های مذهبی تحت فشار بیشتری قرار بگیرند. همچنین شکنجه‌ها، زندان‌ها، دادگاه‌ها و ... نیز اوج می‌گیرد. در این شرایط شاه که تجربه ۱۵ خرداد را داشت می‌ترسید که سلطنت را

۱. مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد: ۱، صفحه: ۳۵۸، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش

از دست بدهد؛ اما آمریکایی‌ها به او اطمینان دادند و گفتند ما آماده باش می‌دهیم. در نهایت امام^(۵) تبعید شدند.

پس از آن، جریان کشته شدن حسنعلی منصور توسط گروه موتلفه اسلامی پیش آمد و شاه که به شدت نگران بود به آمریکایی‌ها گفت که این نتیجه آن تبعید است؛ اما آمریکایی‌ها گفتند ما همه چیز را درست می‌کنیم و لذا هویدا را آوردند و یک دولت صددرصد بهایی-یهودی-صهیونیستی را روی کار گذاشتند و به این ترتیب فشار و محدودیت و سرکوب را به اوج خود رساندند.

اینکه بعد از سال ۴۳ در ایرانچه کردند داستان مفصلی دارد؛ شاید خیلی از مطالبش گفته نشده است؛ از شکنجه‌ها و کشتارها و حقوقی که ضایع شد؛ به عنوان نمونه ده‌ها نفر را در شکنجه‌ها شهید کردند، صدها نفر را تیرباران و ده‌ها هزار نفر را زندانی کردند. گمان نمی‌کنم که ملت‌های دیگری نظیر چنین کارهایی را سراغ داشته باشند. واقعاً جنایت‌های فراوانی مرتکب شدند.

یکی از ارتشی‌های رده بالا که در زمان رژیم پهلوی سرتیپ بود خودش گفت که آمریکایی‌ها در مهمانی‌ها از هر زن ایرانی که خوششان می‌آمد با خودش می‌بردند و کسی جرات اعتراض نداشت و یک هفته و بیشتر حتی زن سرتیب‌ها را می‌بردند؛ دختر یکی را بر می‌داشتند و یک هفته و بیشتر به خارج می‌بردند و کسی جرات حرف زدن نداشت. آمریکایی‌ها در همین خیابان زمرد قمارخانه داشتند؛ در آنجا بر روی زن‌ها و دخترهای ایرانی قمار می‌کردند. واقعاً اتفاقات ناگواری در دوران پهلوی به وقوع می‌پیوست که سریال "معمای شاه" نمی‌تواند آن‌ها را نشان بدهد. آمریکایی‌ها هر کاری که می‌خواستند در ایران انجام دادند؛ انتقام اسلام و انتقام شکست جنگ‌های صلیبی و ... را می‌خواستند بگیرند.

به‌رحال ملت ایران خودش را به تدریج آماده انقلاب کرد و این اتفاق در سال ۵۷ رخ داد؛ اما نکته جالب این است که رژیم و آمریکا بعد از قضیه ۱۵ خرداد تصورشان این بود که مردم را سرکوب کردند و روحانیون هم پس از تبعید امام^(۵) مرعوب شده‌اند و دیگر اتفاقی در ایران نمی‌افتد و لذا چند روز بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ رئیس سازمان سیا در آن زمان می‌گوید: «آنچه که در ایران می‌گذرد یک واقعه مهم و فوق‌العاده نیست، بلکه یک واقعه عجیب و باور نکردنی است؛ زیرا ما ایران را به گونه‌ای ساخته‌ایم که قرار بود برای همیشه در آنجا باشیم.»

به این ترتیب آمریکا بزرگترین دشمن خودش را مرجعیت شیعه می‌داند زیرا که ایران را از چنگ آمریکا در آورد؛ بزرگترین دشمن خودش را شیعه و مردم متحد آگاه و مسئول شیعه می‌دادند و به این دلیل تمام دشمنی خودش را برای همیشه علیه این جریان خواهد داشت.

بعد از ۱۵ خرداد در لایه‌های میانی جامعه ایران، آرام آرام آگاهی‌ها رشد پیدا کرد و اراده برای تغییر بوجود آمد. به خصوص قشر تحصیل کرده به سمت مبارزه با رژیم پهلوی گرایش پیدا کرد. اتفاق دیگری که در ایران رخ داد که در دنیا بی‌نظیر بود این است که طبقه متوسط در ایران به فرهنگ انقلابی شیعی و ضد آمریکایی متمایل شد. در صورتی که در کشورهای دیگر طبقه متوسط پایگاه نفوذ و سلطه آمریکا است و آمریکا هم از سال ۱۳۳۹ تلاش می‌کرد تا طبقه متوسط را در ایران برای همین منظور هدایت کند ولی در ایران این اتفاق عجیب خارج از اراده آمریکا واقع شد. طبقه متوسط اگر روزنامه و کتاب می‌خواند، اگر سینما می‌رود، اگر از رسانه‌های بین‌المللی استفاده می‌کند همه این‌ها با فرهنگ آمریکایی تغذیه می‌شود؛ مثلاً دانشگاه‌ها با فرهنگ آمریکایی اداره می‌شوند؛ در ایران هم این برنامه پیاده شد اما فرهنگ شیعه غلبه پیدا کرد و به این ترتیب تحولات ایران برای دنیا نه تنها برای آمریکا کاملاً ناشناخته و غیره منتظره بود. به این دلیل سال‌ها تحلیل روشنی پیرامون انقلاب اسلامی در دنیا وجود نداشت. اگرچه اکنون هم پس از نزدیک چهار دهه اشتباهات زیادی وجود دارد.^۱

مبارزه مستقیم با آمریکا

آقای دکتر شما اشاره‌ای داشتید به مبارزه مستقیم با آمریکا و همانطور که گفتید تا قبل از آن مبارزات کاملاً غیرمستقیم بود. حال سؤال این است که چرا حضرت امام (ع) آمریکا را مستقیم وارد مبارزه کرد؟ یعنی فاصله‌ای که بین مردم و آمریکا بود را کنار زد و خود آمریکا را مورد مواجهه مستقیم قرار داد؟

جواد منصوری: امام (ع) بعد از تصویب کاپیتولاسیون به این جمع‌بندی رسید که کاپیتولاسیون آخرین مانع بر سر راه سلطه مطلق آمریکا بر ایران بود؛ زیرا که با تصویب لایحه کاپیتولاسیون آمریکا در ایران حاکمیت مطلق پیدا می‌کرد و به این ترتیب

۱. مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد: ۲، صفحه: ۸۶، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش

حاکمیت قضایی ایران نسبت به آمریکا به کلی از بین می‌رفت و بنابراین هر آمریکایی در ایران هر کاری که می‌خواست انجام می‌داد و هیچ‌گونه محدودیت و تعرض و مسئولیتی متوجهش نبود. امام (ع) احساس کرد اگر از این مرحله بگذرد دیگر نمی‌توان حریف این رژیم شد؛ زیرا رژیمی است که آمریکا به عنوان حامی و نگه‌دارنده‌اش این چنین موقعیتی در ایران به دست می‌آورد؛ لذا ایشان موضع شفاف و صریح خودشان را درباره آمریکا اعلام می‌کنند و اینجاست که مردم ایران هم متوجه خطر بزرگی که کشور را تهدید می‌کرد شدند و لذا آرام آرام به سمت سقوط رژیم پهلوی به عنوان اولین گام برای از بین بردن سلطه آمریکا از ایران تمایل پیدا کردند. لذا در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ بعد از اینکه شاه از ایران فرار می‌کند شعار مردم این است: «بعد از شاه نوبت آمریکاست.»^۱

دستور شکنجه مردم توسط آمریکا

با توجه به اینکه ساواک هم دقیقاً براساس تشکیلات سیا و موساد ایجاد شده بود و همان ساختار را داشت، به نظر شما شکنجه‌ها متوجه گروه‌هایی می‌شد که مستقیماً با آمریکا وارد مبارزه شده بودند؟

جواد منصوری: دولت آمریکا می‌دانست که هدف نهایی مبارزات چیست و این هدف چه در نوشته‌ها، چه در صحبت‌ها و چه در ماهیت حرکت مردم کاملاً مشخص و معلوم بود. وقتی مردم می‌گفتند "مرگ بر شاه" آمریکایی‌ها می‌فهمیدند منظور چیست. کلیت این موضوع که دستور شکنجه مردم توسط آمریکا تعیین می‌شد قطعی است. در واقع ساواک باید تمام جریان‌های مخالفان رژیم پهلوی که در عین حال مخالف آمریکا هستند را به روش‌های مختلف یعنی کشتار، شکنجه، زندان و تبعید سرکوب کند. علاوه بر این، بازجوها و شکنجه‌گران هم توسط آمریکا و اسرائیل دوره دیده بودند و ابزارهای شکنجه نیز غالباً اسرائیلی بود و آمریکایی‌ها گرداننده کمیته مشترک ضد خرابکاری بودند

ارتباط سیا و موساد با ساواک را چگونه تحلیل می‌کنید؟

جواد منصوری: جالب است بدانید که اصلاً سیا در ساواک دفتر داشت. دفتر موساد هم از سال ۴۳ به بعد تاسیس شد. از این طریق تبادل اطلاعات صورت می‌گرفت، آموزش داده

۱. واعظی، حسن، ایران و آمریکا، ج ۳، ص ۳۰۹

می‌شد، ابزار می‌دادند، گزارش می‌گرفتند، راهنمایی می‌دادند و ... اصلاً پرویز ثابتی بدون چون و چرا عضو سیا و موساد بود. او عامل آن‌ها بود. بهایی هم بود. هیچ تردید نکنید. یک دلیل دیگر از این ارتباط را نیز برایتان روایت می‌کنم. در اردیبهشت سال ۱۳۵۶ من را از زندان به کمیته ضدخرابکاری بردند و در آنجا یکی از بازجوها یعنی همان منوچهری معروف با من صحبت کرد و گفت: تو فکر می‌کنی که اوضاع بیرون چه می‌شود؟ پاسخ دادم: من پنج سال است که در زندانم، شما از سال ۵۱ من را گرفته‌اید. چه می‌دانم بیرون چه خبر است؟ البته ما خیلی خوب می‌دانستیم که بیرون چه خبر است اما به بازجوه‌های ساواک پاسخ مناسبی نمی‌دادیم. منوچهری گفت: حالا شما چند تا رئیس‌جمهور برای این مملکت می‌خواهید تربیت کنید؟ فکر می‌کنید ما نمی‌دانیم شما زندان را به دانشگاه انقلاب تبدیل کرده‌اید و در آنجا دارید رئیس‌جمهور تربیت می‌کنید؟ ولی بدانید شما به ما دسترسی پیدا نمی‌کنید.

آن جریان گذشت تا اینکه شاه از ایران فرار کرد. هفته اول بهمن ۵۷ اسرئیل یک هواپیما ویژه به تهران فرستاد و همه این‌ها را سوار کرد و با خودش برد که مبادا به دست ما بیفتند. همه تربیت‌شده‌هایش را جمع کرد با خودش برد. فقط دو نفر از آن‌ها نرفتند که مشخص نشد چرا آن‌ها را نبردند.

امروزه تحلیلی ارائه می‌شود مبنی بر اینکه رژیم پهلوی زمانی سقوط کرد که حمایت آمریکا از آن قطع شد و این موضوع باعث پیروزی انقلاب اسلامی شد. هرچند این تحلیل با واقعیت قابل تطبیق نیست و ما تا آخرین لحظه شاهد حمایت آمریکا از رژیم پهلوی و دولت بختیار بودیم، چنین تحلیلی از نظر شما صحیح است؟

جواد منصوری: اینکه تحلیل‌ها دقیق، مستند و واقع‌بینانه باشد مهم است. الان نظریه‌ای است که خیلی بر روی آن کار می‌کنند و می‌گویند که مارکسیست‌ها، ملی‌گراها، مجاهدین خلق و فدائیان خلق انقلاب کردند بعد روحانیون انقلاب را دزدیدند. این تنها یک حرف است. ولی واقعیت با این حرف تطبیق نمی‌کند و این را نشان نمی‌دهد. چهار میلیون جمعیتی که روز تاسوعا و عاشورای ۵۷ وارد صحنه می‌شود و از میدان آزادی تا میدان امام حسین^(ع) حرکت می‌کند و همه جمعیت یک صدا می‌گویند: "ما همه سرباز تویم خمینی گوش به فرمان تویم خمینی" کجای این جریان مارکسیست‌ها دیده می‌شوند؟ لذا حرف زدن مشکل نیست. اصلاً بیاورند و فیلم‌های آن موقع را نگاه کنند

ببینند این چهار میلیون چه کسانی هستند و از کجا آمده‌اند. چرا از این چهار میلیون نفر یک نفر نگفتند "زنده باد شوروی"، "زنده باد مارکسیست"، "زنده باد حزب توده"، "درود بر مجاهدین خلق و حتی نهضت آزادی، جبهه ملی" و...؟

درباره آمریکا هم همینطور است. واقعیت این است که اگر آمریکا دست از حمایت محمدرضا پهلوی بر نمی‌داشت نهایتش ممکن بود انقلاب یک ماه عقب بیفتد یا ممکن بود ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار نفر بیشتر شهید شوند؛ اما در پیروزی انقلاب اسلامی تأثیری نداشت چون ملت ایران شهادت را بخشی از مبارزه می‌دانند و به این شهادت افتخار می‌کنند و مادامی که این فرهنگ هست هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند این مردم را شکست دهد.

شما یقین بدانید که اگر طرح ژنرال هایزر آمریکایی مبنی بر کشتار یک میلیون نفر از مردم ایران هم اجرا می‌شد نهایتاً دو هفته انقلاب عقب می‌افتاد. مگر کشتار ۱۷ شهریور باعث توقف انقلاب شد؟ مگر قتل‌عام مردم در شب اول ماه محرم در سرچشمه باعث خانه‌نشینی مردم شد که بگوییم مردم ترسیدند. برعکس آنان در روز عاشورا وارد خیابان‌ها شدند و راهپیمایی کردند.

اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا این کشتارها برای مرعوب کردن مردم بود؟ پاسخ این است که بله برای مرعوب کردن مردم بود ولی آن‌ها اشتباه کردند. این مردم دیگر مرعوب نمی‌شدند. این مردم عزم قاطع خودشان را برای سرنگونی رژیم پهلوی گرفته بودند و به هر قیمت این کار را انجام می‌دادند؛ بنابراین این حرف‌ها هیچ نتیجه‌ای برای کسانی که می‌خواهند به اصالت انقلاب خدشه وارد کنند ندارد.

از این صحبت‌ها زیاد است و بعضی وقت‌ها به ابتدال کشیده می‌شود؛ مانند همان جریانی که چند وقت قبل بی‌بی‌سی مطرح کرد که ما در اسناد سازمان سیا یک سندی را دیده‌ایم که آقای خمینی به آمریکایی‌ها نامه نوشته که ما با شما کاری نداریم! این حرف به هیچ وجه نمی‌تواند منطقی باشد و واقعیت داشته باشد. جالب است که این‌ها این سند را اصلاً نمایش ندادند و فقط گفتند که ما در اسناد سیا دیده‌ایم! جالب‌تر آن است که خود آمریکایی‌ها هم این مطلب را نگفتند بلکه انگلیسی‌ها می‌گویند این سند را

در اسناد سیا دیده‌اند. لذا اینگونه بحث‌های انحرافی و غیرواقعی بحث تازه‌ای نیست.^۱

ریشه‌های شعار مرگ بر آمریکا

آموزه‌ها و روشنگری‌های امام خمینی درباره آمریکا به عنوان "شیطان بزرگ" باعث شد آمریکاستیزی به مشخصه اصلی نهضت اسلامی تبدیل شده و شعار "مرگ بر آمریکا" در کنار شعار "مرگ بر شاه"، اصلی‌ترین شعار مردم ایران در راهپیمایی‌ها و تظاهرات انقلابی شود. با اوج‌گیری نهضت اسلامی، شعارهای ضد آمریکایی نیز بیشتر شد به طوری که در سال ۱۳۵۷، محور اصلی شعار مردم ایران در راهپیمایی‌ها، "مرگ بر آمریکا" بود. تا اینکه با پیروزی انقلاب اسلامی، اعمال نفوذ آمریکا در ایران محو شد و بدین ترتیب، به تعبیر امام خمینی، مردم ایران "شعار مرگ بر آمریکا را در عمل" نیز ثابت کردند. بعد از پیروزی انقلاب، "مرگ بر آمریکا" نه تنها به شعار اصلی مردم ایران تبدیل شد و در تمام راهپیمایی‌های مردم ایران طنین‌انداز شد، بلکه باعث روشنگری جهانیان نیز شد؛ به طوری که با تأسی از انقلاب اسلامی مردم ایران، شعار "مرگ بر آمریکا" سرلوحه مبارزات ضداستکباری و ضداستبدادی مردم جهان قرار گرفت.

امین خدابخشی؛ امریکا همواره به عنوان نماد امپریالیسم و استبداد در ایران شناخته می‌شود. این تعریف از آمریکا، به ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در حافظه تاریخی ایرانیان شکل گرفت و طی سال‌های بعد، به واسطه همکاری و همراهی آمریکا با رژیم پهلوی پررنگ‌تر شد. در این میان، روشنگری‌های امام خمینی در شکل‌گیری گفتمان ضد آمریکایی در ایران نقش بی‌بدیلی داشت. با شروع نهضت اسلامی شعار "مرگ بر آمریکا" هم نوا با شعار "مرگ بر شاه" و دیگر شعارها در تظاهرات مردمی سر داده می‌شد؛ چه اینکه این وجه از انقلاب روی دیگری از شعار "نه شرقی نه غربی" بود. اما قرائن تاریخی تبیین ویژه‌ای از بررسی ریشه‌های شعار "مرگ بر آمریکا" در مبارزات ملت ایران را ممکن می‌سازد.

تبیین مبارزه با آمریکا توسط امام خمینی

مبارزات ضد آمریکایی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران شکل گرفته بود، از

۱. سایت مرکز اسناد رسمی انقلاب اسلامی - <https://irdc.ir/fa/news/604> تاریخ انتشار: ۱۴:۲۲ - ۲۵ بهمن

دهه ۴۰ با آموزه‌ها و تعالیم امام خمینی به شعار اصلی تظاهرات نهضت اسلامی تبدیل شد و رفته رفته دامنه وسیع‌تری به خود گرفت. مردمی کردن گفتمان مبارزه با آمریکا، یکی از مهم‌ترین اقدامات امام خمینی از ابتدای نهضت اسلامی بود. ایشان می‌کوشیدند با روشنگری‌های خود، جنایت‌ها و ظلم‌های آمریکا را افشا کنند. به عنوان مثال بعد از تصویب لایحه کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳، امام خمینی در یک سخنرانی شدیدالحن و تاریخی در جمع اقشار مختلف مردم، ضمن افشاگری علیه کاپیتولاسیون، رئیس‌جمهوری آمریکا را "منفورترین افراد دنیا" نزد ملت ایران خواندند و اولین و مهم‌ترین مشکل کشور را اداره کردن ایران توسط آمریکایی‌ها دانستند. این سخنرانی چنان کوبنده بود که زمینه تبعید ایشان را فراهم کرد. امام خمینی در دوران تبعید نیز همچنان به مبارزه با آمریکا ادامه دادند. ایشان که بزرگترین جنایات آمریکا را تحمیل دیکتاتوری محمدرضا پهلوی به ایران می‌دانستند، بعد از هر جنایات رژیم پهلوی علیه مردم ایران، آن جنایت را متوجه آمریکا می‌کردند. نهایتاً آموزه‌ها و روشنگری‌های امام خمینی درباره آمریکا به عنوان "شیطان بزرگ" باعث شد آمریکاستیزی به مشخصه اصلی نهضت اسلامی تبدیل شده و شعار "مرگ بر آمریکا" در کنار شعار "مرگ بر شاه"، اصلی‌ترین شعار مردم ایران در راهپیمایی‌ها و تظاهرات انقلابی شود. به طوری که مبارزه با آمریکا بر مبارزه با رژیم پهلوی تقدم داشت و حتی شعار "مرگ بر شاه" در راستای شعار "مرگ بر آمریکا" تلقی می‌شد.

شعار "مرگ بر آمریکا" در تاریخ نهضت اسلامی

چنانکه از شعارها و دیوارنوشته‌های مردمی در دوران نهضت اسلامی برمی‌آید، شعار "مرگ بر آمریکا" جزء لاینفک مبارزات مردم ایران در دوران نهضت اسلامی بوده است. چنانکه شعارهایی چون «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر استعمارگران آمریکا»، «مرگ بر امپریالیسم آمریکا»، «باعث خشم مردم نشو؛ پس مرگ بر تو آمریکایی»، «مرگ بر مزدور آمریکایی» و... همواره در میان شعارها، دیوارنوشته‌ها و پارچه‌نوشته‌های مردم به چشم می‌خورد.^۱

با اوج‌گیری نهضت اسلامی، شعارهای ضد آمریکایی نیز بیشتر شد به طوری که در سال

۱. دیوار نوشته‌ها، نامه نور، شماره ششم و هفتم، بهمن ۱۳۵۸

۱۳۵۷، محور اصلی شعار مردم ایران در راهپیمایی‌ها، "مرگ بر آمریکا" بود. بنا بر گزارش‌های سفارت آمریکا در ایران، از تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۷۸ [۱۴ مهر ۱۳۵۷] در راهپیمایی‌های مردمی در ایران «به طور متوسط روزی یک حادثه خشونت‌بار بر ضد منافع آمریکا صورت گرفته است.»

در این گزارش که با عنوان "اقدامات خشونت‌بار ضد آمریکایی در ایران" مخابره شده آمده است: «۲۴ اکتبر ۱۹۷۸ (۲ آبان ۵۷) در دوشان‌تپه تظاهرکنندگان فریاد می‌زنند: "مرگ بر آمریکا".» براساس همین گزارش در ۱۷ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۶ آبان ۱۳۵۷) «بر دیوار خانه مسکونی سروان نیروی هوایی آمریکا شعار "مرگ بر آمریکا" نوشته شده بود.» اسناد لانه جاسوسی آمریکا؛ کتاب نهم، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، صص ۴۰۰ و ۴۰۳) در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ هم شعار مرگ بر آمریکا توسط دانش‌آوزان سرداده شد و رژیم پهلوی نیز به همین بهانه به روی تظاهرکنندگان آتش گشود و بسیاری را به شهادت رساند.

چنان که از شواهد برمی‌آید، مبارزات ضد آمریکایی مردم ایران به اندازه‌ای گسترش یافته بود که شعار "مرگ بر آمریکا" در بسیاری از شهرهای ایران هم شنیده می‌شد. براساس گزارش سفارت آمریکا به تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۱ آذر ۱۳۵۷): «کنسول تبریز گزارش می‌دهد که در حدود ۱۰۰ هزار نفر از راهپیمایان از پشت کنسولگری عبور نمودند ولی در آنجا مدتی توقف نمودند تا روی دیوارهای کنسولگری شعارهای "آمریکایی‌ها را بکشید" و "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" و نظایر آن را بنویسند.»^۱ علاوه بر این، وجه دیگری از شعار "مرگ بر آمریکا" را می‌توان در قالب شعار علیه شخصیت‌های سیاسی آمریکا مشاهده کرد. چنانکه در تظاهرات و دیوارنوشته‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، شعارهایی چون "مرگ بر کارتر"، "مرگ بر کارتر و عروسک‌هایش؛ شاه و سادات و ملک حسین و سلطان حسن"، "مرگ بر ژنرال‌های آمریکایی و مرگ بر سازمان اف بی آی" (دیوارنوشته‌ها، نامه نور) به چشم می‌خورد. همچنین بعد از اعزام ژنرال هایزر آمریکایی به ایران که با هدف حفظ سلطنت پهلوی صورت گرفت، اغلب شعارهای ضد آمریکا تحت عنوان "مرگ برهایزر" سرداده

می‌شد.^۱ در همین رابطه سفارت آمریکا در ۱۳ بهمن ۱۳۵۷ طی گزارش "خیلی محرمانه" به وزارت امور خارجه آمریکا نوشت: «شعار عمده اجتماعی که امروز در جنوب تهران در جریان بود عبارت بود از: «مرگ بر هائیزر آمریکایی.» در ادامه این گزارش به نقل از یک منبع مطبوعاتی آمریکا در جنوب تهران آمده است: «هزارها نفر در آنجا جمع بودند و از شعارهای عمده آن‌ها "مرگ بر هائیزر" بود. این منبع اظهار نظر کرد که نسبت به ژنرال هائیزر که به عنوان یک دستیار سفیر تصویر می‌شود و از دفتر سولیوان سفیر آمریکا عمل می‌کند، خصومت شدیدی نشان داده می‌شود.»^۲

ژنرال هائیزر نیز در خاطرات خود به این موضوع اشاره می‌کند و ذیل خاطرات روز ۲۷ ژانویه ۱۹۷۹ (۷ بهمن ۱۳۵۷) می‌نویسد: «گرمایی که در اطراف حضور من در تهران ایجاد شده بود، آزار دهنده بود و "مرگ بر هائیزر" به یک دیوار نوشته عمومی تبدیل شده بود. سربازانی که هر لحظه وارد ستاد و یا از آن خارج می‌شدند، این شعار را می‌دیدند و ظاهراً روی آن‌ها تأثیر می‌گذاشت. اسم من در کنار تصویرم که به‌همراه پرزیدنت کارتر باعث افتخار بود، روی پلاکاردهایی که به‌وسیله راهپیمایان حمل می‌شد نیز نقش بسته بود... همه رسانه‌های آمریکایی درباره شعارها و پوسترهایی گزارش داده‌بودند که موضوع آن‌ها "مرگ بر هائیزر" و "مرگ بر کارتر" بود.»^۳

محور دیگری از شعار "مرگ بر آمریکا"، در شعار علیه سازمان‌های اطلاعاتی-امنیتی آمریکایی نمود پیدا می‌کرد. در همین رابطه در گزارشی تحت عنوان گزارش "سیاسی - امنیتی، تظاهرات روز عید میلاد مسیح" که در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۵ دی ۱۳۵۷) از سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه این کشور مخابره شده آمده است: «اوایل روز ۲۵ دسامبر دو یا سه نفر به طرف نگهبان دفتر آژانس ارتباطات بین‌المللی نزدیک شدند و از وی سؤال کردند این ساختمان چیست؟ نگهبان اظهار بی‌اطلاعی کرد، معیناً حدود ساعت ده یک گروه ۳۰۰ نفره به ساختمان آژانس ارتباطات بین‌المللی آمدند و با محافظ آنجا صحبت کردند. نگهبان مجدداً اظهار بی‌اطلاعی کرد، در عین

۱. فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۰۴

۲. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا؛ کتاب سوم، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های

سیاسی، ص ۴۱۱

۳. هائیزر، رابرت، ماموریت به تهران، خاطرات رابرت هائیزر، مترجم: علی اکبر عبدالرشیدی، اطلاعات، چ ۸، صص ۳۱۱

حال گروه کوچکی از تظاهرکنندگان بر روی دیوار ساختمان مذکور نوشتند: "این ساختمان سیا است." سپس جمله "مرگ بر ساواک، مرگ بر سیا" را به آن اضافه کردند. سربازان سریع و به موقع سر رسیدند و اغتشاشگران را تعقیب کرده و متواری ساختند.^۱

چنانکه پیداست، مردم ایران با آگاهی کامل از ارتباط سیا و ساواک، شعارهای خود را معطوف این دو نهاد امنیتی می‌کردند و می‌کوشیدند به شیوه‌های مختلف پیوند آمریکا و رژیم پهلوی را به نمایش گذاشته و هر دو را نشانه بگیرند.^۲

با پیروزی انقلاب اسلامی، اعمال نفوذ آمریکا در ایران محو شد و بدین ترتیب، به تعبیر امام خمینی، مردم ایران "شعار مرگ بر آمریکا را در عمل" نیز ثابت کردند، بدین ترتیب می‌توان گفت طرح استراتژی مبارزه با آمریکا توسط امام خمینی، باعث بسیج مردم و شکل‌گیری گفتمان آمریکاستیزی در جامعه قبل از انقلاب شد و این گفتمان در سال‌های پایانی عمر رژیم پهلوی در شعار "مرگ بر آمریکا" تبلور یافت و این گفتمان به عنوان گفتمان هویتی انقلاب اسلامی به شمار آمد.

بعد از پیروزی انقلاب، "مرگ بر آمریکا" نه تنها به شعار اصلی مردم ایران تبدیل شد و در تمام راهپیمایی‌های مردم ایران طنین‌انداز شد، بلکه باعث روشنگری جهانیان نیز شد؛ به طوری که با تاسی از انقلاب اسلامی مردم ایران، شعار "مرگ بر آمریکا" سرلوحه مبارزات ضداستکباری و ضداستبدادی مردم جهان قرار گرفت.

سخنرانی تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای در بحرانی‌ترین سالهای جنگ تحمیلی درست زمانی انجام گرفت که هجده وسیعی با سردمداری آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در جریان بود، حمایت‌های مستمر از رژیم صدام با صدور قطعنامه ۵۹۸ ادامه داشت و تبلیغات بسیار گسترده‌ای علیه انقلاب اسلامی در رسانه‌های غربی به راه افتاده بود.

در بعد نظامی نیز جنگ نفتکش‌ها به اوج خود رسیده بود و ایالات متحده با حمله به کشتی تجاری ایران، حمایت همه‌جانبه از رژیم صدام را (با وجود جنایت شیمیایی و حملات گسترده آن‌ها به شهرها و غیر نظامیان ایران) در دستور کار داشت. در مقابل این جریان بود که تصمیم به سخنرانی رئیس‌جمهور کشورمان در مجمع عمومی گرفته

۱. اسناد لانه جاسوسی آمریکا؛ کتاب نهم، ص ۶۷۳

۲. فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۰۵

شد و با سخنرانی و استدلال‌های معقول آیت‌الله خامنه‌ای پاسخ محکمی به هجمه‌ها و اقدامات آمریکا داده شد و باعث رسوایی آمریکا و مزدورانش شد.

در روز ۳۰ شهریور ماه ۱۳۶۶، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (رئیس‌جمهور وقت)، برای شرکت در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد و سخنرانی در آن، تهران را ترک و عازم نیویورک شدند. این سفر هفت سال بعد از حضور محمدعلی رجائی در جلسه شورای امنیت سازمان ملل صورت گرفت. در فاصله این سال‌ها آقای ولایتی به عنوان وزیر امور خارجه نماینده ایران برای حضور در اجلاس‌های سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل بودند. هیأت همراه ایشان را میرسلیم، مشاور عالی ریاست جمهوری، علیرضا معیری، معاون سیاسی نخست‌وزیر وقت، تشکیل می‌دادند.

سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان اولین رئیس‌جمهوری ایران در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل زمانی صورت گرفت که جنگ تحمیلی به دغدغه اصلی نظام جمهوری اسلامی بدل شده بود و هجمه سیاسی و اقدامات نظامی بسیار سنگینی علیه کشورمان جریان داشت. ایالات متحده و هم‌پیمانانش حضور خود در منطقه را افزایش داده و جنگ نفتکش‌ها با حمله مستقیم نیروهای آمریکایی به کشتی تجاری ایران به اوج خود رسیده بود.

قدرت‌های غربی و هم‌پیمانان منطقه‌ای صدام خیال می‌کردند، جمهوری اسلامی ایران تحت فشار قرار گرفته و آماده پذیرش کامل شرایط آن‌ها قرار دارد. در صورتی که با پیروزی‌هایی که نیروهای ایرانی در مقابل رژیم صدام به دست آورده بود، کشورهای غربی بیش‌ازپیش ناکام مانده بودند.

همین مسئله نیز سبب شده بود کشورهای غربی اقدامات خود برای تسلیم ایران را افزایش دهند. لذا صدور قطعنامه ۵۹۸ و تلاش برای فشار همه‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران در راستای همین سیاست قرار داشت. همه این‌ها در حالی بود که تمام جنایت‌های صدام در قطعنامه‌های کشورهای غربی نادیده گرفته شده بود و کشورهای غربی با راه‌اندازی محاصره وسیع نظامی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، حضور مستقیم و بعضاً دخالت مستقیم نظامی عملاً جبهه جدیدی را علیه جمهوری اسلامی به راه انداخته بودند و عراق را در انجام جنایات کم‌نظیری مانند استفاده از سلاح‌های

شیمیایی و حمله به شهرها و غیر نظامیان جری تر کرده بودند.^۱ جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به سیاست‌های تبعیض آمیز کشورهای غربی و حمایت مستمر آن‌ها از صدام انتقادهای تندی بر علیه سازمان ملل انجام می‌داد و عملاً تربیون سازمان ملل را رها کرده بود. با این اوصاف تصمیم حضور آیت‌الله خامنه‌ای در مجمع عمومی و ایراد سخنرانی در این مجمع برای مقابله با این جریان صورت گرفت. در حالی که سبک سخنرانی ویژه رئیس جمهور کشورمان و استدلال‌های محکمی که ارائه شد پاسخ محکمی به همه این هجمه‌ها بود. به بیان دیگر سخنرانی بلیغ و پرنکته آیت‌الله خامنه‌ای که در میان حاضران و نیز رسانه‌های جهان بازتاب گسترده یافت و البته خشم محافل آمریکایی و صهیونیستی جهان را نیز برانگیخت استدلال‌های معقول نظام جمهوری اسلامی در مقابل حملات رسانه‌ای و حمایت نظامی کشورهای غربی به خصوص آمریکایی بود.^۲

آیت‌الله خامنه‌ای سخنرانی خود را در مجمع عمومی سازمان ملل و حضور کشورهای مخالف و معاند ایران اینگونه آغاز می‌کند: "خداوندا به نام تو آغاز می‌کنم و از تو هدایت و کمک می‌طلبم. زندگی و مرگ و نیاز و نیایش من متعلق به توست؛ تو خود روشنی و گیرایی سخن حق را به گفته‌هایم ببخش و آن را پیک حقیقت بسوی صدها میلیون گوش و دلی قرار ده که هم اکنون ملتهبانه آن را می‌طلبند و بسوی صدها برابر که در آینده چنین خواهند بود"^۳.

سپس آیت‌الله خامنه‌ای، بعد از نام و یاد آفرینشگر هستی برانبیای الهی با این جمله سلام می‌فرستد: "بارالها! درودی سپاسگزارانه از سوی من و ملت‌م به روان پیامبران بزرگ به ویژه ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات‌الله‌علیهم بفرست؛" و پس از آن، با روشنگری درباره ایران و انقلاب درخشان مردم مومن آن، جهان بینی الهی انبیا را مورد تبیین قرار داده و نظام ظالمانه مادی جهان را به چالش می‌کشد.^۴

دفاع اصولی و نفوذ کلام آیت‌الله خامنه‌ای در بحرانی‌ترین شرایط ایران و منطقه که

۱. بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل

<https://farsi.khamenei.ir/amp>

۲. همان

۳. همان

۴. همان

جهان را هم متأثر از خود کرده بود و اطلاع رسانی‌های آگاهانه و هوشیارانه از جنایات آمریکا در خلیج فارس، تاکید بر ناعدالتی‌های انجام شده در جنگ تحمیلی علیه ایران، ناتوانی شورای امنیت در مواجهه با این جنایات از جمله مواردی بود که از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهوری ایران مورد پیگیری و انتقاد قرار دادند. آیت‌الله خامنه‌ای از سکوت و حتی کمک‌های آشکار و نهان غرب به رژیم صدام پرده برداشته و رویکرد ناعدالانه و بی‌توجهی شورای امنیت را در محکوم کردن متجاوز، تقبیح کردند. آیت‌الله خامنه‌ای به درستی فرمودند: «ایران حداقل از شورای امنیت توقع داشت که بی‌طرف بماند»^۱.

آیت‌الله خامنه‌ای، صدام را به هیتلر تشبیه کردند و خواستار «استفاده از تجربه دادگاه نورنبرگ و طرح تنبیه عراق به عنوان متجاوز به منظور تضمین امنیت منطقه» شدند. ایشان ناتوانی شورای امنیت در محکومیت صدام در راه اندازی جنگ شهرها، جنگ‌های شیمیایی و در شروع جنگ را علت موضع‌گیری خصمانه بسیاری از کشورها از جمله آمریکا برشمردند و فرمودند این تنها انتقاد از شورای امنیت نیست، بلکه «انتقاد از عملکرد سازمان ملل و یادآوری نقش شورای امنیت در حمایت از تجاوز عراق به خاک ایران» است. موضوعی که به گوش جهانیان نرفت و بعدها خود را در جنگ کویت نشان داد. بی‌سابقه‌ترین انتقادات در رابطه با ساختار شورای امنیت و سازمان ملل از نکات بسیار کلیدی سخنرانی ایشان بود. چرا که در این سخنرانی حق و تو و عضویت دائم در شورای امنیت به عنوان دو تبعیض ناروای سازمان ملل معرفی شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تقبیح دخالت آشکار شورای امنیت در جنگ تحمیلی اعلام کردند، بنای امنیتی که با سیاست‌های شورای امنیت بنا شده، چیزی فراتر از کاخی پر زرق و برق، اما مقوایی نیست.^۲

مسئله اسرائیل بخش دیگر سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود. آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند رژیم جعلی در کنار رژیمی همچون آفریقای جنوبی فاشیست (که در آن زمان قوانین نژادپرستانه سختی را به اجرا گذاشته بود) قرار دارد.

۱. همان

۲. همان

برشمردن اقدامات آمریکا برای مقابله با ایران و درخواست اتحاد میان دولت‌های جهان سوم برای مقابله با نظام سلطه محور دیگر سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در آن اجلاس بود. آیت‌الله خامنه‌ای در طول سخنرانی هم تاکید خود بر مسائل فرهنگی را نشان دادند و بر مبارزه با فساد و حفظ بنیان خانواده و حراست از حقوق و ارزش‌های زن تاکید کردند. از دیگر نکات بسیار مهم و سنجیده سخنان آیت‌الله خامنه‌ای تهدید آمریکا به اقدامات تلافی جویانه در رابطه با حمله آن‌ها به کشتی باری ایران به بهانه مبارزه با مین ریزی در خلیج فارس بود.

همانطور که مشاهده می‌شود، جرات و شجاعت سخنان ریاست جمهور ایران در تهدید آمریکا درست در مقطعی بود که کشورهای غربی و دولت‌های حامی صدام خیال می‌کردند جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار داده‌اند. موضع ایشان سبب تجلیل مقامات کشور و شادی ملت شد و روحیه رزمندگان را در جبهه‌ها ارتقاء داد.

این سخنان در بعد بین‌المللی نیز بی‌تأثیر نبود. هنگامی که آیت‌الله خامنه‌ای از سیاست‌های آمریکا و علی‌الخصوص تجاوز آمریکا به کشتی باری ایران سخن می‌گفت، هاوک وزیر امور خارجه انگلیس این نطق را سرتاسر تحرک و تحقیر غرب توصیف کرد. جو کلارک وزیر امور خارجه کانادا نیز این نطق را "ویران‌کننده" خواند.^۱

نتیجه‌گیری

ملت ایران در ۲۰۰ ساله اخیر مسائل مختلفی را تجربه کرده و به طور خاص ملتی که در سیاست کلان‌کشوری هیچ جایگاهی نداشته و حتی در ذهنش نبوده که روزی بتواند در عالی‌ترین سطح به مطالعه و تحقیق بپردازد؛ همیشه کشورهای بوند که در صدد پایمال کردن حقوق دیگران باشند، ملت ایران هم جزء کشورهای بوند که توسط پادشاهان، افراد استعمار زده و کشورهای خارجی حقوقش مورد تهاجم بود، اما سلسله جلیل روحانیت، افرادی بودند، همیشه در میان مردم و برای مردم تا محقق شدن منافع امت در میدان ماندند، یکی از این حرکات، تشکیل انقلاب اسلامی و رهانیدن مردم از چنگ دشمنان این مرز و بوم بود، بعد از تشکیل یک حکومت صدصد مردمی تا به

۱. پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی / <https://irdc.ir/fa/news/> / کد خبر ۹۶ / تاریخ انتشار ۱۴:۱۹ - ۳۰ شهریور

امروز، به پشتوانه مردم در هیچ جنگی شکست نخورده و دشمنان سرتا پا مسلح را به عقب هزیمت کرد، الان ایران در اوج قدرت، بدون معاهدات ننگین با دشمنان مذاکره می‌کند. ۶ میلیارد دلار از دارایی‌های خود را آزاد می‌کند، نظیر این مذاکره در تاریخ ۲۰۰ ساله ایران هیچ‌یک از مسئولین وقت نتوانستند انجام دهند، در نتیجه دشمن ما هر روز از دیروز ضعیف‌تر است، از خلیج فارس تا دریای سرخ، از دریای سرخ تا آفریقا، دشمن ایران اسلامی زیر ضربه ایران و محور مقاومت است، بنابراین این اعتماد بنفسی که امام خمینی (رحمة الله علیه) به ملت هدیه دادند سبب شد، دشمن همچون روزی را به خودشان ببینند.

منابع و مأخذ

- ۱- گرانوفسکی، ادوین آرویدوویچ، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، پویش، تهران - ایران، ۱۳۵۹ ه.ش.
- ۲- محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، جلد: ۱، اقبال، تهران - ایران، ۱۳۷۸ ه.ش.
- ۳- فراهانی، حسن، روز شمار تاریخ معاصر ایران، جلد: ۲، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران - ایران، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۴- مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد: ۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۵- مجد، محمدقلی، انگلیس و اشغال ایران در جنگ جهانی اول، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران - ایران، ۱۳۹۰ ه.ش.
- ۶- نظام السلطنه مافی، حسین قلی، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، جلد: ۱، نشر تاریخ ایران، تهران - ایران، ۱۳۶۲ ه.ش.
- ۷- نصری، قدیر، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۰ ه.ش
- ۸- نوایی، عبدالحسین، شاه عباس، جلد: ۳، بنیاد فرهنگ ایران، تهران - ایران، ۱۳۵۷ ه.ش.
- ۹- براون، ادوارد گرانویل، انقلاب مشروطیت ایران، کویر، تهران - ایران، ۱۳۸۰ ه.ش.
- ۱۰- قدیانی، عباس، فرهنگ جامع تاریخ ایران، جلد: ۲، آرون، تهران - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۱۱- ذوقی، ایرج، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، بی‌جا، پاژنگ، تهران، ۱۳۷۶ ه.ش
- ۱۲- مجد، محمدقلی، رضاشاه و بریتانیا، براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران - ایران، ۱۳۸۹ ه.ش.
- ۱۳- والی‌زاده معجزی، محمدرضا، تاریخ لرستان: روزگار پهلوی، حروفیه، تهران - ایران، ۱۳۸۲ ه.ش.
- ۱۴- موحد، محمدعلی، نفت ما و مسائل حقوقی آن، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۳، لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری
- ۱۵- زین‌العابدین مراغه‌یی، سیاحتنامه ابراهیم بیگ / آگه، جلد: ۲، آگه، تهران - ایران، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۱۶- مستوفی، عبد‌الله، شرح زندگانی من، جلد: ۳، زوار، تهران - ایران، ۱۳۸۴ ه.ش.
- ۱۷- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج. ۳، چاپ ۳، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۸۰ ه.ش
- ۱۸- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، انتشارات اطلاعات، چ ۲۹، ص ۲۱۱، تهران، ۱۳۸۹ ه.ش
- ۱۹- هاشمی رفسنجانی، اکبر، دوران مبارزه، چ ۱، دفتر نشر معارف، تهران، ۱۳۷۷ ه.ش

- ۲۰- اسداللهی، مسعود، احیای کاپیتولاسیون و پیامدهای آن، چ ۱، انتشارات سازمان تبلیغات، تهران، ۱۳۷۷ هـ ش
- ۲۱- مؤسسه تنظیم، سیر مبارزات، ۱۳۹۵/۱۱-۱۳۹۶
- ۲۲- مرکز اسناد، شماره بازیابی، ۲۶۳، سند ۶۸
- ۲۳- اخیانی، زینب، مستشاران آمریکایی در ایران، چ ۱، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ هـ ش
- ۲۴- خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، تهران، ۱۳۷۸ هـ ش
- ۲۵- روحانی، سیدحمید، نهضت امام خمینی، چ ۱، انتشارات عروج، تهران، ۱۳۸۹ هـ ش
- ۲۶- واعظی، حسن، ایران و آمریکا، چ ۳، انتشارات سروش، ۱۳۸۱ هـ ش
- ۲۷- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا؛ کتاب سوم، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۸۶ هـ ش
- ۲۸- هایزر، رابرت، ماموریت به تهران، خاطرات رابرت هایزر، مترجم؛ علی اکبر عبدالرشیدی، چ ۸، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۹ هـ ش
- ۲۹- سایت اسناد انقلاب اسلامی / <https://irdc.ir/fa/news/> کد خبر ۸۲۲۵ / تاریخ انتشار: ۱۲: ۵۱ - ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ - May 15 2023
- ۳۰- سایت <https://vakil24.net/> کتب ۱۳، ۲۰۲۲
- ۳۱- سایت مشرق / کد خبر ۹۵۸۹۰۱ / تاریخ انتشار: ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ - ۱۵: ۵۸ / <https://www.mashregnews.ir/news>
- ۳۲- «آشنایی با عهدنامه پاریس». همشهری آنلاین. ۲۰۱۲-۰۴-۰۶. دریافت شده در ۲۰۲۱-۰۹-۱۲
- ۳۳- سایت ویکی فقه / <https://fa.wikipedia.org/> ۱۳ فوریه / ۲۰۲۳
- ۳۴- سایت پرتابل حضرت امام ره / ویکی امام / http://www.imam-khomeini.ir/fa/c504_2694



فصل دوم

خبائت‌های دشمنان اسلام

مقدمه

انگلیس که در جریان جنگ اول جهانی با خباث فراوان علیه ملت ایران عمل کرده بود و در جریان مشروطه نیز خوی خبیث خود را بر همگان نشان داده بود، با روی کار آوردن رضاخان، خباثتی دیگر در صفحات تاریخ ثبت کرد. اسناد و مدارک گویای آن است که رضاخان بزرگترین وظیفه خود را حفظ منافع انگلیس در ایران می‌دانست. به دنبال این مهم، انگلیس سعی کرد با پیگیری اهداف خود از جمله سرکوب عشایر، چپاول نفت، عقب نگه‌داشتن ایران از رشد و پیشرفت، انعقاد پیمان‌های بین‌المللی به ضرر منافع کشور و ... راه را برای برنامه‌های بعدی خود هموار کند. البته خباثت‌های انگلیس علیه مردم ایران تنها به دوران رضاخان محدود نشد چراکه آن‌ها با روی کار آوردن محمدرضا به جای پدرش کوشیدند جای پای خود را در ایران محکم‌تر کنند. انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۲ با همکاری متحد خود آمریکا اوج خباثت خود علیه مردم ایران را به نمایش گذاشتند و با راه‌اندازی کودتا در جهت تثبیت رژیم دست‌نشانده خود گام برداشتند. این نوشتار با توریق تاریخ، برخی از خباثت‌های انگلیس علیه مردم ایران در دوران رضاخان را بررسی می‌کند.^۱

تأمین منافع انگلیس با روی کار آمدن رضاخان

بنابر اسناد و مدارک تاریخی انگلیسی‌ها برای تأمین منافع خود در ایران سعی کردند با راه‌اندازی کودتا، رضاخان را بر سر کار بیاورند. اردشیر جی ریپورتر در وصیت‌نامه خود در مورد حمایت انگلیس از کودتا می‌نویسد: «...به دستور وزارت جنگ در لندن و نایب‌السلطنه در هند، همکاری نزدیک ژنرال آیرونساید و من آغاز گردید. من برای نظرات رضاخان درباره نیروی قزاق اعتبار فراوانی قایل بودم و سرانجام او را به آیرونساید معرفی کردم ... ملاقات آیرونساید با رضاخان و تکرار آن، به حمایت انگلیس از رضاخان

۱. کمره‌ای، محمد، روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای، جلد: ۲، صفحه: ۱۲۲۷، اساطیر، تهران - ایران، ۱۳۸۴، ش. ۵.

باعث شد و سرانجام کودتا شکل گرفت.^۱

سندی در وزارت امور خارجه آمریکا وجود دارد که نشان از نقش انگلیس در کودتای رضاخان می‌دهد. در این سند (گزارش سفیر وقت آمریکا در تهران به وزیر امور خارجه) آمده است: بلشویسم امری غیرقابل اجتناب می‌نماید؛ اما در واقعیت بیش از هر حادثه دیگری که برای ایران رخ دهد به مذاق دولت انگلیس و وزارت هند خوش نمی‌آید، زیرا ایران بلشویکی برای هند خطر همیشگی خواهد بود... در عصر یکشنبه بیستم فوریه، مردم از حرکت حدود ۱۵۰۰ نفر از نیروهای قزاق از قزوین که در چند مایلی بیرون تهران هستند، تعجب‌زده شدند. گفته می‌شد که آن‌ها می‌خواهند پایتخت را به تصرف درآورند.

در عصر همان روز وزیرمختار بریتانیا برای هواخوری به بیرون شهر رفته تا حدود ساعت پنج بازنگشته. ساعاتی قبل از این ساعت، کنسول هیئت بریتانیا، سرهنگ دوم هیگ و سیدضیاءالدین برای ملاقات با قزاقان به بیرون شهر رفته بودند. هدف این دو نفر تحقیق درباره نیات قزاقان مهاجم بوده است و قزاقان آشکار ساختند که به هر یک از آن‌ها بریتانیا قبل از ورود به شهر پنج تومان، حدود پنج دلار، داده است. این طور گفته می‌شود که پیش از خروج قزاق‌ها از قزوین کلنل اسمیت (رئیس قزاق‌ها در قزوین) پول لازم را برای تحویل به قزاق‌ها دریافت داشته است... لازم به تذکر است که مبلغ مورد نظر با امضای اسمیت از بانک برداشت گردید... مشهور است که وزارت خارجه انگلیس از سفیر خود در تهران و عدم موفقیت او در انجام کارهایی که باید انجام می‌شد موجب نارضایتی انگلیس از وی شده است. از این رو از انجام این حرکت بدون اطلاع وی نباید تعجب کرد... به سرعت معلوم شد که بسیاری از چهره‌های اصلی جنبش پیشتر دارای تماس‌های دوستانه‌ای با بریتانیا بوده‌اند؛ سرگرد مسعودخان... در قزوین دستیار شخصی کلنل اسمیت بوده است. کلنل رضاخان که به ریاست قزاق‌ها رسید در هیئت نظامی

۱. مدنی، سید جلال‌الدین؛ تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، تهران، پایدار، چاپ اول، ۱۳۷۶، جلد

انگلیس - ایران خدمت کرده و به صورت عملی جاسوس رئیس هیئت بوده و برای چندمین ماه با بریتانیا در قزوین همکاری نزدیک داشته».

براساس اسناد انگلیس سعی داشت با جلوگیری از هرگونه تشنج این تصمیم را عملی سازد. سر ریدر بولارد نیز نیاز دولت انگلیس به ثبات را مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌نویسد: اصولاً بروز هرگونه تشنج و بی‌ثباتی در ایران مغایر اهداف انگلیس بوده. بنابراین منابع تاریخی بعد از وقوع کودتا نرمن به دولت متبوع خود توصیه کرد از رژیم جدید حمایت کند زیرا برای منافع بریتانیا مناسب‌ترین دولتی است که می‌توانست پدید آید.^۱

در همین رابطه به نقل از حسن اعظام قدسی، یکی از نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای ملی گفته بود: «من با کنسول انگلستان در مشهد رفاقت داشتم و بعد از کودتا که نزد وی رفتم و سؤال کردم که هدفتان از کودتا چه بوده؟ کنسول در پاسخ گفت: وقتی قرارداد ۱۹۱۹ شکست خورد ما برنامه‌های وسیع و گسترده‌ای برای ایران داشتیم.» در همین رابطه به کودتا برای تداوم سلطه انگلستان بر ایران، سرکوب سرحداران و عشایر، برخورد با روحانیون و جمع کردن بساط روحانیت، جمع کردن بساط عزاداری سیدالشهداء^(ع)، تداوم غارت نفت ایران و... اشاره می‌کند که این سیاست‌ها کاملاً در دوره رضاخان پیاده شد.

عقب‌ماندگی ایران

یکی دیگر از خباثت‌های انگلیس در دوران قدرتگیری رضاخان، تلاش برای عقب‌ماندگی ایران بود. همزمان با روی کار آمدن رضاخان دور جدیدی از اقدامات و سیاست‌های انگلستان برای عقب نگه داشتن کشور و ظلم به حقوق ملت ایران آغاز شد. عبدالحسین مسعود انصاری از دولت‌مردان مطلع عصر پهلوی اذعان می‌کند: «انگلیس‌ها همیشه با هر اصلاحی در ایران مخالف بودند و نمی‌خواستند ایرانی در راه ترقی و تعالی گام بردارد و مانند کشورهای پیشرفته جهان بشود، بلکه سعی داشتند ایران همیشه به صورت خراب

۱. فوران، جان؛ مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۳، چاپ پنجم، صص ۳۰۲ و ۳۰۱.

باقی بماند.»

بنابر خاطرات عبدالحسین مسعود انصاری انگلیسی‌ها «نمی‌خواستند که در ایران صناعی به وجود بیاید و ما قوه و قدرتی پیدا کنیم. آن‌ها میل نداشتند که در کشور ما قشون منظم و مقتدری به وجود بیاید. آن‌ها به آتش ناامنی‌ها و نابسامانی‌ها در کشور ما دامن می‌زدند تا ما برای تأمین هزینه‌های قشون‌کشی بیشتر به آن‌ها نیاز پیدا کنیم و بیشتر زیر بار قرض آن‌ها برویم. آن‌ها نمی‌خواستند که اوضاع مالی ایران سر و صورتی پیدا کند. آن‌ها با تغییر تعرفه گمرکی ما که کاملاً برخلاف مصالح ما و به نفع آن‌ها تنظیم شده بود، مخالفت می‌ورزیدند.» بنابر این خاطرات انگلیسی‌ها «با هرگونه اقدامی از طرف ما برای جلوگیری از دخل و تصرف در منابع نفتی ما مخالفت می‌کردند. آن‌ها می‌خواستند که رژیم منحوس کاپیتولاسیون در ایران باقی بماند و به لغو هیچ یک از امتیازاتی که به زور یا دسیسه از ما گرفته بودند تن در نمی‌دادند و با در دست داشتن بانک شاهنشاهی ایران، می‌خواستند که بر سرنوشت اقتصادی و مالی کشور ما حاکم باشند. خلاصه، آن‌ها می‌خواستند که آقا باشند و بر ما فرمانروایی بکنند»^۱.

سرکوب عشایر

یکی دیگر از خباثت‌های انگلیس در دوران رضاخان حمایت همه‌جانبه از وی برای سرکوب ایلات و عشایر ایران است. به طوری که رضاخان پس از روی کار آمدن در طول دوازده سال (۱۳۰۰ - ۱۳۱۲) به کمک انگلیس توانست ایلات لرستان، بختیاری، کهگلویه و بویر احمد، فارس، بلوچستان، کردستان، آذربایجان، خراسان و خوزستان را با حملات نظامی و کشتارهای بی‌رحمانه سرکوب و یکجا نشین کند.

به شهادت اسناد، اندیشه «قلع و قمع» ایل بویراحمد، پس از مکاتبات انگلیسی‌ها با دولت ایران - در تیرماه ۱۳۰۹ - به جد در دستور کار رژیم رضاخان قرار گرفت. در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۰۹، مدیر کمپانی نفت انگلیس - ایران، در نامه‌ای به «تیمورتاش»

۱. انصاری، عبدالحسین مسعود، مروری بر پنجاه سال تاریخ؛ خاطرات سیاسی و اجتماعی، تهذیب و تلخیص از باقر عاقلی، چاپ اول، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۴ ه.ش، صص ۳۲۷-۳۲۶

وزیر دربار رضاخان از مزاحمت ایل بویبر احمد برای انگلیسی‌ها گلایه می‌کند. در پاسخ نامه «جکس»، تیمورتاش می‌نویسد: «مستر جکس عزیزم؛ ... اوامر مقتضیه در سرکوبی آن‌ها صادر شده است.» کیانی هفت لنگ، کیانوش، «حکومت پهلوی و عشایر، سقوط»^۱ در نقلی تاریخی آمده است که روزی یکی از وابستگان سفارت انگلیس در ملاقاتی با رضاخان، نسبت به از بین بردن عشایر که با عملیاتی نظامی و خشن صورت گرفت تشکر می‌کند. او در این باره می‌گوید: قبل از سرکوب عشایر اگر می‌خواستیم چیزی از ایران ببریم، باید به هزاران نفر از عشایر رشوه می‌دادیم و در نهایت هم موفق نمی‌شدیم یا اگر موفق می‌شدیم چندان بهره‌ای برایمان نداشت؛ اما امروز با حضور شما دیگر لازم نیست به هزاران نفر رشوه بدهیم.

عبدالله مستوفی در کتاب خود «شرح زندگانی من» با اشاره به این موضوع می‌گوید: «ماژور نوئل که در ۱۳۰۹، اوقاتی که به ریاست استیناف در کرمان بودم ویس کونسول انگلیس در آنجا و بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰، کلنل نوئل و رئیس قسمت زراعت اراضی خوزستان، که موقتاً انگلیس‌ها از ایران به اجاره گرفته بودند، شده بود... از اعتراف به رشوه دادن خود، به خوانین بختیاری هم استنکافی نداشت. بعد از مراجعت رضا شاه پهلوی از کرمان، خود ماژور برای من نقل می‌کرد که در روز شرفیابی اعلی‌حضرت از من پرسیدند: شما به چه منظور به خان‌های بختیاری رشوه می‌دادید؟ عرض کردم برای این که مانع اقدامات ما در کارهای نفت جنوب نباشند، فرمود امروز هم از این قماش کارها می‌کنید؟ عرض کردم: امروز کشور ایران سرپرستی مثل اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دارد دیگر حاجتی به این خرده‌کاری‌ها نداریم»^۲

۱. مجموعه مقالات همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران،

۱۳۸۴ه.ش، ص ۸۱۵ و ۸۱۷

۲. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، ج ۳، زوار، تهران، ۱۳۸۴ه.ش، ص ۳۶۱

چپاول نفت

چپاول نفت ایران در رژیم رضاخان یکی دیگر از خباثت‌های دولت انگلیس در برابر ملت ایران است. به عنوان نمونه تاریخ اسناد و منابع فراوانی از چپاول نفت ایران در پی قرارداد ۱۹۳۳ (۱۳۱۲ خورشیدی) که مدت امتیازنامه داری را ۳۰ سال افزایش داد را به ثبت رسانده است.

مصطفی فاتح معاون شرکت نفت ایران و انگلیس در مورد پایمال شدن حقوق ملت ایران در نتیجه این قرارداد می‌گوید: «قبل از الغای امتیاز داری، دولت ایران موقعیت فوق‌العاده مستحکمی در قبال شرکت داشت که متأسفانه زمامدار وقت آن را کاملاً درک نکرده بود و اگر به آن پی برده بود، می‌توانست بدون جنجال و هیاهو استیفای حق ایران را بنماید... خسارت وارده به دولت ایران در نتیجه فروش نفت ارزان از طرف شرکت به دولت انگلیس یکی از ادعاهای مشروع و دنیاپسندی بود که در هر جایی طرح می‌شد به محکومیت شرکت و پرداخت خسارت منتهی می‌گردید».

گزارش بانک جهانی نیز آشکار می‌سازد که: «براساس برآوردها، شرکت [نفت ایران و انگلیس] با عدم اجرای درست و توأم با حسن نیت تعهداتش در چارچوب امتیاز داری؛ و با مهندسی کردن نحوه تعویض امتیاز داری با قرارداد نامطلوب سال ۱۹۳۳، ایران را از درآمدی بالغ بر ۱۲۰۰ میلیون دلار [معادل ۱/۲ میلیارد دلار] محروم ساخت»^۱ به گواه تاریخ انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ بزرگترین خیانتی بود که یک دولت برای حفظ منافع بیگانگان علیه مردمش مرتکب شد.

۱ بانک جهانی، «ملی‌شدن صنعت نفت ایران: چکیده‌ای از ریشه‌ها و مسایل» مورخ ۱۹ فوریه ۱۹۵۲؛ در وزارت خزانه‌داری آمریکا، پرونده شماره ۳۰۶/۷/۳۶۲، سند شماره ۵۴۱

انعقاد پیمان سعدآباد

از دیگر خباث‌های انگلستان نسبت به کشور و مردم ایران می‌توان به تلاش این دولت در تنظیم قراردادهای و پیمان‌های بین‌المللی اشاره کرد. به عنوان نمونه مورخان و کارشناسان، انگلیس را کارگردان اصلی انعقاد پیمان سعدآباد می‌دانند. آن‌ها معتقدند انگلیس‌ها برای آنکه حلقه‌ای پولادین در اطراف روسیه شوروی کشیده باشند، پیمانی چهارگانه بین ایران و ترکیه و عراق و افغانستان به وجود آورند.

بنابر یافته‌های تاریخی، پیمان سعدآباد هم از لحاظ مادی و هم از نظر سیاسی به زیان ایران و به نفع کشورهای ترکیه، افغانستان و عراق بود، زیرا قسمتی از ارتفاعات آرات که دارای موقعیت سوق‌الجیشی مهمی بود به ترکیه واگذار شد. در تعیین خط مرزی ایران و عراق نیز رضاشاه منابع نفتی غرب ایران و نصف شط‌العرب را به عراق واگذار کرد تا از بابت عبور کشتی‌های نفتکش از آبادان، ایران مبالغ هنگفتی به دولت عراق - تحت‌الحمایه انگلیس - بپردازد.^۱

حسین مکی مجموع مذاکرات و معاهدات را این‌گونه جمع‌بندی می‌کند که «از لحاظ سیاسی و استفاده از پیمان سعدآباد در شهریورماه ۱۳۲۰ کاملاً واضح و روشن گردید که برای ایران ثمری نداشت زیرا از شمال و جنوب به ایران حمله‌ور گردیدند و کشور ایران را قوای خارجی اشغال نمودند و هم‌پیمانان ایران نه تنها کمکی نکردند بلکه از اظهار تاسف هم خودداری نمودند».

با سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ نیز خباث‌های انگلیس پایان نیافت چراکه آن‌ها با روی کار آوردن محمدرضا به جای پدرش کوشیدند جای پای خود را در ایران محکم‌تر کنند. انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۲ با همکاری متحد خود آمریکا اوج خباث خود علیه مردم ایران را به نمایش گذاشتند و با راه‌اندازی کودتا در جهت تثبیت رژیم دست‌نشانده خود گام برداشتند.

۱. مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، جلد ۶، چاپ ۶، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۸۰ ه.ش، صص ۴۱۱ تا ۴۱۲

مروری بر جنایت‌های آمریکا، انگلیس

بانگاهی به صفحات تاریخ نشان می‌دهد که آمریکا، انگلیس همواره در عرصه مراودات بین‌المللی، منتظر فرصتی برای دستیابی به اهداف زیاده‌خواهانه خویش بوده‌اند و در این مسیر از هیچ جنایتی فروگذار نکردند. سیاست ماکیاولیستی آمریکا و متحدان غربی‌اش نسبت به کشورهای جهان با شعار انسان‌دوستانه و دموکراتیک به انجام می‌رسد اما در پوشش حقوق بشر، آزادی، امنیت انسانی و... جنایاتی فجیع را در تاریخ کشورهای جهان ثبت کرده‌اند، نوشتار حاضر تلاش دارد تا جنایت‌های مهم سه کشور آمریکا، انگلستان و فرانسه را در تاریخ جهان مرور کند و نشان دهد که این کشورها نسبت به ملت‌های آزاده و دولت‌های مستقل و در حال پیشرفت چه ظلم‌هایی را روا داشته‌اند.

مروری بر جنایت‌های آمریکا

برخی از مهم‌ترین جنایت‌های آمریکا در طول حیات سیاسی این کشور به شرح زیر است:

تاریخ آمریکا مملو از ارتکاب نسل‌کشی و قتل عام در سراسر جهان^۱ تاریخ، نسل‌کشی آمریکا علیه بومیان آمریکایی، آفریقایی‌ها، قتل عام در آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه را ثبت کرده است. به گزارش «آنا تولی»، «جو بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا پیش از این «نسل‌کشی آرامنه» را در سال ۱۹۱۵، به رسمیت شناخت. این امر قتل‌عام‌های گسترده در تاریخ آمریکا را برجسته می‌کند. در طول تاریخ، آمریکا و اجداد اروپایی آن در قتل‌عام‌های متعدد و نسل‌کشی علیه مردم بومی دست داشته‌اند. طبق کنوانسیون ژنو، نسل‌کشی عملی است که به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام می‌شود.

۱. ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۱۹:۱۶:۱۳ کد خبر: ۴۲۷۰۲۳۷/دسته بندی: حقوق بشر، عمومی

نسل کشی بومیان آمریکا

جمعیت ۱۳ مستعمره آمریکا از حدود ۲ هزار نفر به ۲,۴ میلیون نفر بین سالهای ۱۶۲۵ و ۱۷۷۵ افزایش یافت چرا که بومیان آمریکا را از شرق آمریکای شمالی آواره کردند. جشن ملی، روز شکرگزاری که در ماه نوامبر جشن گرفته می‌شود، به دهه ۱۶۲۰ بازمی‌گردد، زمانی که مهاجران اروپایی بومیان آمریکایی را به یک جشن دعوت کردند؛ شهرک نشینان سپس مردم را کشتند و خدا را شکر کردند که به آن‌ها اجازه داد «وحشی‌ها» را سلاخی کنند.

بازماندگان قبایل بومی آمریکا در منطقه‌های رزرو شده سرخپوستان به رسمیت شناخته شده فدرال در سراسر این کشور در فقر زندگی می‌کنند.

به گفته «دیوید ای استنارد»، نویسنده آمریکایی، تقریباً ۱۰۰ میلیون نفر از مردم بومی در نیمکره غربی به دست اروپایی‌ها و فرزندان آن‌ها در طی پنج قرن کشته شده‌اند یا پیش از موعد جان خود را از دست داده‌اند.

یک نویسنده آمریکایی می‌گوید «در تاریخچه جمعیت از سال ۱۴۹۲، حدود ۱۲ میلیون بومی در محدوده‌های جغرافیایی کنونی آمریکا بین سال‌های ۱۴۹۲ و ۱۹۰۰ جان خود را از دست دادند.

نسل کشی علیه آفریقایی‌ها و برده داری

با وجود داشتن حقوق غیر قابل انکار (زندگی، آزادی و تلاش برای خوشبختی) همانطور که در اعلامیه استقلال آمریکا ذکر شده است، اما همه مستعمرات جدید برابر تلقی نمی‌شدند.

مستعمرات دارای سیستم برده داری بودند که مهاجران اروپایی آن را به عنوان یک عمل از دنیای قدیم به قاره آمریکا انجام دادند.

براساس یک برآورد محافظه کارانه، ۳۵ میلیون مرد، زن و کودک بین قرن ۱۶ و ۱۹ از آفریقا به آمریکا آورده شد.

براساس «پایگاه داده تجارت برده فرا آتلانتیک»، حدود ۱۲,۵ میلیون نفر از کسانی که به آمریکای شمالی آورده شده بودند، به عنوان نیروی کار رایگان در مزارع استفاده می‌شدند و در شرایط طاقت فرسا کار می‌کردند.

سرکوب سیستماتیک آفریقایی‌ها تا به امروز در اعمال قوانین، بهداشت و آموزش توسط

دولت آمریکا ادامه دارد.^۱

کشتار و نسل‌کشی ۱۰۰ میلیون سرخ‌پوست آمریکایی

کشتار سرخ‌پوستان جنایت پر دامنه و طولانی مدتی بود که به دنبال کشف قاره آمریکا توسط دریانوردان اسپانیایی در قرن شانزدهم آغاز شد. این کشتارها عمدتاً توسط کشورهای استعمارگر اروپایی خصوصاً اسپانیا، پرتغال، فرانسه و انگلستان به منظور سلطه بر مناطق مختلف قاره آمریکا و با هدف دستیابی اموال و املاک سرخ‌پوستان صورت می‌گرفت. بعدها و به خصوص در نیمه دوم قرن نوزدهم، آمریکاییها با کوچ دادن اجباری و جنگ‌هایی که به دنبال آن صورت می‌گرفت نقش پررنگی در کشتار سرخ‌پوستان آمریکای شمالی ایفا کردند.

جنگ‌های آمریکا با اولین حمله به سرخ‌پوستان در شهر جیمزتاون در سال ۱۶۶۲ میلادی آغاز شد که به دنبال آن جنگ با سرخ‌پوستان آلگوکین طی سال‌های ۱۶۳۵ و ۱۶۳۶ و جنگ سال‌های ۱۶۷۵ و ۱۶۷۶ که منجر به ویرانی نیمی از شهرهای ماساچوست شد را در پی داشت. دیگر جنگ‌ها و حملات آمریکا به سرخ‌پوستان تا سال ۱۹۰۰ ادامه داشت. در مجموع آمریکایی‌ها حدود ۱۰۰ میلیون سرخ‌پوست را به قتل رساندند.^۲

جنایت جنگی آمریکا در "درسدن"

با توجه به اینکه متفقین در جنگ جهانی دوم پیروز شده بودند، هیچ کدام از جنایات جنگی ایالات متحده در جنگ جهانی توسط دادگاهی بررسی نشد؛ اما این به معنای آن نبود که این جنایات در تاریخ جهان ثبت نشود.

نیروهای آمریکایی در آلمان به طور مستقیم یا غیر مستقیم باعث شدند غذای کافی به اسرای جنگی آلمانی و همچنین غیر نظامیان حاضر در منطقه تحت تسلط خود نرسد که این باعث کشته شدن هزاران آلمانی بر اثر گرسنگی شد.

نیروهای آمریکایی تمام آلمانی‌های عضو وافن اس‌اس را که در داخائو در سال ۱۹۴۵ به اسارت گرفته بودند تیرباران کردند. نیروهای لشکر ۴۵ پیاده نیروی زمینی ارتش آمریکا

۱. کوشکی، محمد صادق. تاریخ مستطاب آمریکا، ج ۴، نشر شهید کاظمی، تهران، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۲۱.

۲. سایت خبرگزاری مهر/ ۲۶ فروردین ۱۳۹۷، ۴۹:۱۱/ <https://mehrnews.com/xLjT>

همچنین ۷۵ اسیر جنگی ایتالیایی را در منطقه بیسکاری قتل عام کردند. در بمباران درسدن در جنگ جهانی دوم بمب‌افکن‌های نیروی هوایی ارتش آمریکا و متحدانش ۳۹۰۰ تن بمب انفجاری قوی و بمب‌های آتش‌زا را طی ۴ یورش، در کمتر از ۱۵ ساعت بر روی درسدن ریختند و ۳۴ کیلومتر مربع از شهر را کاملاً ویران کردند. در آتش‌سوزی بزرگی که در نتیجه بمباران رخ داد بقایای شهر نیز نابود شد. به ادعای ارتش آمریکا درسدن یک مرکز مهم نظامی بود که ۱۱۰ کارخانه و ۵۰۰۰۰ شاغل در آن در حمایت از دولت نازی مشغول به فعالیت بودند. این در حالی بود که صرفاً زیرساخت‌های مخابراتی، پل‌ها و مناطق وسیع صنعتی خارج از شهر بمباران شدند و حملات بمباران مناطق، بدون هیچ فرقی بین نظامی بودن یا نبودن آن‌ها و بی هیچ تناسبی با اهداف نظامی بود. در تعداد کشته‌شدگان حاصل از این بمباران اختلاف نظر است و تعداد کشته‌ها از ۳۴۰۰۰ نفر تا تعداد بسیار بالایی ذکر شده است که اکثر قریب به اتفاق غیر نظامی بودند.

بنابر گفته "ارهارد موندرا"، عضو کمیته باتزن (مؤسسه زندانیان سیاسی سابق در جمهوری دموکراتیک آلمان)، در روزنامه "دی‌ولت": «براساس اظهارات سرهنگ دوم دی ماتس افسر سابق ستاد مشترک ارتش آلمان در منطقه نظامی درسدن، ۳۵۰۰۰ نفر از قربانیان کاملاً شناسایی شدند، هویت ۵۰۰۰۰ نفر تا حدودی آشکار شد، اما در حدود ۱۶۸۰۰۰ نفر به هیچ وجه قابل شناسایی نبودند»^۱.

فاجعه هیروشیما و ناکازاکی

بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی دو عملیات اتمی بود که در زمان جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، علیه امپراتوری ژاپن انجام شد. در این دو عملیات، دو بمب اتمی به فاصله ۳ روز بر روی شهرهای هیروشیما و ناکازاکی انداخته شد که باعث ویرانی و کشتار گسترده شهروندان این دو شهر شد. انفجار اتمی در دو شهر هیروشیما و ناکازاکی را شاید بتوان یکی از بزرگ‌ترین جنایات های تاریخی آمریکا قلمداد کرد که به مرگ آنی ۲۲۰ هزار تن منجر شد و صدها هزار تن نیز طی سال‌های پس‌از آن بر اثر تأثیرات آن فاجعه دچار بیماری‌های حاد شدند.^۲

اهمان

۲. خبرگزاری میزان، مرداد ۱۴۰۰ - ۱۹:۴۶:۱۱ کدخبر: ۷۴۷۶۶۶ دسته بندی: بین‌الملل - جهان، آمریکا و اروپا

کشتار ۳ میلیون ویتنامی با مشارکت آمریکا

جنگ ویتنام نام مجموعه عملیات و درگیری‌های نظامی‌ای است که از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵ بین نیروهای ویتنام شمالی و جبهه ملی آزادی‌بخش ویتنام جنوبی معروف به "ویت‌کنگ" از یک سو و نیروهای ویتنام جنوبی و متحدانش به ویژه ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر رخ داد.

جنگ آمریکا علیه ویتنام در زمان ریاست جمهوری لیندون جانسون آغاز شد و براساس آمار در طی ۱۶ سال جنگ، حدود ۳ میلیون ویتنامی کشته شدند.

"کشتار می لای" به مثابه یکی از جنایت‌های جنگی آمریکا، واقعه‌ای در روز ۱۶ مارس ۱۹۶۸ میلادی است که در جریان جنگ ویتنام بود و طی آن ۳۴۷ تا ۵۰۴ شهروند غیرنظامی جمهوری ویتنام جنوبی توسط سربازان واحد گردان سوم تجسسی ارتش آمریکا به قتل رسیدند. اکثر قربانیان غیرنظامیان زن و کودک بودند. قبل از قتل، برخی از قربانیان مورد شکنجه و قطع اندام نیز قرار گرفته بودند. برخی از اجساد نیز در جریان کشتار توسط سربازان قطعه قطعه شده بودند. علاوه بر کشتار دهکده‌های می لای، جنایت‌هایی در می خه و سون می در جریان جنگ ویتنام رخ داد که افراد زیادی در آن کشته شدند.

از جمله مهم‌ترین جنایات آمریکا در جنگ ویتنام، سم پاشی مناطق ویت‌کنگ‌ها با ماده شیمیایی بود. عنصر نرنجی که توسط هواپیماهای آمریکایی بر این مناطق بارید با ماده دی اکسین، سال‌های سال منجر به بیماری‌هایی چون سرطان و معلولیت ذهنی در این منطقه شده است.

امریکاییان سالانه ۵۰۰ هزار تن بمب به این سرزمین ریختند، جنگل‌ها را با ناپالم سوزاندند و انسان‌ها را زنده زنده بریان کردند.

از سال ۱۹۶۵ کشورهای هم‌مرز ویتنام، کامبوج و لائوس نیز به دلیل کمک سربازان این دو کشور به ویت‌کنگ‌ها هدف حملات هوایی آمریکا قرار گرفتند. تجاوز به زنان، شکنجه دادن آن‌ها و کشتن مردم عادی توسط نیروهای آمریکایی از ۱۹۶۷ به بعد شدت یافت و جنایت بزرگی در تاریخ جهان ثبت کرد^۱

۱. کارتر، فیندلی، جان م راثی، جهان در قرن بیستم، چ ۵، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۴۱۲

کشتار مردم کره توسط آمریکا در سال ۱۹۵۰

جنگ کره، جنگی میان جمهوری کره (کره جنوبی) با پشتیبانی نیروهای سازمان ملل متحد به رهبری ایالات متحده و جمهوری دموکراتیک خلق کره (کره شمالی) با پشتیبانی چین و کمک نظامی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود که در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ با ورود نیروهای تحت فرمان حکومت کمونیستی کیم ایل سونگ به بخش جنوبی آغاز شد.

کشتار غیرنظامیان از جنایت‌های آمریکا در این جنگ بود که حدود ۳۰۰ شهروند کره‌ای توسط نیروهای ارتش آمریکا و بین ۲۶ تا ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۰ در روستای نوگون ری کشته شدند. این کشتار توسط واحدهای لشکر یک مکانیزه آمریکا و در زیر پل آن روستا انجام شد. این واقعه را دومین واقعه تلخ بعد از کشتار می لای می دانند.^۱

جنایت آمریکا در افغانستان

جنگ آمریکا در افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، دوره‌ای از جنگ است که به بهانه آمریکا مبنی بر حمله القاعده به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. این جنگ ده‌ها هزار تلفات مستقیم غیرنظامی برجا گذاشت. بیش از ۴۰۰۰ سرباز آیساف و پیمانکاران غیرنظامی، ۱۵۰۰۰ نیروهای امنیت ملی افغانستان و همچنین بیش از ۲۰ هزار غیرنظامی کشته شدند. در حال حاضر آمار دقیقی از تعداد کل کشته شدگان این جنگ در دست نیست، اما طبق مطالعات پروفیسور "مارک هرولد" که در روزنامه گاردین منتشر شد، فقط در سه ماه اول جنگ بیش از ۴۰۰۰ تن کشته شده‌اند. تنها در سال ۲۰۰۹ بمب‌های دست ساز و مین‌های کنارجاده‌ای ۱۰۵۴ نفر قربانی گرفته‌اند. در عین حال، ده‌ها هزار غیرنظامی از زمان آغاز حملات هوایی آمریکا در سال ۲۰۰۱ تا زمان حاضر در افغانستان جان باخته‌اند.

ارتش آمریکا ۷ اکتبر ۲۰۰۱ برای نخستین بار اهدافی را در ولایت‌های کابل، قندهار، ننگرهار، قندوز، جوزجان، لوگر، تخار، نیمروز، فراه و غزنی با جنگنده‌های B-52 و موشک‌های کروز مورد حمله قرار دادند. در سه هفته اول این حملات بیش از هزار نفر در این مناطق کشته شدند.

۱. پرلاف، جیمز، سایه‌های روشن، چ ۱، جامعه‌مهندسان و مشاور ایران، تهران، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۱۳۱

در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ حداقل ۲۹ غیرنظامی در روستایی در نزدیکی قندهار در حمله یک جنگنده آمریکا کشته شدند. به گزارش روزنامه «گاردین»، کاروانی متشکل از ۱۲ خودروی حامل نمایندگان قبایل ولایت شرقی که به دعوت حکومت موقت کابل به منظور شرکت در مراسمی در حال حرکت به سوی پایتخت بودند توسط هواپیمای AC-130 ارتش آمریکا هدف قرار گرفته و ۶۵ نفر کشته شدند. همچنین سازمان ملل متحد در ۲۱ دسامبر همان سال اعلام کرد که در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۱ جنگنده‌های ارتش آمریکا یک روستا در نزدیکی شهر گردیز مرکز ولایت پکتیا را بمباران کرده‌اند. در این حمله حداقل ۵۲ غیرنظامی افغان از جمله تعدادی زیادی زن و کودک کشته شدند. سخنگوی پنتاگون در آن زمان مدعی شد که انبار مهمات طالبان در روستای مذکور منهدم شده است. شمار تلفات غیرنظامیان افغان در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ از مرز تعداد قربانیان ۱۱ سپتامبر گذشت.

پروفسور مارک هیرالد تأکید می‌کند که ۳۸۰۰ افغان از ۷ اکتبر الی ۷ دسامبر ۲۰۰۱ توسط آمریکا به قتل رسیده‌اند. خبرگزاری آسوشیتدپرس طی گزارشی در ۳ دسامبر ۲۰۰۱، تحت عنوان «بمب ایالات متحده روستای زراعی را با خاک یکسان کرد» از کشته شدن ۱۵۵ تا ۳۰۰ تن از ساکنان روستای کامه ادو در ننگرهار خبر داد. روزنامه دیلی گراف نیز به تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ در گزارشی تحت عنوان «غیرنظامیان بهای بمب‌های منحرف شده آمریکا را می‌پردازند» اعلام کرده که ده‌ها تن کشته شده‌اند. خبرگزاری پژواک و رسانه‌های بین‌المللی دیگر نیز در ۲۵ اکتبر ۲۰۰۶ از کشته شدن حدود ۹۰ غیرنظامی در روستای پنجوایی قندهار خبر دادند. نیروهای آمریکایی با بمباران این روستا فاجعه بزرگی آفریدند، اما هرگز از این قتل‌عام‌ها عذرخواهی نکردند. براساس گزارش دولت افغانستان در ماه مه ۲۰۰۷ طی دو روز بمباران جنگنده‌های آمریکایی به روستایی در نزدیکی هرات، دست‌کم ۴۲ نفر، از جمله تعدادی زن و کودک قتل‌عام شدند. در این بمباران ۱۰۰ خانه ویران و حدود ۱۶۰۰ نفر بی‌خانمان شدند. در پی حمله هوایی روز ۲۲ اوت ۲۰۰۸ به روستای عزیزآباد در ولایت هرات، نیز ۹۰ غیرنظامی کشته شدند. مقامات امنیتی افغانستان ۴ مه ۲۰۰۹ اعلام کردند که حملات هوایی ناتو به رهبری آمریکا در منطقه گراناوی ولایت فراه باعث کشته شدن ۱۴۵ غیرنظامی از جمله ۹۲ کودک و ۲۲ زن شد. حملات هوایی آمریکا در ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۰ به منطقه سنگین ولایت ننگرهار باعث کشته شدن بیش از ۵۲ زن و کودک بی‌گناه شد.

بیش از ۴۰۰ نفر در خیابان‌های کابل به تظاهرات پرداخته و این حمله را محکوم کردند. هیئتی از کابل برای تحقیق به منطقه اعزام شدند. براساس بررسی‌های هیئت، تمامی کشته شدگان زنان و کودکان بودند. نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا در ۳ اکتبر ۲۰۱۵، با جنگنده لاکهید AC-130U بیمارستان قندوز در شمال افغانستان را هدف حمله قرار داد. در این حمله دستکم ۴۲ غیرنظامی کشته و ۳۰ نفر مجروح شدند. سازمان پزشکان بدون مرز پس از این فاجعه اعلام کرد که پیش‌تر کلیه هشدارها راجع به موقعیت مکانی بیمارستان به نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا داده شده بود و این حمله عمدی صورت گرفته است. این سازمان در ادامه حمله به بیمارستان را نقض حقوق بین‌الملل عنوان کرد و تمامی کارمندان خود را از این شهر خارج کرد.^۱

همدستی با رژیم بعث عراق در هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران

جنگ رژیم بعث عراق با ایران، طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که نزدیک به هشت سال به طول انجامید. جنگ به صورت رسمی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد. در این روز درگیری‌های پراکنده مرزی دو کشور با یورش هم‌زمان نیروی هوایی عراق به ده فرودگاه نظامی و غیرنظامی ایران و تهاجم نیروی زمینی این کشور در تمام مرزها به یک جنگ تمام عیار تبدیل شد. در طی این جنگ نابرابر که همه قدرت‌های جهانی بخصوص آمریکا از صدام حمایت می‌کردند، ۱۶ هزار نفر در جریان بمباران مناطق مسکونی به شهادت رسیدند و بقیه در جبهه‌های نبرد شهید شدند. شهدای بسیجی ۸۵ هزار و ارتشی ۴۸ هزار نفر بودند. بیش از ۳۳ هزار دانش‌آموز و بیش از ۳۵۰۰ دانشجوی هم طی این هشت سال به شهادت رسیدند. روحانیت نیز ۳۳۱۷ شهید داشتند. در این دوران هشت ساله نیز ۸۸ مسیحی، ۱۸ کلیمی و ۹ زرتشتی در دفاع از خاک میهن شهید شدند و ۲ هزار تبعه غیرایرانی نیز با حضور در جبهه‌ها به شهادت رسیدند.

۱. تئودور بلوم، ویلیام، مترجم: عبدالرضا هوشنگ مهدی، ج ۱، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۸، ص ۵۶۷.

در پشت صحنه این جنایت‌های جنگی وحشیانه، آمریکا قرار داشت که تلاش داشت از هرم‌های منطقه‌ای برای مهار ایران و قدرت روزافزون انقلاب اسلامی جلوگیری کند. تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران، عراق را بیش از گذشته با انگیزه‌تر کرد. ماهواره‌های آمریکا تصاویر نبرد و اطلاعات استراتژیک نظامی را ساعت به ساعت به ایستگاه‌های آمریکا منعکس می‌کردند و ایستگاه‌های ردیابی، کلیه مکالمات نیروهای مسلح ایران را ثبت کرده و در اختیار ارتش صدام حسین می‌گذاشتند. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و ایجاد یک نیروی نظامی امنیتی در خلیج فارس با نظارت و رهبری آمریکا، در واقع حضور نظامی آمریکا در منطقه را مشروعیت بخشید تا در صورت تضعیف عراق و برتری ایران، آمریکا مستقیماً کفه ترازو را به نفع عراق سنگین‌تر کند. رژیم بعث عراق همچنین جنگ از راه دور (جنگ نفتکش‌ها، جنگ شهرها و حملات موشکی بر علیه مراکز اقتصادی) را در رئوس اهداف نظامی خود قرار داد و آمریکا در راس کشورهای بود که امکانات نظامی وسیعی را در این زمینه در اختیار دولت بعثی عراق قرار داد.

جنایت آمریکا در عراق

جنگ عراق یک عملیات نظامی است که در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ با حمله یک ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده به عراق آغاز شد. این جنگ با خروج آخرین تیپ رزمی آمریکایی در ۱۹ اوت ۲۰۱۰ به‌طور رسمی خاتمه یافت. هر چند بعد از آن هم حدود ۵۰ هزار نیروی آمریکایی عمدتاً به بهانه آموزش سربازان عراقی در این کشور باقی ماندند.

دو توجیه عمده برای آغاز این جنگ توسط جرج بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا مطرح شد که یکی از آن‌ها رابطه صدام حسین با القاعده و دیگری نابود کردن سلاح‌های کشتار جمعی عراق بنابر توافق‌نامه ۱۹۹۱ بود. تجاوز به زنان و کودکان، بهره‌گیری از سلاح شیمیایی، کشتار جوانان و مخالفان حمله نظامی آمریکا، تخریب نهادهای آموزشی و بهداشتی، غارت اموال مردم، کشتار بی‌دلیل بی‌گناهان، آزار و اذیت کودکان، کشتار دسته جمعی اهالی روستاهای عراق، زنده به گور کردن مخالفان، به آتش کشیدن روستاهای مخالف حضور نظامی آمریکا در عراق و... برخی از جنایت‌های آمریکا در کشور عراق است شمار نظامیان آمریکایی که در جنگ آمریکا در عراق کشته شدند به ۴ هزار و ۷۹۵ نفر رسید و هزینه جنگ در عراق ۷۸۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

براساس این جنگ افروزی آمریکا، در عراق تا سال ۲۰۰۷ سوءتغذیه کودکان به ۲۸٪ رسید و گزارش‌ها حاکی از آن بود که حدود ۶۰ تا ۷۰٪ از کودکان عراقی دچار مشکلات روانی شده‌اند. بیشتر عراقی‌ها به آب آشامیدنی سالم دسترسی نداشتند. به نظر می‌رسید شیوع وبا در شمال عراق به سبب کیفیت پایین آب بوده باشد. بیش از نیمی از پزشکان عراقی بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ این کشور را ترک کردند. گفته می‌شود که کاربرد اورانیوم ضعیف‌شده و فسفر سفید در سلاح‌های آمریکایی باعث نارسایی‌های نوزادان و سرطان گسترده در فلوجه شده است.

بنابر آمارهای کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان، ۴/۴ میلیون عراقی تا پایان ۲۰۱۵ آواره شده‌اند. در طول جنگ جمعیت مسیحیان عراقی به شدت کاهش پیدا کرد به طوری که از ۵/۱ میلیون نفر در ۲۰۰۳ به ۵۰۰۰۰۰ نفر در ۲۰۱۵ رسید. طبق آمار ویکی‌لیکس پیرامون گزارش‌های روزانه طبقه‌بندی‌شده جنگ عراق، از ژانویه ۲۰۰۴ تا دسامبر ۲۰۰۹ نیز ۶۶۰۸۱ غیرنظامی کشته شدند. این در حالی است که براساس پژوهش مؤسسه نظرسنجی ORB که در تاریخ اوت ۲۰۰۷ منتشر شده است، ۱۰۳۳۰۰۰ مرگ خشونت‌بار ناشی از جنگ در کشور عراق اتفاق افتاده است.^۱

سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و طرح تجزیه طلبی ایران

مقامات بلند پایه آمریکایی بارها و بارها در سخنان خود بر این موضوع تأکید کرده‌اند که در صدد هستند نظام جمهوری اسلامی ایران را از درون متلاشی و به کشورهای کوچکتر تقسیم نمایند. در بسیاری از نمونه‌ها شاهد حمایت‌های نظری مؤسسات تحقیقاتی ایالات متحده از گروه‌های قومی تجزیه‌طلب ایرانی هستیم. بسیاری از بنیادهای تحقیقاتی آمریکایی از طراحان اصلی طرح‌های نظیر طرح خاورمیانه بزرگ، گفتمان‌های قوم‌گرایی، تجزیه‌طلبی و فدرالیسم می‌باشند. استفاده از گفتمان‌های مدرن و امروزی و تلفیق آن با قوم‌گرایی رایج‌ترین و زیرکانه‌ترین شیوه‌های این مؤسسات است. این نهادها با به کارگیری گفتمان‌هایی چون آزادی، پلورالیسم از هر نوع به ویژه قومیتی، حقوق بشر، زبان مادری، آزادی انتخاب و ... که به ویژه در طرح خاورمیانه بزرگ مشهود است بسیاری از نخبگان قومی را در راستای اهداف خود جذب و تربیت می‌نمایند.

۱. شهابی، سیف‌الرضا، سقوط زود هنگام چرا؟، جام جم، ۱۱ خرداد، ۱۳۸۲ ه.ش

بحث پشتیبانی مالی، سیاسی، تئوریک و... ایالات متحده از گروه‌های قوم‌گرا در ایران چیزی نیست که نتوان آن را به آسانی تأیید کرد. مقامات بلند پایه آمریکایی بارها و بارها در سخنان خود بر این موضوع تأکید کرده‌اند که در صدد هستند نظام جمهوری اسلامی ایران را از درون متلاشی و به کشور های کوچکتر تقسیم نمایند. در بسیاری از نمونه‌ها شاهد حمایت‌های نظری مؤسسات تحقیقاتی ایالات متحده از گروه‌های قومی تجزیه‌طلب ایرانی هستیم. بسیاری از بنیادهای تحقیقاتی آمریکایی از طراحان اصلی طرح‌های نظیر طرح خاورمیانه بزرگ، گفتمان‌های قوم‌گرایی، تجزیه‌طلبی و فدرالیسم می‌باشند. استفاده از گفتمان‌های مدرن و امروزی و تلفیق آن با قوم‌گرایی رایج‌ترین و زیرکانه‌ترین شیوه‌های این مؤسسات است. این نهادها با به کارگیری گفتمان‌هایی چون آزادی، پلورالیسم از هر نوع به ویژه قومیتی، حقوق بشر، زبان مادری، آزادی انتخاب و... که به ویژه در طرح خاورمیانه بزرگ مشهود است بسیاری از نخبگان قومی را در راستای اهداف خود جذب و تربیت می‌نمایند.

نشریه «ویکلی استاندارد» از مدافعان اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در مقاله‌ای به قلم توماس مک ایندی (معاون ستاد هوایی آمریکا) در مورد مدل حمله احتمالی آمریکا به ایران اینگونه ابراز نظر می‌کند: «عملیات گسترده نظامی به همراه عملیات پنهان از ناراضیان داخلی همانطور که در افغانستان اجرا شد می‌تواند با استفاده از گروه‌های قومی غیرفارس برای سرنگونی رژیم اسلامی ایران طرح‌ریزی شود.» وی اضافه می‌کند که جمعیت متکثر قومی ایران زمینه مساعدی را در اختیار آمریکا قرار داده که می‌توان برای عملیات مخفیانه از آن بهره برد؛ تنها ۵۱ درصد ایران فارس هستند و کردها و آذریها ۳۵ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند که ۷۰ درصد آن‌ها زیر ۳۰ سال و دارای نرخ بیکاری ۲۰ درصد هستند؛ اما نکته مهم‌تر این‌که بخش اعظم قومیت‌های ایرانی هم مرز و همسایه کشورهای جمعیت مشابه قومی هستند که می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

ویلیام بی‌من استاد دانشگاه براون در ژوئن ۲۰۰۳ طرح دولت بوش برای تغییر رژیم ایران را براساس حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب، حمایت از سازمان مجاهدین خلق، حمایت از سازمان‌های سلطنت طلب و دخالت نظامی در صورت لزوم تبیین کرد. در ژوئن ۲۰۰۳ استیون میلز از مرکز بلفر برای علوم و روابط بین‌الملل دانشگاه‌هاروارد تصریح کرد که طرح تغییر رژیم دولت بوش و نو محافظه کاران براساس گسل‌های سیاسی-

اجتماعی در درون جامعه ایران شکل گرفته و با استفاده از عملیات پنهان، کمک‌های مالی به گروه‌های اپوزیسیون، حمایت از گروه‌های داخلی، انزوای دیپلماتیک و تخریب در فرآیند بازسازی اقتصادی شکل گرفته است.

در سال ۲۰۰۳ و در راستای طرح تجزیه ایران پروژه پژوهشی‌ای به سفارش نیروی دریایی آمریکا به شرکت هیکس و شرکا به صورت دو پروژه تحقیقاتی در مورد اقلیت‌های قومی ایران واگذار شد و «اثر فرهنگ خارجی بر عملیات‌های نظامی» نام گرفت. سرهنگ ریگ لانگ سخنگوی نیروی دریایی آمریکا در مصاحبه با فایننشال تایمز به این موضوع اشاره کرده و به پرسش‌های این نشریه پاسخ داد.

مایکل روبین از هواداران تغییر مرزها در خاورمیانه و تجزیه کشورهای نظیر ایران و سوریه در نشریه اورشلیم پست در سال ۲۰۰۷ پیرامون استفاده از گروه‌های تجزیه‌طلب برای سرنگونی رژیم ایران چنین می‌نویسد: «اگر دولت بوش اراده سیاسی مبتنی بر پیگیری جنگ علیه تروریست‌ها و طرفدارانشان را داشته باشد می‌توان حکومت دینی ایران را ساقط کرد و با حمایت از گروه‌های آذری و کرد در ایران و حمله گسترده نظامی، تهران شکست خواهد خورد.

اسکات ریتز افسر اطلاعاتی آمریکا و بازرسی نظامی مانورهای مشترک آمریکا - رژیم باکو در مورد اهمیت جمهوری آذربایجان برای آمریکا می‌گوید: «جمهوری آذربایجان برای منافع ما اهمیت زیادی دارد. به دلیل اینکه همسایه ایران و نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به تهران می‌باشد.» اسکات ریتز در مقاله دیگری که در سال ۲۰۰۶ در الجزیره از وی چاپ شد با صراحت عنوان کرد که: «نیروهای سیا و نیروهای ویژه آمریکا، نیروهای آذربایجان را در قالب واحدهای نیروهای ویژه آموزش می‌دهند که توانایی انجام عملیات در درون خاک ایران و شوراندن بخش عظیم اقلیت قومی آذری‌ها را داشته باشند».

مؤسسات و تئوریسین‌های وابسته به طرح خاورمیانه بزرگ برای پیش بردن پروژه خود تئوری‌ها و انگاره‌هایی را برای افراد و سازمان‌هایی که ایجاد کرده‌اند تولید می‌کنند. مدل فدرالیسم مبتنی بر قومیت‌ها برای ایران از مهمترین این نظریه‌پردازی‌ها است که بسیاری از گروه‌های تجزیه‌طلب به عنوان فاز نخستین تجزیه ایران به پیروی از نظریه-پردازان ذکر شده به آن تمایل دارند. مایکل لدین و تیم وی در سال ۲۰۰۵ با همکاری

مؤسسه امریکن اینتر پرایز کنفرانس جنجالی را با حضور عناصر ضد ملی برگزار کرد که «نمونه دیگر برای فدرالیسم» نام داشت. همچنین در سال ۲۰۰۶ کنفرانس مشابهی در واشنگتن برگزار شد. برخی کارشناسان بر این باورند که با تصویب قانون حمایت از آزادی در ایران در سال ۲۰۰۶ توسط دولت بوش و اختصاص بودجه ۷۵ میلیون دلاری برای نیروهای اپوزیسیون ایران نیروهای قومی برای وانمود کردن خود به عنوان یک آلترناتیو نیرومند برای حکومت ایران با برگزاری کنفرانس‌های پیاپی و تشکیل جبهه‌های هواخواه فدرالیسم در صدد برآمدند تا از این بودجه کلان بهره‌مند شوند.

از جمله اقدامات دیگر صورت پذیرفته توسط نهادهای تحقیقاتی و محققین آمریکایی در راستای گسترش تمایلات جدایی طلبانه قومیت‌های ایرانی کتابیست که خانم برندا شفر مدیر مرکز مطالعات خزر در دانشگاه‌هاروارد نوشته است. وی در این کتاب با اشاره به حضور قومیت‌های ایرانی در نقاط مرزی کشور و استمرار دنباله این قومیت‌ها در کشورهای همسایه می‌تواند از جمله ظرفیت‌های مطلوب و کارا برای بحث تجزیه ایران باشد. مؤسسه اینترپرایز از جمله نهادهای تحقیقاتی آمریکایی است که در راستای مباحث مرتبط با تجزیه ایران فعالیت گسترده‌ای دارد. اجرای گفتمان‌های قوم‌گرایی، تجزیه طلبی و فدرالیسم در دولتهای محور شرارت (عراق، ایران و سوریه) از جمله طرح‌های این مؤسسه بوده است که در راستای طرح خاورمیانه بزرگ دنبال شد. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۶ این مؤسسه «طرح فدرالیسم» را برای حل معضل عراق پیشنهاد داد. از سال ۲۰۰۵ مؤسسه اینترپرایز در راستای عملی نشدن حمله به ایران، پروژه تغییر رژیم را مطرح می‌کند. این پروژه «ایران ناشناخته، مورد دیگری برای فدرالیسم» نام داشت و دامن زدن به مسائل قومی در ایران را به عنوان بهترین راهکار برای تغییر رژیم در ایران پیشنهاد داده بود. با روی کار آمدن باراک اوباما مؤسسه اینترپرایز همچنان موقعیت خود را در کانون فکری سیاست خارجی آمریکا حفظ نمود به طوری که این مسئله در خصوص اتخاذ سیاست‌های ضد ایرانی از سوی دولت اوباما به خوبی قابل مشاهده است. به عنوان مثال به دنبال تحولات پس از دهمین دوره ریاست جمهوری، اجرای پروژه «انقلاب رنگی» در ایران یکی از محوری‌ترین موضوعات مؤسسه

اینترپرایز بود.

نشریه آمریکایی آمریکن دیلی در تاریخ ۶ / ۹ / ۸۵ در مطلبی با عنوان «ملت سازی را فراموش کنید به ملت شکنی یا تجزیه روی بیاورید»، تنها راه حل بحران‌های جهان به ویژه خاورمیانه را تجزیه دو کشور ایران و سوریه دانسته و می‌نویسد:

«باید به درسی توجه کنیم که در قرن گذشته مورد غفلت قرار گرفته است و آن این است که استعمار اروپایی، کارساز بوده است، تحمیل ارزش‌های برتر فرهنگی و اخلاقی مردمی که از بخت بد در مناطقی بزرگ شده‌اند که ارزش‌های یهودی و مسیحی در آن حاکم نبوده، برای کمک به این مردم ضروری است، لذا باید دولت‌های مخالف اسرائیل، آمریکا، یهود و مسیحیت را سرنگون کنیم و غرب برای این کار باید به تجزیه بپردازد. از جمله کشورهای ایران، سوریه و عراق که هیچ‌گاه یک ملت نبوده‌اند بلکه همه این کشورها «امپراتوری‌های کوچکی» هستند. کاری که آمریکا باید بکند تجزیه ایران و سوریه است.»

آمریکن دیلی می‌افزاید:

«فقط نیمی از ایران، ایرانی هستند، بقیه آذری، ترکمن، کرد، عرب، بلوچ و از دیگر قومیت‌ها هستند این قومیت‌ها باید به ملت‌های موجود مانند آذربایجان، ترکمنستان یا هر ملت جدید دیگر ملحق شوند که با حمایت آمریکا موجودیت می‌یابند، اقلیت سنی ایران باید از یوغ اکثریت شیعه بیرون آید. ملت شیعه‌ای که از جنوب عراق حاصل می‌شود، شیعیان عرب عراق و بخشی کوچک از ایران خواهد بود. در این صورت اگر این قومیت‌ها به جمعیت‌های یکسان از نظر قومی، مذهبی و زبانی ملحق شوند تهدیدی برای ما محسوب نخواهد شد»^۱.

انسجام بخشی به گروه‌های قومی

از جمله اقدامات دیگری که توسط دولت ایالات متحده و در راستای سیاست خاورمیانه‌ای این کشور در قبال ایران باید بدان اشاره نمود، تلاش برای انسجام بیشتر گروه‌های قومی معارض با جمهوری اسلامی ایران بوده است. حمایت از تشکیل کنگره ملیت‌های فدرال ایران از جمله این اقدامات بوده است. این تشکیلات به گونه‌ای هماهنگ

۱. نشریه آمریکایی آمریکن دیلی در تاریخ ۶ / ۹ / ۸۵

تمامی اقدامات صورت پذیرفته در شهرهای قومیت‌نشین کشور را سیاسی جلوه داده و جالب آنکه تمامی وب سایت‌های اعضای این کنگره به طور هماهنگ پیرامون یک موضوع موضع‌گیری کرده، از یکدیگر دفاع نموده و فریاد حقوق بشر سر می‌دهند. در آخرین نمونه آن می‌توان به حمایت حزب دموکراتیک مردمی احوازی از آشوب‌هایی که در شهرهای تبریز و ارومیه در ۱۲ شهریور ماه ۱۳۹۰ در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه برگزار گردید، اشاره کرد. سایت این تشکیلات در تعبیری اعتراضی به دفاع از قومیت آذری پرداخته و در بیانیه خود آورده است:

«امروز روز شنبه ۱۲ شهریور ملت ترک در شهرهای آذربایجان جنوبی از جمله تبریز پایتخت آذربایجان جنوبی و ارومیه برای اعتراض به سیاست خشکاندن عمدی دریاچه‌ای ارومیه توسط شوونیسیم اشغالگر فارس به خیابانها ریخته و با شعارهای ملی آزادی بخش، انزجار خود را از رژیم حاکم فارس نشان دادند. بدلیل عدم اعتماد رژیم به نیروهای نظامی ترک تحت فرمانش، برای سرکوب ملت آذربایجان از مناطق فارس نشین نیرو وارد کرده است. به طوری که نیروهای فارس حتی شعارهای تظاهر کنندگان را نمی‌فهمند و به آن‌ها گفته شده که تظاهر کنندگان کافر هستند. با اینکه رژیم با اعزام نیروهای سرکوب خود از مناطق فارس نشین و جایگزینی با نیروهای محلی تمام سعی خود را در سرکوب و ممانعت از تظاهرات به کار بسته بود ولی ملت ترک آذربایجان با جسارت تمام نیروهای اشغالگر فارس را عقب رانده و تظاهرات خود را آغاز کرد.»

نکته جالب اینکه اخبار و اطلاعات آمده در صفحات نخست این سایت‌ها تماماً مشترک است، گویی که از یک مرکز مشخص حمایت و سازماندهی می‌شوند مثلاً پیرامون همین خبر تمام این وب سایت‌ها مشترکاً اخباری را گذارده بودند.

حمایت‌های دولت ایالات متحده از تشکل‌هایی نظیر کنگره ملیت‌های ایران فدرال که شعار اصلی خود را تجزیه ایران قرار داده‌اند تنها محدود به دوره زمامداری نومحافظه‌کاران نیست. در ۱۸ فوریه ۲۰۰۹، هیاتی از جانب کنگره ملیت‌های ایران فدرال در واشنگتن با نمایندگان حکومت جدید آمریکا، به رهبری باراک اوباما ملاقات نمودند. در این ملاقات که در مکان وزارت امور خارجه دولت ایالات متحده برگزار گردید. مسائل مختلفی از جمله نقض حقوق بشر در ایران علی‌الخصوص نقض حقوق بشر اقلیت‌های ملی و مذهبی به تفصیل بحث شد. نکته‌ای که باید مورد تأکید قرار گیرد وجود یک ذهنیت تاریخی در میان دولت‌مردان برای تجزیه کشورهای نظیر ایران می‌باشد؛ به عبارت دیگر این

موضوع که اگر کشور ایران تجزیه گردد بسیاری از مشکلات ایالات متحده در خاورمیانه رفع خواهد شد از همان آغاز حکومت اسلامی در ایران منتها به شکل سینوسی در ذهن مقامات آمریکایی وجود داشته است. برخی اوقات مثل دوران ابتدای انقلاب اسلامی این ذهنیت پرننگ گردیده و در مقاطع دیگر دامنه این موضوع کاهش یافته است. سالهای اخیر از جمله دوره‌هایی محسوب می‌گردد که دامنه این موضوع در میان مقامات آمریکایی گسترش یافته است. برای نمونه همان‌گونه که اشاره گردید طرح انسجام قومیت‌های ایرانی برای تقابل با دولت مرکزی جمهوری اسلامی در آغازین روزهای تشکیل حکومت جمهوری اسلامی نیز مطرح شده بود. در یک سند سری به تاریخ ۱۵ / ۵ / ۱۳۵۸ بر برنامه‌ریزی برای ایجاد و اغتشاش همزمان در میان اقوام ایرانی علیه دولت مرکزی تصریح شده است و آمده است:

«کردها ممکن است از قدرت کافی برای تضمین خودمختاری بیشتر برای خود در غرب ایران برخوردار باشند، اما در حال حاضر فکر می‌کنیم که آن‌ها قادر به بسط قدرت و نفوذ خود در جهت براندازی دولت نیستند، اگر کردها، آذربایجانی‌ها، اعراب و سایر گروه‌های قومی تلاش‌های خود را هماهنگ کنند و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند، به عقیده ما آن‌ها امکان موفقیت دارند.»

طرح‌های جان گریوز دیپلمات معروف آمریکایی از دیگر طرح‌های مشهور برای تجزیه ایران در روزهای آغازین انقلاب اسلامی بوده است.

حمایت‌های رسانه‌ای آمریکا از تجزیه‌طلبان

از دیگر اقدامات نرم دولت آمریکا در حمایت از تجزیه‌طلبان ایرانی باید به حمایت‌های این دولت از تاسیس شبکه‌های ماهواره‌ای اشاره کرد. برای نمونه برنامه‌های تلویزیونی الاحوازیه که در شلوغی‌های سال ۱۳۸۴ خوزستان روی آنتن رفت با حمایت‌های یک کانال ماهواره‌ای وابسته به دولت آمریکا پخش شد. از دیگر نمونه‌های این مورد می‌توان به شبکه گوناز اشاره کرد. شبکه تلویزیونی گوناز تی وی یک کانال ماهواره‌ای بیست و چهار ساعته به زبان ترکی آذربایجانی با مدیریت احمد اوبالی است که از شهر شیکاگو در ایالت ایلینوی آمریکا برنامه‌هایی را برای مردم ترک‌زبان در ایران تهیه می‌کند. این کانال تلویزیونی علاوه بر استودیو شیکاگو یک استودیوی دیگر هم در باکو مرکز جمهوری آذربایجان دارد و برنامه‌هایش را هم از طریق ماهواره هاتبرد (و پیش از آن

ترک ست ترکیه) به آذربایجان ایران می‌فرستد. این کانال تلویزیونی نقش اساسی در تهییج مردم و جدایی طلبان آذری و وقوع اغتشاشات سال ۱۳۸۵ تبریز و دیگر نقاط آذربایجان داشته است. بر طبق مقاله روزنامه حریت چاپ ترکیه که در سال ۲۰۰۶ منتشر شده است سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی آی ای) مسئول پخش برنامه‌های این شبکه تلویزیونی است. حریت به نقل از روزنامه استار می‌نویسد سازمان سیا برای گوناخ و یک کانال کرد زبان امکانات ماهواره‌ای لازم را فراهم کرده است. در این زمینه گویا به اصرار مقامات ایرانی بعداً مقامات ترک هم تحقیقات مستقلى را آغاز کردند و نهایتاً به این نتیجه رسیدند که یک شرکت خارجی وابسته به سیا دست اندرکار پخش برنامه‌های گوناخ تی وی است.

ایالات متحد در راستای سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود در ایران طرح‌های گوناگونی را برای اجرای طرح‌های کلان‌تری نظیر طرح خاورمیانه بزرگ به اجرا گذارده است که از آن جمله می‌توان به طرح ریگا نیکلاس برنز معاون وقت وزیر خارجه آمریکا و طرح رالف پیترز اشاره کرد. طرح ریگا علاوه بر دبی، در ترکیه و جمهوری آذربایجان با عنوان‌های ریگای استانبول و ریگای باکو فعال شد. ادوارد شرلی از کارکنان سیا در کنسولگری آمریکا در استانبول ترکیه در کتاب خود با عنوان «دشمنت را بشناس» با اشاره به تنوع قومی در ایران آورده است:

«تضعیف ارتباط بین آذری‌ها و فارس‌ها می‌تواند برای یک مامور اطلاعاتی امکان تفرقه انداختن میان مردم، دولت و احتمالاً تجزیه کشور (ایران) را فراهم آورد. چرا که موقعیت جغرافیایی ایران از جمله مناطق آذربایجان بهترین مکان برای عملیات سری به منظور تجزیه یک کشور است.»

همچنین شعبه باکوی طرح ریگا جز فعالترین شاخه‌های طرح است. قرائن و شواهد حاکی از آن است که آمریکا ایستگاه ویژه ضد ایرانی خود را در باکو فعال کرده است؛ این فعالیت‌ها در چندسال گذشته با هدایت این ایستگاه و با همکاری برخی احزاب غیردولتی (طرفدار و مخالف حاکمیت باکو) و نیز برخی نهادهای دولتی از جمله کمیته دولتی رسیدگی به امور آذری‌های خارج از کشور، تشدید شده است. در اسفند ۱۳۸۴ همایشی به نام «همایش آذری‌های جهان» با حضور عده‌ای از تجزیه‌طلبان در باکو و در حضور الهام علی اف برگزار شد؛ که در آن علیه تمامیت ارضی ایران سخن گفتند. همچنین در اغتشاشات خرداد ۱۳۸۵ نیز حزب استقلال ملی به رهبری فردی به نام

اعتبار محمد اوف به طور رسمی از اغتشاشگران حمایت کرد. در همین زمان همایشی در هتل اروپائی باکو با هدف ایجاد هماهنگی و برای تداوم شورش‌ها در ایران با حضور عناصر ضد ایرانی و عوامل آمریکا و رژیم صهیونیستی برگزار شد. از جمله محورهای فعالیت ایستگاه ریگا در باکو، راه اندازی سایت‌های اینترنتی با گرایش تجزیه طلبانه، حمایت از مطبوعات و افراد فعال در مساله قومیت‌گرایی منفی برای ترویج احساسات قومی و تضعیف وحدت ملی و همچنین تخریب هویت ملی ایرانی‌ها است. برقراری پیوندی نزدیک میان دستگاه‌های دولت باکو و آمریکا با تجزیه طلبان ایرانی از دیگر خطوط فعالیت دفتر آمریکا در باکو است.

همچنین طرح رالف پیترز که از سوی یک افسر بازنشسته‌ی ارتش آمریکا با عنوان «مرزهای خون، خاورمیانه کدام شکل بهتر است؟» مطرح شد در مجله نیروهای مسلح آمریکا به چاپ رسید. وی هدف خود را ایجاد خاورمیانه جدید با توسل به حربه بی ثبات سازی و تجزیه ارضی کشورهای عصیانگر معرفی کرده است. پیترز که طرح خود را با دو نقشه به نام «بازسازی نقشه خاورمیانه» منتشر کرده است، مدعی مغبون شدن اقلیت‌های قومی شده است و بازنگری هدایت شده آن‌ها را مطرح می‌کند. وی تأکید می‌کند برای رسیدن به صلح و صفا در خاورمیانه، لازم است در تقسیم آن بازنگری شود و این تقسیم بندی بر اساس اقوام و ادیان صورت پذیرد. در این طرح از تشکیل «کردستان آزاد» در گستره‌ای به وسعت دیاربکر تا تبریز سخن رانده شده است و درباره جایگاه ایران در این طرح آمده است: «ایران بسیاری از سرزمین‌هایش را باید به نفع آذربایجان واحد، کردستان آزاد، دولت عربی شیعه و بلوچستان آزاد از دست بدهد».

نکات مشترک طرح‌های ریگا، رالف پیترز، مواضع مقامات و رسانه‌های آمریکایی می‌باشد که با تأکید بر فعالسازی مقوله اقوام تجزیه جغرافیایی ایران، شکستن ساختار سیاسی و قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران را در نظر دارند. نکته حاصل این مجموعه طرح‌ها، جدیت وجود یک طرح بی ثبات سازی سیاسی و اجتماعی درباره ایران است که موتور محرک آن پتانسیل‌های قومی و مذهبی در کشورمان می‌باشد.^۱

۱. سایت آمریکا و تجزیه طلبی قومی در ایران، مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نقش آمریکا در تثبیت دیکتاتوری جهانی

حضور و دخالت آمریکا در کشورهای مختلف جهان نشان از اعمال دیکتاتوری، زیر سؤال بردن حقوق ملت‌ها، نفی آزادی و استقلال، سرکوب مطالبات مردم و ... دارد. در این زمینه می‌توان به رفتار تناقض‌آمیز آمریکا در جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران و در نهایتاً انجام کودتا و زیر سؤال بردن مطالبات مردمی اشاره کرد. حمایت آمریکا از دیکتاتوری رژیم بحرین و سرکوب خواسته‌های عمومی، سرکوب حرکت‌های مردمی در آفریقا، تلاش برای انحراف انقلاب مردمی نیکاراگوئه، سرکوب و بی‌توجهی به دموکراسی در گینه استوایی، دخالت در امور مصر و یمن از دیگر جنایات آمریکا در کشورهای مختلف است.

آمریکا در سیطره جهانی، خود را حامی حقوق ملت‌ها معرفی می‌کند، این در حالی است که اقدامات این کشور در گستره تاریخ نشان می‌دهد که آمریکا نه تنها هیچ اعتنایی به حقوق مسلم ملت‌ها ندارد، بلکه حتی این حقوق را نیز نقض کرده و از تمامی ظرفیت‌های سیاسی، حقوقی و نظامی خود برای تثبیت دیکتاتوری بهره می‌گیرد. تجربه ایران در زمان ملی شدن صنعت نفت و حتی روند نهضت مردم ایران اسلامی، گواهی بر تناقضات رفتاری و شعاری آمریکا در زمینه دموکراسی خواهی است؛ به این معنا که این کشور برای تحصیل منافع خود از هر ابزار و روشی بهره می‌گیرد تا نظام‌های دیکتاتوری متحد خود را حفظ نماید و تمامی جریان‌های استقلال‌طلب و مردمی که خواهان خلع ید از ایادی استکبار و آمریکا هستند را سرکوب می‌نماید. در ادامه به چند نمونه از این موارد تاریخی اشاره می‌شود.^۱

اضمحلال نهضت مردمی ایران با راه‌اندازی کودتا

آمریکا در جریان ملی شدن نفت ایران سه رفتار متفاوت شامل همراهی با نهضت، بی‌طرفی و میانجی‌گری و در نهایت مخالفت و اقدام نظامی علیه نهضت را به نمایش گذاشت. در جبهه خارجی دو کشور انگلیس و آمریکا، بیشترین نقش و درگیری را در جریان ملی شدن نفت دارا بودند تا جایی که با راه‌اندازی یک کودتای نظامی، حکومت دیکتاتوری پهلوی را تثبیت کردند که این امر برخلاف خواسته‌های دموکراتیک مردم

۱. مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد: ۲، صفحه: ۳۱۳، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.

ایران بود.

دولت آمریکا در راستای منافع خود با به شکست کشانیدن نهضت ملی نفت، مردم ایران را از حق آزادی و تعیین سرنوشت و بهره برداری از منابع طبیعی کشور خود محروم کرد و در همین حال برای پنهان ساختن مداخله خلاف حقوق بین الملل خود با راه انداختن تبلیغات سنگین و انبوهی از کتاب‌ها و مقالات، چنین دخالت سازمان یافته‌ای را به گونه یک کودتای نظامی و درگیری داخلی جلوه‌گر ساختند تا بتوانند چهره خود را در زیر پوششی از شعارهای انسان دوستانه و طرفداری از حقوق بشر آرایش کرده و برای همیشه پرچمدار فرهنگ و دموکراسی در جهان باقی بمانند. باری روبین، یکی از برجسته‌ترین کارشناسان مسایل خاورمیانه و عضو مرکز پژوهش‌های استراتژیک و امور بین‌المللی دانشگاه جرج تاون در بخشی از کتاب «جنگ قدرت‌ها در ایران» به این پنهان کاری‌ها اشاره کرده و می‌نویسد: «آمریکایی‌ها بیش از اندازه درباره نقش خود در جریان سقوط مصدق و بازگشت شاه بر مسند قدرت سروصدا به راه انداختند».^۱

حمایت آمریکا از دیکتاتوری رژیم بحرین و سرکوب خواسته‌های عمومی

هدف اصلی حضور و نفوذ آمریکا در بحرین و حمایت‌های بی‌دریغ آن‌ها از آل خلیفه تثبیت پایه‌های دیکتاتوری این رژیم در بحرین است و در این راه از هیچ تلاش و حمایتی نیز دریغ نمی‌کند.

بیداری اسلامی در بحرین کاملاً مبتنی بر خواست و اراده مردم است که شعارهای آن‌ها مبتنی بر آزادی سیاسی، حقوق بشر، دموکراسی حقیقی، مبارزه با فساد، استقلال سیاسی، حراست از حقوق ملت و... است اما آمریکا به هیچ کدام از این شعارها توجه ندارد... این مسئله در حالی است که جمعیت وفاء اسلامی بحرین در بیانیه‌ای اعلام کرد: «حمایت از دیکتاتوری و نادیده گرفتن حقوق ملت بحرین سیاست مشترک آمریکا و نظام حاکم آل خلیفه است. ملت بحرین برای آزادی مبارزه می‌کند ولی آمریکا و آل خلیفه و همدستان انگلیس که آزادی ملت را بر نمی‌تابند، در پی سرکوب مردم آزادی‌خواه برآمده‌اند و غرب نیز چشم خود را به روی فجایع و جنایات موجود در بحرین بسته است و آن را نادیده می‌گیرد». این بیانیه با اشاره به همکاری نظام حاکم با آمریکا

۱. مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد: ۲، صفحه: ۴۵۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.

و انگلیس می‌گوید: «مزدوران نظام با کمک افسران اطلاعاتی انگلیس و آمریکا همچنان به منازل مردم حمله و حریم شخصی آن‌ها را پایمال و شهروندان را در خانه‌هایشان دستگیر می‌کنند و در هر جایی ایست بازرسی ایجاد کرده‌اند».

این شرایط در حالی است که پادشاه بحرین در جریان اعتراضات بهار عربی سال ۲۰۱۱ با کمک سربازان کشورهای همسایه و مستشاران آمریکایی نیز معترضان شیعه را به شدت سرکوب کرد و خواسته‌های دموکراتیک آن‌ها را نادیده گرفت و علاوه بر کشتار مردم، صدها تن دیگر طبق گزارش گروه‌های حقوق بشری زخمی شدند و برخی دیگر نیز بازداشت شده و در دادگاه‌های نظامی محاکمه شدند. واشنگتن منافع ژئوپلیتیکی در بحرین دارد و ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین مستقر است.^۱

حمایت آمریکا از دیکتاتوری اتیوپی و سرکوب حرکت‌های مردمی

نیک تورسن نویسنده و تحلیلگر آمریکایی اعتقاد دارد پنتاگون در اتحاد عمیقی که با رژیم‌های سرکوبگر منطقه خاورمیانه و آفریقا برقرار کرده، با تقویت پایگاه‌های نظامی خود و مسلح کردن این رژیم‌ها با ابزارهای سرکوب ماموریت خود را انجام می‌دهد. پنتاگون همچنین افرادی را برای آموزش سربازان این رژیم‌های سرکوبگر و متحد نظامی واشنگتن به این کشورها اعزام کرده که وظیفه این نیروها، آموزش روش‌های جمع‌آوری اطلاعات و سرکوب قیام‌ها به ارتش متحدان آمریکا برای سرکوب قیام‌های مردمی و خواسته‌های دموکراتیک آن‌ها است. نیروهای امنیتی آمریکایی به طور مرتب برنامه‌های آموزشی متعددی را برای نیروهای امنیتی شماری از رژیم‌هایی که مرتب در حال سرکوب اعتراضات دموکراتیک بوده‌اند، برگزار کرده است. این تنها نمونه‌ای محدود از ماموریت‌های آموزشی مخفیانه نیروهای آمریکایی است. این ماموریت‌های آموزشی در کنار تسلیحات نظامی ارسالی نقش مؤثری را برای حفظ جایگاه امنیتی و اطلاعاتی رژیم‌های سرکوبگر وابسته به آمریکا در برابر اعتراضات مردمی ایفا می‌کنند.

در اوایل دهه ۱۹۶۰ که لایه‌های ناراضی به‌ویژه دانشجویان با خواست آزادی و عدالت به میدان مبارزه آمدند، هایلر سلاسی آخرین امپراتور اتیوپی به سرکوب بی‌رحمانه اعتراضات فرمان داد. تا زمان سقوط سلاسی، تمامی قیام‌های مردمی برای استقرار دموکراسی در کشور با حمایت‌های بی‌جانیه آمریکا سرکوب شد.

آمریکا و تلاش برای انحراف انقلاب مردمی نیکاراگوئه در مسیر استقرار

دموکراسی

ریشه حاکمیت یافتن نظام دیکتاتوری خاندان سوموزا در نیکاراگوئه به غیرقابل توجه شدن حضور و مداخله نظامی آمریکا در این کشور برمی گردد. با بازگشت نیروهای آمریکایی در سال ۱۹۳۳ از این کشور و تشکیل گارد ملی نیکاراگوئه تحت رهبری آناستاسیو سوموزا، خاندان وی به عنوان حافظ منافع آمریکا به مدت ۴۵ سال در نیکاراگوئه حکومت کردند. طی این سالها با اجرای سیاستهای ایالات متحده در نیکاراگوئه و سرکوب شدید مردم توسط سوموزا، خفقان شدیدی در این کشور حاکم بود و طی این سالیان افراد بسیاری کشته شدند.

در سال ۱۹۷۸ ساندنیتها دیکتاتوری سوموزا را سرنگون کردند، واشنگتن از بیم ایجاد انقلابی مردمی و پایدار به وحشت افتاد. کارتر، مصرانه در تلاش بود تا به شکلهای اقتصادی یا سیاسی در کار انقلابیون اخلال ایجاد کند و بعد از او نیز ریگان روش خشونت برای جلوگیری از دموکراسی مردمی نیکاراگوئه را انتخاب کرد. در آن هشت سال دهشتناک مردم زیر ضرب کنترها (به نمایندگی از آمریکا) که باقیماندههای گارد ملی بدنام سوموزا و سایر حامیان دیکتاتور بودند، بدترین و مرگبارترین دوران را به خاطر دارند.

ساندینیستها پس از استراحت و فراغت بال کوتاهی با جنگ داخلی فزاینده و تضعیف کننده‌ای مواجه شدند که توسط چریک‌های کنتر، شورشیان نماینده رونالد ریگان، رئیس‌جمهور ایالات متحده، توطئه‌ریزی شده بود. ایالات متحده مخالفان را آموزش می‌داد و آنها را تامین مالی می‌کرد تا بر ضد ساندینیستها بجنگند و علاوه بر آن انتقادات گسترده‌ای در نقاط زیادی از ایالات متحده، از جمله کنگره ملی، بر ضد ساندینیستها به راه می‌انداختند.

به هر رو، آمریکا شورش مردم و قیام آنها برای نابودی رژیم فاسد را سرکوب کردند و تلاش کرد با تطمیع مخالفان حکومت، سرکوب معترضان، افزایش حمایت‌های نظامی و ...، جلوی فروپاشی نظام دیکتاتوری نیکاراگوئه را بگیرند.

تلاش برای سرکوب مخالفان رئیس‌جمهوری گینه استوایی و بی‌توجهی به

دموکراسی

تئودور اوبیانگ از ۱۹۷۹ رئیس‌جمهور گینه استوایی است و دیرپاترین خودکامه آفریقا محسوب می‌شود. در گینه استوایی هیچ‌گونه آزادی مطبوعات و هیچ حزب سیاسی وجود ندارد و گزارش‌های بسیاری نیز از شکنجه زندانیان سیاسی منتشر می‌شود. واشنگتن به دلیل دخایر نفتی گینه، از دیرباز روابط مستحکمی با اوبیانگ داشته است و تلاش دارد تا از این طریق وابستگی خود به نفت خام خاورمیانه را کاهش دهد. شرکت‌های نفتی آمریکا یکی از بزرگترین سرمایه‌گذاران گینه استوایی هستند و در اکتشاف و بهره‌برداری نفت و گاز آنجا نقش کلیدی ایفا می‌کنند.

با توجه به اتحاد استراتژیک و موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور، آمریکا از هرگونه قیام مردمی برای برچیده شدن حکومت استبدادی جلوگیری نمود و حتی به استقرار رژیم دیکتاتوری کمک شایان مستشاری و نظامی کرد و اعتراضات مردمی برای رهایی از خشونت و تحقق دموکراسی را سرکوب می‌نمود و با وجود افزایش فشارهای سیاسی علیه جریان عمومی مردم برای کسب استقلال، آزادی و دموکراسی، هیچ یک از رسانه‌های آمریکایی به آن اشاره‌ای نداشتند بلکه هم سوء با دولتمردان آمریکایی، از تئودور اوبیانگ در برابر خواسته‌های حقوق بشری مردم حمایت کردند و با این کار خود، نه تنها از ایده دموکراسی حمایت نکردند بلکه نشان دادند دموکراسی و ترویج آن در جامعه جهانی یک ابزار سیاسی برای تحصیل منافع حیاتی آمریکا می‌باشد.

خیزش‌های مردمی مصر و ممانعت آمریکا از تحقق آرمان‌های ملی

پس از سقوط بن‌علی در تونس، توجه جهانیان به اعتراض‌های مردمی مصر جلب شد. تظاهرات گروه‌های مخالف و غیرنظامی از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ شروع شد و بالغ بر ۲۰ هزار مشارکت‌کننده داشت. ناآرامی‌های مصر از شهرهای بزرگ مانند قاهره و اسکندریه آغاز شد و به سراسر کشور انتقال یافت. پس از چهار روز از آغاز تظاهرات، حسنی مبارک، دولت جدیدی را پیشنهاد داد و اصلاحاتی را مطرح نمود اما حاضر به کناره‌گیری از قدرت نشد.

البته، مخالفان اصلی، خواستار استعفای مبارک و روی کار آمدن دولت مردمی بودند و اعتراضات مردم با اشغال میدان التحرير قاهره ادامه یافت. سرانجام، حسنی مبارک در

روز دهم فوریه و در سخنرانی پایانی خود اعلام کرد که از مقام خود کناره‌گیری می‌کند و در همان روز، شورای عالی نظامی نخستین بیانیه خود را مبنی بر «تصدیق خواسته‌های مشروع مردم» منتشر کرد.

سرنگونی حکومت ۳۰ ساله حسنی مبارک که مهم‌ترین متحد آمریکا و اسرائیل در منطقه بوده است به عنوان نماد تحول در خاورمیانه مطرح می‌گردد اما آمریکا با حفظ ساختار پیشین حکومت مصر و تلفیق عناصر و مؤلفه‌های نظام پیشین با نیروهای جدید، به دنبال تأمین منافع خود در این منطقه بوده است و شواهدی که نشان می‌دهد آمریکا تلاش داشت روند انقلاب مردم مصر را در مسیر مورد دلخواه خود هدایت کند به قرار زیر است؛ نخست آن که دولت آمریکا با تشویق حسنی مبارک به انجام اصلاحات موردنظر معترضین و پرهیز از به‌کارگیری روش‌های خشونت‌آمیز در برخورد با تظاهرکنندگان، تلاش نمود تا در گام نخست، سرعت تحولات را کاهش داده و موج خشم و اعتراض انقلابیون را تا حدودی مهار نماید. دوم آن که با از دست رفتن امیدهای آمریکا مبنی بر ابقا و تداوم حکومت حسنی مبارک، این کشور تلاش نمود تا زمینه انتقال قدرت به شورای عالی نظامی مصر، به ریاست سرلشکر محمدحسین طنطاوی را فراهم کند.

تلاش آمریکا برای دگردسی در اهداف انقلابی مردم یمن

در روزهای پایانی ژانویه ۲۰۱۱، قیام مردم یمن علیه حکومت علی عبدالله صالح آغاز شد و مخالفین، خواستار کناره‌گیری وی از قدرت شدند. عبدالله صالح در واکنش به تظاهرات گسترده مردم در صنعا (پایتخت یمن)، قول داد که شرایط را برای مشارکت سیاسی مردم یمن بهبود بخشد و اصلاحاتی در قانون اساسی انجام دهد؛ اما با استمرار جریان اعتراض‌ها، عبدالله صالح توافق‌نامه انتقال قدرت را در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۱ امضاء نموده و از قدرت کناره‌گیری کرد. به نظر می‌رسد که آمریکا، پس از قطع امید از انجام اصلاحات مورد نظر توسط صالح، به طور مخفیانه سیاست خود را در قبال یمن تغییر داد و با کمک عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس، زمینه انتقال قدرت از دیکتاتور یمن به عبدربه منصور الهادی را فراهم کرد. در واقع، منصور ال‌هادی، معاون عبدالله صالح بود که بعد از وی، ریاست دولت انتقالی یمن را موقتاً بر عهده گرفت و در ۲۵ فوریه ۲۰۱۲، با برگزاری انتخابات، رئیس‌جمهور این کشور شد. با توجه به شواهد موجود، حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا و متحدانش در بحران یمن

موجب شد تا تحولات این کشور به مسیری هدایت شود که خواسته اصلی توده‌های مردم که همان تغییرات مطلوب در شرایط سیاسی و اجتماعی بود، تحقق نیابد.^۱

جنایات آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر

تا به امروز اختلاف نظرات در رابطه با مسببین حادثه ۱۱ سپتامبر به عنوان یکی از بحث‌انگیزترین حادثه‌های قرن بیست و یکم در جریان بوده است. دولت آمریکا در تبیین‌های اولیه از این واقعه، این حملات را طرح تروریست‌ها برای مخدوش کردن امنیت ملی آمریکا جلوه داد و با این توجیه بستر جنگ با افغانستان و عراق را فراهم آورد؛ اما بررسی‌های مستقل روایت دیگری از حادثه دارد. کتاب‌های «دروغ بزرگ»، تألیف «تری میسان» و «سیا و یازده سپتامبر» به قلم «آندراس فون بولو»، که هر دو در سال ۲۰۰۳ چاپ شدند را شاید بتوان اولین گام‌ها در مخالفت با گزارش‌های رسمی آمریکا در این موضوع دانست. پس‌از آن، محققانی دیگر، تبیین‌های رسمی دولت آمریکا را از زاویه‌های دید متفاوت به چالش گرفته و بر آن‌ها خط بطلان کشیده‌اند؛ با آنکه این اندیشمندان از لحاظ نگاه‌های تخصصی به شدت با یکدیگر متفاوت بوده و تخصص‌هایی از علوم و جغرافیای سیاسی تا علوم فیزیک و مهندسی و حتی فیلمبرداری داشته‌اند، همگی آن‌ها در یک نتیجه به اتفاق نظر رسیده‌اند: دولت آمریکا در گزارش شرح واقعه صادق نبوده است.

با رد اظهارات مقامات رسمی آمریکا که پوچی آن دیگر آشکار شده است، تنها دو سازمان در تمام این سیاره وجود دارند که تخصص، ابزار و همین‌طور حفاظت‌های سیاسی لازم را برای اجرای ۱۱ سپتامبر و همچنین پوشاندن حقایق آن دارند. این دو سازمان سرویس‌های اطلاعاتی سیا و موساد هستند؛ اما تنها موساد انگیزه و دلایل موجه و کافی برای این اقدام را بنابر دستورالعمل‌های نئوکان‌ها داشته است، زیرا نیازی ضروری وجود داشته است تا اتفاقی نظیر حادثه پرل هاربور با هدف برانگیختن اذهان و آرای مردم آمریکا و همسو سازی آن‌ها با جنگ از پیش برنامه‌ریزی شده که هدف نهایی آن نابودی دشمنان اسرائیل بوده است، مجدداً اتفاق بیفتد.

۱. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی. <https://irdc.ir/fa/news/8165> تاریخ انتشار: ۱۴:۴۷ - ۰۱ اردیبهشت

یکی از تبعات اولیه حملات یازده سپتامبر حمله به افغانستان بود، اقدامی که اولین گام در جهت اهداف نوین آمریکا محسوب می‌شد و با تبلیغات گسترده رسانه‌ای بسترهای آن آماده شده بود. لذا آمریکایی‌ها با دست‌آویزی به نام ۱۱ سپتامبر شرایط محیطی هدف بزرگتر خود یعنی نظم نوین جهانی و ایجاد خاورمیانه مطلوب را فراهم ساختند. در این پروسه اولین گام افغانستان بود، در عین اینکه در روش‌های آن‌ها از لفاظی‌های دوران قبل خبری نبود و جنگ افروزی به سیاست رسمی آن‌ها تبدیل شده بود.

قبل از یازده سپتامبر، دولت آمریکا به موجب قوانین بین‌المللی نمی‌توانست به این دلیل که ممکن است در آینده از سوی کشوری مورد حمله قرار بگیرد بر علیه آن‌ها اقدام نظامی کند، اما بوش معتقد بود، نباید منتظر شد تا دشمن علیه آمریکا عملیات تروریستی انجام دهد؛ نیروهای نظامی آمریکا حق دارد تا علیه کشورهایی که ممکن است سلاح‌های کشتار جمعی جهت انجام عملیات تروریستی علیه آمریکا استفاده کند، بسیج شود و آن‌ها را شکست دهد.

این قاعده در جنگ با عراق نمود پیدا کرد و ایالات متحده تنها با این بهانه که عراق به طور بالقوه برای آمریکا خطرناک است و می‌تواند در آینده برای این کشور تهدیداتی را خلق کند، به این کشور حمله کرد و آنجا را به اشغال درآورد. بدین معنا که آمریکا جنگ علیه عراق را با توجه به متغیرها و ویژگی‌های جدید سیاست خارجی خود یعنی جنگ پیش‌گیرانه آغاز نمود. علاوه بر این با حادثه ۱۱ سپتامبر آمریکا سعی دارد و با خلق و ایجاد دشمن جدیدی به نام تروریسم، زمینه برای بهره‌برداری آمریکا از این دشمن، برای حل مشکلات خود در نظام بین‌الملل فراهم آمد. اگر در دوران جنگ سرد، شوروی و اقمار آن، به عنوان دشمن، بودند، این بار خاور میانه و تروریست‌های خود پروده آمریکا این نقش را ایفا می‌کنند.

لشکرکشی آمریکا به منطقه خاورمیانه و تلاش برای گسترش جنگ خاورمیانه

بوش در سخنرانی سالانه اش در کنگره به تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ از «محور شرارت» سخن گفت و اضافه کرد که «من منتظر وقوع وقایع نخواهم ماند. من در شرایطی که خطر لحظه به لحظه نزدیک می‌شود، به نظاره نخواهم ایستاد. آمریکا اجازه نخواهد داد تا خطرناکترین رژیم‌ها با مخرب‌ترین سلاح‌ها جهان ما را تهدید کنند.» این عبارات حتی می‌توانست به آن معنی باشد که آمریکا قبل از این که یک دولت متخاصم قادر به

دستیابی به سلاح ممنوعه باشد، علیه آن دولت دست به اقدام خواهد زد. این راهبرد جدید در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲ در سندی موسوم به «راهبرد امنیت ملی آمریکا» توسط دولت بوش انتشار یافت.

اما زمانی که سلاح‌های کشتار جمعی مورد ادعای ایالات متحده که تصور می‌شد صدام پنهان کرده است، پیدا نشد و واقع معلوم شد که چنین سلاحی وجود نداشته است، دولت بوش به لفاظی درباب توسعه دموکراسی به عنوان دلیل جنگ با رژیم صدام متوسل شد.

بوش در سخنرانی نوامبر سال ۲۰۰۳ لندن با اشاره به اصول ویدرو ویلسون گفت: ایده آلیسم ویلسون، راهنمای دو کشور بریتانیا و آمریکا در عراق است تا ماموریت مشترک خود در جنگ عراق را پیش ببرند. او مدعی بود که کشورهای خاورمیانه در حال حاضر دموکراتیک نیستند و تمایلی هم به این پروسه ندارند ... حال ما در تعقیب مسیر متفاوتی در راستای استراتژی آزادی برای خاورمیانه هستیم. ما به صورت مستمری دشمنان اصلاحات را به چالش خواهیم کشید و با متحدان و حامیان حملات تروریستی مقابله خواهیم کرد. ما انتظار استانداردهای بالایی از دوستانمان در منطقه داریم و به مسئولیت‌هایمان در افغانستان و عراق عمل خواهیم کرد و کارهای خود را در رابطه با دموکراسی به اتمام خواهیم رساند.

زمانی که بوش در لندن درخصوص دوره جدید پیش‌روی ایالات متحده صحبت می‌کرد، نزدیک به شش ماه از "بیم و هراس" آغاز حمله ارتش آمریکا به عراق، گذشته بود، این در حالی بود که اولین سئوالات در رابطه با علل شروع جنگ آن‌هم به خاطر سلاح‌های کشتار جمعی که ادعا می‌شد صدام حسین آن‌را مخفی کرده ولی هیچ وقت کشف نشد بالا گرفت.

اما در عراق، بعد از اینکه هیچ‌گونه سند و مدرکی دال بر وجود و تولید سلاح‌های هسته‌ای در عراق به دست نیامد، با تداوم اشغال و اقدامات تروریستی این کشور دچار ناامنی و بی‌ثباتی شد و پایه‌های وضعیت فعلی این کشور نهاده شد؛ اما دشمنی آمریکا با عراق و مردم عراق زمانی شدیدتر شد که سیاست‌های جایگزین در عراق و تلاش برای روی کار آمدن حکومتی منطبق بر الگوهای آمریکایی در این کشور بعد از انتخابات عراق و پیروزی چشمگیر شیعیان، با چالش اساسی روبرو شد. طوری که امروز عراق در جنگال تروریست‌ها و سیاست‌های آمریکا وضعیت روشنی ندارد و مقامات ایالات متحده

بعد از یازده سپتامبر این طور تبلیغ می‌کردند که این کشور در حال حاضر درگیر جنگ جهانی چهارم است.

ادامه بهره‌برداری از سیاست تروریست پروری

رویه آمریکا در بهره‌برداری از تروریسم، با اشکالی بسیار پیچیده‌تر بعد از ۱۱ سپتامبر ادامه دارد. چراکه تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا و غرب امروز ترور و ناامنی به پدیده مسلط در منطقه غرب آسیا تبدیل شده و تروریست‌ها و اقدامات تروریستی آن‌ها به ابزار سیاست‌های غرب بدل شده‌اند. چشم‌انداز صلح و ثبات این منطقه بیش از هر زمان دیگری تیره شده و خطر تجزیه، بسیاری از کشورهای منطقه را تهدید می‌کند.

شکل‌دهی به گروه تروریستی القاعده برای مقابله با ارتش سرخ شوروی در جنگ افغانستان، به‌عنوان نقطه آغازین تروریست پروری برای بازی‌های استعماری استمرار داشته و امروز به ناامنی و بی‌ثباتی کل منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) انجامیده است. ثبات و امنیت کشورهای عراق و سوریه از دست‌رفته و چشم‌انداز روشنی برای تمامیت این کشورها قابل تصور نیست. موج ترور و وحشت بسیاری از کشورهای منطقه را فراگرفته است. ترورهای سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده‌ای از کویت و عربستان و لیبی و تونس فراتر رفته و در برخی کشورهای اروپایی نیز گزارش شده است.

اما همه این مصائب، و رای موجودیت گروه تروریستی داعش، ریشه در سیاست تروریست پروری کشورهای غربی، طلایه‌داران و قهرمانان فعلی مبارزه با داعش دارد، درحالی‌که استراتژی تروریست پروری و تبلیغ مبارزه قهرمان گونه با تروریست‌ها از جانب غرب، در چهارچوب سیاست کلی "ویران کردن و دوباره ساختن" خاورمیانه قرار گرفته و این سیاست، به سیاست مسلط غرب در منطقه بدل شده است.

شکی وجود ندارد که در رابطه با گروه‌های تروریستی و نسخه امروزی آن داعش برنامه‌ریزی فوق‌العاده‌ای صورت گرفته و امروز خاورمیانه و بسیاری از کشورهای مسلمان اسیر سیاست غربی‌ها شده‌اند. این سیستم طوری طراحی شده که کشورهای غربی در مقام قهرمان مبارزه با افراط و ترور در منطقه معرفی شده‌اند؛ اما اهداف و منافع آن‌ها در همین ناامنی و ترور قرار دارد؛ اما کشورهای غربی از جمله آمریکا که خود از عوامل ایجاد گروه تروریستی داعش به حساب می‌آیند به یقین تحت تأثیر بازگشت تروریست‌های سفرکرده به سوریه و عراق و سایر کشورهای اسلامی قرار خواهد گرفت. این مسئله

هم‌اکنون نیز خود را نشان داده است و بروز حملات تروریستی در برخی از کشورهای اروپایی نشان می‌دهد این مرحله آغاز شده است.

جنایات جنگی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم^۱

گزارش به بررسی تعدادی از جنایات جنگی انجام‌شده توسط آمریکا پس از سال ۱۹۴۵ که تاکنون در موضوع جنایت از آن‌ها تحقیق نشده، پرداخته است.

- آمریکا کشوری است که در تاریخ خود تاکنون جنایات جنگی بسیار زیادی را در نقاط مختلف جهان مرتکب شده است.

به گزارش «اسپوتنیک»، در ادامه تعدادی از جنایات جنگی انجام‌شده توسط آمریکا پس از سال ۱۹۴۵ آورده شده که تاکنون در موضوع جنایت از آن‌ها تحقیق نشده است.

قتل عام «نوگان ری» در جولای ۱۹۵۰

در اوایل جنگ کره، سربازان آمریکایی از هنگ هفتم سواره‌نظام به گروه بزرگی از پناهندگان کره جنوبی در یک پل راه‌آهن در نزدیکی روستای «نوگان ری» حمله کردند.

براساس گزارش بنیاد صلح نوگان ری، بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر کشته شدند که بیشتر آن‌ها زنان و کودکان بودند.

این کشتار تا سال ۱۹۹۹ سرپوش گذاشته شد تا زمانی که یک گزارش آسوشیتدپرس آن را به جهانیان فاش کرد.

این گزارش با استناد به اسناد آمریکا و کره شمالی از قتل‌ها نشان می‌داد سربازان آمریکایی دستور شلیک به همه پناهجویان را داشتند، زیرا معتقد بودند نفوذی‌های کره شمالی ممکن است در میان آن‌ها باشند.

گروهی که در نوگان ری، قتل‌عام شدند به‌هیچ‌وجه تنها کسانی نبودند که توسط سربازان آمریکایی کشته شدند، چراکه اتهامات بیش از ۲۰۰ حادثه جداگانه با تشکیل کمیته تحقیقاتی در کره جنوبی در سال ۲۰۰۸ مطرح شد.

تحقیقات آمریکا به این منجر شد که بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا بیانیه‌ای

۱۹ فروردین ۱۴۰۱-۰۱:۱۵:۰۵/کد خبر: ۸۰۶۵۸۱/دسته‌بندی: بین‌الملل-جهان، آمریکا و

صادر کرده و از این حادثه ابراز تأسف کند، اما واشنگتن عذرخواهی صریح یا امکان پرداخت غرامت برای بازماندگان را رد کرد. بازرسان کره جنوبی تحقیقات آمریکا را نوعی اقدام عامدانه برای پاک کردن ردشان از جنایت خواندند.

عملیات اسپیدی اکسپرس، دسامبر ۱۹۶۸ تا می ۱۹۶۹

لشکر ۹ پیاده نظام ارتش آمریکا مسئول آرام کردن بخش بزرگی از دلتای رودخانه مکونگ به منظور کاهش عملیات جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام در نزدیکی پایتخت ویتنام جنوبی، یعنی سایگون (امروزه شهر هوشی مین) بود. در طول این عملیات شش ماهه، نیروهای آمریکایی قتل‌عام‌های بی‌رویه روستاهای ویتنامی را انجام دادند و از حملات هوایی و حملات شبانه برای کشتن هر چه بیشتر مردم استفاده کردند.

براساس گزارش‌ها، به فرماندهان میدانی دستور داده شده بود تا زمانی که تعداد قابل قبولی از مردم کشته نشوند، برنگردند و به اصطلاح «مناطق آتش آزاد» به کشته‌های گسترده غیرنظامیان منجر شد.

یک تحقیق داخلی توسط بازرس کل ارتش آمریکا نشان داد که این عملیات بین ۵ هزار تا ۷ هزار تلفات غیرنظامی ایجاد کرده است و ۱۰ هزار و ۸۹۹ مبارز ویتنامی نیز کشته شدند.

فرماندهان نظامی آمریکا سعی می‌کردند آمار کشته‌های غیرنظامی را کمتر از حد واقعی و مبارزان کشته شده را اغراق کنند تا بتوانند خود را تأثیرگذار نشان دهند.

بزرگراه مرگ، فوریه ۱۹۹۱

در روزهای پایانی عملیات طوفان صحرا، هواپیماهای آمریکایی بیش از ۲ هزار وسیله نقلیه را در بزرگراه ۸۰ که از شمال شهر کویت به سمت بصره در عراق امتداد دارد، منهدم کردند.

ترکیبی از غیرنظامیان فراری از جنگ و یگان‌های نظامی عراقی که از عملیات نظامی عقب‌نشینی می‌کردند طی دو روز حملات هوایی از ۲۵ تا ۲۷ فوریه بمباران شدند.

به گفته رمزی کلارک، دادستان کل سابق آمریکا، از آنجایی که سربازان فراری خارج از جنگ بودند، آن‌ها اهداف نظامی قانونی نبودند.

برآوردها از مرگ و میرها بسیار متفاوت است، از ۲۰۰ تلفات تا بیش از هزار مورد. علاوه بر این، شاهدان آمریکایی گزارش دادند که یک واحد زرهی آمریکایی به سوی یک گروه ۳۵۰ نفری از سربازان خلع سلاح عراقی که پس از فرار از قتل عام تسلیم شده بودند، تیراندازی کرد و تعداد نامعلومی از آنها کشته شدند.

بمباران پناهندگان آلبانیایی در کوریشا، می ۱۹۹۹

در ۱۴ می ۱۹۹۹، هواپیماهای آمریکایی گروهی متشکل از صدها پناهجوی آلبانیایی را در نزدیکی کوریشا در کوزوو که برای هفته‌ها در تپه‌ها پنهان شده بودند، بمباران کردند.

به گفته مقامات یوگسلاوی، ۸۷ پناهجو در این حمله کشته شدند. آمریکا ادعا کرد که یوگسلاوها از این افراد به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کردند، اما آمریکا نتوانست هیچ مدرکی برای اثبات ادعای خود ارائه کند.

نبرد دوم فلوجه، نوامبر ۲۰۰۴

تفنگداران دریایی آمریکا به همراه نیروهای عملیات ویژه، نیروی هوایی آمریکا و گردان انگلیسی "Black Watch" در نوامبر ۲۰۰۴ حمله گسترده‌ای را به شهر فلوجه عراق آغاز کردند که تقریباً کل شهر را ویران کرد.

هدف اعلام شده تضعیف اقدام عراق علیه اشغالگری آمریکا و انگلیس بود، اما استفاده سنگین از توپخانه، حملات هوایی و سلاح‌های شیمیایی مانند فسفر سفید و بمب‌های آتش‌زا و اورانیوم ضعیف شده، به مرگ گسترده غیرنظامیان منجر شد.

صلیب سرخ تخمین زد که ۸۰۰ غیرنظامی در این نبرد کشته شدند، درحالی‌که سازمان‌های غیردولتی عراق و کارکنان پزشکی تخمین زدند که بین ۴ هزار تا ۶ هزار نفر که اکثراً غیرنظامی بودند، کشته شدند.

بمباران بیمارستان قندوز، اکتبر ۲۰۱۵

در ۳ اکتبر ۲۰۱۵، یک جنگنده-AC-۱۳۰ نیروی هوایی آمریکا مرکز درمانی شهر قندوز در شمال افغانستان را دور زد و آن را با آتش توپخانه و مسلسل به مدت ۳۰ دقیقه بمباران کرد.

این بیمارستان توسط پزشکان بدون مرز اداره می‌شد که ادعاهای آمریکا مبنی بر پنهان شدن نیروهای طالبان در این مرکز را رد کرد.

۴۲ نفر در این حمله کشته شدند و ۳۳ نفر دیگر ناپدید شدند که هم کارکنان پزشکان بدون مرز و هم بیماران بودند. پنتاگون در ابتدا تلاش کرد تا این حمله را سرپوش بگذارد و ادعا کرد که ممکن است به دلیل درگیری‌های نزدیک، خسارت‌های جانبی اتفاقی رخ داده باشد. با این حال، پس از اینکه مشخص شد که این حمله مستقیماً توسط فرماندهان آمریکایی دستور داده شده است، باراک اوباما، رئیس جمهور وقت آمریکا بابت این حمله عذرخواهی کرد و به خانواده‌های قربانیان هر کدام ۶۰۰۰ دلار پرداخت کرد. سازمان پزشکان بدون مرز، آمریکا را متهم کرد که با ادعای حضور طالبان در داخل این حمله، به جنایت جنگی اعتراف کرده است.

بمباران القوات جدید، مارس ۲۰۱۷

تخمین زده می‌شود که ۴۰ هزار غیرنظامی در جریان محاصره ۹ ماهه موصل در عراق توسط نیروهای عراقی و ائتلاف ضد داعش به سرکردگی آمریکا کشته شدند که بخش عمده‌ای از آن به دلیل بمباران توپخانه‌ای بی‌امان این شهر بود. با این حال، یک حادثه خاص برجسته است: حمله هوایی آمریکا در ۱۷ مارس ۲۰۱۷، در محله القوات جدید در غرب موصل. آمریکا یک هفته پس از این حمله اعتراف کرد که محلی را که مربوط به ادعای تلفات غیرنظامیان است هدف قرار داده است. عفو بین‌الملل گزارش داد که ۱۵۰ غیرنظامی پس از اینکه مقامات آمریکایی به آن‌ها گفته بودند از شهر فرار نکنند در این حمله کشته شدند، اگرچه گزارش‌های عراقی می‌گویند بیش از ۳۰۰ نفر کشته شدند.

محاصره رقه، ژوئن تا اکتبر ۲۰۱۷

با نزدیک شدن به پایان نبرد موصل، محاصره رقه، مرکز داعش در سوریه آغاز شد. توپخانه تفنگداران دریایی آمریکا شهر را بی‌وقفه بمباران کرد و در مدت پنج ماه ۳۵ هزار گلوله شلیک کرد؛ بیش از آنچه در تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق استفاده شد. دو بار در طول بمباران، هویتزرهای ۱۵۵ میلی‌متری M ۷۷۷ آمریکا در لوله‌های توپ خود سوختند که یک اقدام سیار نادر به حساب می‌آید. همزمان، نیروهای هوایی آمریکا حدود ۲۰ هزار مهمات را در سرتاسر عراق و سوریه

پرتاب کردند که بیشتر آن‌ها نیز در رقه فرود آمد. تحقیقات عفو بین‌الملل و ایروارز نشان داد که تعداد کل غیرنظامیان کشته شده در رقه بیش از هزار و ششصد نفر بوده است.

چامسکی: اروپا در نظام تحت سلطه آمریکا افول را تجربه خواهد کرد

نظریه‌پرداز مطرح آمریکایی در چارچوب رویدادهای جاری و جنگ اوکراین به سیاست‌های نه چندان حمایتی آمریکا از اروپا پرداخته و تأکید کرد که قاره اروپا زیر سایه واشنگتن وضعیتش روز به روز بدتر می‌شود.

وضعیت ائتلاف‌ها و اتحادهای جهان در سایه جنگ‌ها و افت‌وخیزهای جهانی مخصوصاً در حوزه اقتصادی دچار تغییرات گسترده شده است؛ مثلاً همین اروپا که روزی به طور ویژه روی کمک‌های آمریکا حساب ویژه باز کرد و در دوران پس از جنگ جهانی دوم و خصوصاً پایان جنگ سرد در بست متکی به واشنگتن بود، حالا درباره رویه خود دچار یک ابهام بزرگ و تردید شده است. از اظهارات متفاوت و بعضاً نه چندان دوستانه ترامپ در بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ بگذریم، حتی الگوی رفتار دولت دموکرات تحت امر بایدن هم بر نگرانی‌های اروپایی‌ها افزوده است. در همین رابطه «نوام چامسکی» فیلسوف برجسته آمریکایی در مصاحبه‌ای با اسپوتنیک که دیروز (چهارشنبه) منتشر شد، واگرایی یا دست‌کم بدگمانی اروپا نسبت به شریک آمریکایی را بیان کرده و گفت «اروپا باید یک تصمیم بزرگ بگیرد آیا در نظام تحت سلطه آمریکا باقی مانده و احتمالاً با افول و حتی بنا به پیش‌بینی برخی، غیرصنعتی شدن مواجه خواهد شد؛ یا اینکه به نحوی مشارکت با شریک طبیعی اقتصادی خود در شرق را در پیش خواهد گرفت که هم منابع معدنی مورد نیاز اروپا را دارد و هم دروازه‌ای به سوی بازار پرسود چین است» این اندیشمند آمریکایی افزود که پس از جنگ جهانی دوم این سؤال به شیوه‌های مختلف پیش روی اروپا قرار گرفته است. چامسکی در پاسخ به این پرسش که آیا دنیا در آستانه یک نظم نوین جهانی قرار دارد و مناقشه اوکراین تسهیل‌گر تغییرات بزرگ است، اظهار کرد: بحث‌های جنجالی زیادی درباره شکل نظام جهانی در حال ظهور وجود دارد. چامسکی ادامه داد: «گزینه اول عمدتاً مورد حمایت بخش بزرگی از دنیاست. گزینه بعدی مورد حمایت کشورهای انگلیسی‌زبان، اروپا، ژاپن و برخی کشورهای دیگر است» اندیشمند آمریکایی در ادامه جنگ اوکراین را عاملی برای ادامه سیطره آمریکا بر

اروپا معرفی و اظهار داشت: «تهاجم روسیه به اوکراین خوشایندترین موهبت را برای آمریکا ایجاد کرد تا اروپا را به جبهه خود بکشد و خواسته خود برای ایجاد یک نظم تک‌قطبی مبتنی بر قانون را تقویت کند. ابهامات زیادی درباره اینکه این تنش‌ها چگونه حل می‌شود، وجود دارد.»

چین همین حالا هم یک رهبر جهانی است
 نوام چامسکی در ادامه گفت‌وگوی خود گفت که چین به یک رهبر جهانی بدل شده و ورودش به بازار تسلیحاتی خاورمیانه نشان از فرسایش نظامی دارد که آمریکا در ۸۰ سال گذشته در این منطقه برقرار کرده بود. او در پاسخ به این پرسش که آیا چین روزی به یک رهبر جهانی بدل خواهد شد، گفت: همین حالا هم شده است. چامسکی با بیان اینکه طرح سازمان‌همکاری شانگهای به سرتاسر اوراسیا و حتی ورای آن کشیده شده، گفت: در ماه‌های گذشته عربستان به این سازمان پیوست و امارات هم چنین کرد. امارات پیش از آن هم به قطب راه ابریشم آسی چین تبدیل شده بود که از کلکته در شرق هند به دریای سرخ و اروپا کشیده شده است.

افول غیر قابل انکار آمریکا

همزمان با اظهارات چامسکی درباره افول همزمان آمریکا و اروپا «ران دی‌سانتیس» فرماندار ایالت فلوریدا نیز اعلام کرد که افول آمریکا غیر قابل انکار است. وی ضمن انتقاد از دونالد ترامپ و جو بایدن، وعده داد که اگر در سال ۲۰۲۴ رئیس‌جمهور آمریکا شود، چپ‌گرایی را از بین خواهد برد و مسیری را انتخاب خواهد کرد که به «احیای عظمت آمریکا» منجر شود.

به گزارش ایسنا، «ران دی‌سانتیس» فرماندار ایالت فلوریدا که اخیراً نامزدی خود را در رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۴ رسماً اعلام کرد، طی مصاحبه‌ای با برنامه «فاکس آند فرنندز» تلویزیون فاکس عنوان داشت: «من چپ‌گرایی را در این کشور شکست خواهیم داد و ایدئولوژی مربوط به مسائل نژادی را به سطل زباله تاریخ خواهیم انداخت.» او ادعا کرد که نه تنها جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا را شکست خواهد داد بلکه قادر خواهد بود برای دو دوره متوالی رئیس‌جمهور آمریکا باشد. این فرماندار فلوریدا روز سه‌شنبه اولین کارزار انتخاباتی خود را در ایالت آیووا آغاز کرد و گفت: این برای من عالی است که اعلام کنم بازگشت آمریکای خوب ما با فرستادن جو

بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا به خانه‌اش در ایالت دلاور شروع می‌شود. وی با اشاره به رفت‌وآمدهای غیرقانونی در مرز جنوب آمریکا تأکید کرد: «ایالات متحده در مسیر غلطی حرکت می‌کند. افول آمریکا غیرقابل انکار است. این یک انتخاب است و ما باید مسیر تازه‌ای را برای کشورمان انتخاب کنیم. ما باید مسیری را انتخاب کنیم که به احیای عظمت آمریکا منجر خواهد شد.»^۱

جنایت‌های جنگی آمریکا/از کشتار ۴,۲ میلیون نفر در ویتنام تا ۷۱ هزار نفر در افغانستان^۲

ارتش آمریکا در سالیان متمادی جنایت‌های بی‌شماری را در بسیاری از کشورها در سراسر جهان مرتکب شده است، به گزارش «آنا تولی»، تاریخ آمریکا مملو از کشتارهای جمعی و نسل‌کشی در نقاط مختلف جهان است. برخی از اقدامات جنایتکارانه آمریکا علیه کشورهای جهان به شرح زیر است:

بمب اتمی و کودتای جنگ سرد

آمریکا به همراه متحدان خود در انگلیس و فرانسه، در جنگ جهانی دوم با شوروی سابق در برابر آلمان پیروز شدند اما این پایان جنگ بود که قتل عام آمریکا علیه ژاپن در اقیانوس آرام و استفاده از بمب اتمی را رقم زد. تلفات ژاپنی‌ها در نبرد «اوکیناوا»، بزرگ‌ترین و خونین‌ترین نبرد جنگ جهانی دوم، حدود ۱۱۰ هزار نفر بود.

براساس گزارش «ائتلاف جهانی جامعه مدنی»، کمپینی بین‌المللی برای نابودی سلاح‌های هسته‌ای، آمریکا برای پایان دادن به همه چیز، در سال ۱۹۴۵ دو بمب اتمی بر روی ژاپن شلیک کرد که در «هیروشیما» ۱۴۰ هزار نفر و در «ناکازاکی» ۷۴ هزار نفر کشته شدند.

آمریکا سپس دامنه خود را به آمریکای جنوبی، خاورمیانه، اروپای غربی و آسیای دور گسترش داد.

اولین جنگ نیابتی در دوران جنگ سرد در کره از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ رخ داد که بیش

۱. کیهان کد خبر: ۲۶۶۲۰۴ تاریخ انتشار: ۱۰ خرداد ۱۴۰۲ - ۲۱:۴۱

۲. کد خبر: ۴۲۷۱۴۳۰/دسته بندی: حقوق بشر، عمومی/۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۰۹:۲۸:۲۰

از ۹۳۰ هزار کره‌ای و نیروهای چینی کشته شدند. در بخش غیرنظامی، بیش از یک میلیون و ۵۵۰ هزار نفر از کره شمالی جان خود را از دست دادند، در حالی که ۹۹۰ هزار نفر از کره جنوبی کشته شدند و تعداد کشته‌ها به نزدیک به ۳,۵ میلیون نفر رسید.

آمریکا در طول جنگ سرد با کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی به عنوان حیاط خلوت خود رفتار می‌کرد.

کودتای «گواتمالا» در سال ۱۹۵۴، «جاکوبو آربنز»، رئیس‌جمهور منتخب گواتمالا را با حمایت آمریکا برکنار کرد و «کارلوس کاستیلو آرماس» را بر سر کار آورد. گواتمالا در سه دهه بعد درگیر جنگ داخلی شد و ۲۰۰ هزار نفر کشته شدند

کودتای ۱۹۷۳ شیلی که دولت اتحاد مردمی «سالوادور آلنده» را سرنگون کرد، «آگوستو پینوشه» را با حمایت آمریکا به قدرت رساند.

یک گزارش «حقیقت و آشتی» در سال ۱۹۹۱ نشان داد که بیش از دو هزار نفر کشته شدند.

آمریکا بیش از ۱۲۰ میلیون دلار تجهیزات نظامی تنها در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به عنوان بخشی از عملیات «کندور» به آرژانتین فروخت که باعث تلفات دستکم ۶۰ هزار نفر شد.

جنگ ویتنام

مسلمانا مرگبارترین جنگ در تاریخ آمریکا در ویتنام رخ داد اما درگیری دو دهه طول کشید که به «کامبوج» و «لائوس» نیز سرایت کرد.

تعداد غیرنظامیان ویتنامی بیش از دو میلیون کشته برآورد می‌شود و ۱,۸ میلیون نفر دیگر در جریان جنگ کشته شدند.

حدود ۱۸,۲ میلیون گالن عامل سمی «نارنجی» از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۱ از هواپیماهای جنگنده آمریکایی شلیک شد.

دولت ویتنام اعلام کرد که ۴۰۰ هزار نفر در اثر این مواد شیمیایی کشته شده‌اند و ۵۰۰ هزار کودک با معلولیت مادرزادی متولد شدند.

در حالی که جنگ داخلی کامبوج باعث کشته شدن ۳۰۰ هزار نفر شد، جنگ داخلی لائوس باعث کشته شدن بیش از ۶۰ هزار نفر شد؛ این باعث شد که تلفات این قتل عام

به تقریباً ۴,۲ میلیون نفر برسد.^۱

عراق، افغانستان

پس از آسیا، آمریکا از دهه ۱۹۹۰ با جنگ خلیج فارس توجه خود را به خاورمیانه معطوف کرد؛ حضور واشنگتن در منطقه پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر تشدید شد و کل چشم انداز خاورمیانه را تغییر داد.

جنگ خلیج فارس باعث مرگ حدود پنج هزار غیرنظامی شد، اما این جنگ‌های بعدی بود که تلفات را به طور تصاعدی افزایش داد.

برآورد می‌شود که از آغاز حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، از طریق شورش و جنگ داخلی، بیش از یک میلیون نفر کشته شدند.

از سال ۲۰۰۱ تاکنون حدود ۲۴۰ هزار نفر در مناطق جنگی آمریکا در افغانستان و پاکستان کشته شده‌اند.

دانشگاه «براون»، می‌گوید تا آوریل ۲۰۲۱، بیش از ۷۱ هزار غیرنظامی افغانستانی و پاکستانی در نتیجه مستقیم جنگ جان خود را از دست داده‌اند.^۲

عمق کینه آمریکا از امام خمینی ره به روایت ادواردو آنیلی

ادواردو (مهدی) آنیلی فرزند جیووانی آنیلی، یکی از سرمایه‌داران ایتالیایی بود که طی تحولی معنوی، به دین اسلام و مکتب تشیع نائل شد. او علاقه فراوانی به ایران و اسلام داشت و در فرصت‌های مختلف می‌کوشید از انقلاب دفاع کند.

ادواردو نه تنها یک مسلمان شیعه و معتقد، بلکه هواخواه جدی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و رهبر کبیر آن امام خمینی (ره) بود.

در دوران جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، هنگامی که دولت عراق با حمایت همه‌جانبه کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده آمریکا از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران و حتی مردمان بی‌گناه و غیر نظامی عراق استفاده کرد آنیلی به ملاقات یکی از مقامات عالی‌رتبه کاخ سفید رفت و نسبت به تصمیمات و اقدامات دولت آمریکا اعتراض

۱. آمبروز، استفن، روند سلطه‌گری، مترجم: احمد تابنده، ج ۳، ص ۲۸۶، شرکت چاپ بخش سهامی خاص، تهران، ۱۳۹۳ هـ.ش

۲. رازانی، احسان، آمریکا در جهان، ج ۱، ص ۲۱۳، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، تهران، ۱۳۸۳ هـ.ش

کرد و با برشمردن جنایات صدام، علت دشمنی آمریکا با ایران و حمایت از عراق در جنگ را جویا شد.

آن مقام آمریکایی به دیوار رو به رویش اشاره کرد. مهدی می گفت: «دیدم عکس امام خمینی را روی دیوار به صورت سیبل که برای نشانه روی است، نصب کرده و آن را مورد هدف قرار می دهد. آن مقام کاخ سفید گفته بود: تا این مرد (امام خمینی) را از میان برنداریم، آرام نمی نشینیم.» و این عمق کینه سران آمریکا نسبت به امام خمینی را نشان می داد.^۱

جنایت‌های انگلستان در طول تاریخ^۲

۱- جنایت انگلیس در افغانستان

جنگ اول افغانستان و انگلیس (۱۸۳۹ - ۱۸۴۲) در بخش جنوبی دره هلمند روی داد. این جنگ، یکی از اولین لشکرکشی‌های بزرگ قرن نوزدهم در جریان رقابت‌ها بر سر تصاحب قدرت و نفوذ در منطقه آسیای مرکزی بود که با عنوان بازی بزرگ امپراتوری بریتانیا شناخته می شود. در این جنگ تعداد زیادی از مردم حوالی هلمند به قتل رسیدند و ترس و وحشت در افغانستان به وجود آمد. در عین حال، آبادانی و توسعه افغانستان متوقف شد و قتل و غارت در این کشور فزونی یافت و تعدادی از غیرنظامیان در این لشکرکشی کشته شدند.

۲- اشغال هند و قحطی‌های کشنده

طی اشغال هند توسط نیروهای بریتانیا، براساس منابع مختلف تاریخی، در دهه ۱۷۷۰ میلادی بیش از ۱۰ میلیون هندی تنها در ایالت بنگال این کشور، بر اثر قحطی و گرسنگی، بیماری، بدرفتاری و شکنجه به دست نظامیان انگلیس و یا بر اثر فشار کار اجباری جان خود را از دست دادند. از سال ۱۹۴۲ نیز قحطی دیگری به دلیل تصمیم استعماری دولت بریتانیا و شخص چرچیل در هندوستان به وقوع پیوست که در حدود

۱. (منبع: کتاب "هدیه مسیح")

۲. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی. <https://irdc.ir/fa/news/8165> تاریخ انتشار: ۱۴:۴۷ - ۰۱ اردیبهشت

۵ میلیون هندی دیگر را به کام مرگ کشاند. طی سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ بین ۳/۵ تا ۵ میلیون هندی بر اثر قحطی جان باختند. به دستور چرچیل در این سال‌ها، تمامی کشتی‌هایی که برای انتقال مواد غذایی به هند مورد استفاده قرار می‌گرفت، به انتقال تجهیزات و آذوقه برای نیروهای نظامی انگلستان در شمال آفریقا به کار گرفته شدند و بدین ترتیب قحطی بزرگی این بار نیز در ایالت بنگال هند جان میلیون‌ها هندی را گرفت.

کشتار آمریت سر در پنجاب هندوستان به تاریخ ۱۹۱۹ یکی دیگر از فجایع جنگی انگلیس در هندوستان است. در طی این کشتار، معترضین به شکل مسالمت‌آمیز در مکانی جمع شدند تا به حکومت‌داری امپراتوری بریتانیا و شرایط اقتصادی اعتراض کنند. نیروهای انگلیسی به‌جای شنیدن صدای معترضین تمام خروجی‌ها را بستند و همه را به رگبار بستند. در عرض ۱۰ دقیقه حدود ۱۰۰۰ نفر کشته و همین میزان به‌شدت زخمی شدند. پارلمان انگلستان سرتیپ ریچینالد دایر فرمانده نیروها که دستور شلیک را صادر کرده بود را احضار کرد ولی به وی مدال شجاعت داد و با پاداشی ۹۰۰ هزار دلاری وی را ناجی هندوستان نامید.

۳- جنگ بوئر در آفریقای جنوبی

انگلستان در طول جنگ‌های بوئر (۱۹۰۰ تا ۱۹۰۲) چندین هزار انسان بی‌گناه را فقط برای جلوگیری از خطرات احتمالی شورش داخلی، در اردوگاه‌های کار اجباری زندانی کرد. در عرض یک سال ۱۰ درصد از مردم بوئر در مریضی و گرسنگی این اردوگاه‌ها مردند تا دولت بریتانیا به اهداف استعماری و اقتصادی خود در آفریقا برسد. سیاست‌های انگلیس برای کنترل مردم آفریقای جنوبی حدود ۴۸ هزار کشته غیرنظامی، شامل زنان و کودکان برجای گذاشت. این آمار جدای از ۳۰ هزار کشته‌شده جنگ بوئر است.

۴- نسل‌کشی ایرانیان در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹

در طول تاریخ، انگلیس جنایات متعددی را در ایران مرتکب شده است. یکی از آن جنایات کشتار تقریباً ۴۰٪ از جمعیت ایران در طول سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ میلادی بوده است. به دیگر سخن انگلیس تقریباً ۹ تا ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ایران را در طول این سال‌ها قتل عام کرد.

در آن دوران انگلیس نه تنها از پرداخت پول درآمدهای نفتی ایران امتناع می‌کرد بلکه غلات ایران را غارت کرده و نیز اجازه نمی‌داد تا غلات و مواد غذایی از کشورهای دیگر، نظیر آمریکا، هند و ... وارد ایران شود و این امر باعث شده بود تا قیمت مواد خوراکی و غلات در ایران به شدت افزایش یابد و قحطی ایران را فرا بگیرد و در اثر گرسنگی و سوء تغذیه بین ۹ تا ۱۰ میلیون نفر از ایرانیان طی دو سال جان خود را از دست بدهند. براساس اسناد وزارت امور خارجه آمریکا، جمعیت ایران در سال ۱۹۱۴ میلادی ۲۰ میلیون نفر بوده است. این جمعیت در ۵ سال بعد، یعنی در سال ۱۹۱۹ به ۱۱ میلیون نفر تقلیل یافته است و علت آن سیاست نسل‌کشی انگلیس در ایران بوده است.

۵- بمباران شیمیایی عراق توسط انگلیس

بمباران شیمیایی عراق به دستور چرچیل یکی از فجایع انسانی در طول تاریخ است. انگلیسی‌ها سلاح‌های شیمیایی خود را در عراق آزمایش کرده‌اند که مقدمات اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ را فراهم کرد.

در سال ۱۹۱۹ سرهنگ آرتور هریس ملقب به هریس بمب افکن گفت: اعراب و کردها اکنون می‌فهمند که معنی واقعی بمباران چیست زیرا ظرف ۴۵ دقیقه می‌توانیم روستاها و یک سوم ساکنان آن را نابود کنیم.

در آن زمان فرماندهی نیروی هوایی انگلیس در آسیای غربی، آزمایش سلاح شیمیایی بر اعرابی که سرسختانه مقاومت می‌کردند را تقاضا کرد. وینستون چرچیل وزیر جنگ وقت حمایت گسترده خود را از بکارگیری گازهای سمی بر ضد عشایر عراق اعلام کرد. استفاده از گازهای کشنده در سال ۱۹۲۰ نیز ادامه یافت. نیروی هوایی انگلیس بار دیگر در سال ۱۹۲۵ از این سلاح‌ها برای سرکوب اهالی سلیمانیه عراق استفاده کرد. انگلیسی‌ها پاسخ ناآرامی‌های داخل عراق را با حملات شیمیایی ارتش در جنوب و بمباران جنگنده‌های نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا در شمال و جنوب دادند. بمب‌گذاری، بمباران شبانه، بمب‌افکن‌های سنگین، بمب‌های تأخیری (که به خصوص جان کودکان را تهدید می‌کند) همه و همه در طول حملات بر روستاهای کاه‌گلی و سنگی توسط انگلیس در کشور عراق رخ داد.

نیروی هوایی سلطنتی در آغاز به منظور سرکوب شورش اعراب و کردها و محافظت از ذخایر نفتی تازه اکتشاف‌شده و محافظت از شهرک‌نشینان یهودی در فلسطین و دور

نگاه داشتن ترکیه به عراق اعزام شد. چرچیل به خصوص بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی مصر بود و می‌گفت این سلاح‌ها باید علیه "اعراب سرکش" به طور آزمایشی به کار روند. در این راستا حملات به روستاها آغاز شد.

یکی دیگر از روش‌های انگلیسی‌ها در برخورد با عراقیان به رگبار بستن اهالی قبایل در حال فرار از آلودگی شیمیایی بود. با این روش چندین هزار عراقی دیگر نیز کشته شدند.

۶- قتل عام مردم آلمان توسط انگلیس در جنگ دوم جهانی

انگلستان و فرانسه در ۳ سپتامبر ۱۹۳۹ علیه آلمان رایش اعلان جنگ دادند. دو روز بعد از این واقعه انگلستان بمباران شهرها و جمعیت غیرنظامی آلمان را آغاز کرد. در ۵ سپتامبر ۱۹۳۹ اولین حملات هوایی علیه شهرهای کوکس‌هاون و ویلهلم‌شاون انجام گرفت؛ در ۱۲ ژانویه ۱۹۴۰ شهر وسترنلند بمباران شد. در ۲۰ مارس، ۱۱۰ بمب انفجاری و آتش‌زا بر فراز شهرهای کیل و هرنوم رها شدند. در این حمله یک بیمارستان به کلی تخریب شد. در آوریل ۱۹۴۰، بمب‌افکن‌های ارتش بریتانیا حملاتی فزاینده علیه شهرهایی انجام دادند که دارای هیچ نوع تأسیسات و اهمیت نظامی نبودند. وینستون چرچیل در ۱۱ می ۱۹۴۰ و درست یک روز بعد از انتصاب به عنوان نخست‌وزیر و وزیر جنگ تصمیم گرفت دستوری مبنی بر انجام حملات هوایی وسیع علیه مردم غیرنظامی آلمان صادر کند. با این حال وی مردم انگلستان را از اتخاذ این تصمیم مطلع نکرد. قربانیان بمباران شهر درسدن، تلفات و نحوه کشته شدن قربانیان، فجیع‌تر و فراتر از یک عملیات و بمباران ساده نظامی بود. هدف نیروهای متفقین نابود کردن مردم آلمان به ترسناکترین شکل ممکن بود. وی در صبح روز بعد از بمباران به هواپیماهای سبک دستور داد که بازماندگان بمباران‌ها را در ساحل رودخانه الب به رگبار بیندند.

۷- کشتار مردم ایرلند شمالی

در شمال ایرلند شواهد معتبری در رابطه با تعداد موارد کشتار شهروندان غیرنظامی از سوی سربازان انگلیسی موجود است. بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۰ پرسنل نظامی انگلیس بیش از ۳۰۰ شهروند مرد، زن و کودک را به قتل رسانده‌اند. تمامی قربانیان غیرمسلح بودند و هیچ یک خطر جانی برای سربازان انگلیسی به شمار نمی‌رفتند. در

میان کشته‌شدگان کشتیشان کاتولیک، زنان مسن، کودکان و حتی دختران نوجوان به چشم می‌خورند. اسنادی از دولت انگلیس منتشر شده است که در سال ۱۹۷۲ به تمامی سربازان انگلیسی متهم به کشتار شهروندان غیرنظامی در شمال ایرلند بخشودگی تعلق گرفت.

۸- کشتار مردم یمن

شکنجه‌گاه‌های عدن در یمن طی سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۶ یکی دیگر از جنایت‌های انگلستان است. در دهه ۱۹۶۰ یمنی‌ها برای در دست گرفتن بندرگاه یمن دست به کار شدند. انگلیسی‌ها بهترین راه سرکوب مخالفان را در ایجاد شکنجه‌گاه‌های مخوف دیدند. نگهداری مخالفان در سلول‌های یخچالی با تن کاملاً برهنه موجب شد بسیاری از آن‌ها ذات‌الریه بگیرند و از بین بروند. سوزاندن بدن‌ها با سیگار، نشاندن زندانیان برهنه روی نیزه و تجاوز جنسی از دیگر شکنجه‌های این مراکز بود.

نتیجه‌گیری

انگلیس و آمریکا که از دیرباز دستشان به خون ملت‌های جهان آغشته بود و این مسئله با به خاک و خون کشیده‌شدن ملت‌ها توسط این دو کشور مشهود است و همیشه برای غارت کشورهای ضعیف‌تر از هیچ‌گونه تهاجمی دریغ نکردند تا جایی که قدرتش را داشتند با مداخله‌ی نظامی و تصرف آن کشور بر منافعشان سلطه می‌یافتند و انقلاب اسلامی در بین هم‌چون کشورهایی به وجود آمد و از منافع دینی و ملی کشور به‌تمامه دفاع کرد و مظلومان عالم را نوید پیروزی داد، البته به شرطی که از گذشته عبرت بگیرند و در دام این مارهای خوش‌خط‌وخال گرفتار نشوند، تاریخ گواهی مدعای ماست که این دو کشور هیچ‌گاه قابل‌اعتماد نیستند، مثال بارزش در جهان کنونی باتلاق اوکراین است، چراکه به این کشور تضمین حمایت دادند اما درنهایت برای نجاتش قدمی برنمی‌دارند، اگر هم سلاح جنگی می‌دهند چون یکی از پایه‌های اقتصاد این کشورها فروش ادوات نظامی است، امیدوارم با خواندن این گفتار تا حدودی باطن پلید این کشورها روشن شود و همیشه برای جهاد تبیین بر این موضوع در خط مقدم حضور یابیم.

منابع و مآخذ

- ۱- کمره‌ای، محمد، روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای، جلد ۷، اساطیر، تهران - ایران، ۱۳۸۴ ه.ش.
- ۲- مدنی، سید جلال‌الدین؛ تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، چاپ اول جلد سوم، پایدار، تهران، ۱۳۷۶ ه.ش
- ۳- فوران، جان؛ مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، چاپ پنجم، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۳ ه.ش
- ۴- انصاری، عبدالحسین مسعود، مروری بر پنجاه سال تاریخ؛ خاطرات سیاسی و اجتماعی، تهذیب و تلخیص از باقر عاقلی، چاپ اول، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۴ ه.ش
- ۵- کیانی هفت لنگ، کیانوش، «حکومت پهلوی و عشایر، سقوط» (مجموعه مقالات همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۸۴ ه.ش
- ۶- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، ج ۳، زوار، تهران، ۱۳۸۴ ه.ش،
- ۷- بانک جهانی، «ملی‌شدن صنعت نفت ایران: چکیده‌ای از ریشه‌ها و مسایل» مورخ ۱۹ فوریه ۱۹۵۲؛ در وزارت خزانه‌داری آمریکا، پرونده شماره ۳۰۶/۷/۳۶۲، سند شماره ۵۴۱
- ۸- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، جلد ۶، چاپ ۶، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۸۰ ه.ش
- ۹- کوشکی، محمد صادق. تاریخ مستطاب آمریکا، ج ۴، نشر شهید کاظمی، تهران، ۱۳۹۱ ه.ش
- ۱۰- شولزینگر، رابرت، دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم، ج ۳، اداره نشر وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۹۰ ه.ش
- ۱۰) پرلاف، جیمز، سایه‌های روشن، ج ۱، جامعه‌مهندسان و مشاور ایران، تهران، ۱۳۸۸ ه.ش
- ۱۱) تئودور بلوم، ویلیام، مترجم؛ عبدالرضا هوشنگ مهدی، ج ۱، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ ه.ش
- ۱۲) شهابی، سیف‌الرضا، سقوط زود هنگام چرا؟ جام جم، ۱۱ خرداد، ۱۳۸۲ ه.ش

- ۱۳- مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد: ۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۱۴- غفاری ساروی، مصطفی، هدیه مسیح، چ ۷، انتشارات اسناد انقلاب، تهران، ۱۳۹۹ ه. ش
- ۱۵- رازانی، احسان، آمریکا در جهان، چ ۱، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، تهران، ۱۳۸۳ ه. ش
- ۱۶- آمبروز، استفن، روند سلطه‌گری، مترجم؛ احمد تابنده، چ ۳، شرکت چاپ بخش سهامی خاص، تهران، ۱۳۹۳ ه. ش
- ۱۷- سایت خبرگزاری مهر/ ۲۶ فروردین ۱۳۹۷، ۱۱: ۴۹ <https://mehrnews.com/xLjT>
- ۱۸- ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۱۳: ۱۶: ۱۹ کد خبر: ۴۲۷۰۲۳۷/دسته بندی: حقوق بشر، عمومی/ <https://www.mizanonline.ir/00Husn>
- ۱۹- خبرگزاری میزان، مرداد ۱۴۰۰ - ۱۱: ۴۶: ۱۹ کد خبر: ۷۴۷۶۶۶ دسته بندی: بین‌الملل - جهان، آمریکا و اروپا
- ۲۰- نشریه آمریکایی آمریکن دیلی در تاریخ ۶ / ۹ / ۸۵
- ۲۱- سایت آمریکا و تجزیه‌طلبی قومی در ایران، مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی. <https://irdc.ir/fa/news/8165> تاریخ انتشار: ۱۲: ۳۲ - ۱۸ آبان ۱۴۰۱
- ۲۲- روزنامه کیهان، کد خبر: ۲۶۰۰۳۱ تاریخ انتشار: ۲۴ بهمن ۱۴۰۱ - ۲۱: <https://kayhan.ir/fanews>.۴۳
- ۲۳- ۱۹ فروردین ۱۴۰۱- ۰۵: ۱۵: ۰۱/ کد خبر: ۸۰۶۵۸۱/دسته‌بندی: بین‌الملل-جهان، آمریکا و اروپا/ <https://www.mizanonline.ir/003NpN>
- ۲۴- کد خبر: ۴۲۷۱۴۳۰/دسته بندی: حقوق بشر، عمومی/ ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۰۹: ۲۸: ۲۰

فصل سوم

نظر اندیشمندان جهان در خصوص

رهبران انقلاب اسلامی در

عصر ولایت فقیه

مقدمه

امام خمینی^(ع) در طول دوران حیات پربرکت خود آن چنان تأثیرات بزرگی را در اذهان و افکار عمومی جهان به جای گذاشته که تا همیشه از ذهن تاریخ پاک نخواهد شد. تأثیرات افکار و اقدام‌های خمینی کبیر^(ع) تا آنجا پیش رفته است که حتی شخصیت‌های برجسته جهان و آن‌هایی که حتی میانه خوبی با انقلاب اسلامی ایران ندارند، در مقابل عظمت و حیات طیبه امام راحل سر تعظیم فرود آورده و از او به نیکی یاد می‌کنند، آنچه در ادامه می‌خوانید گفتارهایی است که برخی سیاست‌مداران و چهره‌های مشهور جهان در مورد امام خمینی^(ع) مطرح کرده‌اند.

ولایت‌فقیه به‌عنوان پایه محوری و اساسی نظام اسلامی و ستون اصلی خیمه انقلاب اسلامی همواره مورد توجه دشمنان نظام به‌ویژه غرب بوده و می‌باشد. آنان که دریافته‌اند وجود ولایت‌فقیه سد محکمی بر راه رسیدن به اهداف شوم خود در براندازی نظام اسلامی است، نوک پیکان تهاجمات خویش را به سمت آن نشانه رفته و تمامی تلاش خویش را برای تضعیف آن بکار بسته‌اند، حجم دشمنی و مقابله با ولایت‌فقیه توسط رسانه‌های بیگانه و عمدتاً غربی شاهدهی گویا بر این مسئله است. در اینجا به برخی از نظریات و دیدگاه‌های غرب در خصوص ولایت‌فقیه و رهبران بزرگ انقلاب اسلامی اشاره می‌کنیم؛

کوفی عنان

کوفی عنان وقتی با مقام معظم رهبری ملاقات می‌نماید، مقام معظم رهبری درباره تاریخچه کشور غنا که زادگاه کوفی عنان بوده و همچنین شخصیت‌ها و موقعیت سیاسی و اجتماعی آن صحبت می‌کنند، این موجب تعجب کوفی عنان می‌شود و پس از ملاقات می‌گوید: با اینکه اهل غنا هستم درباره کشور خود به‌اندازه ایشان اطلاع ندارم. کوفی عنان افتخار رهبری مقام معظم رهبری را نه فقط مختص ایرانی‌ها بلکه کل مسلمانان دانسته و می‌گوید: ایرانی‌ها و مسلمانان باید افتخار کنند که چنین رهبری دارند ای کاش ایشان دبیر کل سازمان ملل بودند. کوفی عنان که مقام دبیر کلی سازمان ملل را به عهده داشت در این ملاقات چنان مجذوب شخصیت مقام معظم رهبری می‌شوند که می‌گویند: «من باشخصیت‌های مختلفی از جمله ژاک شیراک و هلموت کهل دیدار داشته‌ام که به شدت تحت تأثیر قرار گرفته‌ام. ولی در ملاقات با ایشان احساس کردم هنوز

کسی را مثل ایشان ندیده‌ام شخصیت معنوی ایشان چنان مرا تحت تأثیر قرارداد که پیش خودم فکر کردم چرا شخصیتی مثل من باید دبیر کل سازمان ملل باشد پس از این دیدار شخصیت‌هایی که مرا جذب کرده بودند همه را به فراموشی سپردم.» شخصیت و هوشمندی سیاسی مقام معظم رهبری نیز کوفی عنان را به تعجب واداشته است. «همیشه معتقد بودم شخصیت‌های معنوی و عرفانی از مسائل سیاسی اطلاعی ندارند ولی در دیدار اخیرم ایشان را در اوج قداست، شخصیتی سیاسی دیدم که آنچه از سیاسیون بزرگ در ذهنم بود، همه را پاک کردم.^۱

خاویر پرز دکوئیار

دکتر علی‌اکبر بشارتی، وزیر اسبق کشور در مورد ملاقات خاویر پرز دکوئیار با مقام معظم رهبری می‌گوید: «بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، از سوی کشورهای قدرتمند دنیا بر ایران فشارهای زیادی وارد می‌شد تا آن را بپذیریم. در همان ایام خاویر پرز دکوئیار دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، برای رایزنی‌های لازم به ایران آمد و با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که آن زمان رئیس‌جمهور بودند، ملاقات کرد. پس از ملاقات دکوئیار به من گفت: رئیس‌جمهور شما از کدام دانشگاه علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شده است؟ گفتم: چطور؟ گفت: من از چند دانشگاه معتبر دنیا مدرک دکترای علوم سیاسی دارم و بیش از سی سال است که کار سیاسی می‌کنم و ده سال است که دبیر کل سازمان ملل هستم. در این مدت کمتر شخصیت سیاسی و رئیس‌جمهوری هست که وی را ندیده و با او گفتگو نکرده باشم ولی تاکنون شخصیتی سیاستمدار و هوشمندتر از رئیس‌جمهور شما ندیده‌ام.^۲

ولادیمیر پوتین

با عنایات به مطالعاتی که من درباره مسیح داشته‌ام در ملاقات با رهبر ایران تمام ویژگی‌های نوشته‌شده برای مسیح را در آیت‌الله خامنه‌ای دیدم و برایم متجلی شد. حکیم بزرگی در ایران نشسته است که به ذهن من خطور نمی‌کرد او تا به این حد

۱. نقل شده از حجه الاسلام پاینده در مجموعه ای با عنوان «خاطرات بزرگان درباره مقام معظم رهبری» در پایگاه

اطلاع رسانی حوزه علمیه به آدرس (www.hawzah.net/fa/Article/View/92474):

۲. شیرانی / علی / پرتوی از خورشید، داستان‌هایی از زندگی مقام معظم رهبری، ج ۲۴، ص ۲۳-۲۴، ناشر بوستان

کتاب، تهران، ۱۳۹۰ ه.ش

همه‌جانبه نگر باشد. او حکیم و دانشمندی است که تصمیم‌گیری و تنظیم سیاست ایران با اوست و باوجود درایت و هوش سرشار ایشان هیچ خطری متوجه ایران نمی‌شود. من در ملاقات با ایشان معنای واقعی قانون اساسی جمهوری اسلامی و مفهوم ولایت‌فقیه و ولایت‌علمای دینی را که شنیده بودم، فهمیدم.^۱

دیلیپ داروا وزیر صنایع بنگلادش:

دیدار گروه دی‌هشت با رهبر ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و من بسیار تحت تأثیر شخصیت ایشان قرار گرفتم. بسیار مشعوف شدم که با رهبر مسلمین جهان دیدار کردم. ایشان شخصیت بزرگی دارند و حس خاصی در دیدار با ایشان حکم‌فرما بود. شخصی آرام که مسلط به مسائل روز مسلمانان و نیاز آن‌ها است و انگیزه‌ی دوچندانی به من برای آشنا شدن با ایشان داد. این دیدار یکی از بهترین خاطراتم بود... من برای اولین بار به ایران آمده‌ام و مردم آن را می‌بینم. بنگلادش نیز مانند ایران از بحران اقتصادی به سلامت عبور کرده و رشد صنعتی خوبی داشته است. من از رشد اقتصادی و صنعتی ایران بسیار متعجب شدم و وقتی با رهبر مسلمین جهان دیدار کردم، پی بردم که ایشان در به دست آوردن این رشد نقش اساسی داشته‌اند.^۲

مجله تایمز در سرمقاله خود می‌نویسد

رهبر ۷۸ ساله ایران، {توانست} ۲۸ سال کشوری را در پرتلاطم‌ترین طوفان‌ها جوری رهبری کند که امن‌ترین کشور خاورمیانه باشد، رهبر ۷۸ ساله ایران، سه ساعت برای مردمانش صحبت می‌کند بدون ذره‌ای تکرار، هم بدون خوردن قطره‌ای آب، در علم سیاست به آن تکلم سه وجهی گویند، رهبر ایران با ۸۰ دقیقه، رکورد تکلم سه وجهی که مربوط به هیتلر و چرچیل، با ۹ دقیقه بود را شکسته است،

رهبر ۷۸ ساله ایران درحالی‌که دروس تخصصی اقتصاد را نخوانده، طرحی چند صدصفحه‌ای از مباحث اقتصادی نوین را برای کشورش می‌نویسد که مورد تحسین اقتصاددانان بین‌المللی قرار می‌گیرد

رهبر ۷۸ ساله ایران دریک سخنرانی یک‌ساعته جامعه خویش را آسیب‌شناسی کرده و

۱. خاطرات حجه الاسلام احمد مروی در همایش علمی کاربردی تبلیغ، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به نقل از

خبرگزاری فارس www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811121430

۲. روزنامه ایران، ۱۸، اسفند ۱۳۸۸

نقاط ضعف و قوت جامعه را با ساده‌ترین کلمات به مردم می‌فهماند رهبر ۷۸ ساله ایران به‌مانند یک عضو کم‌درآمد جامعه زندگی می‌کند؛ و از همه جالب‌تر اینکه فرزندان خود را از مسئولیت‌های کشور منع کرده است.

رهبر ۷۸ ساله ایران با یک هشدار و اولتیماتومش شاه‌کشوری دیگر را به‌شدت مرعوب سازد (حادثه منا) تا جایی که فردای سخنرانی‌اش، تمام وعده‌های بر زمین‌مانده عملی می‌شود.

رهبر ایران رکورد بیشترین ساعات حضور در مناطق جنگی (هشت سال جنگ) را دارد رهبر ۷۸ ساله ایران مسائل بین‌المللی و آینده سیاسی جهان را به‌درستی محاسبه و پیش‌بینی می‌کند! (برجام، جنگ یمن، رئیس‌جمهوری ترامپ و مقاومت فلسطین، پیروزی محور مقاومت و ...) رهبر ۷۸ ساله ایران چنان سیاست‌مدار قدرتمندی می‌باشد که بزرگ‌ترین جنگ نرم جهانی که توسط تمامی سازمان‌های جاسوسی دنیا از سال‌ها قبل طراحی شده بود را تنها با یک سخنرانی چنددقیقه‌ای خنثی می‌کند

کجای دنیادیده‌اید رهبری که در سن ۷۸ سالگی است به‌تنهایی کوه‌پیمایی می‌کند؟!^۱ نوع نگاه سیاستمداران غربی از برخورد آنان با مسئله ولایت‌فقیه روشن می‌شود سیاستمداران غربی با درک اینکه ولایت‌فقیه یکی از پایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی است و از آنجاکه ولایت‌فقیه را بزرگ‌ترین مانع دستیابی به اهداف خویش دانسته از این‌رو حجم گسترده تهاجم‌های خود را برای تضعیف این پایه محوری نظام بکار گرفته‌اند و سیل تبلیغات منفی در رسانه‌های غربی و ماهواره‌ها و اینترنت بر علیه این اصل گویای این مسئله است،

ولایت‌فقیه به‌عنوان پایه محوری و اساسی نظام اسلامی و ستون اصلی خیمه انقلاب اسلامی همواره مورد توجه دشمنان نظام به‌ویژه غرب بوده و می‌باشد. آنان که دریافته‌اند وجود ولایت‌فقیه سد محکمی بر راه رسیدن به اهداف شوم خود در براندازی نظام اسلامی است، نوک پیکان تهاجمات خویش را به سمت آن نشانه رفته و تمامی تلاش خویش را برای تضعیف آن بکار بسته‌اند، حجم دشمنی و مقابله با ولایت‌فقیه توسط رسانه‌های بیگانه و عمدتاً غربی شاهدهی گویا بر این مسئله است. در اینجا به برخی از نظریات و دیدگاه‌های غرب در خصوص ولایت‌فقیه و شخص مقام معظم رهبری اشاره

می‌کنیم؛ **ارنول مارک گرچت** تحلیلگر اسبق سازمان سیا در امور خاورمیانه در روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد که مشکل آمریکا این است که بعضی از روحانیون شیعه نمی‌خواهند فاصله خود را از سیاست حفظ کنند، این‌ها فرزندان آیت‌الله خمینی هستند.

روزنامه کیهان، ۸۲/۲/۱۴

ادوارد شرلی از مقامات اسبق سیا می‌گوید:

اگر نظام ولایت‌فقیه در ایران از هم بپاشد آن‌وقت می‌توان پذیرفت که جمهوری اسلامی تغییر ماهیت داده است.^۱

در مجله آلمانی اشپیگل

مقاله‌ای تحت عنوان (آیت‌الله از جنس بتون) به قلم اولریکه پوتر منتشر شده است که صرف‌نظر از برخی تحلیل‌های نادرست در این مقاله، در آن نویسنده به تحلیل جایگاه برتر و قدرتمند ولی‌فقیه در نظام جمهوری اسلامی پرداخته، به‌نحوی که به‌درستی تصمیم‌گیری نهایی در خصوص مسائل مهم و اساسی مثل انرژی هسته‌ای و چگونگی برخورد با اپوزیسیون داخلی و فتنه‌ی پس‌از انتخابات و ... را ماکول به نظر رهبری و ولی‌فقیه دانسته و در قسمتی دیگر از نوشتار خود ولی‌فقیه و شخص آیت‌الله خامنه‌ای را از جمله قدرتمندترین افراد در جهان کنونی برمی‌شمرده است.^۲

راديو دولتي آمريكا

پس از ارتحال بنیان‌گذار جمهوری اسلامی درباره توان رهبری و شخصیت انقلابی آن حضرت گفت: آیت‌الله (امام) خمینی پس از پیروزی انقلاب، پارها آمریکا را با ناتوانی مواجه کرد و در این مورد به واشنگتن درس داد و رئیس‌جمهوری آمریکا را با ناامیدی روبرو کرد. راديو دولتي آمريكا در ادامه به نقل از روزنامه شیکاگو تریبون افزود: شاید تاکنون در هیچ دوره‌ای از سال‌های اخیر برنامه ریزان سیاسی آمریکا با چنین وضعی روبرو نشده بودند که کشوری در مقابل نفوذ نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا مصونیت داشته باشد.^۳

خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز همان زمان گزارش داد: آیت‌الله خمینی، جهان را تکان داد

۱. مذاکره با آمریکا چرا؟ تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۳۹۶

۲. مجله اشپیگل سایت: www.spiegel.de/politik/ausland/0,1518,677579,00.html

۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۱ خرداد ۱۳۹۴

و راهنمای مطلق ایران، به شمار می‌رفت. رهبر ایرانچهره‌ای مصمم و پولادین داشت.^۱
هنری کیسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا و شناخته‌شده‌ترین سیاست‌مدار کهنه‌کار
این کشور نیز گفته است:

آیت‌الله خمینی، غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد، تصمیماتش چنان
رعدآسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه‌ریزی را از سیاستمداران و نظریه‌پردازان
سیاسی می‌گرفت. هیچ کس نمی‌توانست تصمیماتش را از پیش حدس بزند. کیسینجر
ادامه داده است: آیت‌الله خمینی با معیارهای دیگری، جز معیارهای شناخته شده در
دنیا، سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. گویی از جایی دیگر الهام می‌گرفت، دشمنی آیت‌الله
خمینی^(۵) با غرب، برگرفته از تعالیم الهی او بود. او در دشمنی خود نیز خلوص نیت
داشت.^۲

امام خمینی^(۵) اگرچه به نسل‌های قرن حاضر تعلق دارد اما در میان نخبگان ایران و
جهان جایگاهی رفیع دارد. آنچه در ادامه گرد آمده است گوشه‌ای از اظهارات و نظرات
شخصیت‌ها و رسانه‌های آمریکایی پیرامون شخصیت بینانگذار کبیر انقلاب اسلامی
است:

اوستیا جورج، آفواکو - محقق

فرهنگ سیاسی آمریکا نشان می‌دهد که به ایجاد رابطه با حکومت‌های استبدادی
جهان سوم متمایل بوده‌اند و دولتمردان آمریکایی دریافتند که همزمان با افزایش
آگاهی‌های مردم در این کشورها، پایگاه آمریکا متزلزل می‌شود و در این میان به
نقش آیت‌الله خمینی در افزایش آگاهی‌های مردم اشاره می‌کند و می‌افزاید که آیت‌الله
خمینی رابطه دو جانبه‌ای بین حکومت و مردم برقرار کرده که ثبات سیاسی کشور
ایران را به همراه داشته است.^۳

وقارفر (کیم)، لیلا، خانم تازه مسلمان در اثر رهنمودهای امام)

او (امام خمینی) آگاه به حقیقتی است که در متن اسلام وجود داشته است و برای ما
ممکن نیست که با او پیرامون مفهوم آزادی مطلق و بی‌حد و حصر فردی یا زیبایی

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۱ خرداد ۱۳۹۴

۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۱ خرداد ۱۳۹۴

۳. داستانی بیرکی - علی - امام خمینی از نگاه نخبگان جهان - ج ۱ - ص ۲۷۵

حسی نوعی رقص مناقشه و گفتگو کنیم. مع ذالک او شجاع ترین و استوارترین فرد در صحنه سیاست بین‌المللی است و حداقل از نظر من که او را دیده‌ام، به گونه‌ای است که گویی با حضرت مسیح^(ع) معاصر بوده است. البته این سخن به این معنا نیست که (امام) خمینی مطلقاً خود را با مسیح مقایسه می‌کند بلکه او با همان طهارت قطعی و تردیدناپذیر می‌درخشد و نیز لحظه‌ای از هدف خود روگردان نمی‌شود.

چهره‌ی امام خمینی گویای اراده‌ی استوار اوست. اراده‌ی او که هرگز سست نخواهد شد و مادام که ما این بیان را تنها به عنوان یک صفت تلقی کنیم از سرچشمه‌ی آن غافل خواهیم ماند. درحالی‌که اگر حقیقت و احساس تکلیف در شخصی جمع آید حالت توازن او با آسمان برقرار و کاملاً در برابر خداوند تسلیم خواهد شد و ایمان خواهد داشت به این که تکبر صفتی است تنها به ذات الهی اختصاص دارد و همین امر موجب می‌شود تا تواضع و جاذبه‌ی معنوی در چهره و شخصیت او نیز نمودار گردد. وجود امام خمینی نشانه‌ی رحمت و مایه‌ی نشاط آدمی است، رحمت و نشاطی که از منبعی روحانی و نیرومند سرچشمه گرفته و مرا غرق در شادی و احساسی پاک کرد و این دو موجب عمیق‌ترین سپاس در وجودم شد؛ چنانچه گویی در اقیانوس جاذبه‌ی او غرق شده‌ام و اعتقاد به آنچه در وجود امام جریان داشت اهمیت دیانت را برایم آشکار ساخت. من در خلال سی دقیقه‌ای که امام در جایگاه نشسته بان به حدی است که شگفت زده شدم. این نهضت حقیقتاً رهبری صحیحی دارد و امیدوارم هر روز پیروزی‌های بیشتری به دست آورد.^۱

ویلیام، لوتی - نویسنده

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، آمریکا نظارت مستقیم خود را از طریق ایران در منطقه خلیج فارس از دست داد. با شروع جنگ خلیج فارس، آمریکایی‌ها امیدوار بودند تا بتوانند درگیر و دار این بحران بار دیگر با ایران روابط مسالمت‌آمیز برقرار کنند و بدین طریق جایگاه موضع پیشین خود را در خلیج فارس به دست آورد، اما سیاست‌های معقول اتخاذ شده از سوی امام خمینی، آمریکایی‌ها را ناامید کرد و خصلت سازش‌ناپذیری امام خمینی باعث عدم موفقیت آمریکا شد.^۲

۱. سایت www.imam.khomeini.ir پرتابل حضرت امام، کد ۵۰۰۴۱، ۲/۱۰/۹۸

۲. سایت www.imam.khomeini.ir پرتابل حضرت امام، کد ۵۰۰۴۱، ۲/۱۰/۹۸

هانتز، شیرین - نویسنده

خمینی تجسم گر و بیان کننده همه خشم و اندوه قلبی و الهام دهنده مشترک نه تنها بسیاری از ایرانیان و مسلمانان، بلکه هم چنین بسیاری از افراد دیگر در جهان نو استعماری بود.^۱

ماکواند، رابرت - نویسنده

وقتی حضرت امام خمینی با تکیه بر طرح مذهب در متن زندگی اجتماعی، انقلاب اسلامی اش را به پیروزی رساند و دنیا هرگز چنین تصویری از امام خمینی و انقلاب را باور نمی کرد و حرکت امام خمینی در دنیای دیانت عصر جدیدی را آفرید.^۲

نیوزویک

امام خمینی با چهره ای جدی الگوی بنیادگرایی در ایران بود. وی کسی بود که شاه را از تخت طاووس به زیر کشید، شیطان بزرگ را از کشور راند، آمریکایی ها را در سفارتشان به گروگان گرفت و فتوای قتل یک نویسنده را که به اسلام اهانت کرده بود، صادر کرد.^۳

نیویورک تایمز: امام خمینی رهبر اسلامی ایران نیرویی عمده در صحنه سیاسی جهان بود.^۴

یتبو، استیون، اویو - نویسنده

شخصیت عظیم و قاطعیت بی مانند این رهبر بزرگ، نه تنها استقلال و آزادی را در کشور ایران برقرار ساخت بلکه در کشورهای همسایه ایران و در منطقه خلیج فارس تأثیرات شگرفی بر جای نهاد، اگرچه دولت های منطقه نظر مثبتی بر انقلاب ایران ندارند و بعضاً با آمریکا دارای منافع مشترک هستند اما ملت های کشورهای هم جوار تحت تأثیر پیام های قاطع امام برانگیخته شده اند و آتش مبارزه روشن و مشتعل شده است و کلام ساده رهبر ایران، در دل های مردم مسلمان و ناراضی جهان نفوذ کرده است.^۵

هوگلاند، اریک - استاد مرکز مطالعات بین المللی دانشگاه جان هاپکینز

۱. همان

۳. همان

۳. همان

۴. همان

واشنگتن

در جهان سوم و به‌ویژه در جوامعی که فقر و مخالفت با حکومت شدید بود، نفوذ او (امام خمینی) بسیار چشمگیر بود و قهرمانی بزرگ قلمداد می‌شد. او حامی تنگدستان بود و در برابر غرب و آمریکا به پا ایستاد و این نفوذ به‌ویژه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بسیار گسترده بود و به انقلاب اسلامی هم چنان بادید مثبتی نگریسته می‌شود. در جهان سوم وجهه او مثبت است و چه بسیار جنبش‌هایی که در صدد تقلید از دست‌کم بخش‌هایی از ایدئولوژی و آرمان‌های او بودند. انقلاب به سلطنت در ایران پایان داد و اندیشه سلطنت موروثی را در ایران از میان برد و میراث ایشان، تأسیس جمهوری اسلامی در ایران بود.^۱

ویلیام سولیوان [سفیر آمریکا در ایران]:

ا ذکر حوادث و وقایعی که در سفارت آمریکا در تهران و کاخ سفید واشنگتن، هم‌زمان با وقایع انقلاب در تهران، جریان داشت]

صبح روز یازدهم فوریه (۲۲ بهمن) اعضای ارشد هیئت مستشاران آمریکا در نیروهای مسلح ایران طبق معمول به محل کار خود در مرکز ستاد مشترک رفتند، ولی طولی نکشید که رئیس هیئت، سراسیمه به من تلفن کرد و گفت جمعیت کثیری در اطراف محوطه ستاد جمع شده‌اند و پیشنهاد کرد افراد او، ستاد را ترک کنند. من با نظر او موافقت کردم و از خود او خواستم که مستقیماً به سفارت بیاید و شب را در محل اقامت ما بگذرانند. نیم ساعت بعد دوباره تلفن کرد و گفت از طرف جمعیتی که در اطراف محوطه ستاد جمع شده‌اند به‌سوی گارد محافظ ستاد تیراندازی می‌شود و از داخل محوطه ستاد هم به تیراندازی آن‌ها پاسخ داده می‌شود. در این شرایط ترک محل ستاد خالی از خطر نبود و او تصمیم گرفته بود فعلاً در داخل ستاد بماند. چند دقیقه بعد معاون او به من تلفن کرد و گفت تانک‌ها در اطراف ستاد موضع گرفته و توپ‌های خود را به طرف ساختمان ستاد نشانه گرفته‌اند. بیست‌وشش عضو هیئت مستشاری آمریکا دفاتر خود را ترک کرده و به زیرزمین ستاد پناه برده بودند، ژنرال‌های ایرانی و افسران ارشد هم قبلاً به این پناهگاه رفته بودند.

در این وضع خطرناک من باحالتی پریشان و عصبانی در جستجوی یک مقام ارشد از

۱. داستانی بیرکی، علی، امام خمینی (س) از نگاه نخبگان جهان، ج ۱، صص ۳۰۵.

رهبران انقلابی بودم تا مرا در کار نجات پرسنل نظامی مان کمک کند، تمام مقامات ارشد سیاسی و نظامی سفارت، کلیه توان و ارتباطات خود را بکار گرفته بودند تا شاید راه‌حلی سریع برای این مشکل بیابند. در بحبوحه این فعالیت‌ها زنگ تلفن به صدا درآمد و نیوسام معاون وزارت امور خارجه که از واشنگتن صحبت می‌کرد گفت از اتاق وضع فوق‌العاده در کاخ سفید با من صحبت می‌کند و هم‌اکنون جلسه‌ای به ریاست برژینسکی برای بررسی اوضاع ایران تشکیل شده و می‌خواهند تازه‌ترین اطلاعات را درباره اوضاع ایران دریافت کنند. من در چند جمله کوتاه گزارش وضع موجود را دادم و گفتم چون گرفتار مشکل بیست‌وشش پرسنل نظامی آمریکا هستم بیش از این نمی‌توانم صحبت کنم. نیوسام وضع مرا درک کرد و بیشتر از این به صحبت ادامه نداد، پانزده دقیقه بعد تلفن واشنگتن مجدداً به صدا درآمد و این بار نیوسام و کریستوفر، معاون ارشد وزارت امور خارجه در پای تلفن بودند. تلفن از اتاق وضع اضطراری کاخ سفید بود و اطلاعات دقیق‌تری راجع به اوضاع و امکاناتی که در اختیار ما بود می‌خواستند. این تلفن موجب قطع گزارش تلفنی یکی از مأموران سیاسی ما درباره تماس وی با ابراهیم یزدی برای نجات پرسنل نظامی ما گردید و از این جهت برای من ناراحت‌کننده بود؛ زیرا در آن شرایط نجات جان آمریکائیان که در معرض خطر جدی بودند بیشتر از پاسخ به سؤالات مبهم و نامربوط اتاق وضع اضطراری کاخ سفید برای من فوریت داشت. لذا گفتگوی من با دو مقام عالی‌رتبه وزارت امور خارجه هم مانند مکالمه قبلی سریع و نامطبوع بود ... نهایت خشم و عصبانیت من در این مکالمه موقعی بود که گفته شد برژینسکی درباره امکان ترتیب دادن یک کودتا برای استقرار یک رژیم نظامی به‌جای حکومت در حال سقوط بختیار از من نظر می‌خواستند، این فکر و این سؤال در آن شرایط به‌قدری سخیف و نامعقول بود که بی‌اختیار مرا به ادای یک کلمه زشت درباره برژینسکی وادار ساخت و این فحاشی و بددهنی بی‌سابقه، مخاطب من نیوسام را که مرد ملایم و متینی بود تکان داد. نیوسام با ابراز شگفتی و تردید درباره آنچه شنیده بود سؤال خود را به نحو دیگری تکرار کرد. من در پاسخ گفتم نمی‌توانم آنچه را گفته‌ام به زبان لهستانی ترجمه کنم (چون برژینسکی لهستانی الاصل بود) و گوشی را زمین گذاشتم... چند دقیقه بعد درحالی که من نومیدانه به تلاش خود برای برقراری ارتباط با یزدی و جلب کمک و همکاری او برای نجات آمریکائیان ادامه می‌دادم، بار دیگر تلفن واشنگتن خطوط ارتباطی دیگر مرا قطع کرد و این بار دوباره نیوسام روی خط بود. نیوسام این بار

با لحنی جدی و آمرانه گفت به وی دستور داده شده است از من بخواهد که با رئیس هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران تماس برقرار کنم و نظر او را درباره امکان دست زدن به یک کودتای نظامی سؤال کرده و به واشنگتن گزارش بدهد. من از نیوسام پرسیدم آیا او نمی‌داند که رئیس هیئت مستشاری ما هم‌اکنون در یک پناهگاه زیرزمینی به دام افتاده و من برای نجات او تلاش می‌کنم؟! نیوسام گفت موضوع را درک می‌کنم ولی دستوری که به او داده شده است این است که نظر ژنرال رئیس هیئت مستشاری آمریکا درباره کودتا سؤال شود! چند دقیقه بعد از این تلفن، رئیس هیئت مستشاران نظامی ما از پناهگاهش به من تلفن کرد و گفت ظاهراً اقداماتی برای آتش بس بین نیروهای انقلابی و قوای محافظ ستاد در جریان است و چند تن از افسران برای مذاکره با نمایندگان انقلابیون به طبقه بالا رفته اند. با کمی خجالت جریان مذاکرات تلفنی خود را با واشنگتن و سؤالی که راجع به نظر او درباره امکان دست زدن به یک کودتای نظامی از من شده بود با ژنرال در میان گذاشتم. او گفت در شرایط فعلی شانس موفقیت یک کودتای نظامی فقط پنج درصد است و من به یکی از همکارانم گفتم، نظر او را به واشنگتن مخابره کند. در کمتر از یک ساعت اطلاع یافتیم که آتش بس در اطراف ستاد کل برقرار شده و نه فقط ابراهیم یزدی بلکه آیت‌الله بهشتی هم در صحنه حاضر شده و به رهائی پرسنل ما از مخمصه کمک کرده اند^۱...

سایت رسمی رادیو زمانه

قبلاً از زمانی که امام در عراق و یا در پاریس بودند، با ایشان آشنا شدم؛ اما هنگامی که سه سال پیش به ایران آمدم برای اولین بار امام را دیدم. من قادر نیستم چیزی درباره ایشان بگویم امام واقعاً نورانی و واقعاً روحانی هستند و از یک نیروی الهی و علم اسلامی خیلی زیادی برخوردارند. در حال حاضر تماس‌هایی بین سه قطب در ایران در جریان است. این قطب‌ها عبارتند از دولت دکتر بختیار، فرماندهان ارتش و آیت‌الله خمینی. این تماس‌ها بیشتر توسط فرستاده‌های آن‌ها صورت می‌گیرد، نه خودشان. استراتژی آیت‌الله خمینی بر این استوار است که فرماندهان ارتشی را طرفدار خود کند؛ اما نخست‌وزیر همچنان می‌گوید اگر رژیم اسلامی برقرار شود او دست به اقدام خشن

۱. طلوعی / محمود، صد روز آخر، صفحه ۳۰۱ به بعد، به نقل از: طباطبایی / صادق / خاطرات سیاسی اجتماعی / ج

خواهد زد. با این وصف او راه را برای مذاکرات هموار کرده است.^۱

گزارش رادیو بی بی سی

در حال حاضر تماس‌هایی بین سه قطب در ایران در جریان است. این قطب‌ها عبارتند از دولت دکتر بختیار، فرماندهان ارتش و آیت‌الله خمینی. این تماس‌ها بیشتر توسط فرستاده‌های آن‌ها صورت می‌گیرد، نه خودشان. استراتژی آیت‌الله خمینی بر این استوار است که فرماندهان ارتشی را طرفدار خود کند؛ اما نخست‌وزیر همچنان می‌گوید اگر رژیم اسلامی برقرار شود او دست به اقدام خشن خواهد زد. با این وصف او راه را برای مذاکرات هموار کرده است.^۲

زیبگنیو برژینسکی:^۳

ابرهژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر در یادداشت‌های روز یکشنبه ۱۱ فوریه (۲۲ بهمن ۵۷) خود به یک جلسه اضطراری که برای بررسی اوضاع ایران در کاخ سفید (اتاق بحران کاخ سفید) تشکیل شد، اشاره کرده و می‌نویسد:

اوضاع ایران به وخیم‌ترین مراحل خود رسیده و دولت بختیار در حال سقوط است. تردیدی نیست که ما می‌بایست علی‌رغم اطلاعات ناقص و ضدونقیضی که دریافت می‌کردیم تصمیم جدی و قاطعی بگیریم. در جلسه اضطراری کاخ سفید وارن کریستوفر و دیوید نیوسام از طرف وزارت امور خارجه، چارلز دونکن و ژنرال جونز به اتفاق چند تن از مقامات وزارت دفاع و ستاد مشترک، ترنر رئیس سیا به اتفاق فرانک کارلوچی از مقامات برجسته سیا، گری سیک و سرهنگ اودوم (که بعداً ژنرال شد) از شورای امنیت ملی حضور داشتند. ما سه راه حل را مورد بررسی قرار دادیم: اول این که از فرماندهان نظامی بخواهیم با مهدی بازرگان نخست‌وزیر منتخب آیت‌الله خمینی به جای بختیار کنار بیایند. دوم آن که از ارتش بخواهیم در جریان انتقال قدرت کنار کشیده و در پادگان‌های خود به حال آماده باش بمانند، سوم اگر فرماندهان نظامی توانائی دست زدن به کودتا و کنترل اوضاع را در این شرایط داشته باشند از آن‌ها بخواهیم دست به

۱. سایت رسمی رادیو زمانه / <https://www.radiozamaneh.com> / سقوط پادشاهی مشروطه، پیروزی انقلاب

اسلامی، یکشنبه پانزدهم بهمن ۱۳۵۷

۲. سایت رسمی رادیو زمانه، <https://www.radiozamaneh.com>، سقوط پادشاهی مشروطه، پیروزی انقلاب

اسلامی، یکشنبه پانزدهم بهمن ۱۳۵۷

۳. [مشاور امنیت ملی کارتر]

کار شوند. استنباط من از گزارش های رسیده این بود که نظامیان در شرایط فعلی نمی توانند کاری بکنند و حمایت از بختیار را هم بی فایده می دانند. کریستوفر پیشنهاد کرد که ما از ارتش بخواهیم خود را از معرکه فعلی کنار بکشد و از دولتی که سرکار می آید پشتیبانی کند. کریستوفر فکر نمی کرد، کسی مخالف این نظریه باشد، ولی من گفتم ... اگر در ارتش ایران هنوز آن اراده و توانائی مانده باشد که کنترل اوضاع را به دست بگیرد ما باید در مقام یک قدرت بزرگ از آن ها پشتیبانی کنیم. کارلوجی معاون سیا گفت به نظر او بهتر است فرماندهان نظامی نزد [امام] خمینی رفته و به او بگویند تحت شرایطی حاضر به همکاری با دولت منصوب او خواهند بود. مثلاً شرایطی نظیر این که تعیین وزیر جنگ با آن ها باشد و تجهیزات اطلاعاتی ما به خاطر مصالح کشور دست نخورده بماند. کارلوجی عقیده داشت که نظامی ها هنوز قدرت چانه زدن برای قبولاندن شرایط خود را دارند.

گفتگوی ما در ساعت ۹ و چهل دقیقه با وصول گزارشی از تهران که حاکی از دستگیری فرماندار نظامی تهران و بازداشت او در محل اقامت [امام] خمینی بود، قطع شد، من مجدداً هشدار دادم که پیوستن ارتش به [امام] خمینی سرانجام به زوال و انهدام کامل ارتش خواهد انجامید. من سپس گفتم که ما هنوز باید به راه حل نظامی به عنوان آخرین چاره بیندیشیم، هر چند که در این فرصت آخر، ریسک بزرگی به شمار می آید، ولی اگر موفق شویم موقعیت آمریکا در منطقه تقویت خواهد شد. ژنرال جونز گفت که درباره امکان موفقیت کودتای نظامی در وضع فعلی خوشبین نیست. دونکن گفت این فکر را عملی نمی دانم ... من گفتم مسئله را به همین سادگی نمی توان رها کرد، ما باید به عواقب سقوط ایران و عدم ثبات سیاسی در این منطقه حساس جهان بیندیشیم. من آن گاه گفتم که اگر انضباط نظامی در ارتش ایران از میان نرفته باشد هنوز قادر به کاری هستیم، البته خطر شکست این اقدام هم وجود دارد، ولی اگر دست بکار نشویم سقوط و شکست حتمی است. لذا پیشنهاد کردم با ژنرال گاست و سولیوان و ژنرال هایزر تماس تلفنی گرفته شود و ارزیابی آن ها را از اوضاع بدانیم. ساعت ۱۰ و ده دقیقه به وقت واشنگتن، (غروب تهران) یک گزارش مطبوعاتی از تهران رسید که حاکی از تصرف ایستگاه رادیو و تلویزیون از طرف مخالفان به علت تخلیه نیروهای نظامی و تانک های ارتش از محل ایستگاه بود. یکی دو دقیقه بعد افسران ارتباط خبر دادند که تماس ما با مرکز هیأت مستشاری نظامی آمریکا قطع شده و نمی توانیم با ژنرال گاست

صحبت کنیم. من به کمپ دیوید تلفن کردم تا رئیس جمهوری و سایروس ونس را در جریان اوضاع بگذارم، ولی گفتند که آن‌ها به کلیسا رفته اند و برقراری تماس با آن‌ها فعلاً امکان‌پذیر نیست ... هایزر به دونکن گفته بود که طرح کودتا در وضع فعلی بدون مداخله و تعهد آمریکا برای پشتیبانی از این اقدام عملی به نظر نمی‌رسد. فرماندهان نظامی در ایران دیگر بدون اطمینان از حمایت جدی آمریکا دست به کاری نخواهند زد...^۱

پروفسور «ام - اس - اگوانی»، متخصص امور ایران و رئیس دانشگاه جواهر لعل نهرو «آیت‌الله خمینی تنها کسی بود که از سال ۱۳۴۲ تا رحلتش سازش نکرد. هیچ فرد دیگری در قرن حاضر قادر به ایجاد تغییراتی بنیادی در جامعه ایران همچون معظم له نبوده است.»

وی در مقایسه دوران انقلاب با زمان شاه اظهار می‌دارد: «رژیم شاه از مردم و حمایتشان دور بود، اما آیت‌الله خمینی با جلب حمایت توده مردم پیروز شد و بعد از سالیان طولانی، آموزش‌های اسلامی را عملاً وارد زندگی مردم کرد؛ و مهم‌ترین دستاورد ایشان احیاء احترام و اعتماد به نفس در مردم بود. او تنها رهبری است که توانست جنبش را براساس ایدئولوژی و مذهب بنیانگذاری کند که هیچ یک از رهبران انقلاب‌های جهان نتوانستند به آن دست یابند.»^۲

دکتر جرج موستاکیس روحانی و نویسنده مسیحی از یونان «من یک مسیحی هستم ولی به امام خمینی رحمه الله علاقه بسیار زیادی دارم. امام خمینی^(۳) اصلاح‌کننده بزرگ امت اسلامی بوده است. من و سایر مسیحیان آزاده وظیفه خود می‌دانیم که از ایشان پیروی کنیم.»

«زندگی مذهبی و سیاسی امام خمینی رحمه الله و مبارزات ایشان برعلیه استعمار به روشنی در روند تاریخ ثبت است.» این کشیش یونانی و استاد فلسفه و جامعه‌شناسی که وصیت‌نامه امام را به زبان یونانی ترجمه کرده است در ادامه می‌گوید: «من یک مسیحی هستم ولی به امام خمینی رحمه الله علاقه بسیار زیادی دارم. امام خمینی رحمه الله اصلاح‌کننده بزرگ امت اسلامی بوده است. من و سایر مسیحیان آزاده وظیفه

۱. به نقل از: خاطرات سیاسی اجتماعی؛ صادق طباطبایی، نشر عروج، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۴۳

۲. سپهری، محمد، خورشید بی غروب، ص ۸۶.

خود می‌دانیم که از ایشان پیروی کنیم.»

آقای مستاکیس سپس احساس خود را راجع به «حسینیه جماران» چنین بیان می‌کند: «اینجا زیباترین مسجدی است که در عمرم دیده‌ام، زیبایی و تقدس آن به خاطر مادیات نیست. به خاطر این نیست که از طلا و یا نقره و یا بلور ساخته شده باشد، بلکه به خاطر روح بزرگ امام خمینی رحمه الله است.» آقای جرج موستاکیس گفتار خویش را با دعای ویژه مردم یونان به پایان می‌برد: «پروردگارا! ای خداوند قادر مطلق! روح محبوب امام عزیز، خمینی بزرگ را قرین آرامش ابدی خویش گردان و او را تحت عزت و جلال ملکوت و هم جوار ارواح طیبه ابراهیم، اسحق و یعقوب و تمامی انبیاء دیگر قرار ده. آمین.^۱»

«دکتر فوسبری» کشیش و رئیس دانشگاه‌های کاتولیک آمریکای لاتین

«امام خمینی با استفاده از ریشه‌های فرهنگی اسلامی موجب حرکت تاریخی ملت خویش گشت. وی توانست با یک انقلاب مذهبی سیاسی، حرکت عظیمی در کشورهای اسلامی به وجود آورد. او راهی را به روی ما گشود که مهم‌ترین پیام آن امکان بازیابی ماهیت معنوی و قدرت الهی و ایمان به خدا بوده است. امام با بازگشایی این راه، وجدان معنوی غرب را شدیداً به لرزه در آورد هرچند رسانه‌های گروهی غرب سعی در پوشاندن و مخفی ساختن آن داشته باشند.»

دکتر فوسبری، مراسم عزاداری ملت ایران را نمونه‌هایی از عشق عمیق یک ملت نسبت به معشوق خود دانسته و اشک ده‌ها میلیون ایرانی را در سوگ رهبر از دست رفته‌شان، عزای یک ملت در فقدان امام خود خوانده و اضافه می‌کند: «عکس‌العمل میلیونی مسلمانان در غم از دست دادن تنها یک سیاستمدار نبود، بلکه درد جدایی کسی بود که ماهیت فرهنگی یک ملت را به وی بازگرداند و راه آزادی را به جهانیان آموخت.»^۲

پروفسور پروولسی ایتالیایی، استاد ایران‌شناسی در دانشگاه رم

«مهم‌ترین عملکرد آیت‌الله خمینی امکان‌پذیر نمودن یک انقلاب اسلامی بود، آن‌هم در کشوری که تمدن و فرهنگی قوی را در سابقه خود دارد، این کار باعث شد تا مردم ایران فرهنگ واقعی و قدیمی خود را که همان فرهنگ اسلامی بوده بشناسند و خود را متکی

۱. جمهوری اسلامی ۱۳۶۸/۱۱/۲۴

۲. سپهری / محمد / خورشید بی غروب / ص ۹۲

بر آن فرهنگ به جامعه جهانی بشناسانند.

این در حالی بود که تا قبل از انقلاب اسلامی، تنها آوایی که از ایران بلند بود و معیار شناخت جهانیان از کشور ایران اعلام می‌شد، صدای غربزدگی بود؛ بنابراین آیت‌الله خمینی رحمه الله آغازکننده انقلابی بود که بالاخره فرهنگ اسلامی راستین ملت ایران را آشکار ساخت. (۱۸)»^۱

دکتر «دیمتری کیت سیکس» از متفکران مسیحی ارتدکس و استاد تاریخ روابط بین‌الملل کشور یونان

«برای ما مسیحیان ارتدکس یونان که تفوق جویی شیطانی ارزش‌های غربی را رد می‌کنیم، امام خمینی رحمه الله نمونه‌ای بود از یک مبارز جهانی، جهت استقرار حق به جای ارزش‌های مادی. اگرچه تبلیغات جهانی غرب سعی می‌کرد از ایشان یک تصویر فناتیکه^۲ { فناتیک یعنی: متعصب در دین یا مذهب، طرفدار شدید یک فرقه یا یک حزب. (فرهنگ معین) } ترسیم نماید، ولی ما می‌دانیم که وجود او مملو از مهر و محبت نسبت به تمام ملل روی زمین - که در مسیر خدا حرکت می‌کردند و برتری ارزش‌های مادگیری را رد می‌کردند - بود»^۲

«رابین وود زورث»، نویسنده و محقق مسیحی از کشور آمریکا

«درباره آیت‌الله خمینی رهبر جمهوری اسلامی، صحبت‌ها و حب و بغض‌های فراوانی مطرح شده است. در فرصتی که برای دیدار او پیش آمد، فکر کردم در چنین موقعیت مهمی، تلاش لازم را به کار برم و نتیجه را هرچه شد قبول نمایم.

از نظر دنیای غرب، امام خمینی رحمه الله مظهر سرسختی، غرور و انعطاف‌ناپذیری بود، حتی آن عده از غربی‌هایی که من آن‌ها را ملاقات کرده بودم و آن‌ها نیز قبلاً امام را دیده بودند، ضمن آن که جذابیت رهبری ایشان را انکار نمی‌کردند ولی رفتار او را فاقد گرمی و خنده توصیف می‌کردند.

حالا من فرصتی یافتم تا خودم قضاوت کنم. فرصت برای دیدن کسی که برجستگی و شامخیت شخصیت او ایران را در بر گرفته بود، آن که سیاستش باعث تحولات عمیق در ایران و برانگیختن خشم فراوان غرب شده بود.

۱. شخصیت امام رحمه الله از دیدگاه رسانه‌ها و متفکران جهان، ص ۲۶

۲. شخصیت امام رحمه الله از دیدگاه رسانه‌ها و متفکران جهان، ص ۵۸.

من در جلو هال (حسینیه جماران) قرار گرفتم، به محض حضور امام روی بالکن حسینیه، جمعیت حاضر یکپارچه از جای خود برخاستند و فریاد زدند خمینی، خمینی، خمینی. اولین باری بود که چنین رفتار عمیقاً هیجان انگیز، شادمانه، مبارزانه و احترام آمیز را نسبت به یک انسان مشاهده می‌کردم. هنگامی که در باز شد و او وارد شد، توفانی از انرژی برخاست. عباى قهوه ای، عمامه مشکی و محاسن سفیدش همه مولکول های ساختمان را به حرکت درآورد. توجه حضار آن چنان متمرکز و میخ‌کوب شد که هر چیز دیگر غیر از او ناپدید شد.

خمینی به مثابه هاله یک نور در حال حرکت به عمق وجدان و آگاهی همه کسانی که در حسینیه جماران حاضر بودند، نفوذ کرده بود. او تمام تصاویر تخیلی را که هرکس قبل از ملاقات با او در ذهن خود ساخته بود، منهدم می‌کرد. حضورش چنان پر قدرت بود که من خود را در محاصره هیجاناتم و در فاصله بسیار دور از ایده‌ها و تجارب شخصی قبلی‌ام احساس می‌کردم.

من قبلاً انتظار داشتم پیرامون حرکات سیما و انگیزه‌های او و شگفتی‌های طبیعت واقعی او به تحقیق بپردازم، ولی قدرت خمینی، توفیقات او و قدرت مطلق کنترل و احاطه نفسانی او، همه قالب‌های ارزیابی ذهنی مرا نابود ساخت و من خود را در حال گرفتن احساس و انرژی که توسط اشعه حضور او در حال تبلور بود یافتم.

خمینی یک توفان بود، با این همه در نهاد این توفان یک سکون و آرامش مطلق وجود داشت. او بسیار شدید و آمرانه بود و در عین حال بسیار آرام بخش. او پاسخگو، باز و پرتأثیر بود. در درون او یک حقیقت ساکن و غیر قابل حرکت وجود داشت، ولی همین بی حرکتی باعث حرکت کلی یک کشور شد.

او یک انسان معمولی نبود، در واقع تمام کسانی را که قبلاً ملاقات کرده بودم از عرفا و زهاد تا راهب‌های بودایی، حکمای هندی و دیگران، هیچ کدام دارای چنین حضور برق آسا و انرژی بخشی نبودند.

برای آن‌ها که توانستند ببینند و احساس کنند، هیچ گونه ابهامی خمینی یک توفان بود، با این همه در نهاد این توفان یک سکون و آرامش مطلق وجود داشت. او بسیار شدید و آمرانه بود و در عین حال بسیار آرام بخش. او پاسخگو، باز و پرتأثیر بود.

درباره کمالات والای خمینی باقی نماند. این عظمت و کمال در همه جا منعکس بود. در تنفسش، در حرکت اندام و دستانش، در آتش شخصیتش و در آرامش آگاهی و

وجدانش؛ همه چشم‌ها به سوی خمینی بود، در آنجا اثری از خودخواهی و خودپسندی نبود.

همه حواس او به شکل سرسختانه و در عین حال برنامه‌ریزی شده‌ای به همان نقطه‌ای معطوف بود که به نحو زیبا و عارفانه‌ای جو آن جمع را جلب کرده بود. علی‌رغم آن اراده شدید و اخلاق پرجلالت و سازش‌ناپذیر، روحیه کاملاً مثبت و هموار او در حرکت دستانش و صدای صاف کردن حنجره‌اش و افکار متمرکزش متجلی شده بود.

درحالی‌که صدها مسلمان عاشق میهن در مجلس، عظمت او را فریاد می‌زدند و با تحسین و ستایش مطلق از او به وفاداری عاشقانه‌اش سوگند یاد می‌کردند، او در درون خود بود و همچنان آرام و بی‌حرکت باقی مانده بود. چنین صحنه‌هایی خارج از مرز تصور و حدودی بود که من به آن‌ها خو گرفته بودم.

خواننده ممکن است این توصیفات را مبالغه‌آمیز بداند. چنین کسی باید بداند که علیرغم همه شنیده‌های قبلی‌ام و علیرغم مطالب متضادی که قبلاً دریافت کرده بودم، اولین و واقعی‌ترین تأثیر شخصیتی [امام] خمینی هیچ ارتباطی با مقولات مطرح شده علیه او نداشت. برای آنکه بتوانید واقعه فهم فوریه را که در شمال تهران (ملاقات در حسینیه جماران) اتفاق افتاد، تصور کنید به مثال‌های زیر توجه کنید:

برای یک لحظه فشار نوزاد برای رهایی از رحم مادر و ورود به دنیای جدید را تصور کنید و یا لحظه‌ای که فرد به مردن آگاهی پیدا می‌کند. ریشه این حقایق خارج از چارچوب تجارب شخصی بود و برای من قبلاً قابل تصور نبود، زیرا هرگز تجربه نکرده بودم. حقیقت این است که وقایع خودآفریننده تجارب اند. موضوعیت این تجربه به نظر می‌رسید اساس و ریشه آگاهی مرا هدف قرار داده است. من مدل این تجربه را به نحوی بالا بردم که تمام احساسات و افکارم را به سوی آگاهی خود هدایت کرد. آری، امام خمینی رحمه الله آن انسان قوی، قدرتمند و شکست‌ناپذیر بود؛ و شخصیت او مهم‌ترین ویژگی اوست و مهم‌ترین ویژگی حرکت او شناساندن چنین شخصیتی بود.^۱ آنتونی پران، زیمنوس - نویسنده

حضور آمریکا در منطقه را یک حرکت ضد انسانی در عرصه سیاست بین‌المللی می

۱. پاک‌نیا / عبدالکریم / مجله مبلغان / امام خمینی (ره) از منظر دانشمندان جهان

داند. امام خمینی، قانون اساسی آمریکا و شعار حقوق بشر و دموکراسی را از طرف آمریکا کاملاً ریاکارانه و دروغ می‌داند و آمریکا را همان استکباری می‌پندارد که قرآن به آن اشاره کرده و امام خمینی، آمریکا را شیطان بزرگ می‌نامد و سلطه‌گری آمریکا را محکوم می‌کند. امام خمینی از همان ابتدای شروع انقلاب موضع خود را نسبت به آمریکا و شعارهایش با قاطعیت روشن می‌کند. امام خمینی، سیاست‌های آمریکا و عملکرد وی را در کشورهای جهان سوم به درستی می‌شناسد و بر آن‌ها اشراف دارد و این نوع عملکرد را محکوم می‌کند. امام خمینی متوجه شده است که آمریکا از قوانین بین‌المللی پیروی نمی‌کند و توانایی اداره کشورهای جهان سوم را ندارد. امام خمینی تأثیر زیادی در برداشتن نقاب از چهره آمریکا در جهان داشته است و چهره منافقانه آمریکا را به مردم نشان داده است.^۱

آسدستوپرس

آیت‌الله خمینی جهان را تکان داد و راهنمای مطلق ایران به شمار می‌رفت. آیت‌الله خمینی فردی با چهره‌ای مصمم و پولادین بود که در برخورد با مخالفین به گونه‌ای رفتار می‌کرد که گویا آن‌ها در مقابل اسلام فاقد قدرت هستند. امام خمینی، هرگز سازش نکرد. در چهره او هیچ نشانی از تردید و آشفتگی درونی دیده نمی‌شد. در تمامی دوران ملت‌هت انقلاب ایران، پیام امام ساده باقی ماند، (شاه باید برود) هیچ کدام از پیشنهادهای متعدد سازش در این زمینه به جایی نرسید.

احمد، شیخ زهیر - امام جماعت مسجد الحمدلله شهر بوستون آمریکا
من معتقدم که مردم مسلمان امام خمینی^(۵) را دوست دارند و از رحلت ایشان غمگین شدند. ما یک قهرمان بزرگ را از دست دادیم. حتی مردم غیر مسلمان نیز در آمریکا به خاطر عدالت خواهی امام، ایشان را ترجیح می‌دادند. باید بار دیگر بگویم که امام خمینی^(۵) فردی فوق‌العاده و نمونه بزرگ و بارزی از یک مجاهد واقعی و پیرو حضرت محمد (ص) بودند که خدایشان رحمت کند. ما باید افتخار کنیم که در زمانی زندگی کردیم که ایشان بودند. او (امام خمینی) در قلب ماست و همه او را عاشقانه دوست دارند.^۲

۱. بانک مقالات ایران / ویژه سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) [/https://www.edub.ir](https://www.edub.ir)

۲. پاک‌نیا / عبد‌الکریم / مجله مبلغان / امام خمینی (ره) از منظر دانشمندان جهان

آ، بیل، جیمز - استاد دانشگاه و محقق

(امام) خمینی مانند بسیاری از جوانان مذهبی مشتاق در شهرهای کوچک در قلب ایران، ثروت مادی اندکی داشت اما از استعداد طبیعی سرشاری برخوردار بود ... او سرانجام صاحب تخصص فوق العاده ای شد و به یک مدرّس و معلم مردمی فلسفه اسلامی و اخلاقیات بدل گشت. (امام) خمینی که خود از پیروان آیت‌الله العظمی «سید محمد حسین بروجردی» از رهبران آگاه، اما غیر سیاسی شیعه بود، سیستم سیاسی پهلوی را نامشروع، فاسد و سرکوب گر می شمرد و احساس مخالفت با آن را قویاً پرورش می داد. بعد از مرگ «بروجردی» در فروردین ۱۳۴۰. امام خمینی کار خود را به عنوان یک فعال سیاسی آغاز کرد. تردیدی نیست که (امام) خمینی با اخلاص کامل و اراده محکم اهداف خود را دنبال می کرد. وی از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد در صدد نابود کردن سلسله پهلوی بود و احساس می کرد، این خاندان روح ایران را به غرب فروخته، درحالی که فساد، کارهای خلاف اخلاق و ظلم و استبداد را در ایران ترویج کرده است، فعالیت‌های رژیم علیه او در دهه ۱۹۶۰ و علیه پیروان او و طلبه های مرید او در اوایل دهه ۱۹۷۰، این مخالفت اولیه او را تقویت کرد.^۱

برجید آن، استارکی - نویسنده

امام خمینی به ارتباط فرهنگ و توسعه بسیار اهمیت می دهد و معتقد است فرهنگ هر جامعه موجودیت و هویت آن جامعه را می سازد و اساس ملیت یک ملت را امام خمینی در فرهنگ می داند و می گوید: فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است. اساس استقلال یک ملت است. امام خمینی نگرشی جامعه‌شناسانه به اسلام داشته است و ترسیم تازه‌ای از مبانی اسلامی دارد.^۲

اکونومیست

امام خمینی برای پیروانش سمبل خلوص، قدرت و عزم برای مبارزه با دشمنان اسلام بود که وی آن‌ها را در قالب هجوم ارزشهای فرهنگی و سیاسی غرب می دید و برای

<https://hawzah.net/fa/Magazine/>

۱. پاک نیا / عبد‌الکریم / مجله مبلغان / امام خمینی (ره) از منظر دانشمندان جهان

<https://hawzah.net/fa/Magazine/>

۲. پاک نیا / عبد‌الکریم / مجله مبلغان / امام خمینی (ره) از منظر دانشمندان جهان

<https://hawzah.net/fa/Magazine/>

دشمنانش یک بنیادگرای آشتی ناپذیر بود.^۱

عبدالله مشعل، الانزی - محقق

پس از انقلاب اسلامی ایران، امنیت و ثبات منطقه با برقراری حکومت اسلامی امام خمینی برقرار شد که متأسفانه با جنگ ایران و عراق مورد تهدید قرار گرفت. ارزشهای فکری امام خمینی در روابط بین‌المللی و سیاست‌های ایشان در منطقه بسیار مشهود است. اندیشه سیاسی امام خمینی بر گرفته از اصول و قوانین الهی است و ایشان در تمام جنبه‌های زندگی بشری تکامل و رسیدن به خداوند را مد نظر داشته است. امام خمینی همواره سعی داشت تا حکومتی بر پا سازد که کاملاً مطابق با اصول و ارزشهای اسلامی باشد و معتقد بود که تنها احترام به ارزشهای انسانیت می‌تواند موجب به وجود آمدن روابط صحیح بین‌المللی شود.^۲

بنده معتقدم که تاریخ، امام خمینی را به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت جهانی قرن بیستم معرفی خواهد کرد، زیرا که او فردی بود که هم نبوغ سیاسی و هم نبوغ دینی را باهم داشت. درست است که ولایت‌فقیه به عنوان یک مفهوم اسلامی تشیع از عصر غیبت صغری همواره مورد بحث و بررسی بوده، ولی امام خمینی به این مفهوم تفسیر دیگری دادند. ایشان می‌گفتند: «امام زمان از طریق علمایی که فقیه اند نقشی در حکومت دارند و آن علما نایبان امام هستند» و چنانچه در شخصی خصوصیتی که امام بیان کرده فراهم گردد، فقیه هم خود او خواهد بود. بنده معتقدم که از مهمترین اثرات نهضت امام خمینی^(۵) این بوده که حکومت در یک کشور بزرگ و با اهمیت اسلامی را از ماهیت لائیکیتی آن به ماهیت اسلامی و دینی مبدل ساخت و بدین ترتیب، جمهوری اسلامی الگویی برای جنبش‌های اسلامی جهان گردید.

امام خمینی در واقع یک ویژگی مهم داشت که عامل تفاوت او با دیگران بود این ویژگی قاطعیت او بود. او در طول جنگ ایران و عراق در برابر غرب ایستاد و تسلیم نشد. جمهوری اسلامی با مشکلات و سختی‌های بزرگی مواجه گشت اما امام با قدرت آن‌ها را به جان خرید و با آن دست‌وپنجه نرم کرد. منظورم دوره بنی‌صدر و مجاهدین خلق [منافقین] است. معتقدم که اکنون انقلاب مرحله‌ای را آغاز کرده که تا حدی موقع

۱. اکونومیست، هفته نامه

۲. ایوب، مصطفی - نویسنده کتاب تفسیر قرآن و مدیر گروه مطالعات ادیان - دانشگاه تمپل امریکا

برداشت و چیدن میوه‌های انقلاب است که بر اثر خون شهدای ایران به بار نشست است. به اعتقاد من امام (ع)^۶ مانند تمامی سازندگان تاریخ، تنها یک فرد نبود، بلکه او یک جنبش اسلامی بود و آن هم یک جنبش مهم، او رهبر یک تحول و دگرگونی بود که در شخص ایشان تجسم یافت. یازده سال قبل با امام دیدار داشتم و از اینکه با یک انسان ایده آل و برجسته‌ای دیدار کردم شگفت‌زده شدم. من در واقع نمی‌خواهم در تعریف و تمجید او مبالغه کنم و نمی‌خواهم بگویم که امام خمینی در تماس با امام مهدی (عج) بودند، این چیزهایی است که نمی‌خواهم راجع به آن‌ها بحث کنم؛ ولی معتقدم که از لحاظ قدرت فکری، امام تنها یک فرد یا پدیده فردی نبود بلکه یکی از سازندگان تاریخ بود.

الاین، فونتانا. - پژوهشگر

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی مانع از آن شد تا اهداف آمریکا در ایران و منطقه خلیج فارس تحقق یابد. آمریکا در پایان دهه ۱۹۷۰ از وقوع انقلاب در ایران شگفت‌زده شده بود. شکست آمریکا در ایران پس از انقلاب از یک سو ناشی از بی‌اطلاعی و عدم آگاهی مقامات آمریکایی از اوضاع داخلی ایران بود و از سوی دیگر از هوشیاری امام خمینی در جریان انقلاب و توجه همیشگی رهبر ایران به مسائل داخلی و خارجی ایران زیرکی ایشان ناشی می‌شد، اقتدار و سرعت عمل رهبر ایران در تصمیم‌گیری از دیگر عوامل شکست آمریکا در ایران پس از انقلاب به شمار می‌رود.^۱

باربارا، گیش گلندورا - محقق

علی‌رغم تبلیغات منفی رسانه‌های غربی در مورد ایران، پس از انقلاب اسلامی جایگاه زنان در جامعه ترفیع یافته است و سخنان امام خمینی شاهد بر این مطلب است. ایشان زنان را بخش مهمی از نیروهای فعال و پویای جامعه معرفی می‌کند و نقش زنان را در ایجاد انقلاب اسلامی بسیار ارزشمند می‌داند و برای حفظ انقلاب برای زنان رهنمودهای خاصی دارند. افزایش آزادی زنان ایران پس از انقلاب و پیشرفت آنان در آموزش و فعالیت‌های اجتماعی ناشی از دید باز و همه‌جانبه رهبر ایران می‌باشد. امام خمینی زنان را به شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ترغیب می‌کند و زنان پست‌های بالای مدیریتی را نیز در ایران می‌توانند احراز کنند. رهبر ایران زیربنای جامعه را؛ زنان می‌داند

۱. بانک مقالات ایران / ویژه سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) <https://www.edub.ir>

و بنابراین در برنامه‌های دولتی توصیه‌هایی برای ارتقای فرهنگی زنان دارد.^۱

برگز، پیتر - ال - جامعه‌شناس دینی

جهان امروز جهانی به شدت دینی است و نمی‌توان آن را، آن‌چنان‌که بسیاری از تحلیل‌گران نوگرا اعلام کرده‌اند جهانی سکولار نامید. میل به دین همواره در بشر وجود داشته است ولی ظهور پدیده انقلاب ایران و ظهور افکار رهبر آن در جهان، تمایل به دین را دوباره در دل‌های مردم سراسر جهان شعله‌ور ساخته است و آنان که از نقش امام خمینی در دنیای اسلام غفلت می‌ورزند در تحلیل مسائل جهان دچار اشتباه می‌گردند.^۲

پاییز، دانیل - رئیس انجمن سیاست خارجی

باید اعتراف کنیم که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ما برای افکار دینی و مذهبی هیچ جایی باز نکرده بودیم ولی از این‌پس برای ما آمریکایی‌ها ضروری است که زمینه‌ای جهت مطالعه و تحقیق پیرامون مذهب فراهم آوریم و به‌طور خاص در زمینه اندیشه و اعتقادات و خط‌مشی و هدف امام خمینی تحقیقاتی به عمل آوریم چراکه نمی‌توان از تأثیرات اندیشه امام خمینی در جهان به‌راحتی گذشت و دنیای غرب به دلیل نفوذ افکار امام خمینی بار دیگر اسلام را کشف کرده است و این ما آمریکایی‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.^۳

باسل رؤف، خطیب - محقق

ملی‌گرایی همواره مهم‌ترین عامل در روابط ایران و اعراب بوده است و تضاد اعراب با ایران به گونه‌های متفاوت فرهنگی، مذهبی، منطقه‌ای، سیاسی و اقتصادی نمود یافته است. انقلاب اسلامی ایران الگوهای مداخله در خلیج فارس را تغییر داده است و حضرت امام خمینی با عملکرد خود به وحدت جهان اسلام کمک شایانی کرده است و بحث شیعه و سنی را بسیار کم‌رنگ کرده است. امام خمینی فراملی می‌اندیشید و به تشکیل امت واحده اسلامی فکر می‌کرد. امام خمینی اهتمام ویژه‌ای در برداشتن دیوارهای موجود بین دو مذهب شیعه و سنی داشته است و اعتقاد به اسلام را سرلوحه عملکرد هر

۱. بانک مقالات ایران / ویژه سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) [/https://www.edub.ir](https://www.edub.ir)

۲. بانک مقالات ایران / ویژه سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) [/https://www.edub.ir](https://www.edub.ir)

۳. بانک مقالات ایران / ویژه سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) [/https://www.edub.ir](https://www.edub.ir)

مسلمان می‌دانست.^۱

رهبر زاهد و نستوه

او یکی از رهبران زاهد و نستوه شیعه بود که شاه ایران را برانداخت و آمریکا را تحقیر کرد.^۲

مردی با جاذبه و نفوذ بی‌مانند

تردیدی نیست که ایشان [امام خمینی] یکی از مردان بزرگ تاریخ در این قرن بود و کمتر کسی را امروز می‌توان یافت که از جاذبه و نفوذی همانند آنچه او نه‌تنها در ایران بلکه در جهان داشت، برخوردار باشد و توجه قدرت‌های بزرگ تا به این حد به خود معطوف دارد. به گمان من مورخین روزی نشان خواهند داد که او مردی بود که شخصیتش به‌خوبی درک نشده است. او مردی بود که تنها قضاوت خود را قبول داشت و سازش‌کاری نکرد.^۳

این‌که کدام کشور بر جهان قرن ۲۱ مسلط خواهد شد، سؤال مهیجی می‌باشد اما در واقع طرح این سؤال اشتباه است زیرا بزرگ‌ترین تحول امروز جهان ظهور پدیده‌ای جدید، یعنی نیرو و قدرتی ماورای دولت‌های ملی می‌باشد و نمونه‌ای از جریان فوق را امام خمینی ذکر می‌کند. او با استفاده از نیروی مذهب بخش قابل‌توجهی از قدرتی را که مدت‌ها در انحصار دولت‌های ملی بود در کنترل گرفت. وقتی امام خمینی فتوای قتل سلمان رشدی را صادر کردند در واقع برای حکومت‌های دنیا پیامی تاریخی فرستادند که بسیاری از دریافت و تحلیل آن عاجز ماندند و مضمون واقعی پیام امام چیزی نبود، مگر فرارسیدن عصری جدید از حاکمیت جهانی که غربی‌ها باید آن را با دقت موردنظر و بررسی قرار دهند؛ زیرا امام خمینی نخبه‌ای است که حرکتی را شروع کرده است که در ادامه حرکتش، قلمرو اندیشه‌های بشری، هم جایگاه حکومت‌های دولتی و هم اقتدار دولت‌های ملی و محلی را تغییر می‌دهد.

دی استمپل، جان - وابسته سیاسی سفارت آمریکا، دکترای علوم سیاسی؛ رهبری

۱. بانک مقالات ایران / ویژه سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) <https://www.edub.ir/>

۲. پیوسن، ریچارد - عضو تحریریه واشنگتن پست

۳. پرشت، هنری - کاردار سیاسی نظامی سفارت آمریکا در سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۸

تا فلتر، الوین - نویسنده کتاب موج سوم؛ ایجادکننده نیروی مافوق نیرو و قدرت دولت‌های ملی

پیامبرگونه

جنبه‌هایی چند از دکترین خمینی نیاز به توجه بیشتری دارد. اول، تصویری که از خود به‌عنوان یک رهبر اخلاقی برتر از سیاست دارد. او هیچ‌گاه درصدد احراز مقام اجتماعی برای خود نبوده است، باین حال او خود را چهره برتر انقلاب اسلامی می‌داند که اطاعت از او به طبع خصوصیات مذهبی‌اش از واجبات است. زمانی که توسط اورینا فالاجی روزنامه‌نگار سرشناس ایتالیایی مورد سؤال قرار گرفت، چنین پاسخ داد: «ایران در دست من نیست، در دست ملت است؛ و ملت هم کسی که خدمتگزار باشد و مصالحشان را بخواهد، با آزادی مطلق، به او ممکن است رو بیاورد.»^۱

تصمیم خمینی به عدم سازش تا آخر با نظام سلطنتی سرانجام موجب شد تا به‌عنوان یک رهبر پیامبرگونه منشأ بر حق نظام انقلابی امروز، پیشاپیش نهضت انقلابی قرار گیرد. بعد از پیروزی انقلاب، دولت‌ها و سیاستمداران بر مبنای تمایلاتشان به «پیروی از خط امام» کامیاب می‌شدند و یا سقوط می‌کردند. در اکتبر ۱۹۷۸ وقتی که امام خمینی وارد پاریس شد هیچ‌یک از رهبران مخالف از ترس نابود شدن موقعیت خود در درون نهضت جرأت سازش با حکومت را نداشت. شبی که حکومت نظامی شاه تحمیل گردید. کریم سنجابی به چنین اقدامی دست زد؛ اما بعد از کوشش برای پیوستن به حکومت و تشکیل دولت منصرف شد.

در ژانویه ۱۹۷۹ وقتی که شاپور بختیار پیشنهاد شاه را برای نخست‌وزیری پذیرفت، بلادرنگ از سوی جبهه ملی و نیز از طرف سایر گروه‌های مخالف رانده شد. مهدی بازرگان از نهضت آزادی، به‌کلی وفادار به خمینی باقی ماند. هرگز وسواس مصالحه با حاکمیت به او دست نداد و چنین بود که اولین نخست‌وزیر آیت‌الله خمینی گردید. تأکید مجدد و مدام بر حمایت از خط خمینی برای ماندن در حلقه روحانیت و موردقبول قرار گرفتن، یک ضرورت شد. در نوامبر ۱۹۷۹ ابراهیم یزدی و رئیس او مهدی بازرگان پس از ملاقات با زبینگنیو برژینسکی «غیرقابل‌اعتماد» در الجزیره به کنار زده شدند.

دانیل، دیتگر - پژوهشگر؛ رهبری با مدیریت صحیح

پیوند و ارتباط قوی ملت با رهبر در بهمن ۵۷، باعث شکستن حکومت پهلوی در ایران

شد و در میان رهبران سیاسی و انقلابی جهان، کمتر کسی را می‌توان یافت که مانند امام خمینی توانسته باشد همه اقشار جامعه؛ اعم از دانشگاهی، روحانی، بازاری، کسبه، کشاورز، کارگر، شهری و روستایی، زن و مرد، پیر و جوان و خرد و کلان را به حرکت درآورد و به خیزش و خروش وادارد. امام خمینی وحدت را در میان همه اقشار و احزاب برقرار کرد حتی احزاب و گروه‌های غیرمذهبی را باسیاست و مدیریت صحیح رهبری کرد تا انقلاب اسلامی به ثمر نشست.

راديو دولتي آمريكا؛ چهره پيشتاز

آيت‌الله خميني، چهره پيشتاز و سردمدار انقلابي است كه ايران را در سال ۱۹۷۸ در خود غوطه‌ور ساخت و روابط محكم و دوستانه ايران و آمريكا را با خصومتي آشتي‌ناپذير جايگزين ساخت. (راديو آمريكا) ايران را در مقابل نفوذ نظامي، سياسي و اقتصادي آمريكا مصونيت بخشيد در ده سال گذشته، آيت‌الله خميني آمريكا را بارها با ناتواني مواجه ساخت و در اين مورد به آمريكا درس داد و رئيس جمهوري آمريكا را با نااميدي مواجه ساخت. شايد تابه‌حال در هيچ دوره‌اي از سال‌هاي اخير برنامه ريزان سياسي آمريكا با چنين وضعي روبرو نشده بودند كه كشوري در مقابل نفوذ نظامي، سياسي و اقتصادي آمريكا مصونيت داشته باشد.

رضا، موسی - مبلغ اسلام و تشیع؛ معرفی امام، معرفی اسلام است

من عاشق امام هستم و از جان خود امام را بیشتر دوست دارم، اما شما برای آموزش مردمی که امام را دوست دارند و من بسیاری از آنها را می‌شناسم؛ زحمت زیادی نکشیده‌اید ما باید به این مردم آموزش دهیم، ما باید از جریانات عالم بااطلاع باشیم و مطالب را به مردم جهان برسانیم یک مثال خوبی دارم که برایتان بگویم: هنگامی که جیمی کارتر (رئیس‌جمهور وقت آمریکا) آزادی‌گروگان‌های آمریکایی را به دست آورد، در پاسخ به گزارشگر تلویزیون گفت: اگر خدا باشد؛ او خمینی است؛ یعنی اگر خدایی وجود داشته باشد و بتوانی او را درک کنی، آن خداوند در وجود خمینی تجلی کرده است.

آیا شما این خبر را شنیده‌اید؟ چند درصد از مردم ایران می‌دانند؟ آیا این خبر را به مردم رسانیده‌ایم؟ چقدر درباره آن صحبت کرده‌ایم؟ درواقع ما زحمت زیادی نکشیده‌ایم. شاید شما خوشتان نیاید، ایرانی‌ها زیاد صحبت می‌کنند اما به گفته‌های امام خود درست عمل نمی‌کنند.

امام خمینی در میان مردم ایران هم مظلوم است - باید دست یاری به هم بدهیم و کاری کنیم - امام خمینی نعمت است؛ نه تنها برای مردم ایران یا پاکستان و افغانستان، بلکه برای همه مردم دنیا؛ او نعمتی است که به گروه خاصی تعلق ندارد. خیلی‌ها در خارج از خمینی شناخت؛ که خیر، حتی اطلاع درستی هم ندارند، چیزهایی که می‌دانند بسیار کم است. معرفی امام، همان معرفی اسلام است. اگر کسی اهل بیت را بشناسد، اگر کسی خمینی را بشناسد، مسائل حل می‌شود، من صریحاً برایتان بگویم، رهبر مسیحیت درباره امام خمینی باکمال تعجب گفت: وقتی ما امام را دیدیم، صورت او مانند صورت پیامبر بود. صورت او مثل نور بود. ما باید روی این مسائل کار کنیم.

خبرنگار مجله تایم که در اسرائیل و بیت المقدس بود و درباره اشخاص و هویت آنان مطالبی می‌نوشت گزارشی داشت که در آن از مردم عادی می‌پرسید از امام خمینی چه می‌دانید. در واقع این کار ماست. عقاید بسیاری درباره امام وجود دارد که ما باید آن‌ها را به دست آوریم. مثلاً در پاکستان که ۸۰ درصد مردم سنی هستند - حتی سپاه صحابه - می‌گفتند ما در پاکستان به یک امام خمینی نیاز داریم. کار برای امام خمینی مثل کار برای اهل بیت است.

زونیس، ماروین - استاد دانشگاه شیکاگو و کارشناس مسائل ایران؛ آموخت که ایرانیان خود حاکم بر سرنوشت خویش باشند.

یکی از اهداف اصلی آیت‌الله خمینی شکستن این اعتقاد ریشه‌دار در فرهنگ ایرانی بود که ایرانیان نمی‌توانند امور خود را به دست گیرند. او سعی می‌کرد تا به ایرانیان القا کند که خود حاکم بر سرنوشت خویش‌اند. بدین طریق، در طول ماه‌هایی که رژیم انقلابی پنجاه و دو تن تبعه آمریکا را به گروگان گرفت، شعار مورد توجه آیت‌الله خمینی و پیروانش این بود: آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. این شعار آن قدر تکرار شد که به نظر افسونی سحرآمیز جلوه نمود. ولی استفاده آیت‌الله خمینی از این شعار برای شکستن الگوی غلط از فرهنگ و شخصیت ایرانی بود.

الشری، شیخ محمدجواد - امام جماعت دیترویت آمریکا؛ شخصیت قوی و بانفوذ امروزه شخصیت قوی و بانفوذ امام زبان زد همه‌ی آمریکایی‌ها حتی کودکان است؛ چراکه امام خمینی برای جهانیان سستی غرب را ثابت و قدرت اسلام را نمایان کرد. انقلاب اسلامی ایران به برکت هوشیارانه‌ی امام خمینی و پایداری و شجاعت بی‌نظیر ملت مسلمان ایران به پیروزی رسید.

صلاح خان - مسلمان برجسته آمریکایی؛ نام او یادآور ایمان، عزت و عزم راسخ و هدایت نام امام خمینی یادآور ایمان، عزت، عشق، قدرت، آرامش، خضوع، عزم راسخ و هدایت است. نقش عبودیت در چهره وی نمایان و تعالیمش همراه با عمل بود. امام خمینی تنها رهبری است که بعد از ۱۴۰۰ سال با گذاردن پا جای پای حضرت رسول (ص) فرزندان امت اسلامی را بیدار و مجدداً با شعائر اسلامی و ندای نه شرقی و نه غربی آشنا ساخت. امام خمینی عزت، افتخار و شرف را مجدداً به مسلمانان بازگردانید و حقیقت اصول دین را احیا نمود. امام خمینی با انقلاب اسلامی اش قدرت و شوکت را در مسلمانان دوباره زنده نموده و ثابت کرد که اسلام قادر است حکومت سیاست الهی بر پا کند

کارتر، جیمی - رئیس‌جمهور اسبق آمریکا؛ قهرمان بزرگ کشور

امام خمینی در کشورش به‌عنوان یک قهرمان بزرگ تلقی می‌شود.

صالح خان - شاعر و مسلمان سیاه‌پوست فعال در واشنگتن؛ شخصیتی که توکل عمیق به خداوند داشت

امام خمینی به همان اندازه که در برابر دیگران سازش‌ناپذیر و پیرصلابت بودند باکمال خضوع و خشوع تسلیم تقدیرات الهی می‌شدند. اتکای همیشگی ایشان به خداوند، ملکه‌ای از امید و اعتماد به نفس در حضرتش به وجود آورده بود و با همین روحیه بود که کمترین وحشت و نگرانی از ناکامی‌ها نداشتند و با ایمان راسخ به جنگ کفر و استکبار رفتند.

عبدالفتاح، انیسا - رئیس مرکز تحقیقات سیاست‌های عمومی واشنگتن؛ صاحب‌کلام عارفانه

در بررسی و تحقیق پیرامون انقلاب‌های عصر حاضر بود که با انقلاب اسلامی ایران آشنا شدم و در نتیجه آشنایی با انقلاب اسلامی بود که به شخصیت والای امام امت پی بردم. این شناخت، ضمیر ناخودآگاهم را به مطالعه آثار امام راحل تحریک و ترغیب کرد و هرچه بیشتر مطالعه کردم مجذوب و شیفته‌تر شدم تا آنجا که بعد از مطالعه تفسیر سوره حمد؛ شناخت و آگاهی و علاقه‌ام به اوج خود رسید. در تفسیر سوره حمد، کلام را کلام غریبی نیافتم بلکه کلامی بود بسیار آشنا، کلامی که تا عمق جانم نفوذ کرد. کلامی که تحول معنوی مرا به همراه داشت. برایم بسیار جالب بود که شخصیتی مذهبی، سیاسی، قدرتمند، چنین عارفانه بیندیشد. آری کلام امام در من تأثیر شگرفی داشت.

عبدالعزیز - استاد تاریخ و فلسفه در دانشگاه ویرجینیای آمریکا؛ ارائه‌دهنده نقش سیاسی رهبری دینی در صحنه سیاست جهانی
 آیت‌الله خمینی اولین کسی بود که نقش سیاسی رهبر دینی و مرجع تقلید را عملاً در صحنه‌ی سیاست جهان عملی دانسته و پیاده کرد.

علوی، خدیجه - محقق مسلمان آمریکایی؛ انسان برگزیده خداوند
 امام خمینی انسان برگزیده خداوند بود، آن هم در زمانی که اسلام واقعی در حال تغییر و ناپدید شدن بود. امام خمینی نمونه‌ای شایسته برای بشریت هستند، ایشان اسلام را احیاء کرد و با آنکه ایشان رهبر یک جامعه شصت‌میلیونی بودند، لیکن نمادی از شخصیت ساده‌زیست مردم فقیر را ارائه نمودند. انقلاب اسلامی ایران یک هدیه الهی است و در واقع فرصتی مغتنم را برای پیاده کردن قوانین اسلامی فراهم کرده است. به نظر من پیدایش انقلاب اسلامی افق‌های بیداری را بر دریاچه دید بسیاری از مردم گشود و از جمله کشورهایی همچون مصر و لبنان از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفتند.
 فوسبری رئیس دانشگاه‌های کاتولیک آمریکای لاتین؛ منادی بازگشت به اصول فرهنگی،
 معنوی

امام خمینی به‌عنوان رهبر یک جامعه اسلامی برای کسب ارزش‌های واقعی و معنوی قیام کرد و با بهره‌گیری از آن‌ها، آزادی ملت خویش از هرگونه فساد و سقوط ارزش‌های اخلاقی و معنوی را بدست آورد. امام خمینی، یک انقلاب به معنای واقعی کلمه در ایران به وجود آورد، بدان معنی که با بازگشت به اصول فرهنگی و معنوی ملت خویش، بیداری آن‌ها را پدید آورد. امام خمینی با استفاده از آموزه‌های فرهنگ اسلامی موجب حرکت تاریخی ملت خویش گشت. وی توانست با یک انقلاب مذهبی و سیاسی حرکت عظیمی در کشورهای اسلامی به وجود آورد. امام خمینی راهی را بر رویمان گشود که مهم‌ترین پیام آن، امکان بازیابی ماهیت معنوی و قدرت الهی و ایمان به خدا بوده است. امام با بازگشایی این راه وجدان معنوی غرب را شدیداً به لرزه درآورد، هرچند رسانه‌های گروهی غرب سعی در پوشاندن و مخفی ساختن آن داشته باشند.
 عمر، ثابت - پژوهشگر؛ شخصیتی باهدف انسان‌سازی

امام خمینی برخلاف دیگر رهبران مذهبی دنیا به گونه‌ای دیگر می‌اندیشد. در نیکاراگوئه مذهب وسیله‌ای جهت بسیج توده‌ها در مبارزات سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی است، در حالی که امام خمینی هدف والاتری برای مذهب در ایران ترسیم نموده است و مذهب

را طریقی در رسیدن به رستگاری معرفی نموده است. امام خمینی خود اهتمام ویژه‌ای در خودسازی و سیر و سلوک داشته است و توصیه وی در مرحله اول انسان‌سازی در جامعه بوده است.

کاتم، ریچارد - کارمند ارشد سفارت ایالات متحده، استاد علوم سیاسی؛ یگانه و بی‌نظیر در تاریخ ایران

پدیده‌ی خمینی در تاریخ ایران یگانه و بی‌نظیر است. آیت‌الله خمینی برخلاف مصدق به محبوبیت عظیمی که میان توده‌ها دارد، به خوبی واقف است. او در سنین نزدیک به هشتادسالگی، تمام پیشنهادهای مربوط به قبول تصدی مقام سیاسی در ایران را رد کرده است. نهاد پادشاهی را نهاد مغایر اسلام اعلام کرد و به این ترتیب راه مصالحه با شاه و دودمان پهلوی را بست. او [امام خمینی] با این اقدام خویش برپایی یک نظام در حال گذار را فوق‌العاده دشوار ساخت، نظامی که بتواند میان خاندان پهلوی به‌عنوان پادشاهانی در قالب قانون اساسی، با جبهه گسترده و متنوع مخالفان، انطباق و سازش ایجاد نماید. نیرو و نفوذ (آیت‌الله) خمینی آن‌چنان زیاد است که بدون در نظر گرفتن پیامد رویارویی سیاسی، سیاست دولت ایران باید در چارچوب حدود مرزهایی باشد که خمینی تعیین می‌کند. به‌علاوه نهضت آن‌چنان قوی است که حتی با درگذشت خمینی نیز امر تعیین حدود مرزها ادامه خواهد یافت. اگر بناست آرامشی بر ایران حکم فرما گردد دیگر امکان ندارد فساد، نابرابری فاحش در توزیع درآمدها، هوای نورچشمی را در تجارت و کشاورزی کلان داشتن، واردات کالاهای تجملی و بی‌رحمی و خشونت نیروهای امنیت داخلی به سطح قبل از سال ۱۳۵۷ برگردد.

حدومرزهای تعیین‌شده توسط خمینی در سیاست خارجی هم چندان دقیق نیست اما سمت‌وسو روشن است، در سیاست خارجی آینده ایران در رابطه با ایالات متحده، شوروی، چین که همگی کم‌وبیش حامی شاه بوده‌اند، استقلال عمل به وجود خواهد آمد و تلاش بر این خواهد بود که زمینه‌های برپایی کودتا توسط هر قدرتی از میان برداشته شود. ایران باید به فروش نفت ادامه دهد، با دیگر کشورها وارد دادوستد کامل شود و از هر کجا لازم باشد کمک فنی دریافت کند. دیپلماسی ایران در مورد نیازهای جهان اسلام حساسیت بیشتری نشان خواهد داد و این به معنای پایان رابطه‌ی دفاکتو با اسرائیل و دوری از سادات است اما چون خمینی و هوادارانش در هیچ‌یک از سرزمین‌های اسلامی رژیم راستین اسلامی را نمی‌بینند این خط‌مشی می‌تواند مورد تعبیر و تفسیرهای

گوناگون قرار گیرد.

کرامر، مارتین - محقق و نویسنده؛ رهبری برجسته دارای قدرت توأمان روحانی و دنیوی به‌راستی که [امام] خمینی، هرگز ادعا نکرده که مقامی همپای دوازده امام دارد، اگرچه مردم به او امام خمینی می‌گویند. این عنوان، در معنی اخص آن، شخصیت [امام] خمینی را به‌عنوان یک رهبر برجسته که قدرت دنیوی و روحانی را توأمان داراست، نشان می‌دهد؛ اما نمی‌توان بدون طرح عقیده شیعیان درباره امامت و شباهت آن، با رستگاری مسیحایی، این اصطلاح را در مفاهیم شیعی به‌کاربرد. به‌علاوه، طرفداران پرشور [امام] خمینی او را نایب امام، یعنی نماینده امام غایب می‌دانند. چنین عنوانی، به این معنی است که پیروان [امام] خمینی قدرت او را الهی و مشروع می‌دانند. جاذبه [امام] خمینی و علماء؛ بازتابی از ستایش ائمه است. بدون داشتن چنین ستایشی انسان نمی‌تواند بر نظریه [امام] خمینی درباره حکومت، صحه بگذارد.

گازپوروسکی، مارک - نویسنده؛ طالب استقلال همه‌جانبه

امام خمینی طالب استقلال سیاسی، نظامی، اقتصادی ایران بود و از هرگونه مداخله دیگران در امور ایران به‌شدت بیزار بود و با آن مقابله می‌کرد و در هیچ شرایطی به‌جز شرط استقلال همه‌جانبه حاضر به صلح و مذاکره و سازش و برقراری روابط دیپلماتیک نبود.

فولر، گراهام - از مأمورین اسبق سیا؛ شخصیتی که نامش از ایران و تشیع جدایی‌ناپذیر است

نام خمینی از نام ایران و تشیع جدایی‌ناپذیر است، اما یکی از جنبه‌های انقلابی پیام او، آن است که این پیام از محدوده آیین تشیع فراتر می‌رود و مدعی جامعیتی است که کل جهان اسلام را در برمی‌گیرد. در واقع اغلب متفکران اسلامی تندرو جدید، وجود هرگونه تفاوت معناداری میان تعالیم سنی و شیعه را مردود می‌شمارند و این تفاوت‌ها را بازمانده‌های فاقد موضوعیت یک رویداد تاریخی می‌دانند که تأثیری بر مشکلات مسلمان معاصر ندارد. دیدگاه خمینی از یک ایدئولوژی اسلامی جهانی، ایران را در خط مقدم جبهه سیاست‌های اسلامی جهان قرارداد. پس از انقلاب، فرستادگان ایرانی سراسر دنیای اسلام را درنوردیدند تا پیام امام را دال بر تلاش به‌منظور تحقق عدالت اجتماعی و مبارزه با امپریالیسم «استکبار جهانی» و ظلم و ستم ترویج نمایند. در واقع روحانیون در تب‌وتاب اولیه خود، تقریباً با کلیه جنبش‌های انقلابی که در ضدیت با امپریالیسم

اشتراک نظر داشتند، احساس یگانگی می‌کردند.

گری سیک - عضو سابق شورای امنیت آمریکا؛ تبدیل‌کننده جنبش اصلاح‌گرانه و بلوغ نیافته به تجربه اصیل

انقلاب اسلامی ایران باعث غافلگیری کارگزاران آمریکا گردید. هدف [امام] خمینی در ایران ابتدا براندازی حکومت و استقرار جمهوری نبود، بلکه امام خمینی مصراً طالب دگرگونی انقلابی بود. [امام] خمینی انقلاب را باعث نشد بلکه جنبش اصلاح‌گرانه بلوغ نیافته‌ای را که هدف‌های محدودی را دنبال می‌کرد به تجربه انقلابی اصیلی مبدل ساخت که محتوای ایدئولوژیک یگانه خاص خودش را داشت. شاه در اندیشه بود که دولتی تشکیل دهد متشکل از میانه‌روی‌آیی که طرفدار قانون اساسی (ادامه سلطنت او) باشند و بتوانند حمایت روحانیون میانه‌رو را جلب کنند؛ اما این نقشه او یک عیب اساسی داشت و آن این بود که امام خمینی به مخالفت با چنین دولتی بر خواهد خاست و رهبران جبهه ملی که این را می‌دانستند و شجاعت رودررو شدن با او را نداشتند از شرکت در تشکیل چنین دولتی سرباز زدند.

گریگوری فرانک، رز - نویسنده؛ نخبه سیاسی قرن بیستم

ائتلاف نیروها و طبقات گوناگون اجتماعی در ایران نشانگر به‌کارگیری صحیح سیاست‌های انقلابی از سوی رهبر ایران است و این به‌نوبه خود نشان‌دهنده این است که رهبریت ایران در دست فردی است که نخبه سیاسی قرن حاضر است. زهد و تقوای این نخبه سیاسی قرن بیستم عامل اصلی ارتباط عمیق او با توده‌های مردم است و در نتیجه عامل اصلی بسیج سیاسی و عامل شتابزای انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند.

لانگن، بروس - کاردار سابق آمریکا در ایران که از جمله گروگان‌ها بود؛ دارای مکانی بزرگ در تاریخ و دارای قدرت و اختیار، بدون توجه به نظر دیگران درباره‌ی آیت‌الله خمینی تردیدی نیست که وی در تاریخ مکان بزرگی را کسب کرده و طی ده سال اخیر با قدرت و اختیار کامل بر یک کشور مهم خاورمیانه حکومت کرد.

لینداکای، ژیتمود - پژوهشگر؛ عملکردش مطابق با اصول و مبانی صحیح اسلامی بود
امام خمینی، خاطره جنگ‌های صدر اسلام را در اذهان مسلمانان زنده کرده است. امام خمینی برای تعریف جهاد اسلامی از قرآن، سنت و روایات اسلامی بهره‌جسته است و بازتاب اندیشه‌های امام خمینی در دیگر کشورهای مسلمان بسیار چشمگیر می‌باشد زیرا که امام خمینی زندگی و اندیشه و عملکردش مطابق با اصول و مبانی صحیح اسلامی

بوده است.

کریستین ماری، میلر - نویسنده؛ رهبری منطقی، اندیشمند، سیاستمدار و انسانی رؤوف و مهربان

حضرت امام خمینی برای زن ارزش والایی قائل بوده و قطعاً برای اعلام این‌که با تبعیض نژادی مخالف هستند اقدام به آزادی سیاهان داشته است. امام خمینی پیام دیگری به انقلابیون داده است مبنی بر حفظ شئونات گروگان‌ها و احترام به آن‌ها و حتی برگزاری مراسم مذهبی آنان و دعوت یک کشیش به محل گروگان‌گیری برای برگزاری مراسم مذهبی آنان. امام خمینی از تصمیم‌گیری در امور گروگان‌ها اجتناب می‌کردند به دلیل اهمیت و عنایت به تصمیمات مردمی، این نشان می‌دهد که برخلاف ادعای شبکه‌های غربی، امام خمینی به‌هیچ‌وجه دیکتاتور نبوده و در پی مقام و حکومت نبوده است و خواست توده مردم بر رهبری ایشان است و وی رهبری منطقی، اندیشمند، سیاستمدار و انسانی رؤوف و مهربان است.

گیلای پیر، دنو - محقق؛ مردی مقدس و دارای ایدئولوژی برتر
فعالیت سیاسی در ایران به‌طور چشمگیری تحت تأثیر شبکه‌های غیررسمی است و از این میان مذهب و روحانیت و قداستی که مردم ایران برای رهبر خود قائل بودند مهم‌تر است. کل رویداد سیاسی انقلاب ۱۹۷۹ در ایران تحت تأثیر مردی مقدس و دارای ایدئولوژی برتر شکل گرفت.

ماری آن، براکت - نویسنده؛ مدیری مقتدر
شناخت فلسفه امامت و شهادت در مذهب شیعه و قیام علیه ظلم و استبداد جهانی از استراتژی‌های امام خمینی بود. نقش مدیریتی امام، هم در جریان پیروزی و هم در برپایی حکومت اسلامی و تصویب قانون اساسی و جنگ تحمیلی قابل توجه است. امام سهم اصلی را در پیروزی انقلاب داشته است و تلاش کرده تا عدالت اجتماعی در جامعه تحقق یابد. امام خمینی مدیریتی مقتدرانه بر همه امور داخلی و خارجی ایران داشته است و نفوذ کلام او و اطاعت محض ایرانیان از او موجب به ثمر نشستن میوه انقلاب در ایران گشته است.

والاس، راسل - تاجر بازنشسته؛ از رهبران بزرگ
امام خمینی تأثیر بسزایی در دوره خودش داشته است و یکی از رهبران بزرگ منطقه بوده و نیز تأثیر زیادی در احیای بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه داشته و این به‌نوبه

خود تأثیر گسترده‌ای بر سیاست جهانی گذاشته است.

میشل فوکو فیلسوف فرانسوی؛

میشل فوکو از نظریه پردازان پست مدرنیسم در بحبوحه انقلاب اسلامی به ایران سفر کرد و انقلاب را از نزدیک دید. پُل-میشل فوکو فیلسوف فرانسوی فرزند «آن مالاپار» و جراح متمول «پل فوکو» است و در ناحیه سنت موار پوآیته فرانسه به دنیا آمد. بعدها اسم خود را به میشل فوکو تغییر داد. فوکو بعد از اخذ درجه دکترا در سال ۱۹۶۴ استاد فلسفه دانشگاه کلمون در فرانسه شد. فوکو به سرعت در حوزه روشنفکری فرانسه شهرت یافت و دیری نگذشت که نفوذی جهانی پیدا کرد. وی چشم‌اندازهای نوینی در فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی گشود. وقتی در ماه مه ۱۹۷۸، «ریزولی»، ناشر معتبر ایتالیایی و سهام‌دار عمده «روزنامه «کوریه لاسرا» از «میشل فوکو» (۱۹۸۴/۱۹۲۶) خواست تا دیدگاه‌هایش در مورد مسائل جهان را به طور مرتب برای چاپ در روزنامه در اختیار وی بگذارد، کمتر کسی فکر می‌کرد که اولین مجموعه از این گزارش‌ها به قلم خود «فوکو» به ایران و مسائل انقلاب آن اختصاص یابد.

وی برخلاف نظریه‌پردازان مارکسیست عقیده داشت جز باورهای دینی هیچ عامل دیگری قدرت بسیج این‌چنین توده‌ها را ندارد بلکه این مذهب تشیع است که با تکیه‌بر موضع انتقادی خود توانسته این‌چنین بسیج سیاسی به راه اندازد. وی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به نقش بی‌بدیل و محوری حضرت امام اشاره و بیان می‌کند: «شخصیت آیت‌الله خمینی پهلوی به افسانه میزند زیرا هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی حتی با حمایت تمام رسانه‌های دنیا نمی‌تواند ادعا کند که با مردمش چنین پیوند عاطفی عمیقی دارد»

میشل فوکو: ایرانی‌ها از خلال انقلاب در جستجوی ایجاد تحول در شخصیت خویش بودند و انقلاب اسلامی ایران برای معنویت‌گرایی است.

به نظر فوکو، روح انقلاب اسلامی در این حقیقت یافت می‌شود که ایرانی‌ها از خلال انقلاب در جستجوی ایجاد تحول در شخصیت خویش بودند. فوکو قلب تحلیل خود را از انقلاب اسلامی ایران در معنویت‌گرایی سیاسی بیان می‌کند.

پروفسور کلاوس کینتسلر، استاد دانشگاه آوگسبورگ

پروفسور کلاوس کینتسلر، استاد کرسی اصول الهیات در دانشگاه آوگسبورگ و مؤلف آثاری مهم از جمله کتب «قیامت» (۱۹۷۶)، «اسطوره و ایمان» (۱۹۸۵)، «فلسفه دین»

(۱۹۸۸)، «بنیادگرایی نوین» (۱۹۹۰) و کتاب «بنیادگرایی دینی» (۱۹۹۶)، در صفحه ۱۱ کتاب «بنیادگرایی دینی» خود می‌نویسد: «از سال‌های دهه هفتاد، اصطلاح «بنیادگرایی» بر جریان‌هایی که احیاگر حیات اسلامی نامیده می‌شوند، اطلاق شد. در این رابطه، بیش از همه، افکار همگانی معطوف به ایران انقلابی تحت رهبری (امام) خمینی می‌شود که این نهضت پس از ایران، بسیاری از کشورهای اسلامی را درنوردید. این رنسانس اسلامی درنهایت برای همگان و بیش از همه، برای جهان غرب شگفت‌انگیز و غافلگیرانه بوده، زیرا در غرب تا آن زمان تصور می‌شد که در نتیجه تجاوزات واقعاً «بی‌رحمانه قدرت‌های استعماری و امپریالیستی به کشورهای اسلامی و عربی در سده ۱۹ میلادی، آیین اسلام دستخوش لیبرالیسم و تعصب شده است...»

استاد دانشگاه آوگسبورگ: از سال‌های دهه هفتاد، اصطلاح «بنیادگرایی» بر جریان‌هایی که احیاگر حیات اسلامی نامیده می‌شوند، اطلاق شد، در این رابطه، بیش از همه، افکار همگانی معطوف به ایران انقلابی تحت رهبری (امام) خمینی می‌شود.

وی سپس می‌افزاید: «مفهوم بنیادگرایی با فعال شدن نیروی سیاسی آیین اسلام در کشور شیعی ایران (امام) خمینی، معنی و سنخیت جدیدی یافت که مشخصه آن، سیاسی شدن دین اسلام است. گروه‌هایی از اهل تسنن نیز در سودان، پاکستان و بسیاری از کشورهای اسلامی از همین نوع بنیادگرا هستند. هدف این‌گونه بنیادگرایی، استقرار یک حکومت دینی (دولت الهی) بر روی زمین است که در حال حاضر به شکل احیای شریعت اسلامی بروز کرده و پایبندی و انقیاد دقیق این سنخ بنیادگرایی به تعالیم قرآنی که از الزامات آن است، در بسیاری از کشورهای اسلامی منجر به طرد سرسختانه کلیه انواع نفوذ عقل‌گرایانه و لیبرالی غربی شده است.»

میخائیل گورباچف، رهبر شوروی کمونیستی:

امام خمینی^(۹) فراتر از زمان می‌اندیشید و در بعد مکان نمی‌گنجید. او توانست اثر بزرگی در تاریخ جهان به جای بگذارد.

حافظ اسد رئیس‌جمهور سابق سوریه:

دشمنان ملت عرب و ملل تحت ستم دنیا و حتی خود رژیم اشغالگر قدس بارها و بارها از انقلاب اسلامی ایران که تحت لوای امام خمینی^(۹) به پیروزی رسید به وحشت افتاده و بارها از اربابش یعنی آمریکا گله کرد که چرا نمی‌تواند جلوی نفوذ و تأثیر انقلاب اسلامی ایران را که منجر به پیروزی فلسطین می‌شود بگیرد.

نلسون ماندلا رئیس‌جمهور اسبق آفریقا:

امام رهبری منحصر به فرد بود که توانست با دست‌خالی، انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی برساند.

س نخستین رئیس‌جمهور الجزایر:

ملل عرب باید زنده شدن اسلام را در قرن بیستم مدیون انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی^(۵) بدانند. این انقلابی است که دنیای غرب را اجباراً دگرگون خواهد ساخت و بسیاری از رژیم‌های موجود در جهان عرب دیر یا زود سقوط خواهند کرد زیرا آوای نهضت امام خمینی^(۵) در دورافتاده‌ترین نقاط جهان اسلام به گوش می‌رسد.

بی‌نظیر بوتو نخست‌وزیر اسبق پاکستان:

رهبرانی مانند امام خمینی یک‌بار در قرن‌ها زاده می‌شوند.

پاپ ژان پل دوم:

درباره آنچه آیت‌الله خمینی در کشورش و در بخش وسیعی از جهان انجام داده با احترامی عظیم و تفکری عمیق باید اظهار نظر کرد.

یرواند آبراهامیان نویسنده آمریکایی کتاب ایران بین دو انقلاب:

آیت‌الله خمینی را غالباً یک روحانی سنتی توصیف کرده‌اند اما ایشان در واقع، نوآور بزرگی در ایران بودند، هم به لحاظ نظریه سیاسی‌شان و هم از نظر استراتژی مردمی که وجهه مذهبی داشت. نقش تعیین‌کننده و محبوبیت وسیع ایشان را با دو عامل می‌توان توضیح داد؛ عامل اول شخصیت ایشان به‌خصوص زندگی ساده و سازش‌ناپذیری با طاغوت بود. در کشوری که بیشتر سیاستمداران زندگی پرتجملی داشتند، او زندگی زاهدانه‌ای چون عارفان و صوفیان و عاری از آلایش‌های مادی چون مردمان عادی داشت.

در محیطی که رهبران سیاسی، کارچاق‌کن، اهل ساخت و پاخت و اعمال نفوذ شخصی و خانوادگی بودند، آیت‌الله خمینی مصرانه از هرگونه سازشی، حتی آنگاه که ناگزیر و لازم می‌نمود، سر پیچیدند؛ تأکید کردند که اگر فرزندان خود ایشان مستوجب مجازات باشند، خود این کار را انجام می‌دهند؛ و همچون «مرد خدایی» عمل کردند که نه به دنبال قدرت دنیوی بلکه مرجعیت روحانی بودند. همچنین در دهه‌ای سوا از کردار سیاستمداران خودپسند، بی‌تفاوت، فاسد، نومید و بی‌ثبات، امام خمینی در عین صمیمیت، جسارت، تحرک، ثبات و بسیار مهم‌تر از همه، فسادناپذیری ظاهر شدند.

کوتاه‌سخن ایشان رهبر انقلابی پرجاذبه‌ای بودند در زمانی که چنین رهبری بسیار کمیاب و سخت مورد نیاز بود.

برهان‌الدین ربانی از رهبران جهادی افغانستان:

امام خمینی^(۶) کاپیتالیسم و کمونیسم را مردود خواند و راه نجات بشریت را تنها در پیروی از تعالیم والای اسلام می‌دانست. او در برابر مستکبران شرق و غرب، قوی و مقاوم ایستاد و با هر نوع فساد و توطئه پنجه نرم کرد، ایشان بزرگ‌مرد تاریخ معاصر جهان اسلام است.

فرانسیسکو اسکو درو بداته رئیس فدراسیون جوامع اسلامی اسپانیا:

آیت‌الله خمینی عامل حیات دوباره اسلام و از بزرگ‌ترین شخصیت‌های قرن حاضر محسوب می‌شود، وی چهره جدیدی از اسلام را ارائه کرد و زندگی ایشان الگوی مناسبی برای همه مسلمانان است.

ریاج تاتاری رئیس جامعه مسلمانان اسپانیا:

آیت‌الله خمینی عامل بیداری مسلمانان بود.

میخائیل لمشف نویسنده روسی:

اندیشه ایشان سراسر جهان اسلام را در بر گرفت و با آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌عنوان معضلات گریبان‌گیر جهان اسلام به مبارزه برخاست و ثابت کرد که انقلاب اسلامی با انقلاب‌های مادی روسیه و فرانسه متفاوت است.

سید صدرالدین، متفکر و اندیشمند معاصر الجزایری:

امام خمینی^(۶) مردی استثنایی بود. این انسان هدیه خداوند به مسلمین بود تا بتواند مسیرشان را در اسلام تصحیح کند.

پروفسور "پروولسی" ایتالیایی، استاد ایران‌شناسی در دانشگاه رم:

مهم‌ترین عملکرد آیت‌الله خمینی امکان‌پذیر نمودن یک انقلاب اسلامی بود، آن‌هم در کشوری که تمدن و فرهنگی قوی را در سابقه خود دارد. این کار باعث شد تا مردم ایران فرهنگ واقعی و قدیمی خود را که همان فرهنگ اسلامی بوده بشناسند و خود را متکی بر آن فرهنگ به جامعه جهانی بشناسانند، این در حالی بود که تا قبل از انقلاب اسلامی، تنها آوایی که از ایران بلند بود و معیار شناخت جهانیان از کشور ایران اعلام می‌شد، صدای غرب‌زدگی بود، بنابراین آیت‌الله خمینی آغازکننده انقلابی بود که بالاخره فرهنگ اسلامی راستین ملت ایران را آشکار ساخت.

احمد جبرئیل، دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین: بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، اسلام را از انزوا نجات داد. دیدگاه مرتجعانه نسبت به این دین مبین را که دشمنان در طول صدها سال ارائه کرده بودند، از میان برد و مقوله دین افیون ملت‌ها را منسوخ کرد و اسلام را در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک نیاز انسانی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مادی و معنوی مطرح کرد. امام خمینی^(ع) توانست جهان اسلام را از خواب بیدار کرده، به مسلمانان حیات جدیدی ببخشد. حولیان زاپاتا نویسنده کلمبیایی:

در قرن بیستم سه شخص در دنیا مطرح شدند و در تمامی مجامع سیاسی مورد توجه سیاستمداران قرار گرفتند؛ یکی از آن‌ها گاندی بود، دیگری یحیی (رهبر مردم واتیکان) و سومین آن‌ها حضرت امام خمینی^(ع) است. از بین این سه رهبر تنها کسی که فرهنگ روحيات و سخنانش در بین مردم مؤثر واقع شد، امام خمینی بود. امام خمینی رهبر مسلمان و آزاده‌ای بود که توانست با قیامی، اسلام را در بستر کشور پهناور ایران جای دهد و نیاز به اسلام را در دنیا احیا کند.

دانیل پاییز رئیس انجمن سیاست خارجی آمریکا:

باید اعتراف کنیم که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ما برای افکار دینی و مذهبی هیچ جایی باز نکرده بودیم ولی از این پس برای ما آمریکایی‌ها ضروری است که زمینه‌ای جهت مطالعه و تحقیق پیرامون مذهب فراهم آوریم و به‌طور خاص در زمینه اندیشه و اعتقادات و خط‌مشی و هدف امام خمینی تحقیقاتی به عمل آوریم چراکه نمی‌توان از تأثیرات اندیشه امام خمینی در جهان به‌راحتی گذشت و دنیای غرب به دلیل نفوذ افکار امام خمینی بار دیگر اسلام را کشف کرده است و این ما آمریکایی‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.

تورگوت اوزال رئیس‌جمهور فقید ترکیه:

امام خمینی انقلاب بزرگی را تحقق بخشید.

ادریس جزایری رئیس سابق صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی:

امام خمینی را باید تنها رهبر آزاده قرن بیستم و رهبر میلیون‌ها مسلمان جهان نامید.

راجیو گاندی پسر ایندیرا گاندی رهبر فقید هند:

آیت‌الله خمینی رهبر بزرگی بودند که با ایمان و اعتقاد توانست انقلاب اسلامی را به پیروزی برساند و رژیم شاهی را سرنگون سازد.

محمد حسنین هیکل نویسنده مشهور مصری:
امام خمینی مردی بزرگ بود که از دورانی دیگر آمده بود.
تحلیلگر تایلندی:

"تونی کارتولوچی" تحلیلگر و کارشناس مسائل ژئوپلیتیک در وبلاگ خودش "باراک اوباما" رئیس‌جمهور آمریکا را به‌عنوان موتور پیش برنده سیاست‌های استعماری، نابرابری و بی‌عدالتی شرکت‌ها و مؤسسات مالی بزرگ جهان معرفی می‌کند. به نظر وی، این شرکت‌ها و مؤسسات سرمایه‌داری عامل اصلی بی‌عدالتی و نابرابری در کره زمین هستند و "مارتین لوتر کینگ" رهبر آزادیخواهان سیاه‌پوست آمریکا هم فردی بود که به مبارزه با جنایات این شرکت‌ها و مؤسسات مالی بزرگ پرداخت و با سخنرانی‌ها و اقداماتش در تمام طول عمرش پرچم‌دار مبارزه با این شرکت‌ها بود. کارتولوچی تا آنجا پیش می‌رود که می‌نویسد حتی به‌احتمال بسیار زیاد، این مؤسسات و شرکت‌ها عامل مرگ مارتین لوتر کینگ بوده‌اند.

این تحلیلگر تایلندی با اشاره به اظهارات برخی در آمریکا که باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا را با مارتین لوتر کینگ مقایسه می‌کنند، می‌نویسد: تنها وجه مشترک این دو مرد رنگ سیاه‌پوست آن‌ها است و تمام دیدگاه‌ها و شخصیت آن‌ها کاملاً مخالف همدیگر هستند.

این تحلیلگر می‌نویسد هرچند باراک اوباما سعی می‌کند در انظار عمومی، خود را متمایل به گروه‌های مخالف شرکت‌های سرمایه‌داری نشان دهد، اما گاهی به اعضای کابینه و دوستان و همکاران او در گذشته و حال نشان می‌دهد که تمام اعضای کابینه او را در گذشته و حال مجموعه‌ای از نمایندگان شرکت‌های بزرگ مالی و سرمایه‌گذاری، افراد جنگ‌طلب، جنایتکار و نخبگانی تشکیل داده‌اند که نماینده این مؤسسه‌ها و شرکت‌ها هستند.

سپس وی در مقاله‌اش تعدادی از اعضای کابینه و اطرافیان رئیس‌جمهور آمریکا را نام می‌برد و با اشاره به خواستگاه آن‌ها و سابقه ارتباط آن‌ها با مؤسسات و اتاق‌های فکر و اندیشکده‌های مختلف آمریکایی مثل شورای روابط خارجی، مؤسسه بروکینز و... به معرفی روابط و تعامل این اتاق‌های فکر با شرکت‌ها و مؤسسه‌های بزرگ مالی و سرمایه‌داری و همچنین نقش این مؤسسات در ایجاد جنگ‌ها و خونریزی‌ها در جهان

باهدف کسب درآمد مالی می‌پردازد.

وی پس از پرداختن به نقش مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاری بزرگ در سیاست‌های اقتصادی و جنگ‌طلبانه آن‌ها در دولت اوباما می‌نویسد: فرقی میان جرج بوش رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا و اوباما وجود ندارد، زیرا همان کسانی که سیاست‌های دولت بوش را تعیین می‌کردند، سیاست‌های دولت اوباما را نیز می‌نویسند و دیکته می‌کنند.

به اعتقاد کارتلوچی، افرادی که برای حفظ منافع شرکت‌های بزرگ و مؤسسات مالی سیاست‌های دولت بوش در حمله به عراق و افغانستان را تهیه کردند، امروز همان افراد سیاست‌های دولت اوباما در لیبی، سوریه و ایران را طراحی می‌کنند.

این تحلیلگر معتقد است اوباما مجری "ادامه دستور کاری" است که از سوی شرکت‌های بزرگ و مؤسسه‌های مالی برای جرج بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا نوشته شده بود و اختلافات ظاهری این دو نفر در حقیقت نمایشنامه‌ای است برای فریب افکار عمومی.

نویسنده معتقد است اگر امروز مارتین لوترکینگ زنده بود، بی‌تردید به مخالفت با سیاست‌های جنگ‌طلبانه اوباما در لیبی، سوریه، مالی، افغانستان، پاکستان، یمن، سومالی و اوگاندا می‌پرداخت.

کارتولچی در پایان، مقایسه اوباما رئیس‌جمهوری فعلی آمریکا با مارتین لوترلینگ را بزرگ‌ترین بی‌احترامی به این رهبر جنبش آزادی‌طلبانه سیاهان آمریکا خوانده و معتقد است تنها شباهت اوباما به لوترکینگ، رنگ پوستش است.^۱

تونی کارتلوچی

خبرگزاری مهر - گروه بین‌الملل: "تونی کارتلوچی" کارشناس مسائل ژئوپلیتیک در بانکوک که از نگاه یک تحلیلگر شرقی سیاست‌های آمریکا و غرب را در قبال شرق تحلیل می‌کند در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری مهر با ارائه شواهد و مثال‌هایی خواستار هوشیاری ایران در مذاکرات احتمالی با آمریکا شد، زیرا به گفته وی، آمریکا از طریق مذاکره قصد تغییر نظام در ایران را دارد. مشروح قسمت اول این مصاحبه در ذیل

آمده است:

خبرنگار مهر- با توجه به اظهارات اخیر "سوزان رایس" مشاور امنیت ملی آمریکا درباره اینکه اوپاما فقط حق ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را به رسمیت شناخته است، آیا فکر می‌کنید دولت آمریکا بخواهد براساس احترام متقابل اقدام به مذاکره با ایران کند و حق غنی‌سازی ایران را به رسمیت بشناسد؟

تونی کارتولوچی- در سیاست خارجی آمریکا که شاید بتوان گفت خلاصه آن در گزارش سال ۲۰۰۹ مؤسسه بروکینز تحت عنوان "کدام راه به ایران؟" آمده است، هسته‌ای شدن ایران تهدیدی حقیقی برای آمریکا و غرب نخواهد بود بلکه تهدیدی برای نفوذ ژئوپلیتیک آمریکا در منطقه و خاورمیانه خواهد بود، به طوری که ایران قابل تهدید و تجاوز نخواهد بود و علاوه بر این پیشرفت‌های علمی و فناوری سبب خودکفایی ایران خواهد شد، امری که سبب کم‌رنگ‌تر شدن تحریم‌های آمریکا و غرب نیز خواهد شد.

وی در ادامه در این خصوص اظهار داشت: به طور کلی هرگونه پیشرفتی در ایران برای آمریکا و غرب پذیرفتنی نیست، مگر اینکه تحت نظارت مستقیم لندن و وال استریت ژورنال باشد. صرف‌نظر از ماهیت برنامه هسته‌ای ایران از آنجایی که واقعیت ژئوپلیتیک موجود در منطقه وضعیت موردنظر آمریکا و غرب نیست، سیاستمداران آمریکایی و غربی ادعا می‌کنند که آماده مذاکره با ایران هستند و پای میز مذاکره می‌آیند، اما برنامه‌های سری سرنگونی، نابودی اقتصاد ایران و طرح‌های جنگی آن‌ها همچنان در دستور کار آن‌ها است.

- چرا اسرائیل و برخی کشورهای عرب منطقه نگران توافق احتمالی هسته‌ای بین ایران و آمریکا هستند؟ تبعات چنین توافقی برای آن‌ها چه خواهد بود؟

- کشورهای عربی مثل عربستان، قطر و حتی رژیم اسرائیل سیاست خارجی مستقلی ندارند و سیاست خارجی آن‌ها مستقیماً به منافع مؤسسات و بنگاه‌های مالی و اقتصادی وال استریت و لندن گره‌خورده است. حتی در همان گزارش مؤسسه بروکینز مشخص شده است که چگونه قرار است این متحدان منطقه‌ای آمریکا علیه ایران وارد عمل شوند، درحالی که آمریکا خود به طور علنی نمی‌تواند اقدامی علیه ایران انجام دهد و ظاهراً سرگرم مذاکره با ایران است تا از آن استفاده دیپلماتیک کند و خود را طرفدار

صلح نشان دهد.

وی در ادامه می‌گوید تظاهر آمریکا به مذاکره با ایران در حالی صورت می‌گیرد و خواهد گرفت که هم‌زمان با مذاکرات آمریکا اقدام به تسلیح متحدان منطقه‌ای خود علیه ایران و متحدان ایران در منطقه می‌کند مانند کاری که در سوریه می‌کند و هم‌زمان با مذاکره درباره سلاح‌هایی شیمیایی این کشور اقدام به ارسال سلاح و کمک برای گروه‌های تروریستی این کشور می‌کند.

کارتولوچی در ادامه می‌گوید آن‌هایی که معتقدند سیاست آمریکا در قبال ایران تغییر کرده و عمر گزارش مؤسسه بروکینز به سر آمده است، پیشنهاد می‌کنم که نگاهی به مطلب "مهار ایران بهترین گزینه است" که در روزهای اخیر در روزنامه نیویورک تایمز توسط "کنت پلاک" که یکی از کارشناسان و تهیه‌کنندگان گزارش مؤسسه بروکینز است بیندازند و ببینند که وی در این مطلب چه دیدگاهی در قبال ایران دارد. پلاک در این مقاله نوشته است "که سیاست مهار ایران از زوایای مختلف به ایران فشار خواهد آورد و ایران را در موضع دفاعی قرار خواهد داد و همین امر موجب ساقط شدن نظام ایران خواهد شد که این کار را می‌توان از طریق تحریم‌ها، کمک سری به مخالفان نظام ایران، حملات سایبری و ادامه تلاش‌ها برای انزوای سیاسی ایران انجام داد.

وی در ادامه یادآور شد: به‌طور کلی باید بگویم که سیاست‌گذاران وابسته به بنگاه‌های مالی در غرب دست از سیاست تغییر نظام در ایران نکشیده‌اند و همه این مسائل به خاطر برنامه هسته‌ای ایران نیست، بلکه همه این مسائل به خاطر اقتدار ایران است که یکی از مظاهر بروز و ظهور آن توان هسته‌ای ایران است.

- آیا فکر می‌کنید یک توافق هسته‌ای بین ایران و آمریکا می‌تواند نهایتاً منجر به این شود که اختلافات دیگر بین این دو کشور مثل حمله آمریکا به هواپیمای مسافری ایران، حمایت آمریکا از گروهک تروریستی منافقین حل و فصل شود و آمریکا دست از حمایت از این گروهک بردارد؟

- یکی از مهم‌ترین درس‌های تاریخ برای ما این است که زمانی که آمریکا ابراز تمایل به دوستی و سعی می‌کند به بهانه پیشرفت و دیپلماسی به کشوری نزدیک می‌شود قصدش استفاده از آن رابطه نزدیک برای کارهای مخفیانه علیه کشور هدف است و

سریعاً خیانت می‌کند.

برای مثال کاری که با معمر قذافی کرد به او نزدیک شد به طوری که او دست از برنامه سلاح‌های کشتار جمعی‌اش کشید و در عوض آمریکا وعده کمک و حمایت داد اما به جای کمک شروع به کمک سری به مخالفان قذافی و تروریست‌ها و نظام او را ساقط کرد.

دولت ایران هم باید در قبال مذاکره با آمریکا بسیار هوشیار باشد و مراقب نیروهای وابسته به آمریکا به ویژه مجاهدین خلق (منافقین) و گروه‌های تروریستی که امروز در سوریه و یا نزدیکی سوریه فعال‌اند باشد، زیرا هدف نهایی آمریکا از تضعیف دولت سوریه، تضعیف ایران است.

- تاریخ نشان داده است که آمریکایی‌ها دوستان خوبی برای کشورهای منطقه نبوده‌اند (مثلاً خیانت آن‌ها به قذافی و حسنی مبارک...) آیا به نظر شما اعتماد به آمریکا می‌تواند برای ایران خطرناک باشد؟

- یقیناً، بنگاه‌های مالی که سیاست‌های آمریکا را تبیین می‌کنند کارشان تجارت هژمونی جهانی است. برای آن‌ها چیزی به نام "دوستان" وجود ندارد و براساس یک ضرب المثل قدیمی معتقد هستند دوست را نزدیک خودت بنشان و دشمنان را نزدیک‌تر.

کارتولوچی در ادامه گفت: قذافی شاید این نکته را زمانی فهمید که جنگنده‌های فرانسوی به کشورش حمله کردند و تروریست‌های مورد حمایت غرب و آمریکا به کشورش سرازیر شدند. سرنوشت قذافی اثبات‌کننده اصول واقعی مورد اعتقاد غرب بود. با اینکه به تمام خواسته‌های غرب و آمریکا و جهانی تن داد، نهایتاً اعتمادش به آن‌ها به قیمت جانش و تمامیت ارضی کشورش تمام شد.

سیاست آمریکا در مذاکره با ایران زمانی به نفع ایران تمام خواهد شد که ایران از موضع قدرت ژئوپلیتیکی، استراتژیکی و اقتصادی آمریکا را مجبور به اتخاذ چنین سیاستی کند.

وی در ادامه می‌گوید با شناختی که از اهداف آمریکا داریم انتظار این را داریم که آمریکا در مذاکراتش با ایران خواستار انحلال مؤسسات و نهادهایی از سوی ایران شود که

تابه حال مانع پیشبرد سیاست‌های آمریکا در قبال ایران بوده‌اند^۱

نیویورک تایمز در این باره می‌نویسد:

از زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ که ماه آینده (میلادی) ۴۰ ساله می‌شود، تاکنون روابط ایران و آمریکا با خصومت همراه بوده و در دوران ریاست جمهوری ترامپ تنها بدتر شده است. جان لیمبرت یکی از دیپلمات‌های آمریکایی حاضر در ماجرای تسخیر سفارت آمریکا در تهران در بحبوحه انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران در یک مصاحبه در این باره گفت: من درباره این موضوع بسیار فکر کرده‌ام. از نظر من بهترین چیزی که می‌توانیم به آن امیدوار باشیم این است که وارد جنگ نشویم.

این دیپلمات سابق آمریکایی هنوز به ایران علاقه‌مند و مصمم است به شناساندن این کشور به آمریکایی‌ها کمک کند. در تئوری، هیچ کشور مسلمانی به اندازه ایران به دلیل موقعیت، ثروت و فرهیختگی و باتجربگی مردمش برای ایفای نقش رهبری در خاورمیانه مناسب نیست.

نیویورک تایمز در ادامه با اشاره به اینکه دولت آمریکا افزایش فشار بر ایران را اصل کلیدی سیاست خارجی خود قرار داده است، نوشت: پمپئو و جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا که پیش از روی کار آمدن در این دولت خواهان تغییر نظام و حمله علیه ایران بودند، در حال پیشبرد این رویکرد به شدت سخت هستند.

بولتون در ماه سپتامبر پس از آنکه سفارت آمریکا در بغداد هدف حمله راکتی قرار گرفت، خواستار گزینه‌های نظامی (علیه ایران) شد. تاکنون اقدامی صورت نگرفته است. پمپئو نیز پس از سخنرانی به شدت انتقادی‌اش در قاهره که موجب بدنامی تلاش‌های باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا برای نزدیک شدن به ایران و جهان اسلام شد، با برگزاری یک کنفرانس در لهستان با تمرکز روی ایران این سیاست خصمانه را دوچندان کرده است. وی در این نشست قصد دارد کشورها را علیه ایران متحد و با این کشور مقابله کند.

به نوشته این روزنامه نظرسنجی‌ها در آمریکا، جایی که افراد کمی در آن به ایران رفته یا اطلاعاتی درباره آن دارند نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها کمتر خواهان یک رویکرد تعاملی هستند. لابی بزرگ آپیک (کمیته روابط اسرائیل و آمریکا)، گروهک منافقین و

۱ (مصاحبه خبرگزاری مهر با تونی کارتولوچی / ۲ مهر ۱۳۹۲ / <https://www.mehrnews.com/>)

عربستان سعودی همگی با برنامه‌هایی قدیمی علیه ایران لابی‌گری‌های خود را برای انتخاب یک رویکرد تنبیهی به جای تعامل شدت بخشیده‌اند. این فشارها به همراه نفرت ترامپ از رئیس‌جمهور قبلی آمریکا سبب شد تا او سرانجام در ماه مه از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران که فرصتی منحصر به فرد بود، خارج شود. نیویورک تایمز می‌نویسد:

اگر ترامپ خواهان برقراری ثبات در خاورمیانه است باید با ایران تعامل کند اما فضای حاکم میان دو کشور هنوز مسموم است و حتی فردی مثل جان لیمبرت که مشتاق سفر به ایران با خانواده و نوه‌هایش است بعید است اجازه چنین کاری را پیدا کند. نتانیاهو: ایران قدرتمندترین نیروی اسلامی است

این در حالی است که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز شامگاه دوشنبه در نشست خبری مشترک با «پترو پروشنکو» رئیس‌جمهور اوکراین در قدس اشغالی، ضمن اذعان به توان و اقتدار جمهوری اسلامی مدعی شد: «ما اکنون از سوی نیروهای اسلام‌ستیزه‌جو مورد حمله قرار داریم. قدرتمندترین نیروی اسلام‌ستیزه‌جو، رژیم ایران است. آن‌ها در حال بلعیدن یک کشور پس از دیگری هستند - سوریه، یمن، لبنان، عراق».

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با بیان اینکه هیچ دولتی وقتی که برای نابودی‌اش برنامه‌ریزی یا اقدام می‌کنند، ساکت نمی‌نشیند، ادعا کرد: «اسرائیل به مقابله با تلاش‌های ایران برای استفاده از سوریه، لبنان و غزه به عنوان پایگاه‌هایی برای حمله به اسرائیل ادامه می‌دهد؛ آن‌ها این اقدامات را برای هدفی که آشکارا اعلانش می‌کنند، انجام می‌دهند که آن نابودی اسرائیل است».^۱

مجله تایم آمریکا

مجله تایم آمریکا در مقاله‌ای تحت عنوان جنگ آیت‌الله، به قلم کریم سجاد پور به بررسی ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران پرداخته است، او از رهبر ایران به عنوان تأثیر گذارترین فرد در خاورمیانه نام برده و به جایگاه مهم و موثر ایشان در خنثی نمودن تصمیمات کشورهای غربی و منطقه‌ای نظیر عربستان سعودی و گروه‌های تروریستی نظیر داعش و تسلط ایران بر کل منطقه

پرداخته است.

در بخشی از مقاله تایم آمده است: آیت‌الله خامنه‌ای، عنوان رهبر عالی ایران را دارد، اما این مرد ۸۰ ساله بی‌سروصدا به قدرتمندترین مرد خاورمیانه تبدیل شده است. این قدرت از طریق مبارزه نظامی در سوریه و نیروهای نیابتی وفادار در لبنان، یمن و عراق (به‌جای سرمایه‌گذاری ۱ تریلیون دلاری آمریکا و قربانی کردن جان هزاران نفر) پدید آمده است.

به نوشته تایم: [آیت‌الله] خامنه‌ای طی ۳۰ سال رهبری اش، همواره یک مشکل آزردهنده برای رؤسای جمهور ایالات متحده بوده است. ترامپ هم نمی‌تواند در برابر او پیروز شود.^۱

تحلیلگر صهیونیست: ما خودمان را گول می‌زنیم، این خود جنگ است! ایهود یعاری، تحلیلگر صهیونیست در برنامه‌ای تلویزیونی در شبکه ۱۲ اسرائیل در پاسخ به این سؤال که عملیات‌های پی‌درپی، هفده کشته در سه ماه ابتدایی سال و شلیک ده‌ها موشک از شمال و جنوب [به سوی اسرائیل] را چگونه می‌بینید؟ اذعان کرد: معتقدم اکثریت ما در طول این مدت به خودمان دروغ می‌گفتیم. اتفاقاتی که در حال رخ دادن است، مقدمه یک جنگ بزرگ و وحشتناک نیست. این خود جنگ است! عملیات با چاقو، راکت، موشک و پهپاد اینجا و آنجا یک جنگ است. جنگی مداوم، هرچند شدت آن کم و زیاد شود. تحلیلگر صهیونیست ادامه داد: برخی از ما خودمان را فریب داده‌ایم یا حداقل ظاهر تصمیمات دولت این را نشان می‌دهد. حملاتی که دیدیم فقط مربوط به حماس نبود، بلکه اولاً مربوط به حزب‌الله بود. به درخواست ایران بود ولی مربوط به حزب‌الله است. وی با اشاره به اینکه نظامیان اسرائیلی فقط به اهداف حماس حمله کرده‌اند، گفت: نباید خودمان را درباره پشت‌پرده این حملات گول بزنیم.

صدور هشدار استثنایی برای ارتش رژیم صهیونیستی هراس از فروپاشی نه فقط در روزنامه‌ها و رسانه‌های عبری‌زبان، بلکه در میان دستگاه‌های نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی نیز عیان شده است. چند روز پیش رسانه‌های صهیونیستی گزارش دادند که تیپ مطالعاتی در دستگاه اطلاعات نظامی اسرائیل معروف به «امان»، «هشدار استثنایی برای فرماندهان سیاسی و امنیتی و ارتش اسرائیل در خصوص فرسایش و

تضعیف قدرت بازدارندگی اسرائیل در قبال دشمنانش» صادر کرده است. در این پیام هشدار آمده است: «این موضوع در تک تک اجزای محور ضد اسرائیلی که در رأس آن ایران قرار دارد، مشهود است و مجموعه نشست‌هایی که در هفته‌های اخیر میان سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان و مسئولان جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی باهدف هماهنگی مواضع میان آن‌ها برگزار شد، گواه این امر است.»

رسانه‌های صهیونیستی، روز گذشته نیز به موضوع دیدار جدید هیئتی از حماس که «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی حماس و «صالح العاروری» معاون او در رأس آن قرار داشتند با «سید حسن نصرالله» دبیر کل حزب‌الله لبنان پرداختند. کانال «مکان» تلویزیون رژیم صهیونیستی نیز مدعی شد که این دیدار به‌منظور بررسی میزان آمادگی محور مقاومت و همکاری میان عناصر آن برای مقابله با هر رویداد و تحولی صورت گرفت.^۱

این مصاحبه که خبرنگار لوموند آن را اولین مصاحبه آیت‌الله خمینی نامیده در عراق انجام شد.

لوسین ژرژ درباره این مصاحبه که به چاپ رسید، چنین می‌نویسد:

از آغاز سال جاری مسیحی، قیام‌های بزرگی مرتباً در ایران، از قم گرفته تا تبریز، به وقوع پیوسته و شهرهای متعددی را زیر آتش خود گرفته است. در همین هفته نیز کار درس و بحث در چند دانشگاه واقع در تهران به‌هم‌خورده است. گرچه بعضی مخالفان چپ و چپ افراطی، در این جنبش‌ها که بر ضد رژیم شاه است شرکت دارند ولی به نظر می‌رسد که الهام‌دهندگان عمده و اصلی این جنبش‌ها رهبران مذهبی‌اند... به‌هر حال به طور منظم و مرتب، تظاهرکنندگان نام رهبر مذهبی شیعیان جهان یعنی آیت‌الله خمینی را تکرار می‌کنند.^۲

آیت‌الله خمینی از سال ۱۹۶۳ به حال تبعید در عراق به سر می‌برد. در روز ۲۹ اکتبر ۱۹۷۷ مرگ مشکوک پسر ایشان در عراق و انتشار مقاله توهین‌آمیزی علیه آیت‌الله خمینی در روزنامه‌های دولتی، منشأ عصیان و طغیانی گردید که پس‌از آن تاریخ، نیروهای مذهبی را علیه شاه به طور جدی‌تری به حرکت درآورد. هر چند آیت‌الله

۱ (منبع / کیهان / ۲۲/۱/۱۴۰۲ / سایت <https://kayhan.ir/fa/news/262930>)

۲ لوموند، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۷ (۶م/۱۹۷۸م)

خمینی که از مخالفان سرسخت رژیم شاهنشاهی است، مرتباً بیانیه‌ها و اعلامیه‌هایی خطاب به مردم صادر می‌کنند و آن‌ها را به قیام و عصیان فرامی‌خوانند. ولی هیچ‌گاه تاکنون با مطبوعات خارجی مصاحبه‌ای به عمل نیاورده‌اند. ایشان در تبعیدگاه خود - نجف (عراق) - فرستاده مخصوص لوموند را به حضور پذیرفت.^۱

آیت‌الله خمینی با چهره‌ای لاغر که محاسنی سفید آن را کشیده‌تر می‌کرد، با بیانی متهورانه و لحنی آرام، به مدت دو ساعت با ما سخن گفت. حتی وقتی به این مطلب و تکرار آن می‌پرداخت که ایران باید خود را از شر شاه خلاص کند و نیز هنگامی که به مرگ پسرش اشاره می‌کرد، نه آثار هیجان در صدایش دیده می‌شد و نه در خطوط چهره‌اش حرکتی ملاحظه می‌گردید. وضع رفتار و قدرت تسلط و کفّ نفس او خردمندانه بود. آیت‌الله به جای آن که با فشار بر روی کلمات، ایمان و اعتقاد خود به مخاطبش ابلاغ کند، با نگاه خود چنین می‌کرد، نگاهی که همواره نافذ بود؛ اما هنگامی که مطلب به جای حساس و عمده‌ای می‌رسید، تیز و غیرقابل تحمل می‌شد. آیت‌الله، عزمی راسخ و کامل دارد و در صدد قبول هیچ‌گونه مصالحه‌ای نیست. مصمم است که در مبارزه خود علیه شاه تا پایان پیش برود...^۲

در حال حاضر در ایران و به نام همین پارسای زاهد ۷۶ ساله است که قیام‌های متعدد به وقوع می‌پیوندد. این قیام‌ها که عناوین و موضوعات مذهبی دارند خیلی بیشتر از آنچه جبهه مخالف چپ رژیم شاه را به خطر بیندازد، رژیم مذکور را به‌طور جدی به خطر انداخته است.^۳

اکنون ما در حضور آیت‌الله در اتاقی ۳×۲ متر و در خانه‌ای هستیم که در دورترین قسمت نجف واقع است. شهری که از لحاظ وضع جغرافیایی یکی از بدترین مناطق کویری عراق است. شاه، وی را در ۱۹۶۳ از ایران تبعید کرد و از (۱۹۶۵) و پس از طی یک دوران تبعیدی در ترکیه، در نجف به سر می‌برد و مرگ پسرش دلیلی برای قیام‌های متوالی شده است که هرچند یک‌بار، ایران را به لرزه درمی‌آورد.^۴

۱ همان

۲ همان

۳ همان

۴ همان

در پیچ یکی از کوچه‌های تنگ نجف که خانه‌هایش برای آن که سپری در مقابل تابش سوزان آفتاب باشد، سخت به هم فرورفته است، مسکن محقر آیت‌الله خمینی قرار دارد. این خانه نظیر مسکن فقیرترین افراد نجف است. در سه اتاق این خانه، حداکثر دوازده تن از نزدیکان وی حضور داشتند. در این مسکن محقر، از قدرت رؤسای شورش و یا رؤسای جبهه مخالف که در تبعید به سر می‌برند، هیچ نشان و علامتی دیده نمی‌شود و اگر آیت‌الله خمینی قدرت آن را دارد که ایران را به حرکت درآورد و قیام برانگیزد، این قدرت مسلماً ناشی از تسلط و اقتدار وی بر افکار مردم ایران است؛ اقتداری که پس از تبعید وی از ایران به جای آن که کم شود، ده برابر شده است.^۱

شاه شمارا متهم می‌کند که مخالف تمدن و گذشته گرا هستید؛ جواب شما به این مطلب چیست؟ این خود شاه است که عین مخالفت با تمدن است و گذشته گراست. مدت پانزده سال است که من در اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایم خطاب به مردم ایران مصراً خواستار رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی مملکت بوده‌ام؛ اما شاه سیاست امپریالیست‌ها را اجرا می‌کند و کوشش دارد که ایران را در وضع عقب‌ماندگی و واپس‌گرایی نگاه دارد. رژیم شاه رژیمی دیکتاتوری است. در این رژیم، آزادی‌های فردی پایمال و انتخابات واقعی و مطبوعات و احزاب از میان برده شده‌اند. نمایندگان را شاه با نقض قانون اساسی تحمیل می‌کند. انعقاد مجامع سیاسی - مذهبی ممنوع است. استقلال قضایی و آزادی فرهنگی به هیچ‌وجه وجود ندارد. شاه قوای سه‌گانه را غصب کرده است و یک حزب واحد ایجاد نموده است. از این بدتر، پیوستن به این حزب را اجباری کرده است و از متخلفان انتقام می‌گیرد.^۲

[منظور، "حزب رستاخیز ملت ایران" است که تأسیس آن در ۱۱ اسفند ۱۳۵۴ توسط شاه اعلام شد]

کشاورزی ما که تولیدش حتی تا ۲۳ سال پیش اضافه بر احتیاجات داخلی‌مان بود و ما صادرکننده این مازاد بودیم، فعلاً از میان‌رفته است. مطابق ارقامی که نخست‌وزیر شاه در دو سال پیش به دست داده است، ایران ۹۳ درصد از مواد غذایی مصرفی خود را وارد می‌کند؛ و این است نتیجه به‌اصطلاح اصلاحات ارضی شاه!... شاه اقتصاد ما را از میان

۱ پرتال امام خمینی کد: ۵۰۱۷۵/ <http://www.imam-khomeini.ir/>

برده و درآمد حاصل از نفت را که ثروت آینده مردم ماست تبذیر می‌کند و آن را برای خرید اسلحه‌هایی به کار می‌برد که جنبه تجملی و قیمت‌های سرسام‌آور دارد و این امر به استقلال ایران صدمه می‌زند. من مخالف شاه هستم؛ درست به دلیل آنکه سیاست وی که وابسته به قدرت‌های خارجی است، پیشرفت مردم را در معرض خطر قرار می‌دهد. هنگامی که شاه ادعا می‌کند که ایران را به مرز «تمدن بزرگ» می‌رساند، دروغ می‌گوید و این مطلب را بهانه قرار داده است تا ریشه استقلال مملکت را قطع کند و خون مردم را جاری سازد. کارگران، کشاورزان، دانشجویان، کسبه و زنان و مردان علیه قدرت ارتجاعی و گذشته‌گرایی وی مبارزه می‌کنند. به دلیل این واقعیتهای غیرقابل بحث است که شاه کوشش می‌کند موضع مخالف ما را در قبال رژیمش وارونه جلوه دهد و ما را مخالف تمدن و گذشته‌گرا قلمداد کند. اگر ما موفق به سرنگون کردن رژیم او شویم، او برای کارهایی که بر ضد پیشرفت و ترقی اقتصادی و فرهنگی مردم کرده است محاکمه خواهد شد؛ و آن روز تمامی عالم از جنایات وی آگاه خواهند گردید.^۱

درباره لفظ «مارکسیسم اسلامی» که رژیم مرتباً استعمال می‌کند چه فکر می‌کنید؟ آیا با دستجات چپ افراطی روابط سازمانی دارید؟

این شاه است که اصطلاح مذکور را به کار برده است و اطرافیانش از او تبعیت کرده‌اند. این مفهوم، مفهومی نادرست و حاوی تناقض است و برای از اعتبار انداختن و از بین بردن مبارزه مردم مسلمان ما بر ضد رژیم شاه است. مفهوم اسلامی که براساس توحید و وحدانیت خداوند بنا شده است با ماتریالیسم در تضاد است. اصطلاح «مارکسیسم اسلامی» یک اصطلاح خلاف حقیقت است؛ به عبارت دیگر، شاه و دستگاه تبلیغاتی‌اش از اتحاد «ارتجاع سیاه» و «خرابکاری سرخ» نیز هدفی را که گفتیم تعقیب می‌کند؛ بدین معنا که وی می‌خواهد مردم مسلمان را وحشت‌زده سازد و بذر ابهام را در آنها بپراکند تا مخالفتشان را نسبت به رژیم که جامع و غیرقابل بحث و انکار است از میان ببرد. هیچ‌گاه میان مردم مسلمانی که بر ضد شاه در حال مبارزه‌اند و عناصر مارکسیست افراطی یا غیرافراطی اتحاد وجود نداشته است. من همواره در اعلامیه‌های خود خاطرنشان ساختم که مردم مسلمان بایستی در مبارزه خود همگون و متجانس باقی

بمانند و از هر نوع همکاری سازمانی با عناصر کمونیست برحذر باشند.^۱
 با توجه به فقدان روابط سازمانی، آیا یک اتحاد تاکتیکی را با مارکسیست‌ها برای سرنگون کردن شاه در نظر دارید؟ و روش و طرز رفتار شما با آنان پس از موفقیت اجتماعی‌تان چگونه خواهد بود؟

- نه ما حتی برای سرنگون کردن شاه با مارکسیست‌ها همکاری نخواهیم کرد. من همواره به هواداران خود گفته‌ام که این کار را نکنند. ما با طرز تلقی آنان مخالفیم. ما می‌دانیم آن‌ها از پشت به ما خنجر زده‌اند و اگر روزی به قدرت برسند، رژیمی دیکتاتوری برقرار خواهند کرد و این مخالف روح اسلام است؛ اما در جامعه‌ای که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیست‌ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود؛ زیرا ما اطمینان داریم که اسلام دربردارنده پاسخ به نیازهای مردم است. ایمان و اعتقاد ما قادر است که با ایدئولوژی آن‌ها مقابله کند. در فلسفه اسلامی از همان ابتدا مسئله کسانی مطرح شده است که وجود خدا را انکار می‌کرده‌اند. ما هیچ‌گاه آزادی آن‌ها را سلب نکرده و به آن‌ها لطمه وارد نیاورده‌ایم. هر کس آزاد است که اظهار عقیده کند ولی برای توطئه کردن آزاد نیست.^۲

فکر می‌کنید که فرزند شما به قتل رسیده است؟ اگر چنین نیست چرا مرگ وی علت انفجار تظاهرات شده است؟

من با قطع و یقین نمی‌توانم بگویم چه اتفاقی افتاده است ولی می‌دانم که او شب قبل از درگذشتش صحیح و سالم بود و مطابق گزارش‌هایی که به من رسیده است، اشخاص مشکوکی آن شب به خانه وی رفته‌اند و فردای آن شب او فوت کرده است. چگونه؟ من نمی‌توانم اظهارنظری بکنم. نارضایی مردم به این مناسبت ابراز شد. مسلماً مردم، خدمتگزاران خود را دوست دارند و مرا و نیز پسر را نیز خدمتگزار خود می‌دانند. دنبال این جریان هر کشتاری که رژیم ترتیب داد، تظاهرات تازه‌ای را به مناسبت چهلم کشته‌شدگان موجب گردید؛ اما مطلب اصلی و اساسی، پسر من نیست. مسئله اساسی، عصیان و قیام همه مردم بر ضد ستمگرانی است که بدان‌ها ستم می‌کنند.^۳

۱ همان

۲ همان

۳ همان

برنامه سیاسی شما چیست؟ آیا می‌خواهید که رژیم را سرنگون سازید؟ به جای این رژیم، چه نوع رژیمی را برقرار خواهید کرد؟

- کمال مطلوب ما ایجاد یک دولت و حکومت اسلامی است؛ مع‌ذلک نخستین اشتغال حاضر ما سرنگون کردن این رژیم خودسر و خودکامه است. در مرحله اول بایستی قدرتی به وجود آوریم که به احتیاجات اساسی مردم پاسخ دهد.^۱

مقصودتان از حکومت اسلامی چیست؟ آنچه از این تعبیر، خود به خود، به ذهن می‌آید امپراتوری عثمانی و یا عربستان سعودی است؟

- تنها مرجع استناد برای ما، زمان پیغمبر و زمان امام علی است.^۲

آیا به نظر شما بازگشت به قانون اساسی ۱۹۰۶ [قانون اساسی مشروطه] یک راه‌حل معتبر است؟

- قوانین اساسی و متمم آن به شرط آن که مورد اصلاح قرار گیرد، می‌تواند مبنای دولت و حکومتی باشد که ما توصیه می‌کنیم؛ این حکومت در خدمت آرمان اسلامی قرار می‌گیرد.^۳

آیا این قانون اساسی، رژیم سلطنتی را حفظ خواهد کرد و یا حکومت جمهوری را در مدنظر دارید؟

- رژیمی که ما برقرار خواهیم کرد به هیچ‌وجه رژیم سلطنتی نخواهد بود. این مطلب خارج از موضوع است و مطرح نیست.^۴

به سلطنت رسیدن پسر شاه فعلی برای شما قابل قبول خواهد بود؟

- ما مخالف پدر شاه بودیم و مخالف شاه فعلی و مخالف همه سلسله‌اش هستیم؛ زیرا مردم ایران آن را نمی‌خواهند.^۵

آیا خود شما در نظر دارید که در رأس آن قرار گیرید؟

- شخصاً نه. نه سن من و نه موقع و نه مقام من و نه میل و رغبت من متوجه چنین امری نیست. اگر موقعیت پیش آید، ما در میان کسانی که در جریان مفاهیم و فکر

۱ لوموند، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۷ (۶/می/۱۹۷۸م)

۲ همان

۳ همان

۴ همان

۵ همان

اسلامی مربوط به حکومت هستند، شخصی و یا اشخاصی را که مستعد تعهد چنین امری باشند انتخاب خواهیم کرد.^۱

شما همواره در مقابل درخواست‌های مطبوعات بین‌المللی سکوت را حفظ کرده‌اید؛ چرا؟ - مطبوعات بین‌المللی بیشتر به دبدبه و کبکبه و طمطراق و تشریفات رسمی توجه دارند: تخت جمشید، تاجگذاری شاه و ... یا در حد اعلاء توجهشان معطوف به قیمت نفت است، نه به بدبختیهای مردم ایران و یا فشاری که تحمل می‌کنند. ظاهراً شاه هر سال صد میلیون دلار برای تبلیغاتش در خارج پول خرج می‌کند. از اینجهت من در طول پانزده سال گذشته - خصوصاً به من گفته‌اند روزنامه شما مستقل است و به مسائل واقعی ایران از قبیل شکنجه‌ها، کشتارها و بی‌عدالتیها می‌پردازد. من امیدوارم که این مصاحبه به آشنا ساختن آرمان مردم من کمک کند. حرف‌های خود را خطاب به مردم ایران زده‌ام و همین کار را ادامه خواهم داد.^۲

آیا سیاست موافق شاه در قبال اسرائیل یکی از دلایل مخالفت شما با رژیم است؟ آری؛ زیرا اسرائیل سرزمین یک قوم مسلمان را اشغال کرده و جنایات بی‌شماری مرتکب شده است. عمل شاه در حفظ روابط سیاسی با اسرائیل و دادن کمک اقتصادی به وی، برخلاف مصالح و منافع اسلام و مسلمان‌هاست.^۳

آیا آرزومند آن هستید که ایران علیه اسرائیل در جرگه کشورهای عربی وارد شود؟ - من همواره مصرأ خواسته‌ام که مسلمانان سراسر جهان متحد شوند و بر ضد دشمنانشان از جمله اسرائیل مبارزه کنند. متأسفانه دعوت‌های مرا رژیم‌های مختلفی که در کشورهای مسلمان بر سر کار آمده‌اند، نشنیدند. من امیدوارم که بالاخره این دعوت‌ها شنیده شود. من در این راه پایداری خواهم کرد.^۴

موضع شما در قبال آمریکا چیست؟

در طی بیانیه‌ها و اعلامیه‌های پانزده سال اخیر خود چندین بار موضع خودم را در قبال

۱ همان

۲ پرتال امام خمینی کد: ۵۰۱۷۵/ <http://www.imam-khomeini.ir>

۳ همان

۴ همان

آمریکا و قدرتهای بزرگ دیگری که از ثروت‌های ممالک فقیر بهره‌برداری می‌کنند، بیان کرده‌ام. آمریکا عمال خود را در این ممالک تحمیل و بعد خشونت‌ی را که به مردم تحمیل می‌شود تأیید می‌کند. آمریکا که منشأ کودتای ۱۳۳۲ و بازگشت و حفظ شاه بر سر قدرت است، سیاست خود را تغییر نداده است. تا وقتی که وضع بدین منوال است، موضع و موقع من در قبال آمریکا همچنان تغییرناپذیر خواهد ماند.^۱

آیا مثل برخی فکر می‌کنید که آمریکا می‌خواهد یک رژیم آزادمنش لیبرال در ایران مستقر سازد؟

یعنی اعلامیه راجع به احترام و رعایت حقوق بشر؟ این مطلب چیزی جز حرف نیست؛ حرف! و من بدان باور ندارم. کافی است که ملاحظه بکنید کارتر رئیس‌جمهور آمریکا در جریان دیدارش در تهران پشتیبانی خود را از شاه تجدید کرد و علاوه بر آن، عملاً این پشتیبانی مورد تکذیب قرار نگرفت. به هر حال ما هیچ‌گاه رژیمی را با سیما و صورتی لیبرال و آزادمنش و مضمون و محتوای دیکتاتوری و استبدادی قبول نخواهیم کرد.

در مقابل اتحاد شوروی که همسایه بزرگ ایران است، موضع شما چیست؟
- همان موضعی که در قبال آمریکا است. ابرقدرتها مردم ما را استثمار کردند. من فرقی میان آن‌ها و حتی بین آن‌ها و انگلیس هم نمی‌بینم. هنگامی که ایران واقعاً مستقل گردید، در آن صورت می‌تواند روابط سالمی با تمامی ممالک عالم برقرار سازد.^۲
روزنامه آمریکایی در گزارشی با تیتر «روح الله خمینی از ایران، مردی که جهان را تکان داد»، به بیست و هفتمین سالگرد ارتحال امام خمینی^(ره) پرداخت.
در گزارش این روزنامه غربی ابتدا آمده است: «روح الله خمینی ایران، مردی که جهان را تکان داد».

در ادامه گزارش نیویورک تایمز با اشاره به خاکسپاری امام خمینی تصریح شده است: «میلیون‌ها نفر به خیابان‌ها آمدند و در بهشت زهرا جایی که او به خاک سپرده شد، عزاداری و سوگواری آن چنان زیاد بود که کار برای رساندن تابوت حمل شده در دستان جمعیت بسیار مشکل بود». این رسانه آمریکایی در ادامه نوشت: «او در ایران با (لفظ) امام خمینی شناخته شده بود؛ واژه‌ای که تجلی جایگاه نزدیک او به قداست است و او

۱ همان

۲ همان

همچنان چنین جایگاهی را در میان بخش‌های زیادی از جامعه ایران دارد». نیویورک تایمز در ادامه به حضور گسترده هر ساله مردم ایران در مراسم ارتحال امام خمینی در حرم بنیانگذار جمهوری اسلامی اذعان می‌کند.

این رسانه غربی می‌نویسد: «اغلب خانواده‌های ایرانی همچنان دسته دسته به حرم (امام خمینی) می‌روند. چون پوشیدن کفش در حرم ممنوع است، کودکان با جورابهایشان در حرم می‌دوند و مادران و پدرانشان در نزدیکی حرم امام محبوب و مورد علاقه‌شان فرش پهن کرده و می‌نشینند».^۱

استانسفیلد ترنر، رئیس وقت سازمان سیا: «سیا» حدس نمی‌زد که همه ناراضیان ایران، رهبری آیت‌الله خمینی را بپذیرند

ترنر باز هم تأکید کرده است که عدم امکان پیش‌بینی سقوط شاه برای سیا یک ناکامی نیست. وی گفت سیا حدس نمی‌زد که همه ناراضیان ایران رهبری آیت‌الله خمینی را بپذیرند و تمام عناصر وفادار به شاه از دور وی پراکنده شوند و شاه قادر به کنترل آنان نباشد.

ترنر گفت: خود شاه هم با همه وسائلی که در اختیار داشت به عمق جنبشی که جریان داشت تا واپسین لحظات پی نبرد.

ترنر گفت در ارزیابی قدرت شاه در مورد کنترل مخالفان اشتباه کرده بودیم و تصور میکردیم که او بتواند از عهده این کار برآید.

وی در مورد این پیشنهاد که سیا باید در گروه مخالفان شاه نفوذ میکرد و به تنفر و انزجار عمیق مردم از شاه و خاندان او پی میبرد، گفت در آن تاریخ گروهی وجود نداشت که ما در آن نفوذ کنیم، یک قیام عمومی بود و همه مردم زیر پرچم اسلام جمع شده بودند.

ترنر به تنفر عمیق مردم از کسان انگشت‌شماری که بدون استحقاق و تنها با کمک شاه و بستگانش به ثروت عظیم و بادآورده و نیز مقام‌های رفیع رسیده بودند اشاره کرد.^۲

استانسفیلد ترنر^۳ در برهه‌ای رئیس سازمان سیا بوده است که انقلاب اسلامی به پیروزی

۱ (سایت: <https://www.google.com/amp/s/www.farsnews.ir>)

۲ (روزنامه اطلاعات؛ ۲۵ فروردین ۱۳۵۸)

۳ Stansfield Turner

رسید و سیا به دلیل عدم پیش‌بینی درست انقلاب و قیام مردم ایران علیه رژیم طاغوت مورد انتقادهای شدیدی قرار گرفته بود.

با وجودی که به اذعان ترنر جاسوس‌های سیا در آن برهه و از مدت‌ها پیش در ایران حضور داشتند، ولی این نفوذی‌ها و جاسوس‌ها نتوانسته بودند به خوبی وظایف خود را عملی سازند و این‌گونه شد که ایران به عنوان امید آمریکا در منطقه از دست رفت!

سفارت آمریکا در تهران در اولین روز خرداد ۵۷ در گزارشی که به وزارت خارجه این کشور ارسال کرد با ابراز رضایت و خوش‌بینی نسبت به آرامش نسبی که در چند روز گذشته در کشور حکم‌فرما بوده است این مسئله را بررسی کرده و نوشت: «...علی‌رغم وقایع گاه و بی‌گاه اینجا و آنجا یک آرامش نسبی جایگزین آشفتگی‌های اخیر در جبهه مخالفین ایران شده است درحالی‌که در طول چند ماه گذشته تقریباً روزانه یک واقعه یا بیشتر اتفاق می‌افتاد شماره این وقایع اخیراً به ۳ یا ۴ واقعه در هفته کاهش یافته است» این سند لانه جاسوسی نشان می‌دهد که آمریکا در تحلیل وقایع ایران دچار خوش‌بینی مفرطی شده بود. در یک کلام می‌توان گفت آمریکا همواره در تحلیل مسائل ایران دچار اشتباه در محاسبه بوده، هرچند هرگز از این اشتباهات درس نگرفته است.

دریادار استانسفیلد ترنر رئیس وقت سازمان سیا در کتاب «پیش از خواندن بسوزانید» به خوبی دلیل اشتباه محاسباتی آمریکا در این زمینه را تشریح می‌کند: «گروه اطلاعاتی ما در ایران بسیار محدود بود، ما به اطلاعات کافی دسترسی نداشتیم، چون شاه دولت قابل اعتماد ما بود و ما در مورد او به طور جدی و با دقت جاسوسی نمی‌کردیم، به همین دلیل قبل از سقوط شاه ما عوامل زیادی در ایران نداشتیم و بعد از انقلاب هم طبیعتاً قادر به جلب افراد قابل اطمینان نبودیم.»

ترنر در کتاب دیگر خود به نام «پنهانکاری و دموکراسی» با اشاره به اطلاعات ناقص آمریکا و سازمان سیا از قدرت رهبری امام خمینی و میزان نفوذ ایشان میان اقشار مختلف مردم در اعترافی تاریخی می‌نویسد: «هرگز تصور نمی‌کردیم که همه گروه‌های ناراضی و مخالف شاه توسط یک روحانی ۷۹ ساله به نام آیت‌الله خمینی که به حالت تبعید در فرانسه به سر می‌برد به هم جوش داده شوند و اگرچه بعد از سقوط شاه اتصال این گروه‌ها نیز از هم گسست و هر یک رو به سوی نهادند ولی انقلاب از پا نایستاد و همچنان به راه خود ادامه داد.»

هر چند ترنر در خاطرات خود مدعی است که میزان جاسوسان آمریکایی مورد اعتماد

آمریکا در ایران کم بوده ولی این خود اعتراف بزرگی است که رئیس سازمان سیا به صراحت می گوید که ما از ایران متحد خود جاسوسی می کرده ایم، ولی این جاسوسی به اندازه کافی نبود، چرا که شاه معتمد و متحد ما بود! حال می توان پرسید زمانی که آمریکا از متحدان خود به هر میزانی جاسوسی می کند و نیروهایی را برای نفوذ در ارگان ها و نهادهای این متحد گسیل می دارد زمانی که آن کشور از دایره متحدین آمریکا خارج شد چه می کند؟ آیا راهی جز بالا بردن فعالیت های جاسوسی و تلاش برای نفوذ باقی می ماند؟^۱

نکته درس آموز دیگر در سخنان آقای ترنر این که؛

از عجز و ناتوانی سران استکبار و هدایت عوامل سرسپرده خود در ایران خبر می دهد. تعجب ایشان در این است که چگونه شاه با وجود ارتشی بسیار نیرومند، قوی و مجهز که ژاندارمی منطقه را به عهده داشت و نیز سازمان نیرومندی چون ساواک حتی پس از ائتلاف نیروهای انقلابی علیه نظام پهلوی و حکومت طاغوت در تثبیت قدرت خود ناتوان مانده بود!

این نکته را یادآور شویم که این اقرار فردی است که انقلاب ما را دقیقاً زیر نظر داشته است و در رأس سازمانی بوده است که معتقدند قوی ترین، کارآمدترین شبکه اطلاعاتی - امنیتی جهان است، جریان انقلاب ایران و عقب نشینی رژیم پهلوی اولین تجربه آزادی خواهی آن ها نبوده است.

شاید اعجاب آقای ترنر از آنجا ناشی شده است که ایران در آن روز جز با ثبات ترین کشورها و پایگاه های آمریکا در منطقه بود، مگر نه این که آمریکا آن قدر که روی ایران برای کنترل منطقه حساب باز کرده بود هرگز روی کویت، عربستان، عراق و ... سایر کشورها حساب نمی کرد؟! حتی عراق را که وابستگی نظامی به شوروی داشت توسط ایران تهدید می کرد. حمایت های سنگین و فروش تجهیزات پیشرفته نظامی به ایران غیر از هدف غارت ثروت و نفت ایران بالاخره در راستای اهداف و در جهت محافظت از منافع آمریکا هم بود، وگرنه آیا آمریکا امروز حاضر است سلاح ها و تجهیزات نظامی کامپیوترهای بسیار پیشرفته را به ایران حتی با چند برابر قیمت واقعی بفروشد؟ آقای ترنر وقتی انقلاب پیروز شده بود و به تعبیر و تلقی آن ها ایران از دست رفته بود تازه

بهوش آمده است و مدعی بوده که فرض‌های معقولی را در نظر داشته‌اند که شاه در اثر اجرای آن‌ها می‌توانست قدرت خود را بر ارتش تثبیت کند.

البته این سخن آقای ترنر بیشتر به یک ادعای بی‌پشتوانه و خالی می‌ماند تا حقیقت قابل اطمینان، بهتر است بگوییم فی الواقع آنچه آقای ترنر در نظر داشته در حد یک فرضیه، حرف قابل قبول است نه برنامه عملی امیدبخش و کارآمد در راستای اهداف آن‌ها، یا فرض‌هایی که بتوان با اجرای آن‌ها انقلاب را مهار کرد. اینک جای سؤال باقی است که چرا آقای ترنر یا کارتر یا دیگران برنامه‌های‌شان را اجرا نکردند تا آتش انقلاب اسلامی را خاموش کنند؟!

چرا در برابر آن پیرمرد به تعبیر شبکه بی.بی.سی خطرناک، یعنی حضرت امام حتی فکرشان از کار افتاده بود؟ آن‌ها برای جلوگیری از نهضت‌ها و انقلاب‌ها نه در ایران که در طول تاریخ آمریکا، در سراسر جهان، از هر ترور، توطئه، تهاجم، اشغال نظامی و تجاوزی هم کوتاهی نکرده و نمی‌کنند؟ پس چه شد که در مورد ایران تا به خود آمدند همه چیز تمام شد؟ راستی آمریکا قدرت نداشت به ایران حمله کند؟ آمریکایی که حداقل چهل هزار مستشار نظامی و غیرنظامی در ایران داشت، نمی‌توانست از ورود و بازگشت امام به ایران جلوگیری کند؟ قدرت نداشت به فرانسه بقبولاند که نباید به امام اجازه پرواز از پاریس به تهران بدهد؟ چه شد که شاهی که در دوران انقلاب در اوج قدرت نظامی بود ناگهان قدرت کنترل خود فرماندهانش را در حد حفظ پادگان‌های تهران حتی پادگان و گارد شاهنشاهی و نیروهای ویژه از دست داد؟ چه شد که نیروهای مخصوص گارد هم از پیری که حتی او را در عمرشان ندیده بودند، فرمان می‌بردند تا از فرماندهان نظامی پادگان؟ چه قدرتی مانع بود که وقتی مردم در تظاهرات عظیم میلیونی خیابان‌ها در برابر نیروهای مخصوص ضدشورش آن روز شاه، شعار مرگ بر شاه سر می‌دادند، نیروهای ارتش، به مردم شلیک نمی‌کردند. حتی شاه با وجود کشتار ۱۷ شهریور و ایجاد جمعه خونین میدان ژاله، باز هم کاری از پیش نبرد.

البته لازم است مواردی را ما به آقای ترنر تذکر دهیم که از اطلاعات غلط یا ضعف اخبار و شناخت آن‌ها از ایران برمی‌آید. نخست اینکه سازمان امنیتی ایران (ساواک) آن قدر هم که به مردم قبولانده و تبلیغ کرده بودند قوی نبود، دیگر این که شیوه تحلیل‌ها و اصول تلقی‌های شما در مورد ایران می‌بایست واجد شرایط فرهنگی سیاسی و بافت فکری روحی و اجتماعی ایران می‌بود که قطعاً چنین نبوده است و گرنه تمام محاسبات شما و

سازمان عریض و طویل سیا و ساواک نباید غلط از آب درمی‌آمد. اما آقای ترنر یک نکته را با زیرکی عرض کرده یا شهامت اقرار نداشته است یا اندکی با خوش‌بینی بگوییم و به حساب اطلاعات غلط آن‌ها بگذاریم که چرا لازم ندانستید شورش ایران را با قدرت نظامی بخوابانید؟ در عدم صداقت شما همین بس که؛ مگر نه این‌که تمام شبکه‌های خبرگزاری جهان جریان و روند انقلاب اسلامی ایران را هرروز چه از طریق رادیو و چه از طریق شبکه‌های مختلف تلویزیونی مخابره و گزارش می‌کردند، حداقل سفارت آمریکا که نباید به شما دروغ می‌گفت.

صادقانه و با صراحت بگوییم که عدم تمایل شما برای سرکوب نه از سر ترحم و دلسوزی و شفقت بود بلکه عظمت و حضور جمعیت در اعتراض به شاه و آمریکا به حدی بود که اگر قرار بود اقدام به سرکوب می‌کرد می‌بایست ایران را خالی از سکنه می‌کردید یعنی همان رقم ۹۸٪ را که به جمهوری اسلامی رأی آری داده بودند می‌کشید این کار هم انصاف بدهید، عملی نبود. ضعف دیگر آقای ترنر با تمام موقعیت حساسی که داشتند برمی‌گردد به عدم شناخت نیروهای ارتشی و نظامی ایران و اطاعت آن‌ها از حضرت امام. برای اثبات این مدعا بد نیست قسمتی از مصاحبه مرحوم بازرگان را که در تاریخ سیزدهم بهمن ۱۳۵۷ (ه. ش) دقیقاً یک روز پس از بازگشت امام به ایران صورت گرفته است، مرور کنیم تا هم تذکاری برای ما باشد و هم درسی برای آقای ترنر، آقای بازرگان در پاسخ این سؤال خبرنگار خبرگزاری آسوشیتدپرس که آیا در مورد عکس‌العمل ارتش (در وجود آیت‌الله خمینی) ترسی وجود دارد یا خیر؟

چنین پاسخ می‌دهد: بسیاری از افسران علناً نسبت به آیت‌الله اظهاری وفاداری کرده، وعده‌ای نیز با اعمال خود نشان داده‌اند که با نهضت آیت‌الله خمینی موافقت دارند^۱ ... "نکته دیگر خطاب به آقای ترنر این است که ایشان و حتی شاه و نزدیکان آمریکایی شاه از شیوه‌های امام خمینی کاملاً بی‌خبر بودند. آنچه از شیوه و سنت رهبری امام می‌توان فراگرفت این‌که در موارد و مواقعی در اتخاذ تصمیم‌های مهم و سرنوشت‌ساز حتی نزدیک‌ترین افراد را هم نباید مطلع ساخت، زیرا ممکن است او نیز موجبات تعجب را فراهم کرده است در انجام کار یا اتخاذ تصمیم به‌نوعی هرچند ضعیف دخالت یا تأثیرگذار باشند، اگرچه در مورد امام حتی همان اندک تأثیر را هم نمی‌توان اثبات کرد

یا مدعی شد، آقای بازرگان در همان مصاحبه اظهار می‌دارد: "تصمیم آیت‌الله در تشکیل شورای انقلاب اسلامی که در پاریس اتخاذ شده، حتی برای نزدیک‌ترین پیروان او نیز موجبات تعجب را فراهم کرده است."^۱

نکته پایانی کلام آقای ترنر که از عدم توقع پیروزی انقلاب اسلامی بدان صورت دم می‌زند و بگوییم این سخن هم از جانب شما چندان غیرمترقبه و دور از انتظار نیست، زیرا شما در هر صورت بازنده میدان‌ها هستید.

همان‌گونه که اشاره شد در این مقاله سعی شده به تحلیل سخنان، مصاحبه‌ها و اقرارها و نظریه‌های افرادی پردازیم که بیشتر در صف مخالفان انقلاب اسلامی و امام قرار می‌گیرند یا حداقل جز هواداران انقلاب و امام نبوده‌اند. در پایان مقاله فقط برای اینکه دریچه‌ای به روی آرا و نظریات شبکه‌های خبری، رهبران، شخصیت‌ها، دولتمردان و اندیشمندان سایر کشورها بخصوص از جهان اسلام بگشاییم، فقط به نقل گزارش‌ها و سخنان افراد دیگری بسنده می‌کنیم.

مجله اسپانیایی:

"شاه در برابر ساواک و سازمان سیا با گریه می‌گفت: "کسی نیست این پیرمرد را از سر راه من بردارد." و ارتش شاه در برابر همین پیرمرد کهن‌سال مثل برگ فروریخت. پیرمردی که تنها دعا می‌کرد."^۲

راديو آمریکا:

"آیت‌الله خمینی، چهره پیشتاز و سردمدار انقلابی است که ایران را در سال ۱۹۷۹ در خود غوطه‌ور ساخت و روابط محکم و دوستانه ایران و آمریکا را با خصومتی آشتی‌ناپذیر جایگزین ساخت."^۳

پاپ ژان پل دوم رهبر فقید کاتولیک‌های جهان:

بر ما لازم است که در کنار ادای احترام در برابر تمامی دستاوردهای امام خمینی^(ره) که با رهبری سیاسی و دینی خود برای ملت و امت خویش به ارمغان آوردند، تأمل عمیق، تشکر و تقدیر کنیم.

۱ (همان / ص ۶)

۲ (روزنامه جمهوری اسلامی/ ۱۳۶۸/۳/۲۷)

۳ (ماهنامه شاهد/ شماره ۱۸۴/ ۱۵/۴/۱۳۶۸/ ص ۵۰)

- فیدل کاسترو رهبر کوبا:

این‌جانب مفتخر به برخورداری از امتیاز آشنایی نزدیک با یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های تاریخ شدم، یک آشنایی بسیار نزدیک با خلوت آخرین سال‌ها، روزها و دقایق زندگی در کنار نزدیک‌ترین افراد خانواده و دوستانش. تنها می‌توانم از عمیق‌ترین گوشه قلبم بگویم و تکرار کنم که ایشان یک نمونه بودند. نمونه، یک نمونه واقعی.^۱

پروفسور حامد الگار استاد اسلام‌شناسی در دانشگاه کالیفرنیا آمریکا:

یک مسلمان هرچه قدر بخواهد از یک شخصیت بزرگ معنوی تعریف و تمجید کند، به خاطر آنکه بزرگی و عظمت تنها از آن خداست و نمی‌توان شخصی غیر از خداوند را با این صفات خواند، بهتر است به‌جای به‌کارگیری چنین لفظی گفته شود که عظمت و بزرگی خداوند به‌صورت نادری در آن فرد جلوه پیدا کرده و او را به آیتی از «الله» مبدل ساخته است. امام خمینی^(ع) به‌یقین چنین آیتی به‌شمار می‌رفتند. آرامشی که در امام^(ع) وجود داشت، متعلق به فردی بود که با شیوه‌ای زاهدانه خود را غرق در «اندیشه و عبادت الهی» کرده اما باین‌وجود آن‌چنان به اقدام‌های سیاسی مهمی دست می‌زدند که به لحاظ گستردگی و تأثیر در هیچ فرد انقلابی وجود نداشت و به خاطر چنین ویژگی ایشان بود که در شخصیت امام^(ع) نوعی تکامل و همه‌جانبگی ایجاد شد، به‌طوری‌که از عابد گرفته تا عامی و از عارف گرفته تا قاضی، همه را تحت تأثیر قرار می‌دادند. در یک کلام، زندگی ایشان تجلی عمل صالح و ایثار بود و امام خمینی^(ع) در این دنیا چنان به سر می‌بردند که گویی همواره مجذوب عز قدس الهی هستند و به این دلیل بود که میلیون‌ها مسلمان جهان از ممالک مختلف به ایشان عشق ورزیده و به راهش ایمان آوردند.^۲

پروفسور برنارد لوئیس خاورشناس آمریکایی:

امام خمینی^(ع) از موضع‌گیری‌های دشمنانه ابرقدرت آمریکایی نمی‌هراسیدند اما از آن چیزی که از ناحیه آمریکا هراس داشتند، گمراه‌کنندگی و فریبندگی شیوه زندگی آمریکایی بود.

✓ کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا در دوران انقلاب اسلامی ایران:

۱ (ماهنامه پاسدار شماره ۲)

۲ (مجله اطلاعات هفتگی شماره: ۲۴۳۹)

- ✓ "آیت‌الله خمینی در کشورش یک قهرمان بزرگ تلقی می‌شود".^۱
- سام نجوما، رهبر سازمان خلق آفریقای جنوب غربی "سواپو":
- ✓ "ما به‌عنوان مبارزان آزادی‌بخش، از شاگردان حضرت امام بودیم و از ایشان الهام گرفته‌ایم".^۲
- ✓ **حسن ایلدیز مقیم آلمان:**
- ✓ "بزرگ‌ترین اثر دین، انقلاب علیه آمریکا و اروپا بود. چراکه اروپا و آمریکا بیشتر از دیگران ممالک اسلامی را مستعمره کرده بودند یکی از ترس‌هایی که این‌ها دارند افزایش آمار مسیحیانی است که مسلمان می‌شوند".^۳
- ✓ **هفته‌نامه انگلیسی ابزرورز:**
- ✓ " ... دو رویداد بزرگ سیاسی که در زمان ما رخ داده است بی‌چون‌وچرا متعلق به شیعیان است. یکی از رویدادها، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سرنوشتی حکومت طرفدار غرب شاه بود، دیگری تسلیم اسرائیل در لبنان است ... روستائیان مسلمان لبنانی که شور دینی‌شان برانگیخته‌شده و از امام خمینی الهام می‌گیرند، زخم‌هایی به اسرائیل وارد ساختند که هیچ نیروی دیگر ظرف چهل سال اخیر وارد نساخته بود ...".^۴
- ✓ **ماسیموفینی (روزنامه‌نگار معروف ایتالیایی):**
- ✓ "حقیقت انقلاب اسلامی و تفکر آیت‌الله خمینی بسیار عمیق است و جهان غرب تاکنون از درک آن عاجز مانده است. جهان غرب باید متوجه این نکته اساسی باشد که اسلوب تفکر آیت‌الله خمینی جدای از تفکرات موجود در جهان است. اندیشمند قدرتمند (امام) خمینی با رد تفکر غرب و شرق جای خود را در ایران و جهان اسلام باز کرده است".^۵
- ✓ **معاون پارلمان الکساندر ونگروفسکی در گفتگوی اختصاصی با**

۱ (ماهنامه شاهد/شماره ۱۵/۱۸۴/۴/۱۳۶۸/ص ۵۰)

۲ (روزنامه جمهوری اسلامی / سه شنبه ۱۳۶۸/۶/۲۱)

۳ (همان / دوشنبه ۱۳۶۸/۱۱/۲۳)

۴ (مجله اطلاعات هفتگی شماره ۲۳۲۷)

۵ (حضور / شماره ۱۹/بهار ۱۳۷۶)

✓ خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در مسکو؛

✓ از ایران به‌عنوان یکی از مراکز عمده ژئوپولتیکی آسیا نام برد و تأکید کرد آنچه در ایران به وقوع می‌پیوندد می‌تواند تأثیر بسیار عظیمی در اروپا و آسیا داشته باشد. وی اعتراف کرد انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی بر قسمت‌های زیادی از شوروی سابق که قبلاً زیر نفوذ کمونیسم بود تأثیر فراوانی گذاشته است. وی تأکید کرد بر اینکه ایران برای روسیه جدید اهمیت فراوانی دارد.^۱

✓ اسقف کاپوچی، اسقف اعظم بیت‌المقدس:

✓ "بی‌شک رهبر انقلاب که مرد دین و دنیا است، رمز پیروزی انقلاب ایران است، قلب همه آزادگان دنیا و تمام مستضعفان و محرومان دنیا برای امام خمینی می‌تپد، او فقط متعلق به ملت ایران نیست، تمام مستضعفین دنیا چه مسلمان و چه غیرمسلمان او را نجات‌دهنده خود می‌دانند ..."^۲

✓ پروفیسور یاوس اوسوس رئیس اتحادیه راه اسلامی در اروپا و استاد برجسته دانشگاه در آلمان:

✓ امام خمینی^(ع) بیدارگر تمامی موحدان در عصر ما هستند، احیای دین و معنویت در روزگاری که سیطره مادیت و ابزار مادی و اندیشه‌های ضد معنوی، جامعه بشری را در چنبره خود گرفته بود، مدیون ایشان و یاران انقلاب اسلامی است.

✓ پروفیسور اودو اشتاین باخ مدیر انستیتوی خاورشناسان آلمان:

✓ امام خمینی^(ع) همان شخصیتی محسوب می‌شدند که برای نخستین بار اصول گرایی به بنیادهای اسلامی را در شکل یک دولت اسلامی، دولت جمهوری اسلامی ایران، تحقق بخشیدند و امام^(ع) همان شخصیتی بودند که نیروهای اصولگرا را به‌وسیله یک انقلاب اسلامی علیه رژیم نیرومند طرفدار غرب، یعنی رژیم شاه، بسیج کردند.

✓ پروفیسور لودویگ هاگمن استاد کرسی الهیات عملی در دانشگاه

۱ (روزنامه رسالت/شماره ۱۳۷۳/۱۲/۱۵/۲۶۵۲)

۲ (مجله عربی حیوة الانمه/۳/۱۱/۱۳۶۵)

ورتسبورگ آلمان:

✓ ایجاد نظامی به نام جمهوری اسلامی که به وسیله امام خمینی^(۵) در ایران عملی شد، برای تحقق این آرمان، یگانه مثال برآزنده و روشن است. رهبران انقلاب اسلامی در ایران با وجود اینکه شیعه هستند و شیعیان درصد جمعیت جهانی مسلمانان را تشکیل می‌دهند، هیچ‌گاه جای تردید باقی نگذاشته‌اند که انقلاب آنان نه یک انقلاب شیعی و نه یک انقلاب ایرانی است، بلکه یک انقلاب وحدت‌بخش امت اسلامی (پان‌اسلامیستی) محسوب می‌شود. اصولگرایی اسلامی، اعم از نوع شیعی و سنی آن، به‌طور کلی یک حرکت وحدت‌بخش اسلامی است.

✓ رابرت کالستون دانشمند کانادایی:

از نظر من که یک غربی و فردی غیرمسلمان هستم، این معجزه است که یک انقلاب مکتبی و الهی بتواند در جهان امروز این‌طور تحقق پیدا کند و در جهت استقرار عدالت به پیش برود، این انقلاب، بدون شک، از جانب خداوند حمایت می‌شود.

به نظر من این مهم‌ترین خصوصیت امام خمینی^(۵) بود، مردم احساس می‌کردند که هر آنچه ایشان انجام می‌دادند، هیچ دلیلی جز برای عزت اسلام و کیان اسلامی نداشت. این مهم‌ترین دستاورد و این ویژگی شخصیت ایشان محسوب می‌شود.

از متن سخنان رابرت کالستون دانشمند کانادایی تصویر دیگری از افکار امام و تأثیر انقلاب اسلامی در ذهن جهان منعکس می‌شود. گویا روابط و توازن قوا را در جهان به‌گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که وقوع هر انقلاب و نهضت را امری بسیار نادر و غیرمنتظره باید دانست. وقتی انقلابی در شرایط بسیار سخت و غیرقابل پیش‌بینی رخ می‌دهد، آدمی باید دنبال علائم و نشانه‌هایی از وجود نیرویی در این طبیعت بگردد و به حمایت و عنایت جریان و مشیتی خارج از عالم خاک و جهان مادی معتقد باشد.

استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا پس از آنکه نتوانست از وقوع انقلاب اسلامی جلوگیری کند طبیعی است که در راه پیشرفت و گسترش آن ممانعت به وجود آورد. تصور ما و شاید بسیاری این باشد که بعضی از مفاهیم در اندیشه و باور افراد صرفاً مذهبی آن‌هم از نوع مسلمان معنی پذیرند، درحالی‌که از محتوای سخنان آقای رابرت کالستون چنین برمی‌آید که آنان حتی اگر مسلمان هم نباشند در عصر حاضر به پدیده‌های

معجزه‌آسا معتقدند. وقتی تمام طرح‌ها، نقشه‌ها، برنامه‌ها، محاسبات دقیق شبکه‌های استکباری همسو برای جلوگیری از انقلاب اسلامی بسیج می‌شوند ولی کاری از پیش نمی‌برند، برخی از متفکران تا حدی منصف آن‌ها، به وجود نیرویی خارج از عالم خاک می‌اندیشند. اگر ما مسلمانان چون معتقد به اصل معجزه هستیم در تحلیل انقلاب به این امر تأکید بورزیم متأسفانه به ما برچسب نوعی گذشته‌گرایی، بنیادگرایی، تاجر و یا ارتجاع را می‌زنند؛ اما برای اثبات اصل اعجاز گونگی انقلاب ما بهتر است عین سخنان و اقرار آقای رابرت کالستون را که با تفکر و اعتقاد و تلقی ما سختی ندارد به استشهاد برگزینیم که با ما در این امر به نقطه مشترکی رسیده است:

یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران اصالت و اخلاص اسلامی آن است که در سطح وسیع بین مردم به چشم می‌خورد از نظر من که یک غربی و فرد غیرمسلمان هستم، این معجزه است که یک انقلاب مکتبی و الهی بتواند در جهان امروز این‌طور تحقق پیدا کرده و در جهت استقرار عدالت به پیش برود، این انقلاب بدون شک از جانب خداوند حمایت می‌شود دولت‌های قدرتمند از طرق گوناگون سعی دارند در مقابل این انقلاب ایستادگی کنند و کوشش می‌کنند تا جهان را از حقیقت این انقلاب دور نگه دارند و مردم هم هنوز واقعیت و طبیعت انقلاب ایران را درک نکرده‌اند.^۱

ملت ایران و امام خمینی یک کار عظیم تاریخی را به انجام رساندند و آمریکا تصمیم گرفت از طریق جنگ تحمیلی ضربه‌ای بر انقلاب وارد سازد، ولی مقاومت ملت ایران این کوشش آن‌ها را نیز نقش بر آب کرد.

درس دیگری که از انعکاس اندیشه‌های امام و انقلاب اسلامی در قاموس تفکر نویسندگان و دانشمندان سایر کشورها می‌توان فراگرفت این است که انقلاب اسلامی طرح آلترناتیوی است برای سرخوردگان از کمونیسم و کاپیتالیسم به‌عنوان تفکر و اندیشه‌ای جدید. گویا انسان قرن حاضر، چه آنان که دیده به کاپیتالیسم غرب دوخته بودند و چه آنان که کعبه‌آمال و آرزوهای خود را در کاخ کرم‌لین می‌جستند، در مرحله‌ای از تاریخ احساس کرده‌اند که نه وعده‌های دروغین غرب برای دموکراسی و آزادی بشریت را نجات خواهد داد و زمینه آرامش و امید به حیات را برایش فراهم می‌آورد و نه وعده‌های تساوی حقوق و شعارهای برابری مارکسیسم برایش خیر و نویدی را در پی داشته است.

در این حیرت و نومیدی مجموعه خواست جهانی که جویای راهی جدید و چراغ امیدی دیگر است، احساس می‌کند باید به مکتب و تکیه‌گاه و تفکر جدیدی روی آورد و چه‌بسا به دنبال گمشده دیگری پرسه زند، آن هم پس از آنکه مکاتب علمی - فلسفی متعددی را تجربه کرده است. هر کدام هرچند هم خوش درخشیده باشند اما به دولت مستعجل دیده می‌شدند. تذکر این نکته ضروری است که اندیشمندان و نظریه‌پردازان شرق و غرب چندان هم نادان و خام نبوده‌اند، زیرا از همان ابتدای نطفه بندی انقلاب اسلامی دقیقاً با برنامه و حساب‌شده در جهت جلوگیری از تکوین و تولد و ضعف و کم‌رنگی یا تحریف هویت انقلاب، موضع‌گیری و حرکت کرده‌اند.

درس مهم دیگری که امام خمینی از طریق انقلاب اسلامی به بشریت بخصوص جوامع اسلامی داد این بود که همیشه روی نقاط اشتراک کشورهای اسلامی تأکید خاص می‌ورزیدند، امام آگاهانه از همان راهی که استکبار در جهت بی‌هویتی جهان اسلام رفته بود حرکت می‌کرد و علائم و نشانه‌های در مسیر نهاده استکبار را یکی یکی محو می‌کرد و چراغ‌های بیداری و هدایت را در مسیر حرکت امت اسلامی روشن می‌کرد. مثلاً یکی از جریان‌های فکری سیاسی استکبار این بود که دین‌مداران را با سیاستمداران کاری نیست. تفکر معروف جدایی قیصر و مسیح می‌گفت: قیصر به حکومت و کشورداری و سیاست بپردازد و مسیح هم دنبال انجیل و کلیسا و مراسم دینی برود.

صورت دیگر این تئوری را در ایران القا کرده بودند که همانا نظریه خطرناک جدایی دین از سیاست بود، متأسفانه برخی از افراد کوتاه‌بین و حتی مذهبی هم - که فریاد امام همیشه از دست آنان به عرش رسیده بود بسیار ساده‌اندیش و زودباور این نظریه خطرناک و مهلک را قبول کرده بودند و هر وقت فرصت و زمان را مناسب می‌دیدند به طرح و تبلیغ جدایی دین از سیاست می‌پرداختند. امام خبیر و بیدار دل و آگاه و نکته‌سنجمان بلافاصله اعلام موضع می‌کرد و بخصوص جمله معروف شهید مدرس را یادآور می‌شد که: "سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست."

- دیمتری کیت سیکس از متفکران مسیحی ارتدوکس و استاد تاریخ روابط بین‌الملل یونان:

برای ما مسیحیان ارتدوکس یونان امام خمینی^(۵) نمونه‌ای بودند از یک مبارز جهانی، جهت استقرار حق به جای ارزش‌های مادی است. اگرچه تبلیغات جهانی غرب سعی می‌کرد از ایشان یک تصویر فنانیک ترسیم کند اما ما می‌دانیم وجود امام^(۶) مملو از

مهر و محبت نسبت به تمام ملل روی زمین که در مسیر خدا حرکت می‌کردند و برتری ارزش‌های مادی‌گری را رد می‌کردند، بوده است.

- پروفیسور پروولسی ایتالیایی استاد ایران‌شناسی در دانشگاه رم:

مهم‌ترین عملکرد امام خمینی^(۵) امکان‌پذیر کردن یک انقلاب اسلامی بود، آن‌هم در کشوری که تمدن و فرهنگی قوی را در سابقه خود دارد. این کار باعث شد تا مردم ایران فرهنگ واقعی و قدیمی خود را که همان فرهنگ اسلامی بوده، بشناسند و خود را متکی بر آن فرهنگ به جامعه جهانی بشناسانند. این در حالی بود که تا پیش از انقلاب اسلامی، تنها آوایی که از ایران بلند بود و معیار شناخت جهانیان از کشور ایران اعلام می‌شد، صدای غربزدگی بود؛ بنابراین امام^(۵) آغازکننده انقلابی بودند که بالاخره فرهنگ اسلامی راستین ملت ایران را آشکار ساخت.

- فرانچسکو گابریلی اسلام‌شناس ایتالیایی:

امام خمینی^(۵) سمبل ضد حمله به امپریالیسم، سده هستند، ایشان مظهر و قهرمان این عکس‌العمل به شمار می‌روند.

- ماسیمو فینی روزنامه‌نگار ایتالیایی:

حقیقت انقلاب اسلامی و تفکر امام خمینی^(۵) بسیار عمیق است و جهان غرب از درک عمیق آن درمانده است.

- پرفسور اسماعیل کیلیس فیلسوف برجسته اسپانیایی:

دین زنده شده است، کلیساها جان تازه گرفته‌اند، توجه به مذهب و اندیشه‌های مذهبی در دانشگاه‌ها دیگر زشت و کم بها تلقی نمی‌شود. زیبایی‌های معنوی در زندگی روزمره مورد بازبایی قرار گرفته است، جهان برای نجات و زیبا کردن روابط اجتماعی‌اش به قدرت دین و جاذبه‌های معنوی گرایش شدید پیدا کرده است و این همه ناشی از دعوت نوینی بوده که امام خمینی^(۵) با انقلاب دینی‌اش در عرصه افکار و ذهنیت جامعه جهانی آغاز کردند.

آنتونیو مدرانو نویسنده اسپانیایی:

جهانیان همچنان تحت تأثیر انقلاب معنوی امام خمینی^(۵) قرار دارند.

- ریاج تاتاری رییس جامعه مسلمانان اسپانیا:

امام خمینی^(۵) عامل بیداری مسلمانان هستند. امام^(۵) که شخصیتی ممتاز و برجسته در جهان اسلام شناخته می‌شوند، موفق شدند یک انقلاب مهم اسلامی را در ایران به

پیروزی برسانند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یک حرکت بسیار مهم و با اهمیت برای جهان اسلام به حساب می‌آید و سبب افتخار مسلمانان است.

- محمد لنسل رییس مرکز فرهنگی تجدید حیات اسلام در اتریش:

بی‌تردید انقلاب اسلامی امام خمینی^(۵) نه تنها تصویر تازه‌ای از اسلام در اروپا ارائه کرد، بلکه حتی زندگی مذهبی غیرمسلمانان را هم دگرگون ساخت؛ به عبارت دیگر امروز حتی در اروپا نیز مذهبی بودن ارزش و معنای تازه‌ای یافته است.

- گوتفرد شایبر استاد اصول الهیات مسیحی در دانشگاه اوگسبورگ آلمان:

آنچه ناظران امروزی اوضاع در ایران را به صورت کامل شگفت زده می‌کند، وفاداری بلاقید و شرطی است که ملت در برابر امام خمینی^(۶) ابراز می‌کنند. البته این واقعیت بدون یک استدلال و برهان کلامی برای چنین حاکمیتی قابل توجیه نیست. جالب است گفته شود که در این نقطه، بنیادگرایی یا به اعتبار مفهوم متعارف کنونی، بنیادگرایی نیست زیرا در عرف امروزی، بنیادگرایی معنی پذیرش بی‌چون و چرای ساختار فکری ناسازگار با زمان را می‌دهد، درحالی‌که امام^(۷) انتقال یک الگوی فکری موجود را با عنایت به اوضاع زمان و سنجش با معیارهای کلامی اسلام انجام داده‌اند.

- روزبه گارودی فیلسوف و اندیشمند فرانسوی:

انقلابی که به رهبری امام خمینی^(۸) روی داد، متعلق به تمدن بشری بود و به یک جامعه و ملت خاص اختصاص نداشت.

- میشل فوکو فیلسوف فرانسوی و از نظریه‌پردازان پست مدرنیسم:

شخصیت امام خمینی^(۹) پهلوی به افسانه می‌زند زیرا هیچ رییس دولتی و هیچ رهبر سیاسی حتی با حمایت تمام رسانه‌های دنیا نمی‌تواند ادعا کند که با مردمش چنین پیوند عاطفی عمیقی دارد.

- پروفیسور فرانسوا توال استاد کرسی استراتژی در دانشگاه نظامی فرانسه:

پیروزی انقلاب امام خمینی^(۱۰) در ایران از پراهمیت‌ترین وقایع و انقلاب‌های نیمه دوم سده ۲۰ بوده، در حقیقت، مهم‌ترین واقعه در طول تاریخ شیعه است.

- ژیل کیپل جامعه‌شناس فرانسوی:

اثرگذاری نقش امام خمینی^(۱۱) در احیای تفکر دینی دیده می‌شود. مسلمانان اروپایی به

دلیل ماجرای سلمان رشدی و حجاب اسلامی، یک حرکت اخلاقی و اجتماعی را آغاز کرده‌اند.^۱

ارنول مارک گرچت تحلیلگر اسبق سازمان سیا در امور خاورمیانه در روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد که مشکل آمریکا این است که بعضی از روحانیون شیعه نمی‌خواهند فاصله خود را از سیاست حفظ کنند، این‌ها فرزندان آیت‌الله خمینی هستند.^۲

ادوارد شرلی از مقامات اسبق سیا می‌گوید: اگر نظام ولایت‌فقیه در ایران از هم بپاشد آن وقت می‌توان پذیرفت که جمهوری اسلامی تغییر ماهیت داده است.^۳

در مجله آلمانی اسپینگل مقاله‌ای تحت عنوان (آیت‌الله از جنس بتون) به قلم اولریکه پوتز منتشر شده است که صرف‌نظر از برخی تحلیل‌های نادرست در این مقاله، در آن نویسنده به تحلیل جایگاه برتر و قدرتمند ولی‌فقیه در نظام جمهوری اسلامی پرداخته، به‌نحوی که به درستی تصمیم‌گیری نهایی در خصوص مسائل مهم و اساسی مثل انرژی هسته‌ای و چگونگی برخورد با اپوزیسیون داخلی و فتنه‌ی پس از انتخابات و ... را موکول به نظر رهبری و ولی‌فقیه دانسته و در قسمتی دیگر از نوشتار خود ولی‌فقیه و شخص آیت‌الله خامنه‌ای را از جمله قدرتمندترین افراد در جهان کنونی برمی‌شمرده است.^۴ فوکایاما معتقد است:

ولایت پذیری شیعه که براساس صلاحیت هم‌شکل می‌گیرد، او را تهدید ناپذیر کرده است» مهندسی معکوس برای شیعیان ایران این است که ابتدا ولایت‌فقیه را بزیند. تا این را نزنید نمی‌توانید به ساحت قدسی کربلا و مهدی تجاوز کنید. وی نظریه‌ای با عنوان «میکروپولتیک میل‌ها و میکروفیزیک قدرت» ارائه می‌دهد و می‌گوید برای پیروزی بر یک کشور باید «میل مردم» را تغییر دهیم اگر میل مردم از شهادت طلبی، ایثار، جوانمردی و ده‌ها عاملی که به عنوان فرهنگ شکل گرفته است به رفاه طلبی، غرب‌زدگی و ... تغییر نیابد مانند این است که آب در هاون می‌کوبید. این میل‌ها هم

۱ (سایت: فرهنگ امروز، کد خبر ۱۱۶۴۱ سایت <https://www.farhangemrooz.com>)

۲ - (روزنامه کیهان، ۸۲/۲/۱۴)

۳ - (مذاکره با آمریکا چرا؟ تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۳۹۶)

4 - www.spiegel.de/politik/ausland/.html

(سایت دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، ۸۸/۱۰/۱۹) (لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری، کد:

۱۰۰۱۳۰۲۷۴/۱)

تغییر نمی‌کنند مگر این‌که ارکان یک قدرت از آن حمایت کند. وی راه برخورد با این جریان را تضعیف ولایت فقیه می‌داند. او می‌گوید در صورت تضعیف ولایت فقیه، رفاه‌طلبی جای شهادت‌طلبی را می‌گیرد و پس از آن اندیشه عدالت‌خواهی و انتظار نیز از جامعه رخت برمی‌بندد.^۱

خاویر پرز دکوئیار دبیر کل اسبق سازمان ملل:

دکتر علی‌اکبر بشارتی، وزیر اسبق کشور در مورد ملاقات خاویر پرز دکوئیار با مقام معظم رهبری می‌گوید:

«بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، از سوی کشورهای قدرتمند دنیا بر ایران فشارهای زیادی وارد می‌شد تا آن را بپذیریم. در همان ایام خاویر پرز دکوئیار دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، برای رایزنی‌های لازم به ایران آمد و با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که آن زمان رئیس‌جمهور بودند، ملاقات کرد. پس از ملاقات دکوئیار به من گفت: رئیس‌جمهور شما از کدام دانشگاه علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شده است؟ گفتم: چطور؟ گفت: من از چند دانشگاه معتبر دنیا مدرک دکترای علوم سیاسی دارم و بیش از سی سال است که کار سیاسی می‌کنم و ده سال است که دبیر کل سازمان ملل هستم. در این مدت کمتر شخصیت سیاسی و رئیس‌جمهوری هست که وی را ندیده و با او گفتگو نکرده باشم ولی تاکنون شخصیت سیاستمدار و هوشمندتر از رئیس‌جمهور شما ندیده‌ام».^۲

دیلیپ داروا، وزیر صنایع بنگلادش:

دیدار گروه دی‌هشت با رهبر ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و من بسیار تحت تأثیر شخصیت ایشان قرار گرفتم. بسیار مشعوف شدم که با رهبر مسلمین جهان دیدار کردم. ایشان شخصیت بزرگی دارند و حس خاصی در دیدار با ایشان حکم‌فرما بود. شخصی آرام که مسلط به مسائل روز مسلمانان و نیاز آن‌ها است و انگیزه‌ی دوچندانی به من برای آشنا شدن با ایشان داد. این دیدار یکی از بهترین خاطراتم بود... من برای اولین بار به ایران آمده‌ام و مردم آن را می‌بینم. بنگلادش نیز مانند ایران از بحران اقتصادی به سلامت عبور کرده و رشد صنعتی ایران بسیار متعجب شدم و وقتی با رهبر

۲ (علی محمد بشارتی - منبع: در سایه خورشید، صفحه ۸۱)

مسلمین جهان دیدار کردم، پی بردم که ایشان در به دست آوردن این رشد نقش اساسی داشته‌اند.^۱

خانم بی نظیر بوتو نخست‌وزیر پاکستان:

وی در جریان یکی از سفرهای خود به ایران خدمت رهبر معظم رهبری می‌رسد؛ و در مذاکراتی که صورت می‌گیرد خصوصاً با توجه به توصیه‌هایی که مقام معظم رهبری داشته‌اند، وی متأثر شده و می‌گوید: یک خواهش دارم و آن اینکه روز قیامت مرا شفاعت کنید. رهبری بلافاصله می‌فرمایند: «شفاعت مخصوص محمد و آل محمد است. بهترین شفاعت در این دنیا این است که شما مشی و مرامتان را با اهل بیت علیهم‌السلام هماهنگ کنید.

بعدها بی نظیر بوتو به نماینده ویژه رئیس‌جمهور ایران می‌گوید: «من برای آیت‌الله خامنه‌ای قداست قائل هستم و از ایشان خواسته‌ام برای موفقیت من دعا کند و برای من قابل تحمل نیست که ایشان از حکومت من ناراحت باشند. من هر کاری که در اختیارات قانونی‌ام باشد برای حل مشکل انجام خواهم داد.^۲

نوع نگاه سیاستمداران غربی از برخورد آنان با مسئله ولایت فقیه روشن می‌شود. سیاستمداران غربی با درک اینکه ولایت فقیه یکی از پایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی است و از آنجاکه ولایت فقیه را بزرگ‌ترین مانع دستیابی به اهداف خویش دانسته از این رو حجم گسترده تهاجمات خود را برای تضعیف این پایه محوری نظام بکار گرفته‌اند و سیل تبلیغات منفی در رسانه‌های غربی و ماهواره‌ها و اینترنت بر علیه این اصل گویای این مسئله است.

موضوع گفتگوی هفته‌نامه تایم با امام، جنایات شاه، انقلاب اسلامی و شکست معادلات جهانی و سرنوشت گروگان‌های آمریکایی بود. سؤالات صریح خبرنگار و پاسخ‌های متین و سنجیده امام، از جمله ویژگی‌های متمایز این گفت‌وگوست. مجله تایم که در آخرین شماره خود امام خمینی را به‌عنوان مرد سال معرفی کرد، متن این مصاحبه را تحت عنوان «به رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله بزرگ امام روح‌الله خمینی» چاپ نمود. خبرنگار

۱ (روزنامه ایران، ۱۸، اسفند ۱۳۸۸)

۲ (منبع: سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

هفته‌نامه آمریکایی تایم در روز نهم آذرماه سال ۱۳۵۹ در قم به دیدار امام رفت و با ایشان گفت‌وگویی را انجام داد. موضوع این گفتگو جنایات شاه، انقلاب اسلامی و شکست معادلات جهانی و سرنوشت گروگان‌های آمریکایی بود. سؤالات صریح خبرنگار و پاسخ‌های متین و سنجیده امام، از جمله ویژگی‌های متمایز این گفت‌وگوست. مجله تایم که در آخرین شماره خود امام خمینی را به‌عنوان مرد سال معرفی کرد، متن این مصاحبه را تحت عنوان «به رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله بزرگ امام روح‌الله خمینی» چاپ نمود.^۱

رهبری در رسانه‌های خارجی

جمعه ۲۹ خرداد ۸۸، نه‌تنها یک روز تاریخی و مهم برای ایرانیان علاقه‌مند به سرنوشت کشورشان به شمار می‌رود، بلکه می‌توان آن را در تاریخ رسانه‌های جمعی غرب یک روز مهم تلقی نمود. ۱۹ Jun ۲۰۰۹ شاید برای اولین بار بود که مخاطبان پرشمار جهانی، شاهد پخش زنده‌ی همه یا بخش‌های مهم خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران توسط رسانه‌های جمعی غرب بودند.

گشتی در آرشیو خبرگزاری‌ها و رسانه‌های غربی به‌خوبی نشان می‌دهد که پوشش گسترده رسانه‌ای در قالب خبری-تحلیلی سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در نماز جمعه کاملاً بی‌سابقه است. علاوه بر این در طول یک سال گذشته- از ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ تاکنون- حجم خبررسانی و پردازش اطلاعات و ارائه تحلیل‌ها درباره شخصیت، گفتار و رفتار رهبر جمهوری اسلامی افزایش چشم‌گیری داشته است.

از آنجاکه دسترسی به آرشیو بیشتر این رسانه‌ها در اینترنت امکان‌پذیر است، جست‌وجو در پرکارترین پایگاه‌های اطلاع‌رسانی خبری درباره این موضوع در اینترنت، می‌تواند نتایج جالب‌توجهی به دست دهد.

براساس رتبه‌بندی آلكسا (www.alexa.com) سه سایت پربیننده در میان ۱۰۰

سایت اول جهان به ترتیب عبارتند از:

www.bbc.co.uk رتبه در آلكسا: ۴۱

www.cnn.com رتبه در آلكسا: ۵۵

www.nytimes.com رتبه در آلكسا: ۹۰

که با جست‌وجوی کلیدواژه Khamenei در آن‌ها به این نتایج می‌رسیم: در بی‌بی‌سی ۸۱ مطلب با این کلیدواژه ثبت شده که ۳۷ مورد آن به یک سال گذشته برمی‌گردد. در سی‌ان‌ان، ۳۶۲ نتیجه به دست می‌آید که ۱۶۸ مورد آن مرتبط با رویدادهای سال گذشته در ایران است؛ از چهار گزارش ویدئویی که مربوط به رویدادهای سال ۸۸ و سه مورد آن مستقیماً مرتبط با خطبه‌های نماز جمعه رهبر انقلاب است: پخش مستقیم، خبررسانی و تحلیل آن. در نیویورک‌تایمز نیز کل نتایج ۱۸۵۱ مورد است که در یک سال گذشته ۱۳۶۰ مورد را شامل می‌شود. در این مطالب منتشره، گزارش مصور مفصلی نیز از نماز جمعه ۲۹ خرداد دیده می‌شود. با در نظر گرفتن این نتایج آشکار می‌شود که گرچه خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت آیت‌الله خامنه‌ای همچون نقطه‌ی عطفی در پوشش رسانه‌ای غرب پیرامون رهبر انقلاب ایران است اما این تغییر رویکرد محدود به این مورد نبوده و در یک سال گذشته حجم خبرها و تحلیل‌ها و برنامه‌سازی‌ها درباره رهبر ایران رشد قابل توجهی یافته است؛ به‌گونه‌ای که در برخی موارد معادل حجم پوشش رسانه‌ای تمام بیست سال گذشته رهبری ایشان یا بیش از آن است.

از این رو پرسش‌های مهمی به ذهن می‌رسد: آیا رهبر انقلاب اسلامی ایران پیش از برگزاری انتخابات دهم ریاست‌جمهوری در بایکوت خبری رسانه‌های غربی بوده‌اند؟ آیا پس از نماز جمعه تاریخی تهران به امامت ایشان این بایکوت شکسته شده است؟ پیامدهای این رویداد چه خواهد بود و در برابر آنچه باید کرد؟ پیش از آیت‌الله خامنه‌ای و در زمان رهبری امام خمینی^(ع) رسانه‌های غربی چه رویکردی در پوشش خبری ایشان داشتند؟

درباره‌ی این پدیده و چرایی و چگونگی آن، تحریریه دیگران دیدگاه چند تن از کارشناسان رسانه و تبلیغات را جویا شده و پیشینه و پیامدهای این مسئله را بررسی نموده است. آنچه در پی می‌آید، برگزیده‌ای از این دیدگاه‌ها و گفت‌وگوهاست.

این یک بغض است

نادر طالب‌زاده، کارگردان و مستندساز، بایکوت رهبر انقلاب در رسانه‌های غربی پیش از خطبه‌های نماز جمعه خرداد ۸۸ را امری مسلم می‌داند: «از وقتی ایشان رهبر شدند، تقریباً از ایشان چیزی در رسانه‌های خارجی پخش نشد تا صدای ایشان شنیده نشود یا حتی زیرنویس کلام ایشان دیده نشود. حتی در حد بیست ثانیه! در رسانه‌های اصلی

غرب که همه‌شان توسط یک گروه کنترل می‌شود، هیچ‌وقت چنین چیزی پخش نشده است تا می‌رسیم به انتخابات که در ۲۹ خرداد کل نماز جمعه را چهار شبکه‌ی غربی پخش کردند، آن‌هم به‌طور زنده و با ترجمه‌ی هم‌زمان! این اتفاق بسیار نادری بود. وی که بخشی از سال‌های زندگی خود را برای تحصیل و کار در غرب گذرانده برای نشان دادن رویکرد منفی رسانه‌های بیگانه به رهبر انقلاب، به یک مستند تلویزیونی اشاره می‌کند که پس از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری ساخته و پخش شده است: «چندی پیش CNN برنامه‌ی مهمی از یک بسیجی پخش کرد که چهره‌اش نشان داده نمی‌شد ولی مدعی بود که شاهد خیلی جنایت‌ها بوده و اکنون پناهنده شده است. البته هیچ‌کس دیگری هم شاهد جنایت‌ها نبوده و هیچ‌کسی هم شکایتی نکرده است! این شبکه فقط سایه‌ی تصویر را پخش کرد. صدایش را هم عوض کردند. چند ماه پیش، شبکه‌ی چهار انگلیس هم آن را پخش کرده بود. بلافاصله بعد از اعترافات او، این برنامه بخشی از اجلاس ژنو را نشان داد که دکتر جواد لاریجانی از وضعیت حقوق بشر ایران دفاع می‌کرد.

بعد هم قسمتی از سخنرانی آقا در حسینیه‌ی امام خمینی^(ع) که همه‌اش فلو (تصویر غیر شفاف و کدر) بود! یعنی آن‌ها حتی یک تصویر صاف نداشتند که مثلاً از پرس‌تی‌وی بگیرند و پخش کنند؟!

در همه‌ی قسمت‌های این مستند، تصاویر شارپ (واضح و تمیز) است اما به تصویر رهبری که می‌رسد، هم چهره‌ی ایشان و هم مخاطبان، کدر است. مشخص است که عمداً تصویر را فلو کرده‌اند. مثل VHS های قدیمی بیست‌وپنج سال پیش است! این یک بغض است. غیرازاین، چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

طالب‌زاده این موضوع را حتی ایده و سوژه مناسبی برای مستندسازی می‌داند و این پرسش را مطرح می‌کند که: «همین که تا پیش از انتخابات اخیر هیچ‌چیز قابل‌اعتنایی از ایشان در غرب پخش نشده... چرا؟ این خودش یک درام است. از چه می‌ترسند؟ چرا پخش نمی‌کنند؟ تنها چیزی هم که بعد از بیست سال پخش شد، همان سخنرانی نماز جمعه‌ی بعد از انتخابات بود. اینجا هم می‌شود پرسید که چرا و با چه انگیزه‌ای؟ به چه امید داشتند و دل‌بسته بودند که آن را پخش کردند؟ چه اتفاقی می‌خواست بیفتد؟ می‌شود با چنین رویکردهایی برنامه ساخت. به نظرم موقعش که برسد کارهایی خواهد شد.»

این مستندساز، در برابر این پرسش که چرا چنین وضعیتی پیش آمده پاسخ می‌دهد: «سخنرانی‌های ایشان در اینترنت هست و اگر کسانی بخواهند، می‌توانند ببینند. کافی است بروند در اینترنت پیدا کنند. امروز اگر کسی علاقه داشته باشد می‌تواند، یعنی در دسترس هست. این خودش یک حُسن اینترنت است. ولی در رسانه‌های رسمی غربی، نه نمی‌خواهند به این نیاز دامن بزنند. برای چه باید تصویر دشمنشان را در یک فیلم نشان دهند؟ ایشان که قهرمان آن‌ها نیست. آن‌ها از این خشنود نیستند و ایشان را رأس دشمنانشان می‌دانند. از همه بیشتر از ایشان می‌ترسند.

او نکته‌ی جالبی را نیز درباره پیشینه این بایکوت در ذهن دارد: «حتی قبل از رهبری ایشان هم همین بود. در زمان ریاست‌جمهوری هم‌روی شخصیت ایشان حساسیت بود. یک ترسی از ایشان دارند. وقتی ایشان برای سخنرانی در اجلاس عمومی به سازمان ملل رفتند، وسط جنگ بود. آمریکایی‌ها آن زمان در خلیج‌فارس خیلی مانور می‌دادند. کشتی‌ها و نفت‌کش‌های ما که می‌خواستند بروند و بیایند، در محدودیت بودند اما آمریکایی‌ها نفت‌کش‌های کوییتی را اسکورت می‌کردند! و حضورشان در آنجا چشم‌گیر بود. درست وسط سفر ایشان به نیویورک، با هلی‌کوپترهای آپاچی به کشتی ایران حمله و عده‌ای را زخمی کردند. بعد هم ادعا کردند که این کشتی منطقه را دارد مین‌گذاری می‌کند! این ماجرا را تمام رسانه‌ها، روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های آمریکا و جهان پوشش دادند تا سخنرانی ایشان را کسی نشنود. اصلاً دیده نشد، کاملاً پوشانده شد. من آن زمان هفته‌نامه‌ی تایمز را دیده بودم. روی جلدش نوشته بود: «دستگیرشده با داستان خونین!» یعنی ایران دارد آنجا مین‌گذاری می‌کند. به‌رحال آن‌ها موفق شدند اخبار سخنرانی ایشان را بایکوت کنند؛ یعنی توجه جهان و داخل آمریکا را از ایشان برگرداندند. قبل از آن، هیچ‌وقت برخوردی به این شکل و شدت با هیچ‌کسی نکرده بودند.

این اتفاقات هرروز در خلیج‌فارس می‌افتاد ولی برای آن روز یک طراحی رسانه‌ای شده بود. این نشان می‌دهد قبل از رهبری روی شخص ایشان حساس بوده‌اند. چرا این کار را برای دیگران نکردند؟ نمی‌دانم. دیگر آن‌هم به نمایندگی از امام سفر رفتند، ولی این اتفاق برایشان نیفتاد. چه حساسیتی هست که در مورد آقا آن کار را کردند، کسی نمی‌داند. این سندی است که ثابت می‌کند ماجرای بایکوت، به قبل از فوت امام و آغاز رهبری ایشان برمی‌گردد. آن موقعیت، تنها موردی بود که آقا در یک پهنه‌ی تبلیغاتی

حساس جهانی ظاهر می‌شدند. خیلی خوب بود که همه سکوت کنند، نگاه کنند، ببینند ایشان چه می‌خواهد بگوید. سخنرانی نیم‌ساعته‌ی ایشان با آن تن صدای متفاوت و روش سخنرانی خاص ایشان که به فارسی هم بود، آن قدر جذاب بود که همه نگاه کنند؛ اما آن‌ها نمی‌خواستند. ما این را در همان دوران متوجه شدیم. من از آنجا حساس شدم. برای خودم یک درس رسانه‌ای بود که چرا این حادثه را برای الآن تنظیم کرده‌اند؟!

جایی در زیرزمین رسانه

دکتر حسن خجسته رئیس پیشین صدای جمهوری اسلامی نیز اصل بایکوت رسانه‌ای خارجی رهبر انقلاب در بیست سال گذشته را می‌پذیرد و موارد اندکی مانند اجلاس سران کشورهای اسلامی در سال ۱۳۷۷ و پوشش مستقیم و خبری-تحلیلی آن از برخی رسانه‌های غربی را همچون یک استثنا توضیح می‌دهد. از نگاه او بایکوت یا پوشش رسانه‌ای رهبر انقلاب در رسانه‌های غربی منطق خاصی دارد: «به نظر من آقا اصلاً در رسانه‌های آن‌ها مطرح نیست و می‌توان گفت بایکوت است. گاهی که مطرح می‌شود به خاطر ناگزیری آن‌ها از عدم پوشش است! مثلاً وقتی که ایشان موضع مهمی درباره آمریکا یا در موضوع اتمی می‌گیرند که تأثیرگذار است و نمی‌توان آن را مطرح نکرد. این منطق از دید آن‌ها درست هم هست.

چون نباید ایشان به‌عنوان الگوی جهانی مطرح شود. تا جایی که ممکن است باید آن را در زیرزمین رسانه نگه داشت. فقط گاهی که ناچارند، به آن سر می‌زنند.»

این کارشناس رسانه و ارتباطات معتقد است که تجربه غرب در مورد پوشش رسانه‌ای گفتار و رفتار امام خمینی^(ع) و تأثیر مثبت آن در افکار عمومی دنیا باعث در پیش گرفتن رویکرد بایکوت یا سانسور در رابطه با رهبر انقلاب شده است: «اوایل انقلاب مسائل مربوط به امام را خیلی پوشش می‌دادند. چون امام انقلاب کرده بود و در اوج انقلاب در فرانسه تشریف داشت، رسانه‌ای تر شد؛ البته بازهم رسانه‌های غرب، چاره‌ای نداشتند. بعد هم پشیمان شدند و در همان زمان حضرت امام شروع کردند به برنامه‌سازی علیه ایشان. مثلاً فیلم دلتافورس را ساختند و در آن، عده‌ای که کاپشن و ریش دارند، هواپیمایی را می‌دزدند و شهروندان آمریکایی را اذیت می‌کنند اما در کنار عکس امام نشان داده می‌شوند! یعنی از همان زمان شروع به تخریب وجهه امام کردند.» دکتر خجسته معتقد است رسانه‌های غربی هیچ‌گاه کسی را که حرف جدی و جدیدی علیه نظام جهانی استکباری می‌زند، مطرح نمی‌کنند و گاهی هم اگر طرح می‌کنند.

«... در شبکه‌های داخلی‌شان نیست. سی‌ان‌ان داخلی غیر از سی‌ان‌ان بین‌المللی است. برای همین است که شاید در آمریکا خیلی‌ها ایران را نشناسند. من در شوروی-مسکو-دیدم که تصور آن‌ها از ایران چیزی مثل افغانستان است. چرا؟ چون روس‌ها خبرهایشان را از غرب می‌گیرند و غرب هم خبرهایی که درباره ایران دارد، همین‌طور چیزهای منفی و سیاه‌نمایی است؛ بنابراین اگر گاهی امام یا آقا را مطرح می‌کنند، در چنین زمینه‌ای است: ایران یک کشور بدبخت است و رهبرش ایشان است! درواقع ایشان را بی‌غرض و بی‌طرفانه مطرح نمی‌کنند.

در مورد امام هم اشتباه کردند!

حجت‌الاسلام میر احمد رضا حاجتی نویسنده کتاب پرمخاطب «عصر امام خمینی»^(۵) این نکته که تجربه رسانه‌ای غرب درباره امام خمینی^(۶) در اتخاذ رویکرد بایکوت و سانسور نسبت به گفتار و رفتار رهبر انقلاب مؤثر بوده را کاملاً تأیید می‌کند: «باید به نکته مهمی اشاره کنم که در برخی اسناد تاریخی به ثبت رسیده است. مسئول بخش خاورمیانه یکی از تلویزیون‌های معروف آمریکا وقتی در اواخر دهه هفتاد به ایران آمده بود، در دیدار با یکی از مدیران مسئول روزنامه‌های کثیرالانتشار ما می‌گوید: ما از دوران امام درسی گرفتیم و آن این بود که غربی‌ها فکر می‌کردند وقتی آیت‌الله خمینی و افکارش را از طریق رسانه‌هایشان به مردم معرفی کنند، یک نوع واژدگی به وجود می‌آید و امام و افکارش و انقلاب و ولایت‌فقیه در گوشه انزوا قرار می‌گیرد؛ اما به یک‌باره دیدند که این پیام در چهارگوشه دنیا، میان مسیحی‌ها و یهودی‌ها و حتی عدالت‌خواهان عالم که شعارهای غیردینی برای مبارزاتشان در نظر گرفته بودند، طرفدار پیدا کرده است. لذا غربی‌ها دیگر نمی‌خواهند این بلا سرشان بیاید و الان که دیگر افکار امام نهادینه شده است، نمی‌خواهند جانشین امام و افکار و نظریات و دیدگاه‌هایش را به جهان منتقل کنند تا از این جهت متضرر شوند.»

این پژوهشگر و نویسنده حوزوی در تحلیل شیوه برخورد رسانه‌های بیگانه با مسائل ایران، بر سابقه تقابل آن‌ها با اندیشه ولایت‌فقیه انگشت می‌گذارد و به‌طور ویژه دورانی را مورد توجه قرار می‌دهد که برخی مطبوعات در ایران، به پایگاه دشمن تبدیل شده و نقش مکمل رسانه‌های بیگانه را یافتند. از دید وی رسانه‌های مذکور، علاوه بر اصل ولایت‌فقیه، به مصداق ولایت‌فقیه هم پرداختند و برای مقابله با شخص رهبری نیز به‌طور دقیق و حساب‌شده‌ای وارد شده و هجوم رسانه‌ای را آغاز کردند: «شخص رهبر

معظم انقلاب و اخبار مرتبط به ایشان را در رسانه‌های بیگانه و جریان رسانه‌های داخلی وابسته به شدت تحت سانسور قرار دادند. این جریان تا جایی پیش رفت که مثلاً نماینده مرکز اسلامی لندن، سال هفتادوشش یا هفتادوهفت، در خصوص انتشار پیام آقا به مناسبت سفر حج و مراسم برائت از مشرکین به مجله گاردین مراجعه می‌کند و پس از پیگیری‌های مداوم با سختی و با پرداخت پول زیاد در نهایت موفق به چاپ پیام می‌شود؛ اما بعد از چاپ، آن‌ها را به دادگاه می‌کشانند و از آن‌ها تعهد می‌گیرند که دیگر از این‌گونه کارها انجام ندهند!

یک جلسه نهار کوچک

دکتر فؤاد ایزدی عضو هیئت‌علمی دانشکده مطالعات جهان، به یک چارچوب نظری برای درک رفتار رسانه‌های غربی اشاره می‌کند و می‌کوشد بایکوت یا سانسور اخبار مربوط به رهبری را با آن توضیح دهد: «در ارتباطات، بحثی به نام (دروازه‌بانی خبر) داریم که در هر مجموعه‌ی رسانه‌ای مانند رادیو، تلویزیون و خبرگزاری‌ها، توسط سردبیر انجام می‌شود.

کاری که دروازه‌بان خبر می‌کند، انتخاب اخباری است که قرار است منتشر شود و این مسئله‌ای نیست که مختص غرب باشد؛ بلکه در همه‌جای دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد و در کتاب‌های ارتباطات هم بر این موضوع تأکید شده است. با توجه به‌نوعی از دموکراسی که در غرب وجود دارد و شبیه حکومت‌های دیکتاتوری خالص نیست، حکومت‌های غربی بیش از دیگران نیازمند اقناع و مهار افکار عمومی هستند. آن‌ها این‌طور وانمود می‌کنند که رسانه‌ها آزادند. با این‌که در کتاب‌های درسی بحث دروازه‌بانی خبر وجود دارد، نخبگان سیاسی دولتی معمولاً به آن اذعان ندارند؛ گرچه در عمل بیش از حکومت‌های دیکتاتوری احتیاج به اقناع افکار عمومی دارند و بسیار بیشتر از دیگر سیستم‌های حکومتی روی بحث دروازه‌بانی خبر توجه و تمرکز دارند.»

این کارشناس رسانه و ارتباطات نیز که سال‌هایی را برای تحصیل در رشته‌های مرتبط در غرب گذرانده، با حجت‌الاسلام حاجتی و دکتر خجسته درباره پیشینه بایکوت یا سانسور اخبار رهبری هم‌افق است: «اشتباهی که غربی‌ها در خصوص انقلاب اسلامی مرتکب شدند این بود که درباره شخصیت وزندگی حضرت امام خمینی، پوشش خبری عادی یا منفی دادند. با توجه به این‌که فکر نمی‌کردند ایشان انقلاب را به پیروزی برسانند، پوشش خبری وسیعی از ایشان ارائه می‌شد که بیشتر منفی بود. البته این کار

در جامعه‌ی غربی که مسلمان نبود یا توجهی به مسائل بین‌المللی نداشت، تا اندازه‌ای نسبت به حضرت امام (ره) دید منفی در بین مردم ایجاد کرد اما همین کار در نهایت باعث شد که مسلمانان و افراد آزادی‌خواه دنیا توجه خاصی به حضرت امام کنند؛ چون می‌دانستند حرف‌هایی که امام بیان می‌کنند، حرف‌های خودشان است.

بنابراین هدفی که رسانه‌های غربی داشتند در مورد اکثریت مردم جهان نتیجه‌ی عکس داد. از این رو بعد از فوت امام شاهد بودیم که رسانه‌های غربی آن پوشش خبری را که نسبت به حضرت امام داشتند، دیگر در مورد رهبر معظم انقلاب اجرا نکردند و اگر می‌خواستند از بالاترین مقام در ایران نام ببرند، از رئیس‌جمهور نام می‌برند. در واقع رسانه‌های غربی در پی این بوده‌اند که اخبار مربوط به رهبری را پوشش ندهند. چراکه اگر این پوشش منفی هم باشد، موجب محبوبیت ایشان بین مسلمانان و آزادی‌خواهان می‌شود و این به ضرر آمریکاست. در نتیجه اطلاعات مردم جهان از حضرت امام، بیشتر از اطلاعات ایشان درباره رهبر معظم انقلاب است.»

دکتر ایزدی البته این رفتار رسانه‌ای را لزوماً نیازمند یک موافقت‌نامه و پروتکل رسمی نمی‌بیند، زیرا: «علی‌رغم تعدد رسانه‌های غربی در ظاهر، اگر مالکان آن‌ها را نگاه کنید، به چند کمپانی محدود می‌رسید؛ یعنی لازم به امضای توافق‌نامه نیست؛ کافی است در یک جلسه‌ی نهار کوچک، تصمیمی گرفته شود؛ دیگر نیاز به رسمی کردن تصمیم نیست.»

او نیز پوشش خبری رسانه‌های غربی از نماز جمعه ۲۹ خرداد ۸۸ را یک استثنا می‌داند؛ چراکه «مسئله‌ی انتخابات مطرح بود و آن‌ها نمی‌توانستند بایکوت کنند. نکته‌ی قابل ذکر این است که باز هم شما تصویر آقا را در رسانه‌های دیداری غربی کم‌تر می‌بینید و بیشتر پوشش خبری در سطح سایت‌هاست؛ آن‌هم بیشتر برای اطلاع مسئولان و رهبران فکری.» این استاد دانشگاه تهران، پیشنهادی برای برون‌رفت از فضای موجود ارائه می‌کند که همانند درخواست طالب‌زاده برای پیش‌قدم شدن در ارائه‌ی تصویر رسانه‌ای مطلوب از رهبر انقلاب در جهان، به‌وسیله برنامه‌سازان خودی است: «کاری که باید بکنیم این است که با توجه به گسترش وسایل ارتباط‌جمعی، از این ابزارها استفاده‌ی بهینه‌ای کنیم. ما دیگر احتیاجی به رسانه‌های غربی نداریم که رهبر انقلاب را پوشش خبری دهند. اتفاقاً اگر آن‌ها پوشش خبری ندهند، از یک جهت بهتر است؛ چراکه پوشش خبری آن‌ها مسلماً با قصد منفی خواهد بود. اگر خودمان خوب کار کنیم،

راحت‌تر می‌توانیم ایشان را معرفی کنیم.»

* تعبیر از رهبر انقلاب اسلامی است؛ در دیدار با جوانان در مصلاي امام خميني (تهران / اول اردیبهشت ۱۳۷۹): «متأسفانه امروز می‌بینم همان دشمنی که به‌وسیله‌ی تبلیغات خود، همتش این بود که افکار عمومی یک کشور را به سمتی متوجه کند، به‌جای رادیوها آمده در داخل کشور ما پایگاه زده است! بعضی از این مطبوعات که امروز هستند، پایگاه‌های دشمن‌اند؛ همان کاری را می‌کنند که رادیو و تلویزیون‌های بی‌بی‌سی و آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند بکنند! من نه با آزادی مطبوعات مخالفم، نه با تنوع مطبوعات. اگر به‌جای بیست عنوان روزنامه، دویست عنوان روزنامه در این کشور دربیاید، بنده خوشحال‌تر هم خواهم بود و از این که روزنامه‌های کشور زیاد شوند، هیچ احساس بدی ندارم. اگر مطبوعات، آن‌طوری که در قانون اساسی هست، مایه‌ی روشنگری باشند، مصالح کشور را رعایت کنند، به نفع مردم قلم بزنند، به نفع دین قلم بزنند، هرچه بیشتر باشند، بهتر است.

اما امروز مطبوعاتی پیدا می‌شوند که همه‌ی همتشان، تشویش افکار عمومی و ایجاد اختلاف و بدبینی در مردم و خوانندگانشان نسبت نظام است! ده عنوان، پانزده عنوان روزنامه، گویا از یک مرکز هدایت می‌شوند؛ با تیترهای شبیه به هم در قضایای مختلف. قضایای کوچک را بزرگ می‌کنند و تیترهایی می‌زنند که هرکس این تیترها را می‌بیند، خیال می‌کند که همه‌چیز در کشور از دست‌رفته است! این‌ها امید را در جوانان می‌میرانند؛ روح اعتماد به مسئولان را در آحاد مردم کشور تضعیف می‌کنند و نهادهای اصلی کشور را مورد اهانت و توهین قرار می‌دهند! من نمی‌دانم مدل این‌ها کجاست و کیست؟! مطبوعات غربی هم این‌طور نیستند! این یک نوع شارلاتانیزم مطبوعاتی است که امروز بعضی از مطبوعات در پیش گرفته‌اند!»^۱

نظر اندیشمندان غربی درباره انقلاب اسلامی؛ از افسانه تا واقعیت غیرقابل تحلیل
خبرگزاری تسنیم: سرشناس‌ترین یهودی‌تبار آمریکایی می‌گوید: "در سال‌های آغازین برپایی جمهوری اسلامی، آیین اسلام، اساس اعلام‌شده هویت و وفاداری بود. هدف سیاست خارجی تثبیت مجدد قدرت و عظمت اسلامی به‌وسیله توسعه دامنه انقلاب

۱. (منبع: بررسی انعکاس اخبار رهبر انقلاب در رسانه‌های خارجی، مصطفی غفاری،

اسلامی را تشکیل می‌داد "

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری تسنیم، انقلاب اسلامی باعث دگرگونی عظیم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران شد و نیز تأثیری شگرف در سطح جهانی به وجود آورد. با وجود آنکه انقلاب‌های بسیاری در جهان روی داده است ولی انقلاب اسلامی ایران منحصر به فرد است. این انقلاب مورد توجه و تجزیه و تحلیل و حمایت و استقبال اندیشمندان و انقلابیون جهان قرار دارد. تجلیل از آن در اندیشه‌های کلامی و شعری بسیاری بروز و ظهور کرد و باعث شناخت مجدد اسلام در جهان معاصر شد. سخن آرای اندیشمندان البته در مورد ابعاد گوناگون شخصیت حضرت امام خمینی^(ع) با مقیاس‌هایی که از خطوط فکری، اهداف و روش‌های کاری آنان در دست داریم، بسیار سهل و ساده است. این نظرات از سه مقوله سکوت و کتمان، اظهارات معاندانه و مجعول، اعترافات ضمنی محتاطانه و بعضاً صادقانه تجاوز نمی‌کند.

موضع اصلی آن‌ها در رابطه با اسلام و بالطبع انقلاب اسلامی و بالأخص ابعاد امام خمینی^(ع) روشن است اما اثرگذاری ایشان بر روند احیای تفکر دینی چنان عمیق، گسترده، ریشه‌دار و واضح است که گزیری جز اعتراف ولو نیم‌بند و ضمنی و یا صریح ندارند.

درباره نقش حضرت امام خمینی در احیای تفکر دینی در سطح جهانی، جامعه‌شناسان غربی علی‌رغم برخوردهای مشحون از کتمان و محافظه‌کاری معاندانه، اعترافاتی دارند که گزیده‌هایی از این اعترافات را نقل می‌کنیم. به‌عنوان مثال تایمز لندن در توصیف حضرت امام^(ع) می‌نویسد: «امام خمینی مردی بود که توده‌ها را با کلام خود مسحور کرد، وی به زبان مردم عادی سخن می‌گفت و به طرفداری فقیر و محروم خود اعتماد به نفس می‌بخشید، این احساس آن‌ها را قادر ساخت تا هر کسی را که سر راهشان بایستد از بین ببرند وی به مردم نشان داد که حتی می‌توان در برابر قدرت‌هایی مثل آمریکا ایستاد و نهراسید.»

از دیدگاه هفته‌نامه آبرور، «امام خمینی مردی هم پای پیامبران کهن است که دنیا را به پیروی از اصول دینی دعوت کرد. پیام وی برای مردم جهان خلوص عقیده و پیروی از سادگی در مقابل پیچیدگی و آلودگی‌های غرب بود و این رمز موفقیت وی و احساس افتخار پیروان اوست.»

از دیدگاه شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی نیز: «آنچه در ایران در سال ۱۹۷۹ رخ داد نه تنها

برای ایرانیان بلکه برای تمام ادیان جهانی نقطه عطفی بود نقطه عطفی که از بازگشت میلیون‌ها نفر در سراسر دینا به اصول گرای مذهب‌ی خبر می‌دهد» به گفته این شبکه «در سراسر جهان پیروان دیگر ادیان مانند مسیحیت، یهودیت و هندو نیز به اصول گرای مذهب‌ی روی آوردند؛ حتی در ترکیه نیز که هفتادسال قبل با مذهب وارد جنگ شده بود روند بازگشت به اصول اسلامی سرعت گرفته است».

روزنامه هرالد تریبون هم درباره امام خمینی^(ره) می‌نویسد: «آیت‌الله خمینی یک انقلابی خستگی‌ناپذیر بود که تا آخرین لحظه حیات به آرزوی خود برای پی‌ریزی یک جامعه اسلامی و حکومت اسلامی در ایران وفادار ماند. آیت‌الله خمینی در آنچه برای سرزمین باستانی‌اش می‌خواست لحظه‌ای درنگ نکرد. وی خود را مأمور می‌دانست که می‌باید ایران را از آنچه فساد و انحطاط غرب می‌دید پاک کند و خلوص اسلامی را به ملت بازگرداند.»

آنچه در ذیل می‌آید نمونه‌ای دیگر از آرا و نظرات متفکران غربی، سیاستمداران، اندیشمندان مسلمان غربی، رسانه‌ها و گوشه‌ای نیز از ابراز عشق و علاقه، نسبت به امام راحل (قدس سره) و انقلاب اسلامی ایران است.

متفکران غربی

* میشل فوکو فیلسوف فرانسوی؛

میشل فوکو از نظریه‌پردازان پست مدرنیسم در بحبوحه انقلاب اسلامی به ایران سفر کرد و انقلاب را از نزدیک دید. پُل-میشل فوکو فیلسوف فرانسوی فرزند «آن مالاپار» و جراح متمول «پل فوکو» است و در ناحیه سنت موار پوآیته فرانسه به دنیا آمد. بعدها اسم خود را به میشل فوکو تغییر داد. فوکو بعد از اخذ درجه دکترا در سال ۱۹۶۴ استاد فلسفه دانشگاه کلرمون در فرانسه شد.

فوکو به سرعت در حوزه روشنفکری فرانسه شهرت یافت و دیری نگذشت که نفوذی جهانی پیدا کرد. وی چشم‌اندازهای نوینی در فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی گشود. وقتی در ماه مه ۱۹۷۸، «ریزولی»، ناشر معتبر ایتالیایی و سهام‌دار عمده روزنامه «کوریبه لاسرا» از «میشل فوکو» (۱۹۸۴-۱۹۲۶) خواست تا دیدگاه‌هایش در مورد مسائل جهان را به‌طور مرتب برای چاپ در روزنامه در اختیار وی بگذارد، کمتر کسی فکر می‌کرد که اولین مجموعه از این گزارش‌ها به قلم خود «فوکو» به ایران و

مسائل انقلاب آن اختصاص یابد.

وی برخلاف نظریه پردازان مارکسیست عقیده داشت جز باورهای دینی هیچ عامل دیگری قدت بسیج این چنین توده‌ها را ندارد بلکه این مذهب تشیع است که با تکیه بر موضع انتقادی خود توانسته این چنین بسیج سیاسی به راه اندازد. وی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به نقش بی‌بدیل و محوری حضرت امام اشاره و بیان می‌کند: «شخصیت آیت‌الله خمینی پهلو به افسانه میزند زیرا هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی حتی با حمایت تمام رسانه‌های دنیا نمی‌تواند ادعا کند که با مردمش چنین پیوند عاطفی عمیقی دارد»

میشل فوکو: ایرانی‌ها از خلال انقلاب در جستجوی ایجاد تحول در شخصیت خویش بودند و انقلاب اسلامی ایران برای معنویت‌گرایی است، به نظر فوکو، روح انقلاب اسلامی در این حقیقت یافت می‌شود که ایرانی‌ها از خلال انقلاب در جستجوی ایجاد تحول در شخصیت خویش بودند. فوکو قلب تحلیل خود را از انقلاب اسلامی ایران در معنویت‌گرایی سیاسی بیان می‌کند.

پروفسور کلاوس کینتسler، استاد دانشگاه آوگسبورگ

پروفسور کلاوس کینتسler، استاد کرسی اصول الهیات در دانشگاه آوگسبورگ و مؤلف آثاری مهم از جمله کتب «قیامت» (۱۹۷۶)، «اسطوره و ایمان» (۱۹۸۵)، «فلسفه دین» (۱۹۸۸)، «بنیادگرایی نوین» (۱۹۹۰) و کتاب «بنیادگرایی دینی» (۱۹۹۶)، در صفحه ۱۱ کتاب «بنیادگرایی دینی» خود می‌نویسد: «از سال‌های دهه هفتاد، اصطلاح «بنیادگرایی» بر جریان‌هایی که احیاگر حیات اسلامی نامیده می‌شوند، اطلاق شد. در این رابطه، بیش از همه، افکار همگانی معطوف به ایران انقلابی تحت رهبری (امام) خمینی می‌شود که این نهضت پس از ایران، بسیاری از کشورهای اسلامی را درنوردید. این رنسانس اسلامی درنهایت برای همگان و بیش از همه، برای جهان غرب شگفت‌انگیز و غافلگیرانه بوده، زیرا در غرب تا آن زمان تصور می‌شد که در نتیجه تجاوزات واقعاً «بی‌رحمانه قدرت‌های استعماری و امپریالیستی به کشورهای اسلامی و عربی در سده ۱۹ میلادی، آیین اسلام دستخوش لیبرالیسم و تعصب شده است...»

استاد دانشگاه آوگسبورگ: از سال‌های دهه هفتاد، اصطلاح «بنیادگرایی» بر جریان‌هایی که احیاگر حیات اسلامی نامیده می‌شوند، اطلاق شد. در این رابطه، بیش از همه، افکار همگانی معطوف به ایران انقلابی تحت رهبری (امام) خمینی می‌شود،

وی سپس می‌افزاید: «مفهوم بنیادگرایی با فعال شدن نیروی سیاسی آیین اسلام در کشور شیعی ایران (امام) خمینی، معنی و سنخیت جدیدی یافت که مشخصه آن، سیاسی شدن دین اسلام است. گروه‌هایی از اهل تسنن نیز در سودان، پاکستان و بسیاری از کشورهای اسلامی از همین نوع بنیادگرا هستند. هدف این‌گونه بنیادگرایی، استقرار یک حکومت دینی (دولت الهی) بر روی زمین است که در حال حاضر به شکل احیای شریعت اسلامی بروز کرده و پایبندی و انقیاد دقیق این سنخ بنیادگرایی به تعالیم قرآنی که از الزامات آن است، در بسیاری از کشورهای اسلامی منجر به طرد سرسختانه کلیه انواع نفوذ عقل‌گرایانه و لیبرالی غربی شده است.»

* پروفیسور برنارد لوئیس، سرشناس‌ترین یهودی‌تبار آمریکایی؛

پروفیسور برنارد لوئیس، سرشناس‌ترین خاورشناس یهودی‌تبار آمریکایی که آثارش تاکنون بر ۲۳ زبان ترجمه شده است، در صفحه ۲۱۴ کتاب «نفس الله، جهان اسلام و غرب: نبرد فرهنگ‌ها؟» - می‌نویسد: «در سال‌های آغازین برپایی جمهوری اسلامی، آیین اسلام، اساس اعلام شده هویت و وفاداری بود. هدف سیاست خارجی و همچنین سیاست دولت را به صورت کلی، تجدید حیات اسلام، تثبیت مجدد قدرت و عظمت اسلامی به وسیله توسعه دامنه انقلاب اسلامی و احیای اعتقاد و حقوق اسلامی، تشکیل می‌داد. آمریکا به عنوان قدرتی که شاه و مزدورانش را حمایت و در امور داخلی ایران مداخله می‌کرد و مهم‌تر از آن، رهبری دشمن قدیم، غرب را به عهده داشت، نخستین و بزرگ‌ترین دشمن این برنامه می‌دانست.»

سرشناس‌ترین یهودی‌تبار آمریکایی: در سال‌های آغازین برپایی جمهوری اسلامی، آیین اسلام، اساس اعلام شده هویت و وفاداری بود، هدف سیاست خارجی و همچنین سیاست دولت را به صورت کلی، تجدید حیات اسلام، تثبیت مجدد قدرت و عظمت اسلامی به وسیله توسعه دامنه انقلاب اسلامی و احیای اعتقاد و حقوق اسلامی، تشکیل می‌داد.

وی در ادامه، ضمن توضیحاتی که درباره صفت «شیطان بزرگ» برای آمریکا که از طرف امام راحل^(۵) داده شد، می‌نویسد: «(امام) خمینی از موضع‌گیری‌های دشمنانه ابرقدرت آمریکایی نمی‌هراسید، ولی از آن چیزی که از ناحیه آمریکا هراس داشت، گمراه‌کنندگی و فریبندگی شیوه زندگی آمریکایی بود. خطر گمراهی غربی که در ایران غرب‌زدگی خوانده می‌شود، از مدت‌ها قبل یکی از مورد توجه‌ترین موضوعات مورد بحث

نویسندگان ایرانی شده است».

پروفسور برنارد لوئیس در صفحه ۱۷۷ همین کتاب خود، ضمن مقایسه موفقیت‌های جنبش‌های نوین نهضت احیای تفکر دینی در کشورهای اسلامی می‌نویسد: «افراطیون مصری صرفاً موفق شدند حاکم خود را نابود کنند، اما رژیم مصر نجات یافت و سیاست خویش را ادامه می‌دهد، اما افراطیون ایرانی موفقیت بیشتر را از آن خود کردند، رژیم را نابود ساختند و در کشور خود چنان انقلاب فراگیری را به پیروزی رساندند که شهرت آن سرتاسر جهان اسلام را فراگرفت».

هیئت محققان و نویسندگان انجمن تحقیقاتی خدمات ارتشی وزارت دفاع ملی اتریش در کتابی با عنوان «نیروهای ارتشی در کشورهای خاور نزدیک و شمال آفریقا» در سال ۱۹۹۵

می‌نویسند:^۱ «هم‌زمان با سقوط رژیم شاه و آغاز حکومت (امام) خمینی در ایران، یک تجدید حیات اسلامی در پیمانۀ وسیع و غیرقابل‌انتظاری آغاز شد که طی مدت‌زمان کوتاهی، تأثیرات بسیار مهم سیاسی و فرهنگی خویش را بر سرتاسر جهان اسلام به نحوی وارد کرد که هرگز قابل پیش‌بینی نبود. بدون تردید، این نهضت تجدید حیات اسلامی چنان باشخصیت (امام) خمینی گره خورد که (امام) خمینی به‌عنوان سمبل و مظهر «بیداری اسلامی» شناخته شدند. هم‌زمان با طلوع سیاسی (امام) خمینی، دین اسلام به‌عنوان مهم‌ترین نیروی موجد انگیزه برای رویدادهای سیاسی شد».

* پروفسور اودو اشتاین باخ مدیر انستیتوی خاورشناسان آلمان؛

پروفسور اودو اشتاین باخ^۲، مدیر انستیتوی خاورشناسان آلمان (هامبورگ) و یکی از دو مؤلف کتاب «اسلام در دوران معاصر»، طی مصاحبه‌ای^۳ اظهار داشت: «(امام) خمینی همان شخصیتی بود که برای نخستین بار اصول گرایش به بنیادهای اسلامی را در شکل یک دولت اسلامی، دولت جمهوری اسلامی ایران، تحقق بخشید و (امام) خمینی همان شخصیتی بود که نیروهای اصولگرا را به‌وسیله یک انقلاب اسلامی علیه رژیم نیرومند

۱ (۱۵) در صفحات ۲۸۲ - ۲۸۳.

۲. Prof. Dr. Udo Steinbach

۳. شماره ۲۴ هفته‌نامه «دی‌سایت» Die Zeit مورخ ۹ ژوئن ۱۹۸۹

طرفدار غرب، یعنی رژیم شاه، بسیج کرد». *** کلاوس برینگ از نویسندگان برجسته؛**

کلاوس برینگ^۱

در تحلیلی که به مناسبت پیروزی حزب رفاه اسلامی ترکیه در انتخابات آن زمان شهرداری‌های ترکیه تحت عنوان «سرمشق (امام) خمینی اسلام‌گرایان را در سرتاسر گیتی به حرکت درآورده است»، نوشت: «نه تنها کلیه محرومان جوامع اسلامی شنوندگان پر و پا قرص مبلغان بازگشت به تعالیم قرآن و شریعت اسلامی هستند، بلکه بسیاری از عقلا و نخبگان نیز از بازگشت به ارزش‌های اصلی اسلامی جانب‌داری می‌کنند و مخالفت با شیوه زندگی نوع غربی را یک‌راه‌رهایی از قیمومیت سیاسی و تکنیکی غرب و راه سرنگونی رژیم‌های ظالم خویش می‌دانند. آنان به دولت اسلامی که در سال ۱۹۷۹ توسط آیت‌الله خمینی در ایران مستقر شد، اقتدا می‌کنند، در واقع، گرچه اکثریت سنی‌ها حاکمیت اسلامی نوع شیعی ایران را رد می‌کنند، با این وجود، مساعی (امام) خمینی و جانشینانش که می‌کوشند کشور خویش را به استقلال سیاسی و اقتصادی برسانند، می‌ستایند. (امام) خمینی از نظر بسیاری از مسلمانان، آخرین شخصیت از سلسله آموزگاران و داعیان بازگشت به خودآگاهی اسلامی در عصر جدید است.»

*** پروفسور لودویگ هاگه من استاد دانشگاه ورتسبورگ آلمان**

پروفسور لودویگ هاگه من^۲، استاد کرسی «الهیات عملی» در دانشگاه ورتسبورگ آلمان، طی مقاله‌ای که تحت عنوان «بین دیانت و سیاست، اصولگرایی اسلامی در حال پیشتازی» در شماره ۲۱ ژانویه ۱۹۹۲ روزنامه کثیرالانتشار سویسی نوبه زوریخر تسایتونگد^۳

نوشته است. از تحلیل تاریخی روند تکاملی نهضت‌های اسلامی قرن ۱۹ و اوایل صده بیستم، سه اصل احیای تفکر اسلامی را چنین برمی‌شمارد:
۱- اسلام باید بار دیگر به صورت وحدت دیانت و سیاست مطرح شود.

۱ Klaus Bering, از نویسندگان برجسته مسائل اسلامی روزنامه «سالزبورگر نخریشتن Salzburger Nachrichten» در شماره ۸ آوریل ۱۹۹۴

2 Prof. Dr. Ludwig Hagemann
2. neue Zrch Zeitung

۲- اسلام باید بار دیگر بدون استثنا کلیه بخش حیات انسانی را در برگیرد.
 ۳- حکومت دینی اسلامی باید بار دیگر عنصر تعیین کننده شکل دولت باشد.
 وی سپس تأکید می‌کند: «ایجاد نظامی به نام جمهوری اسلامی که توسط آیت‌الله خمینی در ایران عملی شد، برای تحقق این آرمان، یگانه مثال برزنده و روشن است. رهبران انقلاب اسلامی در ایران علی‌رغم اینکه شیعه هستند و شیعیان صرفاً درصد جمعیت جهانی مسلمانان را تشکیل می‌دهند، هیچ‌گاه جای تردید باقی نگذاشته‌اند که انقلاب آنان نه یک انقلاب شیعی و نه یک انقلاب ایرانی است، بلکه یک انقلاب وحدت‌بخش امت اسلامی (پان‌اسلامیستی) است. اصولگرایی اسلامی، اعم از نوع شیعی و سنی آن، به‌طور کلی یک حرکت وحدت‌بخش است.»

استاد دانشگاه ورتسبورگ آلمان: رهبران انقلاب اسلامی در ایران علی‌رغم اینکه شیعه هستند و شیعیان صرفاً درصد جمعیت جهانی مسلمانان را تشکیل می‌دهند، هیچ‌گاه جای تردید باقی نگذاشته‌اند؛ که انقلاب آنان نه یک انقلاب شیعی و نه یک انقلاب ایرانی است، بلکه یک انقلاب وحدت‌بخش امت اسلامی است.

* پروفیسور آندریا مایر اسلام‌شناس و متخصص الهیات مسیحی؛

پروفیسور آندریا مایر^۱ اسلام‌شناس و متخصص الهیات مسیحی و مؤلف کتاب جالب «مأموریت سیاسی اسلام» در صفحه ۲۹۹ این کتاب می‌نویسد: «با استقرار جمهوری اسلامی ایران که نتیجه انقلاب اسلامی است، مأموریت سیاسی اسلام به نحوی نهادینه شد که تاکنون بی‌نظیر بوده است. برای نخستین بار، یک نظام سیاسی برخاسته از اسلام‌گرایی به شیوه انقلابی جایگزین یک رژیم غیردینی (سکولار) غرب‌گرا شد. این تحول در نگاه بسیاری از مسلمانان، یک پیروزی علیه تفوق طلبی قدرت استعماری و بعد از استعماری بود. غرض از این قدرت برتری طلب غربی، ابرقدرت آمریکا است. از این‌رو، انقلاب اسلامی در ایران برای مسلمانان سرتاسر جهان، الگویی جهت تحقق کامل «دولت آرمانی اسلام‌گرا» شد.»

پرفیسور آندریامایر استاد متخصص الهیات مسیحی: این تحول در نگاه بسیاری از مسلمانان، یک پیروزی علیه تفوق طلبی قدرت استعماری و بعد از استعماری بود. غرض از این قدرت برتری طلب غربی، ابرقدرت آمریکا است از این‌رو، انقلاب اسلامی در ایران

برای مسلمانان سرتاسر جهان الگویی جهت تحقق کامل «دولت آرمانی اسلام‌گرا» شد
* آرنولد هوتینگر سوئیسی؛

آرنولد هوتینگر^۱ سوئیسی روزنامه‌نگار و محقق مسائل خاورمیانه، در مقاله‌ای که تحت عنوان «اصولگرایی، احیای شریعت به‌عنوان ابزار قدرت» در شماره ۳۸۲ مورخ دسامبر ۱۹۸۷ نشریه داخلی «جامعه خدمات صلح مسیحی» که در برن سوئیس منتشر شده است، می‌نویسد: «بخش کلی بنیادگرایان اسلامی، همچنین (امام) خمینی و پیروانش در ایران، در موضع معادله ساده اسلام مساوی قانون شریعت اسلامی، حرکت می‌کنند و دکتر کریستیان یگگر^۲، معاون پژوهشی انستیتوی علوم دینی دانشگاه فرایبورگ، در کتاب خود تحت عنوان «بنیادگرایی اسلامی» چاپ زوریخ در سال ۱۹۹۱ تأکید می‌کند که این مجموعه قوانین (قوانین شریعت) که تا سده دهم میلادی از طرف علما گردآوری شد، برای کلیه مسائل حیاتی، دستوراتی روشن و صریح ارائه می‌کند». این خاورشناس معاصر سوئیسی بعد از نقل چندجمله‌ای از آخر فراز (ف) وصیت‌نامه سیاسی - الهی حضرت امام راحل که وصیت به مسلمانان و مستضعفان جهان است چون وی متن اصلی وصیت‌نامه را در اختیار نداشته است، لذا از روزنامه سوئیسی «تا گس انتسایگر»^۳ می‌نویسد: «در اینکه جمهوری اسلامی ایران قدرت آشکار مسلمانان در تقریباً کلیه کشورهای خاورمیانه می‌باشد، هیچ‌کس تردیدی به خود راه نمی‌دهد، اما قابل‌یادآوری است که اصولگرایی اسلامی لااقل سابقه یک‌صد ساله دارد که تحولات نوین، نتیجه جدیدترین روند تاریخی را نشان می‌دهد، البته تحقق بینش اسلامی در جامعه به‌وسیله اصولگرایانی که پیرامون آیت‌الله خمینی گرد آمدند، به پیمان‌ه وسیعی جلو برده شد. در چهارچوب شناخت اسلامی از دین و جامعه، جدایی بین نظام الهی و دنیوی و بسیار بیشتر از آن، جدایی بین بخش‌های شخصی و اجتماعی زندگی، مشخص گردید».

1 Arnold Hottinger
2 Dr.Christian J.Jggi

دکتر آندری گیریر اسلام‌شناس و عرب‌شناس؛

دکتر آندری گیریر^۱ اسلام‌شناس و عرب‌شناس که از سال ۱۹۹۱ ریاست یک پروژه تحقیقاتی را در امان اردن به عهده دارد، در کتاب بسیار جالب خود تحت عنوان «اسلام، زیربنای مالی و توسعه اقتصادی»^۲

درباره احیای حیات اسلامی و جغرافیای نفوذ آن می‌نویسد: «تجدید حیات اسلامی پدیده‌ای فراملی و فرا کشوری است که تعداد زیادی از کشورها با جغرافیای عربی - اسلامی را بدون توجه به وسعت یا محیط‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان در بر گرفته است.

این نهضت صرفاً «محدود به کشورهای جهان عرب، کشورهای آسیایی و آفریقایی که در ترکیب جمعیت‌های خویش دارای اکثریت مسلمانان هستند، نمی‌شود، بلکه کشورهایی را نیز در بر گرفته است که در آن‌ها مسلمانان در اقلیت می‌باشند، مانند کشورهای هند، چین، فیلیپین و اتحاد شوروی سابق. فراتر از آنچه گفته شد، تجدید حیات اسلام پدیده‌ای است که صرفاً «گروه‌های ویژه اجتماعی و اقتصادی را در بر نمی‌گیرد، بلکه بیشتر اقشار را تحت نفوذ و تأثیر خود قرار داده است. این در حالی است که گروه‌های ذی‌ربط این جوامع که اصولاً در پایین‌ترین پله نردبان طبقات اجتماعی قرار دارند - از جمله دوره‌گردهای بی‌خانمان و اهل حرفه پایین شهری که در این طبقه اکثریت دارند - نهضت تجدید حیات اسلامی را صمیمانه تأیید می‌کنند».

* دکتر گوتفرید شایبر، معاون انستیتوی اصول الهیات مسیحی؛

دکتر گوتفرید شایبر^۳ در کتاب خود تحت عنوان «پاسخ صریح» (۱۹۸۴) می‌نویسد: «آنچه ناظران امروزی اوضاع در ایران را کاملاً شگفت‌زده می‌کند، وفاداری بلاقید و شرطی است که ملت در قبال آیت‌الله ابراز می‌نماید. البته این واقعیت بدون یک استدلال و برهان کلامی برای چنین حاکمیتی قابل توجیه نیست. جالب است گفته شود که در این نقطه، بنیادگرایی یا به اعتبار مفهوم متعارف کنونی، بنیادگرایی نیست؛ زیرا در عرف امروزی، بنیادگرایی معنی پذیرش بی‌چون‌وچرای ساختار فکری ناسازگار

Dr.Andr Grber ۱

۲ این کتاب در سلسله متون دانشگاهی برای دانشگاه‌های اروپایی در سال ۱۹۹۲ منتشر شده است

۳ معاون انستیتوی اصول الهیات مسیحی

بازمان را می‌دهد، درحالی‌که (امام) خمینی انتقال یک الگوی فکری موجود را با عنایت به اوضاع زمان و سنجش با معیارهای کلامی اسلام انجام داده است»

* دکتر ژیل کیپل جامعه‌شناس فرانسوی؛

دکتر ژیل کیپل^۱، جامعه‌شناس فرانسوی و استاد کرسی مطالعات عربی در مرکز پژوهش‌های بین‌المللی پاریس، طی سخنرانی خود در کنفرانس «اروپای ادیان»، در اکتبر ۱۹۹۴ در وین، تأیید کرد: تفکر دینی در فرانسه، به‌ویژه در بین مسلمانان، احیاشده و «جوانان مسلمان که در اروپا متولد شده‌اند، نیروهای فعال نوینی را به‌صورت هسته‌هایی به وجود آورده‌اند که بین اراده برای ماندن و تبعیض در نوسان‌اند». وی به‌طور ضمنی اثرگذاری نقش امام خمینی را در احیای تفکر دینی در مسلمانان اروپایی تأیید می‌کند و می‌نویسد: مسلمانان اروپایی به خاطر ماجرای سلمان رشدی و حجاب اسلامی، یک حرکت اخلاقی و اجتماعی را آغاز کرده‌اند.»

* اسقف خلیل ابی نادر؛

اسقف خلیل ابی نادر یکی از رهبران مسیحی لبنان در خصوص اثرگذاری گفتمان و برقراری ارتباط با جامعه مسیحی می‌گوید: «[امام] خمینی در من تأثیر بسیاری بر جای نهاده است. اگرچه من به‌عنوان یک روحانی مسیحی نمی‌توانم دینم را ترک کنم، اما باین‌حال اندیشه و افکار من از رسالت دینی وی بسیار تأثیر گرفته است. این تأثیر به‌صورت زیر جلوه‌گر می‌باشد:

۱ - او به این حقیقت دست‌یافت که عقب‌ماندگی مسلمانان در عصر انحطاط خصوصاً در ایران اصولاً از دوری آن‌ها از درک صحیح قرآن ناشی می‌شود. این بود که او صدا و موعظه‌اش را به مردم رساند و آن‌ها را از خواب بیدار کرد، خصوصاً که اعمال او همواره از قرآن سرچشمه می‌گرفت.

۲ - او خواهان وحدت مسلمانان بود و مسلمانان ایران را بااراده و اهداف و آرمان‌هایشان وحدت داد. مردم مستضعف سلاح او در مبارزات بودند و پیروزی نیز همیشه نصیب او می‌گشت. اگر وی از کلیسای مسیحی می‌بود، مردم مؤمن وی را قدیس بزرگی می‌دانستند و او را شفیع خویش قرار می‌دادند. [امام] خمینی در خارج از ایران

پیام‌دهنده همزیستی میان مسیحیان و مسلمانان می‌شد. من به‌عنوان یک روحانی مسیحی، جمهوری اسلامی ایران را درک می‌کنم. اگر شانس آن را داشتم که با [امام] خمینی بزرگ گفتگویی داشته باشم باروح مسیح^(۴) و محمد (ص) همان خط و راه را در پیش می‌گرفتیم».

* پروفیسور کارستن کولپه؛

پروفیسور کارستن کولپه که یکی از برجسته‌ترین خاورشناسان غربی و ایران‌شناسی نامدار است، در صفحه ۶۷ کتاب خود به نام «مشکل اسلام» (۱۹۸۹) حضرت امام خمینی^(۵) را آغازگر نهضتی می‌خواند که تأثیر جهانی دارد. وی می‌نویسد: «انقلاب اسلامی و رهبر آن (امام) خمینی که بسیاری از مسلمانان مقیم خارج جهان اسلام را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرارداد، بدون تردید، آغازگر جنبش تجدید حیات اسلام است که اثرگذاری فراملیتی داشته است.»

پرفیسور کارستن کولپه: انقلاب اسلامی و رهبر آن (امام) خمینی که بسیاری از مسلمانان مقیم خارج جهان اسلام را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرارداد بدون تردید، آغازگر جنبش تجدید حیات اسلام است که اثرگذاری فراملیتی داشته است.

وی در مقدمه همین کتاب خود، ضمن اعتراف به احیای تفکر دینی در میان طبقات مختلف اجتماعی اروپایی و عطش آنان برای شناخت حقایق اسلام و انقلاب اسلامی، می‌نویسد: «بعد از پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، به‌طور کلی اوضاع سیاسی به‌گونه‌ای شد که از طرف گروه‌های مختلف، اعم از زن و مرد مسلمان، شاگردان مدارس، دانشجویان، دست‌اندرکاران آموزش‌های دینی، پلیس، کارمندان، اعضای جوامع مذهبی و کلیسایی کاتولیکی و پروتستانی و همچنین احزاب سیاسی، پیوسته تقاضاهایی را در این رابطه (معرفی جامع و کامل اسلام و انقلاب اسلامی) مطرح می‌کردند.»

* پروفیسور دکتر کلاوس کینتسلر؛

پروفیسور دکتر کلاوس کینتسلر در بخش معرفی کتاب خود تحت عنوان «بنیادگرایی دینی» (ص ۲) چنین اعتراف می‌کند: «از مدت‌ها قبل سخن گفتن از بنیادگرایی و «تمایلات بنیادگرایانه» و آن‌هم در کلیه زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تشدید شده است. تحولات دراماتیک در ایران که به‌وسیله انقلاب اسلامی در سال‌های دهه ۱۹۸۰ ایجاد شد و به‌عنوان بازگشت به بنیادهای دینی از مرزهای دین اسلام بسیار

فراتر رفت، افکار عمومی جهان را به این پدیده حساس و درخور توجه معطوف کرد». وی سپس از شکل‌گیری جدید بنیادگرایی دینی در مسیحیت، یهودیت، آیین‌های هندو و بودا و سایر ادیان بحث می‌کند که همه به شیوه و متابعت از احیای تفکر دینی به‌وسیله حضرت امام خمینی، بازگشت به اصول اولیه آیین‌ها و احیای اندیشه دینی خویش را هدف قرار داده‌اند. او در همین رابطه، از نظر تاریخی، اصطلاح «بنیادگرایی نوین» را جایگزین «بنیادگرایی کلاسیک» می‌کند.

مترجمان زبان آلمانی کتاب «حکومت اسلامی» حضرت امام خمینی در مقدمه‌ای بر آن می‌نویسند: «درست در ژانویه ۱۹۷۷، هنگامی که در شهر مقدس قم نخستین گلوله شلیک شد و در اندک زمانی بعد از آن، تبریز با تظاهرات نیرومند خویش رژیم شاه را به مبارزه طلبید، برای دستیابی به کتاب حکومت اسلامی، کتابی که سند کلیدی انقلاب اسلامی شد، علاقه‌مندی به وجود آمده بود. با سقوط رژیم شاه در فوریه ۱۹۷۹ که تا آن زمان بدون توجه به تشنجات اجتماعی و سیاسی موجود در کشور، به‌عنوان «جزیره ثبات» خوانده می‌شد و با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، علاقه‌مندی برای دستیابی به اثر آیت‌الله خمینی در سرتاسر جهان افزایش یافت.

اسلام (۱۹۸۹) حضرت امام خمینی^(۵) را آغازگر نهضتی می‌خواند که تأثیر جهانی دارد. وی می‌نویسد: «انقلاب اسلامی و رهبر آن (امام) خمینی که بسیاری از مسلمانان مقیم خارج جهان اسلام را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرارداد، بدون تردید، آغازگر جنبش تجدید حیات اسلام است که اثرگذاری فراملیتی داشته است.»

پرفسور کارستن کولپه: انقلاب اسلامی و رهبر آن (امام) خمینی که بسیاری از مسلمانان مقیم خارج جهان اسلام را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرارداد بدون تردید، آغازگر جنبش تجدید حیات اسلام است که اثرگذاری فراملیتی داشته است.

وی در مقدمه همین کتاب خود، ضمن اعتراف به احیای تفکر دینی در میان طبقات مختلف اجتماعی اروپایی و عطش آنان برای شناخت حقایق اسلام و انقلاب اسلامی، می‌نویسد: «بعد از پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، به‌طور کلی اوضاع سیاسی به‌گونه‌ای شد که از طرف گروه‌های مختلف، اعم از زن و مرد مسلمان، شاگردان مدارس، دانشجویان، دست‌اندرکاران آموزش‌های دینی، پلیس، کارمندان، اعضای جوامع مذهبی و کلیسایی کاتولیکی و پروتستانی و همچنین احزاب سیاسی، پیوسته تقاضاهایی را در این رابطه (معرفی جامع و کامل اسلام و انقلاب اسلامی) مطرح می‌کردند.»

دکتر پیتر شول روزنامه‌نگار؛

دکتر پیتر شول^۱، روزنامه‌نگار و کارشناسان جهان اسلام که چندین اثر تألیف کرده است، در کتاب «شمشیر اسلام، انقلاب به نام الله» که در سال ۱۹۹۰ منتشر شده است، می‌نویسد: «پیام (امام) خمینی به میخائیل گورباچف این بود که کمونیسم از نظر معنوی و مادی شکست خورده و اکنون زمان آن فرا رسیده است که اتحاد شوروی، نجات خود را در اسلام جست‌وجو کند. این در واقع، یک دعوت ظریف سورئالیستی برای بازگشت به سوی خدا بود.»

شول - لاتور سپس مفسران غربی را در مورد اشتباه سنگینی که در مورد ارزیابی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت (امام) خمینی^(ع) مرتکب شده‌اند، سرزنش می‌کند و می‌نویسد: «اینجا سخن از یک پدیده جهانگیر است. (حضرت) محمد (ص)، پیامبر اسلام نیز از مأموریت آفاقی خویش آگاه بود. در آن زمان به‌عنوان شخصیتی که هنوز ناشناخته بود و صرفاً رهبری تعدادی از قبایل بدوی را به عهده داشت، پیام‌هایی را به ابرقدرت‌های معاصر خود فرستاد. بر مبنای روایات، فرستادگان پیامبر اسلام نزد قیصر بیزانس، شاهنشاه ساسانی در ایران و سالار قبطی‌ها در اسکندریه آمدند تا از آنان دعوت کنند به آیین جدید وحی و اراده خداوند تسلیم شوند. این دعوت، گرچه در آن زمان پذیرفته نشد، ولی هر سه نظام دولتی که مورد خطاب دعوت بودند، مدتی بعد مجبور شدند مغلوب تهاجم بزرگ اسلامی شوند. بیداری اسلامی یک مسئله محدود محلی نیست. از طریق اسرائیل، آمریکایی‌ها نیز به‌طور غیرمستقیم اثر این بیداری را احساس کرده‌اند. اتحاد شوروی در جمهوری‌های جنوبی خود که به‌سوی اعتقادات قرآنی بازگشته‌اند، شاهد یک دگرگونی می‌باشد. اروپا از مدت‌ها پیش از داعیه حاکمیت بر کل دریای مدیترانه دست کشیده و بین شمال مدیترانه و سواحل جنوبی آن یک شکاف بزرگ پدید آمده است.»

نویسندگان و محققان کتاب «نیروهای ارتشی در خاورمیانه شمال آفریقا» در صفحه ۲۸۵ می‌نویسند: «تجدید حیات اسلامی در دهه ۱۹۷۰، درعین‌حال که مهم‌ترین مبنای موفقیت (امام) خمینی بود، به همان‌سان زمینه ظهور و طلوع سیاسی «بنیادگرایی

نوبین» نیز شد. اسلام با مبدل شدن به ایدئولوژی سیاسی این توانایی را بازیافت که یک خودآگاهی جدید را در ملت‌ها احیا کند».

* ژیل کیپل جامعه‌شناس فرانسوی؛

دکتر ژیل کیپل^۱، جامعه‌شناس فرانسوی و استاد کرسی مطالعات عربی در مرکز پژوهش‌های بین‌المللی پاریس، طی سخنرانی خود در کنفرانس «اروپای ادیان»، در اکتبر ۱۹۹۴ در وین، تأیید کرد: تفکر دینی در فرانسه، به‌ویژه در بین مسلمانان، احیاء شده و «جوانان مسلمان که در اروپا متولد شده‌اند، نیروهای فعال نوینی را به‌صورت هسته‌هایی به وجود آورده‌اند که بین اراده برای ماندن و تبعیض در نوسان‌اند».

وی به‌طور ضمنی اثرگذاری نقش امام خمینی را در احیای تفکر دینی در مسلمانان اروپایی تأیید می‌کند و می‌نویسد: «مسلمانان اروپایی به خاطر ماجرای سلمان رشدی و حجاب اسلامی، یک حرکت اخلاقی و اجتماعی را آغاز کرده‌اند».

* فرانتس کونینگ اسقف اعظم سابق وین؛

کاردینال فرانتس کونینگ^۲، اسقف اعظم سابق وین که از چهره‌های بسیار برجسته جهان مسیحیت است نیز در کنفرانس «اروپای ادیان» ادامه خدمت به احیای تفکر دینی را که روند جهان‌گیر پیدا کرده است، در گرو مبارزه جدی با تفکرات ضد دینی از جمله انکار وجود خدا و الحاد دانست و گفت: «امروزه مهم‌ترین وظیفه گفت‌وگو بین پیروان ادیان توحیدی این است که یک جبهه مشترک را جهت مبارزه علیه بروز فرقه‌سازی‌ها و آنانی که به خداوند یکتا ایمان ندارند و دشمنان هر دینی هستند، ایجاد کنند» دکتر گوتفرد شایبر^۳، معاون انستیتوی اصول الهیات مسیحی و مؤلف کتاب‌ها و نوشتارهای تحقیقاتی، فیلسوف و خاورشناس اتریشی، در کتاب خود تحت عنوان «پاسخ صریح» (۱۹۸۴) می‌نویسد: «مبحث اصولگرایی اسلامی صرفاً برای دانشمندان تاریخ و علوم سیاسی نکات بسیار زیادی را ارزانی نکرده است، بلکه برای یک علاقه‌مند علوم دینی که از نگاه علم کلام ادیان، وارد بحث می‌شود نیز نکات زیادی را عرضه می‌کند».

وی درجایی دیگر از کتاب خود می‌نویسد: «آنچه ناظران امروزی اوضاع در ایران را کاملاً

۱ Dr.Gilles Kepel

۲ Kardinal Dr.Franz Knig

۳ Dr.Gottfried W.Scheiber

شگفت‌زده می‌کند، وفاداری بلاقید و شرطی است که ملت در قبال آیت‌الله ابراز می‌نماید. البته این واقعیت بدون یک استدلال و برهان کلامی برای چنین حاکمیتی قابل توجیه نیست.

جالب است گفته شود که در این نقطه، بنیادگرایی یا به اعتبار مفهوم متعارف کنونی، بنیادگرایی نیست؛ زیرا در عرف امروزی، بنیادگرایی معنی پذیرش بی‌چون‌وچرای ساختار فکری ناسازگار با زمان را می‌دهد، درحالی‌که (امام) خمینی انتقال یک الگوی فکری موجود را با عنایت به اوضاع زمان و سنجش با معیارهای کلامی اسلام انجام داده است.»

* «میخاییل لمشف» نویسنده روس؛

پروفسور «میخاییل لمشف» یک نویسنده روس است که می‌گوید: امام خمینی همواره بر پیوند انسان و خدا تأکید می‌کرد. امام خمینی^(۵) برخلاف رهبران سیاسی قرن حاضر که هر یک دارای استعدادی خاص در یکی از زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی، دینی یا حقوقی بودند، توانایی سازمان‌دهی امور در همه حوزه‌ها را داشت. امام خمینی^(۶) سیاست را بخش لاینفک دین می‌دانست و بااراده دینی و الهی علیه ستمگران بپا خاست. امام راحل در تمامی سطوح حیات اجتماعی و سیاسی جامعه، اسلام را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در تحولات انقلابی و حمایت‌کننده ارزش‌های انسانی مطرح کرد.

وی با اشاره به اینکه امام کوشش فراوانی داشت تا از مدل‌های بیگانه دوری گزیند، افزود: امام همواره بر پیوند گسست‌ناپذیر انسان و خدا تأکید می‌ورزید. او جوانان را به‌عنوان منبع انرژی عقل و احساسات به اسلام راستین پیوند داد و آنان را از انحراف نجات بخشید. از بعد بین‌المللی، اندیشه امام سراسر جهان اسلام را در بر گرفت و با آمریکا و اسرائیل به‌عنوان معضلات گریبان‌گیر جهان اسلام به مبارزه برخاست و ثابت کرد که انقلاب اسلامی با انقلاب‌های مادی روسیه و فرانسه متفاوت است.

دکتر جرج موستاکیس روحانی و نویسنده مسیحی از یونان می‌گوید:

من یک مسیحی هستم ولی به آیت‌الله خمینی علاقه بسیار زیادی دارم. او اصلاح‌کننده بزرگ امت اسلامی بوده است. من و سایر مسیحیان آزاده وظیفه خود می‌دانیم که از ایشان پیروی کنیم. زندگی مذهبی و سیاسی آیت‌الله خمینی و مبارزات ایشان علیه

استعمار به روشنی در روند تاریخ ثبت است.

این کشیش یونانی و استاد فلسفه و جامعه‌شناسی که وصیت‌نامه امام را به زبان یونانی ترجمه کرده است سپس احساس خود را راجع به "حسینیه جماران" چنین بیان می‌کند: "اینجا زیباترین مسجدی است که در عمرم دیده‌ام، زیبایی و تقدس آن به خاطر مادیات نیست. به خاطر این نیست که از طلا و یا نقره و یا بلور ساخته شده باشد، بلکه به خاطر روح بزرگ امام خمینی است، جرج موستاکیس گفتار خویش را با دعای ویژه مردم یونان به پایان می‌برد: "پروردگارا! ای خداوند قادر مطلق! روح محبوب خمینی بزرگ را قرین آرامش ابدی خویش گردان و او را تحت عزت و جلال ملکوت و هم‌جوار ارواح طیبه ابراهیم، اسحاق و یعقوب و تمامی انبیاء دیگر قرار ده. آمین^۱."

دکتر فوسبری کشیش و رئیس دانشگاه‌های کاتولیک آمریکای لاتین می‌گوید:

آیت‌الله خمینی با استفاده از ریشه‌های فرهنگی اسلامی موجب حرکت تاریخی ملت خویش گشت. وی توانست با یک انقلاب مذهبی سیاسی، حرکت عظیمی در کشورهای اسلامی به وجود آورد. او راهی را به روی ما گشود که مهم‌ترین پیام آن امکان بازیابی ماهیت معنوی و قدرت الهی و ایمان به خدا بوده است. امام با بازگشایی این راه، وجدان معنوی غرب را شدیداً به لرزه درآورد هرچند رسانه‌های گروهی غرب سعی در پوشاندن و مخفی ساختن آن داشته باشند.^۲

* دکتر فوسبری، مراسم عزاداری ملت ایران را نمونه‌هایی از عشق عمیق یک ملت

نسبت به معشوق خود دانسته و اشک ده‌ها میلیون ایرانی را در سوگ رهبر از دست‌رفته‌شان، عزای یک ملت در فقدان امام خود خوانده و اضافه می‌کند: "عکس‌العمل میلیونی مسلمانان در غم از دست دادن تنها یک سیاستمدار نبود، بلکه درد جدایی کسی بود که ماهیت فرهنگی یک ملت را به وی بازگرداند و راه آزادی را به جهانیان آموخت."^۳

* پروفسور "پروولسی" ایتالیایی، استاد ایران‌شناسی در دانشگاه رم می‌گوید:

مهم‌ترین عملکرد آیت‌الله خمینی امکان‌پذیر نمودن یک انقلاب اسلامی بود، آن هم در

۱ جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۲۴

۲ (خورشید بی‌غروب، ص ۹۲)

۳ همان

کشوری که تمدن و فرهنگی قوی را در سابقه خود دارد. این کار باعث شد تا مردم ایران فرهنگ واقعی و قدیمی خود را که همان فرهنگ اسلامی بوده بشناسند و خود را متکی بر آن فرهنگ به جامعه جهانی بشناسانند.

این در حالی بود که تا قبل از انقلاب اسلامی، تنها آوایی که از ایران بلند بود و معیار شناخت جهانیان از کشور ایران اعلام می‌شد، صدای غرب‌زدگی بود؛ بنابراین آیت‌الله خمینی آغازکننده انقلابی بود که بالاخره فرهنگ اسلامی راستین ملت ایران را آشکار ساخت.^۱

* اسقف کاپوچی اسقف بیت‌المقدس:

امام خمینی^(ع) فقط متعلق به ایران نیست. تمام محرومان دنیا چه مسلمان و چه غیرمسلمان او را نجات‌دهنده‌ی خود می‌دانند.

قسمتی از بیانیه هیئت جنبش مونتونرو آرژانتین؛

از همین چند سطر درس‌هایی می‌توان گرفت که اتفاقاً از شناخت دقیق اهداف انقلاب اسلامی از جانب رهبران و متفکران آن جنبش خبر می‌دهد:

۱ - انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی ضربه محکمی به امپریالیسم این قرن وارد کرده است.

۲ - انقلاب اسلامی ایران گویای حرکت توده‌های محروم علیه امپریالیسم، ظلم، استثمار، حکومت شاه ظالم بوده است.

۳ - شاه دست‌نشانده امپریالیسم و ارتجاع منطقه بوده است.

۴ - انقلاب اسلامی ایران و وجود روح قهرمانانه و آرمان‌خواهی ملت ایران و رهبری ضد امپریالیستی امام خمینی می‌تواند برای مبارزه ملت‌های دیگر نمونه و سرمشق روشن و درخشانی باشد.

اینک قسمتی از متن بیانیه مذکور: انقلاب ایران تحت رهبری امام خمینی ضربه محکمی به امپریالیسم این قرن وارد ساخته و نمایانگر قیام توده‌های محروم در دنیا علیه امپریالیسم، ظلم، استثمار، حکومت ظالم شاه، دست‌نشانده امپریالیسم و ارتجاع، توسط روح قهرمانانه مبارزه ملت ایران شکست داده شد و به‌صورت نمونه درخشانی

۱ شخصیت امام از دیدگاه رسانه‌ها و متفکران جهان، ص ۲۶

- برای ملت‌های مبارز دیگر درآمد " ۱
- از روزنامه اسپانیایی (ا. ب، ت) برمی‌آید؛
- گویای نکات ظریف زیر است. بی‌تردید تاکسی‌نگرشی همه‌جانبه و عمیق به انقلاب، حتی تاریخچه و محتوای اسلامی آن نداشته باشد، نمی‌تواند به این اصول و عبارات دست یابد و چنین عناوین و مدخل‌های قابل‌توجهی را از انقلاب و امام خمینی بازگو کند. عناوین مهم و قابل‌توجه بدین قرارند:
- ۱ - تفکر آیت‌الله خمینی بشدت و سریع و در بسیاری از نقاط جهان در حال گسترش است.
 - ۲ - شورش سیاه‌پوستان جزایر "ترینیداد و توباگو" آسیب‌پذیری غرب در مقابل اسلام را در هر نقطه از جهان بازگو کرد.
 - ۳ - غلبه بر یک تفکر و ایدئولوژی بسیار مشکل‌تر از پیروزی بر یک ارتش است.
 - ۴ - اسلام دینی اجتماعی است که می‌تواند مبنای تشکیل حکومت جدیدی در جهان باشد.
 - ۵ - اسلام دینی است که بین زندگی روزمره و حیات جاودان وحدت حاصل می‌آورد.
 - ۶ - اسلام اعتماد به نفس خاصی بین معتقدانش به وجود می‌آورد.
 - ۷ - در آمریکا منسجم‌ترین و منظم‌ترین طبقات مردم سیاهان مسلمان‌اند.
 - ۸ - بنیادگرایی سیاهان، بسیار فراتر از بنیادگرایی کنونی اعراب خواهد بود.
 - ۹ - و سرانجام هشدار و اعلام خطری که پس‌از این سخنان بسیار عمیق و عبرت‌انگیز و عالمانه و جامعه‌شناسانه بدست می‌دهد که: "بهوش باشیم اگر بقیه سیاهان نیز اسلام را به‌عنوان راه خود برگزینند، ما غربی‌ها باید خود را برای یک رویارویی بزرگ آماده کنیم.

توضیح

استکبار و عوامل تا بن دندان مسلح آن با امام درافتادند تا تنها بماند و خدا مهر و محبت آن مرد را در دل امت نیفکند، در آن صورت چون جرقه‌ای در دل ظلمت خاموش می‌شد، کما اینکه گه‌گاهی در طول تاریخ از این موارد می‌توان سراغ گرفت که خوش درخشیدند ولی صد افسوس که دولت‌ها مستعجل بودند. مردی در برهه‌ای از تاریخ جهان و ایران و اسلام قد برافراشته بود که نه چشم به شرق داشت و نه امید به غرب، حتی در نقطه مقابل آن دو ابرقدرت ایستاده بود، مردی که با غرب همان‌گونه در ستیز و تضاد بود که با شرق بود.

از آنجاکه در بدو امر افکار و اصول و اهداف آن بزرگ‌مرد آن‌هم در لباس روحانی، معمولاً در سطح جهان چندان مطرح نبود تا مدت‌ها برای ابرقدرت‌ها قابل‌هضم نبود که به‌سادگی بپذیرند، ممکن است در شرایط حاکمیت کاملاً دوقطبی جهان آمد، فردی خلاف انتظار و توقع دو ابرقدرت حرکت کند و موضع بگیرد. چون اکثر نهضت‌ها و انقلاب‌ها در سده اخیر و در کشورهای مختلف جهان یا با حمایت و برنامه‌ریزی یکی از ابرقدرت بوده است و یا در نهایت به یکی از دو قطب بزرگ جهان تکیه کرده، وابسته شده و چراغ سبز نشان داده‌اند یا سرانجام خود پس از چند سال به کشوری استعمارگر اما در درجات پایین‌تر تبدیل‌شده‌اند و یا در طیف و جهت یکی از دو ابرقدرت قرار گرفته‌اند، به همین جهت و عادت تاریخی حتی برای سیاستمداران کهنه‌کار جهان‌هم به راحتی جا نمی‌افتد که ممکن است فردی روحانی، رهبری و هدایت انقلابی را با آن عظمت به عهده بگیرد، نهضتی از دل کشوری قد بکشد که کاملاً زیر سلطه و وابسته به آمریکا است؛ و خواست و سرلوحه انقلابشان اعتراض به سیطره، حضور و دخالت آمریکا در کشورشان و حتی در منطقه باشد. مردی که با ایستادگی و شکست‌ناپذیری‌اش به مردم جهان، به مردم تحت ستم دنیا، درس مبارزه با آمریکا و شعار مرگ بر آمریکا را یاد دهد، درعین حال که به شرق آن روز توجهی نداشت. آن‌هم در کشوری که در همسایگی شوروی بود. اگرچه برای اندیشمندان و مردان سیاسی هر دو ابرقدرت بسیار سنگین و غیرقابل‌باور بود، اما هرروز که از استمرار و تداوم نهضت و نظام اسلامی ایران می‌گذشت و به مناسبت‌هایی مواضع و خط و اندیشه‌های امام شفاف و تبیین و روشن‌تر می‌شد بیشتر در باور آمریکا جا می‌افتاد که بالاخره این واقعیت

(انقلاب اسلامی) را نمی‌شود نادیده گرفت و با محدودیت‌های خبری و تبلیغاتی آن را انکار کرد. پس از گذر از مرحله اعلام و برپایی نظام جمهوری اسلامی باید پذیرفت که در جغرافیای سیاسی جهان و در قاموس ادبیات سیاسی انقلاب‌های قرن حاضر ثبت شده و جاباز کرده و وارد شده است؟. با وجود تمام توطئه‌ها، مخالفت‌ها، تبلیغات سو و کذب، حملات مستقیم و غیرمستقیم، طراحی کودتا، تحریم اقتصادی، انزوای سیاسی، آشوب‌های داخلی طرح تفکر و نقشه شوم تجزیه‌طلبی، بسیج و سازمان‌دهی نیروهای ورشکسته از انقلاب اسلامی و ستون پنجم داخلی و ... برای مخدوش کردن چهره تابناک امام و انقلاب حتی از ترور شخصیت‌ها و زدن شاخ و برگ‌های آن درخت تنومند و طوبای سر به فلک کشیده نیز دریغ نمی‌ورزیدند؛ اما آن مرد چونان کوهی استوار پابرجا ایستاده بود، مردی که در سخنان او همیشه طرحی نو برای اداره جهان نمود پیدا می‌کرد، حتی بیگانگان از مواضعی که در قبال آن‌ها و سیاست‌های به‌اصطلاح حساب شده آن‌ها می‌گرفت همیشه عاجز و عقب بودند، مردی که تنها به یک اشاره و کنایه انقلاب سنگ و انتفاضه را در فلسطین راه انداخت، مردی که با وجود تمام حمایت‌های استکبار جهانی از اسرائیل، توانست مسلمانان جهان را در یک روز خاص موسوم به روز قدس با شعار مرگ بر اسرائیل بسیج کند، مردی که در دوران دفاع مقدس با اشارتی کوتاه قادر بود بیش از یکصد هزار جان‌برکف را برای حضور در میدان‌های شهادت و برای دفاع از کیان کشور اسلامی ایران بسیج کند.

مردی که در مراسم بازگشت پس از سال‌های سیاه تبعید، بیش از چند میلیون شیدا و شوریده، آمدنش را با گل و اسپند استقبال کردند و در رفتنش از این جهان خاکی میلیون‌ها انسان را در سراسر عالم مشکی نشین فراق و هجران خود ساخت. مردی که با یک فتوا و به پشتوانه ایمانی خلل‌ناپذیر، فقط برای رضای خدا و در جهت اجرای احکام الهی، تمام محاسبات و معادلات و روابط سیاسی اقتصادی را با کشورهای حامی سلمان رشدی ملحد و مرتد به هم زد. یک‌تنه با تمام کفر درافتاد اما از دفاع از حکم شرعی و پاسداری و صیانت از دین خدا سرسوزنی عقب‌نشینی نکرد. مردی مردستان که معتقدم بازهم ابعادی از آن وجود نازنین ناشناخته مانده است و باید او را دوباره کشف کرد، بازشناخت. اظهارنظرهای اندیشمندان، متفکران، سیاستمداران، دولتمردان سایر کشورها پیرامون شخصیت امام حتی اگر اندکی به مصلحت سیاسی آمیخته باشد بازهم بسیار مهم، تأمل‌برانگیز و اعجاب‌آور است.

سخن این است که حتی دولتمردان و اندیشمندان ایران هم هرگز فکر نمی‌کردند ممکن است با وجود تمام موانع و حصارهای مستحکم تبلیغاتی و حتی جریان ضدتبلیغی که از جانب غرب علیه ایران در انقلاب اسلامی و افکار بلند امام بسیج شده است، انقلاب ایران بتواند موضوع تحقیق متفکران غرب باشد. اینک تحلیل روزنامه مذکور را می‌آوریم:

اکنون در نقاطی که حتی جانشینان آیت‌الله خمینی فکر آن را نمی‌کنند (انقلاب اسلامی) در حال گسترش است. شورش اخیر مسلمانان سیاه‌پوست جزایر ترینیداد و توباگو، آسیب‌پذیری غرب در مقابل اسلام را در هر نقطه‌ای از جهان نمودار کرد و این حوادث شدید آن است که غلبه بر یک ایدئولوژی، بسیار دشوارتر از پیروزی بر یک ارتش است. باید توجه داشت اسلام دینی اجتماعی است که حتی می‌تواند مانند ایران تبدیل به حکومت شود. مفاهیم اسلام واضح و روان است، وحدت بین زندگی روزمره و حیات جاویدان در این مذهب و اعتماد به نفسی که به خود می‌دهد برای سیاهان، عنصر پرارزش می‌باشد و علاوه بر اینکه اسلام برای سیاهان یک نظام است، غرور وحدت نیز به همراه دارد، حتی در آمریکا منسجم‌ترین و منظم‌ترین طبقات مردم سیاه‌هایی هستند که به دین اسلام درآمده‌اند، به هوش باشیم که اگر بقیه سیاهان نیز اسلام را به‌عنوان راه خود برگزینند ما غربی‌ها باید خود را برای یک رویارویی بزرگ آماده کنیم؛ چراکه با توجه به خصوصیات سیاهان، بنیادگرایی سیاهان بسیار فراتر از بنیادگرایی کنونی اعراب خواهد بود!"

می‌دانیم که یکی از شبکه‌های سیاسی و مرموز جهانی در میان شبکه‌های خبری، شبکه رادیوتلوویزیون "بی. بی. سی" انگلیس است. هرگز به یاد نداریم که این شبکه سخنی، تحلیلی، تفسیری و حتی نقل‌قولی را پیرامون انقلاب اسلامی داشته باشد که پشت آن توطئه یا تضعیف انقلاب و اسلام نباشد. اینکه از برنامه‌های از برنامه‌های مختلف آن بوی حمایت یا صداقت به مشام برسد، آرزویی محال و غیرممکن است و حق هم همین است. انگلیس که سال‌ها شیره جان این کشور را مکیده و در روزگار بی‌دریغی منابع ارزشمند نفت، ثروت ملی و خداداد ما را غارت کرده است، امروز هوادار ایران اسلامی باشد. اگر در موارد بسیار نادر و استثنایی از سخنان و تحلیل‌های گردانندگان شبکه "بی. بی. سی" احساس و بوی حقیقت‌گویی به مشام برسد آن هم نه سر اعتقاد و

صداقت آن‌هاست که بی‌تردید از عظمت و شوکت امام و انقلاب است که دیگر نمی‌توانند آن را بپوشانند. در عین حال که به بازخوانی یک نمونه از تحلیل‌های شبکه تلویزیونی مذکور می‌پردازیم در ادامه خواهیم گفت حتی در نمونه زیر هم نوعی شیطنت نهفته است.

بی‌بی‌سی فارسی

آیت‌الله خمینی یکی از قدرتمندترین رهبران خاورمیانه در قرن اخیر بوده، او از سوی بنیادگرایان در سراسر جهان اسلام به‌عنوان رهبر معنوی انقلاب اسلامی مورد احترام و تحسین بود، اما بسیار کسان در غرب به او به چشم یک عارف خطرناک که در آرزوی گسترش جهانی اسلام است، می‌نگریستند.^۱

"بی بی کوئیرالا، نخست‌وزیر سابق نپال در مصاحبه‌ای گفت؛

حوادث اخیر ایران در تصمیم پادشاه نپال مبنی بر انجام یک همه‌پرسی برای تعیین بنیاد سیاسی آینده کشور بی‌تأثیر نبوده است. وی اضافه کرد بعد از وقایعی که در ایران اتفاق افتاد هر شخص عاقلی می‌توانست دریابد که اگر پادشاه نپال اقدامات قاطعی در راه ایجاد دموکراسی انجام ندهد، نجات کشورش غیرممکن خواهد بود. وی به انقلاب ایران به رهبری آیت‌الله خمینی که در فوریه گذشته به سرنگونی شاه منجر شده و نیز به هفت هفته شورش‌های دانشجویی و روستایی در نپال که منجر به اعلام یک همه‌پرسی ملی از طرف پادشاه این کشور شد، اشاره کرد.^۲

اصولاً نویسندگان و برخی اصحاب جراید و مطبوعات و خبرنگارانی که اهل قلم و تألیف آثار هستند و به این کار همت می‌گمارند، در لابه‌لای مصاحبه‌ها، خاطره‌ها و نوشته‌های خود به نکات و دقایقی می‌رسند که به‌واقع از وجود رگه‌هایی از صداقت در آن‌ها خبر می‌دهد. با وجودی که تمام رسانه‌های غربی در مصاحبه‌های شیطنت آلود خود، سعی دارند به تحریف واقعیات و شایعه‌پراکنی بپردازند و اخبار کذب را با اهداف تضعیف روحیه مردم و یأس و بدبینی در سرلوحه کار و فعالیت‌هایشان قرار دهند.

باز هم می‌توان به نکات هم همان‌گونه که اشارت رفت انقلاب اسلامی ایران به زعامت امام^(ع) سرمشق مبارزاتی برخی از کشورها و ملت‌های مسلمان شد و در روحیه مقاومت،

۱ روزنامه اطلاعات ۱۳۶۸/۷/۱۴ش

۲ روزنامه جمهوری اسلامی / سه شنبه ۱۳۵۸/۴/۵

ستیز و مبارزه را تقویت و احیا کرد از جمله فلسطین، افغانستان، لبنان و سایر کشورها. برای برخی از کشورها موجب شکست و ترس و خوف و یاس و خطر شد. غیرازاین دو طیف و گروه برای سران برخی از کشورها هم پیام تنبه و زنگ بیداری و خطری را به صدا درآورد که به خود آیند. در کشورهای اسلامی که با تفکر و اندیشه انقلابی - اسلامی ما سنخیت داشتند.

افزون بر آن امیدواری به احیا مجدد اسلام و رنسانس جدید اسلامی را در قرن حاضر در پی داشت که اقل پیامش، سربلندی و احساس غرور و افتخار برای کل جهان اسلام بود. مگر افکار امام چگونه است که در کشوری چون نپال هم که هیچ رابطه و پیوند عقیدتی با کشور ایران نداشت بی تأثیر نبوده است. امروز در جغرافیای سیاسی جهان میزان و سرعت تأثیر و تأثر به قدری آشکار شده است که احتمال مرزبندی فکری را به حداقل رسانده است.

موج نهضت‌ها، انقلاب‌ها حتی با تفاوت بنیادین و ریشه‌ای به آن سوی سواحل دنیا می‌رسد. آنچه از متن گزارش آسوشیتدپرس از مصاحبه با نخست‌وزیر سابق نپال آقای "بی پی کوئیر" برمی‌آید اینکه حتی تصمیم پادشاه نپال مبنی بر انجام یک همه‌پرسی برای تعیین بنیاد سیاسی آینده کشورش هم بی تأثیر از انقلاب اسلامی ایران نبوده است. عجیب اینکه در شورش‌های دانشجویی و اعتصاب‌های دانشگاهی و روستایی نپال که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رخ می‌دهد و نتیجه آن اعتصاب‌ها هم پذیرش همه‌پرسی ملی یا رفراندوم فراگیر در آن کشور بوده است همه را، برگرفته از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی می‌داند. این همان درس عبرتی است که از بلندنظری و آینده‌نگری امام در آغاز انقلاب نمود پیدا کرد. آنان که حافظه قوی دارند در یاد دارند که از همان آغاز انقلاب، امام موضوع صدور انقلاب را مطرح می‌کردند و بر آن تأکید می‌ورزیدند و به‌عنوان واقعیتی غیرقابل انکار از آن سخن می‌راندند. در آن شرایط متأسفانه برخی کوتاه‌بینان داخلی هم در برابر تئوری صدور انقلاب که در حال انجام بود از خود ضعف نشان دادند. حتی ما قدرت درک آن را نداشتیم، گوشمان قدرت دریافت فرکانس و طول موج بیرون از ایران انقلاب را در حد امام عزیز نداشت. نمی‌توانستیم عبارت امام را درک کنیم. یکی از دولتمردان آن روز گفت مگر انقلاب نخود و لوبیاست که صادر کردنی باشد.

نکته مهم دیگر اینکه افغانستان پس از اخراج شوروی از کشورش، سرمشق تشکیل حکومت را از ایران می‌گرفت و غرب به خوبی می‌دانست که نظام حکومتی افغانستان نباید از ایران خط بگیرد، با تیزهوشی تمام بلافاصله پس از آزاد شدن افغانستان از سیطره شوروی سروکله‌اش پیدا شد، اینک جاپایشان را در افغانستان می‌بینیم. عواملی در آن کشور تراشیدند، افرادی را خریدند و عواملی را دست‌وپا کردند زیرا برای آمریکا حضور در افغانستان به‌عنوان کشوری که همسایه دیواربه‌دیوار ایران است بسیار مهم بود. نخست اینکه به کشوری که سال‌ها تحت نفوذ شوروی سابق و بلوک شرق بوده، دست می‌یافت. همین حضور سرنخ‌ها و اطلاعات مهمی را برایش در پی داشت. دیگر اینکه می‌توانست پایگاه‌های مراقبتی و کنترلی روسیه سابق را علیه ایران بکار گیرد و از طرف دیگر انقلاب ایران را از طرف افغانستان محصور کند. اگر قرار باشد به‌واقع پیرامون عدم توفیق افغانی‌ها برای تشکیل حکومت مرکزی اسلامی تاکنون، مقاله‌ای یا تفسیری عمیق و واقعی ارائه دهیم باید روی نفوذ شیطنت‌آمیز آمریکا در افغانستان پس از تفرقه و کوتاه‌بینی جناح‌ها و گروه‌های افغانستان انگشت بگذاریم. مگر نه اینکه افغانستان را به پایگاه ضد ایران و انقلاب اسلامی تبدیل کرده‌اند؟ تا آنجا که پاکستان همه چشم طمع به آن کشور دوخته است. برای آمریکا چه چیز بهتر از اینکه، تاکنون موفق شده است از وحدت و همسویی حداقل ایران و افغانستان و پاکستان و عراق جلوگیری کند. حتی فراتر از این سیاست‌هایش را به‌گونه‌ای طراحی کرده است که هر لحظه امکان جنگ بین این کشورها بعید نباشد. مگر نه اینکه بین ایران و عراق این جنگ را تجربه کرده و هم‌اینک هم از آن بهره‌برداری می‌کند و برای حضور خود و کنترل کشورهای منطقه به منطقه لشکرکشی می‌کند. اینک عین تحلیل نشریه مذکور:

"حوادث ایران و افغانستان غرور و اعتمادبه‌نفس مسلمان‌ها را به آنان بازگردانده است، مسلمانان این دو کشور هر یک به روشی خاص افسانه شکست‌ناپذیری دو ابرقدرت را شکستند.

اگر مارکسیسم لنینیسم پس از پیروزی انقلاب شوروی، دگرگونی‌های اساسی در جهان ایجاد کرد، ایران نیز اکنون هویت خاصی به مسلمانان بخشیده است که در حال یافتن یک اندیشه سیاسی است. وی همچنین اظهار عقیده کرده است که جرقه‌های آتشی که از خاورمیانه به آسیای مرکزی و همچنین به بخش‌هایی از قاره آسیای جنوبی و سایر مناطق شعله‌ور شد؛

*اولین عامل ناشی از وقوع انقلاب اسلامی در ایران است.

*دومین عامل بیداری مسلمانان به هم خوردن معادلات منطقه‌ای بود

که نخست از ایران آغاز شد و سپس لبنان و افغانستان را در بر گرفت و در کل منطقه تأثیرات عمده‌ای را بجا گذاشت.

*سومین عامل تحولات منطقه، وجود تسلیحات و زرادخانه‌های بزرگ است که عملاً

ابردردت‌ها را در تأثیرگذاری مطلوب بر تحولات منطقه ناکام کرد.^۱

قسمتی از مصاحبه و خاطره خانم اوریانا فالاجی از ملاقات و دیدار با حضرت امام توجه کنید:

من از مقام و عظمت و تحمل و بردباری شکوهمند امام خمینی شدیداً تحت تأثیر قرار گرفتم این اولین بار بود که من عطیه روحانی و موهبت الهی را احساس نمودم.^۲

ژنرال ساهینکایا رئیس وقت ستاد نیروی هوایی آمریکا (در سال ۱۳۶۴) می‌گوید:

تأثیر انقلاب ایران سبب شده است که دولت‌های کشورهای عربی، دائماً و به‌طور پیوسته اوضاع سیاسی داخلی خود را زیر نظر داشته باشند ... وی گفت: مصر تنها کشور عربی است که اوضاع داخلی آن مشابه اوضاع ایران است و مصر مهم‌ترین کشوری است که پس از ایران دچار یک انقلاب اسلامی خواهد گردید.^۳

از محتوای سخنان "ژنرال ساهینکایا" رئیس وقت ستاد نیروی هوایی آمریکا در سال ۱۳۶۴ چنین برمی‌آید که در مصر و سایر دولت‌های کشورهای عربی پیوسته نسبت به ایران نوعی اضطراب و نگرانی وجود دارد. تحت تأثیر دولت اسلامی ایران است که دولت‌های منطقه باید چهارچشمی مراقب اوضاع کشورشان باشند. اوضاع و شرایط سیاسی را لحظه‌به‌لحظه زیر نظر داشته باشند، از میان کشورهای عربی اوضاع داخلی مصر را مشابه ایران قبل از انقلاب اسلامی می‌داند، حتی صریحاً اعلام می‌کند که در تحلیل سیاسی و تطور تاریخی ایران و مصر باید پذیرفت که مصر مهم‌ترین کشور عربی است که دچار انقلاب اسلامی خواهد شد.

بی‌تردید آمریکا این برداشت‌ها، مقایسه‌ها و نتیجه‌گیری‌ها و تلقی‌ها را از اوضاع ایران و

۱. ماهنامه شاهد / آذر ماه / ۱۳۶۹ / ص ۲۵

۲. روزنامه جمهوری اسلامی / یکشنبه / ۱۳۵۸ / ۷ / ۲۹

۳. ماهنامه شاهد / شماره / ۱۱۵۷ / ۱ / ۳ / ۱۳۶۷ / ص ۴۴

مصر در درجه اول به اطلاع سران کشورها می‌رساند، اگر سیاستمداران رده اول مستقیماً اوضاع کشورها را زیر نظر نگیرند قطعاً کارآمدترین نیروها و مغزهای سیاسی و کارشناسان ارشد سیاست - امنیتی، فرهنگی، اجتماعی خود را مأمور مواظبت از این کشورها می‌کنند که مبادا تجربه ایران برایشان تکرار شود. در مورد مصر هم اهمیت بسیار بالاست؛ زیرا مصر و عربستان و سوریه، جز کشورهای عربی هستند که هر یک می‌توانند سایر کشورهای کوچک‌تر را بسیج و با خویش همراه کنند در ضمن مردم مصر تجربه انقلاب و حرکت‌های مردمی را نیز پشت سر دارند. قبل از استشهاد به سخنان "ژنرال ساهینکایا" تذکر این نکته مهم است که امروز معادله و تلقی ایشان یعنی از حدود ۱۵ سال قبل بسیار تغییر کرده است. حداقل اینکه نمی‌توان معتقد بود که مصر تنها کشور عربی است که اوضاع مشابه ایران دارد. البته به آقای ساهینکایا نیز باید اندکی قوت قلب داد که روی این بررسی‌ها و استنباط‌ها هم چندان نمی‌توان حساب کرد.

زیرا در ابتدای مقاله تقریباً به تفصیل شواهدی را آوردیم که ایران اصلاً در شرایط انقلاب قرار نداشت تا آنجا که حتی دولتمردان آمریکا هم تصور نمی‌کردند قضایای ایران تا اینجا بکشد، اگر در یاد داشته باشید، پس از ایران شرایط مناسب برای پذیرش انقلاب اسلامی بیش از همه در عراق مهیا بود که استکبار جهانی توسط مهره حلقه‌به‌گوشش صدام هم‌زمان دو کارکرد که تقریباً روند انقلاب اسلامی را در عراق تا حدی کند کرد، البته به نه بهایی اندک که به قیمت نابودی خود و کشور عراق. آن دو حرکت یکی به شهادت رساندن آیت‌الله شهید صدر و جلوگیری از شیوع و گسترش افکار انقلابی اسلامی همفکران و پیروان ایشان و تبعید و اخراج جریان صدر در عراق و دیگر حمله نظامی به ایران. نمی‌توان مدعی بود که حتی با این دو ترفند توانسته است زمینه‌های انقلاب اسلامی را در عراق بخشکاند. نکته اطمینان‌بخش دیگر برای آقای ساهینکایا اینکه چرا عربستان که از جهتی کانون اسلام و مرکز و مهبط وحی و نزول قرآن و سرزمین رسول‌الله است با ایران مقایسه نمی‌شود. عربستانی که آن‌هم برای جلوگیری از نفوذ اسلام از نوع امام خمینی شدیداً ممانعت کرده است! این تفاوت‌های بسیار فاحش خود دلیلی است بر غیر یقینی بودن ادعای کارشناسان ارشد و سیاستمداران کهنه‌کار آمریکا.

این تعبیر اگرچه از دیدگاه آن‌ها درست است زیرا امام به‌واقع برای آن‌ها خطرناک بود،

زیرا تمام کیان و حیثیت و وجودشان را زیر سؤال برد، حتی بر آن‌ها خط بطلان کشید. امام در طی سال‌های نهضت و پس از پیروزی انقلاب دقیقاً چهره و نقش مرموز انگلیس را افشا کرده است. پیرامون نیرنگ‌ها، رنگ‌ها و رابطه استعماری آن‌ها نکاتی را به ملت یاد داده است که شاید ده سال دیگر هم نتوانند از ذهن و خاطر و یاد مردم، آن‌ها را بزدایند. تعبیر "روبه پیر استعمار برای انگلیس" بسیار عمیق، حساب‌شده و پیام‌دار است. اگر این برکات را در هدایت‌ها و درس‌های روشنگرانه امام در نظر بگیریم، سخنانی که درباره شناخت چهره واقعی و پلید آن‌ها بسیار کارساز بوده است، به‌واقع باید بپذیریم امام فرد خطرناکی برای آن‌ها بوده است. البته این تعبیر و ترکیب خارج از مصادیقی که آن‌ها در نظر دارند، تعبیر غلطی است و در قاموس واژگان و ترکیب‌های زبان فارسی نمی‌گنجد، زیرا عارف خطرناک نمی‌شود. همواره عارفان منشأ تفکر، اندیشه، شناخت، معرفت بوده‌اند. البته نکته ظریف دیگر این است که نوع نگرش و مشی عرفانی امام برای آن‌ها بسیار پیچیده یا حداقل ناشناخته بود.

تلقی آن‌ها مثل بسیاری از دیگران از عرفان و عارف وجود ساده‌لوحی، ظاهرینی، پوسته‌نگری و ... است. شاید همان عرفان محرفی که به عرفان منفی معروف است مقبول آن‌هاست. عرفان گوشه‌گیری، عزلت‌گزینی، دوری از مردم، خلوت‌نشینی در خانقاه، به بسیاری از سنن و آداب و رسوم اجتماعی پشت پا زدن، اهل ذکری بودن که به حال‌وروز و درد مردم نخورد، عرفانی که در سیاست دخالت نکند، عارفی که اگر تمام ثروت، حیثیت ذخایر منابع و حتی کیان و ناموس کشورش را به غارت بردند از لاک خویش خارج نشود. اگر شناخت آن‌ها از عرفان از این نوع است که باز باید پذیرفت سخن دقیق و عمیق و تعبیر پرباری را انتخاب کرده‌اند؛ اما از نظر ما عرفان امام خمینی عرفان ناب و واقعی است، عرفان برگرفته از اندیشه‌ها و مشی و مرام حضرت علی - علیه‌السلام - است. عرفان ظلم‌ستیز، عرفان اعتراض؛ عرفان بیداری، عرفان روشنگری، عرفان حقیقت‌گویی است. اصولاً اختلاف اسلام و قرائت امام از اسلام هم در همین امر ریشه دارد، غربی‌ها اسلام ناب آمریکایی را تبلیغ می‌کنند و قبول دارند و امام راحل اسلام ناب محمدی را تبلیغ می‌کند.

در یک هفته‌نامه انگلیسی بنام نشریه "جینز دیفنس؛

نیز تحلیلی عمیق و علمی از شرایط تاریخی انقلاب اسلامی ایران و جنگ افغانستان با روسیه بیان شده است. نخست این‌که نویسنده مقاله یا تحلیل‌گران سیاسی نشریه مذکور

دقیقاً به هم‌زمانی انقلاب اسلامی ایران و جنگ افغانستان توجه خاص داشته است. یادآوری این نکته ضروری است که افغانستان همسایه و هم‌مرز با ایران است، در آن زمان ایران کشوری تحت نفوذ و سیطره آمریکا بود و افغانستان زیر سلطه نیروها و عوامل بلوک شرق و شوروی سابق بود. نویسنده تأثیر انقلاب اسلامی ایران با تأثیر مارکسیسم لنینیسم را پس از پیروزی در جهان مشابه گرفته است. نکته مهم این است که هر دو کشور با اصول و روش‌های خاص که در مبارزه در پیش گرفتند توانستند افسانه شکست‌ناپذیری دو ابرقدرت را در هم بشکنند. بی‌تردید در مقایسه انقلاب اسلامی ایران و مبارزات ملت مظلوم افغانستان با شوروی نیز بر اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی باید تأکید ورزید، از جمله اینکه ایران در عین حال که در مبارزه مستقیم با آمریکا بود و سعی داشت دست‌های پنهان و آشکار و عوامل وابسته و بساط نظام آمریکایی را از ایران برکند، اما نه تنها کوچک‌ترین چشم‌داشتی به کمک یا حمایت شوروی از خود نشان نمی‌داد بلکه امام به‌عنوان رهبر انقلاب در همان دوران مبارزه و انقلاب از مبارزات مردم مظلوم و مسلمان افغانستان حمایت می‌کرد. نکته بسیار دقیقی که در تحلیل نشریه مذکور به چشم می‌خورد این است که گرچه هر دو کشور ایران و افغانستان از هویت مذهبی - اسلامی برخوردار بودند اما هر کدام با قرائتی خاص از اسلام به مبارزه ادامه می‌دادند. مهم این است که بهره‌مندی از کدام هویت اسلامی یا اندیشه سیاسی بوده که جرقه‌های امید را در دل مسلمانان جهان بخصوص در منطقه خاورمیانه و حتی آسیای مرکزی و قسمت‌هایی از قاره آسیای جنوبی شعله‌ور ساخت. اسلامی که در افغانستان مطرح بود یا اسلامی که از اندیشه‌ها و برداشت‌های واقعی از تفکر امام خمینی صادر می‌شد؟

نکته مهم دیگری که برآمده از حرکت انقلابی مسلمانان ایران بود به هم زدن معادلات سیاسی منطقه‌ای بود. اگر پس از مبارزه ایران با آمریکا و افغانستان با شوروی، آمریکا ایران و شوروی افغانستان را از دست‌داده بود و تفاوتی در تلقی و برداشت‌ها و تفسیرها از اسلام وجود نداشت پس نمی‌بایست پس از رها شدن دو کشور در موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی در منطقه تغییری حاصل آید.

او در ضمن از تفاوت فراوان بین واقعیات پیرامون امام و آنچه را که مطبوعات غربی

می‌گویند، تعجب فراوان کرده بود و اظهار داشت:
 واقعیت آن است که ملت ایران به‌راستی خواهان خمینی و رهبری او می‌باشند^۱
 چیزی که به نظر می‌رسد امام به آن توجه دارد این است که: انقلاب ایران بدون توجه به
 اینکه خارجیان چگونه می‌اندیشند به راهش ادامه خواهد داد^۲.
 کسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا:
 من هیچ اثری از میانه‌روها ندیده‌ام ولی معتقدم که احتمال ندارد ایران رهبر دیگری در
 مقیاس با [امام] خمینی داشته باشد^۳.

توضیح

روزگاری که بشریت به‌سوی بی‌دینی حرکت می‌کرد و در رأس سیاست‌های جهانی
 حذف یا تضعیف هویت دینی، بین ملل و اقوام مختلف قرار گرفته بود، در این شرایط باید
 احیای تفکر دینی را در جهان، مهم‌ترین کار امام خمینی دانست.
 اگر قرار باشد تمام اظهارنظرها را پیرامون امام و انقلاب اسلامی یکجا گردآوری و تنظیم
 و تدوین کنیم بدون مبالغه مجموعه‌ای چند صدجلدی خواهیم داشت، شاید مبالغه
 نباشد اگر مدعی شویم در قرن حاضر پیرامون هیچ شخصیت دانشمند، سیاستمدار،
 فیلسوف، اندیشمند، حکیم و عارفی به‌اندازه امام مطلب ننوشته‌اند، خواه مخالفین و خواه
 موافقین آن بزرگ‌مرد.
 آقای "رینان آرون رانگسل" فردی تایلندی و مسیحی که سابقاً عضو پارلمان تایلند بود
 در سه محور یا حوزه زیر، فعالیت‌های حضرت امام را تقسیم‌بندی می‌کند که خلاصه و
 عصاره همه حرف‌ها و نظریاتش احیای تفکر دینی است.

آقای آرون رانگسل چنین می‌گوید:

بزرگ‌ترین کار امام خمینی در سه حوزه فعالیت شکل گرفت:
 ۱ - امام خمینی بر استفاده از حقوق اسلامی به‌عنوان سیاست برتر تأکید کرد و براساس
 آن کشورش را اداره کرد این واقعیت برای آحاد جامعه اسلامی مهم و تعیین‌کننده بود و
 در حقیقت با انقلاب اسلامی، اسلام بنیادین که متروک مانده بود، دوباره در صحنه عمل

۱. روزنامه جمهوری / یکشنبه / ۱۳۵۸/۷/۲۹ / ص ۳

۲. روزنامه جمهوری / یکشنبه / ۱۳۵۸/۷/۲۹ / ص ۳

۳. ماهنامه شاهد / شماره ۱۸۴ / ۱۵/۴/۱۳۶۸

حاضر شد.

۲ - به‌عنوان رهبری که زمام امور امت را در دست دارد، به مسلمانان آموخت که اگر مراقب خود باشند و در مقابل دشمنان اسلام و فضیلت، با سلاح ایمان، مقاومت، عدالت و وحدت به پا خیزند حتماً پیروز خواهند شد.

۳ - استقرار و پیروزی حکومت اسلامی در شرایط جهانی بسیار مهمی اتفاق افتاد. در آن دوران می‌رفت تا با شرایط جهانی و طرح‌های شیطانی بین‌المللی اساس دپانت و خصوصاً اسلام دچار اضمحلال کامل شود. قیام او در چنین شرایطی بزرگ‌ترین کار امام خمینی بود.

همان‌گونه که شناخت ابعاد از شخصیت امام خمینی موجب حیرت و شگفتی در نظر اندیشمندان سایر کشورها شده است از جهاتی هم آنان نمی‌توانند تحلیل و شناخت درستی از انقلاب اسلامی بخصوص برخی از ابعاد دیگر امام داشته باشند. در تاریخ انقلاب‌های معاصر جهان بخصوص سه انقلاب بزرگ و مشهور قرن حاضر، انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب چین، هیچ‌کدام از هدایت‌گران و رهبران، شخصیتی روحانی نداشته‌اند. بیشتر بُعد نظامی و ارتشی آنان می‌چربیده است تا ابعاد روحانی عرفانی و دینی، مثلاً در انقلابی که متأسفانه ضد دین هم بود، (چین و روسیه) و در هیچ نهضتی در جهان معاصر شخصیتی روحانی، هدایت نهضت و انقلابی چنین عظیم را عهده‌دار نبوده است.

اصولاً رهبران سایر انقلاب‌ها پس از پیروزی خود بر اریکه قدرت و تخت و کاخ و قصر و جایگاه سلطنتی یا حکومتی و فرماندهی، دولت‌مردان یا پادشاهان سابق تکیه زده و بهره‌مندی بی‌قیدوشرط از سرمایه و نعمت و مکننت و ثروت و سایر لوازم و عوارض مقام‌های دنیوی را حق قانونی خود می‌دانستند و چه‌بسا در ادامه تسلط خود بساط و تعلقات و قصرها و کاخ‌های جدید و مجلل و شاهانه دیگری بپا کردند؛ اما از این جهت نیز انقلاب و رهبر کبیر و پیامبرگونه‌اش استثنا است.

مهمانان خارجی بسیاری از کشورهای اسلامی و سایر کشورهای چنانچه در دوران حیات امام و چه پس از رحلت ایشان از منزل امام دیدن کرده‌اند؛ اما قبل از دیدار، هرگز در مخیله آن‌ها نمی‌گنجید که شخصیتی و رهبری تا آن حد بزرگ، معروف و جهانی در منزل و اتاقی زندگی کند که از سادگی و کوچکی و بی‌پیرایگی زبانزد خاص و عام باشد. مردی بزرگ که از اتاقی ۳×۴ متر فرماندهی کل نیروهای مسلح کشوری را

عهد‌دار باشد که حدود ۸ سال در یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های روزگار ما، به تعبیری در برابر تمام ابرقدرت‌ها و حکومت‌های منطقه مقاومت کند. مردی که محل ملاقات‌های عمومی‌اش حسینیه‌ای باشد که هنوز هم بوی سادگی و صفا و بی‌ریایی‌اش کام‌جان سرمستان کوثر معرفت را عبیر آگین می‌سازد.

مردی که پیروزی انقلاب و قبول رهبری ایران و جهان اسلام، سرسوزنی در زندگی‌اش به جهت کسب تعلقات دنیوی اضافه نکرد. می‌دانیم که امام بارها می‌فرمودند؛ که هنوز دنیا به عظمت انقلاب شما پی نبرده است و اصولاً آن‌ها که در دنیا و ظواهر و نمونه‌ای آن غرق‌اند، عاجز از درک روح و اهداف بلند انقلاب اسلامی خواهند بود، قسمت‌هایی از سخنان آقای بنائت را مرور می‌کنیم:

هویت اسلامی و قدرت سیاسی خود در جامعه کثرت‌گرایی همانند جامعه خود ما می‌باشند.^۱

توضیح

در نفوذ معنوی و جاذبه الهی امام در ایران و سراسر جهان تردید نداریم، بهتر است اعتراف‌ها و اقرارهای افرادی را نقد و بررسی کنیم که ایران را از نزدیک می‌شناختند، کسانی که در صف مخالفان و حتی دشمنان سرسخت انقلاب اسلامی ایستاده‌اند. کسانی که قبل از انقلاب اسلامی در این کشور صاحب نفوذ بودند. مأموران آمریکایی که فرماندهان نظامی ایران در دوران طاغوت اگر مستقیماً از آن‌ها دستور نمی‌گرفتند، حداقل زیر نفوذ آن‌ها که بودند.

اینک به سخنان کوتاه ولی عمیق هنری پرشت بیندیشیم:

آیت‌الله خمینی از مردان بزرگ تاریخ در این قرن است و کمتر کسی را امروز می‌توان یافت که از جاذبه و نفوذی همانند آنچه او نه‌تنها در ایران بلکه در جهان داشت، برخوردار باشد و توجه قدرت‌های بزرگ را تا این حد به خود معطوف دارد.^۲

توضیح

ساده‌انگاری است اگر منکر شویم که کاردار سیاسی - نظامی سفارت آمریکا حدود ۸ سال از "۱۹۸۰ - ۱۹۷۲" در ایران باشد ولی به‌عنوان فردی بی‌خاصیت یا عادی در

۱. روزنامه جمهوری اسلامی/دوشنبه/۱۳۶۹/۶/۵

۲. مجله اطلاعات هفتگی شماره ۲۴۴۰

مأموریت بسر ببرد؟ باید قبول کرد که آقای "هنری پرشت" یا در مصدر قدرت در حیطه وظایف و مأموریت خود بوده است یا در کانون تصمیم‌گیرندگان آمریکا در ایران، بی‌تردید این فرد در ارتش و نیروهای مسلح ایران دخیل و صاحب نفوذ بوده است، استناد ما به سخنان ایشان پیرامون جاذبه و شأن و جایگاه امام خمینی در این قرن از جهتی است که ایران و مسائل آن را از نزدیک دیده و شاهد صحنه‌های انقلاب و مطلع از جریان‌های پشت پرده مملکت ما بوده است.

نکته دیگری که باید روی آن تأکید ورزید این است که وی جز مغضوبین انقلاب اسلامی است. انتظار این است که به کتمان حقایق یا تحریف و تغییر اطلاعات و اخباری پردازد که علیه منافع آمریکا باشد. از جمله عدم تعریف از امام خمینی و حتی تبلیغ در جهت منفی و جلوگیری از معرفی چهره واقعی و معنوی حضرتشان باشد.

در میان نویسندگان و روزنامه‌نگاران معروف آمریکا به افرادی برمی‌خوریم که صادقانه انقلاب اسلامی را تأیید می‌کنند و حتی برای پیروزی آن آرزوی توفیق می‌کنند، درعین حال امیدوارند که برای کشورهای دیگر تحت حاکمیت سرمایه‌داری استعمارگرانه و غرب‌گرایانه، الگویی برای رهایی باشد، این سخنان که از وجدان و ضمیر بیدار افرادی خبر می‌دهد بی‌تردید از چشمه صداقت جوشیده است زیرا نه از سر تطمیع و نه از موضع تهدید گفته شده‌اند.

به متن سخنان ویلیام ورثی که بوی صداقت می‌دهد توجه کنید:

انقلاب ایران از صداقت و شرافت موج می‌زند؛ زیرا که صدای از وجدان برخاسته و اوج‌گیر امام خمینی است. من امیدوارم این انقلاب همچون الگویی آزادی‌بخش در کشورهای دیگری که تحت حاکمیت سرمایه‌داری استعمار گونه و غرب‌گرایانه رژیم‌هایی مانند رژیم شاه بسر می‌برند، ایفای نقش بکند.^۱

یکی از ویژگی‌های دیگر انقلاب اسلامی از منظر و دید و نقد و نظر مفسرین خبری و اندیشمندان، پرداختن به ابعاد شخصیتی امام خمینی است. اگرچه متأسفانه در مواردی صفات و تعاریفی غیرواقعی و کینه‌آلود را به آن عزیز سفرکرده، نسبت داده‌اند؛ اما آنجا که آفتاب حقیقت روشن می‌شود دیگر نمی‌توانند تمامت وجدان خویش را زیر پا بگذارند و مزورانه و مزدورانه مطلب بنویسند. گویا یکی از مفسران خبرگزاری

آسوشیتدپرس برای لحظه‌ای بر سر عقل آمده و تعاریفی واقعی و صحیح پیرامون امام بدست داده است،

آسوشیتدپرس

۱ - آیت‌الله خمینی جهان را تکان داد.

۲ - آیت‌الله خمینی راهنمای مطلق ایران (در انقلاب اسلامی) بشمار می‌رفت.

۳ - آیت‌الله خمینی فردی با چهره‌ای مصمم و پولادین بود.

۴ - آیت‌الله خمینی در برخورد با مخالفین به گونه‌ای رفتار می‌کرد که گویا آن‌ها در مقابل اسلام فاقد قدرت هستند.

۵ - آیت‌الله خمینی هرگز سازش نکرد.

۶ - در چهره او (آیت‌الله خمینی) هیچ نشانی از تردید و آشفتگی درونی دیده نمی‌شود

۷ - در تمامی دوران ملت‌هت انقلاب ایران، پیام او (امام خمینی) ساده باقی ماند که "شاه باید برود".

۸ - هیچ‌کدام از پیشنهاد‌های متعدد سازش در این زمینه به جایی نرسید^۱.

آیا وجود و بیان این صفات هشتگانه از جانب رسانه‌های استکباری از عمق یک واقعیت

خبر نمی‌دهد و آن نفوذ معنوی امام خمینی حتی در آن سوی عالم است؟

نکته درس‌آموز دیگر در سخنان آقای ترنر اینک، از عجز و ناتوانی سران استکبار و

هدایت عوامل سرسپرده خود در ایران خبر می‌دهد. تعجب ایشان در این است که

چگونه شاه باوجود ارتشی بسیار نیرومند، قوی و مجهز که ژاندارمی منطقه را به عهده

داشت و نیز سازمان نیرومندی چون ساواک حتی پس از ائتلاف نیروهای انقلابی علیه

نظام پهلوی و حکومت طاغوت در تثبیت قدرت خود ناتوان مانده بود. این نکته را یادآور

شویم که این اقرار فردی است که انقلاب ما را دقیقاً زیر نظر داشته است و در رأس

سازمانی بوده است که معتقدند قوی‌ترین، کارآمدترین شبکه اطلاعاتی - امنیتی جهان

است. جریان انقلاب ایران و عقب‌نشینی رژیم پهلوی اولین تجربه آزادیخواهی آن‌ها

نبوده است. شاید اعجاب آقای ترنر از آنجا ناشی شده است که ایران در آن روز جز

باثبات‌ترین کشورها و پایگاه‌های آمریکا در منطقه بود، مگر نه اینکه آمریکا آن‌قدر که

روی ایران برای کنترل منطقه حساب باز کرده بود هرگز روی کویت، عربستان، عراق و ...

سایر کشورها حساب نمی‌کرد. حتی عراق را که وابستگی نظامی به شوروی داشت توسط ایران تهدید می‌کرد. حمایت‌های سنگین و فروش تجهیزات پیشرفته نظامی به ایران غیر از هدف غارت ثروت و نفت ایران بالاخره در راستای اهداف و در جهت محافظت از منافع آمریکا هم بود، وگرنه آیا آمریکا امروز حاضر است سلاح‌ها و تجهیزات نظامی کامپیوترهای بسیار پیشرفته را به ایران حتی با چند برابر قیمت واقعی بفروشد؟ آقای ترنر وقتی انقلاب پیروز شده بود و به تعبیر و تلقی آن‌ها ایران ازدست‌رفته بود تازه بهوش آمده است و مدعی بوده که فرض‌های معقولی را در نظر داشته‌اند که شاه در اثر اجرای آن‌ها می‌توانست قدرت خود را بر ارتش تثبیت کند. البته این سخن آقای ترنر بیشتر به یک ادعای بی‌پشتوانه و خالی می‌ماند تا حقیقت قابل‌اطمینان، بهتر است بگوییم فی‌الواقع آنچه آقای ترنر در نظر داشته در حد یک فرضیه، حرف قابل‌قبول است نه برنامه عملی امیدبخش و کارآمد در راستای اهداف آن‌ها، یا فرض‌هایی که بتوان با اجرای آن‌ها انقلاب را مهار کرد. اینک جای سؤال باقی است که چرا آقای ترنر یا کارتر یا دیگران برنامه‌هایشان را اجرا نکردند تا آتش انقلاب اسلامی را خاموش کنند.

چرا در برابر آن پیرمرد به تعبیر شبکه بی‌بی‌سی خطرناک، یعنی حضرت امام حتی فکرشان از کارافتاده بود آن‌ها برای جلوگیری از نهضت‌ها و انقلاب‌ها نه در ایران که در طول تاریخ آمریکا، در سراسر جهان، از هر ترور، توطئه، تهاجم، اشغال نظامی و تجاوزی هم کوتاهی نکرده و نمی‌کنند. پس چه شد که در مورد ایران تا به خود آمدند همه چیز تمام شد. راستی آمریکا قدرت نداشت به ایران حمله کند، آمریکایی که حداقل چهل هزار مستشار نظامی و غیرنظامی در ایران داشت، نمی‌توانست از ورود و بازگشت امام به ایران جلوگیری کند. قدرت نداشت به فرانسه بقبولاند که نباید به امام اجازه پرواز از پاریس به تهران بدهد. چه شد که شاهی که در دوران انقلاب در اوج قدرت نظامی بود ناگهان قدرت کنترل خود فرماندهانش را در حد حفظ پادگان‌های تهران حتی پادگان و گارد شاهنشاهی و نیروهای ویژه از دست داد. چه شد که نیروهای مخصوص گارد هم از پیری که حتی او را در عمرشان ندیده بودند، فرمان می‌بردند تا از فرماندهان نظامی پادگان؟ چه قدرتی مانع بود که وقتی مردم در تظاهرات عظیم میلیونی خیابان‌ها در برابر نیروهای مخصوص ضد شورش آن روز شاه، شعار مرگ بر شاه سر می‌دادند، نیروهای ارتش، به مردم شلیک نمی‌کردند. حتی شاه باوجود کشتار ۱۷ شهریور و ایجاد جمعه خونین میدان ژاله، بازهم کاری از پیش نبرد. البته لازم است

مواردی را ما به آقای ترنر تذکر دهیم که از اطلاعات غلط یا ضعف اخبار و شناخت آن‌ها از ایران برمی‌آید. نخست اینکه سازمان امنیتی ایران (ساواک) آن قدر هم که به مردم قبولانده و تبلیغ کرده بودند قوی نبود. دیگر اینکه شیوه تحلیل‌ها و اصول تلقی‌های شما در مورد ایران می‌بایست واجد شرایط فرهنگی سیاسی و بافت فکری روحی و اجتماعی ایران می‌بود که قطعاً چنین نبوده است و گرنه تمام محاسبات شما و سازمان عریض و طویل سیا و ساواک نباید غلط از آب درمی‌آمد.

"اندیشمندان غربی از آن رو نمی‌توانند تحلیل و شناخت درستی از انقلاب اسلامی داشته باشند که از ویژگی‌های عمده آن غافل‌اند؛ و رمز استمرار این انقلاب را باید در علت پیروزی آن جستجو کرد. مهم‌ترین پیروزی انقلاب اسلامی، هدفی است که دلیل وجودی آن را توجیه می‌کند و آن چیزی نیست به جز تلاش برای معرفت الهی. امام خمینی نیز همچون پیامبران الهی در صدد بود که با استقرار جامعه‌های اسلامی، زمینه شناخت بیشتر خداوند را برای مردم فراهم آورد.

همچنان که امام بارها سند جهاد اکبر و تهذیب نفس را مطرح کرده باید کوشش شود تا با تهذیب نفس و تحقق انقلابی درونی، زمینه استمرار حیات جامعه‌ای مذهبی را فراهم‌سازیم."

اگر عبارت و کلام بلند مولای متقیان علی (علیه‌السلام) "تعرف الاشیا باضدادها" را در سیاست هم قابل تسری بدانیم در آن صورت باید پذیرفت که در مواردی از زبان مخالفین ایران، عبارت‌هایی به زبان جاری شده است که می‌توان به دفتر عظمت، اصالت، شکوه و شناخت امام و انقلاب اسلامی اوراقی را افزود. بی‌تردید اقرار و اعتراف آقای ترنر رئیس سابق سازمان سیا پیرامون انقلاب اسلامی و ضعف عملکردی سازمان سیا در رابطه با ایران، یکی از اعتراف‌های تاریخی استکبار جهانی به حساب می‌آید. اهمیت این سخنان از آنجاست که از جانب یک آمریکایی آزاداندیش که هوادار انقلاب اسلامی باشد یا حتی سیاه‌پوست مستضعفی نیست که در ظلم و استثمار با گذشته تاریخی ایرانیان بخصوص قبل از انقلاب اسلامی وجه مشترک درد مشترک و سرنوشتی مشترک داشته است، بلکه از زبان رئیس سازمان سیا به‌عنوان سازمانی است که حیات تشکیلات امنیتی و اطلاعاتی ایران را قبل از انقلاب در دست داشت و جریان انقلاب اسلامی و امام خمینی را از بدو حیات لحظه‌به‌لحظه پیگیری می‌کرده است. بهتر است قبل از تحلیل سخنان آقای ترنر عین عبارت ایشان را که در مصاحبه با روزنامه سیاست کویت در

تاریخ شانزدهم دسامبر سال ۱۹۸۱ میلادی انجام گرفته است بیاوریم.

آقای ترنر می‌گوید: "سازمان سیا در دو مسئله شکست خورد: "اول اینکه ما انتظار نداشتیم و باور نمی‌کردیم که همه سازمان‌های مخالف شاه با همه عقاید گوناگون تحت رهبری یک رهبر هفتادونه‌ساله تبعیدی متشکل بشود. دوم اینکه توقع نداشتیم بعد از اینکه ائتلاف مزبور قوی باشد، شاه با وجود ارتش قوی و سازمان امنیتی نیرومند (ساواک) در تثبیت قدرت خود ناتوان باشد. من نمی‌گویم که بر شاه لازم بود که شورش را با قدرت نظامی بخواباند، ولی با صراحت می‌گویم که فرض‌های معقولی در نظرمان بود که شاه حتماً قدرت خود را بر ارتش تثبیت خواهد کرد و توقع نداشتیم، انقلاب به این صورت پیروز شود."

آنچه از سخنان بسیار عمیق آقای ترنر می‌توان استخراج و اندکی بازشکافت اینک، آمریکا هم با تمام محاسبات و عوامل و امکانات و نیروها و قدرت نظامی و توان بالای سازمان سیا در برابر حرکت توفنده، سریع و خارق‌العاده ملت و هدایت سکان‌دار دریاشناس کشتی انقلاب اسلامی، غافل‌گیر شده است.

زیرابه بیان آقای ترنر آن‌ها نه تنها انتظار پیروزی نهضت اسلامی را نداشته‌اند که حتی در باورشان هم نمی‌گنجیده است که مردی تبعیدی که سال‌ها دور از ایران بوده، رهبری که بسیاری از افراد قبل از انقلاب حتی بانام ایشان آشنا نبودند، رهبری که باوجود جو شدیداً خفقان‌آور و پلیسی ایران قبل از انقلاب حتی ذکر نامش جرم سیاسی تلقی می‌شد، رساله علمیه امام جز کتاب‌های ممنوعه محسوب می‌شد. کافی بود فقط یک اطلاعیه از بیانیه‌های آن فرید دوران و فریادگر بزرگ قرن حاضر را از کسی بگیرند و سال‌ها بدون محاکمه در گوشه زندان عمر سپری کند. راستی چگونه تحلیل‌گران و سیاست‌مداران آمریکا، بخصوص مسئولین و کارشناسان ارشد سازمان اطلاعاتی - امنیتی و جاسوسی آمریکا (سیا) و حتی سازمان اطلاعات و امنیت آن روز ایران (ساواک) می‌توانستند بپذیرند که اگر شاه هم نتواند در برابر اعتراض‌ها و شورش‌های ملت ایران مقاومت کند، امام خمینی بتواند در سن هفتادونه‌سالگی تمام طیف‌ها، گروه‌ها، جناح‌ها، تفکرات و گرایش‌های سیاسی داخلی را تحت یک رهبری واحد درآورد. کشوری که آمریکا می‌دانست از عوامل کمونیسم خالی نبود و از فعالیت‌های مبارزاتی عوامل شرق در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب آگاه بود، کشوری که با ابرقدرت شرق کیلومترها مرز مشترک داشت. غیر از دو جناح آشکار مسلمانان و غیرمسلمانان در

گروه‌های سیاسی حتی بین مسلمانان نیز طیف‌های مختلفی با تفاوت فرکانس و اختلاف استنباط و تلقی از اسلام و شیوه‌های مبارزه و بینش سیاسی نیز به حدی بود که به‌سادگی جمع‌کردنی نبود. چه‌بسا برای آقای ترنر و حتی جانشینان بعدی ایشان و همکارانشان هنوز هم جای سؤال باقی باشد که رمز وحدت بلامنازع در رهبری امام چه بوده است؟ در مواردی حتی برای اندیشمندان داخلی هم به‌طور قطع و یقین با تحلیل‌های آماری و دنیوی آن رمز باز نشده مانده است.

اندیشمندان غربی و شرقی مسلمان

دکتر «فرانسیسکو اسکودرو بداته»، رئیس فدراسیون جوامع اسلامی اسپانیا، می‌گوید: «چهره حیات‌بخش امام خمینی در جهان اسلام امری غیرقابل‌اغماض می‌باشد و ایشان یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های قرن حاضر محسوب می‌شوند. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی سبب بروز تحولات و دگرگونی‌های عظیم در جهان اسلام شد و وی چهره جدیدی از اسلام را ارائه کرد. انقلاب ایران درس مبارزه علیه بی‌عدالتی و مقابله با حکومت‌های دیکتاتوری و غیرانسانی را آموخت. امام خمینی با اتکای به سلاح ایمان به خداوند یکتا در مبارزه با رژیم پر قدرت شاه در ایران، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند و زندگی ایشان الگوی مناسبی برای همه مسلمانان است.

«ریاح تاتاری» رئیس جامعه مسلمانان اسپانیا؛

امام خمینی را عامل بیداری مسلمانان می‌داند و با تجلیل از شخصیت حضرت امام خمینی، از ایشان به‌عنوان عامل بیداری مسلمانان در جهان اسلام یاد کرده و می‌گوید: امام خمینی که شخصیتی ممتاز و برجسته در جهان اسلام شناخته می‌شود، موفق شد یک انقلاب مهم اسلامی را در ایران به پیروزی برساند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یک حرکت بسیار مهم و بااهمیت برای جهان اسلام به حساب می‌آید و سبب افتخار مسلمانان است.

قسمتی از سخنان هشدارآمیز دادستان امنیتی کشور مصر؛

که حدود یک دهه پس از گذشت انقلاب اسلامی بیان شده است، معطوف می‌دارد. این سخنان برگرفته از متن کیفرخواست دادستان حاکم بر مصر است که در آخرین جلسه محاکمه گروهی از انقلابیون مسلمان مصری ایراد کرده است. اگرچه قسمت‌هایی از کیفرخواست است، اما نکات بسیار مهمی در آن آمده است از آن جمله: بنیادگرایان اسلامی و اعضای سازمان الجهاد از خط‌مشی آیت‌الله خمینی به‌عنوان اساس فکری و

عقیدتی برای خود پیروی و تبعیت می‌کنند، علاوه بر آن تصمیم قاطع پیروان آیت‌الله خمینی برای سرنگونی رژیم حسنی مبارک در مصر مهم‌ترین محورهای سخن اوست. اینک متن کیفرخواست مذکور:

"بنیادگرایان مسلمان مصری، از پیروان آیت‌الله خمینی بوده و قاطعانه تلاش می‌کنند یک حکومت اسلامی در مصر برقرار کنند."^۱

به نوشته مطبوعات کویت، دادستان منطقه جیزه قاهره در کیفرخواست خود که در آخرین جلسه محاکمه گروهی از انقلابیون مسلمان مصری ایراد کرد و گفت: "بنیادگرایان اسلامی و اعضای سازمان الجهاد از خط‌مشی آیت‌الله خمینی به‌عنوان اساس فکری و عقیدتی برای خود پیروی و تبعیت می‌کنند."^۲

دادستان رژیم حاکم بر مصر افزود: "پیروان آیت‌الله خمینی در مصر قاطعانه مصمم هستند رژیم حسنی مبارک را سرنگون و به‌جای آن یک حکومت اسلامی برقرار کنند." این مقام مصری گفت: "بنیادگرایان اسلامی، رهبری تمامی تظاهرات و اعتراضات ضد دولتی مردم در مساجد و دانشجویان را به عهده داشته و کوشش دارند موج اسلام‌گرایی را در سرتاسر مناطق مصر گسترش دهند."^۳

«افندی اسمائیچ» اهل ساریوو می‌گوید:

امام خمینی مسلمانان جهان را به هویت اصلی‌شان بازگرداند. انقلاب اسلامی ایران در زمانی به رهبری امام خمینی^(ع) شکل گرفت که مسلمانان در اقصی نقاط دنیا، با غفلت، از اسلام فاصله گرفته بودند و این انقلاب آنان را بیدار کرد. آنچه امام خمینی^(ع) در ایران انجام داد، در قرن فعلی بی‌نظیر بود و این کار بزرگ می‌تواند پیام و سرمشقی برای کسانی باشد که خواستار دین اسلام هستند.

«ردبیک قازی نیسان بای اولی» قزاقستانی می‌گوید:

امام خمینی به همه جهانیان تعلق داشت ایشان نه به ایران و دنیای اسلام، بلکه به کلیه جهان تعلق داشت. من آثاری از امام خمینی^(ع) را مطالعه و آن را بسیار بالا ارزیابی کرده‌ام. دنیا به نیک از وی یادکرده و خواهد کرد؛ زیرا او را نه‌تنها دنیای اسلام، بلکه

۱. ماهنامه شاهد/ شماره ۱۱۵۷/ ۳/ ۱۳۶۷/ ص ۴۴

۲ همان

۳ همان

تمام جهان می‌شناسند. من نیز به‌عنوان یک انسان و روحانی دینی برای او ارزش و احترام فوق‌العاده قائلم. مؤمنان مانند قطعات یک ساختمان هستند که همدیگر را نگه می‌دارند و امام خمینی یک چهره برجسته سیاسی مذهبی تاریخ بود که برای وحدت مسلمانان بسیار کوشید. دنیا امام خمینی^(۵) را می‌شناسند و پیام وی به گورباچف که فرمود کمونیست را باید در موزه دید، همچنان در گوش‌ها طنین‌انداز است. او مبارزه با دین را شکست‌خورده دانست و اکنون نظاره‌گر عمق پیام او هستیم.

احمد هوبر اندیشمند و روزنامه‌نگار مسلمان سوئیس در تشریح تأثیرات عظیم انقلاب اسلامی می‌گوید:

امروز در اروپا احساس می‌شود سقوط دیوار برلین با انقلاب و قیامی که شما آغاز کردید مرتبط است. تأثیرات این قیام اسلامی امروز در اروپا محسوس است. در اروپا حدود ۱۲ تا ۱۵ میلیون مسلمان زندگی می‌کنند که صد هزار نفر آن‌ها در سوئیس هستند. وی می‌افزاید: «امام خمینی^(۶) نه تنها مسلمانان را بیدار کردند، بلکه بر جهان غیر اسلام هم از خود تأثیراتی بر جای نهادند».

هوبر در جایی دیگر می‌گوید: «بدانید آن مرد سالخورده که رهبر شما بود، هرگز نمرده است؛ بلکه هنوز زنده است و فعال. چراکه همه این تحولات به دست ایشان ایجاد شده است.» وی که دانشمندی آلمانی و قائم‌مقام دانشکده فنی دانشگاه «برمن» آلمان است، معتقد است که «امام خمینی^(۷) بیدارگر همه موحدان در عصر ما است. احیای دین و معنویت در روزگاری که سیطره مادیت و ابزار مادی و اندیشه‌های ضد معنوی جامعه بشری را در چنبره خود گرفته بود. مدیون امام خمینی^(۸) و یاران انقلاب اسلامی است.» محمد لنسل رئیس مرکز فرهنگی تجدید حیات اسلام در اتریش است که در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر نهضت امام خمینی^(۹) بر اروپا می‌نویسد:

«بی‌تردید انقلاب اسلامی امام خمینی^(۱۰) نه تنها تصویر تازه‌ای از اسلام در اروپا ارائه کرد، بلکه حتی زندگی مذهبی غیرمسلمانان را هم دگرگون ساخت؛ به عبارت دیگر امروز حتی در اروپا نیز مذهبی بودن ارزش و معنای تازه‌ای یافته است. این عبارت را رئیس‌جمهور اسبق اتریش در یک سخنرانی بیان کرد که انقلاب اسلامی به‌تمامی افراد مذهبی اعتبار و اتکاء به نفس تازه‌ای ارزانی داشت.»

- غیاث‌الدین صدیقی متفکر آزاداندیش انگلیسی و عضو پارلمان مسلمانان انگلیس: شخصیت امام^(۶) تأثیر عمیقی بر دنیای جدید به‌خصوص بر امت اسلامی داشته است. مدت‌ها بود که ما رهبری نداشتیم که آنچه را می‌گفت تأثیر داشته باشد. طلال عتریسی استاد دانشگاه لبنان است که با تأکید بر پیوند اساسی تحولات جاری در زمینه رویکرد معنوی بشر با قیام الهی حضرت امام خمینی^(۶) تصریح می‌کند: «رهبری امام خمینی^(۶) و پیروزی انقلاب اسلامی، اساس حرکت و تمدن جهانی کنونی می‌باشد.»

پرفسور اسماعیل کیلیس فیلسوف برجسته اسپانیایی‌زبان‌ها است که با اشاره به حیات مجدد دین در صحنه زندگی بشر در وصف جایگاه حضرت امام خمینی^(۶) می‌گوید: «دین زنده شده است، کلیساها جان تازه گرفته‌اند، توجه به مذهب و اندیشه‌های مذهبی در دانشگاه‌ها دیگر زشت و کم‌بها تلقی نمی‌شود. زیبایی‌های معنوی در زندگی روزمره مورد بازبایی قرار گرفته است، جهان برای نجات و زیبا کردن روابط اجتماعی‌اش به قدرت دین و جاذبه‌های معنوی گرایش شدید پیدا کرده است و این‌همه ناشی از دعوت نوینی بوده که امام خمینی^(۶) با انقلاب دینی‌اش در عرصه افکار و ذهنیت جامعه جهانی آغاز کرد.»

معتقد است که انقلاب اسلامی، علاوه بر این‌که دگرگونی‌های متعددی در داخل ایران به وجود آورد، در سطح بین‌المللی نیز در جهت احیای تفکر دینی تأثیر گذاشت. وی می‌گوید: امام عزیز ما، جهان لامذهبی و دنیاگرایی را متلاشی ساخت و هم‌اکنون برخلاف سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نه‌تنها مسلمانان بنیادگر، بلکه مسیحیان بنیادگر و بنیادگرایان سایر ادیان در جهان فراوان شده‌اند و هرروز در عرصه مطبوعات و رسانه‌های جمعی مطرح هستند. امام‌جمعه واشنگتن:

امام عزیز ما، جهان لامذهبی و دنیاگرایی را متلاشی ساخت و هم‌اکنون برخلاف سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نه‌تنها مسلمانان بنیادگر بلکه مسیحیان بنیادگر و بنیادگرایان سایر ادیان در جهان فراوان شده‌اند و هرروز در عرصه مطبوعات و رسانه‌های جمعی مطرح هستند

محمدالعاصی، امام‌جمعه مسجد واشنگتن معتقد است که انقلاب اسلامی، علاوه بر این‌که دگرگونی‌های متعددی در داخل ایران به وجود آورد، در سطح بین‌المللی نیز در

جهت احیای تفکر دینی تأثیر گذاشت. وی می‌گوید: امام عزیز ما، جهان لامذهبی و دنیاگرایی را متلاشی ساخت و هم‌اکنون برخلاف سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نه تنها مسلمانان بنیادگر، بلکه مسیحیان بنیادگر و بنیادگرایان سایر ادیان در جهان فراوان شده‌اند و هرروز در عرصه مطبوعات و رسانه‌های جمعی مطرح هستند. رهبر معنوی جهاد اسلامی فلسطین: مهم‌ترین اثر فرهنگی این انقلاب بیداری مسلمانان در بسیاری از کشورهای دنیا است، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام راحل (قدس سرّه) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدّ ظلّه العالی) امید از بین رفته را در دل مسلمانان احیا کرد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دیگر، مسلمانان جهان یتیم نیستند. شیخ عبدالعزیز عوده، رهبر معنوی جهاد اسلامی فلسطین؛

بر این باور است که مهم‌ترین اثر فرهنگی این انقلاب بیداری مسلمانان در بسیاری از کشورهای دنیا است. وی با تأکید بر این که انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل (قدس سرّه)، روحیه ایمان را در دل‌های جوانان رسوخ داد و با تعالیم حیات‌بخش اسلام آشنا کرده است، چنین می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام راحل (قدس سرّه) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدّ ظلّه العالی)، امید از بین رفته را در دل مسلمانان احیا کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دیگر، مسلمانان جهان یتیم نیستند. نیروی عظیمی پدیدار شد و از آن‌ها حمایت کرد و پیوسته پشتیبان و حامی حقیقی آن‌ها بود. انقلاب اسلامی ایران این امید را در دل‌ها زنده ساخت که مسلمین می‌توانند بار دیگر پیروز شوند و عظمت و مجد دیرینه خود را بازیابند و دشمنان‌شان را شکست دهند.»

آقای احمد ورسی سردبیر مجله مسلم نیوز لندن، با تأکید بر جهان شمول بودن اهداف انقلاب اسلامی می‌گوید:

«موفقیت انقلاب اسلامی با یک انقلاب بدون خون‌ریزی افکار مسلمانان را تغییر داد و مشخص ساخت که یک چنین عملی انقلاب در جهان اسلام امکان‌پذیر است و امت اسلامی، قادر است حکومت را اداره کند. زمان نشستن عالم در مسجد و تنها به جنبه روحانی اسلام اندیشیدن به سر آمده و رهبر امت اسلامی هم به دنیا می‌اندیشد و هم به آخرت توجه می‌کند. دیدگاه ایشان در مورد نه شرقی، نه غربی حکومت اسلامی ایران را از قدرت‌ها مستقل ساخت. امام خمینی (قدس سرّه) تفکر کلیشه‌ای از حکومت اسلامی به‌عنوان بازگشت به سال‌های سیاه را نابود ساخت و برعکس، ثابت نمود که اسلام

همچنان نیرویی پویاست که قادر به راهبری امت در اجتماع به اصطلاح مدرن و فوق مدرن کنونی است.»

شهید دکتر فتحی شقاقی، رهبر پیشین سازمان جهاد اسلامی فلسطین، در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر مبارزات مردم فلسطین می‌گوید:

«این انقلاب به ما فهماند که پیروزی ما در گرو پیروی از راه امام خمینی (قدّس سرّه) است؛ از همین رو، ناگهان درودیوار مساجد سرزمین‌های اشغالی به ویژه مسجدالاقصی با تصاویر حضرت امام تزیین شد. امروز نیز شاهد آن هستیم که آیت‌الله خامنه‌ای همان مشی امام (قدّس سرّه) را ادامه می‌دهند و مسئله فلسطین را در شمار مسائل اصلی مسلمانان قرار داده‌اند.»

وی در جای دیگری انتفاضه را از برکات مهم انقلاب اسلامی ایران می‌داند و می‌گوید: «انتفاضه یکی از ثمرات بیداری اسلامی است که امام خمینی (قدّس سرّه) در منطقه و به ویژه در فلسطین به وجود آورد؛ بنابراین، انتفاضه اسلامی، در سطوح مردمی به سوی افق اسلامی و شعارهای اسلامی پیش می‌رود، پس بر ماست که در مبارزه برای رهایی از تسلط و اشغالگری صهیونیست‌ها از تمام راه‌حل‌های دیگر پرهیز کرده و با توجه به اصولی که امام (قدّس سرّه) در مبارزه با اسرائیل ارائه کرده‌اند با دشمنان اسلام و مسلمانان مبارزه کنیم.»

نایف حواتمه دبیر کل جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، در مورد تأثیر فوق‌العاده‌ای که انقلاب اسلامی در پیشبرد مبارزات مردم فلسطین داشته است، چنین می‌گوید:

«عمق و اصالت موضع‌گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (قدّس سرّه) درباره قضیه فلسطین و مبارزه با دولت صهیونیستی، باعث تحکیم و گسترش پایه‌های رویارویی با تجاوزات اسرائیل شد و موجبات گسترش و تعمیق مبارزه را فراهم آورد، به گونه‌های که آن را از قالب مبارزه اعراب و اسرائیل به مبارزه "کشورهای اسلامی غیرعربی" که مردم آن با مبارزات فلسطینی و عربی همدردی می‌کردند، مبتدل ساخت؛ هرچند برخی از رژیم‌های این کشورها، هم‌پیمان با امپریالیسم آمریکا و هم‌دست با اسرائیل بودند.»

دبیر کل جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین:

عمق و اصالت موضع‌گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی درباره قضیه

فلسطین و مبارزه با دولت صهیونیستی، باعث تحکیم و گسترش پایه‌های رویارویی با تجاوزات اسرائیل شد و موجبات گسترش و تعمیق مبارزه را فراهم آورد.
معمر قذافی، رهبر لیبی:

"انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب مردمی مترقی در جهان نوین است؛ بنابراین مسلمانان جهان بدان امیدهای بسیار بسته‌اند. این انقلاب چهره حقیقی اسلام را به همه جهانیان عرضه کرد و امروزه انقلاب ایران، عصر حکومت توده‌های مردم را نوید می‌دهد."^۱

- آخرین نمونه را از سخنان مرحوم دکتر کلیم صدیقی رئیس سابق مرکز اسلامی لندن - انتخاب می‌کنیم:

"امام خمینی با هدایت و پیروز ساختن انقلاب اسلامی، اسلام را زنده کرد و هم او بود که در قرن بیستم جهت تاریخ را عوض کرد. امام خمینی اگرچه یک پیامبر الهی یا فردی معصوم نبود، لیکن خدمتی که او برای اسلام و اعتلای آن کرد همانند همان خدمتی بود که معصومین برگزیده شده از جانب خدا کردند."^۲

شیخ سعید شعبان، رهبر فقید جنبش توحید اسلامی لبنان در خصوص اثر جاویدان و ماندگار انقلاب اسلامی می‌گوید:

امام، دولت اسلامی را در پایگاهی به وسعت یک میلیارد مسلمان بنا نهاد و ندای وحدت شیعه و سنی را تحقق بخشید و اکنون بر همه علما و پیروان اسلام است تا این گنجینه بزرگ را حفظ نموده و سنی و شیعه در کنار هم امتی را تشکیل دهند که استکبار جرأت نفوذ در میان آنان را نداشته باشد. امام آرزوی بزرگوارانی چون جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، نواب صفوی و ... را برآورده کرد.^۳

دکتر "مصطفی ایوب"، دانشمند مسلمان آمریکایی و مسئول گروه مطالعات ادیان در دانشگاه تامبل آمریکا در مورد رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران می‌گوید:

"بنده معتقدم که تاریخ، امام خمینی رحمه‌الله را به‌عنوان بزرگ‌ترین شخصیت جهانی قرن بیستم معرفی خواهد کرد، زیرا او فردی بود که هم نبوغ سیاسی و هم نبوغ دینی داشت. درست است که ولایت‌فقیه به‌عنوان یک مفهوم اسلامی شیعی از غیبت صغری

۱. ماهنامه شاهد/شماره ۱۸۴۰/۱۵/۴/۱۳۶۸/ص ۹

۲. رهبری از منظر دانشمندان غرب سایت <https://www.tasnimnews.com>/۱۶بهمن/۱۳۹۲

همواره مورد بحث و بررسی بوده ولی امام خمینی رحمه الله به این مفهوم تفسیر دیگری دادند که امام معصوم علیه السلام از طریق علمایی که فقیه‌اند نقشی در حکومت دارد و آن علماء نایبان امام علیه السلام هستند و چنانچه در شخصی خصوصیتی که امام عصر علیه السلام بیان کرده فراهم گردد، فقیه اول خواهد بود.

بنده معتقدم که از جمله مهم‌ترین تأثیرات نهضت امام خمینی رحمه الله این بوده که حکومت در یک کشور بزرگ و با اهمیت اسلامی را از ماهیت لائیکی آن به ماهیت اسلامی و دینی مبدل ساخت و بدین ترتیب جمهوری اسلامی الگویی برای جنبش‌های اسلامی جهان گردید. من بر این باورم که از لحاظ قدرت فکری، امام تنها یک فرد یا پدیده فردی نبود بلکه یکی از سازندگان تاریخ بود.^۱

اثبات بطلان نظریه "دین افیون ملت‌ها"

استاد "فهمی هویدی" مصری نویسنده مشهور روزنامه "الاهرام"، مجله "المجله" و روزنامه "الشرق الاوسط" می‌گوید:

باید گفت که به‌طور کلی ذهن انسان از بیان دستاوردهای امام خمینی عاجز است ولی می‌توان آن‌ها را در بندهای ذیل خلاصه کرد:

۱- اعتبار بخشیدن دوباره به ملت ایران و متوقف نمودن دشمنی و بی‌حرمتی به شخصیت مذهبی آنان که رژیم گذشته ایران در صدد بی‌ارزش کردن آن بود.

۲- ایشان گفته‌هایی چون "دین عنصری است افیون ملل و عامل خمود و سستی" را رد کردند و ثابت نمودند که اگر از دین به‌درستی استفاده شود عنصری فعال و مؤثر در برانگیختن ملت‌هاست.

۳- امام خمینی رحمه الله پیروزی مستضعفین و پیشرفت مهم مواضع اسلامی را در جهان معاصر محقق ساختند.

۴- امام در مقابل قوای استکبار جهانی با قدرتی عظیم قد علم کردند و در مقابل ایشان سکوت نکردند.

۵- در چهارچوب افکار مذهبی به پیروزی بزرگی دست یافتند و آن، تشکیل حکومتی جدید پس از سال‌ها انتظار بود و این دستاورد از اهمیت خاصی برخوردار است.^۲

۱. شخصیت امام از دیدگاه رسانه‌ها ص ۱۴

۲. همان، ص ۶۲

سخنان نواب محمد اکبر خان وزیر عالی و ریاست وقت بلوچستان پاکستان:

در عظمت و قدرت و شخصیت حضرت امام و انقلاب اسلامی همین بس که بزرگ‌ترین قدرت‌های عالم و هزاران سلاح پیچیده و مرگبار آنان همچون ریسمانی در دست معظم له چنان درهم پیچیده شدند که هنوز پس از ده سال از انقلاب گره از کار آنان باز نشده است.^۱

دکتر "ادریس کتانی" نویسنده معروف مراکشی و از اعضای مجمع کبار العلماء مغرب می‌گوید:

به عقیده من مهم‌ترین کار امام خمینی رحمه‌الله حفاظت از اسلامی ماندن انقلاب پس از پیروزی بود. برای توضیح مطلبم نیاز دارم قسمتی از تاریخ معاصر را که خود شاهد آن بوده‌ام برای شما بازگو کنم.^۲

من در متن انقلاب بزرگ مردم الجزایر بودم. در آن انقلاب همه مردم مسلمان بودند و با شعارهای اسلامی و با دست‌خالی استعمار ۱۳۰ ساله فرانسه بر ماوراءالبحر را پایان دادند؛ اما بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب، سوسیالیست‌ها مسلمانان را کنار زدند و حاکمیت خود را بر مردم تحمیل کردند؛ زیرا انقلاب مردم اسلامی الجزایر کادر رهبری اسلامی نداشت. همان روزها، درست چند روز پس از پیروزی، "تیتو"، "ناصر" و "نهریو" به الجزایر آمدند تا رسماً سوسیالیست بودن مبارزات مردم را اعلام کنند.^۳

از نظر دنیای غرب، امام خمینی مظهر سرسختی، غرور و انعطاف‌ناپذیری بود، حتی آن عده از غربی‌هایی که من آن‌ها را ملاقات کرده بودم و آن‌ها نیز قبلاً امام را دیده بودند، ضمن آن‌که جذابیت رهبری ایشان را انکار نمی‌کردند ولی رفتار او را فاقد گرمی و خنده توصیف می‌کردند، حالا من فرصتی یافتم تا خودم قضاوت کنم. فرصت برای دیدن کسی که برجستگی و شامخیت شخصیت او ایران را در بر گرفته بود، آن‌که سیاستش باعث تحولات عمیق در ایران و برانگیختن خشم فراوان غرب شده بود.^۴

من در حسینیه جماران قرار گرفتم، به محض حضور آیت‌الله روی بالکن حسینیه،

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، تاریخ: ۱۳۶۸/۴/۲۴

۲. شخصیت امام رحمه‌الله از دیدگاه رسانه‌ها و متفکران جهان، ص ۵۸

۳. همان

۴. همان

جمعیت حاضر یکپارچه از جای خود برخاستند و فریاد زدند خمینی، خمینی، خمینی. اولین باری بود که چنین رفتار عمیقاً هیجان‌انگیز، شادمانه، مبارزانه و احترام‌آمیز را نسبت به یک انسان مشاهده می‌کردم. هنگامی که در باز شد و او وارد شد، طوفانی از انرژی برخاست. عبای قهوه‌ای، عمامه مشکی و محاسن سفیدش همه مولکول‌های ساختمان را به حرکت درآورد. توجه حضار آن‌چنان متمرکز و میخ‌کوب شد که هر چیز دیگر غیر از او ناپدید شد.^۱

خمینی به‌مثابه هاله یک نور در حال حرکت، به عمق وجدان و آگاهی همه‌کسانی که در حسینیه جماران حاضر بودند، نفوذ کرده بود. او تمام تصاویر تخیلی را که هرکس قبل از ملاقات با او در ذهن خود ساخته بود، منهدم می‌کرد. حضورش چنان پر قدرت بود که من خود را در محاصره هیجان‌انگیز و در فاصله بسیار دور از ایده‌ها و تجارب شخصی قبلی‌ام احساس می‌کردم.^۲

من قبلاً انتظار داشتم پیرامون حرکات سیما و انگیزه‌های او و شگفتی‌های طبیعت واقعی او به تحقیق بپردازم، ولی قدرت خمینی، توفیقات او و قدرت مطلق کنترل و احاطه نفسانی او، همه قالب‌های ارزیابی ذهنی مرا نابود ساخت و من خود را در حال گرفتن احساس و انرژی که توسط اشعه حضور او در حال تبلور بود یافتم.^۳

خمینی یک طوفان بود، باین‌همه در نهاد این طوفان یک سکون و آرامش مطلق وجود داشت. او بسیار شدید و آمرانه بود و درعین حال بسیار آرام‌بخش. او پاسخگو، باز و پرتأثیر بود. در درون او یک حقیقت ساکن و غیرقابل حرکت وجود داشت، ولی همین بی‌حرکتی باعث حرکت کلی یک کشور شد.^۴

او یک انسان معمولی نبود، درواقع تمام کسانی را که قبلاً ملاقات کرده بودم از عرفا و زهاد تا راهب‌های بودائی، حکمای هندی و دبگران، هیچ‌کدام دارای چنین حضور برق‌آسا و انرژی بخشی نبودند، برای آن‌ها که توانستند ببینند و احساس کنند، هیچ‌گونه ابهامی خمینی یک طوفان بود، باین‌همه در نهاد این طوفان یک سکون و آرامش مطلق

۱ همان

۲ همان

۳ همان

۴ همان

وجود داشت. او بسیار شدید و آمرانه بود و درعین حال بسیار آرام‌بخش. او پاسخگو، باز و پرتأثیر بود. درباره کمالات والای خمینی باقی نماند. این عظمت و کمال در همه‌جا منعکس بود. در تنفسش، در حرکت اندام و دستانش، در آتش شخصیتش و در آرامش آگاهی و وجدانش؛ همه چشم‌ها به‌سوی خمینی بود، در آنجا اثری از خودخواهی و خودپسندی نبود.^۱

همه حواس او به شکل سرسختانه و درعین حال برنامه‌ریزی‌شده‌ای به همان نقطه‌ای معطوف بود که به نحو زیبا و عارفانه‌ای جو آن جمع را جلب کرده بود. علی‌رغم آن اراده شدید و اخلاق پرصلابت و سازش‌ناپذیر، روحیه کاملاً مثبت و هموار او در حرکت دستانش و صدای صاف کردن حنجره‌اش و افکار متمرکزش متجلی شده بود، درحالی‌که صدها مسلمان عاشق میهن در مجلس، عظمت او را فریاد می‌زدند و با تحسین و ستایش مطلق از او به وفاداری عاشقانه‌اش سوگند یاد می‌کردند، او در درون خود بود و همچنان آرام و بی‌حرکت باقی‌مانده بود. چنین صحنه‌هایی خارج از مرز تصور و حدودی بود که من به آن‌ها خو گرفته بودم.

خواننده ممکن است این توصیفات را مبالغه‌آمیز بداند. چنین کسی باید بداند که علیرغم همه شنیده‌های قبلی‌ام و علیرغم مطالب متضادی که قبلاً دریافت کرده بودم، اولین و واقعی‌ترین تأثیر شخصیتی آیت‌الله خمینی هیچ ارتباطی با مقولات مطرح‌شده علیه او نداشت. برای آنکه بتوانید واقعه فهم فوریه را که در شمال تهران (ملاقات در حسینیه جماران) اتفاق افتاد، تصور کنید به مثال‌های زیر توجه کنید: برای یک‌لحظه فشار نوزاد برای رهایی از رحم مادر و ورود به دنیای جدید را تصور کنید و یا لحظه‌ای که فرد به مردن آگاهی پیدا می‌کند. ریشه این حقایق خارج از چارچوب تجارب شخصی بود و برای من قبلاً قابل تصور نبود، زیرا هرگز تجربه نکرده بودم. حقیقت این است که وقایع خود آفریننده تجارب‌اند. موضوعیت این تجربه به نظر می‌رسید اساس و ریشه آگاهی مرا هدف قرار داده است. من مدل این تجربه را به نحوی بالا بردم که تمام احساسات و افکارم را به‌سوی آگاهی خود هدایت کرد. آری، آیت‌الله خمینی آن انسان قوی، قدرتمند و شکست‌ناپذیر بود؛ و شخصیت او مهم‌ترین ویژگی اوست و مهم‌ترین

۱ شخصیت امام رحمه‌الله از دیدگاه رسانه‌ها و متفکران جهان، ص ۵۹

ویژگی حرکت او شناساندن چنین شخصیتی بود.^۱

پروفسور "اگوانی"، متخصص امور ایران و رئیس دانشگاه جواهر لعل نهرو می‌گوید:
 "آیت‌الله خمینی تنها کسی بود که از سال ۱۳۴۲ تا رحلتش سازش نکرد. هیچ فرد دیگری در قرن حاضر قادر به ایجاد تغییراتی بنیادی در جامعه ایران همچون معظم له نبوده است، وی در مقایسه دوران انقلاب با زمان شاه اظهار می‌دارد: "رژیم شاه از مردم و حمایتشان دور بود، اما آیت‌الله خمینی با جلب حمایت توده مردم پیروز شد و بعد از سالیان طولانی، آموزش‌های اسلامی را عملاً وارد زندگی مردم کرد؛ و مهم‌ترین دستاورد ایشان احیاء احترام و اعتماد به نفس در مردم بود. او تنها رهبری است که توانست جنبش را براساس ایدئولوژی و مذهب بنیان‌گذاری کند که هیچ‌یک از رهبران انقلاب‌های جهان نتوانستند به آن دست یابند.) خورشید بی‌غروب، محمد سپهری، ص ۸۶)

* راشد الغنوشی رهبر جنبش اسلامی النهضه تونس:

شخصیت امام خمینی^(۵) به‌مثابه رهبری عقیدتی، سیاسی و انقلابی که رنج همه‌ی زحمت‌کشان را به دوش دارد، جلوه می‌کند که در واقع تبلور آمال و آرزوهای همه‌ی ملت است و آن‌ها را در مسیری روشن و درست هدایت می‌کند.

* دکتر حسن البناء رهبر وقت اخوان المسلمین:

حضرت امام خمینی^(۶) اندیشمندی است که هزاره‌ی دوم میلادی را به پایان برد و پیوسته پرتو افکار نورانی‌اش بر فراز هزاره‌ی سوم خواهد درخشید. اندیشمندی که خاستگاه تفکرش اسلام ناب و اندیشه‌های اصولی بوده و در بردارنده‌ی گرایش‌هایی است که همان میراث اهل‌بیت اند می‌باشد.

* علی حسن مووینی رئیس‌جمهور وقت تانزانیا:

امام خمینی^(۷) رهبر انقلاب اسلامی ایران در زمان ما به پیروزی مظلومین علیه ظالمین کمک به سزایی کرد. این انقلاب نیروی خود را مصروف مبارزه برای آزادی آفریقا از استعمار و نیز مبارزه‌ی جهانی علیه ظلم و استثمار نمود.

* امام بخاری رهبر مسلمانان هند:

امام خمینی^(۸) مردی مؤمن، مجتهد، تاریخ‌ساز در سده اخیر بود، مرد مجاهدی که

نظیر او در صدسال اخیر وجود نداشته است. امام خمینی^(ع) چنان ذخیره‌ای در دنیا باقی گذاشت که صدها سال زبان زد همه خواهد بود.

* عمر کرامی نخست‌وزیر اسبق لبنان:

بیداری اسلامی در جهان مرهون قیام امام خمینی^(ع) است.

* دکتر رمضان عبدالله دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین:

امام خمینی^(ع) الگوی والای بشریت برای رسیدن به عزت، کرامت و سربلندی است و باید سیره‌ی امام راحل برای امت اسلامی بازگو شود تا این امت راه درست زندگی کردن را در پیش گیرد. امام^(ع) برای امت اسلامی بازگو شود تا این امت راه درست زندگی کردن را در پیش گیرد. امام راحل^(ع) برای انسان‌های مصلح و برای نسل‌های آینده چراغ هدایت، توشه‌ی زندگی و ذخیره‌ی انسانیت است.

* جلال طالبانی رئیس‌جمهور عراق:

قاطعیت امام^(ع) در رویارویی با استعمار و توطئه‌های آن‌ها، خاری در چشم استعمارگران بود و حرکت امام توانست توطئه‌های آنان را خنثی سازد.

* مسعود بارزانی رهبر حزب دموکرات کردستان عراق:

امام خمینی^(ع) به‌عنوان بزرگ‌ترین شخصیت سیاسی و دینی عصر، افق‌های تازه‌ای در برابر مسلمانان و مظلومان جهان گشود. کردهای عراق همواره از حمایت معنوی و انسانی امام^(ع) بهره‌مند بوده و ارادت خاصی به ایشان دارند.

* بی‌نظیر بوتو نخست‌وزیر فقید پاکستان:

جمهوری اسلامی برای ما از اهمیت بسیاری برخوردار است. پیام‌های امام خمینی^(ع) در آینده نیز چراغ هدایت مسلمانان است و ملت‌های مسلمان در آینده نیز از پرتو نورانی افکار و اندیشه‌های والای حضرت امام استفاده خواهند کرد.

* غلام اسحاق خان رئیس‌جمهور وقت پاکستان:

امام خمینی^(ع) تنها رهبر ایران نبودند بلکه رهبر بزرگ جهان اسلام بودند. ایشان شخصی بسیار شجاع و دارای بینش عمیق اسلامی و عزتی که به اسلام برگرداندند تا ابد باقی خواهد ماند.

* بن‌بلا نخستین رئیس‌جمهور الجزایر:

ملل عرب باید زنده شدن اسلام را در قرن بیستم مدیون انقلاب اسلامی ایران و امام

خمینی^(۵) بدانند. این انقلابی است که دنیای غرب را اجباراً دگرگون خواهد ساخت و بسیاری از رژیم‌های موجود در جهان عرب دیر یا زود سقوط خواهند کرد زیرا آوای نهضت امام خمینی^(۵) در دورافتاده‌ترین نقاط جهان اسلام به گوش می‌رسد.

* برهان‌الدین ربانی رهبران جهادی افغانستان:

امام خمینی^(۵) کاپیتالیسم و کمونیسم را مردود خواند و راه نجات بشریت را تنها در پیروی از تعالیم والای اسلام می‌دانست. او در برابر مستکبران شرق و غرب، قوی و مقاوم ایستاد و با هر نوع فساد و توطئه پنجه نرم کرد، ایشان بزرگ‌مرد تاریخ معاصر جهان است.^۱

* اسلام روزنامه تایمز

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک پدیده سیاسی، اجتماعی و به‌عنوان آخرین انقلاب قرن، انقلابی است که معادلات جهانی را تحت تأثیر خود قرارداد و وقایع و تحولات آن بسیاری از تحلیل‌گران را شگفت‌زده نمود و بازتاب این انقلاب به‌گونه‌ای بود که روزنامه تایمز می‌نویسد: «اوج‌گیری خیزش مذهب و انقلاب سراسر جهان را درنوردید و دنیای غرب به دلیل انقلاب ایران بار دیگر اسلام را کشف کرد.»^۲

این روزنامه با وقوع انقلاب اسلامی ایران هم‌چنین می‌نویسد: «برای اولین بار یک کشور مسلمان به‌طور موفقیت‌آمیزی قدرت‌های بزرگ غربی را به مبارزه طلبید و آنان را تحقیر کرد.»^۳

* نوام چامسکی

انقلابی که نوام چامسکی متفکر معاصر آمریکایی از آن به این‌گونه یاد می‌کند که انقلاب اسلامی ایران اولین عبور از خط قرمز آمریکا بود و ایران در سال ۱۹۷۹ از خط قرمزها گذشت، سرپیچی کرد و مستقل شد.^۴

و ساموئل هانتینگتون می‌گوید: «پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ در ایران

۱. سایت: خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا/ کد خبر/۱۴۰۱۰۳۱۴۰۹۸۸۱

<https://www.google.com/amp/s/www.isna.ir/amp/1401031409881>

۲. به نقل از عصر امام خمینی، میر احمد رضا حاجتی، بوستان کتاب، ص ۳۲، و ر.ک به امام و انقلاب در آیین

اندیشه جهان، روابط عمومی بهزیستی مازندران ص ۷۱ و ۷۲

۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۸/۱۱/۱۹

۴. به روزنامه رسالت، ۸۱/۴/۱۶، ص ۱۱

می‌تواند به‌عنوان نقطه آغاز جنگ پنهان تمدن‌های غرب و اسلام در نظر گرفته شود.^۱ اما به‌راستی در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ تحولی عظیم و شگرف در تاریخ ایران بلکه جهان اسلام و حتی جهان بشریت رخ داد که متفکران و تحلیل‌گران علوم سیاسی، تاریخ‌نگاران و سیاست‌مداران دنیا را به حیرت و تعجب واداشت و آن به خاطر پیروزی یک فکر، مکتب و ایدئولوژی و فرهنگ، پیروزی اسلام در ابعاد ایدئولوژیکی سیاسی و فرهنگی آن، پیروزی و غلبه یک فرهنگ و تمدن بزرگ اسلام و در یک‌کلام به این جهت که انقلاب، انقلاب اسلامی بود.^۲

*میشل فوکو

اگر انقلابی این‌همه شگفتی آفرید و پیروزی‌های پی‌درپی و سریع کسب نمود و اگر ملتی با دست‌خالی چنین اراده خارق‌العاده‌ای پیدا کرد، همه آن را می‌توان از اسلام و تشیع دید و بر آن مباحث کرد و یکی از مسائل مهمی که نظر اغلب تحلیل‌گران انقلاب اسلامی ایران را به خود جلب کرده و ناظران خارجی را به حیرت انداخته بود این واقعیت بود که چگونه در این انقلاب به ناگهان تمامی مردم تقریباً هم‌زمان و هماهنگ سر برداشته و قیام کردند و هم‌صدا خواستار تحول و تغییر اساس یعنی سقوط رژیم شاه و برقراری حکومت اسلامی شدند؟^۳

و این همان چیزی است که درباره آن می‌گویند: این اراده جمعی یک جنبه تئوریک دارد که کمتر به چشم دیده‌شده است و به قول میشل فوکو «مانند خدا یا روح شاید هرگز به چشم دیده نشود اما در تهران و در تمام ایران چنین اراده جمعی ملّتی مشاهده شد و یک عینیت مطلقاً روشن و ثابت باقی‌مانده است».^۴

*دیلیپ هیرو

به قول یک نویسنده هندی به نام دیلیپ هیرو: «بسیاری از مفسران، ایران را به‌عنوان یک نمونه‌ای از احیاء اسلامی که جهان اسلام را در طول دههٔ گذشته دربرگرفته، بیان

۱. به نقل از روزنامه رسالت ، ۸۳/۳/۱۳

۲. دکتر منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۸، ص ۱۸

۳. همان ص ۱۰۰

۴. کلمبر، پیر بلانشه، ایران: انقلاب به نام خدا، ترجمه قاسم صنعوی، ص ۲۵۵، رک به منوچهر محمدی ، همان

می‌کنند.^۱»

او در خصوص موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید: «یک شگفتی (حتی) برای انقلابیون بود، همان طوری برای شاه و حامیان خارجی‌اش بود.^۲»
و «ظهور امام خمینی - رحمت‌الله علیه - به‌عنوان رهبر بلامنازع حرکت انقلابی و شگفتی عمده دیگری بود.^۳»

و بدون تردید باید گفت با وقوع انقلاب اسلامی در ایران دنیا شاهد رخداد و یک معجزه الهی بود و این واقعیت است که امام خمینی - رحمت‌الله علیه - بدین گونه بر آن تأکید داشتند که: «در یک تحول روحی در جامعه پیدا شد که من غیراز آن که بگویم یک معجزه بود، یک اراده الهی بود، نمی‌توانم اسم دیگری رویش بگذارم.^۴»
به‌راستی «انقلاب اسلامی عظیم‌ترین انقلاب تاریخ است و همه می‌دانیم این کار عظیم در پرتو عظمت شخصیت امام خمینی - رحمت‌الله علیه - پا گرفت.^۵»

*پروفسور محمدحسین هدی (خاورشناس مقیم اتریش)

همان چیزی است که برخی نویسندگان به آن اشاره کرده‌اند که در حقیقت «انقلاب اسلامی ایران در ذات خود هیچ شباهتی با انقلاب‌های دیگری که در قرن حاضر به وقوع پیوسته نداشته است.^۶»

*رابرت کالستون دانشمند کانادایی

از جمله نویسندگانی است که به انقلاب اسلامی از این ناحیه نگاه کرده است و می‌گوید:
«از نظر من که یک غربی و فرد غیرمسلمان هستم این معجزه است که یک انقلاب مکتبی و الهی بتواند در جهان امروز این‌طور تحقق پیدا کرده و در جهت استقرار عدالت به پیش برود، این انقلاب بدون شک از جانب خداوند حمایت می‌شود.»^۷

۱. دلیپ هیرو، مقدمه کتاب ایران تحت حکومت روحانیان، Iran under the Ayatollahs، ک. به منوچهر

محمدی، همان ص ۲۲۲

۲. همان ص ۲۱۷

۳. همان ص ۲۱۸

۴. امام خمینی، صحیفه نور ۸/۲۳

۵. فریدی، روزنامه اطلاعات ۶۸/۴/۱۳، ک. کتاب عصر امام خمینی، میراحمدرضا حاجتی، بوستان کتاب، ص ۳۳

۶. کیهان، ۷۲/۱۱/۲۵ (ر.ک عصر امام خمینی، همان ص ۳۳)

۷. عصر امام خمینی، همان ص ۳۱

بنابراین در ضمن نقش اساسی مذهب و تشیع انقلابی در این انقلاب نکته پراهمیتی که همواره بدان توجه باید نمود اینکه منشأ بسیاری از شگفتی‌ها و سررشته عمده ناباوری‌های تحلیل‌گران غربی، الهی بودن این پدیده است همان‌طوری که تدا اسکاچپول می‌نویسد: «سقوط رژیم شاه و آغاز نهضت انقلابی ایران از ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹، یک شگفتی ناگهانی برای ناظرین خارجی بود. از دوستان شاه گرفته تا روزنامه‌نگاران و دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی و...»

*ویلیام بیمان

درواقع همان‌طور که اشاره کردیم این انقلاب این عظمت را از اسلام و مکتب تشیع دارد و این همان امری است که حتی ناظران غربی هم نمی‌توانند آن را پوشیده بدارند از جمله پروفیسور ویلیام بیمان معترف است که امام - رحمت‌الله علیه - «با عقاید مذهبی که غرب آن‌ها را کهنه و قرون‌وسطایی می‌دانست جهان را تکان داد»^۱.

مطالعه بی‌طرفانه‌ای در مورد انقلاب ایران

در اینجا می‌توان گفت: چه نویسندگان داخلی و چه خارجی که مطالعه بی‌طرفانه‌ای در مورد انقلاب ایران انجام داده‌اند به این امر اعتراف دارند که عنصر مذهبی شیعی در جای‌جای انقلاب حضور و ظهور داشته و دارد؛ و در مجموع با همه دیدگاه‌ها و نظرات مثبت و یا منفی که از ناحیه غرب مطرح گردیده است، نقش اساسی و کلیدی معنویت و تشیع را که باعث حدوث و بقاء و ماندگاری انقلاب و بازتاب جهانی شده است را می‌توان گوشزد نموده و بر آن تأکید فراوان داشت و دیگر اظهاراتی را که از جنبه‌های دیگری به انقلاب نگاه کرده‌اند را به گفتارها و نوشتارهای موجود احاله می‌دهیم، چراکه در این مختصر مجالی برای طرح همه آن‌ها نیست.

امام خمینی و انقلاب اسلامی در بیان جهان معاصر

بدیهی است پیرامون بازساخت اندیشه‌ها و افکار و نقش امام در انقلاب اسلامی تاکنون مقالات بسیار و کتاب‌های فراوانی تألیف یافته است ولی این بدین معنی نیست که تمام ابعاد آن بزرگ‌مرد را شناخته‌اند و در معرفی شخصیت امام به پایان راه رسیده‌ایم. بی‌تردید تصویر امام در ذهن و زبان تمام اندیشمندان سیاست‌مداران، حاکمان و

۱. عصر امام خمینی - رحمه الله علیه - ، همان، ص ۳۲

متفکران و سیاسیون جهان یکسان و مشابه نیست. انتظار اینکه دشمنان انقلاب اسلامی و امام و اردوگاه‌های وابسته به آن‌ها چهره واقعی و الهی امام را ترسیم کنند بیهوده است، اما حقیقت و عظمت امام به حدی است که در بررسی تحلیل‌ها، مصاحبه‌ها و تألیف‌های بیگانگان حتی مخالفان امام و انقلاب هم حقیقت و عظمت امام پوشیده نمی‌ماند. بیانات و اظهارنظرهای عاشقانه و از سر ارادت و علاقه مسلمانان جهان در توصیف و تعریف امام هم جای شگفتی ندارد، تاکنون بسیاری از شاگردان امام، همراهان امام و رهروان امام به مناسبت‌های مختلف چون شروع نهضت، چگونگی تکوین و شکل‌گیری انقلاب، فراز و نشیب‌های تاریخ انقلاب، استراتژی و دیپلماسی انقلاب، بازگشت امام و سرانجام ارتحال امام و پس‌از آن جانشینی و ادامه رهبری و استمرار انقلاب مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، بیانات و حتی تألیفاتی را به یادگار گذاشته‌اند. آنان در عین حال که بعضاً تکراری است اما از نکات بسیار مهم و حکمت‌آموزی برخوردارند که برخی حتی به تحلیلی مستقل نیازمندند. بدین ترتیب در این گفتار محور بحث نفوذ انقلاب اسلامی در کشورهای دیگر خواهد بود.

تحلیل سخنان معاون پارلمان روسیه آقای الکساندر ونگروفسکی؛ تغییر سیاست ایران یکی از برکات انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی را باید تغییر سیاست ایران در برابر ابرقدرت‌ها دانست. ایران کشوری بود وابسته و جز اقمار بلوک غرب و در همسایگی آن ابرقدرت شرق قرار داشت و همین موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی برای غرب و شرق آن را از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار کرده بود. این بماند که در سال‌های دور حتی قدرت‌های موجود آن روز ایران را به سه قسمت تقسیم کرده بودند، قسمتی از شمال تا میانه ایران زیر نفوذ روسیه و منطقه‌ای از جنوب تا میانه وابسته بود به آنچه امروز به جهان غرب موسوم شده است. آن روز انگلیسی‌ها منشأ قدرت بودند و قسمت میانه ایران به منطقه بی‌طرف موسوم بود. از همان گذشته‌های دور، دو قدرت برتر جهان به ایران چشم دوخته و هرگز از آن غافل نبودند. برای برخی افراد مغرض نتایج به‌دست‌آمده از استقلال ایران کاری عادی یا ساده است و حتی گامی فراتر از آن، معتقدند کاری نشده است. لازم است به تحلیل سخنان معاون پارلمان روسیه آقای الکساندر ونگروفسکی در سال‌های ۷۳-۱۳۷۲ بپردازیم بلکه تا حداقل کینه‌ورزان به استناد اقرار سخنان ایشان اندکی به جاده هدایت نزدیک‌تر شوند.

می‌دانیم که روسیه یکی از قدرت‌هایی بود که در ایران نفوذ و جایگاهی خاص داشت.

اگر محمدرضا پهلوی به نحوی روسیه را راضی نمی‌کرد و به‌گونه‌ای با او کنار نمی‌آمد، هرگز نمی‌گذاشت و اجازه نمی‌داد کنار گوش رهبران کرم‌لین باوجود چند هزار کیلومتر مرز مشترک آبی - خاکی، ایران پایگاه آمریکا باشد. اصولاً شوروی چندان خوشحال نبود که یکی از بزرگ‌ترین همسایگانش در اختیار آمریکا باشد. البته هر دو ابرقدرت سعی داشتند در مراکز حساس ایران عوامل و نیروهایی را حتی در نقش جاسوس و غیره وارد کنند. بخصوص نسلی که در آغاز دهه سوم انقلاب در اوج جوانی است باید بداند که حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت نظام اسلامی و فعالیت ارگان‌های سیاسی - حقوقی و فرهنگی کشور، وقتی ایران تصمیم گرفت گازی را که مجانی به روسیه ارسال می‌شد ببندد، برای روسیه بسیار ناخوشایند بود و نمی‌توانست واقعیت استقلال‌خواهی و مستقل زیستی ایرانیان را درک کند. تا چه رسد به اینکه دولت‌مردان ایرانی حتی خواهان فروش گاز باشند و روسیه‌ای که سالیان سال گاز ایران را مجانی می‌برد. اینک به ازای گاز، وجهی پرداخت کند. اصولاً روسیه خیلی کندتر و با درنگ و تأمل بیشتر از غرب به طرح و قبول برخی از واقعیات جهان اقرار می‌کند از نظر صاحب این اثر این سخنان آقای الکساندرو نگروفسکی بیشتر یک اعتراف و اقرار بزرگ تاریخی است تا یک مصاحبه عادی و تعارفاتی. نخست عین سخنان ایشان را می‌آوریم و پس از آنان به نکاتی از متن مصاحبه ایشان می‌پردازیم:

مسکو - خبرگزاری جمهوری اسلامی: معاون دومای روسیه ضمن تأکید بر لزوم گسترش روابط دوستانه این کشور با جمهوری اسلامی ایران برای خنثی کردن توطئه‌های بین‌المللی آمریکا تصریح کرد، ایران بزرگ‌ترین و باحیثیت‌ترین کشور منطقه در آخر قرن جاری است.

الکساندر و نگروفسکی در گفتگوی اختصاصی با خبرگزاری جمهوری اسلامی در مسکو از ایران به‌عنوان یکی از مراکز عمده ژئوپلیتیکی آسیا نام برد و تأکید کرد «آنچه در ایران به وقوع می‌پیوندد می‌تواند تأثیر بسیار عظیمی در اروپا و آسیا داشته باشد.» وی اعتراف کرد انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی^(۶) بر قسمت‌های زیادی از شوروی سابق که قبلاً زیر نفوذ کمونیسم بود تأثیر فراوانی گذاشته است.

ونگروفسکی از جنگ عراق علیه ایران به‌عنوان توطئه مشترک رژیم صهیونیستی و حکومت کمونیستی شوروی سابق علیه جمهوری اسلامی ایران نام برد و یادآور شد تضعیف عراق و ایران به نفع آن‌ها بود.

وی با تأکید بر این که ایران برای روسیه جدید اهمیت فراوانی دارد، افزود ما پس از خروج سربازان ارتش سرخ از افغانستان نزدیک شدن جهان اسلام به سرحدات روسیه و تلاش آمریکا برای تأثیر بر نقشه ژئوپلیتیک آرزو داریم دولت دوستی چون جمهوری اسلامی ایران که می‌تواند ضامن ثبات منطقه و حلال برخی از مشکلات فعلی جهان باشد داشته باشیم.^۱

کشوری که از جهاتی زیر سلطه شوروی سابق بوده است، اینکه به جایی رسیده است که روسیه روی نزدیک شدن جهان اسلام (بخصوص ایران) به سرحدات کشورش حساب کند، بی‌تردید معاون پارلمان روسیه فردی نبوده است که از روی بی‌تجربگی این حرف‌ها را بزند، چنین افرادی که در موضع اجرایی بالا در کشور قدرتمندی چون روسیه قرار دارند همه حرف‌هایشان حساب شده و معقولانه است.

ونگروفکسی؛ اقرار به استقلال ایران

آقای ونگروفکسی ضمن اقرار به استقلال ایران، ایران را برای حل مشکلات منطقه دارای نقش و نفوذ می‌داند. بی‌تردید این سخنان و صدها نمونه دیگر از شخصیت‌های معروف جهان مبنی بر عظمت و استقلال انقلاب اسلامی همه به رهبری حکیمانه حضرت امام خمینی برمی‌گردد.

یکی از متفکران آزاداندیش که به مطالعه نسبتاً خوبی پیرامون امام و تاریخ نهضت اسلامی ایران، بخصوص با تکیه و تأکید بر منابع ایرانی پرداخته است نتیجه تحقیق و پژوهش چنین بازگو می‌کند:

آقای احمد هوبر، اهل سوئیس:

هنگامی که من از سال ۷۹ - ۱۹۷۸ (۵۷ - ۱۳۵۶) شروع به مطالعه درباره امام خمینی بخصوص از منابع ایرانی کردم مطلقاً شگفت‌زده شدم؛ چراکه امام خمینی^(ع) اولین رهبر مذهبی در قرن ماست که انقلابی را به وجود آورد که هم‌زمان سه وجهه مذهبی، سیاسی و فرهنگی را در خود جمع کرده است. تمام انقلابیون قرن ما، شما در این زمینه هر رهبر انقلابی را می‌توانید نام ببرید: نظیر لنین، مائوتسه تونگ هر کدام یک انقلاب

۱. (محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، فصلنامه ۱۵ خرداد، شماره ۵)

سیاسی و اجتماعی را به وجود آوردند؛ اما از نظر مذهب افرادی غیرمذهبی و در حقیقت بویی از مذهب نبرده بودند و واقعاً کافر بودند؛ در صورتی که امام خمینی اولین رهبر انقلابی بود که برایش دین، سیاست و فرهنگ از هم جدا نبود و این احتمالاً دلیل موفقیت شایان انقلاب اسلامی ایران است و به همین دلیل نیز ادامه خواهد یافت؛ اما انقلاب‌های دیگر نتوانستند دوام بیاورند.

می‌دانیم که انقلاب روسیه امروز یک پدیده مرده، فاسد و کاملاً ارتجاعی شده است و اکنون کشور شوروی همه چیز هست الا آن چیزی که مردم و انقلابیون روسیه در ۱۹۱۷ به آن امید بسته بودند. انقلاب چین نیز هم‌اکنون مشغول وارد کردن روش‌های آمریکایی است و قصد بازگشت به سیستم سرمایه‌داری را دارد و این انقلاب، یعنی مائوئیسم، نیز به پایان خود رسید؛ در صورتی که انقلاب اسلامی مبنای کاملاً متفاوتی دارد و این ثمره کار، منحصر به امام خمینی بود.

مورد دیگری که نسبت به آن در مورد امام شگفت‌زده هستیم آن است که او مرد سالخورده‌ای است. اگر شما نگاهی به رهبران انقلابی قرن ما بیفکنید خواهید دید که همگی آن‌ها جوان و یا میان‌سال بوده‌اند، اما امام خمینی در زمان پیروزی انقلاب مرد سالخورده‌ای بود که بخش عظیمی از زندگی‌اش را پشت سر گذارده بود و این مرد سالخورده، انقلابی واقعی را آغاز می‌کند و مسئله شگفت‌انگیز این‌که این مرد که نسل طوری جوان را در سرتاسر دنیا تحت تأثیر قرار داده که تاکنون و یا لاقلاً در طول ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال اخیر سابقه نداشته است و این کاملاً خارق‌العاده است؛ و چرا امام خمینی توانست این کار را انجام دهد، به خاطر این‌که همان‌طور که من درباره او شنیده و یا در کتاب‌هایی که غربی‌ها منتشر می‌کنند خوانده‌ام و درحالی‌که آن‌ها به هیچ‌وجه با انقلاب اسلامی دوست نیستند تمام آن‌ها گفته‌اند که امام خمینی یک شخصیت منحصر به فرد و کامل است.

میشل فوکو؛

همه ما حوادث انقلاب با حیرت و ناباوری نظاره می‌کردیم، بالاتر از همه، انقلاب ایران پدیده‌ای کاملاً خلاف قاعده و طبیعت بود.^۱

از سوی دیگر میشل فوکو انقلاب اسلامی ایران را یک انقلاب فرا مدرن خوانده و

۱. حاجتی، میراحمد رضا، عصر امام خمینی، بوستان کتاب، قم ۱۳۸۱ ص ۴۹

همچنین معنویت‌گرایی سیاسی را قلب تحلیل خود از انقلاب اسلامی قرار داده است و می‌گوید: «حکومت اسلامی از یک طرف، حرکتی برای ارائه نقش دائمی و تعریف‌شده به ساختارهای سنتی جامعه اسلامی و از جانب دیگر، راهی برای وارد کردن ابعاد معنوی در زندگی سیاسی بود»^۱.

مایکل فیشر؛ انقلاب معنوی

مایکل فیشر هم به این انقلاب معنوی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «برای ایشان امام خمینی^(ع) انقلاب صرفاً یک انقلاب سیاسی و یا اقتصادی نبود، بلکه یک انقلاب معنوی هم بود که می‌بایست ارزش‌ها و معیارهای حاکم بر دولت و رفتارهای اجتماعی را تغییر دهد.»^۲

و «انقلاب امام خمینی حتی سیر تطوری انسان را تغییر داد» و جهانیان همچنان تحت تأثیر انقلاب معنوی او قرار دارند.»^۳

و این اعجاز و معنویت انقلاب ریشه در آن چیزی دارد که حامد الگار اندیشمند مسلمان آمریکایی به آن متذکر می‌شود و می‌گوید: «ریشه انقلاب به موضوع امامت در دیدگاه شیعه و مسئله غیبت امام عصر - عج الله تعالی فرجه الشریف - و پیامدهای سیاسی آن عقیده ارتباط دارد که تجلی عینی اعتقاد به نیابت است.»^۴

در همین راستا میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی و مکتب تشیع و رهبری آن می‌گوید: «تشیع با تکیه بر موضع مقاومت و انتقادی سابقه‌دار خود در برابر قدرت‌های سیاسی حاکم و نفوذ عمیق در دل انسان‌ها توانست نقش‌آفرینی نموده و مردم را علیه رژیم‌های که از مجهزترین ارتش‌ها را دارد و مورد حمایت آمریکا و دیگران برخوردار بوده را به خیابان بیاورد.»^۵

۱. همان، صص ۵۰-۵۱

۲. حمزه امرایی، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۸۳، صص ۲۳۰

۳. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، انقلاب اسلامی و توطئه در دهه نخستین، کودتای نوژه، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۸، صص ۲۱

۴. محمدی، منوچهر، همان، صص ۴۱۷-۴۱۸

۵. سمینار «تأثیر جهانی انقلاب اسلامی ایران پس از سی سال»، لندن، ۲۶/۱۱/۱۳۸۷، شماره: ۵۳۲۲۸۸

او درباره نقش رهبری شیعه یعنی امام خمینی^(۵) می‌گوید: «شخصیت آیت ا... خمینی^(۶) پهلوی به افسانه می‌زند، هیچ رهبری سیاسی، نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین نیرومند دارند.»^۱

این پیوند مسلماً به خاطر مکتب تشیع و اعتقاد راسخ مردم به تشیع و رهبری آن می‌باشد.

تدا اسکاچپول

درباره تشیع و نقش آن در انقلاب نوشت: «انقلاب اسلامی توسط مجموعه‌ای از شکل‌های فرهنگی و سازمانی ریشه‌دار و اسلامی شیعی و اسطوره بنیادین تشیع یعنی امام حسین - علیه‌السلام - و شبکه مساجد و روحانیت و... به‌گونه‌ای هوشیارانه ساخته شد.»^۲

مرحوم حمید عنایت از اندیشمندان مسلمان ایرانی هم‌چنین آورده است:

«اسلام شیعی منبع اصلی و زمینه‌ساز انقلاب اسلامی بوده است و لذا تشیع را می‌توان همان عنصری دانست که انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌های عصر ما متمایز می‌کند و به همین علت باید ویژگی‌های آن را در همین امر جستجو کرد.» و این‌همانی است که حامد الگار به آن توجه کرده است و می‌گوید «می‌بینم که تمام حوادثی که در پیشبرد انقلاب مؤثر بوده است جنبه اسلامی و دینی داشته و اطاعت اکثریت قاطع مردم از دستورهای حضرت امام راحل بی‌نهایت مهم بوده است... و یکی از علل این‌که انقلابی شبیه انقلاب ایران را تا به حال در هیچ‌کدام از کشورهای اسلام شاهد نبوده‌ایم وجود همین رهبری و نقش رهبری علماء و روحانیون بوده است، یعنی در مکتب تشیع مسئله تقلید و اطاعت از مرجع جامع‌الشرایط البته در مسائل دینی بسیار مهم است.»^۳

دکتر منصور معدل استاد دانشگاه انگلستان معتقد است که: «ویژگی اصلی انقلاب ایدئولوژی است. تصور انقلاب ایران بدون توجه به نقش اسلام شیعی در ایجاد و تداوم

<http://london.icro.ir/index.aspx?siteid> .

۱. بر گرفته از مقاله، بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی در پاکستان، نوشته سید علی فاطمی،

www.bashgah.net/pages/14838

۲. روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۵/۲، به نقل از حمزه امرایی

۳. امرایی، حمزه، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۸۳

جنبش انقلابی ۵۷ و تأثیر آن در شکل‌گیری پیامدهای انقلابی بسیار مشکل است.^۱

سرگین بابورین سیاست‌مدار برجسته روسی

علاوه بر مذهب جنبه دیگر را هم مورد توجه قرار داده و به آن اشاره می‌کند که: «انقلاب اسلامی نه تنها یک جنبش بزرگ مذهبی بلکه تحول سیاسی همراه با عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی برای مردم بود.»^۲

و پروفیسور حامد الگار همین‌طور به لحاظ دیگر متذکر می‌شود که: «این انقلاب در عین حال که ریشه در دیانت و مذهب اسلام داشت از سوی دیگر کاملاً با همکاری و همدلی توده مردم ایران اتفاق افتاد.»^۳

تدا اسکاچپول؛ احساس نیاز مردم ایران به حکومت مذهبی

یعنی «مردم ایران به یک حکومت مذهبی احساس نیاز می‌کردند»^۴

یا به قول تدا اسکاچپول: «انقلاب ایران آشکارا آن قدر مردمی بود و آن قدر روابط سیاسی و بنیادهای فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی - اجتماعی را در ایران تغییر داد که حقیقتاً نمونه‌ای از انقلاب‌های اجتماعی - تاریخی بزرگ می‌باشد» بنابراین این واقعیت غیرقابل انکار می‌باشد که نفوذ و حکومت شیعه بر قلب‌های مردم بود که این تحول و آرزوهای دیرینه‌ای چون استقلال و آزادی را به ارمغان آورده و انقلاب اسلامی را به‌عنوان نمونه‌ای از انقلاب‌های اجتماعی - تاریخی بزرگ به شمار آورد.

واشنگتن، ایرنا: چهارم اسفند ۱۳۸۲ برابر با ۲۳ فوریه ۲۰۰۴ "جیمز بیل" تحلیلگر و نویسنده سرشناس آمریکایی گفت:

ایران یک قدرت منطقه‌ای است و چون قدرتی مستقل است، آمریکا به آن فشار وارد می‌کند. وی گفت: هرچه قدرت‌های منطقه‌ای مستقل‌تر عمل کنند، با فشار بیشتری از جانب آمریکا روبرو خواهند شد و هر چه نگرش آن‌ها متفاوت‌تر باشد، تنش بیشتری بین آن‌ها حاکم خواهد شد بیل، روز شنبه در یک سخنرانی در جمع اعضای "مؤسسه

۱. ویلیام بی کواندت، همان، ص ۸۵

۲. اکبری، محمدرضا؛ سیمای امام خمینی «ره»، انتشارات پیام عترت، سال ۱۳۷۸، چ ششم، ص ۸۴.

۳. از وی چند کتاب دیگر در خصوص اسلام منتشر شده. از جمله: اسلام جهانی شده: جستجوی امت نو. نیویورک: انتشارات دانشگاه کلمبیا. ۲۰۰۴. و شکست اسلام سیاسی.

۴. برگرفته از مقاله «انقلاب اسلامی و بیداری ملت‌های منطقه» نوشته: مسعود وحید،

مطالعات خاورمیانه " در واشنگتن گفت: آمریکا تلاش می‌کند مانع ظهور قدرت‌های منطقه‌ای مستقل در منطقه خلیج فارس شود.

وی در سخنرانی خود که در آن روابط واشنگتن و تهران را طی ۴۰ سال گذشته مورد بررسی قرارداد، روابط ایران و آمریکا را در مقوله " برخورد قدرت " جای داد و خاطرنشان کرد: ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای با آمریکا به‌عنوان یک قدرت جهانی درگیر است.

وی در ادامه صحبت‌های خود به قدرت سیاست داخلی و اهمیت روابط غیررسمی در ایران اشاره کرد و گفت: سیستم شبکه‌ای ایران که شامل دوره‌های خانوادگی، جلسات مذهبی، شئائر اجتماعی و نشست‌های غیررسمی بوروکراتیک است، اهمیت بسیار زیادی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ایران داشته و دارند. بیل گفت: این سیستم شبکه‌ای آن قدر ریشه در فرهنگ ایران دارد که حتی فناوری‌های جدید نظیر اینترنت و عوامل خارجی نیز نتوانسته‌اند از اهمیت آن بکاهند.

وی تأکید کرد: برای آشنا شدن با سیاست ایران که بسیار غیرقابل‌پیش‌بینی و سری است، باید با دینامیک سیاسی خانواده‌های ایرانی آشنا شد. بیل افزود: آمریکا باید بر روی شیعه مطالعات بیشتری انجام داده و با وب سیستم ایران آشنا شود. نویسنده آمریکایی عدم تماس بین ایران و آمریکا را " نه فقط مضر به حال دو کشور بلکه لطمه زننده به نظام جهانی " خواند. وی خواستار آزادی سرمایه‌های مسدود شده ایران در آمریکا شد و گفت که دو کشور باید با جامعه و سیاست یکدیگر بیشتر آشنا شوند " . بیل " پیش از پیروزی انقلاب اسلامی سال‌ها در ایران زندگی کرده و آخرین بار در سال ۱۹۹۳ از ایران دیدار کرده است. از " بیل " کتاب " شیر و عقاب " در ایران از شهرت بسیار برخوردار است.^۱

نتیجه

رهبران انقلاب اسلامی در وصف‌شان این کلمات بسیار ناچیزند، چراکه رهبران دینی با مبانی توحیدی و با استعانت از خداوند به‌وسیله‌ی درایتی که خداوند به آن‌ها ارزانی نموده است مملکتی را از زیر یوغ گرگان عالم درآوردند و همچنان با تعالیم الهی درراه

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی / اسفند ۱۳۸۲ ساعت / ۳۰:۰۰ کد خبر

حفظ این انقلاب امام خامنه‌ای بسیار کوشا هستند، از سال ۱۹۹۵ م تا ۲۰۰۵ م امام خامنه‌ای این انقلاب را در مقابل یکی از قدرتمندترین کشورهای تاریخ بشریت رهبری کردند و به سلامت انقلاب را از این برهه عبور دادند، دانشمندان و سیاستمداران دنیا به بخش کوچکی از توانایی‌های رهبران انقلاب اسلامی علم پیدا کردند و هرروز که می‌گذرد در مقابل توانایی‌های رهبران انقلاب اسلامی کرنششان بیشتر می‌شود، این مسئله در دیدار سران کشورهای دنیا با رهبران انقلاب اسلامی خودشان به این مسئله اعتراف کردند، برای مثال در دیدار رئیس شورای مصلحت خلق ترکمنستان این مدعا مشهود بود، چه زیبا سید شهید اهل‌قلم در وصف امام ^(ه) نوشت،

بسم‌الله الرحمن الرحیم

برادر دلم می‌خواست امروز که ایران، این پسر گمشده، بعد از قرن‌ها می‌رود که به آغوش خانواده‌ی خویش بازگردد، در کنارم بودی و باهم زیر لوای اسلام عزیز و در کنار امام خمینی این فرزند راستین محمد و این نشانه‌ی خدا بر زمین، جهاد می‌کردیم. گرفتار تاریکی بودیم که امام خمینی از قلب تاریخی که می‌رفت تا فراموش شود، چون محمد فریاد برآورد که «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» _ همه به ریسمان خداوند چنگ بزنید و بیاویزید و پراکنده نشوید _ و ما که هنوز دست‌وپا می‌زدیم تا به خویشتن خویش بازگردیم، از این سخن تازه شدیم و دریافتیم که آنچه می‌جستیم، یافته‌ایم و به‌یقین رسیدیم و حتی من که همواره بویی از محمد در مشام داشتم در آغاز باور نمی‌کردم که در این ظلمت‌کده‌ی زمین بتوان نقبی به‌سوی نور زد که ابعاد آنچه روی داد، آن‌همه گسترده بود که زمین را دربر می‌گرفت و خدا این تردید را که جز لمح‌های به طول نینجامید بر من ببخشد و برق یقین بی‌هیچ واسطه‌ای بر دلم نشست. همان‌گونه که بر کوه سینا و ایمان آوردم و برادر! زمان گم شد و مکان و کویر بود و آن که دعوت به‌حق می‌کرد محمد بود و خدا را شکر که گوش ایمان من به آوای الله آشنا بود و نمی‌دانی که چه خوش بود.

با همان عشقی که اباذر با محمد بیعت کرد، ما به امام خمینی پیوستیم و برادر، او را ندیده‌ای: دست خداست بر زمین؛ آن‌همه به صفات خداوندی آراسته است که هنگامی که دست محبتش را بر سر شیفتگان بالا می‌آورد، سایه‌اش زمین و آسمان را می‌پوشاند و آن زمان که از حکمت و عرفان سخن می‌گوید، می‌بینی که او خود نفس حقیقت است.

من بوی خوشش را از نزدیک شنیده‌ام و صورتش را دیده‌ام که قهر موسی را دارد و لطف عیسی را و آرامش سنگین محمد را برادر! ایران، مادر تمدن نوینی است که معیارها و مقیاس‌هایی دیگر دارد و حکمت و فلسفه‌ای دیگر و هنری دیگر و... ادبیاتی دیگر. من هرگز نمی‌توانم وسعت مکتبی و فرهنگی این انقلاب را در این نامه تصور کنم؛ اما برایت بازهم خواهیم نوشت، هرچند که وقتم بسیار تنگ است.

مادر به تو گفت (در پشت تلفن) که من کار پیدا کرده‌ام. این چنین نیست؛ من زندگی یافته‌ام. عشق خمینی بزرگ و عظمت فرهنگی آنچه می‌گوید، مرا آن‌چنان شیفته‌ی خودساخته است که نمی‌توانم جز به حکمتی که در حال تدوین آن هستم بیندیشم و جز به فرهنگی که در حال احیای آن هستیم... و این فرهنگ آن‌همه با آن فرهنگ کهنه و منحط غرب متفاوت است و آن‌همه با آن فاصله دارد که نمی‌توان گفت. کارم در راه خداست (فی سبیل الله) و برای آن پولی دریافت نمی‌کنم. تنها سهمی اندک از بیت‌المال می‌برم که خوردوخوراک را بس باشد و بس. جهادی را که آغاز کرده‌ایم، امام خمینی «جهاد سازندگی» نام نهاده است. شمشیرمان قلم است و بیل و کلنگ و در راه سازندگی ایرانی آزاد گام نهاده‌ایم؛ ایرانی که منشأ حرکت نوین تاریخ و خاستگاه فرهنگ نوینی است که دنیای تاریخ را سراسر دربر خواهد گرفت.

والسلام _ برادرت سید مرتضی (۱۳۵۸)

منابع و مآخذ

۱. نقل شده از حجه الاسلام پاینده در مجموعه ای با عنوان «خاطرات بزرگان درباره مقام معظم رهبری» در پایگاه اطلاع رسانی حوزه علمیه به آدرس:
www.hawzah.net/fa/Article/View/92474
۲. شیرانی / علی / پرتوی از خورشید، داستان هایی از زندگی مقام معظم رهبری، چ ۲۴، ص ۲۳-۲۴، ناشر بوستان کتاب، تهران، ۱۳۹۰ ه ش
۳. داستانی بیرکی، علی، امام خمینی از نگاه نخبگان جهان، ج ۱، تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ره، تهران، ۱۳۸۴ ه ش
- ۴- طلوعی / محمود، صد روز آخر، چ ۵، علم، تهران، ۱۴۰۲ ه ش
۵. طباطبایی، صادق، خاطرات سیاسی اجتماعی؛ ج ۳، نشر عروج، تهران، ۱۳۸۷ ه ش
۶. سپهری، محمد، خورشید بی غروب، چ ۱، گلبهار، اصفهان، ۱۳۸۸ ه ش
۷. شخصیت امام رحمه الله از دیدگاه رسانه ها و متفکران جهان، سروش، تهران، ۱۳۷۲ ه ش
۸. پاک نیا / عبد الکریم / مجله مبلغان / امام خمینی^(ره) از منظر دانشمندان جهان
<https://hawzah.net/fa/Magazine/>
- ۹- خمینی، روح الله، صحیفه امام؛ ج ۱۰، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، تهران، ۱۳۷۸ ه ش
۱۰. به نقل از عصر امام خمینی، میر احمد رضا حاجتی، چ ۷، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲ ه ش
۱۱. امام و انقلاب در آیین اندیشه جهان، روابط عمومی بهزیستی مازندران، قم، ۱۳۶۹ ه ش
۱۲. دکتر منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۸ ه ش
۱۳. دیلپ هیرو، مقدمه کتاب ایران تحت حکومت روحانیان *Iran under the Ayatollahs*
۱۴. موءسسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، انقلاب اسلامی و توطئه در دهه نخستین، کودتای نوژه، بی نا، تهران، ۱۳۶۸ ه ش
۱۵. سمینار «تأثیر جهانی انقلاب اسلامی ایران پس از سی سال»، لندن، ۱۳۸۷/۱۱/۲۶، شماره:
<http://london.icro.ir/index.aspx?siteid.532288>
۱۶. مقاله، بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی در پاکستان، نوشته سید علی فاطمی،
www.bashgah.net/pages/14838

۱۷. امرایی، حمزه، انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۸۳ ه ش
۱۸. ویلیام بی کواندت، مقاله‌ای در کتاب ایدئولوژی و نمادپردازی، چ ۱، انتشارات باز، تهران، ۱۳۷۹ ه ش
۱۹. اکبری، محمدرضا؛ سیمای امام خمینی «ره»، چ ششم، انتشارات پیام عترت، تهران، ۱۳۷۸ ه ش
۲۰. اسلام جهانی شده، انتشارات دانشگاه کلمبیا، نیویورک، ۲۰۰۴ م
۲۱. جستجوی امت نو: انتشارات دانشگاه کلمبیا، نیویورک، ۲۰۰۴ م
۲۲. الگار، حامد، شکست اسلام سیاسی، انتشارات دانشگاه کلمبیا، نیویورک، ۲۰۰۴ م
۲۳. خاطرات حجه الاسلام احمد مروی در همایش علمی کاربردی تبلیغ، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به نقل از خبرگزاری فارس
- www.farsnews.com/newstext.php?nn=8811121430
۲۴. روزنامه ایران، ۱۸، اسفند ۱۳۸۸
- ۲۵-مجله تایمز دسامبر ۲۰۱۶
۲۶. مجله اسپیگل سایت:
- www.spiegel.de/politik/ausland/0,1518,677579,00.html
۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۱ خرداد ۱۳۹۴
۲۸. خبرگزاری آسوشیتدپرس
۲۹. سایت www.imam.khomini.ir پرتابل حضرت امام، کد ۵۰۰۴۱، ۲/۱۰/۹۸
۳۰. نیوزویک
۳۱. نیویورک تایمز
۳۲. سایت رسمی رادیو زمانه / <https://www.radiozamaneh.com> / سقوط پادشاهی مشروطه، پیروزی انقلاب اسلامی، یکشنبه پانزدهم بهمن ۱۳۵۷
۳۳. بانک مقالات ایران / ویژه سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی^(ره) / <https://www.edub.ir>
۳۴. رادیو بی بی سی

۳۵. اکونومیست، هفته نامه
۳۶. سایت جوان آنلاین / ۷ بهمن ۱۳۹۱ / کد خبر ۵۰۸۷۹۴
<http://www.javann.ir/0028MM>
۳۷. مصاحبه خبرگزاری مهر با تونی کارتولوچی
 ۲ / مهر ۱۳۹۲ / <https://www.mehrnews.com/>
۳۸. کیهان / ۲ بهمن ۹۷ / کد خبر ۱۵۲۹۹۵ / <https://kayhan.ir/fa/news/15299/152995>
۳۹. مجله تایم آمریکا
۴۰. جام نیوز کد خبر ۳۱۷۱۰۵ / ۱۴ مهر ۹۸ / <https://basirat.ir/fa/news/317405>
۴۱. روزنامه لوموند
۴۲. سایت؛ <https://www.google.com/amp/s/www.farsnews.ir>
۴۳. سایت؛ keyhan.ir
۴۴. روزنامه اطلاعات / ۱۱ / ۲۱ / ۱۳۶۹ / <http://www.iranpress.com/>
۴۵. ماهنامه شاهد / شماره ۱۸۴ / ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۸
۴۶. رادیو آمریکا
۴۷. ماهنامه پاسدار شماره ۳
۴۸. مجله اطلاعات هفتگی شماره؛ ۲۴۳۹
۴۹. روزنامه رسالت / شماره ۲۶۵۲ / ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۷۳
۵۰. مجله عربی حیوة الائمه / ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۵
۵۱. سایت؛ فرهنگ امروز، کد خبر ۱۱۶۴۱ سایت <https://www.farhangemrooz.com>
۵۲. سایت؛ www.spiegel.de/politik/ausland/.html
۵۳. سایت دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، ۱۹ / ۱۰ / ۸۸ (لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری، کد: ۱۰۰۱۳۰۲۷۴ / ۱
۵۴. روزنامه ایران، ۱۸، اسفند ۱۳۸۸
۵۵. هفته نامه دی سایت؛ شماره ۲۴
۵۶. نخستین گردهمایی جنبش‌های آزادی بخش در جمهوری اسلامی ایران، دی ماه ۱۳۵۸

۵۷. روزنامه الاهرام

۵۸. مجله المجله

۵۹. روزنامه الشرق الاوسط

۶۰. سایت: خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا/ کد خبر ۱۴۰۱۰۳۱۴۰۹۸۸۱

<https://www.google.com/amp/s/www.isna.ir/amp/1401031409881>

۶۱. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، فصلنامه ۱۵ خرداد، شماره ۵

۶۲. «انقلاب اسلامی و بیداری ملت‌های منطقه» نوشته: مسعود وحید،

<http://noorportal.net/90/1646/1647/28052.aspx>

۶۳. بیل، جیمز، واشنگتن، ایرنا: چهارم اسفند ۱۳۸۲ ش برابر با ۲۳ فوریه ۲۰۰۴ م

فصل چهارم

نفوذ فرهنگی انقلاب اسلامی ایران

در کشورهای دیگر

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در زمره یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های نیمه دوم قرن بیستم می‌باشد که تاکنون موضوع بحث‌برانگیز بسیاری از محافل علمی، پژوهشی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان بوده است، اما همچنان در آستانه دهه چهارم پیروزی انقلاب اسلامی، این موضوع رنگ نباخته و از رده پژوهش، تفکر و قلم در عرصه‌های علم و مقاله و یا تعامل در عرصه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی خارج نشده است.

در جهانی که تغییر و تحولات مستمر، مرزهای طبیعی جوامع را درنوردیده و سرنوشت همگان را به هم پیوند زده، انقلاب اسلامی با این گستردگی و عظمت نه‌تنها نهادها و نظام‌های یک ملت و یک قوم را در هم‌ریخته و سرنوشت و تاریخ آن‌ها را در مسیر تغییرات بنیادی قرار داده است، بلکه دامنه آن بسی فراتر از یک کشور رفته و ملت‌هایی را در سمت‌وسوی شکل‌دهی دنیای نو به حرکت درآورده و در همین راستا، برای بسیاری از دولت‌ها مسئله آفرین بوده است. مارگارت تاچر، نخست‌وزیر اسبق انگلستان، طی اظهارنظری در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی چنین می‌گوید: "ما غربی‌ها در دهه ۱۹۸۰ از وسایل نظامی و ابزار جنگی شوروی و اقمارش واهمه نداریم. زیرا اگر بلوک شرق و اعضای پیمان ورشو مجهز به سلاح‌های نظامی بوده و به ادوات مخرب و ویرانگر مسلح می‌باشند، ما نیز به سلاح‌های مدرن و پیشرفته مسلح و مجهزیم؛ لیکن از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران نگرانیم. به بیان دیگر، نه‌تنها یک ملت و یک تاریخ کهن در معرض دگرگونی قرار گرفت بلکه بسیاری از روندها، تئوری‌ها و موجودیت‌های مبتنی بر سیاست‌ها و سیاست‌گذاری شرق و غرب و ساختار تقسیم قدرت در نظام بین‌الملل آن زمان در سطوح مختلف به چالش فراخوانده شد. به گفته یکی از مفسران، انقلاب اسلامی به‌طور کلی برای آمریکا و جامعه بین‌الملل حادثه‌ای پیش‌بینی نشده بود و متحدی وابسته در منطقه را به دشمنی ناآرام مبدل ساخت. انقلاب اسلامی نه‌تنها برای بسیاری از انقلابیون و اندیشمندان متحیرکننده بود، بلکه جهانیان را نیز غافل‌گیر و متعجب کرد.

دیدگاه انقلاب شناس آمریکایی، جان فوران در این خصوص قابل توجه است. او در مقاله خود پیرامون انقلاب اسلامی چنین می‌نویسد: "حوادث دراماتیک سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۹ در ایران و طوفانی که در نتیجه آن برخاست، امواج تکان‌دهنده‌ای را متوجه ایالات متحده آمریکا، سیاست‌سازان بین‌الملل و نیز محافل آکادمیک و دانشگاهی نمود که تا به امروز نیز ادامه دارد، آنچه که به‌علاوه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم زندگی میلیون‌ها انسان را در سراسر جهان تحت تأثیر قرارداد. قبل از ۱۹۷۸ ایران جایگاهی قابل توجه را در افکار عمومی، رسانه‌های گروهی یا مراکز تحقیقاتی آکادمیک به خود اختصاص نمی‌داد."

در بررسی حوزه‌های نفوذ فرهنگ انقلاب اسلامی توجه ویژه‌ای وجود دارد. این توجه چه از سوی موافقان و چه از سوی مخالفان نشان از تحول، حرکتی نو و اتفاقی خاص در برهه‌ای از زمان دارد که موجب نفوذ این پدیده در سراسر جهان گشته است. حال با توجه به مقدمات گفته‌شده این سؤال مطرح می‌شود که «عناصر نفوذ فرهنگ انقلاب اسلامی کدام است و در کدام مناطق می‌توان آن را مشاهده کرد؟» و همچنین «راهبردهای فرهنگی مرتبط با این نفوذ کدام اند؟»

الف. عناصر فرهنگی تأثیرگذار انقلاب اسلامی

عناصر فرهنگی به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها اطلاق می‌شود که هر کدام به‌نوعی بخشی از ارزش‌ها، اعتقادات، پیام‌ها و... انقلاب اسلامی را به سایر مخاطبان در سراسر گیتی منتقل نموده است.^۱

از جمله ویژگی‌های تأثیرگذار و حیرت‌آور انقلاب اسلامی برای غرب و حتی جهان اسلام، احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان بود. نویسنده کتاب بازتاب جهانی انقلاب اسلامی در این باره چنین می‌گوید: "مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود. اسلامی که به‌زعم بسیاری

۱. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ص ۴۴، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ هـ.ش

در صفحات کهن تاریخ، فرتوت شده و از اذهان رخت بر بسته بود اینک با هسته‌ای قدرتمند و امواجی فراتر از مرزهای ملی بازگشته و به جریان افتاده بود. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که ادیان به‌ویژه دین اسلام باگذشت زمان و توسعه مدرنیزاسیون نه تنها به پایان راه نرسیده است بلکه مجدداً به‌عنوان مهم‌ترین راه نجات بشریت از ظلم و بیدادگری احیاء شده و دنیای مادی‌گرای معنویت‌گریز را متوقف ساخته و دریچه‌ای از معنویات و اعتقادات مذهبی، در راستای رستگاری و رهایی بشریت از قید قدرت‌های استعمارگر گشوده است.^۱

درواقع می‌توان مدعی بود که انقلاب اسلامی ایران تئوری‌های موجود درباره چرایی پدیده انقلاب را در جهان با چالشی اساسی مواجه ساخت؛ بستر تحلیل این تئوری‌ها مبتنی بر اقتصاد بود؛ مانند تئوری‌های مارکسیستی که بر آرا و دیدگاه‌های «مارکس» درباره وقوع یک انقلاب تأکید داشت.

استاد شهید «مرتضی مطهری» در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی درباره ماهیت و عوامل انقلاب اسلامی می‌فرماید؛ " در تفسیر و تحلیل انقلاب ما، گروهی معتقد به تفسیر تک‌عاملی هستند. یک دسته عامل را صرفاً مادی و اقتصادی، دسته‌ای دیگر عامل را تنها آزادی‌خواهی و دسته سوم عامل را فقط اعتقادی و معنوی می‌دانند. در مقابل گروهی معتقدند که در تکوین و ایجاد این انقلاب هر سه عامل به‌صورت مستقل دخالت داشته‌اند اما در کنار این نظرات نظر دیگری وجود دارد که خودمان نیز موافق آن هستیم؛ انقلاب ایران به اعتقاد بسیاری، یک انقلاب مخصوص به خود است، یعنی برای آن نظیری در دنیا نمی‌توان پیدا کرد.^۲

از این رو با پیروزی انقلاب اسلامی ایران ایده غیرممکن بودن تشکیل حکومت مبتنی بر دین و معنویت‌گرایی ممکن گشت. تحقق عملی این ایده توانست بسیاری از معادلات سیاسی و منطقه‌ای را در هم ریزد و راه برقراری حکومت دینی را برای سایر ملت‌های

۱. همان، ص ۵۲ - ۲۴.

۲. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، تهران: ۱۳۸۷، ص ۴۰.

منطقه و جهان حتی از طریق دیدگاه‌های علمی فراهم آورد؛ این راه کماکان در جلوی ملت‌ها قرار دارد.

انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر قدرت نرم‌افزاری فرهنگ و تفکر و نیز تفوق اندیشه ورزی بر ابزارانگاری، نوعی فعالیت فکری و فرهنگی را رقم زد که بر استقلال فکری و فرهنگی و اعتمادبه‌نفس ملی ملت‌های مسلمان استوار بود. چنین انقلابی که خودکفایی و خوداتکایی علمی بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی را ترویج می‌کرد، موجد نوعی جنبش نرم‌افزاری و تولید علم در جهان اسلام شد که بر حفظ فرهنگ بومی در عین بهره‌گیری از دستاوردهای تکنولوژی به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی روز تأکید می‌ورزد. انقلاب اسلامی توانست با نشان دادن ظرفیت تمدن اسلامی به‌عنوان تمدنی جامع و چندبعدی در عرصه‌های دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی و نیز بازسازی تمدنی براساس غرب پژوهی و بومی‌گرایی، طلایه‌دار گفتمان‌های جدید تعاملی و تبادلی در عرصه‌های علم، دانش، تکنولوژی و اندیشه باشد. همان‌طور که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص پیشرفت علم در انقلاب چنین فرموده‌اند: "یکی از دوستان گفتند و بنده هم این آمار را دارم، که سرعت پیشرفت علمی و تولید علم در کشور ما یازده برابر متوسط دنیاست. این را یک مرکز تحقیقاتی غربی مستقر در کانادا با جزئیاتش ذکر کرده است. البته این یازده، متوسطش است؛ در بعضی از قسمت‌ها سی و پنج برابر سرعت رشد دنیاست؛ در بعضی جاها هم کمتر است؛ متوسطش می‌شود یازده برابر. یعنی سرعت پیشرفت علمی ما در طول این ده سال پانزده سال اخیر یازده برابر سرعتی است که دنیا داشته؛ این خیلی چیز مهمی است."^۱

انقلاب اسلامی در عصر انقلاب ارتباطات و هم‌زمان با رشد شبکه‌های فراملی، موجب بازسازی فکری تمدن اسلامی گردید که بر ویژگی‌هایی از قبیل فراگیرندگی، چند مرکزیتی و مداومت و پویایی استوار بود. احترام به آزادی فکر و اندیشه هم‌زمان با

۱. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۰۲/۰۴/۱۳۸۹.

افزایش اهمیت سیاسی دین در روابط بین‌الملل، موجب افزایش تعامل و مراودات علمی میان حوزه‌های علمیه از یک‌سو و نیز میان استادان و روحانیان از سوی دیگر گردید. افزایش روحیه انقلابی‌گری در دانشگاه‌های کشورهای اسلامی و ارتقای اهمیت و نقش دانشجویان، موجبات افزایش تعاملات فکری و فرهنگی دانش‌پژوهان را فراهم آورد.

انقلاب اسلامی ایران بزرگ‌ترین نوآوری سیاسی قرن بیستم به حساب می‌آید. این انقلاب توانست با ارائه الگوی جدیدی از نظام سیاسی که در تقابل با نظام‌های موجود قرار داشت، داعیه‌دار طرحی نو برای اداره و شیوه حکومت برای مردم باشد. از سویی دیگر با تمسک به آموزه‌های دین اسلام که نقش اساسی در شکل‌دهی به انقلاب اسلامی داشت، توانست تئوری‌هایی را که علل شکل‌گیری انقلاب‌ها را در عاملی غیر از مذهب و دین جست‌وجو می‌کردند به زیر سؤال ببرد و با اتکا به آن، نظام جهانی مبتنی بر دو قطب را با چالش عمده مواجه سازد. رهاورد تأثیرگذار انقلاب اسلامی که سبب ایجاد موجی جدید در میان ملت‌های مسلمان شد، احیای دوباره گفتمان‌های به فراموشی سپرده‌شده هویت‌بخش به مسلمانان در عرصه سیاست و اجتماع بوده است.

انقلاب اسلامی ایران توانست تئوری نوینی را در کنار تئوری‌های رایج موجود درباره چرایی وقوع انقلاب ارائه دهد. از سویی این انقلاب، خط بطلانی بر آرا و نظرات اندیشمندانی کشید که چندین دهه ذهن پژوهشگران را تنها متوجه عوامل معدود و محدود شکل بخشی به انقلاب‌ها کرده بودند. انقلاب اسلامی موجب تأسیس، ایجاد و راه‌اندازی و برپایی دانشکده‌ها، بنیادها، مؤسسات، دپارتمان‌ها و حوزه‌های پژوهشی، مطالعاتی و تحقیقی جدیدی با گرایش‌های دینی، مذهبی، علمی، معنوی و سیاسی در کشورهای مختلف گردید که البته برخی در جهت شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی می‌باشد و برخی در جهت زیر سؤال بردن و برخورد و مقابله بنیان نهاده شدند که در کل منجر به تولید هزاران منبع و محتوا درباره اسلام، انقلاب اسلامی و ایران گردید.

ب. مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگ عمومی

بزرگ‌ترین نوآوری انقلاب اسلامی را می‌توان احیای گفتمان‌هایی دانست که در بطن و ذات دین اسلام وجود داشته است، اما از سوی کشورهای جهان اسلام به محاق فراموشی سپرده شده بود. گفتمان‌های هویت بخشی که به کشورهای جهان اسلام و مستضعفان عالم، قدرت و جسارت عرض‌اندام در مقابل قدرت‌های استکباری می‌داد. از شگردهای نفوذ قدرت‌های برتر در میان کشورهای اسلامی و استیلا بر آن‌ها، القای برتری فرهنگی غرب و از خودبیگانگی فرهنگی مسلمانان و درنهایت استحاله فرهنگ خودی و پذیرش بی‌چون‌وچرای فرهنگ غربی بوده است. آنان به‌خوبی دریافته‌اند که با استحاله فرهنگ دینی و ملی، نه‌تنها راه برای تسلط فرهنگ بیگانه و استیلای فرهنگی آنان فراهم می‌گردد، بلکه تسلط نظامی و اقتصادی نیز به‌واسطه تهی کردن فرهنگی کشورها امکان‌پذیر است. از این‌رو انقلاب اسلامی درصدد آن بوده تا بازنده کردن اسلام و قوانین آن و سنن و فرهنگ پسندیده ملی در کشور و الگو بخشی برای کشورهای منطقه و جهان اسلام، آنان را به بازیابی هویت‌بخش فراخواند تا در پرتو آن از سیطره بی‌چون‌وچرای بیگانگان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی جلوگیری به عمل آورد.^۱

آنچه برای یک ملت مهم، ارزشمند و در مقابل فرهنگ‌های بیگانه بازدارنده است فرهنگ دینی، ملی و آن بخش از آداب‌ورسوم پسندیده بومی است، ملتی که فرهنگ خود را حفظ نموده توانسته در مقابل هر نو تهاجمی نیز ایستادگی کند. توجه به فرهنگ اسلامی در بین دیگر ملل به‌واسطه ظهور انقلاب اسلامی شکل گرفت. "بیداری اسلامی و هویت‌یابی کشورهای اسلامی به‌واسطه پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت. انقلاب اسلامی در اعطای افتخار و ایجاد اعتماد به نفس مسلمان آنچه سنی و چه شیعه بدون توجه به ملیت و یا تمایلات سیاسی آن‌ها نقش داشته و توانایی اسلام را برای رهبری

۱. محمدرضا دهشیری، تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل، فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی، تهران، ش ۸ و ۷، ص ۱۳-۱۰.

مردم سرکوب شده به منظور مقابله با استعمار خارجی مشخص کرده است. با پیروزی انقلاب، عزت و هویت اسلامی در میان ملت‌های منطقه ایجاد شد. این احساس هویت نه فقط شیعیان بلکه حتی طرفداران اهل سنت را نیز در برمی گرفت. چراکه پیام امام خمینی^(۵) به عنوان بنیان‌گذار و معمار انقلاب اسلامی، یک پیام فراگیر و جهانی و مبتنی بر آموزه‌های ناب و گرانقدر اسلامی بود.^۱

با توجه به تجربیات (تجربه زیستی) مردم ایران در برپایی و به ثمر رساندن انقلاب اسلامی و تأثیر آن در مؤلفه‌ها و عناصر مختلفی از فرهنگ عمومی، به الگویی مؤثر برای دیگر جوامع تبدیل شد به گونه‌ای که در کشورهای مسلمان و حتی غیرمسلمان گرایش به نوع مبارزه، تظاهرات، پوشش ظاهری، استفاده از نمادها و نشان‌های انقلابی ملت ایران رواج پیدا کرد. الگوی انقلابی مردم ایران باعث خروج مسلمین و بخشی از مستضعفین از انفعال شد و الهام‌بخش و حرکت دهنده برای مبارزه آنان گردید.

ج. مؤلفه‌ها و عناصر ادبی و هنری

انقلاب شکوهمند اسلامی شجره طیبه‌ای بود که شاخسار گهربار و ثمربخشش نه تنها بر گستره جغرافیایی و فرهنگی این مرزوبوم سایه افکند، بلکه مرزهای جغرافیایی و فرهنگی ایران را درنوردید و در آن سوی مرزها نیز طلوع دوباره تمدن و فرهنگ ایرانی را نوید داد. این انقلاب که از بینش عمیق سیاسی مردم، تفکرات و تعلقات اصیل مذهبی و آرمان‌هایی چون ظلم‌ستیزی و دادخواهی تأثیر پذیرفته و بر پایه سه اصل استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی شکل گرفته بود نظام‌ها و بنیان‌های ارزشی طاغوت را در همه زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی درهم شکست و طرحی نو درانداخت. در این میان ادبیات و هنر نیز تحت تأثیر این انقلاب سترگ، دچار تحولی بنیادی شد و با رویکردی دین‌مدارانه باب تازه‌ای در تاریخ فرهنگ و هنر این کشور گشود.

او برداشت خود یا سفارش‌های صورت گرفته را چنین نگاشته است: "دوست و دشمن متفق‌اند که انقلاب ایران تأثیر به‌سزایی بر جهان اسلام و غرب داشته است. این انقلاب

۱. دارایی، علی، بیست و پنج گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، هماهنگ، تهران، ۱۳۸۳، ص ۹۲-۹۰.

برای برخی منبع الهام و انگیزش بوده است و ایران انقلابی برای گروهی دیگر، نماد تهدیدی جدی علیه ثبات خاورمیانه و امنیت غرب به شمار رفته؛ زیرا با تروریسم، گروگان‌گیری، حمله به سفارت‌خانه‌ها و افزایش میزان فعالیت‌های انقلابی مرتبط بوده است. از نظر دولت آمریکا، ایران غالباً با تروریسم جهانی و انقلاب مترادف بوده است.^۱

البته ایشان نتوانسته از واقعیت‌های موجود نیز صرف‌نظر کند لذا بخشی از آن‌ها را هرچند ناقص بیان کرده است: "ایران معاصر، نخستین دهه حیات خود را با دو هدف توأم یعنی نهادینه کردن انقلاب و صدور آن آغاز کرد. برای جمهوری نوپای اسلامی، قانونی اساسی‌ای فراهم آمد که یک حکومت پارلمانی انتخابی را تحت هدایت شرع اسلام پیش‌بینی کرده بود. آیت‌الله خمینی^(ه) مقام ولایت‌فقیه یافت. مقامات غیرروحانی هم چون مهدی بازرگان و ابوالحسن بنی‌صدر فقط برای مدتی کوتاه مسئولیت‌های موقت بر عهده داشتند و در سال ۱۹۸۱-۱۳۶۰ روحانیان اقدامات مؤثر و سریعی را برای به دست گرفتن حکومت و نهادهای اصلی آن و سرکوب مخالفان داخلی آغاز کردند؛ در نتیجه تحول چشمگیری در جامعه ایران به وقوع پیوست. یک گروه حاکم جدید، متشکل از روحانیان و فرزندان انقلاب که مورد تأیید روحانیان بودند، حکومت و کارهای اجرایی را به دست گرفتند. عمده اعضای این طبقه، دیگر از طبقه متوسط شهری و غربی شده نیستند، بلکه از طیفی برآمده‌اند که از نظر جغرافیایی، اقتصادی، تحصیلی و اجتماعی گسترده‌تر است.^۲

برای ورود به بحث ارائه یک چارچوب کلی در خصوص عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار فرهنگی می‌تواند ما را در این راه یاری نماید. می‌توانیم آن‌ها را به‌عنوان مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر افکار، اندیشه، رفتار، اراده، احساسات، تمایلات و اعتقادات مردم مسلمان و غیرمسلمان در پنج قاره جهان در چهار گروه ترسیم نماییم.

۱. جان ال. اسپوزیتو و حیمز پی. پیسکاتوری، ۱۳۸۸ انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، مرکز باز شناسی اسلام و ایران، تهران: ۱۳۸۸، چاپ سوم، ص ۳۲۵.

الف. مؤلفه‌ها و عناصر دینی

در انقلاب اسلامی ایران نه به بهانه حاکمیت ارزش‌های الهی و دینی، «انسان» و به تعبیری دیگر مردم به فراموشی سپرده شده‌اند و نه باهدف تحقق شعار «همه چیز برای انسان و نیازهای او» دستورات الهی و دینی کنار گذاشته شده‌اند. اسلام برای انسان اصالت قائل است اما نه آن اصالتی که مکاتب غربی برایش قائل هستند.

انقلاب اسلامی ایران توانسته، بدعت خطرناکی را که از سوی نظام‌های سیاسی جهان برای بشریت به ودیعه نهاده شده بود، به زیر سؤال برده و با ارائه الگویی نوین از نظام سیاسی‌ای که مبنای معرفت‌شناسانه آن با مبانی معرفت‌شناسی نظام‌های سیاسی موجود در جهان تفاوت دارد، سیاستمداران امروزی را به بازتعریفی دوباره از انسان و نیازهای او فراخواند تا شاید انسان قرن بیست و یکم به واسطه برنامه‌ریزی‌های نادرست سیاستمداران، در ورطه جنگ و جدال‌های بیهوده گرفتار نشود و در سایه ایجاد صلح جهانی، زمینه را برای ظهور و حاکمیت مصلح جهانی آماده سازد. مسلماً الگوی انقلاب اسلامی ایران برای ملت‌ها و کشورهای جهان الگویی بی‌بدیلی است و اطلاق عنوان «مردم‌سالاری دینی» دلیلی بر بی‌بدیل بودن آن در جهان است. رشد معنویت‌گرایی، افزایش گرایش و دلبستگی مردم به معنویات و توسعه فرهنگ دینی در کشورهای اسلامی، هم‌زمان با گسترش موج اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی و احیاء و نهادینه‌سازی ارزش‌های معنوی و اسلامی، موجب اعطای هویت اخلاقی، معرفتی و معنوی به جوامع مسلمان گردید زیرا انقلاب اسلامی در جهت احیای تفکر و تجدید حیات اسلامی در جهان بسیار مؤثر واقع شد و ارزش‌ها، آگاهی‌ها و باورهای دینی را رونق داد و نسبت به القای تفکر سیاسی اسلام گام‌های بلندی برداشت. ضمن اینکه در جهت ترویج معنویت‌گرایی در بین ملل به موتور محرکه‌ای تبدیل شد و در یک کلام گفتمان اسلام‌گرایی را در دنیا زنده کرد.

ب. مؤلفه‌ها و عناصر علمی و معرفتی

وقوع انقلاب اسلامی ایران سبب گردید تا بسیاری از اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان در نظرات و دیدگاه‌های خویش تجدیدنظر نمایند. غالب نظریه‌پردازان مسائل انقلاب، یا به تک عاملی اعتقاد داشتند و یا با در نظر گرفتن عوامل گوناگون در شکل‌گیری انقلاب؛ به همین دلیل برای دین و مذهب، نقش و اعتباری قائل نبودند. تا قبل از انقلاب اسلامی ایران عنصری به نام «معنویت» در تحلیل‌های سیاسی‌شان جایی نداشت، اما با بروز و ظهور انقلابی که با خود «اسلامیت» را هم به همراه داشت، ذهن این اندیشمندان از رویکرد تک‌محوری به پدیده انقلاب خارج گردید.

گذشته از معدود شاعران و هنرمندانی که چشم بر این واقعیت آفتابی بستند، هنرمندان، شاعران و نویسندگان جوانی از بطن مردم و انقلاب برخاستند که در کنار هنرمندان راستین، مسئولیت‌پذیری، تعهد، آگاهی و خدامحوری را سرلوحه هنر خویش قرار دادند و با هنرشان زبان گویای انقلاب شدند. در میان این هنرها ادبیات که آینه تمام‌نمای اوضاع اجتماعی و سیاسی روزگار است به دلیل قابلیت‌های ویژه‌اش بیشتر از سایر هنرها شاخصه‌های ادبی و فرهنگی این عصر را در خود جای داد و در واقع توانست فراز و نشیب‌های انقلاب را به تصویر بکشد. در واقع نیاز ترویج و نشر فرهنگ انقلاب اسلامی و افکار و اندیشه معمار کبیر انقلاب حضرت امام روح‌الله، قالب و ظرفیت‌های هنری است. تولیدات و محصولات هنری مروج انقلاب اسلامی از مؤثرترین وسیله ارتباطی یک مردم انقلابی با دیگر ملل به شمار می‌رود.

آثار هنری و تخیلی و اساساً هنر در کنار فلسفه و حکمت، دو زبان جاری و استوار وجودند و هر فرهنگ و تمدنی با طلایه‌داری هنر یا فلسفه و یا جمعی از آن دو، قوام می‌یابد و به تحقق می‌رسد؛ پس آثار هنری، زبان گویای جوامع زنده‌ای هستند که در طی طریق تکامل خویش، به اصلاح و انقلاب‌های درونی و بیرونی دست می‌یابند. آثار هنری و ادبی هم سخنگوی تحول و مطالبات یک قوم است و هم پرچم هویت فرهنگ. شعر به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین مآثر هنری و ادبی هر فرهنگ، مهم‌ترین بستر ظهور و

بروز این رسالت دیرینه در فرهنگ اسلامی ایرانیان است که از دیرباز جدی‌ترین ابزار و اهرم و رایج‌ترین زبان مفهومی آنان بوده است؛ در این میان، شعر فارسی که خود، رسالت احیا و بازسازی فرهنگ جامعه را به یاد آورده بود با «انقلابی شگرف در محتوا» و متن مواجه شد که می‌شود آن را «انقلاب اسلامی در شعر فارسی» بدانیم. این انقلاب هم میراث گران‌قدر شعر اصیل و متعهد فارسی را زنده کرد و هم دغدغه افق نگاه شاعران ایرانی را در مضامین دینی و اجتماعی و سیاسی، تعمیق نمود. خصوصاً که از ویژگی‌های انقلاب اسلامی، شناخت دقیق حاجات و آلام و آسیب‌های فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی بود. گرایش دوسویه شعر متعهد و انقلاب اسلامی به یکدیگر، باعث شد تا تجلیات و نقاط عطف مهم در تاریخ و سیر شعر پس از انقلاب ظاهر شود.^۱

در این میان آنچه بر بستر ادبیات و هنر این مرز و بوم تأثیر شگرف گذاشت، فرهنگ و هویت دینی بود.^۲ اما مشخصه اصلی ادبیات انقلاب اسلامی، اسلامیت و دینی بودن آن است و این همان خصوصیتی است که جنس انقلاب اسلامی را از انقلاب‌های دیگر جهان، متمایز ساخته است. این ادبیات نه با پیروزی انقلاب، بلکه در حقیقت، در نگاهی ژرف‌تر، پیش‌ترها با ظهور اسلام، شکل و قوام یافته است ... نویسندگان ادبیات انقلاب، با نوعی پالایش درونی، خود را به اندیشه ناب الهی و اسلامی نزدیک می‌سازد و باهدف پرداختن به ارزش‌های معنوی، از سوئی با رشد و تعالی اندیشه خود، بضاعت‌های فردی خود را تقویت می‌کند و از سوئی در آثاری که می‌آفریند، به طرح نیازهای اصیل بشری می‌پردازد.^۲

گفتنی است که بی‌تردید داستان انقلاب اسلامی موضوع خود را پیدا کرده است، اما هنوز شکل نهایی آن با قلم نویسندگان معتقد و مسئول آن‌گونه که بایسته است ترسیم نشده

۱. برگرفته از متن معرفی کتاب، جریان‌شناسی شعر انقلاب اسلامی، نوشته سعید علایی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷. منبع <http://www.irdc.ir/fa/book/609/default.aspx> پایگاه اینترنتی مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲. ولایتی، علی‌اکبر، مقاله خدمات متقابل ادبیات و انقلاب، بررسی تحلیلی ادبیات انقلاب اسلامی [tp://noorportal.net/1/67/68/20030.aspx](http://noorportal.net/1/67/68/20030.aspx)

و به جایگاه جهانی راه نجسته است؛ اما ادبیات انقلاب اسلامی میراث آزادی ماست و پاسداری از این میراث عظیم به عهده نویسندگانی است که معنویت و اخلاق و حقیقت را در شکلی برتر و قالبی سنجیده و زبانی زیبا و اثرگذار، به ساحت انقلاب و وارثان حقیقی آن هدیه کنند. اگر پذیرفتیم که «هیچ اندیشه و تفکری تا زمانی که به شکل هنری شایسته‌ای عرضه نشده است ماندگار نخواهد بود آنگاه هیچ استبدادی نخواهیم داشت که در عرصه ادبیات انقلاب اسلامی به داستان‌هایی بیندیشیم که زمانه را شگفت‌زده کند»^۱.

البته گستره هنر و ادبیات بسیار وسیع و متنوع است که هر کدام به‌خوبی می‌تواند مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگی انقلاب اسلامی را به سایر ملل منتقل کند و تأثیرات مثبت خود را به‌جای بگذارد؛ اما به دلایل مختلف این مهم شایسته و تراز انقلاب اسلامی به سرانجام نرسیده است. عناصر، ارزش‌ها و مؤلفه‌های انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت ذاتی ارزشمندش اگر هنرمندانه پرورش یابد و ساخته‌وپرداخته شود و در قالب فیلم، تئاتر، نمایش، سرود، شعر، ترانه، موسیقی، رمان، داستان، خاطره، کتاب و... به صورتی جذاب و فاخر عرضه شود نهاد پاک‌طینتان دیگر ملل به‌خوبی و مشتاقانه پذیرای آن خواهد بود.

مؤلفه‌ها و عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در یک نگاه

- احیای تفکر و تجدید حیات اسلامی در جهان؛
 - احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی و باورهای دینی؛
 - القای تفکر سیاسی اسلام؛
 - ترویج معنویت و معنویت‌گرایی؛
 - حرکت دهنده و الهام‌بخش بودن برای سایر ملل؛
 - ارائه‌دهنده آموزه‌های نوین نظری و علمی؛
- استاد عزیز حاج‌آقای حاجتی در کتاب کم‌نظیر عصر امام خمینی^(۵) در خصوص

۱. برگرفته از مقاله تأثیر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی بر ادبیات داستانی نوشته غلامرضا مرادی با نقل از بیانات مقام معظم رهبری، www.hawzah.net

تأثیرگذاری عمیق و بنیادی انقلاب اسلامی در عصر کنونی چنین می‌نویسد:

در قرن بیستم ماتریالیست‌های شرقی و غربی به بسط مبارزه علنی خود با دین و باورهای دینی در سطح جوامع پرداختند اما سیر تحولات تاریخی و وقوع انقلاب اسلامی ایران آن‌چنان شرایط موجود را در آخرین سال‌های قرن بیستم تغییر داد که نظریه‌پردازان بین‌المللی و جامعه‌شناسان ... با اعتراف به حیات مجدد دین در جوامع بشری به طرح نظریه «تجدید حیات دینی در قرن بیستم» به‌عنوان یک نظریه معتبر علمی، طی سال‌های اخیر پرداخته‌اند؛ از آن جمله گیدنز، جامعه‌شناس مشهور انگلیسی، در فصلی از کتاب خود با عنوان پدیده نوزایی دینی می‌نویسد: در گذشته سه گول فکری جامعه‌شناسی یعنی «مارکس»، «دورکیم» و «ماکس و بر» باکم و بیش اختلافاتی فرآیند عمومی جهانی را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم؛ یعنی فرآیند عمومی جهان روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می‌رود.^۱

البته تأثیرپذیری خاورمیانه آشکارترین نمونه‌های اثرات انقلاب اسلامی ایران است که به‌هیچ‌وجه قابل‌انکار نیست. همچنین در این بین برخی کشورها بیشتر متأثر از انقلاب بوده‌اند که از آن جمله، کشور لبنان است.

مردم مسلمان فلسطین از مدت‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی درگیر مبارزه با غاصبان صهیونیست بودند و جهت‌دهی و سازمان‌دهی این مبارزات با گروه‌ها و تشکل‌های مختلف فلسطینی بود. پس از گذشت مدتی از این فعالیت‌ها این‌گونه اندیشه‌ها و استراتژی‌ها به بن‌بست رسید و خلأ بزرگی در اندیشه مبارزه با صهیونیسم و رهاسازی بیت‌المقدس به وجود آمد که اوج این خلأ با واقعه تاریخی کمپ دیوید و صلح سادات با اسرائیل در مارس ۱۹۷۹ پدیدار شد. در چنین وضعیتی برای مبارزان فلسطینی دو راه در پیش بود؛ یا باید همه‌چیز را تمام‌شده می‌دیدند و به صلح با رژیم

۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، ج ۲۲، نشر نی، تهران، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۷۵

غاصب تن می‌دادند و یا این‌که با توجه به شکست و ناکامی گذشته طرحی نو در مبارزه ترسیم می‌کردند. در این وضع دشوار، تجربه انقلاب اسلامی با برانداختن بزرگ‌ترین حامی منطقه‌ای اسرائیل ظهور یافت و با توجه به ابعاد منطقه‌ای و جهانی آن بسیار سریع جای خود را در فلسطین پیدا کرد. حدوث انقلاب و برانداختن یکی از ستون‌های حمایت‌کننده اسرائیل، یعنی محمدرضا شاه، فلسطینی‌ها را متوجه مبانی فکری و اعتقادی انقلاب نمود.

تأثیر انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی^(۵) در فلسطین قوی‌تر از هر مکان دیگری بود؛ زیرا مسلمانان فلسطین درحالی‌که تحت اشغال وحشیانه صهیونیستی به سر می‌بردند، ناامیدتر و فروپاشیده‌تر از تمامی ملل مسلمان بودند. در چنین شرایطی، سرزمین‌های اشغالی شاهد حرکت بزرگ و عظیم بیداری اسلامی به‌عنوان بخشی از نهضت اسلامی گسترش‌یافته در منطقه بودند که با قیامت و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز شد و بدین‌سان، اسلام ثابت کرد که قادر به حرکت مردم و انقلاب و به دست آوردن پیروزی و تأسیس جمهوری اسلامی است. از همین رو، همان‌گونه که امام خمینی^(۵) به زندگی ایرانیان معنا و مفهوم بخشید، به میلیون‌ها انسان مسلمان و مستضعف نیز امید بخشید و مسلمانان فلسطین نیز احساس کردند که می‌توان اسرائیل را از میان برد.

یکی از پدیده‌هایی که تأثیر انقلاب اسلامی را بهتر از هر چیزی در فلسطین نشان می‌دهد، قیام مردم فلسطین در قالب جنبش «انتفاضه» است. این جنبش در میان سخت‌ترین شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای و محلی، همچنان در طی مسیر خود تا رسیدن به احقاق حقوق مردم فلسطین، اصرار دارد. همچنین انقلاب اسلامی موجب گسترش مفاهیم و اصول مذهب شیعه از جمله اصول جهاد، شهادت و فداکاری در راه هدف که نمادهای شیعیان و شعارهای انقلاب ایران بود، در بین طرفداران جنبش‌های اسلامی اهل سنت در فلسطین گردید.

پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی^(۶)، یکی از مهم‌ترین تحولات جهانی و منطقه در قرن بیستم به حساب می‌آید. ماهیت ایدئولوژیک و هویت اسلامی انقلاب ایران باعث شد تا نظام برگرفته از آن دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی باشد که در ابعاد بین‌المللی، از دیگر انقلاب‌ها و نظام‌های سیاسی جهان متمایز و تأثیرگذاری آن نیز بر دیگر ملل جهان به‌ویژه مردم مسلمان منطقه از یک سو و نیز بر سیاست‌های نظام سلطه جهانی از سوی دیگر، کاملاً چشم‌گیر باشد. در مقالات قبل به برخی از مهم‌ترین تأثیرات جهانی انقلاب اسلامی ایران از جمله «تغییر گفتمان انقلاب و تغییر در نظریه‌های سیاسی غالب در جهان»؛ «تغییر معادلات سیاسی جهان و فروپاشی نظام دوقطبی حاکم بر جهان»؛ «احیای ارزش‌ها و اندیشه‌های ناب اسلامی»؛ «مبارزه با صهیونیسم جهانی»؛ «بازتاب انقلاب اسلامی بر مبارزات شیعیان لبنان» و «تقویت هویت اسلامی مسلمانان» اشاره نمودیم. در این مقاله به بررسی بازتاب انقلاب اسلامی بر جهان اسلام به‌ویژه فلسطین می‌پردازیم. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دوران جدیدی از ترکیب دین و سیاست و اعتماد و عدم جدایی این دو مقوله را به‌وضوح آشکار نمود و «اسلام سیاسی» بار دیگر در عرصه نظریات مربوط به سیاست و حکومت عنوان گردید. انقلاب اسلامی ایران توانست الگوی مناسب و قابل دسترسی برای نظام‌های سیاسی که دچار سرخوردگی ناشی از بی‌هویتی دینی بودند ارائه دهد. انقلاب اسلامی ایران علاوه بر آن که توانست الگوی مناسب جهت شکل‌گیری حکومت‌های اسلامی ارائه دهد، نیز باعث تغییر و تحول در ایدئولوژی جنبش‌های مبارزاتی بخصوص در سرزمین فلسطین گردید، به‌گونه‌ای که رهبران این جنبش‌ها به این مسئله اذعان دارند که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران توانست تحول بزرگی در روش مبارزاتی آنان و شکل‌گیری جنبش‌های جدید و به وجود آمدن پیش‌زمینه‌هایی جهت برقراری یک نظام حکومتی با زیرساخت‌های اسلامی ایجاد نماید^۱. یکی از شعارهای اولیه در نهضت امام خمینی^(۷) مسئله دفاع از مظلومان بود که مسئله فلسطین و حمایت از فلسطینیان در صدر این

۱. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، ج ۶، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران،

هدف قرار داشت، زیرا که انقلاب اسلامی ایران بر باورهای اسلامی مردم استوار و مسئله فلسطین جزئی از این باورها بود. صهیونیست‌ها نیز از این موضوع آگاه بودند به طوری که ژنرال مالبرانیت که در سال ۱۳۴۰ به جای هرزوغ به ریاست اداره اطلاعات ارتش اسرائیل منصوب شده بود، پس از سفری به ایران و دیدار با مقامات بلندپایه کشوری در بازگشت به بن‌گوریون و گلدامایر توصیه کرد تماس‌هایی با خارج از محدوده هیئت حاکمه ایران برقرار شود. او متذکر شد که اسرائیل در میان مردم ایران منفور است و باید به آینده بیندیشند.^۱

با اوج‌گیری نهضت مردمی، مبارزه با صهیونیسم و محکوم کردن روابط شاه با اسرائیل یکی از وجوه مبارزه مردمی را تشکیل می‌داد. انقلابیون همواره روابط شاه و صهیونیست‌ها را مذمت کرده و مردم را به کمک مردم فلسطین دعوت می‌نمودند.

سازمان‌هایی که راه مبارزه با رژیم را برگزیده بودند، دفتر نمایندگی اسرائیل و سایر منابع آن را در ایران هدف حملات خویش قرار می‌دادند.^۲

درواقع مبارزه با صهیونیست‌ها و اسرائیل، فصل مشترک تمام مبارزین به شمار می‌رفت. در روزهای درگیری مردم ایران با نظام شاه که هنوز افق چندانی برای پیروزی و سقوط حکومت پهلوی روشن نبود، شعار حمایت از مبارزات مردم فلسطین بر زبان مردم جاری بود. به طور نمونه در راهپیمایی ۱۶ شهریور ۱۳۵۷ مردم تهران که از قیطریه به سوی میدان آزادی صورت گرفت، انبوه جمعیت در بین سایر شعارهای انقلابی و ضد شاه، شعارهایی بدین شرح درباره فلسطین سر دادند: «قم، تبریز، فلسطین»، «امروز ایران، فردا فلسطین». «پس از پیروزی انقلاب، روابط ایران با اسرائیل قطع گردید و سفارت اسرائیل به سفارت فلسطین تبدیل شد. سخنگوی رژیم صهیونیستی نیز اعلام کرد که قطع روابط سیاسی و اقتصادی میان ایران و رژیم صهیونیستی زیان‌های فراوانی به

۱. مهدوی، عبدالرضاهوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۱، چ ۲۰، امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۶. ش، صص ۲۹۲-۲۹۳
 ۲. نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، چ ۹، انتشارات رسا، تهران، ۱۳۹۸. ش، صص ۴۱۳-

اقتصاد این کشور وارد ساخته است.^۱

دولت جدید ایران نیز از همه اسرائیلی‌ها خواست فوراً ایران را ترک کنند. این حکم اخراج شامل اعضا و هیئت نمایندگی اسرائیل، آژانس یهود و اعضای هواپیمایی اسرائیل (العال) و نمایندگان شرکت‌های مقاطعه‌کار اسرائیلی می‌شد. سفارت فلسطین نیز در اسفند ۱۳۵۸ در محل سفارت اسرائیل گشایش یافت. زیاد ابو عمرو در کتاب فلسطین و جنبش اسلامی در مورد چرایی و چگونگی تأثیر انقلاب اسلامی در فلسطین، می‌نویسد: «پس از پیروزی انقلاب ایران در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۸۰ بزرگان و فعالین گرایش‌های دینی در دانشگاه‌ها حضور یافته و جوانان را به شرکت و اهتمام در مسائل سیاسی دعوت می‌کرده‌اند.

چنین دعوت‌هایی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌وضوح دیده نمی‌شده است... انقلاب اسلامی در زمینه‌های تئوری و عملی برای جنبش جهاد اسلامی از همان ابتدا منبع فکر و الهام بوده است. به نوشته فتحی شقاقی از نظر بنیان‌گذاران جهاد، امام خمینی^(۵) نه فقط سمبل و الهام‌بخش و رهبر انقلاب اسلامی ایران است، بلکه در همه‌جا این مشخصات را دارد.^۲

تمام کسانی که از مادی‌گرایی افراطی در رویکرد به غرب، نفرت و انزجار پیدا کرده بودند، با پیروزی انقلاب اسلامی شادمان گشتند، تشویق شدند و روحیه و هویت جدیدی یافتند. در حقیقت انقلاب اسلامی برای آن‌ها الهام‌بخش بود و موجب حرکت‌های نوین و قابل‌ملاحظه‌ای در جهان اسلام شد پیروزی انقلاب اسلامی، آموزه‌های جدیدی در بعد نظری و عملی در اختیار آن‌ها قرارداد که از مواضع انفعال خارج شدند و خود را در حالت تهاجمی و دارای نقش بازیگری یافتند.

۱. بی‌نا، تقویم تاریخ انقلاب اسلامی ایران، سروش، تهران، ۱۳۷۰هـ.ش، ۵۶-۵۸، ص ۴۵.

۲. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (<https://psri.ir/?id=2dnlwti>)

فعالان اسلامی نیز در سراسر جهان توانستند خودشان را با بسیاری از اصول ارزشی انقلاب اسلامی هم خوان و هم‌نوا ببینند. در میان این اصول چندی را می‌توان نام برد:

۱. طرح مجدد اسلام به‌عنوان مجموعه کاملی از شیوه زندگی؛
 ۲. اعتقاد به این اصل که مدل غربی جدایی دین از سیاست موجب ایجاد مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی جوامع اسلامی بوده است؛
 ۳. این عقیده که قدرت و موفقیت مسلمانان در بازگشت به اسلام، که براساس وعده و تضمینی الهی می‌باشد، تنها جایگزین مناسب سرمایه‌داری غربی و سوسیالیسم و مارکسیسم شرقی است؛
 ۴. طرح مجدد شریعت به‌عنوان قوانین الهی برای ایجاد جامعه مطلوب و برقراری جامعه‌ای بر پایه عدالت اجتماعی و اخلاقیات؛
 ۵. طرح مجدد جهاد مقدس علیه همه بت‌ها و آمادگی برای شهادت در راه خدا به عنوان تنها راه مبارزه و پیروزی.
- آبراهامیان^۱ تاریخ‌نگار ارمنی ایرانی است. او در سال ۱۳۲۹ به انگلیس مهاجرت نمود و به سال ۱۳۴۲ درجه کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه آکسفورد دریافت کرد. آبراهامیان پس از مهاجرت به آمریکا موفق به گرفتن دکترای خود، در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه کلمبیا شد؛ و در دانشگاه‌های پرینستون و آکسفورد به تدریس «تاریخ ایران» پرداخت و هم‌اکنون در کالج باروک دانشگاه شهر نیویورک^۲ به تدریس تاریخ جهان و خاورمیانه مشغول است. آبراهامیان در مقوله «تاریخ ایران معاصر»، از برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران محسوب می‌شود. شاخص‌ترین آثار او «ایران بین دو انقلاب» انتشارات پرینستون، سال ۱۹۸۲ آمریکا، «اسلام رادیکال: مجاهدین ایرانی» که سیرتاریخچه و شکل‌گیری سازمان منافقین را بررسی می‌نماید، سال انتشار ۱۹۸۹، «خمینیسم: نوشتارهایی درباره جمهوری اسلامی» چاپ ۱۹۹۳ در آمریکا، بر این اعتقاد است که

۱. ارواند آبراهامیان (متولد ۱۳۱۹ در تهران

یکی از نکات قابل توجه در خصوص انقلاب اسلامی ایران، توانایی بالای گفتمان اسلام‌گرایی در خلق یک ذهنیت جدید بود. یعنی پرورش یک مسلمان به عنوان یک عنصر سیاسی ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی. اصولاً مسلمان بودن به معنای ضدیت با پهلوی، آمریکا، صهیونیسم و در نهایت حمایت از امام^(ع) و جمهوری اسلامی بود.

روند بازتاب‌های انقلاب اسلامی با تحولات درونی و فراز و نشیب‌های داخلی و همچنین تحولات نظام بین‌الملل دچار تحول شده است. با عنایت به موارد فوق، متن حاضر به پنداشت‌هایی استوار است که در پیوستگی درونی با یکدیگر قرار دارند.

با وجود تمام سوء برداشت‌ها، برآوردها و برخوردهای غرب به عنوان مرکزیت نظام بین‌الملل، انقلاب اسلامی با به چالش کشیدن این گفتمان، بسیاری از عناصر مرکز محوریت غرب را تحت تأثیر قرار داده است.

بازیگران نظام بین‌الملل^۱ محیط بازی و قواعد نظام بین‌الملل تحت تأثیر این انقلاب قرار گرفته و عکس‌العمل نشان داده‌اند. غرب‌ستیزی و گفتمان رقیبی که اسلام سیاسی ارائه داده، بنیادهای نظام دولت - ملت را هدف قرار داده است و در پی ستیز با نظم کهن به دنبال ایجاد نظمی جدید برای اسلام و براساس اصول اسلامی می‌باشد.

انقلاب اسلامی با احیای تفکر اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی برجسته ساخته و عنصر هویت اسلامی را به عنوان واقعیتی پذیرفته‌شده در برابر هویت غربی جهان شمولی که اندیشه غرب ارائه می‌دهد قرار داده است.

هرچند انقلاب اسلامی ایران با احیای اسلام و تفکر اسلام سیاسی، خود را در مقابل غرب و فشارهای شدید نظام بین‌الملل قرار داد، اما همین امر، غرب را در شناخت بهتر و جامع‌تر اسلام ترغیب کرد و مطالعات اسلامی و اسلام‌شناسی به سرعت جای شرق‌شناسی را گرفت.

۱. قدرت‌های بزرگ و صاحبان قدرت

گفتمانی که انقلاب اسلامی ایجاد نموده، قادر به تبیین یک نظریه کلان سیاسی می‌باشد.

بخش عمده‌ای از ادبیات مطالعات انقلاب اسلامی به بررسی ابعاد نظری و علل پیدایش و ظهور انقلاب معطوف شده است. نوشته‌های پژوهش‌گرانی هم چون اولیور روا، جیمز دو فرونزو، باری روزن، اسکاچپول، اسپوزیتو، همایون کاتوزیان، فرهاد کاظمی، سعید امیر ارجمند، حامد الگار و ... در این مجموعه قرار می‌گیرند. بخش عمده‌ای از نوشته‌ها نیز به سیاست‌های ایران و تحولات داخلی ایران پس از انقلاب پرداخته و روابط جمهوری اسلامی ایران را با قدرت‌های بزرگ مورد بررسی قرار داده‌اند. غالب پژوهش‌ها به رفتار خارجی ایران و اعمال سیاست خارجی پرداخته‌اند. بخش فوق‌با بیشترین تنگ‌نظری و نقد مواجه شده است؛ برای مثال نوشته‌های خلیل زاد و فرهاد هالییدی به وضوح تحلیل‌های یک جانبه‌ای از انقلاب ارائه نموده‌اند.

عامل ثابت دیگر انقلاب اسلامی که آن را به جنبش‌های احیای اسلامی پیوند می‌زند، جاذبه ضد امپریالیستی انقلاب است. برخی در جهت اهدافی که دنبال می‌کردند و می‌کنند؛ تحلیل‌های خود را به افکار عمومی منقل می‌نمودند. از جمله این تحلیل‌ها مقاله‌ای است که توسط جان ال اسپوزیتو و جیمز پیسکاتور تحت عنوان بازتاب جهانی انقلاب ایران چشم‌انداز خط‌مشی‌ها نوشته شده است.

شوسیا سفیر جمهوری دموکراتیک آلمان در افغانستان (دوران جهادی) معتقد بود که نفوذ ایران در افغانستان برای حکومت کابل خطرناک‌تر از نفوذ پاکستان است زیرا که نفوذ مذهبی ایران بر جمعیت شیعه و اینکه عنصر مذهب در ایالات هم‌مرز با ایران و ایالاتی که قسمت اعظم منطقه کوهستانی مرکز را تشکیل می‌دهند، مسلط می‌باشد.^۱

دکتر مهدی، استاد سابق دانشگاه و عضو شورای متحد ملی به ابعاد بزرگ و جهانی انقلاب ایران اشاره می‌کند و می‌گوید:

۱. محمدی، منوچهر، مقاله بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، فصلنامه تخصصی ۱۵ خرداد، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۴ صص ۷۷ تا ۱۱۵

انقلاب اسلامی ایران علاوه بر دستاوردهای کلان برای ملت این کشور، در برجسته ساختن نقش ایران در میان کشورهای اسلامی نیز اثرات شایانی داشت، طوری که اکنون بسیاری از اندیشمندان کشورهای اسلامی از افکار و اندیشه‌های دانشمندان و فرهنگیان ایرانی تأثیر می‌پذیرد.^۱

انقلاب اسلامی ایران اثرات مختلفی را بر گروه‌های مسلمان در جنوب شرقی آسیا، کشورهایی چون مالزی و اندونزی و ... داشته است تأثیرات بیشتر غیرمستقیم بوده که منجر به برانگیختگی ایدئولوژی اعتقادی و سیاسی شده است. این خیزش‌ها در برخی موارد موجب تشدید فعالیت، حکومت‌های محلی در نظارت بیشتر و یا سرکوب جنبش‌های اسلام‌گرا گردیده است. جان اسپوزیتو در خصوص بازتاب انقلاب در فیلیپین می‌نویسد؛ در فیلیپین، ایران با حمایت معنوی و پشتیبانی از مبارزه جبهه آزادی‌بخش ملی مورو گرایش‌های سیاسی از پیش موجود را قوت دوباره‌ای بخشیده است.^۲

لازم به ذکر است که انقلاب اسلامی ایران تأثیرات عمیقی در حیات فکری مسلمانان در جنوب شرقی آسیا و از جمله اندونزی بر جا گذاشته است. ترجمه و نشر آثار امام خمینی^(ع)، شهید مطهری و دیگر متفکران ایرانی باعث رایج شدن تدریجی گفتمان اسلامی در منطقه گردید. البته محدودیت‌هایی از سوی مقامات آن کشور اعمال می‌گردید. در زمینه توصیف انقلاب و نقش امام آثار متعددی به چشم می‌خورد و آثار کسانی که در تدوین ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران مؤثر بوده‌اند در اندونزی دارای بازار خوبی است.

انقلاب اسلامی ایران برای بسیاری از مسلمانان جنوب شرقی آسیا به‌مثابه منبعی الهام‌بخش تلقی گردید.

انقلاب در ابتدا به‌منزله نمونه‌ای از پیروزی انقلاب اسلامی بر طاغوت و حامیان سلطه‌گر در رأس آن آمریکا موجب ایجاد زمینه‌هایی شد تا واکنش‌های عمومی نسبت به انقلاب

۱. انقلاب اسلامی و بیداری ملت‌های منطقه، همان

۲. اسپوزیتو، جان، آینده اسلام، مترجم مهدی امینی، چ ۱، نشر ثالث، تهران، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۲۶

اسلامی بسیار مثبت باشد و رهبران مذهبی را مجذوب نماید. به دنبال این توجه و استقبال بر آن شدند تا با دفاع از ترویج قوانین مذهبی حوزه تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی را گسترش دهند. بازتاب انقلاب موجب رشد و تقویت حرکت‌های اسلامی در کشورهای خاور دور گردید. تأثیرگذاری فرهنگی انقلاب به جهت هماهنگی با فطرت انسانی پیامدهای زیر بنایی داشته، که اثرات مثبت آن در اقصی نقاط جهان هم‌اکنون قابل لمس می‌باشد.

حتی بازتاب انقلاب در ژاپن نیز ملموس است در این باره آقای توشیو کوردا محقق و تازه‌مسلمان ژاپنی در مصاحبه با یکی از روزنامه‌های کشور چین می‌گوید:
قبل از انقلاب اسلامی ایران هر کتابی که با عنوان و محتوای اسلامی در ژاپن چاپ می‌شد دارای تیراژی کمتر از هزار نسخه بود. الحمدلله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کتاب‌های اسلامی در ژاپن رو به گسترش رفته است. مدتی پیش کتابی در مورد روح و معنویت اسلام به زبان ژاپنی نوشتم که در عرض یک ماه بیش از بیست هزار نسخه آن فروش رفت.^۱

تأثیر فرهنگی انقلاب اسلامی در عربستان بیشتر بر تحول مراسم حج و حاجیان کشورهای مختلف بوده است.

- ✓ خلق گفتمان اسلام‌گرایی؛
- ✓ تقویت غرب‌ستیزی (غرب سلطه‌گر)؛
- ✓ برجسته‌سازی نقش اسلام در زندگی اجتماعی و سیاسی؛
- ✓ ترغیب اندیشمندان غربی به مطالعه و شناخت اسلام؛
- ✓ ایجاد جو و جاذبه ضد امپریالیستی در جهان؛
- ✓ ارتقای سطوح فکری، اندیشه‌ای و فرهنگی اسلامی؛
- ✓ نهادینه نمودن نتیجه موفق مبارزه با ستمگران؛

- ✓ داشتن پیامی نو برای دنیا و بشریت؛
 - ✓ الگوگیری مسلمانان و برخی مردم دیگر کشورها در نوع پوشش و ظواهر؛
 - ✓ گرایش و تشرف پیروان سایر ادیان به دین اسلام؛
 - ✓ یادگیری روش‌های مبارزه، تظاهرات، تجمعات و...؛
 - ✓ ایجاد اعتمادبه‌نفس در بین مسلمانان در جهت اعتقاد به مبارزه و پیروزی؛
 - ✓ معرفی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت؛
 - ✓ بهره‌گیری از هنر و ادبیات متعهد در جهت ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی.
- "انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تحول تازه‌ای در سیاست خارجی ایران ایجاد کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محتوای اسلامی انقلاب ایران را حرکتی برای پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران می‌داند که در این راستا گسترش روابط با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی، راه را برای تشکیل امت واحد جهانی هموار می‌سازد...^۱
- با توجه به مؤلفه‌های ذکر شده، عناصر و مصادیق تأثیرگذار در هر یک از قاره‌ها به تفکیک بیان خواهد شد.

الف) آسیا

عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای آسیایی

- ✓ نقش مؤثر انقلاب اسلامی در ایجاد و ظهور جنبش‌ها، گروه‌ها، بنیادها، مؤسسات و تشکل‌های سیاسی و مذهبی در اکثر کشورهای اسلامی در آسیا؛
- ✓ تقویت و تشدید حرکت‌های اسلامی در جهت برپایی شریعت اسلامی متکی بر جهاد مردمی؛
- ✓ انقلاب اسلامی به‌عنوان منبع الهام‌بخش به مسلمانان در جهت رشد و تجدید حیات اسلام؛
- ✓ بروز و تشدید احساسات ضد اسرائیلی (صهیونیستی) در جهان عرب و دیگر

۱. منوچهر محمدی، همان، ص ۳۲۰.

- ✓ کشورهای آسیایی؛
- ✓ افزایش قدر و منزلت و ارزش فرهنگ قدس در بین مسلمانان با توجه به تعیین روز قدس توسط امام خمینی^(ه)؛
- ✓ ایجاد تنفر و انزجار بین مسلمین نسبت به سران سازش کار و وابسته به غرب؛ شکست ابهت امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم جهانی در بین مسلمانان و دیگر کشورهای آسیایی؛
- ✓ احیای اسلام و پیاده شدن احکام اسلام از طریق رهبری حضرت امام خمینی^(ه)؛
- ✓ تقویت بیداری و آگاهی اسلامی مخاطبان؛
- ✓ تقویت گروه‌های مبارز لبنانی و فلسطینی و ظهور استراتژی مؤثر انتفاضه در فلسطین و مقاومت اسلامی در لبنان؛
- ✓ ایجاد اعتماد به نفس در بین مردم مسلمان به‌ویژه جوانان در همه کشورهای عربی و اسلامی آسیایی؛
- ✓ الگوگیری مسلمانان از انقلاب اسلامی؛
- ✓ نهادینه شدن فرهنگ مقاومت، ایثار، پایداری و شهادت در کشورهای مختلف؛
- ✓ ایجاد امید در میان مسلمین به دلیل پیروزی انقلاب و تثبیت و ادامه آن؛
- ✓ تأثیر عمیق انقلاب در احیاگری اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز؛
- ✓ ایجاد ترس و وحشت در حاکمان وابسته کشورهای آسیایی نسبت به تأثیرپذیری مردم کشورها از انقلاب اسلامی؛
- ✓ تغییر گفتمان رایج اسلامی در منطقه؛
- ✓ ایجاد انگیزه در مردم برای تحرک بیشتر در راه اسلام؛
- ✓ ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی نسل جوان شیعیان و اهل سنت در کشورهای مسلمان؛
- ✓ تأثیر انقلاب اسلامی در رفتار اسلامی و پوشش اسلامی زنان مسلمان؛
- ✓ خیزش عمومی در کشورهای مسلمان در حمایت از ملت فلسطین.

- ✓ ایجاد ارتباطات دوستانه با کشورهای مسلمان.
- ✓ رهاندن یمن، لبنان، سوریه، عراق و. از چنگ امپریالیست جهانی و شکست مفتضحانه هیمنه پوشالی دشمن غربی.
- ✓ ایجاد نظم نوین منطقه‌ای با محوریت قدرت‌های اسلامی.
- ✓ ایجاد قدرت بازدارندگی برای هر قدرتی در منطقه به گونه‌ای که بدون خواست و نظر ایران اسلامی هر عملیاتی محکوم به شکست است.
- ✓ کوتاه کردن دست بیگانگان از منابع طبیعی در منطقه.
- ✓ بالا بردن سطح بصیرتی ملت‌های مسلمان به طوری که منطق مبارزه بهینه‌تر از سازش تلقی می‌کنند و برای این اصل به‌مانند یمن و عراق و حزب‌الله و. سال‌های متمادی مبارزه می‌کنند.

به اعتراف مخالفان و موافقان انقلاب اسلامی، بیشترین تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در جهان اسلام و کشورهای عربی قابل مشاهده است. در بخشی از این مناطق، انقلاب اسلامی منبع الهام و تحرک و برای برخی دیگر انقلاب اسلامی ایران و امواج حاصل از آن منبع تهدید جدی برای آنان محسوب می‌شود. هراس دولت‌های خاورمیانه و عرب، ناشی از جنبه‌های ارزشی و ناب انقلاب اسلامی بوده است؛ اما غافل از این که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی فراتر از چند منطقه ذکر شده می‌باشد یعنی تأثیرگذاری جهانی.

- صاحب‌نظران زیادی بر این اعتقادند که تأثیرات انقلاب اسلامی بر تجدید حیات هویت دینی بشر بسیار عمیق می‌باشد. دکتر سعید محمد الشهبانی سردبیر مجله معروف و پرتیراژ العالم چنین گفته است: انقلاب اسلامی ایران نه تنها در جامعه اسلامی بلکه در اکثر جوامع تأثیر اساسی و بنیادی داشته است. بی شک طی بیست سال گذشته هیچ حرکتی به اندازه انقلاب ایران نتوانسته بر جامعه بشری تأثیر گذار باشد، دین نقش اساسی و حیاتی در اجتماع دارد و انقلاب اسلامی این نور را بر بشریت تاباند و روشنی بخشید." او همچنین می‌گوید: انقلاب اسلامی سبب شد تا روشن‌فکران و متفکرین ضرورت توجه به مسائل دینی و تأثیر آن بر وجدان بشریت و افکار سیاسی- اجتماعی را به خوبی

موردتوجه قرار دهند. ما در عصر انقلاب اسلامی شاهد رجوع و تمسک مسلمین و غیر مسلمین به اهل دین شدیم.^۱

حج، فضایی که در آن، انقلاب اسلامی فرصت یافت تا سفیرانش (حاجیان ایرانی) بتوانند رودررو با حاجیان دیگر کشورها به انتقال پیام انقلاب اسلامی، امام خمینی^(ع)، رهبر معظم انقلاب بپردازند؛ و میان میلیون‌ها حاجی، تعدادی به انتقال‌دهنده پیام انقلاب اسلامی به کشورهایشان باشند. در این بین با تحول پیش‌آمده، کم‌کم روحیه حاجی‌ها تغییر کرده و برخی در معرض این بام‌ها، مبادرت به تبری و برائت از ستمگران عالم و در رأس؛ آمریکا و رژیم صهیونیستی نمودند. تنها علت این تحول، برخورد فرهنگی حجاج ایرانی و پیام فرهنگی انقلاب است.

از جمله کشورهایی که از انقلاب اسلامی تأثیر گرفت کشور بحرین بود که دارای اکثریت شیعه می‌باشد این تأثیرپذیری در اثر ارتباطات اتباع دو کشور و علاقه شیعیان بحرین به امام خمینی^(ع) و ارادت به اهل بیت^(ع) نشأت می‌گرفت؛ اما دشمنان انقلاب به خاطر انحراف در تحولات به وجود آمده اتفاقات داخلی کشورها را ضمن بزرگ‌نمایی به دخالت دیگران ربط می‌دادند. از آن جمله دیدگاه‌های ویلیام بیکواندت، نویسنده مقاله، دیدگاه‌های عربستان سعودی درباره انقلاب ایران می‌باشد. او در نظراتش چنین بیان می‌کند:

" ملموس‌ترین نمود تلاش ایران برای صدور انقلاب به سمت بخش عرب نشین خلیج فارس در دسامبر ۱۹۸۱ آغاز شد؛ یعنی زمانی که مقامات بحرینی خبر دستگیری حدود شصت عرب را اعلام کردند. این افراد برای فنون خرابکاری در مرکزی نزدیک اصفهان آموزش دیده بودند. اگرچه اطلاعات محدودی درباره برنامه‌های کسانی که دستگیر شده بودند، اعلام شد ولی به نظر می‌رسد که آنان کودتایی مدنظر داشتند و برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که نیروی دریایی ایران آماده بود تا اگر توطئه گران دست

۱. حاجتی، میر احمدرضا، عصر امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۹.

به اقدام زدند به حمایت از آنان وارد شود. در پایان، توطئه آشکار شد، ولی همین واقعه هراسی فوق‌العاده در سراسر خلیج (فارس) پدید آورد. پس‌از آن و طی چند هفته، عربستان سعودی و بحرین اعلام کردند که یک پیمان امنیتی امضاء کرده‌اند.^۱ وقوع انقلاب اسلامی تأثیر عمیقی بر احیای اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز بر جا گذاشته است. گزارش‌های زیادی نشان می‌دهد که در اکثر قشرهای این منطقه تمایل به مذهب به‌ویژه اسلام رو به رشد بوده است و به‌رغم بیش از نیم‌قرن آموزش و القای تئوری‌های حزبی و طراحی‌های اجتماعی و اقتصادی که با حمایت دولت و سرکوب شدید اسلام صورت می‌گرفت، نه‌تنها ایده انکار خداوند و عدم فایده مذهب به شکست انجامید بلکه مردم آشکارا و رسماً به‌سوی مذهب و اسلام گرایش می‌یابند.

خانم پروفیسور المیرا عضو هیئت تحقیقات زنان آذربایجان می‌گوید: «هر جا تمایلی به‌حق در آنجا باشد نام امام خمینی^(ره) در آنجا هست»

تهاجم شوروی و اشغال افغانستان در سال ۱۹۷۹، در زمره معدود مواردی در جهان اسلام بوده است که غرب و جهان اسلام هر دوی یک اندازه با آن مخالفت ورزیدند. البته نوع مخالفت‌ها فرق می‌کرد مخالفت جهان اسلام، مخالفت با سلطه‌گری و ظلم و بی‌دینی بود اما مخالفت غربی‌ها در راستای منافع مادی و سلطه‌گری بود. لذا نوع تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در افغانستان از دید نویسندگان غربی مطابق منافع خاص نوشته و نشر می‌یابد از جمله آن‌ها کتاب الیویه‌روا است.

الیویه‌روا در کتاب خود مجاهدین و آینده افغانستان بر این نظر است که به‌رغم مجاورت افغانستان با ایران، بازتاب کلی انقلاب بر مجاهدین که اکثر آنان سنی هستند، جزئی بوده و تأثیر ایران در میان شیعیان که تقریباً ۱۵ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند، بسیار محسوس‌تر بوده است، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نه‌تنها افغانستان، بلکه مسلمانان جهان را بیدار ساخت.

۱. ویلیام بی کواندت، مقاله‌ای در کتاب ایدئولوژی و نمادپردازی، چ ۱، انتشارات باز، تهران، ۱۳۷۹ ه.ش، ص ۸۵.

مولوی مختار مفلح، رهبری حزب نهضت آزادی اسلامی و مدیرمسئول مجله "فکر" به این باور است که امام خمینی یک رهبر بزرگ اسلامی در جهان معاصر است و بسیاری از جنبش‌های اسلامی از افکار و اندیشه‌های ایشان الهام گرفته‌اند.

وی در مورد شخصیت امام خمینی می‌گوید:

«او دیدگاه اش از مرزهای قومی، مذهبی و جغرافیایی فراتر می‌رفت و تنها بر جهان اسلام می‌اندیشد.^۱»

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به اسلام و هویت دینی در میان مردم افغانستان، به‌ویژه شیعیان این کشور افزایش یافت و به‌شدت تقویت شد. قیام‌های مردمی در شهرهای هرات (۱۷ مارس ۱۹۷۹) و کابل در (ژوئن ۱۹۷۹) نمونه‌های اولیه و مهم از شیوه‌های جهادی مردم مسلمان ایران بود که فضای مبارزه مردم مسلمان افغانستان را دچار تحولی بنیادین کرد.

عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای آمریکایی

- برهم خوردن تئوری انقلاب‌ها با ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی در غرب؛
- جلب توجه اندیشمندان، اندیشه‌ورزان و نخبگان به‌سوی اسلام در غرب؛
- واکنش تهاجمی سران نظام سلطه در برابر انقلاب اسلامی به‌منظور جلوگیری از نفوذ آن؛
- به چالش افتادن مکاتب مادی در مقابل انقلاب اسلامی؛
- حساسیت افکار عمومی غرب نسبت به اسلام بعد از پیروزی انقلاب؛
- وحشت سران نظام سلطه در آمریکا از انقلاب اسلامی؛
- رویکرد دینی و بروز علائم آن در مرکز تمدن غرب (آمریکا) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی؛

۱. سایت: شورای فرهنگی قدس شریف، ۰۵ قوس ۱۴۰۱، کد خبر ۸۵۶۵، <https://qudcouncil.com/?p=8565>

- گرایش سران آمریکا به مذهب و به‌کارگیری الفاظ مذهبی در سخنرانی‌ها؛
 - گرایش مطبوعات آمریکا به طرح مسائل دینی؛
 - توجه ویژه به معنویت و عقاید مذهبی؛
 - افزایش تولیدات هنری و بصری به‌ویژه تولیدات سینمایی و تلویزیونی با مضامین مذهبی و دینی؛
 - افزایش شمارگان و فروش کتاب‌های مذهبی در آمریکا؛
 - توجه به اعتقادات و مسائل مذهبی در درمان‌های پزشکی؛
 - تشکیل کرسی و دپارتمان‌های علمی در دانشگاه‌های آمریکا با گرایش به مضامین دینی و معنوی، فلسفی و تعامل علم و دین؛
 - گرایش دانشجویان به مراسم عبادی و نیایش در آمریکا؛
 - تأسیس مراکز و مساجد اسلامی در کشورهای آمریکای لاتین؛
 - گرایش مردم کشورهای آمریکای لاتین به تولیدات فرهنگی اسلامی.
 - افزایش تشرف مسیحیان و پیروان سایر ادیان در غرب به دین مبین اسلام.
- حرکت بیداری اسلامی به دنبال انقلاب اسلامی ایران غرب را با پدیده‌ای مذهبی مواجه کرد که گرچه فی‌نفسه جدید نبوده و سابقه تاریخی ۱۴۰۰ ساله دارد، اما با شناخت غرب از مسائل بین‌المللی و برداشت نادرستشان از حرکت‌های مذهبی و به‌خصوص اسلامی، مطلقاً برای آن‌ها قابل توجه نبود و رهبران و مفسران غربی را غافلگیر کرد. شخصیت‌های زیادی در قلب نظام سلطه دیدگاه‌های خود را در خصوص انقلاب اسلامی به‌خوبی و محکم بیان کرده‌اند این ابراز نظرها تأثیرات خوبی در مخاطبین مختلف در دنیا داشته است.^۱
- تمام سخن در اینجا است که تمدن مادی دستگاهی است که تزینی از ویژگی‌های اوست چون با اغفال بشریت به دنبال استثمار نوین آنان می‌باشد؛ انقلاب اسلامی که

۱. مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد: ۲، صفحه: ۴۵۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.

چشم بشریت را به سوی واقعیت گشوده است بزرگ‌ترین خطر برای آن می‌باشد و تمدن مادی را در سراشیب سقوط قرار داده است. ایالات متحده آمریکا براساس شهادت واقعیت‌های موجود و اعتراف شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و ... به شدت گرفتار مشکلات پیچیده‌ای است که آینده این کشور را تیره‌وتار نموده است.^۱

اکتاویوپاز، نویسنده معروف غربی و برنده جایزه ادبی نوبل، طی مقاله‌ای با عنوان امپراتوری دموکراسی (آمریکا) در سراشیب سقوط می‌نویسد:

«چشم‌انداز آمریکا به هیچ‌وجه روی نوید و آرامش را نشان نمی‌دهد».

لذا مشاهده می‌کنیم که انقلاب اسلامی تمدن مادی غرب را در حال غروب و افول قرار داده است و همه سروصدهایی که به گوش می‌رسد، سروصدای تمدن در حال عقب‌نشینی از میدان جامعه جهانی است.^۲

بابی سعید می‌گوید:

از مجموع کابوس‌های بسیاری که هرچند وقت یک‌بار در تمدن غربی پیداشده، شاید هیچ‌یک به اندازه اسلام در عصر حاضر گیج‌کننده‌تر، عجیب‌تر و غیرقابل جبران‌تر نبوده است.

دانیل پایپس رئیس انستیتو پژوهش‌های سیاست‌های خارجی آمریکا در سمینار پاییز ۱۳۶۸ در استانبول ترکیه گفت:

امروز ایران به مشابه یک آزمایشگاه است. اگر این تجربه موفق شود، جسارت مسلمانان کشورهای دیگر هم بیشتر خواهد شد. ما تا ده سال پیش حساسیت خاصی نسبت به اسلام نداشتیم، اما امروز این‌طور نیست و همه ما نسبت به این پدیده جدید در ایران باید با حساسیت بیشتری برخورد کنیم. امروز مسلمین جهان به ایران نظر دارند و از آن الگوبرداری می‌کنند.

۱. هاشمی، سید محمدسرور، ۱۳۹۸، نقد و بررسی محتوایی «هراس بنیادین» بابی سعید با تکیه بر بنیادگرایی و

اسلام‌گرایی، <https://civilica.com/doc/1589561>

۲. ابوالخیر، علی، انقلاب اسلامی از انقلاب تا حکومت، ج ۱، دفتر نشر معارف، تهران، ۱۳۹۳، ص ۵۷

بی‌تردید انقلاب اسلامی امام خمینی^(۵) نه تنها تصویر تازه‌ای از اسلام در اروپا ارائه کرد بلکه زندگی مذهبی غیرمسلمانان را هم دگرگون ساخت؛ به عبارت دیگر، امروز حتی در اروپا نیز مذهبی بودن ارزش و معنای تازه‌ای یافته است. این عبارت را رئیس‌جمهور سابق اتریش در یک سخنرانی بیان کرد که انقلاب اسلامی به تمامی افراد مذهبی اعتبار و اتکابه‌نفس تازه‌ای ارزانی داشت، این مقاله برای کنفرانس اندیشه اسلامی در تهران ارسال شده بود.

در سال‌های اخیر " درس علم و دین در تعداد زیادی از دانشگاه‌های آمریکایی و اروپایی عرضه شده است و طبق برآورد مجله *New scientist* پر رشدترین رشته علمی بوده است. یک دهه پس از صدور پیام تاریخی امام^(۶)، گورباچف در اعتراف به تیزبینی حضرت امام خمینی^(۷) و تطابق مفاد پیام ایشان با واقعیت‌های عصر حاضر اظهار داشت: اگر ما پیش‌گویی‌های آیت‌الله خمینی^(۸) را در آن پیام جدی می‌گرفتیم امروز قطعاً شاهد چنین وضعیتی «فروپاشی شوروی، ضعف روزافزون روسیه و... نبودیم» آیت‌الله خمینی^(۹) توانست اثر بزرگی در جهان بگذارد، من معتقدم ایشان فراتر از زمان می‌اندیشید و در بعد مکان نمی‌گنجید.^۱

مرحوم پرفسور عبدالجواد فلاطوری استاد دانشگاه کلن آلمان و رئیس وقت آکادمی علوم اسلامی شهر کلن در گفتگو با پرفسور متس، استاد دانشگاه کلن آلمان پیرامون پدیده نو جهانی (انقلاب اسلامی) متنی را از ایشان نقل کرده است:

انقلاب اسلامی ایران برای اولین بار در مقابل تمام ارزش‌های فرهنگی ما در غرب علامت سؤال قرار داده است؛ یعنی ما فکر می‌کنیم که در فرهنگ ما عیب و نقصی بوده است که نتوانسته در دنیا موفق بشود و در واقع این‌یک نوع شکستی برای فرهنگ غرب به حساب می‌آید.

این‌ها می‌گویند این انقلاب در قلب ابرقدرت‌ها، خصوصاً آمریکا، ترس و وحشت ایجاد کرد و آن‌ها به‌ناچار به دنیا مقداری آزادی دادند و از همین‌جا بود که تقریباً بعد از تثبیت انقلاب، بعد از سال‌های «۸۰ تا ۸۳»، حکومت‌های دموکراسی در آمریکای جنوبی شکل گرفت و سیاست آمریکا و قدرت‌های جهانی در این کشورها تغییر کرد. در خود اروپا هم انقلاب ما آثار زیادی روی متفکران داشت و فردی مثل «روژه گارودی» بعد از انقلاب اسلامی تمایل به اسلام پیدا کرد.^۱

نماینده ولی‌فقیه در آمریکای لاتین با اشاره به اثرات فرهنگی انقلاب اسلامی در داخل و خارج کشور می‌گوید: تأسیس مراکز، مؤسسات و مساجد اسلامی در سراسر دنیا و فراهم کردن امکانات برای تحقیق غیرمسلمانان درباره اسلام از جمله اقدامات و اثرات فرهنگی انقلاب اسلامی است.

به وجود آمدن حزب‌الله و احیای دین، قرآن، اسلام و آزادی مستضعفان در اکثر نقاط دنیا یکی دیگر از اثرات فرهنگی انقلاب در خارج از کشور است و همان شعارهای دوران انقلاب که موجب فروپاشی طاغوت و شاهنشاهی ایران شد امروز توسط آزادی‌خواهان جهان در کشورهای دنیا طنین‌انداز شده است که نشان‌گر صدور انقلاب به دنیا خصوصاً آمریکای لاتین است.^۲

«انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن»، ترجمه‌ی محسن مدیر‌شانه‌چی، تهران مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ص ۲۵۶

امروز دیگر شکی باقی نمانده که ایستادگی‌های دولت و ملت ونزوئلا در مقابل آمریکا، متأثر از انقلاب اسلامی است. کاسترو به پشت‌گرمی حمایت‌های جمهوری اسلامی (نظام برآمده از انقلاب اسلامی) به رویارویی انقلاب و کشورش با آمریکا ادامه می‌دهد.

۱. محمدی، منوچهر، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، تهران:

۱۳۸۵. شصت و نهم

۲. اسپوزیتو، جان ال. ۱۳۸۲.

عناصر تأثیر گذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای اروپا

- برهم خوردن تئوری انقلاب‌ها با ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی در غرب؛
- جلب توجه اندیشمندان، اندیشه‌ورزان و نخبگان به سوی اسلام در غرب؛
- غافل‌گیری اروپایی‌ها نسبت به پیروزی انقلاب اسلامی؛
- گرایش هفتاد درصدی مردم اروپا به احساس دین‌داری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی؛
- احیای فکر دینی در حکومت‌های کشورهای مسیحی اروپا؛
- ارزش شدن مذهب در اروپا بعد از دهه هفتاد.

مصادیق عناصر تأثیر گذار

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سرآغاز تحقق وعده الهی برای رهایی مستضعفان بود. این انقلاب همچون مشعل فروزانی راه رهایی ملت‌ها را از قیدوبند استکبار جهانی روشن کرد و به گفته شهید والامقام محمدجواد باهنر «انقلاب ایران اسلام عزیز را در دنیا حیات تازه‌ای بخشید.»

در این خصوص آقای گیزلاکرافت دانشمند آلمانی شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها «حافظ، گوته و پوشکین» چنین گفت:

اسلام در دهه‌های اخیر به الگو و مکتب نیرومندی تبدیل شده که در سایه آن مبارزه شدید با مادی‌گری و برای احیای معنویت جریان دارد.

تجدید حیات جوامع اسلامی و رشد روزافزون معنویت و بیداری ملت‌های تحت ستم در سایه پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد تا ماشین جنگ روانی غرب با تمام قدرت و توان خویش پروسه مخدوش‌سازی چهره انقلاب اسلامی را با شیوه‌ها و ابزارهای مختلف به کار بندد تا در ارزش‌های اسلامی و امکان اجرای آن‌ها در قرن بیستم شک و تردید ایجاد کند. یکی از توطئه‌های استعماری آنان تحریف و وارونه جلوه دادن صدور انقلاب بود به گونه‌ای که هدف از صدور انقلاب را که دعوت به اسلام بود به معنای تجاوز به

سرزمین دیگران و جنگ و زورگیری معرفی کردند.^۱ سه تن از ایران‌شناسان فرانسوی در بخشی از کتاب ایران در قرن بیستم، انقلاب اسلامی را این‌گونه ارزیابی می‌کنند: حداقل چیزی که در مورد انقلاب اسلامی ایران می‌توان گفت این است که این انقلاب جایگاه عظیمی را در تاریخ پایان قرن بیستم به خود اختصاص داده است.

چنانکه «شروین ماروین» استاد دانشگاهی در آمریکا گفت:

" چگونه می‌توان باور داشت که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یک باره شعار «مرگ بر آمریکا» در جهان طنین افکند؟ همین اسلام بود که آرامش را از کشورهای غربی و طرفداران آن‌ها در منطقه خلیج فارس گرفت.

بنابراین ملاحظه می‌کنیم که انقلاب اسلامی با ظاهر ساختن باطن پلید شرق و غرب و شکست آنان بار دیگر هوشیاری و عزت را به امت اسلام بازگرداند. گرایش هر چه بیشتر مردم به اسلام در عصر حاضر نشان می‌دهد که ظلمت جهالت از بشریت دورگشته است.^۲ امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش‌ازپیش می‌بینیم ... وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان.^۳

لس اسپین رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا این‌گونه تأکید دارد: باید هدف استراتژی آمریکا متوقف کردن ایران در گسترش انقلاب اسلامی بنیادگرای خود به جهان عرب به‌ویژه خلیج فارس باشد حتی اگر در این راه استفاده از نیروهای نظامی لازم گردد.

۱. خرمشاد، محمد باقر (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه راهبرد ۱۳

، فرهنگ شماره ی بیست و سوم، پاییز، ص ۱۳۹

۲. زمانی مصطفی (بی تا)، «اسلام» و تمدن جدید، انتشارات کتابخانه‌ی صدر، تهران.. ص ۲۳

۳. مطهری، مرتضی «اسلام و تمدن جدید»، تهران: انتشارات صدر، تهران، ۱۳۶۳. ش، ص ۲۶۲

ویلیام کوانت عضو شورای امنیت آمریکا در زمان کارتر می‌گوید:

انقلاب ایران واشنگتن را به وحشت انداخت. از این که موج انقلاب سراسر خلیج فارس را در برگیرد تصمیم گرفتیم یک ساختار امنیتی در داخل و اطراف شبه جزیره عربستان به وجود آوریم تا مطمئن شویم انقلاب ایران به خارج سرایت نخواهد کرد.

با بررسی‌های مختلف مشخص گردیده که انقلاب اسلامی نه تنها در کشورهای مسلمان تأثیر داشته بلکه در قلب نظام سلطه نیز مؤثر بوده است این ادعا را می‌توان از دیدگاه‌ها، اظهارنظرهای شخصیت‌ها و رسانه‌های غربی به‌ویژه آمریکایی ثابت کرد. به مواردی چند در این خصوص اشاره می‌شود.

نشریه الاوسط در گزارشی تحلیلی از رویکرد دینی و علائم آن در مهد تمدن غرب، ایالات متحده می‌نویسد:

چنین به نظر می‌رسد که دین یکی از عوامل تأثیرگذار در رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا باشد. ... بیل کلینتون رئیس جمهور [وقت] آمریکا همواره سخنرانی‌های خود را با عبارت «خدایا! ایالات متحده را سعادت‌مند گردان!» به پایان می‌برد.

دکتر جانول، استاد تاریخ اسلامی در دانشگاه جرج واشنگتن می‌گوید:

۲۵ سال پیش زمانی که کارتر رئیس جمهور پیشین ایالات متحده اظهار دینداری کرد، آمریکایی‌ها شگفت‌زده شدند چراکه در آن هنگام بی‌دینی و لائیسزم افتخار و مباهات داشت، به همین خاطر بود که کندی سعی داشت در مبارزات انتخاباتی خود منکر دینداری خویش گردد.

مسائل و تعبیرات مذهبی که سال‌ها بود به دست فراموشی سپرده و یا در نشریات حزبی مدفون می‌گردید اکنون صفحات اول روزنامه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

شبکه‌های تلویزیونی اوقات عمده خود را با رویدادهای مذهبی که «به محبوبیت شگفت‌انگیزی دست یافته‌اند» پر می‌کنند و کتاب‌هایی که با معنویات سروکار دارند در زمره پرفروش‌ترین‌ها بوده‌اند.

«دیوید حایم» سردبیر «نشریه کریستین سنچری» در شیکاگو می‌گوید:

مردم این روزها دوست دارند خود را در جست‌وجوی معنویات مشاهده کنند، یا به عبارت دیگر نتیجه آن به عقاید مذهبی برمی‌گردد.

فیلم‌های تلویزیونی که شامل پیام‌های روحانی و فرشتگان درگاه الهی باشند در سال جاری طرفداران بی‌شماری پیدا کرده است و همه این‌ها توسط هالیوود که هرگز به مسائل مذهبی توجه نداشت و حتی با آن خصومت می‌ورزید ساخته شده است. تحقیقات تلویزیونی نشان می‌دهد که تماشاگران این برنامه‌ها هم‌اکنون عمدتاً صاحب یک نوع کنجکاو معنوی شده‌اند و تقاضای محتویات پرمعنا می‌کنند.

ماکوند به نقل از «وارن لیتل فیل» رئیس برنامه‌های تفریحی شبکه تلویزیونی N.B.C می‌نویسد:

"دستمایه‌های مذهبی چیزی است که به نظر می‌رسد نظاره‌گران تلویزیونی در سراسر آمریکا مشتاق تماشای آن هستند."
ماکوند می‌افزاید:

به استناد انجمن کتاب‌های پرفروش آمریکا کتاب‌هایی که عمدتاً درباره مذهب و معنویت بودند، تنها کتاب‌های غیر تحلیلی بودند که سال گذشته فروش خود را از دست ندادند.

تأثیرگذاری‌های انقلاب در کشورهای مختلف تنها سیاسی، اعتقادی نبوده بلکه به جنبه‌های فرهنگی و علمی نیز سرایت نموده است.^۱

بعد از انقلاب، بعضی از تحلیلگران آمریکای جنوبی می‌گویند که انقلاب اسلامی ایران دموکراسی را به کشورهای آمریکای جنوبی آورد و قبل از سال ۱۹۷۹ میلادی، یعنی سالی که انقلاب پیروز شد، تقریباً در تمام کشورهای آمریکای لاتین، دیکتاتوری حاکم بود.^۲

۱. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۷)، «ابعاد ناشناخته ی انقلاب»، تهران: نشر دبیرخانه ی مجمع گروه های معارف اسلامی،

ص ۷

۲. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی چون یک انقلاب دینی و فطری بود،

ابرقدرت‌ها را غافلگیر کرد و پایگاه آن‌ها را در ایران از بین برد. طبعاً این انقلاب، با ماهیت استقلال‌طلبی و دینی و ویژگی حمایت از مستضعفین آثار بسیار ارزنده‌ای به ارمغان آورد. ... آدم هست حدود ۶ سال پس از انقلاب زمانی که آرژانتین بودم یکی از علمای اهل سنت که از اردن آمده بود، گفت من یک‌زمانی اردن بودم همه مسابقه دادند در بی‌حجاب شدن و امروز وقتی می‌روم اردن و مصر می‌بینم همه مسابقه می‌دهند در باحجاب شدن.^۱

فرانک جلی^۲ نویسنده و رئیس سابق کلی‌سای کنزینگتون با اشاره به نقش مذهب در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گوید:

این ویژگی باعث شد که سیاست و حکومت در ایران بیشتر اخلاقی و دینی شود و از روش‌های غیراخلاقی و ماکیاولیستی حاکم بر نظام‌های سیاسی جهان فاصله بگیرد. انقلاب اسلامی ایران مذهب را از انزوا خارج کرد و باعث شد که شخصیت‌ها و نهادهای مذهبی بیشتر در عرصه عمومی نظیر سیاست، اجتماع، اقتصاد و فرهنگ نقش‌آفرینی کنند.

فرانک جلی در بخش دیگری از سخنان خود به جلسه‌ای در چتم‌هاوس اشاره کرد که در آن انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان عامل بیداری همه مسلمانان معرفی شده بود. دکتر جیمز سرینگ^۳ محقق و فعال ضد جنگ معتقد است:

انقلاب اسلامی تأثیرات انکارناپذیری در جهان و به‌ویژه منطقه داشت و به همین دلیل از نخستین روزهای پیروزی انقلاب تبلیغات منفی رسانه‌های غربی و از جمله انگلیسی‌علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. به خطر افتادن منافع غرب و گسترش نفوذ اندیشه‌های اسلامی و انقلابی در این کشورها باعث شد که غرب با ادعاهایی نظیر دخالت ایران در کشورهای دیگر و تلاش برای به دست آوردن سلاح‌های کشتار جمعی به مقابله با انقلاب

۱. «علم» و «فلسفه»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی، اسلامی، چاپ اول، ص ۶۹)

۲. Father Frank Gelli

۳. Dr James Thring

اسلامی پردازد.

پیتر شولاتور نویسنده و مفسر سیاسی مشهور کشور آلمان می‌گوید: "اکنون نهضت بازگشت به دین و مدینه فاضله آغاز شده است.

بنابراین جهانیان به برکت انقلاب اسلامی دریافته‌اند که تنها راه سعادت، اسلام است طی یک نظرسنجی از جوانان سوئد قبل از یازده سپتامبر مشخص شده بود که انتخاب اولشان اسلام است؛ درحالی‌که سوئد از توسعه‌یافته‌ترین کشورها و در حین حال از لائیک‌ترین کشورهای غرب است که بیش از پنجاه درصد [مردم] آن هیچ مذهبی ندارند. حال با توجه به تأثیرات مختلف انقلاب اسلامی در اروپا برخی اظهارنظرها و انعکاس‌ها عیناً درج می‌شود.

امروز شما ملاحظه کنید؛ انگیزه دینی، توجه به دین، توجه به معنویت، بخصوص توجه به آن بخش مشترک و خالص دین یعنی آن جنبه معنوی و دلدادگی به معنویت دنیا را پرکرده است و روزبه‌روز هم بیشتر می‌شود.

ماسیمو فیینی، روزنامه‌نگار معروف ایتالیایی طی تحلیلی در روزنامه ایتالیایی ایل جورنوبه چنین می‌نویسد: «حقیقت انقلاب اسلامی و تفکر امام خمینی بسیار عمیق است و جهان غرب از درک عمیق آن عاجز مانده است.»

وقتی امام خمینی فتوای قتل سلمان رشدی را صادر کردند در واقع برای حکومت‌های دنیا پیامی تاریخی فرستادند که بسیاری از دریافت و تحلیل آن عاجز ماندند و مضمون واقعی پیام امام چیزی نبود مگر فرارسیدن عصری جدید از حاکمیت جهانی، که غربی‌ها باید آن را با دقت مورد بررسی قرار دهند، زیرا در ادامه حرکت امام خمینی قلمرو و اندیشه‌های بشری هم جایگاه حکومت‌های دولتی را تغییر می‌دهد و هم اقتدار دولت‌های ملی و محلی را...^۱

۱. مکنون، ثریا، «نقش انقلاب اسلامی در تحول ارزش‌ها؛ جرعه‌ی جاری، به کوشش علی ذوعلم، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ ه.ش، ص ۱۳۲

آخرین آمارها در مورد احیای تفکر دینی که در سال (۱۹۹۰م) صورت پذیرفته نشان می‌دهد که تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دینداری می‌کنند. در تمام ادیان از هندوئیسم گرفته تا بودیسم و... انواع فرقه‌های مسیحیت همه از یک نوع بازگشت به تفکر دینی خبر می‌دهند و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان گشت.

نیکلای چرون از سیاستمداران معروف و رئیس حزب ملی لیبرال - دموکرات رومانی: انقلاب اسلامی ایران هدف مهمی چون احیای ارزش‌های دینی در جامعه را دارد و رومانی امروز نیاز مبرم به احیای ارزش‌های دینی داشته و ما خواهان بهره‌گیری از تجربیات ایران هستیم.

لخ والسا رئیس‌جمهور لهستان در دیدار با دکتر ولایتی:

انقلاب اسلامی شما روی ما اثر گذاشت و ما خوشحالیم از این‌که در کشور شما یک انقلاب براساس دین صورت گرفته است. پیروزی انقلاب اسلامی موجب احیای فکری دینی و حتی در سطح حکومت‌ها شد؛ ولو در کشورهای مسیحی. محمد لنسل رئیس مرکز فرهنگی تجدید حیات اسلام در اتریش

عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای آفریقایی^۱

ایجاد روحیه توکل به خدا و اعتماد به منبع الهی در بین ملل مستضعف آفریقا؛

✓ بروز روحیه پایداری، استقامت و اعتماد به عدم وابستگی به مکاتب مادی و الحادی شرق و غرب؛

✓ ایجاد امید و تحرک در جهت تحول عمیق فکری و فرهنگی اسلام در بین ملل در آفریقا؛

✓ ایجاد احساس نیاز مبرم در برپایی حکومت اسلامی به‌عنوان نیاز ضروری در زندگی انسان‌ها؛

۱. جهانگیر، کیامرث، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش بیداری اسلامی در شمال آفریقا، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲ ه.ش، صص ۲۷-۵۲

- ✓ تأثیرپذیری جوانان کشورهای مسلمان آفریقا از انقلاب اسلامی و تبدیل آن به اقدامات مؤثر فرهنگی، سیاسی و نظامی؛
 - ✓ گسترش موج اسلام‌گرایی در کشورهای اسلامی آفریقایی؛
 - ✓ الگوگیری مردم از انقلاب اسلامی و تجلی آن در شعارها، تجمعات و استفاده از تصاویر و نمادهای انقلاب؛
 - ✓ تقویت مواضع علما، آزادی خواهان مسلمان و رهبران مسلمان در کشورهای اسلامی آفریقایی؛
 - ✓ تبدیل برخی کشورهای آفریقایی به سرپلی برای نشر و بسط انقلاب اسلامی در آفریقا
 - ✓ توسعه و تحکیم جنبش‌های اسلامی در کشورهای مسلمان آفریقایی؛
 - ✓ ایجاد امید برای قیام در مردم آفریقا در مبارزه علیه بی‌عدالتی؛
 - ✓ الگو شدن شیوه‌های مبارزاتی انقلاب اسلامی و امیدبخشی به مبارزات مردم آفریقا؛
 - ✓ انقلاب اسلامی آغازگر تجدید حیات اسلام و مؤثر در بیداری اسلامی جنبش‌های اصلاحی و انقلابی.
- انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی^(ه) موتور محرکه‌ای شد برای ملل تحت ستم جهان، که امیدوار شوند به قدرت لایزال الهی و پایداری و مقاومت مردم در پیروزی بر ستمگران عالم و اینکه بدون وابستگی به مکاتب مادی شرق و غرب و تکیه بر مکتب رهایی‌بخش اسلام، می‌توان بر قوی‌ترین رژیم‌های وابسته به استکبار نیز پیروز شد.
- انقلاب مردم ایران شوق و اشتیاق عجیبی در بین ملل تحت ستم، نهضت‌های آزادی‌بخش و تمام آزادی‌خواهان جهان به وجود آورد و موجب رشد بیداری، اسلامی گردید. خودباوری و اعتمادبه‌نفس را در مسلمانان تقویت نمود. البته این تأثیرگذاری تنها در مسلمانان نبود بلکه در بین تمام ملل مؤثر واقع شد. نویسنده کتاب بازتاب جهانی انقلاب اسلامی در این خصوص چنین نگاشته است:
- از اندونزی تا جوامع اسلامی در غرب، پیروزی انقلاب اسلامی در حکم پیروزی اسلام بود

و توانایی اسلام را برای رهبری مردم سرکوب‌شده جهت مقابله با رژیم‌های فاسد و تحت سلطه خارجی آشکار نمود... از همین رو مسلمانان آفریقا و مبارزان این قاره مشتاقانه درصدد شناخت انقلابی که از ارزش و تقدس فراوانی برخوردار بود برآمدند و موج اسلام‌گرایی و رشد بیداری اسلامی به‌عنوان شاخص اصلی و مهم منطقه شمال آفریقا درآمد. همچنین تاریخ تمدن دیرینه و کهن آن و پای بندی مردم منطقه به اسلام که نقش تاریخی و مهم خود را در جریان رشد جنبش‌های اسلامی ایفا کرده بود، این منطقه را به‌صورت کانون تلاش برای بازیافتن هویت اسلامی مردم و بازگشت به اسلام پویا و فعال درآورد. در همین راستا بررسی نهضت‌های اسلامی در تونس روشنگر احیای تفکر و بیداری در این کشور است.

" تأثیرپذیری مصر از انقلاب اسلامی ایران متفاوت با دیگر کشورها بوده که بیشتر منجر به تقویت گروه‌های اسلامی مخالف رژیم مصر شده است. مصر در زمره کشورهایی است که در آن الهام‌پذیری از انقلاب به تقویت مخالفان اسلامی موجود انجامیده است، بی‌آنکه حکومت ایران مداخله مهمی کرده باشد.

البته بیشترین تأثیر را اخوان المسلمین و سازمان‌های دانشجویی اسلامی پذیرفته‌اند. در این خصوص شاهرخ اخوی استاد مطالعات بین‌الملل و حکومت، دانشگاه کارولینای جنوبی در کتاب خود بازتاب انقلاب اسلامی بر مصر با توجه به دیدگاه‌های خاص خود می‌نویسد:

نخستین فوران شور و شوق سال‌های اولیه انقلاب، اخوان المسلمین، گروه‌های رادیکال، سازمان‌های دانشجویی و چپ اسلامی همه به این نتیجه رسیدند که مصر نیز می‌تواند سامان سیاسی خود را از اساس تغییر دهد؛ تنها اگر پیشگامان منسجمی برای اشاعه پیام و بسیج توده‌ها وجود داشته باشند. آنان از روح و راه انقلاب الهام می‌گرفتند و خواهان بازتولید مدل ایران نبودند.

او در ادامه با توجه به گفته‌های اعضای این جنبش، می‌نویسد: این نگرش در واکنش اولیه اخوان المسلمین متجلی است. انقلاب ایران نظریات سیاسی و نیروهای سیاسی

معاصر را در صدر قرار خواهد داد... این انقلاب انقلابی بی نظیر، قدرتمند و نمونه‌ای حیاتی از انقلاب اسلامی است... و نکته مهم که منفعل نباشیم و منتظر نمانیم. سخنان برگرفته از متن کیفرخواست دادستان مصر قابل تأمل است؛ وی این سخنان را در آخرین جلسه محاکمه گروهی از انقلابیون مسلمان مصری ایراد کرده است. این اتفاق نشان داد که انقلابیون مصری برخلاف دیدگاه‌های اعلام‌شده تأثیرات عمیقی از انقلاب اسلامی گرفته‌اند.

"جبهه نجات اسلامی در سپتامبر ۱۹۸۹ شکل گرفت و رسمیت یافت و به سرعت صدها هزار عضو اساساً در میان جوانان فقیر و مستضعف کشور را به سوی خود جذب کرد. جوانانی که هر جمعه هزار در مساجد و اطراف آن‌ها به گرد عباس مدنی و علی بلحاج قائم‌مقام وی جمع می‌شدند. در ژوئن ۱۹۹۰ مدنی نیروهای بی‌قرار خود را به نخستین پیروزی انتخاباتی رهنمون می‌کند و آرای نخستین انتخابات محلی چندحزبی الجزایر را به خود اختصاص می‌دهند، ولی در این حال جبهه نجات اسلامی را «مانندار مشروعیت مردم» در مقابل جبهه آزادی‌بخش ملی - حزب واحد سابق که از ۳۰ سال قدرت مطلق، دیگر فرسوده شده است - معرفی می‌کند.

نلسون ماندلا رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی^۱ و رهبر کنگره ملی آفریقا درباره انقلاب اسلامی دیدگاه والایی داشته و تأثیر انقلاب اسلامی در ایجاد امید برای قیام و پیروزی مردم آفریقای جنوبی را می‌ستاید:

انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی، امیدهای فراوانی را برای قیام مردم آفریقای جنوبی در مبارزه علیه بی‌عدالتی به همراه داشته است و بدون تردید تاریخ هرگز نقش ایران اسلامی را فراموش نخواهد کرد.

شیوه‌های مبارزاتی انقلاب اسلامی الگو و امیدبخش مبارزات مردم تحت ستم آفریقا است و ما را برای مبارزه و مقاومت در برابر دشمن ترغیب می‌کند.

رابرت موگابه رئیس‌جمهور زیمبابوه و مبارز قدیمی و ضد استعمار قاره مظلوم آفریقا، پیروزی انقلاب اسلامی را الهام‌بخش نهضت مردمی زیمبابوه می‌داند:

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یک پیروزی بزرگ برای نیروهای انقلاب در اقصی نقاط جهان محسوب می‌شود زیرا این انقلاب برای تمامی مردم تحت ستم دنیا الهام‌بخش بوده است.

همچنین سر داود اجاورا رئیس‌جمهور وقت گامبیا^۱ نیز جنبش‌های آزادی‌بخش در آفریقا را الهام گرفته از انقلاب اسلامی می‌داند:

جنبش‌های آزادی‌بخش در آفریقا از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته‌اند و این بدان خاطر بود که انقلاب شما، انقلابی واقعی بر ضد دشمنان قوی (اعم از داخل و خارج) مانند آمریکا بود.

تبعیت بنیادگرایان اسلامی و اعضای سازمان الجهاد از خط‌مشی آیت‌الله خمینی به‌عنوان اساس فکری و عقیدتی خود و تصمیم قاطع پیروان آیت‌الله خمینی برای سرنگونی رژیم حسنی مبارک در مصر مهم‌ترین محورهای سخن اوست: «بنیادگرایان مسلمان مصری، از پیروان آیت‌الله خمینی بوده و قاطعانه تلاش می‌کنند یک حکومت اسلامی در مصر برقرار کنند.»

به نوشته مطبوعات کویت، دادستان منطقه جیزه قاهره در کیفرخواست خود که در آخرین جلسه محاکمه گروهی از انقلابیون مسلمان مصری ایراد کرد و گفت:

بنیادگرایان اسلامی و اعضای سازمان الجهاد از خط‌مشی آیت‌الله خمینی^(ه) به‌عنوان اساس فکری و عقیدتی برای خود پیروی و تبعیت می‌کنند.

دادستان رژیم حاکم بر مصر افزود:

پیروان آیت‌الله خمینی در مصر قاطعانه مصمم هستند رژیم حسنی مبارک را سرنگون [کنند] و به‌جای آن یک حکومت اسلامی برقرار کنند». این مقام مصری گفت:

بنیادگرایان اسلامی، رهبری تمامی تظاهرات و اعتراضات ضد دولتی مردم در مساجد و دانشجویان را به عهده داشته و کوشش دارند موج اسلام‌گرایی را در سرتاسر مناطق مصر گسترش دهند.

در مصر، توسل به شیوه‌های قهرآمیز مبارزه گسترش یافت که نمونه آن ترور انور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ توسط سازمان الجهاد بود. جنبش اخوان المسلمین مصر نیز در دوره سادات به دفاع از انقلاب اسلامی ایران پرداخت. همچنین تأثیر انقلاب ایران بر ناآرامی دانشگاه‌های این کشور و شهرهای قاهره، السیوط و الفيوم تأیید شده است.

در کشور تونس حرکت‌های اسلامی تحت تأثیر مستقیم انقلاب ایران به وجود آمد این بازتاب تجسمش در گرایش جنبش‌های اسلامی به فعالیت‌های فرهنگی مستمر و تحول در آن‌ها پدیدار گردید.

مردم تونس از پیروزی مردم مسلمان ایران استقبال کردند و پیام انقلاب را که آزادی، استقلال و دفاع از حقوق بشریت و نیز وحدت و یکپارچگی جهان اسلام بود، مورد توجه قرار دادند؛ ولی رسانه‌های صهیونیستی و بین‌المللی و قدرت‌هایی که منافع آنان به خطر افتاده بود، پیام انقلاب را تهدیدی حتی برای دوستان ایران القاء کردند.

اثرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی ایران منجر به تشدید فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی آنان گردید. برخی شخصیت‌های دینی در معرض تهاجمات حکومت قرار گرفته و کارشان به بازداشت و محاکمه نیز کشیده شد از جمله آنان شیخ راشد الغنوشی بود. البته بازداشت و محاکمه او خود موجب بیداری و تقویت فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و... شد. او دیدگاه محکمی در خصوص انقلاب اسلامی و امام خمینی^(۵) داشته است:

امام خمینی پرچم آزادی فلسطین را برافراشت و مسئله فلسطین تمام فکر امام را به خود مشغول کرده بود. مسئله فلسطین محور ستیز جهانی امروز است. صهیونیسم یک اختاپوس است. ما باید آگاه باشیم و باید از خود شروع کنیم. ما باید نظامی پیشرفته‌تر از غرب که اسرائیل هم غربی است داشته باشیم تا بتوانیم فلسطین را آزاد کنیم. مردمی

بودن که یکی از ویژگی‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران است، در جنبش‌ها و گروه‌های سیاسی متعددی راه‌یافته است. به عبارت دیگر، این جنبش‌ها و گروه‌ها دریافته‌اند که اسلام توانایی بسیج توده‌های مردم را دارد. ... به عقیده دکتر حسن الترابی رهبر جبهه اسلامی سودان، انقلاب اسلامی اندیشه کار مردمی و استفاده از توده‌های مردم را به عنوان هدیه‌ای گران‌بها به تجارب دعوت اسلامی در جهان اسلام عطاء کرد. گرایش به اندیشه کار مردمی، جنبش‌های اسلامی را به سوی وحدت طلبی مذهبی و قومی سوق داده، این امر، جنبش‌های اسلامی سیاسی را از اختلاف و تفرقه دورتر ساخته و آن‌ها را از تشکیلات قوی‌تر، امکانات وسیع‌تر، حمایت گسترده‌تر و پایداری بیشتر برخوردار ساخته است.

احیاگری اسلامی در نیجریه همچون دیگر کشورهای مسلمان عمدتاً درون‌زا است. با این حال، ... رهبری آیت‌الله خمینی و فکر انقلاب اسلامی در جامعه اسلامی نیجریه و به ویژه در میان مسلمانان محروم شمال احساسات و واکنش‌هایی را برانگیخت... و در جهت پوشش بخشیدن به مبارزه علیه فساد فزاینده و مادی‌گرایی بیش‌ازحد تشکیلات سیاسی نیجریه ماهرانه به کار گرفته شد.

انقلاب اسلامی در ایران مهم‌ترین عامل الهام‌بخش جنبش اسلامی مردم الجزایر بود. تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی ایران بر حرکت اسلامی الجزایر در مواضع جبهه نجات اسلامی این کشور به خوبی مشاهده می‌شود. این جبهه سرانجام هدف حرکتش را برقراری یک «حکومت اسلامی» اعلام کرد؛ بدین ترتیب که مبارزان اسلامی به چیزی کمتر از برقراری جمهوری اسلامی در الجزایر رضایت ندادند و این نشان‌دهنده آن است که تجربه انقلابی جمهوری اسلامی ایران الگوی موفق بوده است.

عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای آسیایی

- نقش مؤثر انقلاب اسلامی در ایجاد و ظهور جنبش‌ها، گروه‌ها، بنیادها، مؤسسات و تشکل‌های سیاسی و مذهبی در اکثر کشورهای اسلامی در آسیا؛
- تقویت و تشدید حرکت‌های اسلامی در جهت برپایی شریعت اسلامی متکی بر جهاد مردمی؛
- انقلاب اسلامی به‌عنوان منبع الهام‌بخش به مسلمانان در جهت رشد و تجدید حیات اسلام؛
- بروز و تشدید احساسات ضد اسرائیلی (صهیونیستی) در جهان عرب و دیگر کشورهای آسیایی؛
- افزایش قدر و منزلت و ارزش فرهنگ قدس در بین مسلمانان با توجه به تعیین روز قدس توسط امام خمینی^(ره)؛
- ایجاد تنفر و انزجار بین مسلمین نسبت به سران سازش‌کار و وابسته به غرب؛
- شکست ابهت امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم جهانی در بین مسلمانان و دیگر کشورهای آسیایی؛
- احیای اسلام و پیاده شدن احکام اسلام از طریق رهبری حضرت امام خمینی؛
- تقویت بیداری و آگاهی اسلامی مخاطب آن؛
- تقویت گروه‌های مبارز لبنانی و فلسطینی و ظهور استراتژی مؤثر انتفاضه در فلسطین و مقاومت اسلامی در لبنان؛
- ایجاد اعتمادبه‌نفس در بین مردم مسلمان به‌ویژه جوانان در همه کشورهای عربی و اسلامی آسیایی؛
- الگوگیری مسلمانان از انقلاب اسلامی؛
- نهادینه شدن فرهنگ مقاومت، ایثار، پایداری و شهادت در کشورهای مختلف؛
- ایجاد امید در میان مسلمین به دلیل پیروزی انقلاب و تثبیت و ادامه آن؛
- تأثیر عمیق انقلاب در احیای اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز؛

- ایجاد ترس و وحشت در حاکمان وابسته کشورهای آسیایی نسبت به تأثیرپذیری مردم کشورها از انقلاب اسلامی؛
- تغییر گفتمان رایج اسلامی در منطقه؛
- ایجاد انگیزه در مردم برای تحرک بیشتر در راه اسلام؛
- ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی نسل جوان شیعیان و اهل سنت در کشورهای مسلمان؛

تأثیر انقلاب اسلامی در رفتار اسلامی و پوشش اسلامی زنان مسلمان

- خیزش عمومی در کشورهای مسلمان در حمایت از ملت فلسطین. به اعتراف مخالفان و موافقان انقلاب، بیشترین تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در جهان اسلام و کشورهای عربی قابل مشاهده است. در بخشی از این مناطق، انقلاب اسلامی منبع الهام و تحرک و برای برخی دیگر انقلاب اسلامی ایران و امواج حاصل از آن منبع تهدید جدی برای آنان محسوب می شود. هراس دولت‌های خاورمیانه و عرب، ناشی از جنبه‌های ارزشی و ناب انقلاب اسلامی بوده است؛ اما غافل از اینکه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی فراتر از چند منطقه ذکر شده می باشد یعنی تأثیرگذاری جهانی. صاحب نظران زیادی بر این اعتقادند که تأثیرات انقلاب اسلامی بر تجدید حیات هویت دینی بشر بسیار عمیق می باشد.

دکتر سعید محمد الشهبانی سردبیر مجله معروف و پرتیراژ العالم چنین گفته است: انقلاب اسلامی ایران نه تنها در جامعه اسلامی بلکه در اکثر جوامع تأثیر اساسی و بنیادی داشته است. بی شک طی بیست سال گذشته هیچ حرکتی به اندازه انقلاب ایران نتوانسته بر جامعه بشری تأثیرگذار باشد، دین نقش اساسی و حیاتی در اجتماع دارد و انقلاب اسلامی این نور را بر بشریت تاباند و روشنی بخشید.

او همچنین می گوید:

انقلاب اسلامی سبب شد تا روشن فکران و متفکرین ضرورت توجه به مسائل دینی و تأثیر آن بر وجدان بشریت و افکار سیاسی - اجتماعی را به خوبی مورد توجه قرار دهند. ما

در عصر انقلاب اسلامی شاهد رجوع و تمسک مسلمین و غیر مسلمین به اهل دین شدیم.

نویسنده کتاب عصر امام خمینی^(۵) درباره تأثیر گذاری عمیق و بنیادی انقلاب اسلامی در عصر کنونی چنین می‌نویسد:

در قرن بیستم ماتریالیست‌های شرقی و غربی به بسط مبارزه علنی خود با دین و باورهای دینی در سطح جوامع پرداختند اما سیر تحولات تاریخی و وقوع انقلاب اسلامی ایران آن‌چنان شرایط موجود را در آخرین سال‌های قرن بیستم تغییر داد که نظریه پردازان بین‌المللی و جامعه‌شناسان ... با اعتراف به حیات مجدد دین در جوامع بشری به طرح نظریه «تجدید حیات دینی در قرن بیستم» به‌عنوان یک نظریه معتبر علمی، طی سال‌های اخیر پرداخته‌اند؛ از آن جمله گیدنز، جامعه‌شناس مشهور انگلیسی، در فصلی از کتاب خود با عنوان پدیده نوزایی دینی می‌نویسد:

در گذشته سه گول فکری جامعه‌شناسی یعنی «مارکس»، «دورکیم» و «ماکس وبر» با کم‌وبیش اختلافاتی فرآیند عمومی جهانی را به سمت سکولاریسم و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم؛ یعنی فرآیند عمومی جهان روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می‌رود.

البته تأثیر پذیری خاورمیانه آشکارترین نمونه‌های اثرات انقلاب اسلامی ایران است که به‌هیچ‌وجه قابل‌انکار نیست. همچنین در این بین برخی کشورها بیشتر متأثر از انقلاب بوده‌اند که از آن جمله، کشور لبنان است.

تأثیر انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی^(۵) در فلسطین قوی‌تر از هر مکان دیگری بود؛ زیرا مسلمانان فلسطین در حالی که تحت اشغال وحشیانه صهیونیستی به سر می‌بردند، ناامیدتر و فروپاشیده‌تر از تمامی ملل مسلمان بودند. در چنین شرایطی، سرزمین‌های اشغالی شاهد حرکت بزرگ و عظیم بیداری اسلامی به‌عنوان بخشی از نهضت اسلامی گسترش یافته در منطقه بودند که با قیام و پیروزی انقلاب اسلامی در

ایران آغاز شد و بدین‌سان، اسلام ثابت کرد که قادر به حرکت مردم و انقلاب و به دست آوردن پیروزی و تأسیس جمهوری اسلامی است. از همین رو، همان‌گونه که امام خمینی^(۵) به زندگی ایرانیان معنا و مفهوم بخشید، به میلیون‌ها انسان مسلمان و مستضعف نیز امید بخشید و مسلمانان فلسطین نیز احساس کردند که می‌توان اسراییل را از میان برد.

یکی از پدیده‌هایی که تأثیر انقلاب اسلامی را بهتر از هر چیزی در فلسطین نشان می‌دهد، قیام مردم فلسطین در قالب جنبش «انتفاضه» است. این جنبش در میان سخت‌ترین شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای و محلی، همچنان در طی مسیر خود تا رسیدن به احقاق حقوق مردم فلسطین، اصرار دارد. همچنین انقلاب اسلامی موجب گسترش مفاهیم و اصول مذهب شیعه از جمله اصول جهاد، شهادت و فداکاری در راه هدف که نمادهای شیعیان و شعارهای انقلاب ایران بود، در بین طرفداران جنبش‌های اسلامی اهل سنت در فلسطین گردید.

این انقلاب مورد توجه و تجزیه و تحلیل و حمایت و استقبال اندیشمندان و انقلابیون جهان قرار گرفت و تجلیل از آن در اندیشه‌های کلامی و شعری بسیاری بروز و ظهور نمود و باعث شناخت مجدد اسلام در جهان معاصر گردید. این انقلاب در ابعاد پنج‌گانه: (۱) احیای هویت دینی، (۲) طرح اندیشه حکومت اسلامی، (۳) دفاع از آرمان مقدس فلسطین در جهان، (۴) ایجاد وحدت و همبستگی اسلامی، (۵) طرح گفتمان در سطح جهانی، بی‌بدیل است.

در این قسمت تأثیرات عمیق فرهنگی انقلاب اسلامی را در سطوح مختلف فرا منطقه‌ای و به‌ویژه از پنج بُعد مورد نظر بررسی نماید و نشان دهد ابراز عشق و علاقه قلبی میلیون‌ها تن انسان آزاده و حق‌طلب جهان نسبت به امام راحل^(۶) و انقلاب اسلامی ایران تا چه اندازه است.

انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی^(۵) به‌عنوان یک رویداد بزرگ نیمه دوم قرن بیستم در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی در بیست و دوم بهمن‌ماه ۱۳۵۷ هـ. ش به

پیروزی رسید و توجه همه جهانیان را به خود جلب کرد. این انقلاب نه تنها اوضاع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی داخل کشور را دگرگون ساخت، بلکه تحولی عظیم و تأثیری شگرف در سطح جهانی به وجود آورد. تاریخ گذشته نیز شاهد انقلاب‌هایی چون انقلاب روسیه ۱۹۱۷، انقلاب فرانسه ۱۷۸۹، انقلاب الجزایر ۱۹۵۴ و غیره بوده است لیکن انقلاب اسلامی ایران به لحاظ ویژگی‌های خاص و منحصر به فردش، قابل قیاس با سایر انقلاب‌های جهان نیست. شخصیت والای امام خمینی^(ره) و قدرت نافذ ایشان در رهبری و هدایت نهضت بزرگ مردم مسلمان ایران، قدرشناسی و تبعیت مردم از رهبر و مقتدای خویش، ایمان و اعتقاد عمیق به دین مبین اسلام و وحدت و انسجام همه مردم باعث شد تا یکی از قدرتمندترین و مهم‌ترین رژیم‌های وابسته به آمریکا در منطقه سرنگون گردد.

جاذبه و اقتدار این انقلاب، آن‌چنان بود که از همان آغاز حامیان و شیفتگان زیادی از شرق تا غرب عالم را به خود جلب کرد. در نتیجه مردم آزاده و عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز جهان همبستگی خویش را به انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن اعلام نمودند.

این انقلاب نشان داد که در داخل جغرافیای کشور ایران محدود و خلاصه نمی‌شود بلکه تأثیرگذاری و دستاوردهای آن، از مرزها فراتر رفته و به‌طور مستقیم کران تا کران جهان اسلام و بشریت را درنور دیده است.

یکی از نکات قابل توجه این است که در جریان انقلاب، بسیاری از افرادی که شناخت عمیقی از اسلام نداشتند و حتی غیرمسلمان نیز در گوشه و کنار جهان، مراتب همبستگی و حمایت خویش را نسبت به انقلاب اسلامی ایران رسماً اعلان داشتند و در صدد شناخت مجدد اسلام برآمدند. از مردم مسلمان و محرومان آفریقا، آمریکای جنوبی، آمریکای شمالی، جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه گرفته تا خاورمیانه عربی و سرزمین‌های اشغالی فلسطین و جنوب لبنان همه و همه تحت تأثیر مثبت قدرت و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران قرار گرفتند. آثار این تأثیر کاملاً محسوس و ملموس است.

ابراز عشق و علاقه قلبی میلیون‌ها نفر از انسان‌های آزاده و حق‌طلب جهان نسبت به امام و انقلاب اسلامی که نظیر آن در تاریخ هیچ انقلابی دیده نشده است، نشان از تأثیر عمیق افکار و اندیشه انقلاب در عمق جان و روح مردم جهان دارد. روحیه قوی فرزندان مقاومت اسلامی در لبنان و سرزمین‌های اشغالی یکی از آثار پربرکت این انقلاب و رهبری منحصر به فرد امام خمینی^(ع) است. پایمردی و رشادت جوانان فلسطینی و حزب‌الله لبنان و دلاورمردان و شیرزنان مسلمان جنوب لبنان که با دست‌ان خالی و با حربه سنگ، در عین حال با قلبی سرشار از عشق به خدا و محبت الهی در برابر رژیم اشغالگر قدس همچنان ایستاده‌اند و با مقاومت جانانه خویش راه هرگونه سازش و تسلیم عاجزانه را مسدود کرده‌اند، همه این‌ها نمونه برجسته و زنده‌ای از تأثیر اندیشه امام و انقلابش در جهت بیداری مسلمانان و آزاداندیشان جهان است.

نفوذ معنوی و تأثیر عظیمی که انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و حتی گروه‌ها و جوامع غیرمسلمان داشته است بر هیچ‌کس مخفی و پوشیده نیست و برای این‌جانب با این قلم ناتوان که در بسیاری از کشورهای اسلامی و غیرمسلمان از نزدیک ناظر عشق و علاقه آنان به امام و انقلاب بوده‌ام، بیان گوشه‌ای از آن‌همه اشتیاق و تأثیر معنوی شیفتگان و حامیان انقلاب اسلامی مشکل به نظر می‌رسد؛ از این‌رو ناگزیر با نگاهی کوتاه و گذرا به مصداق این بیت مولانا:

«گر بریزم بحر را در کوزه‌ای چند گنجد قسمت یک‌روزه‌ای»

قطره‌ای از دریای بیکران عشق غیرقابل‌توصیف جهانیان اعم از امت اسلامی و غیرمسلمانان نسبت به امام و انقلاب را برمی‌گیریم و در ادامه بحث از این منظر به شمه‌ای از تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی‌مان در عرصه‌های بین‌المللی اشاره می‌کنیم:

۱- احیای هویت دینی

یکی از مهم‌ترین آثار فرهنگی انقلاب اسلامی، احیای اندیشه و هویت دینی در جهان است. در آن موقعیت و شرایط سخت و دشواری که به تدریج اصول و مبانی دینی با تلاش حکومت‌های طاغوت و سردمداران لائیک فراموش می‌شد و مکتب‌های مادی و

الحادی، مذهب را به‌عنوان «افیون توده‌ها» و فاقد توان لازم برای به حرکت درآوردن توده‌ها و در نتیجه انقلاب می‌دانستند و هرروز هویت دینی و دین‌مداری کم‌رنگ‌تر می‌گردید تا آنجا که در برخی از جوامع به خاطر حفظ باورهای دینی خجالت می‌کشیدند و پرده‌پوشی می‌کردند و تعهد و التزام به مبانی دینی و مذهبی جرم بود و یا مسخره می‌شد، در چنان شرایطی، نهضت امام خمینی^(۵) تحول عظیمی در سطح جهانی ایجاد کرد و با تکیه بر قدرت الهی، ایمان به خدا و ایدئولوژی اسلامی، ماهیت لائیکی را به ماهیت اسلامی و دینی مبدل ساخت.

محمد العاصی^۱، امام جمعه مسجد واشنگتن معتقد است که انقلاب اسلامی، علاوه بر اینکه دگرگونی‌های متعددی در داخل ایران به وجود آورد، در سطح بین‌المللی نیز در جهت احیای تفکر دینی تأثیر گذاشت. ایشان در اظهارات خویش می‌گویند:

«امام عزیز ما، جهان لامذهبی و دنیاگرایی را متلاشی ساخت و هم‌اکنون برخلاف سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نه تنها مسلمانان «بنیادگرا» بلکه مسیحیان «بنیادگرا» و «بنیادگرایان» سایر ادیان در جهان فراوان شده‌اند و هرروز در عرصه مطبوعات و رسانه‌های جمعی مطرح هستند.»^۲

به برکت این انقلاب بزرگ، مردم مسلمان ایران و سایر کشورهای اسلامی دریافتند که راه‌حل همه مشکلات مسلمین در سایه بازگشت به اسلام و تمسک به قرآن است.

شیخ عبدالعزیز عوده، رهبر معنوی جهاد اسلامی فلسطین، بر این باور است که مهم‌ترین اثر فرهنگی این انقلاب بیداری مسلمانان در بسیاری از کشورهای دنیا است. ایشان با تأکید به اینکه انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل^(۵)، روحیه ایمان را در دل‌های جوانان رسوخ داد و با تعالیم حیات‌بخش اسلام آشنا کرد، چنین می‌گوید:

«انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام راحل و حضرت آیت الله خامنه‌ای، امید از بین رفته را در دل مسلمانان احیاء کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دیگر،

1 Mohammad Al-Asi

۲. نشریه شاهد، مقاله «جهان چگونه به امام خمینی می‌نگرد؟» شماره ۲۱۱، خرداد ماه ۱۳۷۱

مسلمانان جهان یتیم نیستند و نیروی عظیمی پدیدار شد که از آن‌ها حمایت کرده و پیوسته پشتیبان و حامی حقیقی آن‌ها بوده است. انقلاب اسلامی ایران این امید را در دل‌ها زنده ساخت که مسلمین می‌توانند بار دیگر پیروز شوند و عظمت و مجد دیرینه خود را باز یابند و دشمنانشان را شکست دهند.^۱

در حقیقت انقلاب با آسیب رساندن به بنیادهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی غرب توانست ابهت سلطه جهانی فرهنگی امپریالیستی غرب را که پامال‌کننده ارزش‌های متعالی مستضعفان بود، درهم بشکند و به مردم دنیا ثابت کرد که می‌توانند از سلطه و نفوذ شرق و غرب نجات یابند و مستقل و آزاد زندگی کنند. امام توانست همه آنچه را که در میان امت اسلامی رخت بر بسته بود و به بوته فراموشی سپرده شده بود، احیاء و بازسازی کند و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اسلام عزیز را که متروک مانده بود، دوباره به صحنه عمل بیاورد.

در طول یک ربع قرن از عمر پربرکت انقلاب اسلامی، استعمارگران، سلطه‌جویان، منافقان، دشمنان داخلی و خارجی از هیچ‌گونه تلاش و توطئه‌ای علیه آن فروگذار نکردند و در جهت منزوی کردن و ممانعت از گسترش آن انواع و اقسام جنگ‌های نظامی، تبلیغاتی و روانی به راه انداختند؛ اما به خواست خداوند علی‌رغم همه آن دشمنی‌ها، انقلاب اسلامی همچنان از حمایت و پشتیبانی مردمی برخوردار بوده و به حرکت خویش ادامه می‌دهد.

تمام ناکامی‌های دشمنان در قبال آن همه کارشکنی‌ها و مخالفت‌ها و دسیسه‌ها بهترین گواه برای نفوذ معنوی و تأثیر مثبت انقلاب اسلامی ایران در سطح جهانی است.

۲ - طرح اندیشه حکومت اسلامی

بسیاری از اسلام‌شناسان و کارشناسان جهان اسلام و اندیشمندان غیرمسلمان با وقوع انقلاب اسلامی در نظرات و دیدگاه‌های خویش تجدیدنظر نمودند چراکه تشکیل حکومت اسلامی را امری ناممکن و به تعبیری شبه محال می‌دانستند. نیز برخی از آنان

۱. روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۷

مبارزه با طاغوت و حکومت‌های جور و سلطه‌جویان را به‌مثابه بازی کردن بادم شیر و به‌نوعی مقابله مشت در برابر سندان یاد می‌کردند.

از این رو با پیروزی انقلاب معادلات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی را در هم ریخت و راه برقراری حکومت اسلامی را برای سایر ملت‌ها هموار ساخت. امام راحل با این حرکت عظیم ثابت کرد که اسلام می‌تواند با تکیه بر اصول و مبانی برگرفته از قرآن و با اتکاء به ارزش‌های اسلامی در تأسیس یک حکومت مستقل از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش داشته باشد.

در عرصه جهانی نیز به سایر مسلمانان و مردم مظلوم دنیا جرأت و جسارت استکبارستیزی و رویارویی با ظالمان و استبدادگران را یاد داد. در نتیجه در دو دهه اخیر گروه‌ها، انجمن‌ها و جنبش‌های اسلامی و مردمی در سطح بین‌المللی، الگوهای مبارزاتی خویش را به صورت‌های مختلف از تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها گرفته تا مقاومت علیه اشغالگری‌ها و نیز ایجاد انسجام و وحدت اسلامی تا اعتماد به نفس و قیام در برابر رژیم‌های وابسته برای اجرای قوانین اسلام به شکل‌های گوناگون از انقلاب اسلامی ایران تأثیر گرفته‌اند.

آقای احمد ورسی^۱ با تأکید بر جهان شمول بودن اهداف انقلاب اسلامی می‌گوید: «موفقیت انقلاب اسلامی با یک انقلاب بدون خون‌ریزی افکار مسلمانان را تغییر داد و مشخص ساخت که یک چنین عملی (انقلاب) در جهان اسلام امکان‌پذیر است و امت اسلام قادر است حکومت را اداره کند. زمان نشستن عالم در مسجد و تنها به جنبه روحانی اسلام اندیشیدن به سر آمده و رهبر امت اسلامی هم به دنیا می‌اندیشد و هم به آخرت توجه می‌کند. دیدگاه ایشان در مورد «نه شرقی، نه غربی» حکومت اسلامی ایران را از ابرقدرت‌ها مستقل ساخت.

امام خمینی تفکر کلیشه‌ای از حکومت اسلامی به‌عنوان بازگشت به سال‌های سیاه را نبود ساخت و برعکس، ثابت نمود که اسلام همچنان نیرویی پویاست که قادر به راهبری

امت در اجتماع به اصطلاح مدرن و فوق مدرن کنونی است.»^۱

۳ - دفاع از آرمان مقدس فلسطین

انقلاب اسلامی ایران در زمانی به پیروزی رسید که پیمان ننگین کمپ دیوید با تلاش آمریکا بین رژیم اشغالگر قدس و سران خائن فلسطین به امضاء رسید و استعمارگران غربی تصور می کردند به زودی سایر کشورهای اسلامی را نیز تحت نفوذ خویش درمی آورند و آنان را نیز در اختیار می گیرند. وقوع انقلاب اسلامی همه معادلات آنان را بر هم زد و با هدایت، روشنگری و موضع گیری قاطعانه امام^(ع)، شیوه مبارزه با اسرائیل شکل دیگری به خود گرفت. به فرمان امام خمینی^(ع) آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، «روز جهانی قدس» اعلام شد و سفارتخانه اسرائیل در تهران تعطیل و به سفارت فلسطین تبدیل گردید و بیت المقدس به عنوان مکان مقدس مسلمانان و سایر ادیان آسمانی مورد توجه جهان اسلام قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران به مبارزان و مردم فلسطین اعتماد به نفس بخشید و پشتیبانی و حمایت از انتفاضه و آرمان مقدس فلسطین را در سرلوحه برنامه های خویش قرارداد و جهانیان را به یاری و کمک های سیاسی، مادی و معنوی مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین دعوت کرد. همچنین رهبران مبارز فلسطینی را در رویارویی با اسرائیل اشغالگر دلگرمی و روحیه تازه ای بخشید.

شهید دکتر فتحی شقاقی، رهبر پیشین سازمان جهاد اسلامی فلسطین، در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر مبارزات مردم فلسطین می گوید:

«این انقلاب به ما فهماند که پیروزی ما در گرو پیروی از راه امام خمینی^(ع) است؛ از همین رو، ناگهان درودیوار مساجد سرزمین های اشغالی به ویژه مسجدالاقصی با تصاویر حضرت امام تزیین شد. امروز نیز شاهد آن هستیم که آیت الله خامنه ای همان مشی امام^(ع) را ادامه می دهند و مسئله فلسطین را در شمار مسائل اصلی مسلمانان قرار داده اند.»^۲

۱. مهم ترین ویژگی امام از دیدگاه متفکران جهان، مجله سروش، سال پانزدهم، شماره ۶۴۷، مورخ ۱۳۷۲/۳/۸
۲. مرتضایی، علی اکبر، امام خمینی در حدیث دیگران، نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، سال ۱۳۷۸ ص ۳۱

ایشان در جای دیگری انتفاضه، قیام سرا سری مردم فلسطین را از برکات مهم انقلاب اسلامی ایران می‌داند و می‌گوید:

«انتفاضه یکی از ثمرات بیداری اسلامی است که امام خمینی^(ره) در منطقه و به‌ویژه در فلسطین به وجود آورد؛ بنابراین، انتفاضه اسلامی، در سطوح مردمی به‌سوی افق اسلامی و شعارهای اسلامی پیش می‌رود، پس بر ماست که در مبارزه برای رهایی از تسلط و اشغالگری صهیونیست‌ها از تمام راه‌حل‌های دیگر پرهیز کرده و با توجه به اصولی که امام در مبارزه با اسرائیل ارائه کرده‌اند با دشمنان اسلام و مسلمانان مبارزه کنیم.»^۱

انقلاب اسلامی ایران این حقیقت را برای امت اسلامی به‌طور خاص و برای جهان بشریت به‌طور عام روشن و ثابت نمود که این تنها اسلام و ایدئولوژی اسلام ناب است که می‌تواند مسلمانان و ستم‌دیدگان جهان را برای مبارزه با ابرقدرت‌ها و سلطه‌گران مجهز نماید و حقوق از دست‌رفته آنان را بازگرداند. مردم ستم‌دیده فلسطین پس از سال‌ها مبارزه، مهاجرت و آوارگی با الهام از انقلاب اسلامی، امروز راه مبارزه با اشغالگران صهیونیست را یافته‌اند.

آنان به پیروزی از راه و موضع‌گیری‌های امام تنها راه رهایی و نجات خویش را تبعیت از تعالیم قرآن و ایمان به خداوند می‌دانند و در راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات و مبارزات خود همان شعارهای ملت بزرگ ایران را علیه اسرائیل غاصب فریاد می‌کنند و امروز به برکت انقلاب اسلامی، حمایت جهان اسلام و مردم آزاده جهان را در کنار خود دارند.

نایف حواتمه^۲ دبیر کل جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، در مورد تأثیر فوق‌العاده‌ای که انقلاب اسلامی در پیشبرد مبارزات مردم فلسطین داشته است، چنین می‌گوید:

«عمق و اصالت موضع‌گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی درباره قضیه فلسطین و مبارزه با دولت صهیونیستی، باعث تحکیم و گسترش پایه‌های رویارویی با

۱. مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات رایانه‌ای، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سند شماره ۱۹۴۲

تجاوزات اسرائیل گردید و موجبات گسترش و تعمیق مبارزه را فراهم آورد، به گونه‌ای که آن را از قالب مبارزه اعراب و اسرائیل به مبارزه «کشورهای اسلامی غیرعربی» که مردم آن با مبارزات فلسطینی و عربی همدردی می‌کردند، مبدل ساخت. هرچند برخی از رژیم‌های این کشورها، هم‌پیمان با امپریالیسم آمریکا و هم‌دست با اسرائیل بودند.^۱

۴ - ایجاد وحدت و همبستگی اسلامی

یکی دیگر از آثار مثبت فرهنگی انقلاب، ایجاد الفت و اخوت اسلامی میان پیروان مکتب توحید بود. همان‌گونه که ملت مسلمان ایران با وحدت کلمه و در سایه برادری اسلامی به رهبری امام امت، نظام مقدس جمهوری اسلامی را پایه‌ریزی کرد، سیاست خارجی‌اش را نیز براساس وحدت امت اسلامی تنظیم نمود و همه مسلمانان جهان را از آسیا تا آفریقا و خاورمیانه عربی تا اروپا و آمریکا که به مبانی توحید، نبوت، معاد، قرآن، حج و نماز معتقد بودند و تعلق خاطر به اسلام داشتند برای حفظ وحدت اسلامی درراه دفاع از کیان اسلامی فراخواند.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، رهبری وحدت باوجود آن‌همه پتانسیل و توانمندی‌ها در دنیای اسلام صورت ظاهری و شکلی داشت و در عزلت و انزوا به سر می‌برد و چندان به محتوای وحدت و اقدامات عملی که موردنظر اصلی منادیان وحدت بود، توجهی نمی‌شد و از طرفی جهل و ناآگاهی جوامع از ارزش‌های متعالی اسلامی و تفرقه‌اندازی و نفاق‌افکنی دشمنان در بین امت اسلامی از سویی دیگر، ابتکار عمل را از دست مسلمانان گرفته بود. مهم‌ترین اثر انقلاب اسلامی در چنان شرایطی این بود که جایگاه رهبری وحدت اسلامی را در سطح جهان اسلام مستحکم ساخت و توجه همه را به اهمیت وحدت معطوف کرد.

انقلاب اسلامی توانست امت اسلامی را در اقصی نقاط جهان را علی‌رغم اختلافات جزئی فرقه‌ای که داشتند برای مبارزه با عوامل تفرقه، استعمارگران و صهیونیست‌ها در زیر

۱. مرتضایی، علی‌اکبر، امام خمینی در حدیث دیگران، نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران سال ۱۳۷۸ صفحه ۳۳.

پرچم (لا اله الا الله) به وحدت دعوت نماید و پیامدها و آسیب‌های تفرقه در بین مسلمانان را به آنان هشدار دهد.

یکی از اقدام‌های دلگرم‌کننده تأسیس «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» به فرمان مقام معظم رهبری بود که در جهت تقریب مذاهب اسلامی و حفظ وحدت جهانی اسلام صورت گرفت. راه‌اندازی نشریه «رساله‌التقریب» که در گذشته چندین شماره توسط «دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه» در قاهره چاپ و منتشر شده بود، به‌علاوه برگزاری کنفرانس‌ها و میزگردهای وحدت در تهران و مکه مکرمه در ایام حج تمتع و صدها جلسه بحث و گفتگو بین اندیشمندان و علمای اسلامی و چاپ هزاران مقاله، کتاب، مجله و پایان‌نامه‌های دانشگاهی به زبان‌های گوناگون از جمله اقدامات شایسته و ارزنده‌ای است که تاکنون در جهت تحقق آرمان‌های وحدت جهان اسلام صورت پذیرفته است. حرکت دیگری که برای تفرقه زدایی از جامعه اسلامی پس از وقوع انقلاب اسلامی انجام گرفت برگزاری هفته وحدت اسلامی هم‌زمان با ولادت باسعادت پیامبر گرامی اسلام (ص) هر سال از ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول می‌باشد. به برکت هفته وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی در کشورهای مختلف، در کنار یکدیگر با الهام از فرمان وحدت‌بخش خداوند متعال «واعتصموا بحبل الله جمیعاً» (آل عمران، ۱۰۳) سرود وحدت می‌خوانند، این حرکت سازنده روزه‌روز گسترش یافته و همچنان سیر صعودی خویش را ادامه می‌دهد. شیخ سعید شعبان، رهبر فقید جنبش توحید اسلامی لبنان در خصوص این اثر جاویدان و ماندگار انقلاب اسلامی می‌گوید:

«امام، دولت اسلامی را در پایگاهی به وسعت یک میلیارد مسلمان بنا نهاد و ندای وحدت شیعه و سنی را تحقق بخشید و اکنون بر همه علماء و پیروان اسلام است تا این گنجینه بزرگ را حفظ نموده و سنی و شیعه در کنار هم امتی را تشکیل دهند که استکبار جرأت نفوذ در میان آنان را نداشته باشد. امام آرزوی بزرگوارانی چون

جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، نواب صفوی و... را برآورده کرد.^۱ تراژدی وحدت امت اسلامی، دارای تأثیر فراوانی در سطح بین‌المللی بوده است که به‌طور فهرست‌وار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- ۱ - ایجاد وحدت بین مذاهب اسلامی و نزدیک ساختن پیروان مذاهب به یکدیگر.
- ۲ - ایجاد ارتباط و همکاری میان علماء و اندیشمندان جهان اسلام از طریق برگزاری مجالس بحث و مشورت‌های کلامی، فقهی و مباحث تطبیقی.
- ۳ - اهتمام به نماز وحدت‌آفرین و پرشکوه جمعه در داخل و خارج از کشور به‌عنوان یکی از بارزترین جلوه‌های وحدت و همبستگی ملل مسلمان.
- ۴ - تشکیل جلسات بحث و برگزاری همایش‌های فرهنگی و علمی در ایام حج با حضور عالمان فرق مختلف اسلامی توسط بعث‌مقام معظم رهبری.
- ۵ - تقویت و ارتقاء مبانی حج به‌عنوان کنگره بین‌المللی وحدت اسلامی.
- ۶ - تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی در تهران و پذیرش دانشجویان از اقصی نقاط جهان.
- ۷ - برگزاری اجلاس مجمع فقه اسلامی در جدّه و شرکت اندیشمندان جهان اسلام از جمله جمهوری اسلامی ایران در این اجلاس.
- ۸ - ارتباط با قاریان و خادمان قرآن کشورهای مختلف و ترویج فرهنگ قرآنی.
- ۹ - گسترش تبادل هیئت‌های علمی و فرهنگی از فرق و مذاهب اسلامی برای تحقق عملی وحدت مسلمین.
- ۱۰ - انتشار افکار و اندیشه‌های عالمان و متفکران شیعه و سنی و پیشتازان وحدت اسلامی نظیر امام خمینی^(ره)، مقام معظم رهبری، سید جمال‌الدین اسدآبادی، حسن البناء، سید قطب مصری، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد عبده، علامه امینی، شهید مدرس، آیت‌الله، محمدحسین کاشف‌الغطاء، ابوالاعلی مودودی پاکستانی، ابوالحسن علی

۱. سپهری، محمد، خورشید بی‌غروب، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، سال ۱۳۶۹.

ندوی از هندوستان، آیت ا. العظمی بروجردی، علامه اقبال لاهوری، شهید مرتضی مطهری، علامه محمدتقی قمی، شهید سید محمدباقر صدر، علامه سید محمدحسین طباطبایی، سید محسن امین جبل عاملی، سید عبدالرحمن کواکبی و... به زبان‌های زنده دنیا.

۵ - نقش مؤثر طرح گفتمان در سطح جهانی

آزادی بحث و گفت‌وگو و مناظره یکی از ویژگی‌های اسلام است که از آغاز رسالت پیامبر گرامی اسلام (ص) معمول بوده و در دوران پس‌از آن حضرت نیز انجام می‌شده است. گفتگوی پیامبر اکرم (ص) با بزرگان قریش، گفت‌وگوی امام زین‌العابدین (ع) با حسن بصری، مناظره امام صادق (ع) با علماء و پیروان ادیان، گفت‌وگوی امام رضا (ع) با دانشمندان مسیحی و... گواه روشنی بر این مطلب است. از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز تاکنون جلسات بحث و گفتمان با اندیشمندان ادیان بزرگ بخصوص متفکران مسیحی تشکیل شده است. این‌گونه گفت‌وگوها که باهدف همزیستی مسالمت‌آمیز، شناخت واقعی ادیان، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، احترام متقابل صاحبان ادیان، استقرار عدالت و صلح جهانی، گسترش معنویت و ارزش‌های دینی و اخلاقی در سراسر دنیا صورت می‌گیرد، نقش مثبت و تأثیر فراوانی برجای نهاده است.

یکی از دین‌شناسان مشهور غرب به نام «کنت ول اسمیت» درباره اهمیت گفتمان می‌گوید:

«جهان روی صلح نمی‌بیند مگر آن‌که فرهنگ‌ها با یکدیگر گفت‌وگو کنند و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها ممکن نمی‌شود جز آن‌که ادیان با یکدیگر به گفت‌وگو بنشینند و این گفت‌وگو میسر نمی‌شود تا هنگامی که پیروان ادیان یکدیگر را بهتر بشناسند»^۱

برای اولین بار پیشنهاد طرح «گفت‌وگوی تمدن‌ها» در پنجاه و سومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سوی جناب آقای سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی پیشنهاد شد و براساس قطعنامه شماره ۵۳/۲۲ مورخ ۴ فوریه

۱. ماهنامه فرهنگی، علمی گزارش گفت‌وگو، سال اول، شماره اول، شهریور ۱۳۸۱ ه.ش

۱۹۹۸ میلادی سال ۲۰۰۱ به‌عنوان «سال سازمان ملل برای گفت‌وگوی تمدن‌ها» تعیین گردید. طرح مزبور مورد استقبال گرم جهانیان به‌ویژه پیروان ادیان و متفکران و روشنفکران برجسته دنیا قرار گرفت و این ابتکار جالب و شایسته دولت جمهوری اسلامی ایران را تحسین کردند.

گفت‌وگوهای علمی و برقراری ارتباطات فرهنگی با پیروان سایر ادیان، تاکنون تأثیر زیادی در دنیا داشته است که به‌طور مختصر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- دو دوره گفت‌وگوی دینی با کلیسای ارتدکس روسیه در تهران و مسکو.

۲- چهار دوره گفت‌وگوی دینی با کلیسای ارتدکس یونان.

۳- یک دوره گفت‌وگو با کلیسای کاتولیک واتیکان.

۴- دو دوره گفت‌وگوی دینی با شورای جهانی کلیساها در تهران و ژنو.

۵- یک دوره گفت‌وگو با بنیاد آنبه‌لی در کشور ایتالیا تحت عنوان «دین، جامعه و دولت» در ایتالیا و تهران.

۶- دو دوره گفت‌وگو با کالج مطالعات اسلامی - مسیحی سلی‌اوک، با عنوان «تفسیر کلام خدا» در تهران و انگلیس.

۷- گفت‌وگو با انجمن دولتی اسلام و مسیحیت فرانسه.

۸- گفت‌وگو با جامعه جهانی زرتشتیان با عنوان «بررسی کلیات کلام اسلام و زرتشت».

۹- دو دوره گفت‌وگوی دینی با کلیسای کاتولیک قدیس گابریل در تهران و اتریش. «گفت‌وگو: مسائل اساسی نظام همزیستی عادلانه از دیدگاه اندیشمندان

مسلمان و مسیحی، مرکز گفتگوی ادیان، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ص ۳۰-۳۱، چاپ اول، سال ۱۳۸۰ هـ ش)

افزون بر این، نشست‌ها و همایش‌های مختلفی همچون: «اسلام و صلح جهانی» و «مدارای دین و گفت‌وگوی تمدن‌ها» در تهران و کنگره بزرگ ادیان در بانکوک تایلند و گردهمایی منطقه‌ای گفت‌وگوی تمدن‌ها در مقدونیه و کشورهای دیگر جهان برگزار شده و همچنان ادامه دارد.

اسقف خلیل ابی نادر^۱ یکی از رهبران مسیحی لبنان در خصوص اثرگذاری گفتمان و برقراری ارتباط با جامعه مسیحی می‌گوید:

«[امام] خمینی در من تأثیر بسیاری بر جای نهاده است. اگرچه من به‌عنوان یک روحانی مسیحی نمی‌توانم دینم را ترک کنم، اما با این حال اندیشه و افکار من از رسالت دینی وی بسیار تأثیر گرفته است. این تأثیر به‌صورت زیر جلوه‌گر می‌باشد:

۱ - او به این حقیقت دست‌یافت که عقب‌ماندگی مسلمانان در عصر انحطاط خصوصاً در ایران اصولاً از دوری آن‌ها از درک صحیح قرآن ناشی می‌شود. این بود که او صدا و موعظه‌اش را به مردم رساند و آن‌ها را از خواب بیدار نمود، خصوصاً که اعمال او همواره از قرآن سرچشمه می‌گرفت.

۲ - او خواهان وحدت مسلمانان بود و مسلمانان ایران را بااراده و اهداف و آرمان‌هایشان وحدت داد. مردم مستضعف سلاح او در مبارزات بودند و پیروزی نیز همیشه نصیب او می‌گشت.

اگر وی از کلیسای مسیحی می‌بود، مردم مؤمن وی را قدیس بزرگی می‌دانستند و او را شفیع خویش قرار می‌دادند.

[امام] خمینی در خارج از ایران پیام‌دهنده همزیستی میان مسیحیان و مسلمانان می‌شد. من به‌عنوان یک روحانی مسیحی، جمهوری اسلامی ایران را درک می‌کنم. اگر شانس آن را داشتم که با [امام] خمینی بزرگ گفتگویی داشته باشم باروح مسیح^(ع) و محمد (ص) همان خط و راه را در پیش می‌گرفتیم»^۲.

به‌صورت خلاصه؛

انقلاب اسلامی ایران تأثیر فوق‌العاده‌ای در سطح بین‌المللی بر جای نهاده که به‌طور کلی می‌توان در دو بخش خلاصه کرد:

1 Osyhof Khalil Abinader

۲. امام خمینی در حدیث دیگران، مرتضایی، علی‌اکبر، نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۷۴ هـ.ش ص ۱۴۰-۱۴۱

۱ - تأثیر و نفوذ مثبت: ملت‌های مسلمان و اقلیت‌های اسلامی در سراسر جهان به‌طور خاص و آزاداندیشان و ستمدیدگان و مستضعفان جهان به‌طور عام.

۲ - تأثیر منفی: هیئت‌های حاکمه، دولت‌های استکباری، صهیونیست‌ها، منافقان، غارتگران بین‌المللی و عوامل سرسپرده آنان در کشورهای مختلف.

این انقلاب دستاوردهای گران‌بهایی را در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به ارمغان آورده که اثرگذاری فرهنگی آن از اهمیت خاصی برخوردار است. بخشی از تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

- ۱ - احیای هویت دینی و خارج شدن دین از گوشه غربت و حضور در صحنه اجتماع.
- ۲ - شکل‌گیری نهضت‌های علمی، فرهنگی و مذهبی در جهان.
- ۳ - رشد آگاهی‌های مسلمانان و احیای خیزش اسلامی.
- ۴ - الگوپذیری در مبارزه با طاغوت و استکبارستیزی.
- ۵ - طرح اندیشه حکومت اسلامی و عمل براساس تجربه نظام جمهوری اسلامی ایران.
- ۶ - رشد مبارزات ضد استعماری و افزایش اعتمادبه‌نفس در بین امت مسلمان.
- ۷ - طرح مباحث جدید در مجامع علمی، فکری و فرهنگی چون: نظریه ولایت‌فقیه، آزادی و دموکراسی، عدالت اجتماعی، حقوق بین‌الملل اسلامی، اندیشه سیاسی اسلامی، مبانی فقهی مشارکت سیاسی و...
- ۸ - همبستگی با نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی و جانب‌داری از انتفاضه ملت مظلوم فلسطین.

۹ - ایجاد انسجام و وحدت علمی جهان اسلام.

- ۱۰ - استقبال سایر ادیان در جهت شناخت بیشتر مبانی اسلام و معارف اهل بیت^(ع).
- ۱۱ - استقبال از طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان.
- ۱۲ - ترجمه و نشر آثار امام خمینی^(ره)، مقام معظم رهبری و رهبران دینی و فکری انقلاب اسلامی به زبان‌های مختلف در جهان.

نفوذ انقلاب اسلامی در قاره کهن

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، شروع دوره جدیدی از ظهور اسلام با رویکرد سیاسی را برای جهان اسلام نوید داده و پیروزی برجسته‌ترین حرکت اسلامی در این دوره، سایر حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام را به تکاپو واداشت. ذکر این نکته ضروری است که میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبوده، بلکه با توجه به اوضاع خاص هر منطقه و نیز قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی، درجه تأثیر آن متفاوت بوده است و هراندازه که ملت ایران در نیل به اهداف انقلابی خود با ملت‌های دیگر وجه اشتراک داشته‌اند، به همان نسبت استقبال از این انقلاب گسترده‌تر بوده است.

به‌طور کلی آنچه بر همگان روشن و واضح است، این است که انقلاب اسلامی ایران تأثیرهای گسترده‌ای را در ورای مرزهای خود داشته و با توجه به پیروان و هواخواهانی که پیدا کرد و به‌عنوان یک نیروی قابل‌محاسبه توسط دولت‌های خارجی و همچنین دولت‌های منطقه عنوان شده است؛ بدان خاطر که «انقلاب اسلامی در ایران به دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه و بین‌المللی، پدیده‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام بود»^۱.

درمجموع تأثیر آن بر سایرین از گرایش و پذیرش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب تا الگوبرداری شیوه‌ها و روش‌های اتخاذشده، ازجمله گسترش تظاهرات عمومی علیه نظام‌های حاکم، در نوسان بوده که این وضعیت زمینه‌های تهدید سایرین را فراهم آورده بود که در این راستا و در ادامه درصددیم تا به بررسی تأثیرگذاری انقلاب

۱. اسپوزیتو، جان ال، انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، ص ۲۴۴، مرکز بازشناسی

اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۲ ه.ش

در میان کشورهای مختلف پرداخته و برای سهولت اشاره به این بحث، مناطق مورد بررسی را به ۵ قسم عمده تقسیم کرده‌ایم تا در خلال آن‌ها به نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام بپردازیم.

۱- جنوب شرق آسیا

۱.۱. مالزی و اندونزی:

در کشورهای اندونزی و مالزی به دلیل وجود جامعه کثرت‌گرای مذهبی، جنبش‌های احیای اسلام فعال هستند و هم‌زمان با انقلاب اسلامی، جنبش تجدید حیات اسلام در این منطقه نیز در حال شتاب گرفتن بود (امرائی، حمزه، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳: ۲۵۸) و مسلمانان؛ اعم از آنکه در کشورشان اقلیت یا اکثریت بوده‌اند، نسبت به هویت خود آگاه‌تر شده بودند. به همین دلیل براساس نظر شمار بسیاری از ناظران اسلام معاصر در مالزی و اندونزی، اجماع عمومی بر این است که انقلاب ایران تأثیر مهمی بر عناصر آشنا به مذهب در این کشورها داشت.

انقلاب اسلامی ایران برای مسلمانان آنجا بیش از آنکه به‌عنوان الگویی اجتماعی و قابل تکرار مطرح باشد، به‌مثابه منبعی الهام‌بخش تلقی گردید و موجب تجدید توان حرکت انقلاب اسلامی در این جوامع شد که بازتاب انقلاب در این کشورها دارای دو بعد بوده است: از یکسو پیروزی انقلاب اسلامی و انعکاس رسانه‌ای آن، موجب تقویت احساس هویت مذهبی در میان مسلمانان و نیز تسریع روند تجدید حیات سیاسی اسلام در این جوامع گردید؛ زیرا تلاش جامعه مسلمان ایران در سرنگونی دولت ضد دینی، تأثیر مثبتی بر آن‌ها داشت که با شکل‌گیری انقلاب

اسلامی در ایران، برخی از ناظران و مفسران رویدادهای اسلامی پیش‌بینی کردند که کشورهایی همانند مالزی و اندونزی بتوانند تبدیل به «ایرانی دیگر» گردند.^۱

از سوی دیگر انقلاب ایران توانایی حکومت‌های مالزی و اندونزی را در توجیه نظارت و سرکوب جنبش‌های مخالفان اسلام‌گرا تقویت کرده و آن‌ها نیز برای بی‌اعتبار ساختن هرگونه مخالفت اسلامی به طرح اتهام‌هایی، چون اسلام رادیکال، پرداخته و درصدد افزایش تلاش‌ها در نظارت بر نقش سیاسی آن دسته از نیروهای اسلامی برآمدند که آن‌ها را برای سیاست دولت زیان‌بار تلقی می‌کردند. لذا دولت‌های این دو کشور تلاش کردند تا آن‌ها را از طریق تلفیق مجموعه‌ای از گزینش، تهدیدها، افزایش مراسم و سخنرانی‌های مذهبی و مراقبت و نظارت بیشتر بر فعالیت‌های مذهبی مهار کنند.^۲

درعین حال سعی کرده‌اند که برخوردی محتاطانه با انقلاب اسلامی داشته باشند و بنا به ملاحظات داخلی و خارجی هرچند در مقاطعی نیز ناگزیر از اصلاح و تعدیل مشی خود به نفع مسلمانان شده‌اند، ولی همواره تلاش کرده‌اند که ضمن حفظ روابط رسمی سیاسی با ایران، از طرق مختلف مانع گسترش و تعمیق مفاهیم انقلاب اسلامی در جامعه خویش شوند.

در این راستا در کشور اندونزی از آنجایی که مبلغان مسلمان و سازمان‌های سیاسی همواره خواستار ابراز حمایت دولت‌مردان خود نسبت به امام و انقلاب بودند، اما دولت‌مردان علی‌رغم سکوت ظاهری خود با نگرانی جدی به انقلاب

۱. اسپوزیتوجان ال، انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران؛ مرکز بازشناسی

اسلام و ایران، ۱۳۸۲: ۲۵۶

۲. محمدی محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، صص ۴۶۹ و ۴۷۱، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.

اسلامی به رهبری امام خمینی می‌نگریستند؛^۱ بدان خاطر که مسلمانان اندونزیایی میان ایران و کشور خود یکسری شباهت‌هایی را احساس می‌کردند که باعث علاقه‌مندی آن‌ها به انقلاب اسلامی می‌شد که از جمله آن‌ها توان به تلاش ایران برای رهایی از سلطه یک ابرقدرت، به‌کارگیری درآمدهای نفتی برای توسعه کشور و استفاده از اسلام برای رهایی از چنگ کاپیتالیسم و سوسیالیسم در سطح ملی و بین‌المللی اشاره کرد.^۲

دولت مالزی نیز علی‌رغم اینکه در کنار قومیت، برای اسلام در حیات سیاسی این کشور نیز اهمیت قائل است، اما هیچ‌گاه نگرانی خود را از بروز حرکت‌های اسلامی پنهان نکرده و معمولاً رفت‌وآمد رهبران محلی و اسلامی به ایران را زیر نظر داشته و ضمن کنترل روابط دوجانبه، مانع تأثیر سیاسی انقلاب ایران بر مسلمانان کشورش شد؛ زیرا مسلمانان این کشور، باعلاقه زیادی حوادث ایران را پیگیری کرده و مجذوب شخصیت امام خمینی شده بودند.^۳

۱.۲. فلیپین:

کشور فلیپین با اکثریت جمعیت مسیحی، پس از رهایی از استعمار اسپانیا به تدریج تحت حاکمیت آمریکا درآمد.^۴ در کشور فلیپین مسلمانانی که به «مورو» معروف هستند، تنها ۵٪ از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند.

۱. راه‌جو دوام، جنبش‌های اسلامی در مالزی و اندونزی، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲، تابستان

۷۲. ۱۳۷۸:

۲. محمدی محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵:

۴۵۲ - ۴۵۳

۳. گلی زواره غلامرضا، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین، قم؛ مرکز انتشارات دفتر تبلیغات

اسلامی، ۱۳۸۰: ۲۳۰ - ۲۳۱ص

۴. محمدی محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،

۱۳۸۵ ه.ش، ص ۴۸۳ و ۴۸۵

بسیاری از مسلمانان در این کشور، سرنگونی شاه ایران را نمونه‌ای از غضب الهی دانسته و آن را نشانه‌ای محتمل برای سرنوشت پادشاه خود دانستند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شاهد تأثیر دامنه انقلاب اسلامی در این کشور هستیم، از جمله اینکه تشکیل حکومت در ایران باعث بیداری، امید و اعتماد به نفس مسلمانان این کشور شد و در واقع این انقلاب برای آن‌ها توانایی اسلام را در رهبری مردم سرکوب‌شده جهت مقابله با رژیم‌های فاسد و تحت ستم خارجی آشکار نمود. در این راستا ایران نیز با حمایت از مبارزه جبهه آزادی‌بخش ملی مورو، گرایش‌های سیاسی از پیش موجود را قوت دوباره‌ای بخشیده و خیزش اسلامی را با ایجاد روحیه و حمایت از مبارزات مسلحانه علیه دولت مانیل تشدید کرد و در راستای حمایت از مسلمانان فیلیپین، مبادرت به تحریم صدور نفت به آنجا ورزید.^۱

پس از سقوط استبداد «رژیم مارکوس» در سال ۱۹۸۶، روابط طرفین از حالت تیرگی خارج شده و طرفین دارای روابط مبتنی بر صلح و توسعه پایدار شده و در حال حاضر سازمان‌های فرهنگی ایران نیز به‌طور وسیعی در آنجا فعال هستند.^۲

۲ شبه‌قاره هند

گسترش افکار انقلابی در شبه‌قاره هند نیز بی‌تأثیر نبوده و ما در صدیم تا در این منطقه به بررسی بازتاب انقلاب اسلامی در کشورهای افغانستان، پاکستان، هند، کشمیر و بنگلادش بپردازیم.

۲.۱. افغانستان:

۱. محمدی محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۴۹۴ و ۴۹۵

۲. ملکوتیان مصطفی، تأثیرات منطقه ای و جهانی انقلاب اسلامی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۱، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۲۷۶ - ۲۷۷

تأثیر انقلاب اسلامی بر افغانستان، به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی دو کشور، پیش از پیروزی انقلاب در قالب مقاومت مردم در برابر کودتای کمونیستی طرفدار شوروی نمود یافت. به فاصله ۹ ماه پس از وقوع کودتای مارکسیستی در کابل، انقلاب اسلامی در ایران نیز به پیروزی رسید و به سرعت تأثیرهایی در ابعاد مبارزاتی و سیاسی افغانستان بر جای گذارد. همچنین پس از پیروزی انقلاب ایران و اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی نیز، گروه‌های شیعه و سنی که اکثراً نام اسلام را حمل می‌کردند (مجاهدین افغانی)، از انقلاب اسلامی الهام گرفته و بدون شک تأکید این گروه‌ها به اسلام تحت تأثیر این انقلاب صورت گرفته بود.^۱ هم‌زمانی ورود نیروهای ارتش سرخ به افغانستان با اتفاقات داخلی ایران، باعث توجه و عنایت خاص مسئولان انقلاب اسلامی به این سرزمین شد و لذا در کنار آثار عمیق معنوی بر روند جهاد مردم افغانستان، تاکتیک‌های مبارزاتی مردمی که در جریان مبارزات گسترده مردم مسلمان ایران علیه رژیم شاه به کار گرفته شده بود، بر شیوه مبارزاتی افغان‌ها نیز تأثیر بسزایی گذارده و قیام‌های مردمی در شهرهای هرات و کابل در سال ۱۹۷۹ نمونه‌های اولیه و مهم از شیوه‌های جهادی مردم مسلمان ایران بود که فضای مبارزه مردم مسلمان افغانستان را دچار تحولی بنیادین کرد و ایران نیز با استفاده از این موقعیت مردمی، به سازمان‌دهی و انسجام گروه‌های مبارز و جهادی پرداخت.^۲

با خروج نیروهای شوروی از افغانستان، مبارزات مجاهدین افغانی ماهیت دیگری پیدا کرده و از جنبه جهادی و عقیدتی، حالتی سیاسی و اقتصادی به خود گرفت و گروه‌های جهادی به‌منظور تقسیم و تثبیت قدرت خویش با یکدیگر به نزاع

۱. محمدی محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص

۴۳۳

۲. شهبازی محمد باقر، بررسی اجمالی موقعیت کنونی شیعیان پاکستان، نامه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، سال

۱۳۶۷-۱۳۶۸

پرداختند که در نهایت این اختلافات منجر به جنگ داخلی در افغانستان شد. با تداوم مناقشه افغانستان و تضعیف گروه‌های جهادی، زمینه برای به صحنه آمدن گروه طالبان فراهم شد و آن‌ها با حمایت‌های قدرت‌های خارجی، از جمله آمریکا و عربستان برای مدتی در موازنه قدرت از سایرین پیشی گرفتند. از جنبه سیاسی ایدئولوژیک نیز ضمن ارائه قرائت خاصی از اسلام، مدلی هم برای حکومت اسلامی و مملکت‌داری مطرح کردند که در تقابل با اسلام ناب بوده و لذا به تدریج با توسعه حوزه نفوذ آن‌ها در افغانستان، تمام سرمایه‌گذاری ایران در افغانستان با مانع مواجه شد. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، گرچه تداوم این روند با فروپاشی قدرت آن‌ها توسط آمریکا دستخوش تغییر و تحول گردید؛ ولی ذکر این نکته ضروری است که ایران همواره با حمایت برخی گروه‌های اسلامی، به دنبال گسترش آرمان‌های اسلامی در این کشور بوده است.

۲.۲. پاکستان:

پاکستان به‌عنوان یکی از همسایگان مهم ایران، از لحاظ سیاسی و اجتماعی در معرض تأثیرگذاری انقلاب اسلامی واقع شد. گرچه در توالی و تقارن انقلاب اسلامی، هیجانات مردمی و تخیلات اجتماعی در تأسی از انقلاب در پاکستان چشمگیر بود؛ اما در این کشور نیز هم‌زمان با انقلاب اسلامی، با کودتای نظامیان به رهبری «ضیاءالحق»، وی با تسلط بر کشور خود سردمدار احیای اسلام گردید که در این خصوص باید خاطرنشان کرد که وقوع چنین امری گرچه احتمال دارد که ناشی از الزام‌های تاریخی و انگیزه‌های شخصی باشد؛ ولی علاوه بر آن می‌توان ادعا نمود که تاکتیکی برای کنترل اسلام‌گرایی و انقلاب‌گرایی برخاسته از تحولات ایران بوده است.

هم‌زمانی کودتای نظامی مذکور با انقلاب اسلامی ایران، نتوانست مانعی برای گسترش افکار آرمانی انقلاب اسلامی ایران در این کشور گردد؛ بدان خاطر که با

وقوع انقلاب اسلامی ایران، بارقه امید را در دل مسلمانان به خصوص شیعیانی که خواستار تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام اسلامی در کشورشان بودند، زنده کرد. گواه بر این مطلب این است که عدم آگاهی شیعیان پاکستان از مکتب تشیع - خلاصه شدن فهم آن‌ها از تشیع اثنی عشری در عزاداری‌ها و همچنین رواج خرافات در میان آن‌ها - باعث شده بود تا شیعیان در محیط کار و اجتماع، مراکز آموزشی و دانشکده‌ها مورد تمسخر اطرافیان خود قرار گرفته و شیعه بودن خود را مخفی کنند، اما پس از انقلاب اسلامی از یک‌سو با گسترش ارتباط شیعیان پاکستان با حوزه‌های علمیه آن‌ها آگاهی مذهبی عمیق‌تری پیدا کرده و بدین ترتیب اعتماد به نفس لازم در میان آن‌ها پدید آمد.^۱

با ایجاد آگاهی ناشی از انقلاب اسلامی ایران در میان شیعیان پاکستان، به تدریج آن‌ها با خروج از حالت انزوا به انسجام و سازمان‌دهی نیروهای خود توجه کرده و در این راستا در آوریل ۱۹۷۹، گردهمایی عظیمی را در ایالت پنجاب به رهبری «علامه مفتی جعفر» در اعتراض به نادیده گرفته شدن فقه جعفری در قوانین اسلامی کشور و تحمیل فقه حنفی، برگزار کردند که این اقدام شیعیان علیه دولت وقت حتی در تاریخ پاکستان بی‌نظیر بود. آن‌ها با این اقدام ضمن نشان دادن خروج شیعیان از انزوا، خواستار تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های کشور شده و یکی از بزرگ‌ترین ثمرات این اقدام آن بود که ضیاءالحق اعلام کرد که در آینده در همه قوانین کشور فقه جعفری را لحاظ کرده و قانونی مخالف آن تصویب و اجرا نخواهد شد.^۲

در ادامه فعالیت‌های شیعیان جهت دستیابی به حقوق شیعیان در جامعه پاکستان، دومین اجتماع در جولای ۱۹۸۰ در اسلام‌آباد تشکیل گردید که در آن

۱. محمدی محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵:

۴۲۶ - ۴۲۷

۲. روزنامه رسالت، ۱۳۶۷/۶/۲۶

شیعیان خواستار «تعیین سهمیه مخصوص از پست‌های مهم دولتی شده و از دولت خواستند که در تبلیغات مذهبی رادیو و تلویزیون به شیعیان نیز به‌طور مساوی فرصت تبلیغ مذهبشان داده شود»^۱

همچنین تجمع دیگری در جولای سال ۱۹۸۷ با سخنرانی «عارف حسین الحسینی» برگزار شد که وی در دفاع از حقوق شیعیان، مطالب بسیار تندی علیه استکبار جهانی، وهابیون و رژیم ضیاءالحق ابراز داشت.^۲ به دنبال بسط نفوذ و قدرت اجتماعی شیعه ناشی از گسترش آگاهی متأثر از انقلاب اسلامی ایران، ترس از الگوبرداری انقلاب اسلامی در پاکستان، سبب بروز عکس‌العمل‌هایی از سوی رژیم پاکستان، وهابیت، عربستان سعودی و آمریکا شد. در این زمینه دولت پاکستان نیز برای پیشگیری از تکرار حوادث مشابه انقلاب اسلامی ایران در داخل کشور پاکستان، با توجه به فراهم شدن زمینه‌های آن توسط شیعیان، سیاست نزدیکی بیشتر به غرب و کشورهای ثروتمند عربی حاشیه خلیج فارس را در پیش گرفت. همچنین گروه‌های وهابی نیز از سال ۱۹۸۳ خشونت‌های گسترده‌ای را علیه شیعیان در این کشور اعمال کردند که از جمله مهم‌ترین خشونت‌ها در دهه ۱۹۸۰، می‌توان به حمله وهابی‌ها به روستاهای شیعه‌نشین در شمال پاکستان، ترور مسئولان ایرانی و شهادت عارف الحسینی رهبر شیعیان پاکستان اشاره کرد که در این راستا وهابیون با کمک عربستان برای جلوگیری از نفوذ انقلاب اسلامی در این کشور اقدام‌های دیگری نیز انجام دادند که کمک‌های مالی عربستان به دولت پاکستان، اعطای وام‌های بدون بهره و همکاری‌های نظامی و امنیتی، تأسیس حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و مساجد از جمله آن‌هاست.^۳

۱. نصوحیان مهدی، شیعیان پاکستان و انقلاب اسلامی، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

WWW.irdc.ir/article

۲. بختیاری علیرضا، گزارشی از شیعیان و اهل سنت پاکستان، سازمان تبلیغات اسلامی، ۴:۱۳۶۳

۳. نعیمی‌ان ذبیح الله، انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر پاکستان، سایت مرکز اسناد انقلاب

اسلامی WWW.irdc.ir/article

در مقابل جمهوری اسلامی ایران نیز همواره فعالیت‌های زیادی در گسترش افکار انقلابی در پاکستان انجام داده که نتایج مطلوبی را نیز به همراه داشته که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تقویت موقعیت دینی و سیاسی شیعیان در جامعه، به‌ویژه در برابر دولت سنی، ارتقاء سطح فکری و بینش سیاسی در نسل جوان شیعه، تشکیلاتی‌تر شدن گروه‌های شیعی، افزایش اقبال به سمت روحانیت و تقویت این نهاد در میان شیعیان، تقویت روحیه مبارزه و مقاومت اسلامی در برابر حکومت‌های داخلی و دولت‌های بیگانه.^۱

۲.۳. هند:

ایران در چشم هندی‌ها از یک سابقه تاریخی و الهام‌بخش برخوردار بوده و این امر به‌طور خاص نزد مسلمانان هند، به‌خصوص شیعیان این کشور برجسته می‌باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به‌عنوان یک پدیده بزرگ و شگرف، از آنجایی که توجه کلیه جهانیان به پتانسیل دینی و سیاسی اسلام جلب شده و اخبار آن در سراسر جهان منتشر شد، لذا مسلمانان هند نیز به‌عنوان اقلیت تحت‌فشار در کشور هند، در معرض تأثیرپذیری از آن قرار گرفتند که شاهد این مدعی حضور تعداد زیاد طلبه علوم دینی از کشور هند در ایران است که استقبال آن‌ها از انقلاب اسلامی می‌تواند ناشی از اهداف گوناگونی باشد؛ از یک‌سو عرضه انقلاب و تقاضای تاریخی و معنوی مسلمانان محتمل بوده و از سوی دیگر نیز مسلمانان محروم و مستضعف همانند هندی‌ها که خود را مستحق دریافت حمایت‌های مادی از مسلمانان ثروتمند همانند ایران و سایر کشورهای خاورمیانه دانسته، احتمال گرایش و تمایل به ایران را دارد.

۱. حشمت زاده محمد باقر، تأثیرات اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ه.ش، ص ۲۵۹

۴.۲. کشمیر:

بررسی بازتاب انقلاب اسلامی در هند، ذهن همه را به سمت کشمیر معطوف می‌کند؛ زیرا از لحاظ تاریخی، ایران خاستگاه و پایگاه صدور و تبلیغ اسلام برای آنان بوده است و همچنین وجود عوامل همگرایی بین ایران و مردم کشمیر، از جمله دین، مذهب، فرهنگ، زبان، جغرافیا و... به گونه‌ای نافذ و جاذب از زمینه‌های تأثیرگذاری انقلاب بر ساکنین مظلوم کشمیر بوده و در این کشور که آن را به دلایل فرهنگی - تاریخی «ایران صغیر» خوانده‌اند.^۱

شعارهای انقلاب اسلامی در ناآرامی‌های این کشور به چشم‌خورده و اهالی «کشمیر آزاد» به شدت طرفدار انقلاب اسلامی‌اند.^۲ همچنین تأثیر انقلاب اسلامی بر آن‌ها در انتخاب مساجد به‌عنوان پایگاه‌های مبارزه و همچنین شعارهای آن‌ها، به‌وضوح قابل مشاهده بوده و ایران نیز همواره ظلم و تعدی کشور هند را به مسلمانان این کشور محکوم کرده است.

۵.۲. بنگلادش:

شواهد حاکی از این است که انقلاب اسلامی ایران در بین مسلمانان بنگلادش نیز بازتاب‌هایی داشته و زمینه‌های مساعد بازتاب انقلاب ایران در این کشور ناشی از سابقه تاریخی و سیاسی اسلام در این سرزمین بوده است. اسناد موجود در این زمینه حاکی از آن است که انقلاب اسلامی ایران در این کشور سبب تشکیلاتی شدن اقلیت شیعیان در آنجا شده است^۳ و مهم‌ترین عاملی که منجر به بازتاب انقلاب ایران در آنجا شده، حضور طلاب علوم دینی در مدارس مرکز جهانی علوم

۱. ملکوتیان مصطفی، تأثیرات منطقه ای و جهانی انقلاب اسلامی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۱، ۱۳۸۲، ص ۲۷۷

۲. گلی زواره غلامرضا، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۶

۳. اسناد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

اسلامی بوده و در این زمینه تشکیلات دینی که به تأسی از انقلاب اسلامی در آنجا ایجاد شده، به تبلیغ انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.

۳. آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه

۳.۱. آسیای مرکزی و قفقاز:

تاریخ منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با فرهنگ اسلامی و سنن ایرانی گره خورده و مناطقی که اکنون به صورت جمهوری‌های مستقل درآمد‌اند، در قرون متمادی جزئی از قلمرو ایران بوده‌اند،^۱ از این رو ریشه عمیق فرهنگی ایران در منطقه جمهوری‌های آسیای مرکزی به حدی است که علی‌رغم تلاش‌های ۷۰ ساله حاکمیت کمونیسم، هنوز هویت این اقوام بخشی از هویت ایرانی به شمار می‌رود. عمق این پیوندها نه تنها رهبران جمهوری‌های شوروی سابق را مجبور به اعتراف-های مکرر به قدرت معنوی فرهنگ ایران در این کشورها کرده؛ بلکه بسیاری از مسلمانان این منطقه برای کسب وجهه بیشتر، بارها از علائق شخصی خود به فرهنگ ایرانی دم زده‌اند،^۲

و لذا این تمایل در کنار اتخاذ سیاست «نه شرقی نه غربی» و گسترش افکار انقلابی به سایر کشورها، باعث شد تا ایران تهدیدی برای شوروی به حساب آید.

علی‌رغم مقابله شوروی بانفوذ افکار آرمانی انقلاب اسلامی در این منطقه، اشتراکات دینی، نژادی و فرهنگی این کشورها با ایران، عاملی مهم در تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر این کشورها، تجدید حیات اسلام و تقید عملی آن‌ها به اسلام بوده است. انقلاب اسلامی ایران برای آن‌ها یکسری جذابیت‌هایی داشت که

۱. شیخ عطار علی رضا، ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکز و قفقاز، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران: ۱۳۷۱ ه.ش. ص ۱۹۳

۲. بنیگسن الکساندر و مری براکس آپ، مسلمان شوروی، گذشته، حال و آینده، ترجمه کاوه بیات، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰: ۱۹۳

منافع شوروی را در خطر می‌انداخت که از جمله آن‌ها عبارتند از: وجهه ضد امپریالیستی انقلاب اسلامی، ماهیت مردمی و وعده‌های آن مبنی بر کنار نهادن دیوان‌سالاری فاسد کهن و روی کار آوردن نسل جدید از رهبران جوان مردمی و...^۱ در این راستا وجود عواملی، همچون حضور مردم در مساجد و تبدیل امام خمینی به سمبل سیاسی در این منطقه باعث شده بود تا سیاست‌مداران شوروی همواره نگرانی خود را از رسوخ اسلام سیاسی پیامد گریزناپذیر گسترش رابطه این جمهوری‌ها با ایران ابراز کرده و همیشه سعی داشتند که تا حد ممکن مسلمانان مناطق اتحاد شوروی را از ایران دورنگه دارند.^۲

بیداری اسلامی در بین مسلمانان شوروی قبل از آنکه به بلوغ برسد و به یک جریان نیرومند و آشکار سیاسی در مقابله با حزب کمونیست تبدیل شود، با فروپاشی شوروی مواجه شد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری‌های جدید مستقل در آسیای مرکزی و قفقاز، تغییر بسیار مهمی به شمار می‌رفت که می‌توانست در این موقعیت موجود، اسلام را به‌عنوان جایگزین مطلوب برای ایدئولوژی کمونیستی مطرح نماید. ترس از تجدید حیات اسلام و گسترش اسلام انقلابی، چنان غرب را به تکاپو واداشت که با تلاش در زمینه‌های توسعه سیاسی و اقتصادی این منطقه، به کوتاه نگه‌داشتن دست ایران از منطقه پرداخته و دولت‌های غربی به‌خصوص آمریکا سعی نمودند تا با معرفی ترکیه به‌عنوان کشوری مدرن با تجارت آزاد و جدایی کامل دین از سیاست به‌عنوان سمبلی برای این جمهوری‌ها، به‌طور غیرمستقیم سیاست‌های خود را در این منطقه دنبال کنند.^۳

۱. کدیور جمیله، روبرویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۷۹: ۱۲۹.

۲. محمدی محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵: ص.

۳. حشمت زاده، محمد باقر، تأثیرات اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،

ایران نیز به دلیل درگیری با بحران‌های ناشی از جنگ، هنوز یک الگوی نظری و عملی شفاف در مورد جامعه و دولت‌های اسلامی منطقه تدوین نکرده بود که این امر از تأثیرپذیری جمهوری‌های مسلمان از ایران کاست و درعین حال، اثرگذاری انقلاب اسلامی در این ممالک با چالش و رقابت جدی از سوی کشورهای اسلامی، روسیه، آمریکا، اسرائیل و اروپا روبرو بود.^۱

۲.۳. ترکیه:

ترکیه دروازه اسلام با اروپا و تنها کشور مسلمان همسایه اروپاست. روابط فرهنگی ایران با این کشور، ریشه در قرون طولانی داشته و خاستگاه اصلی این دو کشور که همواره در تمام ابعاد اجتماعی طرفین تأثیرگذار بوده است، ناشی از اعتقاد مشترک هر دو ملت به دین اسلام بوده است.^۲

این دو کشور در قرون گذشته به‌عنوان امپراتوری‌های اسلامی همواره رقیب یکدیگر در عرصه‌های سیاسی و دینی بوده‌اند؛ بدان خاطر که از یکسو ایران بعد از ترکیه از حیث جمعیت بیشترین ترک‌زبان را داشته و از سوی دیگر نیز ترکیه جمعیت زیادی از شیعیان علوی را در خود جای می‌داد که عوامل فوق در کنار مجاورت سرزمینی باعث می‌شد تا دو امپراتوری بزرگ ایران و عثمانی همواره در عهد صفوی و قاجار با یکدیگر در رقابت باشند.

تشابهات حکومت پهلوی با «کمالیسم» در ترکیه و اهمیت دو کشور در استراتژی‌های دفاعی و امنیتی غرب، زمینه را برای همگرایی هر چه بیشتر دو کشور فراهم آورده و بدین ترتیب طرفین در پیمان‌های منطقه‌ای مشترک عضو

۱. محمدی محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص

۳۷۶ - ۳۷۷

۲. کدیور، جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران؛ نشر اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵

بوده و اشتراک منافع دو کشور باعث شد تا روابط نزدیک و صمیمانه‌ای بین آن‌ها ایجاد گردد.

پیروزی انقلاب اسلامی در کشوری همچون ایران که اشتراکات بسیاری با کشور ترکیه در عرصه‌های سیاسی و دینی داشت، معادلات را به هم ریخته و بدین ترتیب انقلاب اسلامی به یک تهدید برای کشور لائیک ترکیه تبدیل شد؛ بدان خاطر که ترکیه با دارا بودن جمعیت مسلمان می‌توانست سر پل نفوذ اسلام‌گرایی به قفقاز، بالکان و کشورهای اروپایی باشد و همچنین این کشور به دلیل هم‌جواری جغرافیایی و نیز به خاطر اشتراکات قومی، زبانی و مذهبی، اهمیت بسزایی برای ایران داشته است و لذا انقلاب اسلامی ایران تأثیر مثبتی بر مردم ترکیه گذارده و در این زمینه «جمیله کدیور» اظهار می‌دارد:

«اعتقادات دیرینه و اسلامی مردم ترکیه با پیروزی انقلاب اسلامی و مشاهده دفن سلطه آمریکا جانی تازه گرفته بود و آن‌ها با اعتماد به نفس فزاینده دریافتند که استقلال و عزت اسلامی بازگشتنی است ... در این راستا تجدید حیات اسلام در ترکیه، بحران‌های سیاسی را در این کشور تشدید کرد».^۱ بدین ترتیب پیروزی انقلاب اسلامی، دولت ترکیه را با بحران مواجه ساخت و طبعاً انتظار می‌رفت که از سوی ترکیه نیز برای مقابله با امواج انقلاب اقداماتی صورت گیرد. شکل‌گیری کودتای نظامی ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ و تقارن آن با انقلاب اسلامی می‌تواند این فرضیه را تقویت کند که روی کار آمدن نظامیان در ترکیه بخشی از استراتژی مه‌ار انقلاب اسلامی بوده است. شاهد این مدعا این است که ژنرال «کنعان اورن» هدف از این کودتا را متوقف کردن روند رو به گسترش اسلام‌گرایی دانسته و

۱. ملکوئیان مصطفی، تأثیرات منطقه ای و جهانی انقلاب اسلامی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره

خاطرنشان کرد: «اگر این آتش به‌موقع خاموش نشود، ممکن است سراسر کشور را فراگیرد». گرچه این کودتا باهدف مقابله با اسلام‌گرایی و غیرسیاسی کردن جامعه ترکیه بود؛ ولی نتوانست مانع رشد حرکت‌های اسلام‌گرایی و گرایش به حجاب در میان مردم ترکیه گردد؛ بلکه به‌عکس گروه‌های اسلام‌گرای ترکیه بعد از سال ۱۹۸۰ رشد بسزایی داشته و در این راستا ورود و خروج حزب اسلام‌گرای رفاه، حزب فضیلت و نهایتاً حزب توسعه و عدالت به صحنه سیاسی آن کشور، نوعی چالش جدی برای نظام لائیک ترکیه تلقی می‌گردد.

مؤلفه‌ها و عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در یک نگاه

- احیای تفکر و تجدید حیات اسلامی در جهان؛
- احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی و باورهای دینی؛
- القای تفکر سیاسی اسلام؛
- ترویج معنویت و معنویت‌گرایی؛
- حرکت دهنده و الهام‌بخش بودن برای سایر ملل؛
- ارائه‌دهنده آموزه‌های نوین نظری و علمی؛
- خلق گفتمان اسلام‌گرایی؛
- تقویت غرب‌ستیزی (غرب سلطه‌گر)؛
- برجسته‌سازی نقش اسلام در زندگی اجتماعی و سیاسی؛
- ترغیب اندیشمندان غربی به مطالعه و شناخت اسلام؛
- ایجاد جو و جاذبه ضد امپریالیستی در جهان؛
- ارتقای سطوح فکری، اندیشه‌ای و فرهنگی اسلامی؛
- نهادینه نمودن نتیجه موفق مبارزه با ستمگران؛
- داشتن پیامی نو برای دنیا و بشریت؛
- الگوگیری مسلمانان و برخی مردم دیگر کشورها در نوع پوشش و ظواهر؛

- گرایش و تشریف پیروان سایر ادیان به دین اسلام؛
 - یادگیری روش‌های مبارزه، تظاهرات، تجمعات و...؛
 - ایجاد اعتمادبه‌نفس در بین مسلمانان در جهت اعتقاد به مبارزه و پیروزی؛
 - معرفی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت؛
 - بهره‌گیری از هنر و ادبیات متعهد در جهت ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی.
- " انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تحول تازه‌ای در سیاست خارجی ایران ایجاد کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محتوای انقلاب ایران را حرکتی برای پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران می‌داند که در این راستا، گسترش روابط با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی، راه را برای تشکیل امت واحد جهانی هموار می‌سازد... ۱۵
- با توجه به مؤلفه‌های چهارگانه ذکرشده، عناصر و مصادیق تأثیرگذار در هر یک از قاره‌ها به تفکیک بیان خواهد شد.
- عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای آمریکایی
- برهم خوردن تئوری انقلاب‌ها با ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی در غرب؛
 - جلب توجه اندیشمندان، اندیشه‌ورزان و نخبگان به سوی اسلام در غرب؛
 - واکنش تهاجمی سران نظام سلطه در برابر انقلاب اسلامی به‌منظور جلوگیری از نفوذ آن؛
 - به چالش افتادن مکاتب مادی در مقابل انقلاب اسلامی؛
 - حساسیت افکار عمومی غرب نسبت به اسلام بعد از پیروزی انقلاب؛
 - وحشت سران نظام سلطه در آمریکا از انقلاب اسلامی؛
 - رویکرد دینی و بروز علائم آن در مرکز تمدن غرب (آمریکا) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی؛
 - گرایش سران آمریکا به مذهب و به‌کارگیری الفاظ مذهبی در سخنرانی‌ها؛
 - گرایش مطبوعات آمریکا به طرح مسائل دینی؛
 - توجه ویژه به معنویت و عقاید مذهبی؛

- افزایش تولیدات هنری و بصری به‌ویژه تولیدات سینمایی و تلویزیونی با مضامین مذهبی و دینی؛
- افزایش شمارگان و فروش کتاب‌های مذهبی در آمریکا؛
- توجه به اعتقادات و مسائل مذهبی در درمان‌های پزشکی؛
- تشکیل کرسی و دپارتمان‌های علمی در دانشگاه‌های آمریکا با گرایش به مضامین دینی و معنوی، فلسفی و تعامل علم و دین؛
- گرایش دانشجویان به مراسم عبادی و نیایش در آمریکا؛
- تأسیس مراکز و مساجد اسلامی در کشورهای آمریکای لاتین؛
- گرایش مردم کشورهای آمریکای لاتین به تولیدات فرهنگی اسلامی؛
- افزایش تشرف مسیحیان و پیروان سایر ادیان در غرب به دین مبین اسلام.

عناصر تأثیرگذار فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای اروپا

- برهم خوردن تئوری انقلاب‌ها با ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی در غرب؛
- جلب توجه اندیشمندان، اندیشه‌ورزان و نخبگان به‌سوی اسلام در غرب؛
- غافل‌گیری اروپایی‌ها نسبت به پیروزی انقلاب اسلامی؛
- گرایش هفتاددرصدی مردم اروپا به احساس دین‌داری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی؛
- احیای فکر دینی در حکومت‌های کشورهای مسیحی اروپا؛
- ارزش شدن مذهب در اروپا بعد از دهه هفتاد.

منابع

۱. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، چ ۶، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۷ ه ش
۲. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، تهران: ۱۳۸۷ ه ش
۳. دارایی، علی، بیست و پنج گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، هماهنگ، تهران، ۱۳۸۳ ه ش
۴. جان ال. اسپوزیتو و حیمز پی. پیسکاتوری، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، چاپ سوم، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران: ۱۳۸۸ ه ش
۵. علائی، سعید، جریان شناسی شعر انقلاب اسلامی، چ ۱، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۷ ه ش
۶. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چ ۲۲، نشر نی، تهران، ۱۳۸۷ ه ش
۷. مهدوی، عبدالرضاهوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۱، چ ۲۰، امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۶ ه ش
۸. نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، چ ۹، انتشارات رسا، تهران، ۱۳۹۸ ه ش
۹. بی‌نا، تقویم تاریخ انقلاب اسلامی ایران، سروش، تهران، ۱۳۷۰ ه ش
۱۰. اسپوزیتو، جان، آینده اسلام، مترجم مهدی امینی، چ ۱، نشر ثالث، تهران، ۱۳۹۶ ه ش
۱۱. ویلیام بی کواندت، مقاله‌ای در کتاب ایدئولوژی و نمادپردازی، چ ۱، انتشارات باز، تهران، ۱۳۷۹ ه ش
۱۲. مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد: ۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.
۱۳. ابوالخیر، علی، انقلاب اسلامی از انقلاب تا حکومت، چ ۱، دفتر نشر معارف، تهران، ۱۳۹۳ ه ش
۱۴. اسپوزیتو، جان ال. (۱۳۸۲)، «انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن»، ترجمه ی محسن مدیر شانه چی، تهران مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ص ۲۵۶

۱۵. محمدی، منوچهر، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، تهران: ۱۳۸۵ ه.ش ص ۴۶۹
۱۶. خرمشاد محمدباقر (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه راهبرد ۱۳، فرهنگ شماره‌ی بیست و سوم، پاییز، ص ۱۳۹
۱۷. مطهری، مرتضی «اسلام و تمدن جدید»، تهران: انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش، ص ۲۶۲
۱۸. زمانی مصطفی (بی تا)، «اسلام» و تمدن جدید، انتشارات کتابخانه‌ی صدرا، تهران... ص ۲۳
۱۹. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۷)، «ابعاد ناشناخته‌ی انقلاب»، تهران: نشر دبیرخانه‌ی مجمع گروه‌های معارف اسلامی، ص ۷
۲۰. پارسانیا، حمید، «علم» و «فلسفه»، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ ه ش
۲۱. مکنون، ثریا، «نقش انقلاب اسلامی در تحول ارزش‌ها؛ جرعه‌ی جاری، به کوشش علی ذوعلم، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ ه ش،
۲۲. نصیر زاده، حسین، تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی مصر، چ ۱، ناشر کدیور، تهران، ۱۳۹۳ ه ش
۲۳. گلی زواره، غلامرضا، «شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۰ ه ش، ص ۲۱۴
۲۴. جهانگیر، کیامرث، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش بیداری اسلامی در شمال آفریقا، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲ ه ش
۲۵. کدیور، جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا؛ نشر اطلاعات، تهران: ۱۳۷۹ ه ش
۲۶. حشمت زاده، محمدباقر، تأثیرات اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: ۱۳۸۵ ه ش
۲۷. بنیگسن الکساندر و مری براکس آپ، مسلمان شوروی، گذشته، حال و آینده، ترجمه کاوه بیات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ ه ش
۲۸. شیخ عطار علی‌رضا، ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکز و قفقاز، مؤسسه چاپ

- و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران: ۱۳۷۱ ه ش
۲۹. نعیمیان ذبیح‌الله، انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر پاکستان، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، WWW.irdc.ir/article.
۳۰. بختیاری، علیرضا، گزارشی از شیعیان و اهل سنت پاکستان، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳ ه ش
۳۱. راهاجو دوام، جنبش‌های اسلامی در مالزی و اندونزی، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲، تابستان: ۱۳۷۸ ه ش
۳۲. مرانی، حمزه، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ ه ش
۳۳. مرتضایی، علی‌اکبر، امام خمینی در حدیث دیگران، نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۷۴ ه ش
۳۴. سپهری، محمد، خورشید بی‌غروب، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، سال ۱۳۶۹ ه ش
۳۵. آیت الله خامنه ای در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۰۲/۰۴/۱۳۹۹، <http://www.leader.ir>
۳۶. محمدرضا دهشیری، تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل، فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی، تهران، ش ۷ و ۸
۳۷. پایگاه اینترنتی مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ <http://www.irdc.ir/fa/book/609/default.aspx>
۳۸. ولایتی، علی‌اکبر، مقاله خدمات متقابل ادبیات و انقلاب، بررسی تحلیلی ادبیات انقلاب اسلامی [tp://noorportal.net/1/67/68/20030.aspx](http://noorportal.net/1/67/68/20030.aspx)
۳۹. مقاله تأثیر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی بر ادبیات داستانی نوشته غلامرضا مرادی با نقل از بیانات مقام معظم رهبری، www.hawzah.net
۴۰. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی <https://psri.ir/?id=2dnltwik>
۴۱. محمدی، منوچهر، مقاله بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، فصلنامه تخصصی ۱۵ خرداد، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۴ ه ش
۴۲. مصاحبه با کیهان، ۷۸/۹/۱۱
۴۳. سایت پرتابل حضرت امام ره/ویکی امام- <http://www.imam->

khomeini.ir/fa/c504_2694

۴۴. سایت: شوای فرهنگی قدس شریف، ۰۵ قوس ۱۴۰۱، کد خبر ۸۵۶۵،
<https://quds council.com/?p=8565>

۴۵. نشریه الاوسط

۴۶. هاشمی، سید محمدسرور، ۱۳۹۸، نقد و بررسی محتوایی «هراس بنیادین» بابت

سعید با تکیه بر بنیادگرایی و اسلام گرایی، <https://civilica.com/doc/1589561>

۴۷. نوحیان مهدی، شیعیان پاکستان و انقلاب اسلامی، سایت مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، WWW.irdc.ir/article

۴۸. روزنامه رسالت، ۱۳۶۷/۶/۲۶

۴۹. شهبازی محمد باقر، بررسی اجمالی موقعیت کنونی شیعیان پاکستان، نامه فرهنگ

جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۶۷

۵۰. گفت‌وگو: مسائل اساسی نظام همزیستی عادلانه از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و

مسیحی، مرکز گفتگوی ادیان، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ص ۳۰-۳۱، چاپ

اول، سال ۱۳۸۰ ه ش)

۵۱. ماهنامه فرهنگی، علمی گزارش گفت‌وگو، سال اول، شماره اول، شهریور ۱۳۸۱ ه

ش

۵۲. مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات رایانه‌ای، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سند

شماره ۱۹۴۲

۵۳. بی‌نام، مهم‌ترین ویژگی امام از دیدگاه متفکران جهان، مجله سروش، سال پانزدهم،

شماره ۶۴۷، مورخ ۱۳۷۲/۳/۸

۵۴. روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۷

۵۵. نشریه شاهد، مقاله «جهان چگونه به امام خمینی می‌نگرد؟» شماره ۲۱۱، خرداد

ماه ۱۳۷۱ ه ش

فصل پنجم

**طرح مباحثی پیرامون انقلاب اسلامی
در بیانات استاد گرامی میر احمد رضا حاجتی
نویسنده کتاب عصر امام خمینی ره**

موضوع؛ راهپیمایی روز قدس اهواز ۱۴۰۱/۱/۲۵

سخنران؛ استاد حاجتی

صلابت مردم در مقابل جنگ ادراکی دشمن

راهپیمایی روز قدس برادران، خواهران عظمت بی نظیری دارد، راهپیمایی روز قدس در ماه رمضان، در روزی که شبش قرآن به دست گرفته‌اید، خدا را به نام حجج الهی قسم داده‌اید، قریب به بیست‌وسه روز طاعات و خودسازی، عبادت، معنویت، دعا، تلاوت قرآن، بعد با زبان روزه آمدید به میدان لبیک‌گویی به حجت خدا، تجدیدعهد با حجت الهی با امام علی بن ابی‌طالب و اولاد معصومینش آمدید تا به سفارش پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) عمل بکنید.

راهپیمایی روز قدس واقعاً یک اجتماع بی نظیر و یک عبادت خالص است، تأکید می‌کنم؛ یک عبادت خالص الهی است و این راهپیمایی به نماز جمعه، این عبادت بزرگ ختم شده است، آمدید ان‌شاءالله ثمره این عبادت خالصانه خودتان را از خداوند متعال دریافت کنید.

برادران، خواهران فراموش نکنید که ما باید فلسفه‌ی این راهپیمایی را بدانیم، کارکرد آن را بدانیم، مرتب باید مرور بکنیم، این یک فریضه و وظیفه است، چرا این قدر اهمیت دارد که شما مردم سلحشور و خدادوست در این راهپیمایی شرکت بکنید؟ چه اهمیتی دارد؟ چه فلسفی دارد؟ اولین قدم شما چه رسد به آخرین قدم شما، یعنی لبیک به فرمان امام جامعه، امام جامعه‌ای که در سخنرانی‌های اخیرشان بر دو نکته تأکید کردند؛

۱- راه درمان بسیاری از مشکلاتی که دشمن تزیق می‌کند بصیرت است.

۲- یکی دیگر از راه‌های مقابله با توطئه‌های دشمن استقامت است.

راهپیمایی روز قدس یعنی تجلی بصیرت و تجلی استقامت است مردمی امروز پای این کار هستند که از تورم رنج می‌برند، از برخی از نقایص رنج می‌برند، همان مردمی که همیشه جوش و خروش بر علیه بی‌عدالتی‌ها دارند، معترض‌اند، منتقدند اما در روز قدس با امام جامعه بیعت می‌کنند، جوش و خروش خودشان را تبدیل به یک دریایی خروشان می‌کنند تا در مقابل دشمن بایستند، سیره را از ناسیره تشخیص می‌دهند باید به شما مردم مرحبا گفت.

در زمانی که دشمن در حال شبهه افکنی است در فضای مجازی که آلوده است، در

فضای مجازی که یله و رهاست، دشمن در حال یارگیری از بین جوانان و نوجوانان همین ملت است، اما به کوری چشم دشمنان جوانان ما با حضور در این صحنه‌ها دست رد برسینه دشمن می‌زند، مخصوصاً در این وقایع اخیر (اغتشاشات اواخر سال ۱۴۰۱) که حضرت آقا می‌فرمایند؛ من در دل خودم به مهندسی دشمن آفرین گفتم، عملیات و توطئه‌ای که برخلاف دفعات پیشین سازمان اطلاعاتی و امنیتی آمریکا فرماندهی آن را بر عهده نداشتند، پنتاگون وزارت دفاع آمریکا فرماندهی را بر عهده داشت، عملیاتی با عنوان دیپیک یعنی فریب بزرگ، در فضای مجازی رؤیت کردیم کلی پیام بر علیه جمهوری اسلامی به‌ویژه روز قدس در فضای مجازی پدیدار شد، یکی از فرماندهی‌های عملیات در رامشتاین آلمان بزرگ‌ترین پایگاه زمینی و هوایی آمریکا در آلمان، یعنی دشمن به جنگ آمد برای یک نبرد ادراکی تا مدیریت ادراک بکند تا مردم ایران راه از چاه گم بکنند، اما مردم ما باصلابت در این راه ایستاده‌اند.

شبهات را درست پاسخ دهیم! چرا باید در مقابل اسرائیل بایستیم؟

ما باید اطلاعاتمان را به‌روز بکنیم، جوانان و نوجوانانمان را درست توجیه بکنیم، که چرا باید ما روز قدس داشته باشیم؟ چرا باید شعار مرگ بر اسرائیل بدهیم؟ در فضای مجازی چه چیزی را تلقین می‌کنند؟ می‌گویند ما را چه به اسرائیل قیمت پراید را کنترل کنید! دشمن تداخل موضوعات می‌کند،

جواب؛ اساساً این‌طور باید گفت اسرائیل با ما کاردارند، آمریکا با ما کاردارند؟ موضع ما در روز قدس در برابر رژیم اشغالگر قدس یک نیروی تدافعی است، باید به این دقت کرد؛ به چه کسی در این خصوص باید مراجعه بکنیم؟ امام خمینی (رضوان‌الله تعالی علیه)

با زبان روزه عرض می‌کنم به خدا عجیب است، در نیم‌قرن گذشته امام، شاه را عددی حساب نمی‌کرد به اسرائیل حمله می‌کرد، امام ره در نیم‌قرن گذشته جملاتی به ما فرمود که چراغ راه ماست، امام^(۵) فرمودند؛ اسرائیل محصول تباری شرق و غرب است، اسرائیل یک محیط جغرافیای کوچک نیست یک غده سرطانی است، امام خطاب به حکام سرزمین‌های اسلامی فرمودند؛ فکر نکنید جنایات رژیم صهیونیستی در همین محیط جغرافیایی باقی می‌ماند! هدف این‌ها تصرف غرب آسیا است، این را بدانید موضع این‌ها تهاجمی است، این‌ها از شرق دریای مدیترانه در فلسطین اشغالی شروع کردند، اما هدفشان تصرف کلیدی‌ترین منطقه جهان به تعبیر آن‌ها هارتلند مرکز انرژی دنیاست

برای اینکه بتوانند بر دنیا حکومت بکنند، این جریان جهان‌وطنی‌ها (گلوبال‌ها) هستند که می‌گویند دنیا باید در سیطره ما باشد، این‌ها فرمایشات امام ره است.

اسرائیل با ما و با سرزمین‌های اسلامی ما کار دارد، از ۱۹۱۴ م جنگ جهانی اول شروع شد، ۱۹۱۶ م نطفه اسرائیل بسته شد، با لفور وزیر امور خارجه وقت انگلیس بود، اعلامیه صادر کرد به خانواده روچیلدها که برای تشکیل دولت یهودی آماده‌ایم، از ۱۹۱۹ م که قرارداد سایسپیکو را امضاء کردند، بر طبق این قرارداد فلسطین را به صهیونیست‌ها دادند، در سال ۱۹۴۸ خانم الیانا روزولت در سازمان ملل اعلام کرد خبری دارم؛ کشور اسرائیل رسماً تأسیس شد، فلسطینی‌ها اسمش را روز نکبت گذاشتند، در سازمان ملل خانم روزولت بعد از اعلام موجودیت اسرائیل سه دقیقه بعد آمریکا این دولت منحوس و غیررسمی را به رسمیت شناخت، هشت دقیقه‌ی بعد شوروی به رسمیت شناخت، برگردید به کلام امام ^(ع)؛ امام فرمودند اسرائیل محصول تباری شرق و غرب است.

سؤال می‌پرسند چه اتفاقی افتاد؟ پرچم اسرائیل را درست کردند دو نوار آبی بالا و پایین (ای اسرائیل مرزهای تو از نیل است تا فرات یعنی از نیل است تا ایران و ماوراء ایران) و ستاره‌ای هم در وسط آن مندرج کردند، ما با اسرائیل کاری نداریم، آن‌ها با ما کاردارند، همین است که روز قدس می‌آییم، همین‌که ما راهپیمایی نیاییم، سرهای ما را مورد پیمایش قرار می‌دهند، بنابراین ما در این راهپیمایی می‌آییم و این راهپیمایی یک حرکت تدافعی است.

موضع جمهوری اسلامی تدافعی است، برنامه رژییم صهیونیستی تجزیه ایران بود.

کار به‌جایی رسید که وزیر وقت امور خارجه آمریکا رسماً اعلام کرد که پیشنهاد من این است، ایران به هفت قسمت تقسیم شود، کار به‌جایی رسید هفت سال قبل از جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۲ رسماً در سند شورای راهبردی امنیت ملی آمریکا تصویب شد که ایران باید به پنج الی هفت کشور تقسیم شود، قرار بود از همین اهواز خبری نباشد.

کاندلیزا رایس وزیر وقت امور خارجه آمریکا؛ در ابتدای جنگ ۳۳ روزه که اسرائیل حمله کرد به لبنان باهدف نابودی حزب‌الله، آمد تلاویو در کنار اولمرت نخست‌وزیر وقت اسرائیل ایستاد، خبرنگاران گفتند؛ آن‌ها را مورد بمباران قرار دادید، این دردآور است، خندید گفت؛ آره می‌دانم درد دارد، اما این درد نوزادی است بنام خاورمیانه، این‌ها برنامه داشتند.

برای قطعه‌قطعه کردن جهان اسلام آمدند، شما در گوگل سرچ کنید، یک خاورمیانه‌ای می‌بینید با ۴۷ کشور، عراق، عربستان، ترکیه و ایران پنج کشور برنامه داشتند، از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ که قدس سقوط کرد، امت اسلام، جهان اسلام حضيض ذلت را طی کرد، اسرائیلی‌هایی که در سال ۱۸۷۰ م پنج درصد از کشور فلسطین بودند، باورنکردنی است الآن ۱۳ درصد آن‌هم نوعاً در نوار غزه دست فلسطینی‌ها است.

اسرائیل جنگید، در جنگ شش‌روزه هشت کشور عربی (عراق - عربستان - کویت - سودان - مراکش - الجزایر - تونس - لیبی) متفق شدند برای مبارزه با اسرائیل که ثمره‌اش ۲۱ هزار شهید کشورهای اسلامی بود ۴۵ هزار نفر را مجروح کردند، ۴۴۲ هواپیمای جنگی مصری را در عرض ربع ساعت روی زمین نابود کردند، جمال عبد الناصر به نشانه تسلیم دستش را بالا برد، کرانه باختری را از اردن گرفتند، قسمت شرقی بیت‌المقدس را گرفتند، بلندی‌های جولان را از سوریه گرفتند، صحرای سینا را مصر گرفتند، نوار غزه را هم تصرف کردند، آمدند در میادین شهرها، پرچم پیروزی بالا بردند، گفتند هل من مبارز؟ ۱۹۷۹ م آقای انور سادات از پله‌های هواپیما داشتند بالا می‌رفت، شهید ایرلو؛ سفیر ما در یمن گفت؛ درحالی‌که داشت می‌رفت برای زدن امضای پای نامه توافق با اسرائیل یک مردی از پله‌های هواپیمای دیگری پایین می‌آمد آن مرد امام خمینی^(ه) بود.

روز قدس جزء اولین ابداعات امام در عرصه بین‌الملل است امام فرمودند؛ قدس روز جهان اسلام است، فرمودند روز قدس روز هشدار به ابرقدرت‌ها است، امام^(ه) فرمودند تنها راه پناه بردن به خداست.

امام خمینی معادلات میدان را تغییر داد، مقدمه شکست امپراتوری آمریکا^۱

به نقل از مقامات صهیونیستی نوشت؛ ژنرال موشه دایان معتقد بود که سران اسرائیل باید روشی در پیش بگیرند که دیگران از او تلقی سگ‌هار را داشته باشند، ژنرال موشه دایان در جریان جنگ جهانی دوم بر اثر گلوله چشم‌چپش را از دست داد، اصرار زیادی به او شد که از چشم مصنوعی استفاده کند، اما براساس همان دیدگاه ترجیح می‌داد چهره مخوفی داشته باشد، مناخم بگین ششمین نخست‌وزیر اسرائیل رسماً اعلام کرد؛

استراتژی ما این است که در دل مسلمانان از خودمان ترس به وجود بیاوریم، همه از ما بترسند.

مردی ظهور و بروز پیدا کرد، که خون امیرالمؤمنین در رگ‌هایش بود، سلاله زهرا بود، روز ولادت حضرت زهرا متولد شد تا به ایران آمد فرمود؛ روز قدس روز حیات اسلام است، تنها راه جهاد است، خبرنگار نشریه اشپیگل در سال ۱۳۶۱ ش گفت؛ در نوار غزه که در محاصره بودند، روی دیوارها نوشته بودند، فلسطین آری، عزالدین قسام آری، خمینی آری، اسرائیل هرگز، امام خمینی^(۵) به‌عنوان یک طریق ظهور پیدا کرد، چه اتفاقی افتاد؟ تغییر معادلات حاصل این ظهور بود، اسرائیل که در ۶۰ سال گذشته هیچ شکستی ندیده بود، درنبرد ۳۳ روزه با مردانی درگیر شد، که مولود روز قدس بودند، سید حسن نصرالله به تعبیر خودش؛ سرباز صفر ولایت است.

خبرنگار شبکه ده اسرائیل رفت با فرمانده تیپ گولانی مصاحبه کرد، این در حالی بود که این‌ها از بنت جبی عقب‌نشینی کرده بودند، خبرنگار سؤال می‌پرسد فرمانده تیپ گولانی شما بیش از یک روز است بنت جبی را هلیبرد کردید، چطور شکست خوردید؟ به تعبیر بنده، مگر نمی‌دانید! معادله تغییر کرد، ما با مردانی داریم می‌جنگیم که عشقشان شهادت است.

تدافع، تهاجم، جنگ تمدنی

در پایگاه اکویست پست شخصی به نام تونی اولاگادچی مقاله در تیرماه سال ۹۱ نوشته است، چند ماه از جنگ سوریه می‌گذرد، در این مقاله ذکر می‌کند؛ جنگ سوریه یک جنگ ۵ ساله است تا سال ۹۶ قرار بود، پرونده بشار اسد بسته شود، ۸۰ نفر محقق بیوگراف اعلام کردند؛ علت جنگ اسرائیل در مقابل لبنان این بود که ایران از طریق سوریه مهمات می‌رساند، سوریه باید نابود بشود، اگر آمریکا موفق نشود این پرونده را تمام کند، به‌صراحت می‌گویم امپراتوری آمریکا از بین خواهد رفت، آلان حرف‌هایی که می‌شنود در خصوص افول آمریکا در غرب صحبت‌های واقعی است، آمریکا از رهبری حکیم، سلاله حضرت زهرا^(۵) شکست خورد.

چند نکته

۱- علیرغم بد انگاری‌ها، تحلیل ضعیف خودی‌ها که ناامید می‌کنند، خلاف فرمایشات امام جامعه، مطمئن باشید آینده از آن شماست، این را همه بدانند ملت روزه‌دار اهل روز

قدس تا آخرین نفس و نفر پایه امامان خواهیم ایستاد این شاء الله.

۲- در بیت المقدس جوانان فلسطینی جمع شدند، با پشتوانه شما، به امید شما، به گرمایی که شما در قلوبشان ایجاد می کنید فریاد می زدند؛ خیبر یا یهود/جیش محمد سوف يعود یعنی؛ بدانید سپاه حضرت محمد در راه است، ناله کن حیدر لب چاه است این شیر یزدان عصر روباه است این مؤمن تو نیستند آن نارسان در رحم های زنان اند آن کسان امتی از نسل نور از نسل بدر امتی از لطفه‌ی شب های قدر می دهد عطر عبادت خوابشان جاهلیت نیست در اصلاشان

موضوع؛ ابعاد شخصیتی امام خمینی^(۵) (سالروز ارتحال امام خمینی ره)

سخنران؛ استاد حاجتی

تاریخ؛ ۱۴۰۱/۳/۱۴ شبکه افق

بهترین استاد مکتب حضرت امام بهترین شاگرد مکتب امام است، یعنی حضرت آقا، بعد از گذشت ۳۳ سال امروز نکته‌ی تازه‌ای از ابعاد شخصیتی امام ره را بیان کردند، به سخنرانی‌های حضرت آقا در هرسال در روز سالگرد که نگاه می کنیم، یک موضوع نو را مطرح می فرمایند.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است؛ چرا امام هرساله در خصوص ابعاد شخصیتی امام صحبت می کند، اگر ما با امام آشنا نباشیم آنجاست که خطر متوجه راه راهروان انقلاب اسلامی است، بنابراین تعابیر امروز حضرت آقا در سالگرد ارتحال حضرت امام در یک تعبیر بلندی فرمودند؛ مواظب باشید امام تحرف نشوند؛ امام روح جمهوری است و اگر جمهوری اسلامی از روح خودش عاری شود، نقشی فقط بر دیوار می ماند، در یک تذکری آقا فرمودند؛ امام فقط امام دیروز نیست امام امروز و فردا هم هست، این جوانان که محقق کننده گام دوم خواهند بود، نرم افزار نیاز دارند، نرم افزارشان همین درس های امام^(۶) است، حضرت آقا یک نگرانی دارند، چراکه عده‌ای هستند که تمایل دارند امام را یک گزاره تاریخی معرفی کند نه یک پدیده جریان ساز، این مسئله را باید جدی بگیریم.

قریب به ده سال قبل در همین برنامه جهان آرا عرض کردم عده‌ای هستند تمایل دارند، سالروز ارتحال حضرت امام^(۶) را تبدیل کنند به سالروز ختم حضرت امام^(۶)، این

نکته‌ای است که امت حزب‌الله سراسر کشور باید بدانند که این اتفاق نباید بیافتد، این مجالس باید ذکر فتوحات امام خمینی^(ع) باشد. به نظر می‌رسد نظر آقا این چنین باشد؛ لقد كان في سبيل الله اسوة حسنة، همان‌طور که از رسول‌الله الگو می‌گیرد، باید از کسی که مکتب پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) را معرفی نمود الگو بگیرید، امام ره باید در تمام ابعاد مقتدای ما باشد، حضرت آقا در خرداد سال ۹۳ بحث بسیار مهمی ایراد فرمودند. این سخنرانی را مطالعه نمایید)

حضرت آقا امام را در سال ۹۵ تعریف نمودند؛ مؤمن متعبد انقلابی، این سه عنصر نقشه راه ماست، هم در خودسازی و هم در دگرسازی نقشه راه ماست، در خصوص شخصیت امام ره نیاز داریم تولید محتوا بکنیم، از جمله ویژگی‌های حضرت امام این است که؛ *مبدأ حرکتشان قیام اله بوده است و میدان رهبران هزاره اخیر بی‌نظیر بودند، یک آیه را امام زیاد تلاوت می‌کرد؛ **انما اعظم بوأحدة...**

*ارائه نگاهی نو به مسائل مختلف برای جهانیان

*ابعاد معرفتی حضرت امام برای بسیاری از نخبگان و بزرگان غرب ناشناخته بود.

رابرت مک نیل؛

من با کسی مصاحبه کردم که آرامش مطلق بود، آرام‌ترین فردی بود که در طول عمرم دیده بودم.

(ایشان با راهبران دنیا مصاحبه کرده است)

بوش پدر

بوش از مسئول اطلاعاتی سیا سؤال می‌کند چطور نتوانستید این انقلاب را پیش‌بینی کنید؟ پاسخ ترنز: کامپیوترهای ما، با یک بی‌تعریف مواجه بودند.

امام خمینی ره در جهان مادی یک بی‌تعریف بود و اندیشمندان معاصر نیز تأکید می‌کنند، مثلاً پرفسور محمدحسین هدی به مطالعات عمیقی دست‌یافته بود، یکی از منویاتشان این‌گونه بود؛

امام خمینی بر پول، خدم و حشم و شهوت متکی نبود، بر معنویت و اخلاق اتکاء داشت.

امام خمینی استانداردهای رهبری در جهان را ارتقاء دادند،

نیویورک تایمز؛ به‌صورت شفاف اعلام کرد آیت‌الله خمینی غرب را با بحران برنامه‌ریزی

مواجه کرد.

بوریس موزولیش، اندیشمند و رئیس یک اندیشکده روانشناسی در ماساچوست آمریکا؛ کتابی نوشته با عنوان خمینی مخفی، در این کتاب به صراحت ذکر می‌کند، کارتر حاذق‌ترین روانشناسان (در کل دنیا) را دعوت می‌کنند که روی شخصیت امام خمینی کار بکنند، این عظمت امام ره هم در مبدأ و قصد است که تأثیرات بی‌نظیری هم دارد. کتاب جامعه‌شناسی آقای گیدنز؛ در مقدمه‌اش معترف است که انقلاب اسلامی تمام نظریاتی که به مقابله با دین پرداخته‌اند را در زباله‌دان تاریخ انداخت، تدا اسکاچپول؛ یکی از صاحب‌نظران در انقلابات اجتماعی در غرب اعلام می‌کند، انقلاب اسلامی ما را مبهورت کرد و برخی از نظریات بطلان ما را روشن نمود.

درد بزرگ ما

درد بزرگ این بود که غرب به دنبال حذف امام بود نمونه‌اش؛

*تبعید امام خمینی ره بدون عبا، قبا و عمامه برای خورد کردن امام ره به ترکیه با دستور مستقیم آمریکا بود،

*قیام ۱۵ خرداد که اتفاق افتاد، کسانی که ورق به ورق نشریات مختلف در غرب را مطالعه کردند یک عکس شش در چهاری به‌عنوان رهبر قیام از امام در این رسانه‌ها پیدا نمی‌کنید، این‌ها عامدانه بود، نمی‌خواستند امام شناخته بشود.

درد بزرگ ما علاوه بر حذف امام، سانسور و تحریف امام نیز بود، نمونه‌اش؛

*آقای کیارشی مطرح کردند هرچقدر تلاش کردیم پیام امام را در نشریات غرب منتشر کنیم موفق نشدیم، تا نهایت با نشریه معتبری از آلمان به توافق رسیدیم پول هنگفتی هم طلبید، اما در آخر عذر آورد و از انتشار پیام امام شانه‌شانه کرد.

درد بزرگ حذف و سانسور و تحریف امام ره بود، اما درد بزرگ‌تر خودتحریفی در داخل کشور است، این بی‌توجهی‌هایی که در خصوص امام می‌شود باعث شده تا امام در ۳۳ سالگرد امام خمینی ره حضرت آقا تأکید کنند که امام را تحریف نکنند.

بزرگ‌ترین تحریف

بزرگ‌ترین تحریف این بود که استکبارستیزی امام ره را زیر سؤال بردند، بزرگ‌ترین تحریف این بود که؛ به تعبیر حضرت آقا، امام تا بن دندان به شعار مرگ بر آمریکا معتقد بودند، اما عده‌ای این را وارونه نشان دهند. این قدم زدن جناب ظریف باجان کری

خیانت به امام و محور مقاومت بود، به تعبیر امام ره ارتباط گرگ و میش، حاصلش همین شد که دیدیم^۱

برخی از اندیشمندان غربی معتقدند اگر یک پاپ یا کاردینال پیام تاریخی امام به گرباچف را می‌نوشت الآن جزء یکی از دستاوردهای بزرگ غرب تلقی می‌شود،

خاطره‌ای جالب

جناب دکتر سفری که الآن معاون اقتصادی وزیر خارجه است، ایشان سفیر وقت ایران در روسیه بودند به بنده گفتند؛ به همراه یکی از خبرنگاران صدا و سیما رفتیم پیش گرباچف، در آن زمان ده سال از صدور نامه امام به گرباچف گذشته بود، از گرباچف سؤال کردم، آن زمان که امام فرمودند صدای خرد شدن استخوان‌های مارکسیسم را می‌شنوم شما هم شنیدید؟ بله اما ده سال بعد، گرباچف اضافه کرد؛ آیت‌الله خمینی در بعد زمان نمی‌گنجید، او فراتر از زمان بود و آینده را به خوبی پیش‌بینی می‌کرد و عجیب اینجاست این جمله؛ اگر من الآن رئیس‌جمهور شوم به‌عنوان یک سند بالادستی به آن نامه مراجعه می‌کنم، چون امام در آن نامه به گرباچف نوشت؛ دل به غرب نبندید که غرب هم دچار حادثه است.

خلاصه کلام؛ ما باید امام را بشناسیم، ما دچار فقر امام پژوهی هستیم و از این نباید غافل شویم.

نفوذ گفتمان امام

انقلاب اسلامی فقط دین اسلام را زنده نکرد، ادیان الهی را تحت تأثیر قرارداد، آن‌هم در دنیایی که اکثر رهبرانیش یا ضد دین بودند یا حداقل سکولار بودند و برای گزاره‌های دینی در ساحت اجتماع جایگاهی متصور نبودند.

بریان ترنر جامعه‌شناس انگلیسی استرالیایی الاصل است که تخصصش در زمینه حقوق شهروندی است، اظهار کردند که این قوانین ما در اروپا از دین گرفته شده است اما به خاطر فشار سنگین منابع دینی‌شان را پاک کردند امام در همچون زمانی قیام کردند، اما به کجا رسید؟

پاسخ سؤال خود را با یک داستان ادامه می‌دهم؛

یکی از دوستان ما از اساتید دانشگاه می‌گفت برای ادامه تحصیل رفتم انگلستان در شهر ردینگ ۴۰ کیلومتری لندن، در حال انتقال وسایل بودیم ناگهان زنگ در به صدا درآمد، بعد از باز کردن در با کشیش مسیحی مواجه شدم، از من سؤال کرد از کجا آمدی؟ گفتم از ایران گفت چند دقیقه‌ای مسئله را باید با شما در میان بگذارم، دعوتش را اجابت کردم، بعد از رسیدن به خانه‌اش، با صحنه‌ای مواجه شدم که برایم حیرت‌آور بود، گفت در انتهای سالن عکس حضرت امام را به سینه‌ی دیوار چسبانده است و در کنار عکس امام مجسمه حضرت مریم است، از کشیش درخواست کردم چه کاری با من دارید؟ گفت؛ شما ایرانی‌ها یک اشتباهی دارید، مرتب می‌گویید امام خمینی اسلام را زنده کرد، به کشیش گفتم این نکته کدام قسمتش غلط است؟ امام خمینی نه تنها اسلام را زنده کرد بلکه ادیان ابراهیمی را زنده کرد، من کشیش هم صحبت‌هایم مشتری دارند، در زمان قبل انقلاب ما در این دنیا نمی‌توانستیم درباره دنیای دیگر سخن بگوییم، چرا این اتفاق افتاد؟

به قول شهید صدر ره؛ «ذوبو فی الخمینی کما ذاب هو فی الاسلام» آن قدر امام خمینی ره ذوب در خدا شده بود، خداوند آنچه مصلحت بود را جاری می‌کرد.

امام در یکی از سخنانشان در صحیفه نور جلد ۱۶ می‌فرمایند؛ مستضعفین جهان بیدار شدند، این مستضعفین را با ادبیاتی خطاب می‌کردند که نشئت‌گرفته متون دینی بود، آقای فهمی هویدی روزنامه‌نگار ژورنالیست مصری می‌گفت؛ امام در مقابل رهبران مستکبر غرب و شرق از واژه‌هایی استفاده می‌کرد که برای موحدین گوش آشنا بود،

مانند؛ استکبار - استضعاف - طاغوت-شیطان بزرگ- انجیل را ورق‌ورقش را که بزنی از وسوسه‌های شیطان آمده است.

افرادی که می‌آمدند برای محکومیت حضرت امام ره، اما مسلمان برمی‌گشتند. امام ره افق دیدشان را تغییر داده بودند، مثلاً خانم اورینا فالوچی در عصر خودش جزء بهترین‌ها قلمداد می‌شود، یک مصاحبه‌ای با شاه پهلوی انجام داد و شاه را در حین مصاحبه عصبانی کرد که بعد از انتشار مصاحبه در فرانسه روابط ایران با پهلوی را تیره کرد، با بنی‌صدر و بازرگان‌ها هم مصاحبه‌ای دارد، وقت ملاقات می‌گیرد و با امام مصاحبه‌ای انجام می‌دهد، امام در آن مصاحبه به نکته‌ای اشاره می‌کند که باعث عصبانی شدن اورینا فالوچی می‌شود، امام فرمودند؛ تقابل ما با غرب تقابل دو فرهنگ است.

بعد از مصاحبه از او می‌پرسند مصاحبه چطور بود؟ آقای مسعود پهنود که یک دگراندیش است این واقعه را نقل می‌کند، اورینا فالوچی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: مصاحبه عجیبی بود، این شخص، شخص دیگری است، به او می‌گویند واضح‌تر بگو، می‌گوید؛ آآن می‌فهمم چرا کاردینال جیم ماری ویلوت (وزیر امور خارجه واتیکان از سال ۶۹ م- ۷۹ م) می‌گفت امام خمینی مسیح ثانی است.

دکتر لین سات نوژی الاصل است، اهل کارهای مبارزاتی بوده است، عین جمله‌اش این است؛ من با خمینی خدانشناس شدم و فهمیدم طریق صحیح مبارزه به چه نحوی است. اولین نماینده سپاه‌پوست آمریکا در سازمان ملل در خصوص امام خمینی اظهار کردند؛ امام خمینی یک رهبر قدسی است و بعد برکنارش کردند.

آقای رُوبین وُرز وُرس کتاب زیباترین تجربه من را نوشتند، ایشان آمده بود ایران برای دیدار حضرت امام ره، بعد از دیدار می‌گوید؛ من عاشق شدم، وقتی امام از در جماران وارد می‌شود، حس می‌کردم روح زندگی دمیده شد، وقتی مردم شعار می‌دادند احساس می‌کردم درودیوار دارند برای ایشان شعار می‌دهند.

نکته مهم این که تأثیرات حرکت امام به علوم تجربی هم کشیده شد، به جوانان توصیه می‌کنم کتاب از علم سکولار تا علم دینی پروفیسور مهدی گلشنی را بخوانید.

پروفیسور گلشنی رئیس انجمن فیزیک ایران بودند، به همین جهت در کنفرانس‌های بین‌المللی شرکت می‌کردند، نقل می‌کنند ما در این کنفرانس‌ها کارمان به‌جایی رسید که دانشمندان می‌آمدند، در رابطه با علم و دین صحبت می‌کردند، به‌نحوی که رئیس کنفرانس می‌گفت؛ کنفرانس را باید به دو بخش تبدیل شود، کنفرانس فیزیک شده

تشریح رابطه علم و دین، از این مسئله نتیجه می‌گیریم حتی دانشمندان فیزیک از این عرصه جا نماندند و این مدل مباحث نشأت گرفته از بعد انقلاب اسلامی است. انجمن روانشناسان مسیحی روزی سیصد نفر بودند آن‌ان بعد از انقلاب به سه هزار نفر تبدیل شده است^۱ کندی شعار می‌داد من دین ندارم رأی آورد، در دوران حضرت امام کار به جایی رسید که امام فرمودند؛ اگر ریگان ادعای نماز شب خواند کرد تعجب نکنید، آن‌ان هر سال در کاخ سفید مراسم عید سعید فطر برگزار می‌شود، امروز حضرت آقا اشاره کردند؛ این همه ابراز علاقه به امام زمان عج نشان‌دهنده این است که مردم از دین برگشتند! در تکمیل این فرمایشات عرض می‌کنم؛ این حرکت در کاخ سفید هم اثرگذار بوده است تا در هیئت دولت آمریکا قبل از شروع کار رسمی دولتشان چند صفحه از انجیل را می‌خواندند و بعد قسم می‌خوردند (البته به‌دروغ) بعد کارشان را شروع می‌کردند.

شخصیت امام در دهه‌ی بیست با امام دهه‌ی چهل

بین فرمایشات امام ره هیچ ثنویتی نیست بلکه یک منظومه یکپارچه است، امام محصول آن منظومه یکپارچه است، برخی سعی دارند در ذهن جوانان ما بکنند که ولایت‌فقیه ثمره انقلاب اسلامی بود، اما باید بدانید انقلاب اسلامی محصول ولایت‌فقیه است، اندیشه سیاسی عمل امام محصول اندیشه عرفانی امام بود، امام در سن ۲۵-۲۷ سالگی مهم‌ترین آثار عرفانی خودشان را به رشته تحریر درآوردند، مثلاً امام بر مبنای قیام الله معتقد بودند، هیچ قیامی به مقصد نمی‌رسد مگر اینکه برای خدا باشد.

اگر بنا است اقتصاد ما، تعلیم و تربیت ما، سیاست و... ما به نتیجه برسد بخش قیام الله و تطبیق هر کدام از این‌ها بر قیام الله را تبیین بکنیم که این خود بخش مهمی از جهاد تبیین است، امام ره با همین قیام الله، ایرانی که ۷۰۰ سال غیر ایرانی بر ایران حکومت کرد، ایرانی که در سال ۱۲۰۶ ش با امضای یک قرارداد که نویسنده آن سرگور اُزولی^۲ با امضای عنصر نفوذی است نشانده انگلستان، میرزا ابوالقاسم خان ایلچی، ۲۵۰ هزار کیلومتر جدا شد، ۱۳۶۰ کیلومتر نوار ساحلی از ایران جدا شد، ایرانی که در سال ۱۲۸۱ ش جنوب را انگلیسی‌ها و شمال آن را شوروی، امتیاز گمرکاتش به بلژیکی‌ها، بنادر

۱. آمار دهه ۷۰ ش

۲. سفیر انگلیس در ایران

ایران را به انگلیسی‌ها دادند، آثار باستانی به تعداد ۵۰۰۰ قطعه فرانسوی‌ها بردند و با این بزرگ‌ترین بخش موزه لوور را رقم زدند^۱ ایرانی در سران دنیا در سال ۱۳۲۲ ش وارد خاکش می‌شوند و شاه مملکت را پشت درهای بسته نگه می‌دارند و اصلاً به او اطلاع نمی‌دهند قرار است جلسه در خاک کشورش داشته باشند.

ایرانی که در زمان پهلوی در سال ۱۳۵۰ بحرین استان چهاردهم را هبه می‌کند به انگلیسی‌ها و دنیای غرب، در آن دوران هرچه آب‌های سرزمینی ایران بود، این ثروت عظیم را نابود کردند، ایرانی که ۲۹۰ مسافرش را در هوا به شهادت رساندند؛ و بعد هم به فرمانده ناو وینسس مدال دادند، امام ره با قیام‌الله و روحی که در این ملت دمید، کار را به‌جایی رساند که امروز این ایران آن‌قدر قوی شده است که وزیر دفاع آمریکا می‌گوید؛ ما باید قدرت بازدارندگی داشته باشیم.

آخرین جمله؛ چند روز قبل بندرعباس بودم، سردار سرافراز اسلام، سردار تنگ سیری می‌گفت، کشتی آمریکایی که گرفتیم از کشتی یونانی درخواست کمک کرده بود و آن‌ها گفته بودند ما نمی‌توانیم کمکتان کنیم، فرمانده موشکی آنجا می‌گفت می‌دانید چرا ناوهای آمریکایی امروز ۳۰۰-۷۰۰ کیلومتر فاصله‌دارند؟ گفت این محصول توحید و بینش توحیدی حضرت امام ره است.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱. در تاریخ نقل است که سال بعد مظفرالدین شاه را به این موزه نبردند که از سکتته در امان بماند.

موضوع؛ انقلاب اسلامی (نماز جمعه تهران)

سخنران؛ استاد حاجتی

تاریخ؛ ۱۴۰۱/۱۱/۲۱

دشمن در چهارچوب مدیریت ادراک آمده تا عاشقان به امت اسلام را نسبت به انقلاب اسلامی را بی‌اعتماد کند، این وظیفه ما که بیش از پیش با عظمت انقلاب اسلامی آشنا بشویم، انقلاب اسلامی آثار فراوانی داشته، در صدر این تحولات باید اشاره کنیم، تمام معادلات بین‌الملل را دست‌خوش تحول کرده است، پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از تحلیل‌گران منصف را معترف کرد که انقلاب اسلامی یک انقلاب متمایز با دیگر انقلاب‌های دنیا است.

خانم تدا اسکاچپول اذعان داشتند انقلاب اسلامی تمام نظریات ما را در خصوص انقلابات اجتماعی به چالش کشید، خدا رحمت کند پروفیسور فلاطوری می‌گفت، حین پیروزی انقلاب اسلامی یکی از اساتید دانشگاهی کلن به نام، پروفیسور متس من رو صدا زد، گفت یک جمله به شما می‌گویم؛ نفس پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، خروش و ظهور و بروز امت حضرت امام در ایران آن‌هم با ندای الله‌اکبر، خدا از همه چیز بزرگ‌تر است، لیبرالیسم غربی را به چالش کشاند، از نظر من جریانات لیبرال در غرب همه به بن‌بست رسیدند، چون آنچه از ایران به گوش می‌رسد یعنی پشت پا زدن به لیبرالیسم و مبانی لیبرالیسم، انقلاب اسلامی نظام بین‌الملل را با چالش جدی مواجه کرد.

این جمله کسینجر را فراموش نمی‌کنیم که؛ آیت‌الله خمینی آن‌قدر تصمیمات او رعدآسا بود که فرصت تصمیم‌گیری را از ما سلب کرده بود،

یک شخصیتی مانند کندروماش، رئیس سرویس جاسوسی فرانسه بود، مشاور ریگان بود، کتابی نوشته تحت عنوان جنگ جهانی چهارم، در آنجا به‌صراحت این مطلب را ذکر کرده است، که با پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث پی از آن جنگ جهانی چهارم آغاز شده است.

نفوذ انقلاب اسلامی جهان را هم خیره کرد، نفوذ انقلاب اسلامی از ارتفاعات هندوکوش تا مرزهای غربی پاکستان، از مرزهای غربی پاکستان تا سواحل شرقی مدیترانه، از شمال آفریقا تا آسیا و غرب آسیا، یک نفوذ بی نظیر پیدا کرد. این نفوذ تا قلب آمریکا و اروپا پیش روی کرد، این نفوذ قلب آمریکای لاتین را درنوردید و امروز این‌ها را باید بازخوانی کرد، امروزه دشمن درصدد است، نقاط قوت انقلاب اسلامی را محو بکند و اگر ما این فتوحات را بازخوانی و بازشناسی نکنیم، درواقع در میدان دشمن بازی کرده‌ایم.

مدتی قبل مسئول نشریه فرانسوی فیگارو مطلبی را به چاپ رساند، که بسیار شنیدنی است، خبرنگار این مجله فرانسوی رفته بود جنوب ایالت تگزاس پادگان گیلن^۱ می‌گوید؛ وقتی به پادگان رسیدم صدایی به گوش رسید، این صدایی نبود؛ غیر اشهد ان لا اله الا الله، از راهنمای خودم سؤال پرسیدم این صدای چیست؟ گفت صدای اذان مسلمین است، تعداد قابل توجهی از افسران این پادگان اخیراً به اسلام گرویدن، این خبرنگار در انتهای گزارش می‌نویسد؛ افسران مسلمان این لشکر من را به مجلس شبانه دعوت کردند، افسر جوخه آتش بار هلی کوپترهای آپاچی این لشکر، به من تأکید کرد؛ مطمئن باش، مطمئن باش آمریکا هم در آینده مسلمان خواهد شد.

این‌ها واقعیات دوران ماست که سران جبهه کفر و صهیونیست را به لرزه درآورده است، همین است که گاهی می‌بینیم برای نابودی انقلاب اسلامی قدم برمی‌دارند همین واقعیات است، ما در چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بسر می‌بریم، بردیم یا باختیم؟

پرده‌ی پندار بردار از میان تا ببینی سود کردی یا زیان اگرچه ما در داخل با مشکلاتی مواجه هستیم، اما با لطف الهی به پیش می‌رویم، آمار می‌گوید که فرانسوی‌ها می‌گویند، تا سی سال دیگر جمعیت مسلمانان در فرانسه بیش از بقیه‌ی

۱. پادگان هجدهم هوآبرد، آمریکا

معتقدین به بقیه ادیان خواهد بود، انقلاب اسلامی تا آمریکای لاتین هم نفوذ کرد. آقای آسایش سفیر سابق ایران در کرواسی نقل می‌کند با دوستان به شیلی مسافرت کرده بودیم، در انتهاالیه شیلی ارتفاعاتی بود، برای برنامه‌ای علمی همین‌طور که قدم می‌زدیم، ما و همراهان و راه‌نمایانمان مان که اهل شیلی بود، رسیدیم به چوپانی که اهل آن منطقه بود، چوپان از راهنمای بنده پرسید؛ این‌ها مال کجا هستند؟ راهنما پاسخ داد ایران، چوپان گفت؛ ایران! آقای آسایش گفتند پرشیا، شاید این‌طور بشناسد که این‌طور هم کارگر نبود، در دلم نوری بود که اگر این کلمه را بگویم می‌شناسد، به آن چوپان گفتم خمینی، خمینی

چوپان یک‌دفعه دستش را بالا آورد و به کف دستش زد و با صدای بلند فریاد زد، همان خمینی که با دستان خالی با مشتی گره‌کرده بر دهان ابرقدرت جهانی زد و آن را بر سر جای خودش نشاند. شما از کشور امام خمینی هستید، این عمق راهبردی جمهوری اسلامی است.

غرب معترف است که هیچ‌گاه در تاریخ خود تا این حد با چالشی مواجهه نبوده است، سرمنشأ این تحول عظیم کیست؟ کسی نیست جزء امام خمینی ره، کیست که از این دستاوردها حفاظت کرده است؟ امام حاضر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که دنیا را متحیر کردند. باایمان و استقامت می‌شود بر این مشکلات چیره شد،

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَالَّا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ)^۱

مردمی که کنار امامشان ایستادند، علیرغم تمام کمبودها و مشکلات، نفوذی‌ها و... اما امامشان را تنها نگذاشتند، این سرمنشأ است، آقای آنتونی گیدنز کتاب جامعه‌شناسی دارد، کتاب منبعی هم تلقی می‌شود، می‌نویسد؛ انقلاب اسلامی یک تحول بزرگ بود، در این قسمت تشویق نیست بلکه تشریح است، چه‌بسا از روی نگرانی تشریح می‌کند، انقلاب اسلامی یک تحول عظیم به وجود آورد و آن این‌که براساس غول‌های

جامعه‌شناسی جهان، مارکس، دورکایم که پیش‌بینی می‌کردند، دین افیون ملت‌هاست، نه تنها دین افیون ملت‌ها نبود، بلکه موتور محرکه ملت‌ها بود، انقلاب اسلامی عظمت‌ها آفرید و معادلات را تغییر داد، سرمنشأ این تغییرات باید بازشناسی بشود و ما در این زمینه دچار فقر امام پژوهی هستیم، این‌ها مبالغه نیست، خبرنگار روزنامه مجله تایم آمریکا در سال ۱۳۶۰ خدمت امام رحمه الله علیه می‌رسد، یک مقداری هم گستاخانه صحبت می‌کند شروع به مصاحبه؛ شما ادعای انقلاب دارید؟

شما با کدام علم اقتصاد می‌خواهد مدیریت کنید؟ شما گوشه فیضیه درس خواندید، شما از اقتصاد نوین چیزی بلد نیستید، راجب علم سیاست چیزی نمی‌دانید، بعد ادعای تغییر و انقلاب در سطح بین‌الملل رادارید؟!

در آن روز امام از کلیدواژه‌ای استفاده کردند که رمز بسیاری از موفقیت‌های ما در حوادث جاری است.

امام فرمودند، آری ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی که به حال به‌وسیله آن تمامی مسائل جهان سنجیده می‌شود را شکسته‌ایم، ما چارچوب جدیدی آورده‌ایم که در آن عدل ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته‌ایم، ما از هر عادلانه دفاع می‌کنیم، و بر هر ظالمی می‌تازیم، این‌ها فرمایشات امام بزرگواری است که به نظر می‌رسد یک مأموریت جهانی داشت، این جمله‌ی امام را به خاطر بسپارید، به جلد ۱۷ صحیفه امام مراجعه کنید، ۲۱ بهمن ۱۳۶۲ امام پیامی صادر می‌کنند، به مناسبت فردای آن روز که ۲۲ بهمن باشد، این پیام را باید بازخوانی بکنیم تا روح قوی‌تری پیدا کنیم، به کید دشمن تسلیم نشویم، تا تحلیل‌های اشتباه ندهیم، تا این‌که نسبت به آینده ناامید نباشیم و ناامید نکنیم، امام یک جمله فرمودند؛ من تبریک می‌گویم به ملت ایران سالگرد ۲۲ بهمن‌ماه که سرآغاز حکومت الله بر زمین است.

دشمن یک‌باره متوجه شد معادلات تغییر کرده است، درحالی‌که داشت برنامه نظم نوین جهانی را تدوین می‌کرد، خصوصاً این گلوبال‌ها و جهان‌وطنی‌ها که دنیا را ببلعند،

کشورهای غرب آسیا را به ۴۸ کشور تقسیم بکنند، و کار را به نفع خودشان یکسره بکنند، مواجه با یک امام و یک انقلاب و یک امت امامی که این‌ها اهداف جهانی در پیش دارند و آن برنامه؛ شکستن معادله جهانی به تصریح حضرت امام، دشمن چه کار کرد؟ با یک مهندسی زیبا، حضرت آقا فرمودند، در قضیه‌ی این اغتشاشات، که در دلم به مهندسی دشمن آفرین گفتم، آنجا هم در آن مراحل دشمن در ابتدای انقلاب اسلامی، یک مهندسی خیلی زیرکانه را اجراء کرد، طراحی و اعمال آن مهندسی چه بود؟ طراحی ارباب پایه^۱ دشمن طوری برنامه‌ریزی کرد، که امام بترسد، امت امام بترسد، امام فرمودند؛ آن دو مأموری که همراه من بودند، دل‌داری می‌دادم، یقین داشتم می‌خواهند من را بکشند به قلبم رجوع کردم به و الله نترسیدم. امام بزرگوار ما را بردند، بازجویی سرلشکر خلعتبری، سند چاپ‌شده قابل‌جست‌وجو کردن هست، مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ کرده است، سرلشکر خلعتبری بازجوی امام می‌نویسد؛ مردی با این استحکام ندیده بودم، فرمود ما را به رسمیت نمی‌شناسد، پهلوی را به رسمیت نمی‌شناسد، امام را یازده ماه به ترکیه، سیزده سال به عراق تبعید کردند، امام هیچ‌گاه نترسید، چون ایمان مجسم بود نترسید، یکی از بزرگان گفت، خدمت امام رسیدم عرض کردم؛ امام چرا هم‌زمان هم نفی شرق می‌کنید هم نفی غرب؟ آن‌ها قوی هستند، ۸۰۰ کلاهک هسته‌ای دارند، آمریکایی که از دریای آدریاتیک تا شمال اقیانوس هند یعنی جزیره‌ی دیگوگارسیا ۴۰۰ پایگاه نظامی ثابت و سیار دارد، بعد از سخن با امام فهمیدم قدرت غرب و شرق برای امام ره حکم دو بال مگس را دارد، برای این‌که عده‌ای خیال نکنند زیاده‌گویی است، «الفضل ما شهدء به الاعداء» به سخنان درجه‌یک امام رجوع می‌کنم؛ آقای گری سیک مشاور ارشد امنیت ملی آمریکا بود، قبل و بعد کارتر، کتابی نوشته همه‌چیز فرومی‌ریزد، ترجمه‌شده صفحه ۱۳۸ کتاب را مراجعه بکنید، می‌نویسد؛ ماجرا آن چنان که می‌خواستیم پیش نرفت، چراکه برخلاف تصور آمریکا آیت‌الله پس از

بازگشت به ایران نقش انفعالی نداشت، بلکه فعال عمل نمود، نه تنها منفعل نبود بلکه با سرسختی برای عملی کردن نظریات خود در خصوص تشکیل حکومت ولایت فقیه اقدام کرد.

امام نه تنها که نترسید بلکه ترساند، آقای هامیلتون جردن، رئیس ستاد کاخ سفید می گوید؛ ما در قضیه گروگان ها در سفارت، به بن بست خورده بودیم، رفتیم در پنسیلوانیا در پترزبورگ سراغ ریچارد کاتن که یک زمانی رئیس میز ایران در سازمان سیا بود، از او درخواست راهکار کردم، گفت؛ آیت الله هدفش تحقیر آمریکا است، تا به این هدف نرسد گروگان ها رها نمی شوند، و رها نکردند، در همان زمان در نظرسنجی که صورت گرفت ۶۵٪ مردم معتقد بودند آیت الله، آمریکا را تحقیر کرد.

در مکتب امام، حضرت آقا تربیت شد، آقایی که اگر نگویی به خاطر سنش بهتر از امام عمل نکرد اما مثل امام عمل کرد،

«مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نَسَّهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره، ۱۰۶) هر آیه ای را که [محتوی حکم یا احکامی است وقتی بر پایه مصلحت یا اقتضای زمان] از میان برداریم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا مانندش را می آوریم. آیا ندانسته ای که خدا بر هر کاری تواناست!؟

در این مکتب افرادی پرورش یافتند مثل حاج قاسم سلیمانی که فرمود؛ من معتقدم در تهدیدها فرصت هایی است که در خود فرصت ها نیست، به شرط این که نترسیم و نترسانیم، نلرزیم، نلرزانیم.

والسلام علیکم الله ورحمة الله وبرکاته